

ویژه جلسات متن خوانی  
الگوی پیشرفت اسلامی (۲)



تأمین نیازهای چهارگانه خانوار در محله به محوریت رفع اصطکاک میان  
اراده‌ها؛ تصویر مطلوب مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

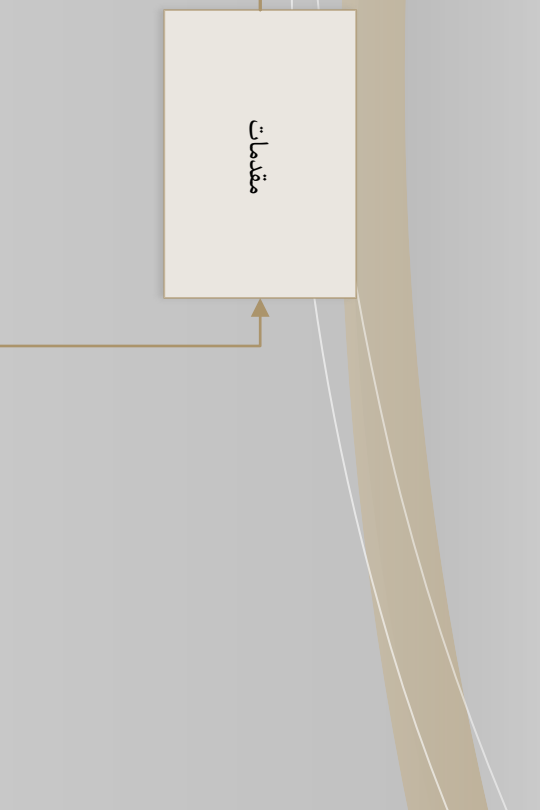
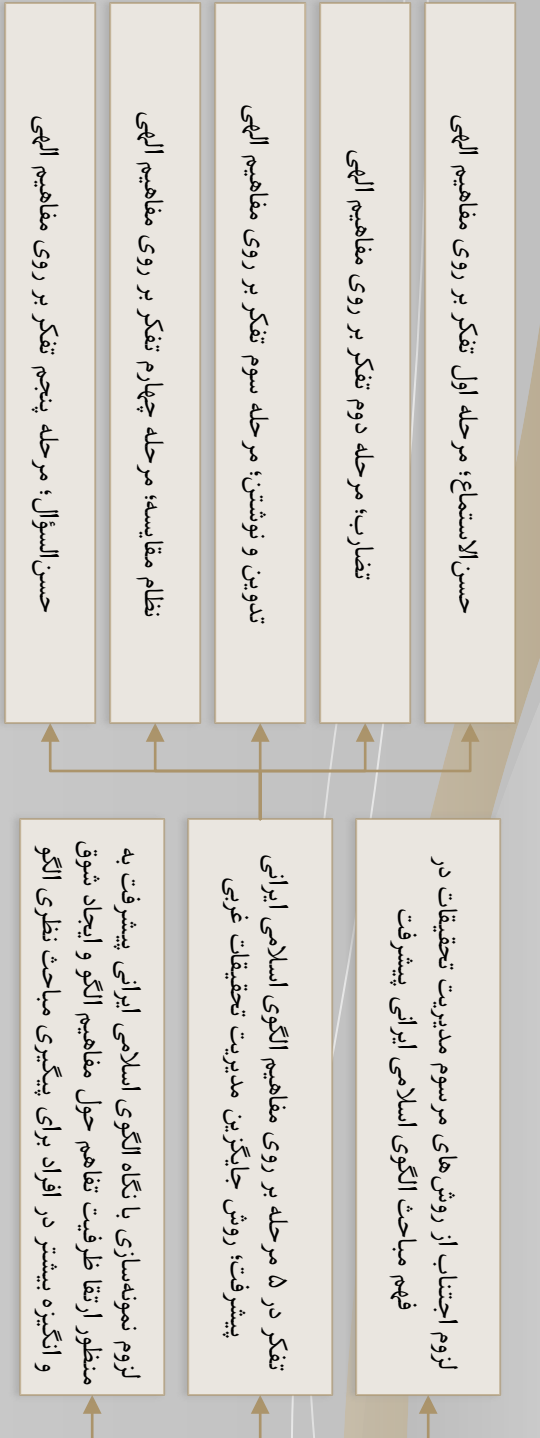
مباحث دوران ثبت ذهنی اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی  
تبیین مفهوم مدیریت شهری از نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت  
دوره ۱۱ جلسه‌ای

تاریخ برگزاری دوره: ۶ الی ۱۶ تیرماه ۱۳۹۵

شورای راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت



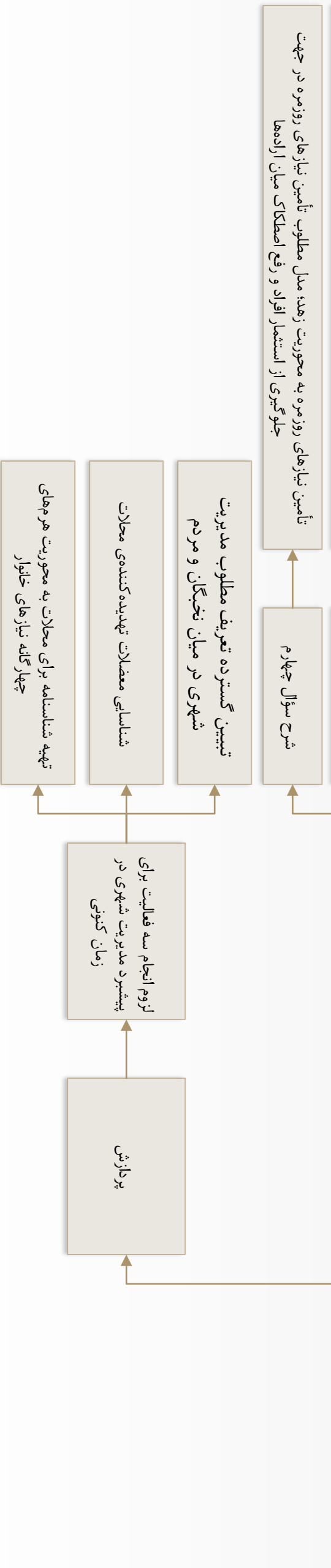
**دوره ۱۱ روزه تبیین مفهوم مدیریت شهری از منظر مفاهیم الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت، تیر ماه ۱۳۹۵ (رمضان المبارک پیشرفت ۱۴۳۲)، حوزه علمیه مروی تهران**



**مدیریت شهری از نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت**



**تأمین نیازهای چهارگانه خانوار در محله به محوریت رفع اصطکاک میان اراده‌ها؛ تصویر مطلوب مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی**



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**عنوان دوره و تدوین‌گران:** تأمین نیازهای چهارگانه خانوار در محله به محوریت رفع اصطکاک میان اراده‌ها؛ تصویر

مطلوب مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی / ابوالفضل آریان پور - سجاد حسن‌زاده

**ارائه‌دهنده‌ی جلسه:** حجت‌الاسلام و المسلمین علی کشوری

**مکان جلسه:** تهران - مدرسه علمیه مروی

**تاریخ جلسه:** ۶ الی ۱۶ تیرماه ۱۳۹۵

**حاضرین در جلسه:** جمعی از طلاب حوزه علمیه مروی و پژوهشگران اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

**تاریخ انتشار:** مرداد ماه ۱۳۹۵

**مشخصات اثر:** ۳۲۸ صفحه رنگی (۲۹،۷\*۲۱ س.م)

**اجمالی از دوره:** یکی از معضلاتی که در حال حاضر گریبان‌گیر هویت اسلامی شده و در حال به خطر انداختن سبک

زندگی اسلامی می‌باشد، نوع مدیریت شهری فعلی است؛ این نوع از مدیریت شهری به دلیل استفاده از تئوری‌های غربی

در اداره شهر علاوه بر اینکه موجب افزایش مستمر هزینه‌های اداره شهر توسط خود شهرداری شده به سکولارشدن افراد

جامعه و حداقلی شدن نگاه افراد نسبت به دین می‌شود. دلیل این مطلب را باید در جایگاه رفیع خانواده دانست؛ بر همگان

واضح و مبرهن است که نگاه‌های حداکثری به دین و فهم دین به صورت عمیق در نهاد خانواده و به وسیله پدر و مادر

اتفاق می‌افتد؛ اما پدر و مادری که فرصت تربیت فرزندان خود را داشته باشند. مشکل در این است که مدیریت فعلی

شهری به دلیل اینکه هرم نیازهای چهارگانه خانوار را در خارج از محله تأمین می‌کند اعضای خانواده فرصت زیادی را

برای در کنار هم بودن ندارند و به تبع این ضیق وقت، پدر و مادر نیز فرصتی برای انتقال نگاه حداکثری به دین را

نخواهند داشت و به این ترتیب زمینه سکولاریسم یا همان نگاه حداقلی به دین به وجود می‌آید.

با توجه به همین ضرورت بود که شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی از میان نظریات مختلف موجود در نقشه راه

برای اداره اسلامی جامعه بحث مدیریت شهری را در دستور کار قرار داد و نخستین دوره تبیین مدیریت شهری از نگاه

الگوی پیشرفت اسلامی را در مدرسه علمیه مروی برگزار کرد. این نشست در طول ۱۱ روز از ساعت ۱۱ صبح تا ساعت

۱۲:۳۰ ادامه داشت و دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در این نشست به تبیین اجمالی مدیریت شهری از

نگاه الگوی پیشرفت اسلامی پرداختند.

نشست حاضر دارای چهار سرفصل بحثی عمده می‌باشد که عبارتند از: ۱. فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت

اسلامی ۲. تعریف مطلوب مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ۳. بازتعریف مدل تأمین هرم نیازهای خانوار

۴. اقدامات عملیاتی برای آغاز اجرایی کردن مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی. این چهار سرفصل،

سرفصل‌های کلی تبیین مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی می‌باشند که در کتاب حاضر مطالب این دوره‌ی

۱۱ روزه در منظر و مرنا خوانندگان محترم قرار داده می‌شود.

سرفصل اولی که باید به آن پردازیم، فلسفه مدیریت شهری است؛ البته مراد از فلسفه، معنای مصطلح موجود این واژه

نمی‌باشد، بلکه مراد هدف کلی و تصویر کلی مدیریت شهری و آرمان مدیران یک شهر می‌باشد. اگر فلسفه مدیریت

شهری مشخص نباشد ما در مدیریت شهر دچار روزمرگی شده و قادر به برنامه‌ریزی صحیح نخواهیم بود. از منظر مفاهیم

اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی فلسفه مدیریت شهری ارتقا امر تربیت است؛ اگر مدیریت شهری تربیت را در

دستور کار خود قرار دهد بسیاری از معضلات جامعه و حتی معضلات خود مدیریت شهری حل شده و هزینه‌های اداره

شهر کاهش خواهد یافت. به عبارت بهتر مدیریت شهری باید یکی از این دو کار را انجام دهد: یا در مدیریت خود به تمام

مسائل شهری مانند اقتصاد شهری، امنیت شهری و ... پردازد و برای اصلاح و بهبود هر یک برنامه‌ریزی جداگانه با

هزینه‌های بالا بکند؛ یا اینکه بر روی موضوعی متمرکز شود که زیرساخت تمام موضوعات یک شهر می‌باشد و مسائلی

مانند امنیت، اقتصاد و ... از آن موضوع متأثر هستند. به نظر می‌آید بهتر است مدیریت شهری بر روی زیرساختی‌ترین

موضوع تمرکز کند تا مدیریت موضوعات دیگر آسان تر و با کیفیت بیشتری صورت گیرد. این موضوع زیرساختی چیست؟ تربیت، زیرساخت تمام موضوعات جهت ساز و موضوعات غیر قابل انکار می باشد و اگر به این مقوله‌ی با اهمیت بپردازیم، تمام موضوعات دستخوش تغییر و تحول می شوند. بنابراین هدفی که مدیریت شهری باید به دنبال آن باشد ارتقا امر تربیت است.

اما ممکن است سؤال شود که مدیریت شهری چه ارتباطی به تربیت دارد؟ به عبارت بهتر درست است که تربیت امر مهمی می باشد؛ اما نهادهای دیگری مانند آموزش و پرورش و رسانه متکفل این امر هستند. پاسخ به این سؤال ما را وارد سرفصل دوم این نشست ۱۱ روزه می کند. به واقع آیا می توان ارتباطی را میان مدیریت شهری و تربیت قائل شد یا خیر؟ پاسخ به این سؤال در گرو تعریف ما از تربیت است؛ اگر ما تربیت را به معنای خواندن احادیث برای افراد بدانیم ارتباط زیادی بین مدیریت شهری و تربیت وجود نخواهد داشت. اما این تعریف از تربیت، تعریف دقیقی نیست؛ تربیت امری ذوابعاد بوده و نیازمند مدیریت است، تربیت صرف بیان معارف اهل بیت علیهم السلام برای افراد نیست، بلکه این موضوع زیرساختی نیازمند لوازم زیادی است. به عنوان مثال کار تربیتی حتماً باید همراه با رفق و نصیح باشد. همچنین در کار تربیتی باید ظرفیت طرف مقابل را در نظر گرفته و مطالب را با مکتب برای او بیان کنیم. با توجه به اینکه تربیت امری گسترده و دارای ابعاد مختلف است نیازمند نهادی می باشد که تکفل آن را بر عهده بگیرد. اما نهاد متکفل تربیت چیست؟ خانواده بهترین و اصلی ترین نهاد تربیت کننده‌ی افراد است، چرا که لوازم مختلف تربیت در این نهاد وجود دارد. تا به اینجا هنوز ارتباط مدیریت شهری و امر تربیت واضح نشده است و برای روشن شدن این امر باید به نکته دیگری توجه کنیم. خانواده از چه عواملی تأثیر می پذیرد و چه عواملی موجب تضعیف نهاد خانواده می شوند؟ در پاسخ باید گفت که نهاد خانواده از دو حیث درون و بیرون تحت تأثیر قرار می گیرد. عوامل درونی، عواملی هستند که در اختیار پدر و مادر می باشند. به عنوان مثال اینکه والدین چگونه با یکدیگر رفتار کنند و مدارا داشته باشند و نزد کودکان یکدیگر را تحقیر و تخریب نکنند، امری است که در اختیار پدر و مادر می باشد. اما دسته‌ای از عوامل از بیرون بر نهاد خانواده اثر می گذارند و در اختیار نهاد خانواده نمی باشند. به عنوان مثال نظام آموزش و پرورش یکی از این عوامل است؛ وقتی نظام آموزشی لوازم زندگی مشترک را به دانش آموزان نمی آموزد و فقط بر روی ریاضی و فیزیک تمرکز می کند، دانش آموزان پس از ازدواج قادر به رفتار صحیح با یکدیگر نخواهند بود و همدیگر را به چالش خواهند کشید و در نتیجه نهاد خانواده تضعیف خواهد شد. نتیجه تضعیف نهاد خانواده نیز از بین رفتن کارکرد تربیتی این نهاد است. از این پس ارتباط بین مدیریت شهری و تربیت واضح می گردد. یکی از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده نحوه‌ی تأمین هرم نیازهای خانوار است. در حال حاضر با توجه به اینکه هرم نیازهای خانوار در محل زندگی آنها تأمین نمی شود اعضای خانواده مکرر از یکدیگر جدا می شوند و وقتی اعضای خانواده در کنار یکدیگر نبودند طبیعتاً پدر و مادر نیز زمانی برای تربیت فرزندان خود نخواهند داشت. بنابراین مدیریت شهری با شیوه‌ی تأمین نیازهای خانوار می تواند موجب تقویت یا تضعیف نهاد خانواده گردد. با توجه به این مقدمات تعریف مطلوب مدیریت شهری مشخص می گردد؛ مدیریت شهری باید شهر را به محوریت محلات اداره کند. البته محله به کدام معنا؟ محل تأمین هرم نیازهای خانوار.

از این پس وارد سرفصل سوم دوره مدیریت شهری می شویم؛ هرم نیازهای خانوار چیست؟ آیا با هر مدلی می توانیم نیازهای خانوار را تأمین کنیم؟ پاسخ منفی است؛ چرا که نیاز شاهراه هدایت انسان است. توضیح بیشتر آنکه هدایت انسان‌ها زمانی اتفاق می افتد که بتوانیم فکر آنها را درگیر کرده و افکار آنها را جهت‌دهی کنیم. با توجه به اینکه انسان‌ها دائماً به نیازهای خود فکر می کنند مدل تأمین نیازها می تواند موجب ضلالت یا هدایت افراد شود؛ یعنی مدل تأمین نیاز علاوه بر اینکه موجب تأمین نیاز افراد می شود، دریچه و راهی است که افراد را به سمت خاصی هدایت می کند. بنابراین ما

باید نیازهای خانوار را با مدلی تأمین کنیم که موجب ارتقا توحید آنها شود. به همین دلیل باید به بازتعریف هرم نیازهای خانوار پرداخته و مدل جدیدی را برای تأمین نیازهای خانوار ارائه دهیم.

اما ملاک اصلی بازتعریف هرم نیازهای خانوار چیست؟ رفع اصطکاک اراده‌های افراد و کاهش نزاع در جامعه، مناسبات و ملاک اصلی مدل تأمین نیازهای خانوار است؛ هرم نیازهای خانوار را باید به گونه‌ای تأمین کنیم که نزاع در جامعه کاهش پیدا کند.

حال به بازتعریف هرم نیازهای خانوار می‌پردازیم. اولین نیازی که خانواده به آن محتاج است، نیاز تفریحی است؛ تفریح رأس هرم نیازهای خانوار است، زیرا اگر افراد کسالت داشته باشند توان حرکت به سمت پیشرفت و تأمین نیازهای خود را نخواهند داشت. اما نکته مهم این است که نباید تفریح را حداقلی معنا کنیم؛ نباید تفریح را به معنای رفتن به پارک و شهر بازی بدانیم. تفریح باید به صورت حداکثری پیگیری شود. تفریح حداکثری به معنای بهبود روابط انسانی است؛ افراد زمانی کسل نخواهند بود و فرح خواهند داشت که از سودی افراد دیگر به چالش کشیده نشوند و خود نیز انسان‌های دیگر را به چالش نکنند. اگر فرد قادر به رفتار صحیح با انسان‌های دیگر نباشد مدام آنها را به چالش کشیده و موجب کسالت آنها خواهند داشت. بنابراین مدل تأمین نیازهای تفریحی باید بتواند روابط انسانی افراد را بهبود ببخشد.

نیاز دومی که نهاد خانواده به آن محتاج است و باید به بازتعریف آن بپردازیم، نیاز تحصیلی است؛ مدل تأمین نیازهای تحصیلی باید چگونه باشد که موجب رفع اصطکاک اراده‌ها شود؟ نظام آموزشی باید آموزش‌های خود را به محوریت انتقال ایثار طراحی کند؛ آنچه که مهم است و باید در نظام آموزشی به آن بپردازیم آن است که سود اجتماعی یا همان ایثار را برای دانش‌آموزان جا بیندازیم؛ چرا که در صورت فرجه شدن ایثار مدارای افراد بالا خواهد رفت و در تعاملات و رفتارهای خود با دیگران موجب به چالش کشیده شدن طرف مقابل خود خواهد شد. بنابراین مدل مطلوب تأمین نیازهای تحصیلی به محوریت رفع اصطکاک، انتقال ایثار و سود اجتماعی به افراد است.

نیاز سوم خانواده چیست؟ نیاز شغلی، سومین نیاز موجود در هرم نیازهای خانوار است. مدل فعلی تأمین نیازهای شغلی به گونه‌ای است که موجب ایجاد تضاد و تعارض میان منافع کارگر و کارفرما می‌شود. با توجه به اینکه سازماندهی افراد در مدل فعلی تأمین اشتغال به محوریت تحریک نیازهای مادی می‌باشد، وقتی سود مادی سرمایه‌دار در خطر قرار گیرد، سرمایه‌دار منافع کارگر را نادیده گرفته و به عنوان مثال تعدیل نیرو می‌کند. تضاد بین منافع کارگر و کارفرما مشکلی است که دنیای غرب قادر به حل آن نمی‌باشد. حالا ما چگونه نیازهای شغلی را تأمین کنیم تا تضاد منافع پیش نیاید؟ راه کار پیگیری الگوهای تولید خانوادگی است؛ بنگاه‌های تولیدی باید به محوریت رفق و صلح رحم تشکیل شوند؛ چرا که در اینصورت افراد به دلیل وجود روابط فامیلی و رفق و محبت در میان خود یکدیگر را به چالش نکشیده و منافع همدیگر را در خطر نمی‌اندازند و در نتیجه اصطکاک اراده ایجاد نمی‌شود؛ بنابراین مدل مطلوب تأمین نیازهای شغلی راه‌اندازی بنگاه‌های تولید خانوادگی است.

چهارمین نیاز خانواده، نیازهای روزمره است؛ در حال حاضر نیازهای روزمره افراد به گونه‌ای تأمین می‌شوند که افراد مصرفی می‌شوند و مدام به دنبال مصرف بیشتر و تنوع هستند. وقتی انسان‌ها مصرفی شدند چه اتفاقی می‌افتد؟ با توجه به اینکه خواسته‌های افراد تمامی ندارد و منابع این جهان محدود هستند افراد برای رسیدن به خواسته‌های به استثمار یکدیگر پرداخته و به حقوق هم تجاوز خواهند کرد و در نتیجه اصطکاک میان اراده‌ها پیش می‌آید. مدل تأمین نیازهای روزمره باید به محوریت زهد به تأمین نیازهای روزمره بپردازد. اگر نیازهای افراد به محوریت زهد تأمین شود، افراد به استثمار و استثمار یکدیگر نخواهند پرداخت و در نتیجه اصطکاک بین اراده‌ها کاهش می‌یابد.

پس از بازتعریف مدل تأمین نیازهای خانوار نوبت به سرفصل چهارم مباحث این دوره ۱۱ روزه یعنی تبیین اقدامات اجرایی می‌رسد. برای پیگیری مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی باید به انجام سه کار همت بگماریم. کار اولین تبیین گسترده تعریف مطلوب مدیریت شهری در مجامع نخبگانی کشور و در میان مردم می‌باشد؛ چراکه در صورت جا نینداختن دیدگاه مطلوب قادر به پیگیری آن در عرصه عمل نخواهیم بود. دومین کاری که باید در حال حاضر انجام دهیم شناسایی معضلات تهدیدکننده محلات هستند؛ در حال حاضر در محله‌های تهران معضلات مختلفی وجود دارند که موجب هدم محله می‌شوند. به عنوان مثال در محله امامزاده یحیی با پدیده‌ای به نام مهاجرت روبرو هستیم. سومین کاری که باید صورت گیرد تهیه شناسنامه محلات به محوریت هرم نیازهای خانوار می‌باشد؛ باید مشخص کنیم که در حال حاضر کدام‌یک از نیازهای خانوار در چه سطحی در محله تأمین می‌شوند و چه نیازهای را می‌توان فراهم کرد.

تأمین نیازهای چهارگانه خانوار در محله به محوریت رفع اصطکاک میان اراده‌ها؛

تصویر مطلوب مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی تدوین‌گران:

ابوالفضل آریان‌پور – سجاد حسن‌زاده

تاریخ انتشار: مرداد ماه ۱۳۹۵

ویراست اول

لازم به ذکر است که برادران میثم گودرزی و مرتضی کرمی در تدوین این دوره‌ی بحثی مشارکت داشته و کمک‌کار بوده‌اند.





## فهرست اجمالی مطالب

- جلسه اول: لزوم اجتناب از مدیریت تحقیقات غربی در فهم الگوی پیشرفت و تفکر بر روی مسأله الگو در پنج مرحله؛ لازمه اول ورود به مباحث مدیریت شهری ..... ۱
- جلسه دوم: فهم معنای نمونه‌سازی با نگاه الگوی پیشرفت و بررسی نمونه‌سازی‌های انجام شده بر اساس نگاه الگو؛ لازمه دوم فهم مباحث الگوی پیشرفت و مدیریت شهری ..... ۳۱
- جلسه سوم: ارتقا امر تربیت؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۶۵
- جلسه چهارم: تأمین نیازهای خانوار در محله به عنوان یکی از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده (نهاد اصلی متکفل تربیت)؛ ارتباط بین مدیریت شهری و ارتقا امر تربیت ..... ۹۷
- جلسه پنجم: مدیریت شهر به محوریت محلات (محله به معنای محل تأمین نیازهای خانوار)؛ تعریف مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۱۲۱
- جلسه پنجم: مدیریت شهر به محوریت محلات (محله به معنای محل تأمین نیازهای خانوار)؛ تعریف مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۱۲۱
- جلسه ششم: نیاز و مدل تأمین آن؛ شاهراه هدایت انسان‌ها به سمت خدا و لزوم بازتعریف هرم نیازهای خانوار بر اساس این تعریف از نیاز ..... ۱۴۹
- جلسه هفتم: رفع اصطکاک میان اراده‌ها و جلوگیری از ایجاد چالش در میان افراد از طریق بهبود روابط انسانی؛ مدل مطلوب تأمین نیازهای تفریحی ..... ۱۷۷
- جلسه هشتم: راه‌اندازی الگوهای تولید خانوادگی به محوریت صله رحم؛ مدل مطلوب تأمین نیازهای شغلی و رفع تعارض منافع کارگر و کارفرما در این مدل ..... ۲۱۱
- جلسه نهم: رفع اصطکاک اراده‌ها از طریق آموزش ایثار به دانش‌آموزان؛ مدل مطلوب تأمین نیازهای تحصیلی ..... ۲۴۵
- جلسه دهم: جلوگیری از استثمار و اصطکاک اراده‌ها از طریق تأمین نیازهای روزمره به محوریت زهد؛ مدل مطلوب تأمین نیازهای روزمره ..... ۲۶۳
- جلسه یازدهم: تبیین نگاه مطلوب مدیریت شهری، شناسایی معضلات تهدیدکننده‌ی محلات و تهیه شناسنامه نیازهای چهارگانه خانوار؛ سه دستور کار فعلی برای تغییر مدیریت شهری ..... ۳۰۳





---

## جلسه اول

---

لزوم اجتناب از مدیریت تحقیقات غربی در فهم الگوی پیشرفت و تفکر بر روی مسأله الگو در پنج مرحله؛ لازمه اول ورود به مباحث مدیریت شهری



۶ تیرماه ۱۳۹۵

نشست تبیین مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

**عنوان جلسه اول و تدوین گران:** لزوم اجتناب از مدیریت تحقیقات غربی در فهم الگوی پیشرفت و تفکر بر روی مسأله الگو در پنج مرحله؛ لازمه اول ورود به مباحث مدیریت شهری / ابوالفضل آریان پور - سجاد حسن زاده  
**ارائه دهنده ی جلسه:** حجت الاسلام و المسلمین علی کشوری

**تاریخ جلسه:** ۱۳۹۵/۰۴/۰۶ **مکان جلسه:** تهران - مدرسه علمیه مروی

**حاضرین در جلسه:** جمعی از طلاب حوزه علمیه مروی و پژوهشگران اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

**مشخصات اثر:** ۲۴ صفحه رنگی (۲۱\*۲۹,۷ س.م) **تاریخ انتشار:** مرداد ماه ۱۳۹۵

**اجمالی از جلسه:** با توجه به معایب و خطراتی که مدیریت شهری فعلی برای هویت اسلامی پیش آورده است شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی بر آن شد تا از میان نظریات مختلف اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی به تبیین یکی از نظریات مهم نقشه راه یعنی مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی پرداخته و با اجرا کردن این مدل و ایجاد نمونه هایی از محله اسلامی از هدم هویت اسلامی جلوگیری به عمل آورد. به همین منظور این دوره ۱۱ روزه در حوزه علمیه مروی برگزار گردید تا مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی به صورت اجمالی تبیین گردد.

در نخستین جلسه از سلسله جلسات مدیریت شهری دبیر شورای راهبردی پیش از ورود به مبحث اصلی مدیریت شهری به تبیین دو مقدمه ی لازم برای فهم مسأله مدیریت شهری می پردازد. در این جلسه، مقدمه اول تبیین می گردد.

اولین لازمه و مقدمه ورود به بحث مدیریت شهری این است که برای فهم مباحث مطرح در این دوره و به صورت عام تر برای فهم مباحث الهی نباید از روش های فعلی مدیریت تحقیقات و مدیریت دانش استفاده کنیم؛ چراکه این مدل ها انسان را زیاد به فکر فرو نمی برند در حالی که اساس رشد انسان ها در اسلام تفکر می باشد. اگر با روش های فعلی مدیریت تحقیقات به یادگیری مباحث الگوی پیشرفت بپردازیم دچار آفات زیادی مانند یکسان انگاری الگوی پیشرفت اسلامی و توسعه غربی خواهیم شد و الگوی پیشرفت را نخواهیم فهمید؛ چون الگوی پیشرفت ابرمسأله ی نظام بوده و فهم آن به تفکر عمیق نیاز دارد.

اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی برای عبور از این آفت روشی پنج مرحله ای را پیشنهاد داده که باید با استفاده از این روش به تفکر در مورد الگوی پیشرفت اسلامی و مدیریت شهری بپردازیم؛ اولین مرحله از مراحل پنج گانه ی تفکر حسن الاستماع است؛ فرد در نخستین مرحله باید مباحث الگوی پیشرفت اسلامی را به خوبی گوش کرده و حسن الاستماع داشته باشد. در گام دوم فرد باید به تضارب آراء پرداخته و دانسته های خود از مرحله ی اول را با کسانی که با او هم جهت هستند در میان بگذارد، از این مرحله به مرحله تضارب تعبیر می شود. سومین مرحله، مرحله کتابت نام دارد؛ فرد پس از اینکه در مرحله اول و دوم علمی را به دست آورد باید به نوشتن آن علم مشغول شود. در چهارمین گام فرد پژوهشگر و کسی که می خواهد با الگو آشنا شود باید به نظام مقایسه بپردازد؛ یعنی فکری که پس از نوشتن به دست آورده است را با کفر باطل و فکر رقیب مقایسه کند تا مردم بتوانند میان این دو فکر مقایسه کنند. آخرین مرحله، مرحله حسن السؤال نام دارد؛ پس از اینکه فرد فکر خود را با فکر باطل مقایسه کرد باید گزارش این مقایسه و گزارش جبهه را به اعضای هم جبهه ای خود بدهد تا نقاط ضعف و قوت مباحث معلوم شود و برای افراد سؤالات خوب ایجاد گردد؛ سؤالاتی که منجر به چالش کشیدن فکر باطل می شوند.

لزوم اجتناب از مدیریت تحقیقات غربی در فهم الگوی پیشرفت و تفکر بر روی

مسأله الگو در پنج مرحله؛ لازمه اول ورود به مباحث مدیریت شهری

تدوین گران: ابوالفضل آریان پور - سجاد حسن زاده

تاریخ انتشار: مرداد ماه ۱۳۹۵

ویراست اول

## فهرست اجمالی مطالب

۱. ارائه تعریف جدید از مدیریت شهری، تعریف مفهوم محله و مشخص کردن نقاط شروع مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی؛ سرفصل‌های سه‌گانه نشستِ روزه تبیین مفهوم مدیریت شهری ..... ۱
۲. لزوم اجتناب از روش‌های مرسوم مدیریت تحقیقات در فهم مباحث الگوی پیشرفت اسلامی به دلیل نیازمندی الگو به فهم و تفکر عمیق و ناتوانی روش‌های فعلی مدیریت تحقیقات در متفکر کردن افراد ..... ۵
۳. تفکر در پنج مرحله بر روی موضوعات (حسن‌الإستماع، تضارب، کتابت، نظام مقایسه و حسن‌السؤال) در عوض استفاده از روش مدیریت تحقیقات؛ مقدمه اول فهم مباحث الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۸
- پرسش و پاسخ ..... ۱۸
۱. مرحله حسن‌الإستماع؛ مرحله فعلی علاقه‌مندان به بحث مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۱۸
۲. مبارزه با جریان توسعه‌گرا و تعمیم تفکر انقلاب اسلامی به حوزه مدیریت شهری؛ هدف نشست ۱۱ روزه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۱۸
۳. لزوم اجتناب از مدیریت تحقیقات فعلی و لزوم استنباط روش صحبت‌کردن با مردم و به فکر فروبردن آنها از آیات و روایات ..... ۲۱
۴. الگوی حفظ جهت؛ الگوی مورد استفاده‌ی نقشه راه برای پژوهش مباحث مرتبط با الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۲۲

لرؤم اجتناب از مدیریت تحقیقات غربی در فهم الگوی پیشرفت و تفکر بر روی مسأله الگو در پنج مرحله؛ لازمه اول ورود به مباحث مدیریت شهری





**۱. ارائه تعریف جدید از مدیریت شهری، تعریف مفهوم محله و مشخص کردن نقاط شروع مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی؛ سرفصل‌های سه‌گانه نشست روزه تبیین مفهوم مدیریت شهری**

**۱/۱. مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی؛ دومین نمونه‌سازی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی**

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین لا سیما بقیة الله فی الارضین ارواحنا لتراب مقدمه الفداء و عجل الله تعالی فرجه الشریف.

از اینکه برادران گرامی و خواهران محترم وقت گذاشته و در ماه مبارک رمضان برای شرکت در دوره‌ی بسیار مهم تبیین «مفهوم مدیریت شهری از منظر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» تشریف آوردند تشکر می‌کنیم. همانطور که برادر عزیزمان جناب آقای آقای<sup>۱</sup> خدمت شما گزارش دادند، داستان این دوره به داستان نمونه‌سازی با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت باز می‌گردد؛ در واقع به دلیل اینکه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در **مرحله پرورش**<sup>۲</sup> خود قرار دارد، مهمترین

---

۱. آقای محمدرضا آقایی مسئول کمیته ارتباطات شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی و از کارشناسان شورا  
۲. بر اساس بسته افق‌نمایی برای تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت ما باید سه دوره را طی کنیم تا الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت محقق شود. دوره‌ی اول فعالیت‌های مرتبط با الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، دوره‌ی پژوهش برای الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است؛ یعنی کسانی که وارد گود می‌شوند و می‌خواهند مسأله‌ی الگوی اداره‌ی کشور را با نگاه دینی حل و فصل کنند ابتدا باید در دوره‌ای به پژوهش بپردازند. در دوران پژوهش برای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت هدف اصلی این است که ما از ابهام نسبت به مسأله الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت خارج شویم.





راهی که به پرورش این موضوع کمک می‌کند - که البته سریع‌ترین راه‌هاست - توجه به نمونه‌هایی است که با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت - به فضل الهی - در حال تولید هستند. ان‌شاءالله اگر فضل خداوند متعال شامل حال همه ما شود بنده در این ۱۱ روز برای اولین بار به صورت تفصیلی معنای مدیریت شهری را از منظر فکر اسلامی تشریح خواهم کرد. اینکه عرض می‌کنم "به صورت تفصیلی" مرادم نسبت به کارهایی است که تا به حال نسبت به مدیریت شهری با فکری اسلامی انجام شده است ولی به نظر بنده برای اینکه بتوانیم ابعاد جدید این مسأله را خدمت دوستان بشکافیم، حدود یک سال زمان نیاز داریم.

اگر دوستان، پیگیر مباحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بوده باشند، باید از نمونه‌سازی اول<sup>۳</sup> نیز تصویری در ذهن داشته باشند. بنده در خاطر دارم که برای نمونه‌سازی اول در تاریخ دی‌ماه ۱۳۹۳ یادداشتی را در فضای مجازی منتشر کردم که در آن به محضر نخبگان این پیشنهاد را داده بودم که: «اگر می‌خواهید نظام برنامه‌ریزی بیمار فعلی را اصلاح کنید، باید بدانید راه آن، تشکیل هسته‌های توازن فرهنگی در نظام برنامه‌ریزی کشور است.»<sup>۴</sup> آن یادداشت در حدود یک‌سال به چند هزار صفحه‌ی بحثی تبدیل شد که به کمک آنها توانستیم پیشنهاد خود را شرح دهیم.<sup>۵</sup> در مسأله مفهوم مدیریت شهری نیز در اواخر سال ۱۳۹۳ در گفت‌وگو با روزنامه شهرآرای شهر مشهد<sup>۶</sup> یک جمله را مطرح کردیم؛ در آنجا بنده عرض کردم که: «مدیریت شهری از نگاه اسلامی محله‌محور است.»<sup>۷</sup> همه حرف ما در این نمونه‌سازی همین مطالب است. حال اینکه لازم است به چه مقدمات مفهومی‌ای توجه شود تا مفهوم ضرورت مدیریت محله‌ای درک شود، یکی از سطوح بحثی‌ای است که در این دوره آن را مطرح خواهیم کرد.

**۱/۲. تعریف مدیریت اسلامی شهر به مدیریت محله محور؛ سرفصل اول نشست ۱۱ روزه تبیین مفهوم مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت**

دوره‌ی دومی که لازم است الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت آن را طی کند تا به تحقق برسد، دوران پرورش الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نام دارد؛ دوران پرورش الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، دورانی است که پژوهش‌های مرحله‌ی قبل را به تفاهم نخبگان و مدیران جامعه می‌گذاریم. به چه غرض؟ به این غرض که نخبگان جامعه این بحث‌ها را شنیده، وارد نقد و بهینه‌ی آنها شده و مباحث را تکمیل کنند و عیوب احتمالی الگو را بحث کنند. بعد از اینکه دوران پرورش به سلامت طی شد به صورت طبیعی دوره‌ی سوم تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت شروع می‌شود که ما از آن به دوره‌ی پردازش الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت تعبیر کرده‌ایم. دوره‌ی پردازش الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، دوره‌ای است که الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت عملیاتی و اجرا می‌شود و زمان به کارگیری این الگو در اداره‌ی کشور فرا می‌رسد.

*جلسه اول از سلسله تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه در رادیو معارف ۱۳۹۵/۰۴/۱۶*

۳. اولین نمونه‌سازی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه نام دارد. پیوست الگو به این غرض تهیه شده است که دولت‌سازی اسلامی را در چهارمحور در برنامه ششم توسعه دنبال کند. این پیوست دارای ۵ ساختار بحثی می‌باشد: ۱. دلیل عدم موفقیت نظام برنامه‌ریزی کشور در طول هفتادسال گذشته چیست؟ ۲. انتظار انقلاب اسلامی از نظام برنامه‌ریزی کشور چیست؟ ۳. نقطه‌ی شروع دولت‌سازی اسلامی کجاست؟ ۴. راهکار شناسایی، تبیین و رفع عدم توازن‌های فرهنگی چیست؟ ۵. عدم توازن‌های فرهنگی حاذا کشور کدامند؟

*رجوع شود به گفت‌وگوی دبیر شورای راهبردی الگوی اسلامی با خبرگزاری مهر در مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۰۳*

۴. این یادداشت در مهرماه ۱۳۹۳ منتشر شده است.

برای مشاهده‌ی یادداشت به این آدرس مراجعه کنید: <http://nro-di.blog.ir/1393/07/10>

۵. اسناد پشتیبان پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه شامل ۱۹ دوره‌ی بحثی و ۶ نشست موضوعی و ۲۰ جلسه موضوعی می‌باشد که از مبانی نظری تا احکام اجرایی الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه را گردآورده و در شهرها و استان‌های مختلف کشور تبیین شده‌اند. این اسناد نزدیک به ۳۰۰۰ صفحه بحث را در درون خود گنجانده‌اند.

لازم به ذکر است که دوره‌های بحثی، دوره‌هایی هستند که تعداد جلسات آنها بیش از ۵ جلسه می‌باشد و نشست‌های موضوعی، نشست‌هایی با جلسات بین ۲ تا ۵ جلسه را شامل می‌شوند.

۶. روزنامه شهرآرا به صاحب امتیازی مؤسسه فرهنگی شهرآرا، سومین روزنامه مشهد به حساب می‌آید. مدیرعامل این مؤسسه محسن بذرگری هاشمی است.

۷. این یادداشت در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۳ انتشار یافته است.

برای مشاهده یادداشت به این آدرس مراجعه کنید: <http://nro-di.blog.ir/1394/04/08-2>



۱/۳. ارائه تعریف جدید از محله (سپر حمایت از نهاد خانواده) به دلیل نبود تعریف جامع و کامل از محله؛ سرفصل دوم نشست ۱۱ روزه تبیین مفهوم مدیریت شهری از نگاه الگو

یک سطح دیگر از بحث این است که محله از نظر اسلامی یعنی چه؟ عرض خواهیم کرد که محله، سپر حمایت از نهاد خانواده است، محله یا محیط همسایگی تعریفی است که اسلام برای نوع مدیریت شهری ارائه کرده است. لذا نباید تلقی کنیم که مثلاً نوع نگاه محله‌ای که در شهرداری تهران رواج پیدا کرده، نگاه مطلوبی می‌باشد. البته ممکن است این موضوع یک قدم محسوب شود و مثلاً نگاه ما در شهرداری تهران، شهرداری مشهد و جاهای دیگری اینگونه باشد که مدیریت، حتماً باید محله‌ای باشد اما باید توجه کنیم که عیب اساسی این است که ما تعریفی از محله در اختیار نداریم. بنابراین یک سطح از مباحثی که در ما این دوره بر روی آن تمرکز خواهیم کرد این است که به فضل الهی مفهوم محله را از منظر وحی بازخوانی خواهیم کرد. این مسأله مهم است که ما دغدغی نگاه دینی و نگاه حجیت‌یافته داریم، در ادامه این موضوع را بحث خواهیم کرد.

۱/۴. مشخص کردن نقاط شروع عملیاتی کردن مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت؛ سرفصل سوم نشست ۱۱ روزه تبیین مفهوم مدیریت شهری از نگاه الگو

نکته سومی که باید به آن توجه کنیم این است که وقتی این تعاریف را با هم مرور کردیم و به پذیرش رسیدند باید مشخص کنیم که کار را از کجا شروع کنیم. این هم نکته مهمی است، آیا در حال حاضر می‌توان کار را عملیاتی کرد یا خیر؟ به نظر ما باید در حوزه شورای شهر و شهرداری‌ها کار را شروع کرد. اینکه "نقطه آغاز دقیقاً کجاست؟" را هم باید بحث کنیم.<sup>۸</sup> فرض بفرمایید در بحث نمونه‌سازی اول ما گام اول خود را تصرف در برنامه ششم کشور تعریف کردیم، حال گام اول برای حرکت به سمت مدیریت شهری از نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت چیست؟ باید این مفاهیم را با یکدیگر بحث کنیم.

۱/۱/۱. زیـــــادبودن هزینه‌های مدیریت شهر به روش فعلی؛ ضرورت اول ارائه تعریف جدید از مدیریت شهری

بنده به قدری که با دوستان کارشناس در حوزه شهری در طول یک دهه گفت‌وگو داشته و در این مباحثات علمی خدمت آنها محشور بودم در مجموع این تلقی را دارم که همه قبول دارند نوع مدیریت شهری فعلی چالش‌های فراوانی دارد، یکی از آن چالش‌ها، چالش هزینه‌های مدیریت شهری است؛<sup>۹</sup> به هر حال دخل و خرج شهرداری‌ها با هم نمی‌سازد و در جاهای مختلفی بحران ایجاد کرده است.

۱/۱/۲. نبوده افق با هویت اسلامی برای شوراهای شهرها در مدیریت شهری فعلی و در نتیجه نهادینه شدن سکولاریسم و به چالش کشیده شدن امنیت ملی؛ ضرورت دوم ارائه تعریف جدید از مدیریت شهری

یکی دیگر از آن چالش‌ها این است که شوراهای شهر ما نمی‌توانند یک افق با هویت اسلامی برای خود تعریف کنند. راجع به تهران که باید گفت: از حیث هویت اسلامی تقریباً شهری از دست رفته محسوب می‌شود، یعنی [در حال حاضر] شهر تهران کاملاً دارای معضلات حاد اجتماعی شده است<sup>۱۰</sup> که این موارد ناشی از آن است که تعریف مشخصی از مدیریت شهری وجود ندارد. راجع به

۸. بنابراین یک بحث مفصلی داریم و بنده از خداوند متعال تقاضا می‌کنم تا این بحث رزق ما قرار دهد و ما بتوانیم بخش قابل توجهی از این بحث را در این ۱۱ روز محضر دوستان عزیز گزارش دهیم.

انتقال از متن

۹. به گزارش خبرگزاری فارس، در جریان بررسی لایحه بودجه سال ۹۵ شهرداری تهران علیرضا دبیر با اشاره به وجود زمان کافی برای بررسی این لایحه تأکید کرد: علاوه بر اینکه شهرداری در زمان تعیین شده لایحه بودجه را به شورا ارائه کرد؛ کمیسیون‌های شورا نیز به سرعت فعال شدند و با تشکیل کمیسیون تلفیق؛ کلیات و سقف درآمدی بودجه به تصویب رسید.

رییس کمیسیون برنامه و بودجه شورای اسلامی شهر تهران با اشاره به حضور برخی از اعضا علاوه بر روسای کمیسیون‌ها در کمیسیون تلفیق توضیح داد: همه اعضا و روسای کمیسیون‌ها برای بررسی لایحه بودجه زمان کافی را صرف کرده‌اند و پیشنهادات در کمیسیون تلفیق بررسی شد. همانطور که دوستان مطلع هستند کمیسیون تلفیق با کاهش بودجه پیشنهادی شهرداری موافقت کرده و رقم پیشنهادی ۱۸ هزار و ۷۱۶ میلیارد تومانی شهرداری را به ۱۷ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان کاهش داده است.

خبرگزاری فارس، کد خبر: ۱۳۹۴/۱۱/۱۱۱۱۰۰۱۱۷۳

۱۰. از معضلات حاد شهر تهران می‌توان به طلاق ۳۸ درصدی شهر تهران، آمار بالای افراد معتاد، آمار بالای جرم و ... نام برد. مشاور وزیر دادگستری با اشاره به افزایش ۸ درصدی طلاق در ۹ ماهه سال ۹۴ نسبت به سال گذشته گفت: از هر ۱۰۰ ازدواج در تهران ۳۸ مورد به طلاق می‌انجامد.

خبرگزاری مهر، کد خبر: ۳۰۳۷۶۴۷



شهر مشهد هم به همین شکل است؛ بنده مکرر عرض کردم که در یک یا دو دهه آینده، شاید شهر مشهد به یک شهر کاملاً توریستی تبدیل شود؛<sup>۱۱</sup> در حال حاضر مشهد را به محوریت اقتصاد باز تعریف می‌کنند و حتی نگاه آنها به مفهوم زیارت نیز بر پایه اقتصاد است. آنها سه نوع توریسم را تعریف می‌کنند؛ توریسم زیارتی، توریسم تفریحی و توریسم پزشکی، یعنی اقتصاد را پایه‌ی شهر قرار می‌دهند.<sup>۱۲</sup> متأسفانه آن قدر امثال ما ورود پیدا نکرده‌ایم و حوزه‌های علمیه در این مسأله تنبلی نموده‌اند که در حال حاضر با معضل "نگاه اقتصادی به زیارت" روبرو هستیم. اگر شما مفهوم زیارت را مبتنی بر روایات نگاه کنید، زیارت یک طریق و یکی از مناسک مهم برای گسترش ایثار در جامعه است؛ چون زیارت امام راهی برای رشد انسان است و ما می‌دانیم که مطابق با روایات و آیات شریف قرآن، رشد انسان‌ها از طریق گسترش ایثار ایجاد می‌شود.<sup>۱۳</sup> ما نمی‌توانیم در یک جامعه مراحل رشد یافته‌گی را تصور کنیم مگر اینکه مراحل شکل‌گیری ایثار یک انسان را در زندگی فردی و اجتماعی تعریف کنیم.<sup>۱۴</sup> مسأله ایثار مسأله بسیار مهمی است و یکی از مناسک جدی‌ای که برای گسترش ایثار داریم **معرفة الإمام** بوده که یکی از مناسک معرفة الإمام هم مسأله‌ی زیارت است، بعدها سر جای خود در مورد زیارت بحث خواهیم کرد. ولی از نگاه مدیریت شهری زیارت در مشهد دقیقاً در حال تبدیل شدن به ضد خود است؛ یعنی مدیران شهری به جای اینکه هزینه کنند تا زیارت با کیفیت شود، این موضوع را بررسی می‌کنند که زیارت چقدر بازده و درآمد دارد، این مصیبت عصر ما است. بنده در گفت‌وگوها، مناظرات و در نوشته‌های مختلف این موضوع را مطرح

دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر از تغییر نوع مصرف معتادان استان تهران خبر داد و گفت: متأسفانه مصرف معتادان به سمت روانگردان‌ها سوق پیدا کرده است؛ ۱۶ هزار معتاد متجاهر در استان تهران وجود دارد.

خبرگزاری تسنیم، کد خبر: ۱۱۲۷۰۴۶

ایلام با ۸ هزار و ۲۰۰ پرونده، یزد با ۶ هزار و ۷۸۰ پرونده و تهران با ۶ هزار و ۱۰۹ پرونده سه استان جرم‌خیز کشور هستند.

خبرگزاری فارس، کد خبر: ۱۳۹۴۰۳۲۶۰۰۰۸۲۱

۱۱. این مطلب توسط دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در تاریخ ۱۱ بهمن‌ماه ۱۳۹۴ در مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلامی در محل قرارگاه ولی امر بیان شده است.

برای مطالعه‌ی گزارش این جلسه به این آدرس مراجعه کنید: <http://nro-di.blog.ir/1394/11/12>

۱۲. یکی از انواع گردشگری، گردشگری مذهبی است. صاحب نظران صنعت گردشگری بر این باورند که به لحاظ موقعیت فرهنگی - مذهبی خاص ایران در میان کشورهای دیگر، گردشگری مذهبی جای رشد و توسعه بسیاری در کشور ما دارد؛ با این وجود گردشگری مذهبی در ایران با وجود ۸ هزار و ۹۱۹ مکان مذهبی مقدس، هنوز فاقد ساماندهی تخصصی و متمرکز بوده و این وضعیت نابسامان حتی در شهرهای مهمی چون مشهد و قم نیز مشاهده می‌شود.

این در حالی است که از این تعداد، دست کم ۴ هزار و ۳۱۹ اثر در زمره‌ی آثار ثبت شده در فهرست میراث ملی نیز قرار دارند و علاوه بر داشتن جاذبه زیارتی، دارای جاذبه‌های فرهنگی - تاریخی هم هستند.

به جز کلانشهر مشهد که به تازگی سرمایه‌گذار خارجی برای گردشگری مذهبی در آن فعال شده، برای هیچ یک از این ۸ هزار و ۹۱۹ نقطه، بسط سرمایه‌گذاری مشخصی از نظر زیرساخت‌های گردشگری اعم از هتل، وسایل حمل و نقل و تور تعریف نشده است.

وبسایت دکتر بهمن ابراهیمی حسین زاده (عضو هیأت علمی دانشگاه تهران) <http://www.dr-bahmanebrahimi.ir/index.php?newsid=227>

۱۳. به عنوان مثال خدای متعال در قرآن شریف فقط کسانی که اهل جهاد هستند - که نهایت ایثار نیز جهاد در راه خدا می‌باشد - را به عنوان رستگاران معرفی کرده است:

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ / آیه ۲۰ سوره مبارکه توبه

آنها که ایمان آوردند، و هجرت کردند، و با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد نمودند، مقامشان نزد خدا برتر است؛ و فقط آنها پیروز و رستگارانند.

۱۴. حال در همین جلسه هم عرض کنم که علت اصلی تأکید اسلام به مسأله‌ی مهم ازدواج و تشکیل نهاد خانواده این است که نهاد خانواده یک بستر طبیعی ست برای اینکه ایثار در انسان زودتر ارتقا پیدا کند. وقتی انسان، مجرد و تنها خودش است، به صورت طبیعی مطابق میل خود عمل می‌کند؛ اما وقتی ازدواج کرد - خصوصاً در سنین پایین - به صورت طبیعی مجبور می‌شود که طرف مقابل خود را نیز ملاحظه کند و همینکه می‌خواهد در تصمیمات خود طرف مقابل خود را ملاحظه کند، به صورت بنیادین منیت در او شکسته خواهد شد، به دلیل اینکه نمی‌تواند فقط با میل خود تصمیم بگیرد؛ زیرا اگر تنها با میل خود تصمیم بگیرد خانواده‌اش به چالش کشیده خواهد شد.

انتقال از متن

کرده‌ام اینکه ما همه چیز را به محوریت اقتصاد بسنجیم، سرطان نظام برنامه‌ریزی حال حاضر است، این، بیماری مهلکی است که اگر به سمت علاج آن حرکت نکنیم، همه چیز ما را به چالش کشیده خواهد شد.

بنده در طول دوره شرح خواهیم داد که مثلاً وقتی در شهر تهران با ۳۸ درصد طلاق روبرو هستیم،<sup>۱۵</sup> باید بدانیم که علت عمده‌ی آن، نحوه مدیریت شهری است، در حال حاضر مدیریت شهری، زیرساخت سکولاریسم<sup>۱۶</sup> است و این مدیریت شهری زیرساخت‌های امنیت ملی را به چالش خواهد کشید، ما به همه این مباحث در طول این دوره خواهیم پرداخت.

بنابراین داستان مدیریت شهری، داستانی نیست که به عنوان یک امر مستحب به آن نگاه کنیم، همانطور که عرض شد در حال حاضر یک نگاه سکولار در [ذهن] مدیران شهری مشهود قابل مشاهده است. الآن در تهران با چالش مهم فروپاشی بیش از یک سوم نهادهای بنیادین جامعه یعنی نهاد خانواده روبرو هستیم. این موارد باید مورد بحث قرار گیرند و راجع به آنها علاجه پیدا شود. اینکه ما بنشینیم و آقایان در شورای شهر برای تحقق یک تک‌متغیر [یعنی متغیر اقتصادی - ] مانند تأمین هزینه‌های شهر، مصوبه‌ای را بدون پیوست فرهنگی، بدون زاویه دید اجتماعی و بدون رعایت مباحثی که باید در حوزه فرهنگ ببینند تصویب کنند، جزء خطراتی است که هر روز اتفاق می‌افتد و کسی نیست که آنها را نقد کند. بنده ان‌شاءالله ناظر به این ضروریاتی که عرض کردم وارد بحث خواهم شد. اگر پیشخوان نشست را مطالعه کرده باشید، در این پیشخوان، دو موضوع به عنوان محور مباحث مشخص شده‌اند که آنها را بحث خواهیم کرد؛ موضوع اول اینکه بحث مدیریت شهری، ریشه‌ی سکولاریسم است؛ پدیده سکولاریسم در ایران در حال گسترش است و ما - به عنوان کسانی که آرمان‌گرایی واقع‌بینانه را دنبال می‌کنند - باید این موضوع را بپذیریم. حال باید چه کار کرد؟ به نظر بنده باید مدیریت شهری را به سرعت بازتعریف کنیم. مسأله‌ی دوم هم مسأله امنیت ملی ایران است که اول باید امنیت را بازتعریف کنیم؛ ان‌شاءالله اینکه "مفهوم امنیت چیست و مدیریت شهری به چه شکلی به مفهوم امنیت و دفاع بازگشت دارد؟" را بحث خواهیم کرد. همانطور که عرض کردم امیدوارم بتوانیم این حجم سنگین مباحث - که شاید حدود ۱۰ سال ذهن ما را درگیر خود کرده است - را محضر دوستان گزارش بدهیم.

## ۲. لزوم اجتناب از روش‌های مرسوم مدیریت تحقیقات در فهم مباحث الگوی پیشرفت اسلامی به دلیل نیازمندی الگو به فهم و تفکر عمیق و ناتوانی روش‌های فعلی مدیریت تحقیقات در متفکر کردن افراد

بنده مقدماً در این جلسه دو مطلب بسیار مهم را عرض می‌کنم که فهم آنها هم برای فهم این دوره مدیریت شهری و هم برای کل فضای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت - اگر مایل به دنبال آن بودید - مفید است. بنده از کسانی که بعداً متن جلسه را خوانده و یا صوت جلسه را گوش می‌کنند و

۱۵. مشاور وزیر دادگستری با اشاره به افزایش ۸ درصدی طلاق در ۹ ماهه سال ۹۴ نسبت به سال گذشته گفت: از هر ۱۰۰ ازدواج در تهران ۳۸ مورد به طلاق می‌انجامد.

خبرگزاری مهر، کد خبر: ۳۰۳۷۶۴۷

۱۶. سکولاریزم، یک مکتب، مرام و ایدئولوژی است که حاصل نهضت روشنفکری است؛ به طرز تفکرهایی مانند دنیامداری، دنیاگرایی، دنیازدگی، دنیاپرستی، جدانگاری دین و دنیا، جدا شمردن دین از سیاست و غیره، سکولاریزم یا سکولاریسم اطلاق می‌گردد. قاتلان و مبلغان این ایدئولوژی آگاهانه همه‌ی اشکال اعتقاد به امور و مفاهیم ماورای طبیعی و وسایط و کارکردهای مختص به آن را طرد و تخطئه می‌کنند و از اصول غیر دینی و ضد دینی به عنوان مبنای اخلاق شخصی و سازمان اجتماعی حمایت می‌کنند. اما سکولاریزاسیون، یک پدیده خارجی است که در جامعه و جهان خارج تحقق می‌یابد. فرآیندی که در طی آن، اندیشه، اعمال و نهادهای دینی، نقش و اهمیت اجتماعی خود را از دست می‌دهند.

ویلسون، براین، فرهنگ و دین، مقاله جدانگاری دین و دنیا، ترجمه: دکتر مرتضی اسعدی ص ۱۲۶



دوستان محترمی که وقت گذاشته و در این دوره شرکت می‌کنند تقاضا دارم که واقعاً این دو مقدمه را ورودی بحث دانسته و به آنها توجه کنند.

یک مقدمه این است که به نظر بنده دوستان و کسانی که می‌خواهند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را فهم و هضم کنند و هر کسی که در جهان اسلام به دنبال فهم مسأله الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است نباید از روش‌های مدیریت تحقیقات<sup>۱۷</sup> و روش‌های آموزش دانش موجود برای فهم الگو استفاده کند. بنده در همین قسمت به صراحت عرض می‌کنم که اگر شما و کسانی که راجع به گفتمان الگو کار می‌کنند با همین مدل‌های مدیریت تحقیقاتی که در دانشگاه بحث می‌شود به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نگاه کنند [مسأله الگو را فهم و درک نخواهند کرد].<sup>۱۸</sup> بالآخره مدیریت تحقیقات یک علم محسوب می‌شود و به نظر من مضرترین علوم برای هویت دینی جامعه همین مدیریت تحقیقات فعلی است، به دلیل اینکه منجر به گسترش تفکر نمی‌شود و هر کجا تأمل به چالش کشیده شود، اسلام به چالش کشیده خواهد شد؛ چون اسلام یک دین تفکر بنیان است و هر چه انسان‌ها راجع به مسائل اسلامی بیشتر به فکر فرو بروند، هدایت یافته‌تر خواهند شد.<sup>۱۸</sup> برخی همیشه دأیشان است که آیات قرآن را عصبین<sup>۱۹</sup> کرده و بیان می‌کنند. به عنوان مثال زیاد شنیده‌اید که می‌گویند «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» جریان روشنفکری این عبارت را زیاد استفاده می‌کند و برخی از دوستان خودمان هم به دلیل اینکه این عبارت را شنیده‌اند، زیاد تکرار می‌کنند. در حالی که وقتی شما آیه الکرسی را مطالعه می‌کنید، عبارت بعد از فقره بالا می‌فرماید «فَدَّبَّيْنِ الرَّشْدِ مِنَ الْغَيِّ»؛<sup>۲۰</sup> یعنی این تبیینی که اتفاق می‌افتد باعث می‌شود که فکر اسلامی ذهن‌ها را درگیر کند<sup>۲۱</sup> و وقتی فکرها

### 17. Knowledge management is the planning, organizing, motivating, and controlling of people, processes and systems in the organization to ensure that its knowledge-related assets are improved and effectively employed.

مدیریت دانش به معنای طراحی، سازماندهی، ایجاد انگیزه و کنترل مردم و استفاده از فرایندها و سیستم‌ها در سازماندهی به منظور اطمینان از این است که اقلام مرتبط با دانش بهبود یابند و به شکل مؤثر بکارگیری شوند.

ویلیام آر. کینگ؛ مدیریت دانش و سازماندهی یادگیری، ص ۴

[http://www.uky.edu/~gmswan3/575/KM\\_and\\_OL.pdf](http://www.uky.edu/~gmswan3/575/KM_and_OL.pdf) / درس دریافت مقاله

۱۸. وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كُنَّا آبَاءَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ سَيِّئًا وَلَا يَهْتَدُونَ / آیه ۱۷۰ سوره مبارکه بقره هنگامی که به آنان [که مشرک و کافرند] گفته شود از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید، می‌گویند: [نه!] بلکه از آیینی که پدرانمان را بر آن یافتیم پیروی می‌کنیم. با وجود اینکه پدرانمان چیزی نمی‌فهمیدند، و هدایت نمی‌شدند. مطابق با این آیه‌ی شریفه هدایت انسان‌ها به تعقل آنها وابسته می‌باشد؛ چراکه خداوند متعال می‌فرماید پدران مشرکان تعقل نمی‌کردند و در نتیجه هدایت نمی‌شدند.

۱۹. وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِ وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ \* لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَخَافُوا مِنْكُمْ وَكَانُوا مُؤْمِنِينَ \* وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ \* كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ \* الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ / آیه ۸۷ تا ۹۱ سوره مبارکه حجر

همانا ما به تو سوره حمد و قرآن با عظمت را عطا کردیم «۸۷» پس به آنچه [از امکانات مادی] که اصنافی از کافران را از آن بهره‌مند ساخته‌ایم چشم ندوز! و بر آنان [به سبب اینکه حق را نمی‌پذیرند] اندوه مخور، و مؤمنان را مورد محبت و فروتنی قرار ده! «۸۸» [به همه مردم] بگو: من هشدار دهنده‌ای روشن‌نگرم «۸۹» [به سوی شما مخالفان عذابی می‌فرستم] مانند عذابی که بر تجزیه‌کنندگان فرستادیم «۹۰» هم آنان که قرآن را [مطابق با خواسته باطلشان] تجزیه و بخش‌بخش کردند، [بخشی را که به سود خود می‌پنداشتند پذیرفتند، و از بخشی دیگر که هماهنگ با هوس‌هایشان نبود رویگردان شدند].

۲۰. لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ فَدَّبَّيْنِ الرَّشْدِ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لِأَنَّفْصَامَ أَرْهَاقِهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ / آیه ۲۵۶ سوره مبارکه بقره در دین هیچ اجباری نیست، بنابراین هر کسی باید با آزادی و اختیار و با به کارگیری عقل، دین را انتخاب کند؛ زیرا راه هدایت از ضلالت [به وسیله وحی و پیامبر و امام معصوم] روشن و مشخص شده است، پس هر که به طاغوت [و فرهنگش] کفر بورزد، و به خدا مؤمن گردد، مسلماً به محکم‌ترین دستگیره که گسستگی برای آن نیست چنگ زده و خداوند شنوا و داناست.

۲۱. البته تبیین اعم از تبیین بوده و تبیین جزء آن می‌باشد؛ مکانیزم‌های غیر بیانی نیز شامل تبیین می‌باشد.



درگیر شدند دیگر لازم نیست کسی را در مسأله پذیرش دین اکراه یا اجبار کنیم. لذا آیه در مقام این نیست که بگوید کسی را اجبار نکنید بلکه وقتی مسأله را با فِقْره‌ی دوم آیه می‌بینید متوجه می‌شوید که اصلاً لازم نیست اکراهی صورت گیرد، الآن معنای آیه بسیار متفاوت شد؛ آیه می‌فرماید «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»؛ برای چه باید اکراه صورت گیرد؟! وقتی ما می‌توانیم با فهم مکانیزم تبیین و بکارگیری آن در اداره جامعه ذهن‌ها را در سطوح مختلف با فکر اسلامی درگیر کنیم، برای چه باید با اکراه رفتار کنیم؟! آیه در حال بیان این مطلب است. عرض بنده این است که وقتی ما می‌توانیم با مکانیزم تبیین وارد توضیح مسأله الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت شویم، چرا از روش‌های آموزشی‌ای استفاده کنیم که در آنها اصلاً تبیین اتفاق نمی‌افتد؟ مکانیزم‌های آموزشی موجود آدم‌ها را به فکر فرو نمی‌برند [و در نتیجه تبیین اتفاق نمی‌افتد]. وقتی دوستان ما در حال رعایت آیین‌نامه‌ی برگزاری دوره‌ها<sup>۲۲</sup> برای این دوره بحثی بودند، برخی از افراد به آنها گفته بودند: آیا شما در پایان دوره به ما مدرک هم می‌دهید یا خیر؟ شما ببینید که نحوه‌ی مدیریت آموزش در مدل‌های ترویجی چکار کرده است که حتماً باید با چیزی غیر از محتوای مطرح در بحث آدم‌ها را تحریک کنیم. چرا؟ به دلیل اینکه در حال حاضر محتوای مطرح در دوره‌ها قدرت بحث و انگیزش در طرف مقابل را ندارد. این معضل بسیار بزرگی است که می‌گویند برای برگزاری دوره علمی باید مدرک بدهیم تا مردم در این دوره‌ها شرکت کنند؛ چون معنای این حرف آن است که آن دوره‌ی علمی به تنهایی قدرت انگیزش و بحث در طرف مقابل را نداشته و نمی‌تواند او را به فکر فرو برد.<sup>۲۳</sup>

**۲/۱. انتقال از مرحله دولت اسلامی به جامعه اسلامی توسط الگوی پیشرفت اسلامی و نظام سازی همه جانبه توسط الگو؛ عامل نیازمندی فهم الگو به تفکر عمیق**

بنده از محضر دوستانی که می‌خواهند با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت وارد مباحث شوند خواهش می‌کنم از مدیریت‌های دانش موجود استفاده نکنند، زیرا با این روش ذهن آنها با مباحث درگیر نخواهد شد. حُب باید چه کاری انجام دهند؟ ما مکرر عرض کرده‌ایم که - این مقدمه اول بنده است - هر کسی می‌خواهد مسأله الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را بفهمد باید به شرحی که عرض خواهیم کرد پنج مرحله بر روی مسأله الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت - فکر کند؛ چون مسأله الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بسیار سنگین است. دلیل این مطلب همانطور که در تفکر انقلاب مطرح شده این است که ما از طریق فهم مسأله الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌توانیم وارد جامعه‌سازی شده و از مرحله دولت‌سازی عبور کنیم. بنابراین ما راجع به یک مسأله‌ی ساده صحبت نمی‌کنیم، بلکه راجع به مسأله‌ای که در رأس امور امروز جامعه است صحبت می‌کنیم.

بالآخره انقلاب اسلامی باید به سمت تمدن‌سازی حرکت کند و اگر کسی در جمهوری اسلامی آرمان انقلاب اسلامی را پایین‌تر از تمدن‌سازی تعریف کند از فکر انقلاب اسلامی تنزل پیدا کرده و فکر انقلاب را خوب درک نکرده است، ما حتماً باید یک تمدن جدید را پیشروی بشریت گذاشته و یک نوع نظم جدید زندگی را به بشریت پیشنهاد کنیم، این حرف غایبی انقلاب اسلامی است. در تفکر انقلاب اسلامی برای تحقق این هدف مراحل تعریف شده است<sup>۲۴</sup> و در حال حاضر در مرحله

برای اطلاع بیشتر از این بحث به نشست تبیین نظریه مادر الگوی پیشرفت اسلامی در شهرستان ورامین - ۱۳۹۳/۰۹/۲۹ - مراجعه کنید.

۲۲. برای مشاهده‌ی آیین‌نامه‌ی برگزاری نشست‌ها به این آدرس مراجعه کنید: <http://nro-di.blog.ir/1393/08/13-1>

۲۳. بحث این جلسه، نقد مدیریت دانش در کشور نیست، این موضوع را بعداً در یکی از خانه‌های نقشه راه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بررسی خواهیم کرد. وقتی مباحث مربوط به تحول در علوم انسانی و مباحث تحول در حوزه‌ی علمیه جدی‌تر شود این موارد را نیز توضیح خواهیم داد. اما فعلاً به این نکته تنبه دادم.

انتقال از متن

۲۴. یک زنجیره منطقی وجود دارد؛ پیش‌ها این را گفتیم، بحث شده. حلقه اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیره مستمری است که به هم مرتبط است.

بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۴



دولت‌سازی و اصلاح نظام برنامه‌ریزی هستیم و این مرحله بدون الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت جلو نخواهد رفت. اگر خاطرات دوره‌های قبل و تاریخ انقلاب اسلامی را مطالعه کرده باشید می‌بینید که مثلاً در دوران دفاع مقدس با مباحثی راجع به جنگ مانند اینکه جایگاه جنگ چیست روبرو بودیم. در آن دوره راجع به پدیده‌ی دفاع مقدس گفت‌وگوهایی صورت گرفت و امام خمینی عظیم‌الشان جمع‌بندی کرده و فرمودند: «جنگ در رأس امور است»<sup>۲۵</sup>. در حال حاضر نیز با توجه به شرایط فعلی معتقدیم که الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در رأس امور است. بنابراین حتماً باید بر روی مسأله‌ای که موضوع انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی می‌باشد در پنج مرحله - به شرحی که بنده عرض می‌کنم - فکر کنیم.<sup>۲۶</sup>

### ۳. تفکر در پنج مرحله بر روی موضوعات (حسن‌الاستماع، تضارب، کتابت، نظام مقایسه و حسن‌السؤال) در عوض استفاده از روش مدیریت تحقیقات؛ مقدمه اول فهم مباحث الگوی پیشرفت اسلامی

مرحله اول فکر کردن در مسأله الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، مرحله حسن‌الاستماع<sup>۲۷</sup> است، شما ابتدا باید مرحله‌ی خوب‌شنیدن مسأله الگو را بگذرانید. در مرحله حسن‌الاستماع دو نکته ضروری است، یعنی این مرحله دارای دو رکن است؛ رکن اول، صفر کردن اطلاعات درونی است. بالآخره آدم‌هایی که در مباحث علمی شرکت می‌کنند دارای یک سواد هی هستند و اینطور نیست که در دوره‌های علمی با انسان‌هایی روبرو باشیم که بخواهند کار را از صفر شروع کنند، همه آنها دارای تحلیل‌هایی هستند. حال اگر کسی در مرحله حسن‌الاستماع - یعنی مرحله‌ی آغاز فکر کردن بر روی یک موضوع جدید مرتبط با دستگاه خدا و پیامبر ﷺ - با اطلاعات خود وارد گفت‌وگو شود اتفاقی که خواهد افتاد این است که اصلاً گفت‌وگو به درستی شکل نخواهد گرفت. بنده در این جلسه نیز بر روی این مطلب اصرار دارم، یعنی این دوره را دوره‌ی حسن‌الاستماع دوره‌ی مدیریت شهری با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌دانم. به عنوان مثال در ایران مدل TOD<sup>۲۸</sup> - که یک مدل

۳/۱. حسن‌الاستماع  
گوش کردن به مباحث  
همراه با انصات و طرح  
سؤال به غرض تبیین  
بیشتر بحث؛ مرحله  
اول تفکر

۲۵. مسأله جنگ دفاعی که در رأس امور است و ملت متعهد، کمک به آن را برای خود یک امر لازم داند و دولت در رابطه با آن حقاً تمام کوشش را می‌کند، لکن تذکر و تکرار در امور مهم، لازم است و باید هر روز ابعاد کمک به جبهه‌ها را بیشتر گسترش دهد و تا فتح نهائی ان‌شاءالله تعالی برنامه دفاع را در رأس همه‌ی برنامه‌ها قرار دهد.

صحیفه امام خمینی، ج ۱۷، ص ۳۲۱ و ۳۲۲

۲۶. البته باید بر روی همه آیات الهی و همه مباحثی که مربوط به دستگاه خداوند و پیامبر ﷺ هستند پنج مرحله تفکر شود.

انتقال از متن

۲۷. عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا جَلَسْتَ إِلَى عَالٍ فَكُنْ عَلَى أَنْ تَسْمَعَ أَحْرَصَ مِنْكَ عَلَى أَنْ تَقُولَ وَتَعْلَمَ حَسَنَ الْإِسْتِمَاعِ كَمَا تَعْلَمُ حَسَنَ الْقَوْلِ وَلَا تَقْطَعْ عَلَى أَحَدٍ حَدِيثَهُ.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: هنگامی که نزد عالمی نشستنی بیشتر از اینکه حریص به سخن گفتن باشی حریص به گوش کردن باش و خوب گوش کردن را یاد بگیر همانگونه که خوب سخن گفتن را یاد می‌گیری و وقتی کسی سخن می‌گوید حرف او را قطع نکن.

مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار، بیروت، دار الأحياء التراث العربی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۳، ح ۱۱

۲۸. در سال‌های اخیر، یکی از بزرگترین اهداف برنامه‌ریزی و طراحی شهری، به ویژه در مراکز شهری، کاهش اتکای به اتومبیل به منظور ایجاد پایداری و سرزندگی در شهرهاست. [۱] به همین منظور حکومت‌ها و سازمان‌های برنامه‌ریزی، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های خود را با هدف باز شکل‌دهی توسعه شهرها در الگوهای فشرده‌تر با کاربری مختلط جهت‌دهی کرده‌اند یکی از این سیاست‌ها که اقبال زیادی به آن شده، توسعه حمل‌ونقل محور شهری است. طرفداران این نوع توسعه، تراکم بالا و مراکز فعالیتی با کاربری مختلط را که به وسیله سامانه‌های حمل‌ونقل عمومی با کیفیت بالا به یکدیگر مرتبط می‌شوند، راه حل این مشکلات معرفی می‌کنند. [۲] توسعه حمل‌ونقل محور به عنوان مرکزی با آمیزه‌های متراکم از کاربری‌های مسکونی، تجاری، اداری و عمومی و فضای باز است که در آن مغازه‌های خرده‌فروشی و خدماتی در یک هسته تجاری با دسترسی آسان نسبت به خانه‌ها قرار گرفته‌اند (حدود ۶۰۰ متر یا ۱۰ دقیقه پیاده‌روی). یک ایستگاه حمل و نقل عمومی در هسته‌ی این مرکز قرار دارد. استفاده‌ها در مرکز به صورت عمومی بوده و ادارات در طبقات بالاتر از سطح زمین قرار می‌گیرند. محدوده‌ای برای استفاده‌های کم‌تراکم‌تر، هسته‌ی مرکز را با فاصله‌ای حدود ۱۶۰۰ متر احاطه می‌کند. [۳]

[۱]. پیتز نیومن و نورث جفری؛ طراحی شهر برای کاهش وابستگی خودرو، ص ۳-۹

[۲]. الکس آیزن و کاپلین پیپر؛ توسعه اقتصادی و رشد هوشمند، ص ۷-۱۹

[۳]. پیتز کالشرپ؛ کلان‌شهر بعدی آمریکا؛ جوم‌شناسی، جامعه و رؤیای آمریکایی، ص ۱-۷

مدیریت شهری است - رواج دارد و اگر دوستانی که مباحث نشست حاضر را می‌شنوند بلافاصله درک خود از TOD را بحث کنند، یک مناظره و گفت‌وگوی زود هنگام اتفاق خواهد افتاد و این امر موجب می‌شود که نگاه جدید فرصت طرح پیدا نکند. بنابراین همانطور که در روایت شریف آمده است «أَوَّلُ الْعِلْمِ الْإِنصَاتُ»<sup>۲۹</sup> اولین مرحله‌ای که برای یادگیری یک مسأله و فهم عمیق آن نیاز داریم، این است که مخاطب، خود را در مرحله‌ی انصات قرار دهد؛ اگر شنونده‌ی بحث خود را در مرحله انصات قرار ندهد، هیچگاه گوینده نمی‌تواند او را متوجه بحث کند، این مسأله مهم است. پس اولین بحث در حسن‌الاستماع، لحاظ انصات در گفت‌وگوست.

همانطور که بیان شد انصات یعنی درک خود را موقتاً صفر کنید و فعلاً درک خود را در گفت‌وگو بروز نداده و اجازه دهید درک جدید فرصت ارائه پیدا کند. در تعبیر روایت عبارت حسن‌الاستماع استفاده شده است و - بنده زیره به کرمان می‌برم - کلمه استماع از باب استفعال به معنای طلب می‌باشد، در واقع وقتی عبارت حسن‌الاستماع بیان می‌شود به معنای طلب خوب شنیدن است. البته بروز این طلب حتماً در سؤال کردن است اما سؤالی که به تبیین بیشتر بحث کمک می‌کند. کما اینکه ما در هر یک از مراحل پنج‌گانه جلسات خود را همین‌گونه تعریف می‌کنیم؛ یعنی بعد از اینکه بنده بحث را ارائه دادم از محضر دوستان سؤالاتشان را می‌شنوم. البته مرادم سؤالاتی نیست که در آنها به ماهیت بحث قبل از تبیین آن اشکال شده باشد، بلکه مرادم سؤالاتی است که به تبیین بیشتر ماهیت بحث کمک می‌کنند. بنابراین ابتدا باید راجع به الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت حسن‌الاستماع داشته باشیم. برادران و خواهران عزیز! این یک درد دل است که بنده می‌گویم؛ ما در سال یازدهم گفتمان‌سازی برای مسأله الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت هستیم،<sup>۳۰</sup> اما چون بسیاری از افراد مرحله حسن‌الاستماع را طی نکرده‌اند اگر شما دقتی اولیه در برخی از مقالاتی که نوشته می‌شود داشته باشید متوجه می‌شوید که فقط نام آن مقالات، الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است و در واقع همان توسعه غربی را بحث کرده‌اند.<sup>۳۱</sup> چه کسی مقصّر این خسارت بزرگ است؟

۲۹. وَفِي الْحَدِيثِ أَنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا بَدَأَ الْعِلْمُ قَالَ الْإِنصَاتُ لَهُ قَالَ فَمَاذَا قَالَ فَمَاذَا قَالَ الْعَمَلُ بِهِ قَالَ فَمَاذَا قَالَ فَشَرُّهُ.

در روایت آمده است که مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! آغاز علم از کجاست؟ پیامبر ﷺ فرمودند: انصات در مقابل علم. عرض کرد بعد از آن؟ پیامبر ﷺ فرمودند: جمع کردن و حفظ کردن علم. عرض کرد بعد از آن؟ پیامبر ﷺ فرمودند: انتشار علم.

ورام، مسعودبن عیسی؛ مجموعه ورام، قم، مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۷

۳۰. مسأله الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در سال ۱۳۸۵ و در دانشگاه سمنان توسط رهبر انقلاب اسلامی مطرح گردید:

تعیین الگوی پیشرفت هم لازم است. الگوی پیشرفت چیست؟ ما باید این را مشخص کنیم. اگر این را مشخص کنیم، آن وقت در برنامه‌ریزی‌ها، اولویت‌ها، تقدم‌ها، برنامه‌ها، زمان‌بندی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های ما اثر می‌گذارد؛ به دنبال خود فرهنگ‌سازی می‌آورد؛ در گفت‌وگوی نخبگان خودش را نشان می‌دهد و به ذهنیت عامه‌ی مردم سرریز می‌شود؛ حتی در صادرات و واردات کشور اثر می‌گذارد؛ چه چیزی را از کجا وارد کنیم؟ چه چیزی را به کجا صادر کنیم؟

بیانات امام خامنه‌ای ﷺ در دیدار با دانشگاهیان استان سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۸

۳۱. به عنوان نمونه به عناوین مقالات زیر دقت کنید:

۱. **آموزه‌های نظریات حکمرانی خوب برای الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت**؛ این مقاله در کنار توجه و تأکید بر راهبردهای متکی بر مؤلفه‌های بومی، می‌کوشد تا نقش الزامات تجربی و دستاوردهای مشترک جوامع بشری را که در قالب آموزه‌های نظریات حکمرانی خوب مطرح شده است برای تدوین یک الگوی اسالمی و ایرانی پیشرفت تبیین کند.

۲. **الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و الگوهای توسعه‌ای حاکم در نظام بین‌المللی؛ تقابل یا تعامل؟**؛ مقاله حاضر با تبیین نظری الگوهای توسعه‌ای و شرایط و روند شکل‌گیری و حیات آنها در عصر جهانی‌شدن به تأثیر محیط بین‌المللی بر کارآیی و پویایی الگوهای توسعه‌ای پرداخته و با تأکید بر ضرورت و اهمیت طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت ۴ رویکرد تقابل فعال، تقابل انفعالی، تعامل انفعالی و تعامل کنش‌گرا (فعال) را تشریح





مقصر کسانی هستند که مدیریت دانش جدیدی را برای فهم مسأله الگو بکارگیری نکرده‌اند، آنها باید نزد خدا جواب دهند و در این دنیا نیز ما از آنها سؤال می‌کنیم که چرا در فرآیند گفتمان‌سازی برای این مسأله مهم، مدیریت غلطی را به کار برده‌اند؟! بنابراین حسن‌الاستماع، مرحله اول است.

اگر مرحله حسن‌الاستماع را طی کردیم، وارد مرحله تضارب می‌شویم که دومین گام فکر کردن است. تضارب به معنای ضرب آراء در یکدیگر به غرض تولد رأی صحیح است؛<sup>۳۲</sup> یعنی در مرحله دوم وارد گفت‌وگو می‌شوید. شما یک‌بار در مرحله حسن‌الاستماع بر روی مطالب الگو فکر کرده‌اید، به عنوان مثال شما در این دوره‌ی بحثی ۱۱ جلسه‌ای بر روی نگاه الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت برای مدیریت شهری تأمل کرده‌اید. حالا در مرحله‌ی دوم باید وارد مرحله تضارب شوید. تضارب یعنی چه؟ یعنی فکرهای هم‌جهت در یکدیگر ضرب شوند، گفت‌وگو در مرحله تضارب به این معناست.

**۳/۲. تضارب (ضرب آراء هم‌جهت در یکدیگر به غرض تولد رأی صحیح)؛ مرحله دوم تفکر**

به عنوان مثال بنده بعد از مرحله حسن‌الاستماع روایتی را می‌خوانم و شما که ۱۱ روز تأمل و گفت‌وگو کرده‌اید، می‌بینید که بنده در بحث خود ۴ روایت دیگر را ندیده‌ام. در این هنگام شما وارد بحث شده و به عنوان مثال می‌گویید: حاج آقا! شما گفتید که حسن‌الاستماع دو رکن دارد ولی اگر به این روایت توجه کنید سه رکن ترسیم خواهد شد. لذا مراد از ضرب آراء در یکدیگر ضرب آراء هم‌جهت در یکدیگر است.

این نکته بسیار اهمیت دارد ولی چون در حال حاضر در جامعه در مورد مدیریت دانش و مدیریت تحقیقات بحث نمی‌شود برخی مفهوم تضارب را با مفهوم جدال احسن و یا با مفهوم مقایسه‌کردن یک فکر درست با یک فکر غلط یکسان می‌پندارند؛ تضارب هیچ یک از این موارد نیست، تضارب به معنای این است که دو متفکر هم‌جهت وارد گفت‌وگو شده و عیب‌های یکدیگر را مشخص کنند.

در برخی روایاتی که ما مطرح کرده و در جلسات گذشته نیز به آنها اشاره کردیم اینطور آمده است که وقتی شما تضارب می‌کنید علم به وسیله‌ی مکانیزم تضارب در خود شما رشد پیدا می‌کند.

کرده و در نهایت رویکرد تعامل کنش‌گرا (فعال) را به عنوان رویکرد مطلوب برای حیات و ماندگاری این الگو در ارتباط با سایر الگوهای توسعه‌ای مورد تأکید قرار می‌دهد.

**۳. پارادایم شبکه‌ای، دیدمان مطلوب آینده‌پژوهی برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛** در این مقاله به دنبال تبیین پارادایمی مطلوب و موجه برای طراحی الگوی پیشرفت هستیم. این تحقیق بر اساس رویکرد شبکه‌ای، نوع نگاه به مقوله "واقعیت، واقعیت آینده و انسان"، درصد ارائه دیدمانی مناسب برای آینده‌پژوهی و طراحی الگوی پیشرفت می‌باشد. پارادایم شبکه‌ای، نظریه‌ای بر اساس فلسفه صدرایی است که به دلیل گستردگی در افق دید معرفتی، می‌تواند پیشنهادی مطلوب برای کشف و ساخت روندهای آینده باشد. آینده‌سازی بر اساس پارادایم شبکه‌ای، مطالعات تاریخی و آینده‌پژوهانه را به یکدیگر گره می‌زند و از طریق شناسایی و تحلیل روندهای گذشته، زمینه را برای کشف روندهای آینده و در نتیجه طراحی روندهای مطلوب فراهم می‌آورد و نقش انسان را در آینده‌سازی و مدیریت تغییرات در آینده بر اساس آرمان‌ها و ارزش‌ها فراهم می‌آورد.

**۴. برنامه‌های توسعه و نقش آن در بهبود جایگاه زنان ایران؛** تأکید بسیار بر تنوع اجتماعی، توجه به نیازهای متفاوت زنان و مردان و اجتناب از هرگونه همگون‌سازی و در یک کالم آگاهی به نیازهای مختلف افراد، از جمله مشخصه‌های عصر حاضر است؛ بر این اساس، در یک جامعه می‌بایست ظرفیت مناسبی برای دربرگیری گروه‌های مختلف اجتماعی آن هم به شیوه‌ای برابر، وجود داشته باشد. زنان نیمی از جمعیت را در بر گرفته‌اند و نیازهایی متفاوت از مردان دارند و می‌بایست در روند برنامه‌های توسعه‌ای یک جامعه و طرح‌ها و اقدام توسعه‌ای بدان‌ها و نیازهایشان توجه گردد. با بررسی پنج برنامه‌ی توسعه در ایران، به بررسی جایگاه زنان در این برنامه‌ها پرداخته شد که نتایج نشان از بهبود نقش زنان و توجه به نیازهای آنان در برنامه‌های توسعه کشور دارد. با توجه روزافزون به نیازهای زنان و برنامه‌ریزی در زمینه‌ی پررنگ کردن نقش آنان و بهبود مشارکت (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) زنان در برنامه‌های توسعه، از سویی به بهبود جایگاه و وضعیت زنان کمک شده و از سوی دیگر، در بهره‌برداری از برنامه‌های توسعه‌ای نتایج مطلوب و به سمت بهبود و پیشرفت جامعه خواهد بود.

**۳۲. امام علی (ع):** إِضْرُوا بَعْضَ الرَّأْيِ بِبَعْضٍ يَتَوَلَّدُ مِنْهُ الصَّوَابُ. وَاحْتَضُوا الرَّأْيَ يَخْتَصُّ السَّقَاءُ يُنْتِجُ سَدِيدًا لَآرَاءِ.

امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: نظرات گوناگون را در برابر هم قرار دهید، تا آنچه صواب است به دست آید و اندیشه‌ها را همانند به هم زدن مشک برای گرفتن کره به هم زید تا آرای صحیح و استوار حاصل آید.

تمیم آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۱۳۶۶، ص ۴۴۲، ج ۱۰۰۶۳



چرا با مکانیزم تضارب علم در خود شما رشد پیدا می‌کند؟ به دلیل اینکه وقتی مجبور به ارائه‌ی یک مطلب می‌شوید در واقع مجبور هستید به آن مطلب بسیار فکر کنید؛ بنابراین تضارب، سطح فکر کردن راجع به یک موضوع را یک‌قدم دیگر ارتقا می‌دهد. تا الآن دو مرحله را توضیح دادیم و ان‌شاءالله بعداً آنها را تشریح بیشتری خواهیم داد، الآن به صورت اجمالی عرض کردم.

**۳/۳. کتابت (مرحله نوشتن علم تثبیت شده)؛  
مرحله سوم تفکر بر روی موضوعات الهی**

مسأله سومی که باید رعایت کنیم و مرحله‌ی سوم فکر کردن نسبت به یک موضوع، مرحله کتابت است. شما این روایت معروف را شنیده‌اید که حضرت صادق علیه السلام می‌فرمایند: «فَيَدُو الْعِلْمُ بِالْكِتَابَةِ».<sup>۳۳</sup> به ظهور روایت دقیقاً دقت کنید؛ می‌فرماید: «فَيَدُو الْعِلْمُ بِالْكِتَابَةِ». علم را با نوشتن تثبیت کن؛ پیداست قبل از کتابت، علمی وجود دارد. بنده با مجموع ادله‌ای که از روایات به دست آورده‌ام به این نتیجه رسیده‌ام که این علم از دو مرحله‌ی اول به دست می‌آید، یعنی حسن‌الاستماع و تضارب، علم را ایجاد می‌کنند. حالا به دلیل اینکه شما با این دو مکانیزم دو مرتبه بر روی یک موضوع فکر می‌کنید و حالا علمی دارید حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: این علم را تثبیت کنید. وقتی شروع به نوشتن می‌کنید، در حین نوشتن و بازآوری مطالب در ذهن خود و ایجاد ساختار برای مطالب، مجبور می‌شوید برای مرتبه‌ی سوم نسبت به آن مطلب فکر کنید. لذا علم تثبیت می‌شود.

اما سؤال این است که در کتابت چه ویژگی‌ای وجود دارد که علم را تثبیت می‌کند؟ برخی گفته‌اند: چون کتابت، یک نسخه‌ی خطی از یک فکر را ارائه می‌کند و شما بعداً آن نسخه‌ی خطی را خوانده و یاد می‌گیرید. اما این نگاه، نگاه ساده‌ای به روایت است. البته درست است که شما بعداً به نوشته‌های خود رجوع می‌کنید؛ اما آن چیزی که باعث تثبیت علم می‌شود این است که شما با مکانیزم کتابت یک‌بار دیگر توفیق پیدا می‌کنید که راجع به آن مسأله فکر کنید؛ یعنی یک‌بار با حسن‌الاستماع بر روی مسأله فکر کرده‌اید و یک‌بار با تضارب و مباحثه - با آدابی که عرض کرده‌ام - راجع به مسأله فکر می‌کنید و در مرحله سوم به وسیله کتابت مجبور می‌شوید راجع به مسأله‌ای فکر کنید. بنابراین تا به این مرحله سه بار به یک موضوعی فکر کرده‌اید و لذا واقعاً علم در ذهن شما تثبیت می‌شود، چون شما سه مرحله را طی کرده‌اید.<sup>۳۴</sup>

**۳/۴. نظام مقایسه (مقایسه علم بدست آمده در مقابل فکر غلط موجود در جامعه)؛ چهارمین مرحله از تفکر بر روی موضوعات الهی**

مرحله چهارمی که شما مجبور می‌شوید به مسأله فکر کنید، مرحله‌ای است که ما از آن به نظام مقایسه تعبیر کرده‌ایم. نظام مقایسه یعنی چه؟ یعنی شما فکری تثبیت شده و علمی مقید دارید و باید این علم را با فکر باطل مقایسه کنید، باید اینها را در مقابل افکار عمومی مقایسه کنید و بگویید: این کتاب خدا و این تئوری‌های غربی است، باید افکار را جزء به جزء مقایسه کنید. بنده همیشه در مباحثی که مطرح کرده‌ام و از سر حکمتی به روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله استدلال کرده‌ام. به عبارت بهتر ما نظام مقایسه را با ظهورگیری از این روایت استنباط کرده‌ایم که حضرت خطاب به علمای امت می‌فرمایند: «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَعَلِيَ الْعَالِمُ أَنْ يَظْهَرَ عِلْمَهُ»<sup>۳۵</sup> در تعبیر دیگری می‌فرمایند:

۳۳. وَقَالَ صلى الله عليه وآله فَيَدُو الْعِلْمُ بِالْكِتَابِ.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: علم را با نوشتن قید زده و به زنجیر بکشید.

حسن بن علی، ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۶

۳۴. البته این مراحل نیز بر یکدیگر مترتب هستند و باید رعایت شوند.

انتقال از متن

۳۵. إِنَّا زَوَيْنَا عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّهُمْ قَالُوا إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَعَلِيَ الْعَالِمُ أَنْ يَظْهَرَ عِلْمَهُ

یونس بن عبد الرحمن می‌گوید: برای ما از امام باقر یا امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند: زمانی که بدعت‌ها ظاهر شدند پس بر عالم است که علم خود را اظهار کند.

مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، بیروت، دار الأحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ج ۴۸، ص ۲۵۲

«فليظهر العالم علمه»<sup>۳۶</sup> وقتی علم به دست آوردید شما مکلف به مقایسه هستید. روایت را مختصراً مرور کنیم؛ می‌فرماید: «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي»، وقتی بدعت ظهور یافت. در روایات برای بدعت ریشه‌ای بیان شده است. ریشه‌ی بدعت چیست؟ امیرالمؤمنین عليه السلام می‌فرماید: «أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ وَأَحْكَامُ تُبَدَّلُ»<sup>۳۷</sup>؛ وقتی کسی هواپرستی خود را اعلام می‌کند جمعیت‌هایی - به هر دلیلی - به دنبال هوای آن فرد رفته و از هوای نفس او تبعیت می‌کنند و این، نقطه آغاز ایجاد بدعت است. وقتی فرد مشاهده کرد که طرفدار پیدا کرده و با بیان کلامی از سر هوای نفس عده‌ای از او پیروی می‌کنند، أَحْكَامُ تُبَدَّلُ رخ می‌دهد و فرد مناسکی را از قبل خود تعریف می‌کند. پس در مورد اینکه بدعت و فتنه چگونه به وجود می‌آید، روایت می‌فرماید: «أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ»، اینکه هواپرستی مورد اطاعت قرار می‌گیرد.

درست است که بدعت ریشه‌ای دارد ولی روایت [إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ] ریشه احکام ابداع شده را بیان نمی‌کند؛ بلکه می‌گوید: به هر دلیلی نتوانستید ریشه بدعت را بخشکانید - ما یک باب روایت داریم که مکانیزم‌هایی را برای مقابله با بدعت را معرفی کرده است - و «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ»، یعنی وقتی شرایطی به وجود می‌آید که بدعت ظهور پیدا می‌کند [عالم باید علم خود را ظاهر کند]. بنده تأکید می‌کنم و تقاضا می‌کنم که برادران و خواهران گرامی توجه کنند که در روایات دو مقام بحث وجود دارد؛ برخی از روایات چگونگی ایجاد بدعت را بحث می‌کنند. کما اینکه بنده به یک روایت اشاره کردم که می‌گفت: ریشه بدعت أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ هست و أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ به أَحْكَامُ تُبَدَّلُ و بدعت ختم می‌شود. این یک مقام بحث است و روایات دیگری نیز در این مورد وجود دارد. اما روایاتی دیگر در مورد این بحث می‌کنند که پس از ظهور بدعت باید چه کار کنیم.<sup>۳۸</sup> یعنی حالا فرض می‌کنیم که بدعتی ظهور پیدا کرده است. در اینصورت «فَلَعَالِمٌ أَنْ يَظْهَرَ عِلْمُهُ»، عالم نیز باید علم خود را ظاهر کند؛ "ظهور علم در مقابل ظهور بدعت" به معنای مقایسه بوده و برای جامعه حالت مقایسه ایجاد می‌کند. حضرت در ادامه فرمود: اگر عالمی این کار را نکرد یعنی به تکلیف نظام مقایسه عمل نکرده

۳۶. وقال رسول الله ﷺ إذا ظهرت البدع في أمتي فليظهر العالم علمه فمن لم يفعل فعليه لعنة الله.

رسول خدا ﷺ فرمودند: زمانی که بدعت‌ها در امت من ظاهر شدند پس علما باید علم خود را ظاهر کنند و هر کسی این کار را نکند پس لعنت خدا بر او باد!

مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، بیروت، دار الأحياء التراث العربي، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۵

۳۷. أَمْثَابُهُمْ وَأَهْوَاءُ تُتَّبَعُ وَأَحْكَامُ تُبَدَّلُ يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ وَيَتَوَلَّى عَلَيْهَا رِجَالُ رِجَالٍ عَلَى عَمِيرِ دِينِ اللَّهِ فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِرَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخْفَ عَلَى الْمُؤْتَادِينَ وَلَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لَبْسِ الْبَاطِلِ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَانِدِينَ وَلَكِنْ يُؤَخِّدُنْ هَذَا ضِعْفٌ وَمِنْ هَذَا ضِعْفٌ فَيَمْرَجَانِ فَهَذَا لِكَيْ يَسْتَوِيَ الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ وَيَجُودَ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى.

ابتدای ظهور فتنه‌ها هواهایی است که پیروی می‌شود و احکامی است که در چهره بدعت خودنمایی می‌کند. در این فتنه‌ها و احکام با کتاب خدا مخالفت می‌شود و مردانی دیگر را بر غیر دین خدا یاری و پیروی می‌نمایند. اگر باطل از آمیزش با حق خالص می‌شد راه بر حق جویان پوشیده نمی‌ماند و اگر حق بر پوشش باطل پنهان نمی‌گشت زبان دشمنان باوه‌گو از آن قطع می‌گشت. ولی پاره‌ای از حق و پاره‌ای از باطل فراهم شده و در هم آمیخته می‌شود، در این وقت شیطان بر دوستانش مسلط می‌شود و آنان که لطف حق شاملشان شده نجات می‌یابند.

خطبه ۵۰، نهج البلاغه

۳۸. البته همین‌جا عرض کنم که در روایات ما مراد از بدعت، امر مقابل سنت است. تعریفی که آقایان اعتقادی و کلامی ما گفته‌اند تعریف ناقصی است. آنها گفته‌اند: بدعت به این معناست که امر «ما لیس فی الدین» را در دین وارد کنیم و امری که در دین وجود دارد را از دین خارج کنیم. تعریف دقیق‌تر، هر آن چیزی است که در مقابل سنت باشد؛ سنت ملاک است و امر مقابل سنت بدعت است.

انتقال از متن



و علم خود را در مقابل بدعت ظهور یافته ظاهر نکرد، باید خود را برای آتش جهنم آماده کند.<sup>۳۹</sup> وقتی عالمی وارد مرحله‌ی نظام مقایسه می‌شود، وارد مصاف شده و به تعبیر آیت‌الله امام خامنه‌ای علیه السلام از چپ و راست شمشیر می‌زند تا بدعت را به چالش بکشد.<sup>۴۰</sup>

وقتی چنین حالتی در فردی به وجود آمد - که این سطح از تفکر نیز فقط در علما و کسانی که خود را به این سطح نزدیک می‌کنند وجود دارد - و خواست با فکر خود وارد بحث شده و بدعت را به چالش بکشد؛ با توجه به اینکه این فکر را در مقابل فکر غلط قرار می‌دهد مجبور می‌شود بر روی فکر خود تفکر کند؛ بنابراین خود مرحله‌ی نظام مقایسه باعث می‌شود که انسان برای مرتبه چهارم بر روی موضوعی که قبلاً سه بار بر روی آن فکر کرده بود تفکر کند.

**۳/۴/۱. مقایسه مدیریت شهری از نگاه اسلام با مدیریت شهری TOD، مقایسه عدم توازن‌های فرهنگی با عدم توازن‌های اقتصادی؛ دو مورد از نظام مقایسه‌های موجود در نقشه راه**

البته همه نمونه‌سازی‌های ما یک نوع نظام مقایسه است و این مطلب را بعداً توضیح خواهیم داد. به عنوان مثال ان‌شاءالله به فضل الهی در همین دوره مدیریت شهری از نگاه اسلام را با مدیریت شهری با مدل TOD مقایسه می‌کنیم؛ چون این مدل، بدعت گسترش یافته است و ما در جلسه سعی می‌کنیم نگاه اسلام را ظاهر کنیم تا خود شما قضاوت کنید که کدام یک بهتر هستند. دوستانی که در جریان هستند می‌دانند که ما در برنامه ششم در مقام نظام مقایسه یک جمله گفتیم، بیان کردیم: راه اصلاح کشور، شناسایی، تبیین و رفع عدم توازن‌های فرهنگی است.<sup>۴۱</sup> این حرف را در مقابل چه حرفی مطرح کرده‌ایم؟ در مقابل ابرحرف جریان توسعه‌گرا که می‌گوید: راه نجات کشور، شناسایی، کشف و رفع عدم توازن‌های اقتصادی است.<sup>۴۲</sup> شما در گفت‌وگوها مکرر شنیده‌اید که جریان توسعه‌گرا می‌گوید کشور دچار عدم توازن است و مراد آنها از عدم توازن، امور نامتوازن با مسأله اقتصاد است و هر امری که در تعارض با مسأله اقتصاد باشد را یک امر نامتوازن می‌دانند و معتقدند باید رفع شود تا کشور به صلاح برسد. این بدعتی بود که در جامعه ما گسترش پیدا کرده

۳۹. پاورقی شماره ۳۶

۴۰. یکی از آقایان، پایین یک شعری خواندند که مضمونش این بود که اگر شمشیر بکشید، سینه‌هایی که بیایند در جلوی شما بایستند و در مقابل دشمنان شما سینه سپر کنند [زیاد است]، من گفتم من شمشیر را کشیدم، مشغولیم، ما از چپ و راست داریم می‌زنیم؛ این جوری نیست؛ منتها نوع شمشیر امروز و نوع میدان امروز با نوع میدان آن سال‌های اول تفاوت دارد؛ ما در جنگ نرمیم؛ در جنگ سیاسی هستیم، در جنگ فرهنگی هستیم، در جنگ امنیتی و نفوذی هستیم؛ فکرها و اراده‌ها دارند با هم می‌جنگند. امروز ما خیلی احتیاج داریم به ابزارهای مؤثر و تأثیرگذار.

*بیانات رهبر انقلاب در دیدار شاعران ۱۳۹۵/۰۳/۳۱*

۴۱. ما در ساختار سوم پیوست الگوی پیشرفت اسلامی این نکته را مطرح کرده‌ایم که شناسایی و رفع عدم توازن‌های فرهنگی، نقطه آغاز دولت‌سازی اسلامی است. ما در نظام برنامه‌ریزی کشور اصطلاحی موسوم به عدم توازن‌های فرهنگی را مطرح کرده‌ایم. این اصطلاح، در مقایسه با اصطلاح عدم توازن‌های اقتصادی - که جریان توسعه‌گرا مطرح کرده - مطرح شده است. تعریف‌مان از اصطلاح عدم توازن‌های فرهنگی، امور ناهماهنگ با هدایت‌بنیان اداره کردن اداره جامعه است. در واقع ما هر امری که به هدایت جامعه مضر باشد را نامتوازن دانسته و آن را در حوزه‌ی اداره جامعه یک امر نامتوازن به حساب می‌آوریم. پس بنابراین نقطه‌ی آغاز دولت‌سازی اسلامی - فراهم کردن زیرساخت‌های هدایت - کشف عدم توازن‌های فرهنگی - به این تعریفی که عرض کردم - می‌باشد. [۱]

ما گفته‌ایم کشف عدم توازن‌ها باید به محوریت هدایت در جامعه باشد. هدایت، بنیان اداره جامعه است و هر آنچه در تعارض با هدایت جامعه باشد، یک امر ناهماهنگ و ناموزون محسوب می‌شود. لذا اگر نیروهای انقلاب بتوانند حتی در یک حوزه یک امر نامتوازن با هدایت جامعه را شناسایی کنند - یعنی هدایت جامعه را پایه‌ی تعادل قرار داده و امور نامتوازن با آن را شناسایی کنند- اتفاقی که می‌افتد این است که توانسته‌اند دولت‌سازی را از آن نقطه آغاز کنند. [۲]

[۱]. گفت‌وگوی دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با خبرگزاری مهر ۱۳۹۵/۰۳/۰۳

[۲]. نشست تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی در دانشگاه امام صادق علیه السلام ۱۳۹۵/۰۳/۰۴

۴۲. وزیر کشور گفت: عدم توازن در بخش‌های مختلف شکاف‌های اقتصادی و طبقاتی را در کشور ایجاد می‌کند. به گزارش خبرنگار سیاسی میزان، عبدالرضا رحمانی فضلی صبح امروز در همایش ملی توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای اظهار کرد: آنچه ما امروز در پهنه جغرافیای ایران شاهد آن هستیم عدم وجود توازن و تعادل در حوزه فعالیت‌های خدماتی و منابع است از این رو باید برای حل این روند به صورت جدی در محورهای مختلف وارد عمل شویم.

*سخنرانی وزیر کشور در همایش ملی توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای (۱۳۹۳/۱۲/۱۲) خبرگزاری میزان - کد خبر: ۳۵۴۹۹*

بود؛ اما ما به فضل الهی و با کمک طایفه‌ای از مؤمنین وارد بحث شده و گفتیم: **عدم توازن‌های فرهنگی، راه اصلاح کشور است نه عدم توازن‌های اقتصادی**؛ یعنی باید این نوع از عدم توازن‌ها را شناسایی، تبیین و رفع کنیم و اگر در جامعه‌ای نظام برنامه‌ریزی به این سمت رفت که محور برنامه‌ریزی را کشف، تبیین و رفع عدم توازن‌های اقتصادی بداند، آن جامعه به عدم تعادل خواهد رسید، **کما اینکه الآن نیز اینچنین است؛ هم آمریکا و هم مابقی کشورهای توسعه‌یافته جامعه‌ی نامتعادلی دارند.**<sup>۴۳</sup> پس مرحله‌ی چهارم، مرحله‌ی نظام مقایسه است.

انسان در این مرحله از دو طریق وادار به تفکر می‌شود؛ وقتی انسان به مصاف فکر باطل رفت در وهله اول ضعف‌های استنباطی خود را در سه مرحله قبل شناسایی می‌کند. به عنوان مثال در مناظره‌ای شرکت کرده و در می‌یابد که به سؤالی دقت نکرده بود. با این سؤال دوباره وارد حوزه فکر می‌شود و بعد ضعف‌های طرف مقابل را به خوبی شناسایی می‌کند. این نیز یک مرحله است، پس مرحله نظام مقایسه، مرحله‌ی چهارم فکر کردن است.

لذا به صورت طبیعی در ذهن کسی که وارد مرحله‌ی نظام مقایسه می‌شود، **حسن‌السؤال** شکل می‌گیرد. این، مرحله‌ی پنجم فکر کردن راجع به یک موضوع است. بنده محضر برادران خودم دردلی کنم؛ احساس بنده این است که ما نسبت به روایات خودمان نگاه اخباری داریم و همین امر منجر شده که رشته مدیریت تحقیقات این انحرافات را در کشور ما ایجاد کند. بنده بیش از دو دهه است که توفیق خواندن آیات و روایات را دارم و بزرگ‌ترین برد زندگی خود را برقراری چنین ارتباطی با آیات و روایات می‌دانم. من همیشه دیده‌ام که آقایان در منابعی می‌گویند: «**حَسَنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْجَوَابِ**»<sup>۴۴</sup>، «**حَسَنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْمَسْأَلَةِ**». این روایات را می‌خوانند ولی آنها را به صورت عمیق بحث نمی‌کنند. اگر مجموع روایات را بررسی کنیم متوجه خواهیم شد که **حسن‌السؤال** بعد از مرحله نظام مقایسه ایجاد می‌شود.

**۳/۵. حسن‌السؤال  
(طرح سؤال منجر به  
تقویت جریان حق و  
تضعیف جریان باطل)؛  
پنجمین و آخرین  
مرحله‌ی تفکر**

بنده به میزان وقت مختصر این جلسه دو روایات را کنار هم می‌گذارم تا معنای **حسن‌السؤال** واضح شود؛ ما روایاتی مربوط به باب مفتاح و کلید داریم<sup>۴۵</sup> و اگر کسی به دنبال کلید است باید روایاتِ باب

۴۳. به عنوان مثال در کشورهای توسعه‌یافته آمار طلاق بسیار بالا می‌باشد. همچنین در این کشورها آمار فقر زیاد می‌باشد.

**آمار طلاق در ایالات متحده:**

نرخ طلاق در آمریکا در سال ۲۰۰۹-۳،۵ مورد در جمعیت ۱۰۰۰ نفری بود و این رقم نصف میزان ازدواج برای این کشور بود و میزان ازدواج ۶،۸ در همان جمعیت بود که نشان می‌داد که تقریباً نیمی از ازدواج‌ها در آمریکا سرانجام به طلاق ختم می‌شد. آمار طلاق همچنین نشان داده است که احتمال اینکه زن و شوهری پس از ۱۰ سال زندگی مشترک، طلاق بگیرند ۳۳ درصد و احتمال طلاق پس از ۵ سال زندگی مشترک در حدود ۲۰ درصد بوده است.

خبرگزاری فارس، کد خبر: ۱۳۹۸/۱۱/۲۴، ۹۱۷۰۰۹۱۲۰

**آمار فقر در ایالات متحده:**

One in three Americans - 100 million people - is either poor or perilously close to it.

از هر سه نفر آمریکایی یک نفر - در مجموع ۱۰۰ میلیون نفر - فقیر یا نزدیک خط فقر است.

<http://www.nytimes.com/2011/11/24/opinion/the-poor-the-near-poor-and-you.html> **وبسایت نیویورک تایمز**

۴۴. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: **إِلَى التَّائِبِ نِصْفُ الْعَقْلِ وَحَسَنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعَلْمِ وَالتَّقْدِيرُ فِي التَّقَةِ نِصْفُ الْعَيْشِ.**

رسول خدا ﷺ فرمودند: دوستی با مردم نیمی از عقل است و سؤال خوب پرسیدن نیمی از علم است و میان‌روی در خرج و مخارج نیمی از معیشت است.

مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، بیروت، دار الأحياء التراث العربی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۲۴، ح ۱۴

۴۵. یکی از باب‌هایی که در طبقه‌بندی ابواب فقهی ذکر نشده و علماء به آنها توجه نکرده‌اند باب کلید است. ائمه عليهم السلام در کلمات و بیانات خدا اموری را به عنوان کلید معرفی کرده‌اند. یکی از کارهایی که باید انجام دهیم این است که از روایات مربوط به بحث کلید و مفتاح یک باب روایی تشکیل داده و این روایات را مورد بررسی قرار دهیم. به عنوان مثال امام صادق عليه السلام می‌فرمایند: **الْعَصَبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ**؛ خشم کلید هر بدی‌ای می‌باشد. (بحار الانوار، ج

کلید را بخواند. در این باب بحث شده است که سؤال، کلید علم است. ائمه ما کلید همه چیز از جمله کلید علم را بحث کرده و فرموده‌اند سؤال خوب کلید علم است. بنابراین اگر در یک جامعه سؤال خوب مطرح شد، علم گسترش پیدا می‌کند. ما در نظریه بانک سؤالات جهت‌ساز - که یکی از خانه‌های نقشه راه است - با ضوابطی که از روایات فهم کرده‌ایم، ۲۴۳ سؤال را مطرح نموده‌ایم.<sup>۴۶</sup> به نظر من این سؤالات نگاه به علم را تغییر می‌دهند؛ زیرا سؤالات‌های مهمی هستند. اگر سؤال به درستی شرح داده شود افق جدیدی را در حوزه علم پیش روی مخاطب می‌گشاید.

**۳/۵/۱. شکل‌گیری  
حسن‌السؤال بعد از طی  
مرحله نظام مقایسه به  
دلیل حفظ موازنه به  
نفع دستگاه ایمان و  
تحقق مسأله نفی سبیل  
در صورت طرح سؤال  
بعد از مرحله نظام  
مقایسه**

حالا یک سؤال خوب چگونه به دست می‌آید؟ آیا سؤال خوب، سؤالی است که در مرحله حسن الاستماع به دست می‌آید؟ بالاخره در مرحله‌ی حسن‌الاستماع سؤالاتی به ذهن انسان می‌آید و بنده هم قبول دارم که در این مرحله سؤالاتی به ذهن انسان خطور می‌کند. در مرحله تضارب نیز در ذهن انسان سؤال شکل می‌گیرد. اینها همه سؤال هستند و بنده کارکردشان را نفی نمی‌کنم. در مرحله کتابت نیز سؤالاتی به ذهن انسان می‌آید. شما تجربه کرده‌اید که وقتی بعد از مباحثه‌ای سرکلاس می‌روید، سؤالات خوبی در ذهن شما شکل گرفته است و آنها را از استاد می‌پرسید. اما نکته این است که اگر وارد مرحله نظام مقایسه شوید - یعنی در درگیری با فکر غلط بحث کنید - چون سؤالاتی که در ذهن شما ایجاد می‌شوند در صدد به چالش کشیدن فکر غلط هستند، وقتی این سؤالات را مطرح می‌کنید این کار منجر به حفظ موازنه نسبت به دستگاه کفر می‌شود. لذا این سؤالات حسن‌السؤال هستند. این، فرض خوبی نیست که ما در حجره خودمان فکر کنیم و سؤالاتی نیز به ذهن ما خطور کند. بنده محضر جلسه جسارت می‌کنم و امیدوارم دوستان دلگیر نشوند ولی بسیاری از سؤالاتی که دوستان فلاسفه در طول تاریخ مطرح کرده‌اند، چنین سؤالاتی بوده‌اند. به عنوان مثال دعوایی تفصیلی بر روی این مطلب داشته‌اند که اصالت با وجود است یا ماهیت؟ بنده متأسفانه یک دهه در این دعاوها حضور داشته‌ام و می‌دیدم که فلاسفه بحث کرده‌اند که اگر اصالت با وجود باشد چه اتفاقاتی می‌افتد و اگر اصالت با ماهیت باشد چه اتفاقاتی رخ می‌دهد. اختلاف آراء نیز پیدا کرده و بحث نیز کرده‌اند.<sup>۴۷</sup> اما یک وقت نیز شما در درگیری با دستگاه باطل نظام مقایسه

۷۳، ص ۲۷۴، ح ۲۴) امام عسکری علیه السلام می‌فرمایند: خبائث و پلیدی‌ها در خانه‌ای قرار داده شده و کذب کلید آن می‌باشد. (بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۶۳، ح ۴۶) همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام در روایاتی می‌فرمایند: الحياء مفتاح كل الخير؛ یعنی حیا کلید هر خیر و خوبی است (میزان الحکمه، جلد ۳، ص ۲۷۹، ح ۴۷۱۶)

۴۶ در «اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی»، ۸۱ سؤال حول موضوعات جهت‌ساز استخراج شده است. هر کدام از این سؤالات به سه بخش «نقد»، «نقض» و «طرح» تقسیم‌بندی می‌شوند که در مجموع به ۲۴۳ «مادر سؤال»، تبدیل می‌شوند.

کاری که در نقشه راه انجام شده است، استخراج موضوعات جهت‌ساز است و کاری که باید در ادامه انجام شود، بررسی این مطلب است که آیا معادلات دستگاه سکولار، پاسخی درخور برای تمام «موضوعات جهت‌ساز» دارند یا خیر؟ موفقیت ما در پردازش این سؤالات، نگرش نخبگان را تغییر داده و این مطلب را به آنها القاء می‌کند که استفاده از معادلات غیر دینی، به علت ضرورت و از روی اضطرار است؛ زیرا این معادلات، پاسخ‌گوی تمام موضوعات جهت‌ساز نیستند. تمام حرف ما در «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی» این است که سرعت و قدرت نگرش‌سازی از طریق اثبات و نمایاندن محدودبودن کارآمدی معادلات سکولار، بسیار بیشتر از نگرش‌سازی با راهبرد اثبات ناکارآمدی معادلات موجود از پایگاه مبانی نظری است.

جزوه تبیین نظریه بانک سؤالات جهت‌ساز در بنیاد علمی-فرهنگی مبنا تیر ماه ۱۳۹۳

۴۷. مسأله اصالت ماهیت و وجود، سابقه طولانی ندارد [۱] و از ابتکارات فلاسفه اسلامی است. زمینه‌ساز ورود این بحث و شکل‌گیری آن در فلسفه این بود که متکلمان معتقد بودند میان وجود و ماهیت، هیچ تغایر مفهومی وجود ندارد. فارابی اولین فیلسوفی بود که در مقابل این نظریه، موضع‌گیری کرد. [۲] در سخنان به جای مانده از فلاسفه یونان نیز، هیچ نشان روشنی از گرایش به اصالت وجود دیده نمی‌شود. [۳] در میان فلاسفه مسلمان نیز اگرچه می‌توان در کلمات شیخ الرئیس، بهمنیار و خواجه نصیر ردپایی از این مسأله یافت [۴] ولی هیچ یک از این بزرگان

می‌کنید؛ در اینصورت سؤالاتی که در ذهن شما مطرح می‌شوند در صدد به چالش کشیدن کفر و نفاق هستند. این سؤالات حسن‌السؤال هستند. چرا؟ چون غلبه اسلام را زیاد می‌کنند. همواره یک شاخص وجود دارد و ما باید بر نفی سبیل<sup>۴۸</sup> مواظبت کنیم. چه زمانی می‌توانیم بر روی نفی سبیل مواظبت کنیم؟ می‌دانید نفی سبیل در جامعه‌ای چگونه رخ می‌دهد؟ همواره در همه دوره‌ها مقدمه‌ی شکسته‌شدن نفی سبیل این است که عده‌ای در درون، فکر غلطی را می‌پذیرند و بعد این مطلب منجر می‌شود که نفی سبیل به صورت فیزیکی و طبیعی شکسته شود. عرض بنده این است که وقتی شما در درگیری با فکر غلط قرار می‌گیرید در وهله اول سؤال شما منجر به نقد فکر غلط می‌شود و در وهله دیگر سؤال شما منجر به کشف ضعف‌های شما در مقابله با فکر غلط می‌شود. لذا هر دو سؤالی که مطرح می‌شود باب علم را به سمت سلطان می‌برد. باید این احادیث را ببینیم؛ حضرت امیرالمومنین علیه السلام می‌فرمایند: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ» علم تسلط می‌آورد.<sup>۴۹</sup> برخی این روایت را نیز عضین کرده و بیان می‌کنند که بله علم تسلط می‌آورد؛ زیرا گاهی در یک مباحثه نیز استاد بر شاگرد خود مسلط می‌شود، پس الْعِلْمُ سُلْطَانٌ به همین معناست. اما اگر روایت را درست ببینید حضرت می‌فرمایند که اگر علم نداشته باشید دشمن بر شما غلبه پیدا می‌کند؛ یعنی جهت علم نفی سبیل است.<sup>۵۰</sup> لذا وقتی جمع بین ادله می‌کنیم باید معنای حسن‌السؤال را نیز ناظر به این ادله‌ای که برای آن خانواده تشکیل می‌دهیم بحث کنیم. سؤال خوب، سؤالی است که به سمت سلطان‌شدن نسبت به دستگاه کفر و نفاق می‌رود و این موضوع حتماً بعد از نظام مقایسه بدست می‌آید.

بنده مقدمه اول مباحث خود را به اتمام رساندم و عذر می‌خواهم که بیشتر مباحث این جلسه به تبیین مقدمات گذشت. عرض بنده این است که اگر می‌خواهید با مسأله الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ارتباط بگیرید، باید بدانید مدیریت تحقیقات فعلی این کمک را به شما نمی‌کند؛ زیرا حداکثر یک یا دو مرتبه شما را به فکر وادار خواهد کرد. اما اگر از حسن‌الاستماع تا حسن‌السؤال یعنی این پنج مرحله را طی کنید، مجبور می‌شوید پنج‌بار راجع به یک مسأله‌ای فکر کنید و وقتی

بحثی تحت عنوان اصالت وجود یا ماهیت مطرح نشده است و از این روی در بین کلمات این افراد مطالبی دال بر اصالت ماهیت نیز وجود دارد. [۵]

[۱] مطهری، مرتضی؛ شرح مبسوط منظومه، نشر حکمت، تهران، ششم، ۱۳۶۹ ج ۱، ص ۵۸

[۲] مطهری، مرتضی؛ اصول فلسفه و روش رئالیسم، نشر صدرا، تهران، چ سوم، ۱۳۷۲ ش، ج ۳، ص ۳۵

[۳] سهروردی، شهاب‌الدین؛ حکمة الاشراق، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج دوم؛ طهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران؛ بی‌تا، ص ۱۸۳ و ۱۸۴ سهروردی، شهاب‌الدین؛ التلویحات، مجموعه

مصنفات، ج ۱؛ طهران؛ انجمن حکمت و فلسفه ایران؛ بی‌تا، ص ۲۲ و ۲۳

[۴] مصباح یزدی، محمد تقی؛ شرح جلد اول اسفار اربعه، قم، نشر موسسه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۰ ه. ش، چاپ اول، ج ۱، ص ۱۴۹

[۵] شرح مبسوط منظومه، ج ۱، ص ۶۰

۴۸. سبیل در لغت به معنای راه [۱] و حجت [۲] و از نظر فقهی مراد از نفی سبیل این است که خداوند متعال حکمی جعل نکرده که بر اثر آن، برای کفار، برتری بر مسلمانان ثابت کند. [۳] اصل دیگری هست که باز از اصول مهم است که مسلمین نباید تحت سلطه‌ی کفار باشند. خدای تبارک و تعالی برای هیچ یک از کفار سلطه بر مسلمین قرار نداده است و نباید مسلمین این سلطه کفار را قبول بکنند. [۴]

[۱] محمد بن عبدالقادر؛ مختار الصحاح، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق، چاپ اول، ص ۱۵۲

[۲] معجم الوسیط، استانبول، دارالدعوة، بی‌تا، ص ۴۱۵

[۳] یجنوردی، محمدحسین؛ قواعد فقهیه، قم، نشر الهادی، ۱۴۱۹ ق، چاپ اول، ج ۱، ص ۱۹۳

[۴] امام خمینی علیه السلام، صحیفه‌ی نور، ج ۱۶، ص ۳۷

۴۹. قال امام علی علیه السلام: الْعِلْمُ سُلْطَانٌ، مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا، وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحًا عَلَيْهِ

امام علی علیه السلام فرمودند: دانش، سلطنت و قدرت است، هر که آن را بیابد با آن یورش برد و هر که آن را از دست بدهد بر او یورش برند.

این ابی‌الحدید؛ شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۱۹

۵۰. منظور از جهت آن هدفی است که ما بوسیله علم می‌خواهیم به آن برسیم؛ ما بوسیله موضوع جهت‌ساز علم می‌خواهیم جلوی هرگونه تسلط کفار را بر جامعه ایمانی بگیریم.

برای اطلاع از بحث جهت و جهت‌ساز به جزوه تبیین الگوی ساخت نظامات اسلامی در بنیاد علمی-فرهنگی مبنا مراجعه کنید.

پنج‌بار راجع به مسأله‌ای فکر کردید، حساب شما نسبت به وقتی که یک‌بار بر روی یک مسأله فکر می‌کنید خیلی فرق می‌کند، لذا سیر این مطلب هم معلوم می‌شود.

ان‌شاءالله اگر جریان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت خیلی سرعت پیدا کند - اگر بخواهیم برای نمونه‌سازی زمان کمی را صرف کنیم - شش الی هشت‌ماه زمان نیاز داریم تا افراد بتوانند این پنج مرحله را طی کنند. لذا روش بحث‌گفتن و درس‌گفتن [به این شکل است]. بنده باید دوباره اظهار تأسف کنم که ما در روایات این بحث‌های غنی را داریم؛ اما بعضاً مشاهده می‌شود که حتی برخی از حوزه‌های علمیه از مدل‌های دانشگاهی برای تربیت طلبه استفاده می‌کنند. این کار باعث می‌شود طلبه در آیات و روایات فکر نکنند؛ در حالی که طلبگی و تفقه، زندگی با آیات و روایات است؛ یعنی باید فکر انسان درگیر شود. خدا رحمت کند استاد ما مرحوم آیت الله صاحب‌زمانی<sup>۵۱</sup> همان سال‌های اولیه طلبگی چند سؤال را در ذهن ما ایجاد کردند و هفته‌ای نیست و برخی از اوقات حتی روزی نیست که آن سؤال ذهن بنده را درگیر نکرده باشد. وقتی توانستید یک نفر را به فکر فرو ببرید، گاهی اوقات یک عمر درگیر آن مسأله خواهد ماند. لذا سر آن روایت که فرمود: «تفکر ساعه افضل من عباده سبعین یا ستین سنه»<sup>۵۲</sup> واضح خواهد شد؛ وقتی ذهن درگیر شد، واقعاً ۷۰ سال درگیر خواهد ماند. این یک نوع آموزش است و آموزش‌های دانشگاهی نیز یک نوع آموزش هستند. الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در اولین گام مبتلا به این آفت شده است. لذا ۱۱ سال از طرح گفتمان الگو گذشته و کلی هم خروجی پیدا کرده اما مشاهده می‌شود که همه این خروجی‌ها همان مباحث توسعه غربی هستند. باید برای این مسائل چاره‌ای اندیشید. ما در جلسات خودمان همیشه به دوستان توصیه می‌کنیم که پنج مرحله راجع به مسأله الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت فکر کنند.

مقدمه‌ی دومی نیز ماند که بنده آن را در جلسه‌ی فردا گزارش خواهیم داد؛ چون فهم نمونه‌سازی اول به فهم نمونه‌سازی دوم کمک می‌کند فردا عرض خواهیم کرد که روح نمونه‌سازی اول ما چه می‌باشد. ان‌شاءالله فردا این مطلب را گزارش خواهیم داد و ان‌شاءالله از روز سوم اصل بحث مدیریت شهری را شروع خواهیم کرد.

و صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا اَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۵۱. آیت الله حاج شیخ رحمت الله صاحب الزمانی (متولد ۱۳۰۳) از عرفا و مجتهدین شهر بروجرد

۵۲. پژوهشگر به این روایت با سلسله سند دست نیافته است اما علامه مجلسی در کتاب شریف بحارالانوار روایت را بدون بیان سلسله سند ذکر کرده است.

فی الحدیث تفکر ساعه خیر من عبادت ستین سنه

در حدیث آمده است که یک ساعت تفکر برتر از ۶۰ سال عبادت است.



## پرسش و پاسخ

### ۱. مرحله حسن‌الاستماع؛ مرحله فعلی علاقه‌مندان به بحث مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

یکی از حضار(۱): آیا جمعی که در اینجا حضور دارند همه طلبه هستند؟ یعنی پراکندگی جمعیتی در حال حاضر به چه شکل است؟

حجت‌الاسلام کشوری: ظاهراً دوستانی که در جلسه حضور دارند همه علاقمند به گفتمان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت هستند.

یکی از حضار(۱): آیا همین کافی است که دور هم جمع شده و هر پنج مرحله را طی کنند؟

حجت‌الاسلام کشوری: عرض کردیم که در حال حاضر دوره‌ای که در مدرسه‌ی مبارکه‌ی مروی<sup>۵۳</sup> برگزار می‌شود، دوره حسن‌الاستماع برای مدیریت شهری است. در دوره حسن‌الاستماع ما افراد را تفکیک نمی‌کنیم، در مراحل بعد باید به تفکیک بپردازیم. این مرحله یک دوره‌ی عمومی است و ما می‌خواهیم در ۱۱ جلسه مدیریت شهری با نگاه اسلامی را بحث کنیم. آقا می‌فرمایند حوزه باید انقلابی باشد<sup>۵۴</sup> و بعد ایشان فرموده‌اند که انقلابی بودن حوزه به معنای لجستیک نظام است.<sup>۵۵</sup> حال یکی از سؤالاتی که در حال حاضر در نظام مطرح است این می‌باشد که شهرها را به چه شکلی اداره کنیم و بالاخره چگونه شهر اسلامی داشته باشیم؟ ما می‌خواهیم این جواب را در این دوره توضیح دهیم و ممکن است در مرحله تضارب ترکیب جمعیت تغییر کند.

### ۲. مبارزه با جریان توسعه‌گرا و تعمیم تفکر انقلاب اسلامی به حوزه مدیریت شهری؛ هدف نشست ۱۱ روزه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

یکی از حضار(۱): پس کاری تعریف نکرده و بیان نمی‌کنید که افق و خروجی کار چیست؟

حجت‌الاسلام کشوری: عرض کردم که - البته فردا که مقدمه دوم را بگویم این بحث واضح‌تر خواهد شد - ما در کشور نسبت به الگوهای غربی به بن‌بست رسیده‌ایم و راه نجات، اسلام شریف است؛ در حال حاضر مدل امنیتی ما مبتنی بر استنباط امام<sup>ع</sup> و بر مبنای اسلام می‌باشد و از نظریه مترقی بسیج استفاده می‌کنیم و این نظریه، امنیت مردم ایران را تأمین کرده، در حال تأمین امنیت مردم سوریه بوده، عراق را نجات داده، لبنان را به قله‌ی افتخار منطقه تبدیل کرده است و یمن نیز با استفاده از همین بسیج مردمی جلوی عربستان قد علم کرده است.<sup>۵۶</sup> ببینید! این نظریه اسلامی بوده و مبتنی بر مدل امنیتی بلک‌واتر (BlackWater)<sup>۵۷</sup> نیست.

۵۳. مدرسه علمیه مروی از معروف‌ترین و قدیمی‌ترین مدارس علمیه شهر تهران می‌باشد که در خیابان ناصر خسرو واقع شده است. تولیت این مدرسه در حال حاضر با آیت‌الله محسنی گرکانی می‌باشد.

۵۴. خب، حالا حوزه‌ی قم را بخواهند از انقلاب تهی کنند، [این] چیز کوچکی است؟ انگیزه‌هایی وجود دارد برای این کار، حرف من این است. بنده عرض می‌کنم اگر بخواهیم نظام اسلامی - همین نظامی که الان تشکیلاتی دارد، قوای سه‌گانه‌ای دارد، نیروهای مسلحی دارد، دستگاه‌ها و سازمان‌های گوناگونی دارد - انقلابی بماند، اسلامی بماند، حوزه‌ی قم باید انقلابی بماند؛ اگر حوزه‌ی قم انقلابی نماند، حوزه‌های علمیه اگر انقلابی نمانند، نظام در خطر انحراف از انقلاب قرار خواهد گرفت. من این را به شما عرض کنم: حوزه‌ی قم پشتوانه است. حرف من این است که می‌گویم حوزه‌ی علمیه‌ی قم بایستی به‌عنوان یک حوزه‌ی انقلابی، به‌عنوان مهد انقلاب، به‌عنوان آن کوره‌ی آتشفشانی که همین‌طور دارد انرژی انقلابی را صادر می‌کند از خودش، حضور داشته باشد و ظهور داشته باشد.

بیانات رهبر انقلاب در دیدار با اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم ۱۳۹۵/۱۲/۲۵

۵۵. پشتیبانی به معنای حقیقی کلمه؛ یعنی حوزه‌ی علمیه خوراک فکری این نظام را بدهد؛ آن را توجیه دینی بکند؛ تربیت و انسان‌سازی لازم را برای اداره‌ی این نظام با عظمت بکند.

بیانات امام‌خامنه‌ای<sup>ع</sup> در دیدار با جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم ۱۳۷۰/۱۱/۳۰

۵۶. به عنوان مثال ماجرای تأسیس حشد الشعبی عراق از این قرار است:

درست همانطور که ما در امنیت بر مبنای اسلام عمل کردیم و در حال حاضر امن‌ترین کشور دنیا هستیم می‌خواهیم در حوزه اقتصاد و مدیریت شهری نیز همین کار را بکنیم؛ یعنی همان راه امام علیه السلام را تبیین کنیم. اگر این موضوع جلو برود، به آرمان تبدیل خواهد شد؛ آیا آرمانی از این بالاتر وجود دارد که وارد مرحله جامعه‌سازی اسلامی شویم؟! این موضوعات مقدمه‌ی بحث هستند و بنده فرض را بر این گذاشتم که شما بسته‌ی اول، دوم و سوم مباحث را گذرانده‌اید؛ یعنی حداقل بسیاری از دوستانی که در جلسه هستند می‌دانند که هدف الگو انتقال جامعه از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی است و جامعه‌سازی با نگاه دینی، آرمان همه پیامبران علیهم السلام است.

بنده خواهش می‌کنم به خاطر این مسأله‌ای که عرض می‌کنم قیام کنید؛ در حال حاضر یک پررویی عجیبی در بین جریان توسعه‌گرا وجود دارد؛ در طول سال‌های بعد از انقلاب، جریان توسعه‌گرا به بخش‌هایی که انقلاب اسلامی ورود پیدا نکرده وارد شده و حالا که کار را خراب کرده در مصاحبه‌های خود این خرابی را بر گردن انقلاب می‌اندازد؛ یعنی مثلاً در مسأله بانکداری و نظام اقتصادی کشور - که بنیان‌گذاران آن مشخص هستند و مشخص است که چه کسانی در کشور هستند - کتاب دارند، تدریس کرده‌اند، مصاحبه کرده‌اند، در نطق ریاست جمهوری خود از آن دفاع کردند ولی نتیجه آن ۳۸ درصد طلاق در شهر تهران شده است. ۳۸ درصد طلاق در شهر تهران یعنی تهران دچار فروپاشی اجتماعی خواهد شد؛ چون خانواده، زیرساخت جامعه است. تفکر توسعه‌ی غربی این بلاها را بر سر جامعه ایران و بر سر کشورهای خودشان آورده است؛ مثلاً آمار طلاق آمریکا بالای ۶۰ الی ۷۰ درصد است، در آنجا خانواده‌ای وجود ندارد.<sup>۵۸</sup> حالا این مسأله در کشور ما هم در حال اتفاق افتادن است و با این وجود آن آقا مصاحبه می‌کند و می‌گوید: ما باید اصلاحات را در ایران جلو ببریم.<sup>۵۹</sup> اما بعداً مشخص می‌شود که مراد او از اصلاحات، گسترش تفکر توسعه‌گراست. همچنین بیان می‌کنند که راه نجات کشور تدبیر و امید است.<sup>۶۰</sup> بنده به هیچ عنوان قصد بحث سیاسی ندارم اما سؤال این است که تدبیر چیست؟ وقتی کتاب‌های آقایان رو مطالعه می‌کنید متوجه می‌شوید که مراد آقایان از تدبیر، گسترش تفکر توسعه‌گرایی است.<sup>۶۱</sup> ولی در برجام مشاهده شد که شما فرمایش کردید که تدبیر است، مشکلات کشور را حل خواهد کرد و حضرات آقایان مراجع در رأس آنها رهبری نیز قبول کردند؛ اما در حال حاضر

در سال ۲۰۱۴ و پس از افتادن موصل در خرداد ۱۳۹۳ (۵ تا ۱۳ ژوئن ۲۰۱۴ میلادی) به دست نیروهای داعش در واکنش به فتوای مراجع عراق به‌ویژه فتوای جهاد آیت‌الله سیستانی، این نیرو تشکیل شد. [۱] عقیل حسینی رئیس شورای بسیج عراق آن را ادامه بسیج ایران توصیف کرد و گفت: بسیج عراق با تجربه بسیج ایران تشکیل شده است. [۲] نوری مالکی نیز که هنگام سقوط موصل نخست‌وزیر عراق بود تصریح کرد که ما در ساختار بسیج عراق از بسیج ایران الگو گرفتیم. [۳]

[۱]. خبرگزاری مشرق <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/317372>

[۲]. خبرگزاری رسا <http://www.rasanews.ir/textversion/detail/news/232868/23>

[۳]. خبرگزاری ابنا <http://fa.abna24.com/service/sixth-conference/archive/2015/08/16/691576/story.html>

۵۷. بلک‌واتر شرکت خدماتی آمریکایی است که در زمینه مدیریت ریسک، ارائه خدمات لجستیکی، سرویس‌های امنیتی و نیروهای مسلح خصوصی فعالیت می‌نماید.

۵۸. سند این مطلب در پاورقی شماره ۴۳ ذکر گردید.

۵۹. مردم اصلاحات را می‌خواهند. یک ویژگی درمورد اصلاحات که همه به آن اعتراف دارند سلامت اقتصادی‌اش است. مردم جریان اصلاحات را قبول دارند و بر همین اساس در فضای امنیتی سال ۹۱-۹۲ نظر اصلاحات را قبول کردند و رأی دادند. یعنی در آن فضای ناامیدی و یأس؛ مردم پای صندوق‌ها حاضر شدند. ما معتقدیم اگر شرایط مناسبی باشد و انتخاباتی رقابتی و آزاد برگزار شود، ما حداقل هفتاد درصد رأی مردم را داریم. نمی‌گوییم ضعف نداشتیم. می‌دانیم که نمود خارجی دولت‌ها برنامه‌های توسعه آن است. شاخص‌های برنامه‌های سوم توسعه با هیچکدام از برنامه‌های قبل و بعد از خودش قابل مقایسه نیست. این‌ها همه عملکرد اصلاحات است و مردم هم آن را درک می‌کنند و رفتار و کردار و موضع‌گیری‌هایشان این موضوع را نشان می‌دهد.

گفت‌وگوی دکتر محمدرضا عارف با خبرگزاری ابنا، کد خبر: ۳۴۳۹۳۱ - تاریخ مخابره: ۱۳۹۴/۱۱/۲۴

۶۰. رئیس جمهوری امید، تدبیر و اعتدال را راه نجات کشور از مشکلات دانست و تأکید کرد: دولت یازدهم با امید، تدبیر و اعتدال، حرکت کشور را در مسیر درستی قرار داده و به این روند ادامه خواهد داد.

رئیس جمهور در ضیافت افطار با وزراء، استانداران و روسای سازمان‌ها به نقل پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، <http://www.dolat.ir/TextVersion/Detail/?Id=281068&Serv=12>

۶۱. در صفحه ۷۸۲ کتاب امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران - نوشته‌ی دکتر حسن روحانی - به صراحت بیان شده که الگوی اقتصادی متناسب با کشور ایران تئوری‌های نئوکینزی و نهادگرایی است.



۵ ماه از برجام گذشته، تحریم‌ها نه تنها برداشته نشده بلکه بدتر هم شده،<sup>۶۲</sup> رکود نیز رفع نشده و بلکه افزایش یافته است.<sup>۶۳</sup> لذا جامعه به دلیل استفاده از تفکرات توسعه‌گرا به بن‌بست رسیده است. آیا شما آرمانی بالاتر از این می‌شناسید که ما جامعه را از بن‌بست بیرون بیاوریم؟!<sup>۶۴</sup>

همانطور که شب گذشته مقام معظم رهبری فرمودند: راه حل نجات کشور تفکر انقلاب است.<sup>۶۴</sup> تفصیل یافته‌ی تفکر انقلاب هم در بحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بیان شده است. ما با این پیش‌فرض‌ها وارد بحث در این جلسه شدیم. البته بنده این مطالب را قبلاً شاید در حدود هزار جلسه در طول چهار الی پنج سال گذشته مطرح کرده‌ام؛ اما در حال حاضر، هم دوستان سازمان برنامه‌ریزی و هم دوستان دیگر و هم جریان ضد انقلاب، ناظر به جریان اولین نقشه راه اولین نقشه راه تولید الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت یادداشت‌هایی را نوشته‌اند؛ آنها در مورد ما بحث کرده و نقد انجام داده‌اند و مثلاً یکی از اشکالات آنها به ما این است که الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، کاربردی نیست. ما نیز به وسیله‌ی نمونه‌سازی اول یک جواب مشخص به آنها داده‌ایم. ببینید! اتفاق عجیبی افتاده است؛ بنده مجبورم از باب «أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ»<sup>۶۵</sup> عرض کنم که سازمان مدیریت

۶۲. ولی‌الله سیف، رئیس بانک مرکزی ایران در مصاحبه‌ای با تلویزیون بلومبرگ گفته توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ موسوم به برجام، تا کنون «تقریباً هیچ» دستاورد اقتصادی برای تهران در بر نداشته است.

به نوشته پایگاه اینترنتی بلومبرگ، سیف گفته ایران سه ماه بعد از اجرایی شدن برجام، توان دستیابی به ۱۰۰ میلیارد دلار دارایی ضبط‌شده‌اش در خارج از کشور را نداشته و برای پرداخت صورت‌حساب‌هایش در مبادلات خارجی به دنبال راهی برای استفاده از دلار است.

رئیس بانک مرکزی ایران اضافه کرد با آنکه قرار است سپرده‌های ایران در بانک‌های خارج از کشور قابل دسترس باشند، بانک‌های اروپایی کماکان نگران نقض قوانین آمریکا و مواجه شدن با جریمه‌های سنگین این کشور هستند. سیف، جمعه به تلویزیون بلومبرگ گفت که «تقریباً هیچ چیز» از این توافق که در روز ۱۶ ژانویه اجرایی شد عاید ایران نشده است. وی می‌گوید: «یکی از نیازهایی که قطعاً ما داریم تبدیل کردن ارز است برای اینکه بتوانیم به تأمین‌کنندگان (کالا) پول پرداخت کنیم. این، نیازمند دسترسی به نظام مالی آمریکا است.»

ویسایت روزنامه کیهان، کد خبر: ۷۲۵۹۷

ایزدی تصریح کرد: البته هدف از مذاکرات این بود که ایران در حوزه هسته‌ای محدودیت‌هایی را بپذیرد و در مقابل، تحریم‌های هسته‌ای لغو شود اما این اتفاق نیفتاده است. وی به اظهارات چند هفته قبل ولی‌الله سیف در آمریکا اشاره کرد و ادامه داد: اگر این اتفاق افتاده بود، رئیس بانک مرکزی نمی‌گفت که دستاورد برجام «هیچ» بوده است؛ این حرفی است که آقای سیف هم در نیویورک و هم در حال حاضر که در سفر اروپایی‌ست، بیان کرده است.

این استاد دانشگاه اضافه کرد: اگر بخواهیم منصفانه به برجام نگاه کنیم این گونه نیست که برجام صفر بوده و هیچ دستاوردی نداشته اما قرار بود مشکل حل شود و هدف از مذاکرات نیز این بود که تحریم‌ها را برطرف کند. در غیر اینصورت، اگر قرار نبود تحریم‌ها لغو شود، اصلاً برای چه مذاکره کردیم؟ ایزدی خاطرنشان کرد: در حال حاضر در عمل ساختار بسیاری از تحریم‌ها سر جای خود است اما هم روی کاغذ و هم در عمل امتیازهای بسیار گسترده‌ای به طرف مقابل داده شده است. وی ادامه داد: در قبال این موضوعات، امتیازاتی هم روی کاغذ گرفته شده اما در عمل تقریباً اینطور نیست. وی افزود: خسارت محض این است که ما بر روی کاغذ امتیازات محدودی گرفته‌ایم اما در عمل، نه تنها امتیازی به ما داده نشده بلکه فشارها نیز بیشتر شده است. ایزدی گفت: ساختار تحریم‌ها سر جای خودش است و هرچند وقت یک‌بار هم تحریم جدیدی اعمال می‌شود. هر هفته مقامات آمریکایی بخشی از پول ایران را در جایی پیدا و مصادره می‌کنند، استفاده از ادبیات ضدایرانی افزایش پیدا کرده و اهانت به پاسپورت ایرانی بیشتر شده و خلیج فارس را هم خلیج عربی می‌نامند، این‌ها همه نشان‌دهنده این است که سیاست خارجی دولت در دو سال و نیم گذشته موفق نبوده و با شکست مواجه شده است. وی خاطرنشان کرد: طرف آمریکایی احساس کرده که سیاست تحریم به خوبی جواب داده و الآن می‌خواهد این سیاست را نه تنها نگه دارد بلکه افزایش هم بدهد. در ماه‌های بعد از برجام، ۸۰ طرح جدید در کنگره آمریکا مطرح شده است که برخی از آنها مانند همین مورد اخیر - لایحه بودجه دفاعی - تصویب می‌شود و برخی هم در راه تصویب است.

گفت‌وگوی دکتر فواد ایزدی (کارشناس مسائل بین‌الملل) با خبرگزاری فارس <http://www.farsnews.com/13950301001142>

۶۳. دکتر روحانی با بیان اینکه ملت ایران در کنار برخورداری از نقاط برجسته از کاستی‌هایی نیز رنج می‌برد، گفت: امروز مردم ایران با مشکلاتی در زمینه آب، محیط زیست، بیکاری، رکود، نامناسب بودن محیط کسب و کار، مشکل حمل و نقل در کنار مشکلات منطقه‌ای و جهانی، مواجه هستند.

دکتر روحانی، در دیدار با مردم کرمانشاه ۱۳۹۵/۰۴/۲۷ به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری <http://president.ir/fa/94352>

۶۴. برادران و خواهران عزیز! من این حرف را شاید با کم‌وزیاد ده‌ها بار گفته‌ام، باز هم تکرار می‌کنم: ما هرجا به انقلاب تکیه کردیم، به روحیه انقلابی تکیه کردیم، پیش رفتیم؛ هرجا از ارزش‌ها کوتاه آمدیم، انقلاب را ندیده گرفتیم، از این گوشه‌اش زدیم، از آن گوشه‌اش زدیم، تأویل و توجیه کردیم، برای خوشایند عناصر استکبار که دشمنان اصلی اسلام و دشمنان اصلی این نظامند، مدام حرف را جویدیم، حرف را خوردیم، عقب ماندیم؛ قضیه این جوری است. راه پیشرفت ایران اسلامی، احیاء روحیه انقلابی و احیاء روحیه‌ی مجاهدت است.

رهبر انقلاب در دیدار با خانواده‌های شهدای هفتم‌تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم ۱۳۹۵/۰۴/۰۵

۶۵. أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ / آیه ۱۱ سوره مبارکه ضحی

و برنامه‌ریزی کشور برنامه ششم را نوشته و بیان کرده است که حجم برنامه‌ی آنها ۱۳۰۰ صفحه می‌باشد. در حالی که حجم برنامه‌ای که ما برای برنامه ششم نوشته‌ایم دو برابر این مقدار است، با اینکه ما امکانات آنها را نیز نداشتیم. آنها مبانی نظری خود را بحث کردند ما نیز مبانی نظری خود را بحث کردیم، آنها تئوری‌های کاربردی خود را مطرح کردند، ما هم تئوری‌های کاربردی مطرح کردیم، آنها احکام برنامه دادند، ما هم احکام برنامه ارائه دادیم. این اتفاق عجیبی است که رخ داده است؛ خداوند متعال به ما کمک کرده و خودِ خداوند متعال مدیریت داستان را بر عهده داشته تا اینکه بعد از حدود دوده‌ه کار به این نقطه رسیده است که ما برای اولین بار برنامه‌ای را با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بنویسیم. حالا به نظر بنده دوره‌ی مدیریت شهری از لحاظی از دوره قبل مهم‌تر است؛ چون اگر ما بتوانیم مدیریت شهری را با نگاه اسلام باز تعریف کنیم، خواهیم توانست هویت اسلامی و در رأس آن نهاد خانواده را در جامعه تقویت کنیم و به نظر بنده این آرمان خیلی بزرگی است.

یکی از حضار(۱): بحث بنده این بود که آیا متخصصین بحث و دوستانی که قرار است در مرحله‌ی تضارب به ما بپیوندند نباید [مرحله‌ی حسن‌الاستماع را طی کنند؟]

حجت‌الاسلام کشوری: آنها طی می‌کنند؛ درست است که ما ۱۱ روز در اینجا بحث می‌کنیم ولی افراد دیگر حسن‌الاستماع را به این شکل طی نمی‌کنند و مثلاً به شکل دیگری این مرحله را می‌گذارند.

یکی از حضار(۱): بحث من این است که آیا شما می‌خواهید این بحث را فقط پرورش دهید یا اینکه فقط می‌خواهید موضوع را معرفی کنید؟ این موضوع در دوستانی که قریب‌الاجتهاد هستند ملکه شده است و اگر شما می‌خواهید بحث را پرورش دهید بهتر است از آنها استفاده کنید.

حجت‌الاسلام کشوری: به هر حال تبیین مسأله اتفاق می‌افتد و به نظر بنده این نیز گام مهمی است. در اثر این کارها به برکت انقلاب اسلامی یک نسل طلبه و فقیه تصمیم‌ساز در جامعه ایجاد خواهد شد. تا قبل از انقلاب طلبه‌های ما مسائل فردی را بیان می‌کردند ولی حالا کرسی‌های مسائل اجتماعی و اجتماعیات اسلام نیز باز خواهد شد. همانطور که شما در مسائل فردی یک دور تبیین مسأله می‌کنید، ماه رمضان ما نیز به این شکل است که مسائل اجتماعی اسلام را تبلیغ کنیم، مثلاً در یک دهه یک سؤال در حوزه اجتماعیات را بحث می‌کنیم. این کارها تبیین مسأله می‌باشند و بعدها هم مراحل عمیق‌تر را بحث خواهیم کرد.

### ۳. لزوم اجتناب از مدیریت تحقیقات فعلی و لزوم استنباط روش صحبت کردن با مردم و به فکر فروبردن آنها از آیات و روایات

یکی از حضار(۲): بسم الله الرحمن الرحیم، برای اینکه بتوانیم به مرحله‌ی حسن‌السؤال برسیم ۵ مرحله را بیان کردید. آیا در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برای این مراحل روش خاصی را بیان کرده‌اید؟ و ما به چه شکل می‌توانیم به این موضوعات دسترسی پیدا کنیم؟

حجت‌الاسلام کشوری: بنده فقط مرحله حسن‌الاستماع را بحث کرده‌ام؛ یعنی همین‌طور که شما می‌فرمایید خود حسن‌الاستماع دارای آداب است و بعداً آن را بحث خواهیم کرد. الآن در این جلسه فقط می‌خواستیم نسبت به این مراحل حسن‌الاستماع ایجاد شود. حالا بعدها این مطلب در دوره‌های بعد حتماً عمیق‌تر بحث خواهد شد؛ یعنی مجموع روایاتی که حول این ۵ مرحله هستند خانواده‌های روایاتی هستند که برای فهم نحوه‌ی مدیریت دانش از نگاه اسلامی باید آنها را تشکیل داده و بحث کنیم. در حال حاضر ما در قم مباحثات مختصری را با طلبه‌های اهل فضل و علم - که با روایات سرکار دارند - داریم و این گفت‌وگوها را انجام می‌دهیم. اما الآن فقط خواستم شما را پرهیز دهم؛ بنده وقتی این پنج‌سال گذشته را نگاه می‌کنم تا ببینم چه چیزی برای مسأله الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت چالش ایجاد کرده است، متوجه می‌شوم که مشکل، از نگاه غلطی است که بر مدیریت تحقیقات الگو حاکم می‌باشد. ما در مجموعه خود از مدل‌های موجود مدیریت تحقیقات استفاده نکرده‌ایم؛ بنده الآن نمی‌خواهم آماری بدهم که بعد خلاف آن بیرون آید ولی با استناد به یک دلیل می‌گویم: جلساتی

و اما نعمت پروردگارت را بازگوکن.

که ما با مدل خودمان طراحی کرده‌ایم موفق بوده است. دلیل ادعای من این است که بلااستثناء از دل هر جلسه‌ای که ما برگزار کرده‌ایم، یک یا چندین جلسه زاینده شده است؛ یعنی خود آدم‌ها پیگیر بحث شده‌اند. بنده مهمترین دلیل را همین می‌دانم که ما در این جلسات بحث خود را در مرحله الاستماع نگه داشتیم؛ چون امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «نَحْنُ امْرَاءُ الْكَلَامِ»<sup>۶۶</sup> حرف زدن، امر پیچیده‌ای است و اگر شمای گوینده نحوه‌ی حرف زدن را از دل روایات استنباط نکنید، این حرف زدن شما باعث انحراف و عدم هدایت خواهد شد. حتماً آن حدیث معروف را شنیده‌اید که حضرت می‌فرماید: «أَنَا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نَكْتُمَ النَّاسَ عَلَى قَدَرِ عُقُولِهِمْ»<sup>۶۷</sup> در این موضوع یک باب روایت وجود دارد که شما باید به میزان ظرفیت مردم حرف بزنید، به موقع حرف بزنید، مقدمات را بیان کنید. این پدیده‌ی بدی است که ما حتی با روایات این باب که اهل بیت علیهم السلام بیان کرده‌اند، به نحو اخباری برخورد می‌کنیم؛ خدای نکرده حتی در مقام استادی نیز قرار می‌گیریم اما بحث نکرده‌ایم که حرف زدن، سخنرانی و کلام یعنی چه؟ این موارد، بحث‌های دقیقی است. مثلاً امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: قرآن در هر عصری برای آدم‌های آن عصر حرف تازه‌ای دارد.<sup>۶۸</sup> چرا؟ به دلیل اینکه او به او کلمات قرآن دقیق انتخاب شده است، هم از حیث لفظی، هم از حیث محتوایی و هم از حیث معنایی بسیار دقیق است. بعد از قرآن، کلمات معصومین علیهم السلام نیز به همین شکل هستند، یعنی مثلاً وقتی امام صادق علیه السلام سخنی را بیان می‌کند واقعاً آن حرف، دو الی سه هزار سال قدرت هدایت دارد برخلاف حرف فردی مانند بنده که ممکن است آدم‌های در این جلسه را هم به فکر فرو نبرد. راه حل این است که ما فرصت انقلاب اسلامی را اغنیمت بشماریم. بنده راجع به آخرت این دوستان خیرخواهی می‌کنم، شما مناصب جمهوری اسلامی - که امید مستضعفین است - را گرفته‌اید و می‌خواهید حرف‌های جمهوری اسلامی را جا بیندازید؛ اما از روش‌های موجود نشر دانش استفاده می‌کنید و در نتیجه یازده سال می‌گذرد و بعد می‌بینید هنوز حرف جمهوری اسلامی جانیفتاده است. این موارد حرف‌های پیچیده‌ای است و اولین مخاطب این حرف‌ها هم خود ما طلبه‌ها هستیم؛ باید به شکلی حرف بزنیم که هدایت در جامعه فربه شود و به نظر من اساس کار همین است. حرف درست، حرفی است که انسان‌ها را به فکر فرو می‌برد. ولی ما انسان‌ها را به فکر فرو نمی‌بریم و مجبور می‌شویم آدم‌ها را مجبور کنیم. حال بنده به دلیل اینکه جلسه بعداً منتشر می‌شود نمی‌خواهم مثال‌هایی را بیاورم. ما نمی‌توانیم در آدم‌ها تأمل ایجاد کنیم و بعد مجبور می‌شویم قانون و مقررات گذاشته و آدم‌ها را مجبور کنیم. ریشه قانون و اینها به این مسأله باز می‌گردد.

#### ۴. الگوی حفظ جهت؛ الگوی مورد استفاده‌ی نقشه راه برای پژوهشی مباحث مرتبط با الگوی پیشرفت اسلامی

یکی از حضار (۳): این ۵ مرحله‌ای که برای مسأله الگوی پیشرفت اسلامی فرمودید ...

حجت‌الاسلام کشوری: و مسائل الهی ...

۶۶. قال علی علیه السلام إِنَّا لَأَمْرَاءُ الْكَلَامِ

امام علی علیه السلام فرمودند: ما [خاندان رسالت،] امیران کلام هستیم.

نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۲۲۴

۶۷. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نَكْتُمَ النَّاسَ عَلَى قَدَرِ عُقُولِهِمْ؛

رسول خدا صلى الله عليه وآله و فرمودند: ما پیامبران مأموریم که با مردم به اندازه عقل و فهمشان سخن بگوییم.

کلینی، محمد بن یعقوب، کافی (ط-الاسلامیه) ج ۸، ص ۲۶۸ و ج ۱، ص ۲۳

۶۸. وَقَالَ فِيهِ بَيَانٌ كُلُّ شَيْءٍ وَذَكَرَ أَنَّ الْكِتَابَ يُصَدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضاً وَأَنَّهُ لَا اخْتِلَافَ فِيهِ فَقَالَ سُبْحَانَهُ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَمَا كَانُوا يَرَوْنَ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أَيْقُنُ وَتَاطِنُهُ عَمِيْقٌ لَا تَفْتَى عَجَائِبُهُ وَلَا تَتَقَضَى غَرَائِبُهُ وَلَا تَكْشِفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِهِ.

امیرالمؤمنین علیه السلام در قرآن همه چیز بیان گردیده است و نیز آمده که آیات قرآن یکدیگر را تصدیق کنند و در آنها ناهماهنگی نیست که: «اگر این کتاب از نزد غیر خدا بود، اختلاف زیادی در آن یافت می‌شد». ظاهر قرآن زیبا و باطن آن ژرفا، شگفتیهای آن تمام نشدنی و شگرفیهای آن پایان‌ناپذیر است و تاریکی‌ها جز بدان روشن نگردد.

خطبه هجدهم نهج البلاغه

یکی از حضار (۳): بله؛ این ۵ مرحله برای مسائل تأسیسی است و مسأله‌ی الگوی پیشرفت اسلامی نیز یک مسأله‌ی تأسیسی است. حالا سؤال من این است که طراحی و دستیابی به الگوی پیشرفت نیازمند طی چه مراحل است؟ آیا باید این ۵ مرحله را طی کنیم؟

**حجت‌الاسلام کشوری:** حضرتعالی سؤال فنی‌ای پرسیدید. بنده در این پنج مرحله روش پرورش‌دادن و روش به فکر فرو بردن را بیان کردم. ایشان سؤال خوبی مطرح کردند و آن اینکه که آیا پژوهش<sup>۶۹</sup> الگوی پیشرفت هم دارای روش خاصی است؟ بنده جواب می‌دهم بله و این موضوع را بعداً بیان خواهم کرد. پردازش<sup>۷۰</sup> الگوی پیشرفت نیز دارای روش خاصی است. از منظر اسلام هر کدام از این سه دوره دارای روش خاصی هستند و ما این سه دوره را در قالب الگوی ساخت تئوریزه کرده‌ایم. مهمترین تولیدی که اولین نقشه راه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت دارد، «الگوی نظام‌سازی اجتماعی»<sup>۷۱</sup> یا الگوی ساخت است.

الگوی ساخت دارای سه ریز الگو است که بحث‌های مبانی نظری الگو را تشکیل می‌دهند؛ یکی از این الگوها «الگوی حفظ جهت»<sup>۷۲</sup> یا مدل استنباط است که بنده در همین قسمت این موضوع را محضر طلبه‌های فاضل و خوش‌فکر و رفیق خود گزارش بدهم؛ ما در «الگوی حفظ جهت» معنای حکومت و ورود<sup>۷۳</sup> را عوض کرده‌ایم.<sup>۷۴</sup> برادران عزیز استظهار و استحضار دارند

۶۹. معنای پژوهش در باورقی شماره ۲ توضیح داده شد.

۷۰. معنای پردازش در باورقی شماره ۲ توضیح داده شد.

۷۱. نقشه راه، یک جدولی تحت عنوان «الگوی ساخت نظامات اسلامی» دارد. این نقشه راه، مبتنی بر این الگو تولید شده است، مبتنی بر «الگوی ساخت نظامات اسلامی». طبیعتاً وقتی می‌خواهیم نقشه راه را معرفی کنیم باید محورهای «الگوی ساخت نظامات اسلامی» را بحث نماییم. همانطور که از اسم این جدول بر می‌آید، نام آن، الگوی ساختن نظامات اجتماعی اسلام است، به زبان شما سیستم. شما اصطلاح سیستم را بهتر متوجه می‌شوید. با توجه به اینکه جامعه بدون سیستم اداره نمی‌شود، ما در شورای راهبردی برای ساخت نظامات اجتماعی اسلام، الگو و روشی را تدوین کرده‌ایم موسوم به «الگوی ساخت نظامات اسلامی». اگر ما محورهای «الگوی ساخت نظامات اسلامی» را بحث کنیم، تسلط بر نقشه راه نیز حاصل می‌شود. «الگوی ساخت نظامات اسلامی» سه محور اصلی دارد. محور اول، «الگوی حفظ جهت» است، محور دوم آن، «الگوی استخراج سؤال» است. عنوانی وجود دارد موسوم به «الگوی استخراج سؤال». محور سوم نیز «الگوی پردازش اجتماعی» می‌باشد. ما در «الگوی ساخت نظامات اسلامی» راجع به این سه مسأله صحبت می‌کنیم. یعنی اگر کسی از ما بپرسد «الگوی ساخت نظامات اسلامی» چیست؟ پاسخ می‌دهیم: «الگوی ساخت نظامات اسلامی» شامل «الگوی حفظ جهت»، «الگوی استخراج سؤال» و «الگوی پردازش اجتماعی» است. وقتی این سه محور را بحث کنیم نقشه راه خودبه‌خود معرفی می‌شود. هر یک از این سه محور نیز خود سه محور درونی دارند. یعنی «الگوی ساخت نظامات اسلامی» در واقع ۹ محور بحثی دارد.

جلسه اول از سلسله جلسات تبیین الگوی حفظ جهت در مدرسه رویش شهر کاشان ۱۳۹۲/۰۱/۲۹

۷۲. الگوی حفظ جهت چه توانی به ما می‌دهد؟ این توان را ما می‌دهد که ما راجع به موضوعات جهت‌ساز قدرت تحلیل داشته باشیم، تحلیل مبتنی بر جهت‌گیری و جهت حرکت خودمان، تحلیلی که به وسیله‌ی آن تحلیل و با به کارگیری آن به سمت اهدافمان حرکت می‌کنیم. گاهی تحلیل‌ها انسان‌ها را از اهداف دور می‌کنند ولی تحلیلی که با به کارگیری الگوی حفظ جهت به دست می‌آید کمک می‌کند که شما درک کنید چرا در یک بخش به سمت اهداف حرکت نمی‌شود، همچنین برای شما تصویر حرکت به سمت اهداف تصویر می‌شود.

جلسه تبیین الگوی ساخت نظامات اسلامی در مدرسه معصومیه (ع) ۱۳۹۲/۰۲/۰۲

۷۳. «ورود» و «حکومت»، از اصطلاحات اصول فقه است که در میان متقدمان اثری از آن وجود ندارد و این دو اصطلاح تقریباً از زمان شیخ انصاری وارد علم اصول فقه شیعه شده و به نوعی از ابتکارات علمی ایشان به حساب می‌آید. اگرچه در عصر ایشان از جانب دیگران، این اصطلاحات آغاز شد - چه این که تعبیر حکومت و ورود در کتاب «جواهر الکلام» دیده می‌شود - ولی با آن مشخصات و وسعتی که نهایتاً شیخ انصاری بدان‌ها رسید، نبود.

۱۱. شیروانی، علی، ترجمه اصول فقه، دار الفکر، قم، ۱۳۸۸ ش. ج ۲، ص ۲۸۲

۷۴. اینکه یک فقیه بتواند سیر انحلال «جهت‌ساز» در «جهت» را استنباط کند، این حکم، جایگزین «حکومت» و «ورود» است که امروزه بین فقها جریان دارد. می‌دانید که فقهای فعلی در مقام استنباط دو کار انجام می‌دهند. البته کاری با مقدمات استنباط ندارم؛ به عنوان مثال شما مقدماتی دارید که باید تشخیص دهید؛ مثلاً به فلان حدیث اعتماد بشود یا خیر، اینها مقدمات است. ولی وقتی وارد خود فرآیند اجتهاد شدید، بین فقهای ما دو کار بیشتر صورت نمی‌گیرد؛ یکی اینکه ظهورگیری می‌کنند که مثلاً ظهور فلان حدیث که حجیت آن اثبات شده چیست ولو اینکه خبر واحد باشد. دومین کار این است که بین استظهارهایی که انجام داده‌اند، یا «حکومت» برقرار می‌کنند یا «ورود» را بررسی می‌کنند. اگر بین دو استظهار «ورود» بررسی شود، یعنی موضوع حکم را در روایتی به وسیله روایت وارد منتفی می‌کنید. به عبارت دیگر می‌گویید: موضوع روایت اول این نبوده و با موضوع فلان روایت برداشته شد. یا اینکه اصلاً روایتی را حاکم قرار می‌دهید و ظهور روایت دوم را ذیل روایت اول بررسی می‌کنید. ما در مسأله‌ی ترجمه «جهت‌ساز» به «جهت» یا استنباط سیر انحلال «جهت‌ساز» در جهت، این بحث را مطرح کرده‌ایم که ممکن است روایتی مربوط به آغاز سیر انحلال باشد. البته قبول

که اساس فقاقت فعلی بر مبنای حکومت ورود است. ما در «الگوی حفظ جهت» حکومت و ورود را دقیق تر معنا کردیم. این بحثی که ما پژوهش را در الگوی حفظ جهت معنا کردیم.

یک الگو هم به اسم «الگوی استخراج سؤال» داریم؛ «الگوی استخراج سؤال» یعنی الگوی ایجاد سؤال در ذهن مخاطب. روش ایجاد سؤال به یک الگو تبدیل شده است. این الگو سه بخش دارد و یک بخش از آن تکالیفی است که مستمع باید انجام دهد. همانطور که عرض کردم تکالیف مستمع، مسائل مدرج کردن حوزهی فکر است.

یک «الگوی پردازش اجتماعی» یا الگوی اجرا هم داریم که مشخص می کند با توجه به فکر اسلامی چگونه باید وارد اجرا و اقامه شویم. وقتی می گوئید باید فکری را اقامه کرد - ما در نقشه راه یک اصطلاح رکیک به کار برده و گفتیم پردازش کرده ایم - و وقتی می خواهید فکری را پردازش کنید باید مشخص کنید که این کار را چگونه انجام دهیم. این موضوع در «الگوی پردازش اجتماعی» تبیین شده است.

آنچه در این جلسه مطرح شد، یک سوم «الگوی استخراج سؤال» بود. وقتی بنده می خواستم این روایات را جمع بندی کنم، قبل از آن به حضرت رضاعلی<sup>علیه السلام</sup> متوسل شدم و بعد فکر را جمع بندی کردم. به نظرم این «الگوی استخراج سؤال» یک بحث بسیار خوبی است. «الگوی استخراج سؤال» دارای یک روح است که می گوید: باید به شکلی حرف زد که طرف مقابل به فکر فرو برود. اگر به این شکل عمل کردید «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»؛ معنای لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ این نیست که اکراه در دین وجود ندارد بلکه معنای دقیق این است که شما در انتقال دین به اکراه نیاز ندارید. قرآن می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا»<sup>۷۵</sup> پیامبران که می آمدند از حیث بشارت و انذار کفایت کننده بودند؛ چون انسان واقعاً به فکر فرو می رود و ثمره به فکر فرو رفتن نیز بشارت و انذار خواهد شد؛ یعنی بعد از این فکر از برخی چیزها بیم پیدا می کند و می گوید من این مسیر را نمی روم؛ زیرا عاقبت به شر خواهم شد. لذا در خود انسان ها انذار ایجاد می شود؛ انذار به این معناست که شخص به این نتیجه می رسد که مسأله ای ضد سعادت اوست و به سمت آن نمی رود. بعد هم با شوق به سمت آن کاری که سعادت او را تأمین می کند می رود و این نیز بشارت است، بشارت واقعاً یک امر درونی است. حال این موارد را بعدها توضیح خواهم داد.

بسیار خُب. ان شاء الله فردا بنده وارد مقدمه دوم مورد نیاز برای فهم مدیریت شهری خواهم شد. بنده تقاضا دارم که بحث رأس ساعت ۱۱ شروع شود.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup>

داریم که دو روایت راجع به یک موضوع بحث می کنند و موضوع آنها به هم مرتبط است، ولی یک روایت نقطه ی آغاز انحلال را بحث کرده و ممکن است روایتی نیز نقطه ی ختم انحلال را بحث کرده باشد. لذا به این معنا روایات دیگر حاکم بر هم نیستند بلکه روایات - به اصطلاح رکیک - در یک فرآیند جای داده می شوند. بخشی از روایات شما به نقطه آغاز انحلال مربوط می شود، بخشی به نقطه ختم انحلال مربوط می شود و...؛ اصلاً به این معنا مسأله «ورود» معنا پیدا نمی کند. ان شاء الله اگر مباحث فقه را شروع کردیم و چند مسیر انحلال را گفتیم، متوجه می شوید که گاهی ظهور ۲۰ یا ۳۰ روایت در یک فرآیند انحلال منظومه می شود. یک نظامی از ظهورها در یک فرآیند انحلال موضوعیت پیدا می کند بدون اینکه بر یکدیگر وارد یا حاکم شوند. این مباحث را در جلسات بعدی بحث خواهیم کرد. این مطالب، نسخه جدیدی برای باب تعادل و تراجیح باز خواهد کرد و فهم شما از روایات علاجیه تغییر می کند. تعادل و تراجیح یک مسأله مهمی است که فقیه هنگام بحث به آن اشاره می کند. اگر خدای متعال توفیق داد و ورود پیدا کردیم، یکی از مسائل سنگینی که هر کسی باید برای خودش تعیین تکلیف کند، باب تعادل و تراجیح - باب روایاتی که ظاهراً با هم در تعارضند و باید چگونگی رفع تعارضشان حل شود - است. برای مثال بحث می کنند که ممکن است یکی از روایات متعارضین در مقام تقیه بوده باشد که در اینصورت حل خواهد شد. اینجا یک بحث جدیدی شروع می شود که به نظرم باعث تحول در حوزه فقاقت می شود. لذا «الگوی حفظ جهت» را جدی بگیرید؛ «الگوی حفظ جهت» با مجموع مباحث مرتبط با خودش، با قانده محوری ضرورت استنباط مناسب ترجمه ای - که این مناسب ترجمه ها را به «جهت» ترجمه می کنند - در واقع یک فضای استنباطی جدیدی را پیش روی شما قرار می دهد.

جلسه تبیین معنای نمونه سازی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی در حوزه علمیه مروی ۱۳۹۵/۰۴/۰۲

۷۵. وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا / آیه ۲۸ سوره مبارکه سبأ

و ما تو را جز بشارتگر و هشداردهنده برای تمام مردم نفرستادیم لیکن بیشتر مردم نمی دانند.

## فهرست تفصیلی مطالب

۱. ارائه تعریف جدید از مدیریت شهری، تعریف مفهوم محله و مشخص کردن نقاط شروع مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی؛ سرفصل‌های سه‌گانه نشستِ روزه تبیین مفهوم مدیریت شهری ..... ۱
- ۱/۱. مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی؛ دومین نمونه‌سازی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۱
- ۱/۲. تعریف مدیریت اسلامی شهر به مدیریت محله‌محور؛ سرفصل اول نشست ۱۱ روزه تبیین مفهوم مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت ..... ۲
- ۱/۳. ارائه تعریف جدید از محله (سپر حمایت از نهاد خانواده) به دلیل نبود تعریف جامع و کامل از محله؛ سرفصل دوم نشست ۱۱ روزه تبیین مفهوم مدیریت شهری از نگاه الگو ..... ۳
- ۱/۴. مشخص کردن نقاط شروع عملیاتی کردن مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت؛ سرفصل سوم نشست ۱۱ روزه تبیین مفهوم مدیریت شهری از نگاه الگو ..... ۳
- ۱/۱/۱. زیادبودن هزینه‌های مدیریت شهر به روش فعلی؛ ضرورت اول ارائه تعریف جدید از مدیریت شهری ..... ۳
- ۱/۱/۲. نبود افقی با هویت اسلامی برای شوراهای شهرها در مدیریت شهری فعلی و در نتیجه نهادیده‌شدن سکولاریسم و به چالش کشیده‌شدن امنیت ملی؛ ضرورت دوم ارائه تعریف جدید از مدیریت شهری ..... ۳
۲. لزوم اجتناب از روش‌های مرسوم مدیریت تحقیقات در فهم مباحث الگوی پیشرفت اسلامی به دلیل نیازمندی الگو به فهم و تفکر عمیق و ناتوانی روش‌های فعلی مدیریت تحقیقات در متفکر کردن افراد ..... ۵
- ۲/۱. انتقال از مرحله دولت اسلامی به جامعه اسلامی توسط الگوی پیشرفت اسلامی و نظام‌سازی همه‌جانبه توسط الگو؛ عامل نیازمندی فهم الگو به تفکر عمیق ..... ۷
۳. تفکر در پنج مرحله بر روی موضوعات (حسن‌الاستماع، تضارب، کتابت، نظام مقایسه و حسن‌السؤال) در عوض استفاده از روش مدیریت تحقیقات؛ مقدمه اول فهم مباحث الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۸
- ۳/۱. حسن‌الاستماع (گوش کردن به مباحث همراه با انصات و طرح سؤال به غرض تبیین بیشتر بحث)؛ مرحله اول تفکر ..... ۸
- ۳/۲. تضارب (ضرب آراء هم جهت در یکدیگر به غرض تولد رأی صحیح)؛ مرحله دوم تفکر ..... ۱۰
- ۳/۳. کتابت (مرحله نوشتن علم تثبیت شده)؛ مرحله سوم تفکر بر روی موضوعات الهی ..... ۱۱
- ۳/۴. نظام مقایسه (مقایسه علم بدست آمده در مقابل فکر غلط موجود در جامعه)؛ چهارمین مرحله از تفکر بر روی موضوعات الهی ..... ۱۱
- ۳/۴/۱. مقایسه مدیریت شهری از نگاه اسلام با مدیریت شهری TOD، مقایسه عدم توازن‌های فرهنگی با عدم توازن‌های اقتصادی؛ دو مورد از نظام مقایسه‌های موجود در نقشه راه ..... ۱۳
- ۳/۵. حسن‌السؤال (طرح سؤال منجر به تقویت جریان حق و تضعیف جریان باطل)؛ پنجمین و آخرین مرحله تفکر ..... ۱۴
- ۳/۵/۱. شکل‌گیری حسن‌السؤال بعد از طی مرحله نظام مقایسه به دلیل حفظ موازنه به نفع دستگاه ایمان و تحقق مسأله نفی سبیل در صورت طرح سؤال بعد از مرحله نظام مقایسه ..... ۱۵
- پرسش و پاسخ ..... ۱۸
۱. مرحله حسن‌الاستماع؛ مرحله فعلی علاقه‌مندان به بحث مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۱۸
۲. مبارزه با جریان توسعه‌گرا و تعمیم تفکر انقلاب اسلامی به حوزه مدیریت شهری؛ هدف نشست ۱۱ روزه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۱۸



۳. لزوم اجتناب از مدیریت تحقیقات فعلی و لزوم استنباط روش صحبت کردن با مردم و به فکر فروبردن آنها از آیات و روایات..... ۲۱
۴. الگوی حفظ جهت؛ الگوی مورد استفاده‌ی نقشه راه برای پژوهش مباحث مرتبط با الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۲۲



---

## جلسه دوم

---

فهم معنای نمونه‌سازی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی و بررسی نمونه‌سازی‌های انجام شده بر اساس نگاه الگو؛ لازمه دوم فهم مباحث الگوی پیشرفت و مدیریت شهری



۷ تیرماه ۱۳۹۵

نشست تبیین مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

**عنوان جلسه دوم و تدوین گران:** فهم معنای نمونه‌سازی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی و بررسی نمونه‌سازی‌های انجام شده بر اساس نگاه الگو؛ لازمه دوم فهم مباحث الگوی پیشرفت و مدیریت شهری / ابوالفضل آریان‌پور و سجاد حسن‌زاده  
**ارائه‌دهنده‌ی جلسه:** حجت‌الاسلام و المسلمین علی کشوری

**تاریخ جلسه:** ۱۳۹۵/۰۴/۰۷ **مکان جلسه:** تهران - مدرسه علمیه مروی

**حاضرین در جلسه:** جمعی از طلاب حوزه علمیه مروی و پژوهشگران اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

**مشخصات اثر:** ۲۹ صفحه رنگی (۲۱\*۲۹،۷ س.م) **تاریخ انتشار:** مردادماه ۱۳۹۵

**اجمالی از جلسه:** در جلسه گذشته بیان گردید که برای فهم مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت و به طور کلی فهم مباحث الگوی پیشرفت باید به دو مقدمه و لازمه توجه کنیم. لازمه اول، روش تفکر بر روی موضوعات الهی بود که در جلسه گذشته این روش تبیین و مراحل پنج‌گانه‌ی آن شرح داده شد.

در جلسه دوم به دومین مقدمه و لازمه‌ی فهم مباحث مدیریت شهری خواهیم پرداخت. در توضیح مقدمه دوم باید گفت که تحلیل‌های ارائه شده برای موضوعات مختلف همانند مدیریت شهری، اقتصاد مقاومتی، پیشگیری از جرم و ... همواره متکی بر مجموعه‌ای از مفاهیم و مبانی نظری هستند که باید فهمیده شوند و شنوده بر آنها تسلط یابد؛ اما از آنجا که مفاهیم پایه و مبانی، مفاهیمی ذهنی هستند و فهم آنها نیازمند دقت زیادی می‌باشد و ملموس نیستند، شنوندگان، نخبگان و محققین میل زیادی به پیگیری این مباحث نخواهند داشت؛ به عبارت بهتر یکی از راه‌های تبیین مبانی حاکم بر تحلیل‌ها این است که این مبانی را برای مردم تبیین کنیم که این روش با عدم علاقه و میل مردم مواجه خواهد شد.

روش دیگر این است که ما این مفاهیم را به کار برده و در تحلیل موضوعات از آنها استفاده کنیم تا افراد در اثر کارآمدی ایجاد شده توسط تحلیل ما به مبانی حاکم بر این تحلیل نیز علاقه‌مند شوند؛ به عبارت واضح‌تر اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی معتقد است که نباید در نشست‌ها و همایش‌ها به تبیین نظری مبانی بپردازیم؛ بلکه باید این مبانی را در تحلیل موضوعات به کار برده و این موضوعات را به صورت موفق محقق کنیم تا افراد با مشاهده‌ی کارآمدی حاصل به این نتیجه برسند که حتماً مبانی نظری حاکم بر تحلیل نیز مبانی استوار و محکمی بوده‌اند که کارآمدی به دست آمده است. بدین ترتیب مخاطبین به مطالعه و تحقیق بر روی مبانی نظری نیز تشویق می‌شوند.

شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی تا به حال با استفاده از این روش به سه نمونه‌سازی پرداخته است؛ نمونه‌سازی اول پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه نام دارد. در این پیوست ما یک حرف سلبی و انتقادی و یک حرف اثباتی داریم. نقد ما این است که چرا نظام برنامه‌ریزی موجود نتوانسته است حتی اهداف توسعه را محقق کند؟ حرف اثباتی ما نیز این است که نظم حاکم بر نظام برنامه‌ریزی باید تغییر پیدا کند؛ چرا که این نظم نمی‌تواند برای موضوعات جهت‌ساز افراد برنامه بهبود بنویسد.

نمونه‌سازی دوم شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی بحث مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت است. حرف اصلی ما در این نمونه‌سازی این است که مدیریت شهری باید بتواند موضوعات جهت‌ساز افراد را بهبود بخشیده و نیازهای چهارگانه آنها را در محله تأمین کند تا افراد خانواده مدام مجبور به جدانشدن از یکدیگر نباشند.

فهم معنای نمونه‌سازی با نگاه الگوی پیشرفت و بررسی نمونه‌سازی‌های انجام شده بر

اساس نگاه الگو؛ لازمه دوم فهم مباحث الگوی پیشرفت و مدیریت شهری

تدوین گران: ابوالفضل آریان‌پور و سجاد حسن‌زاده

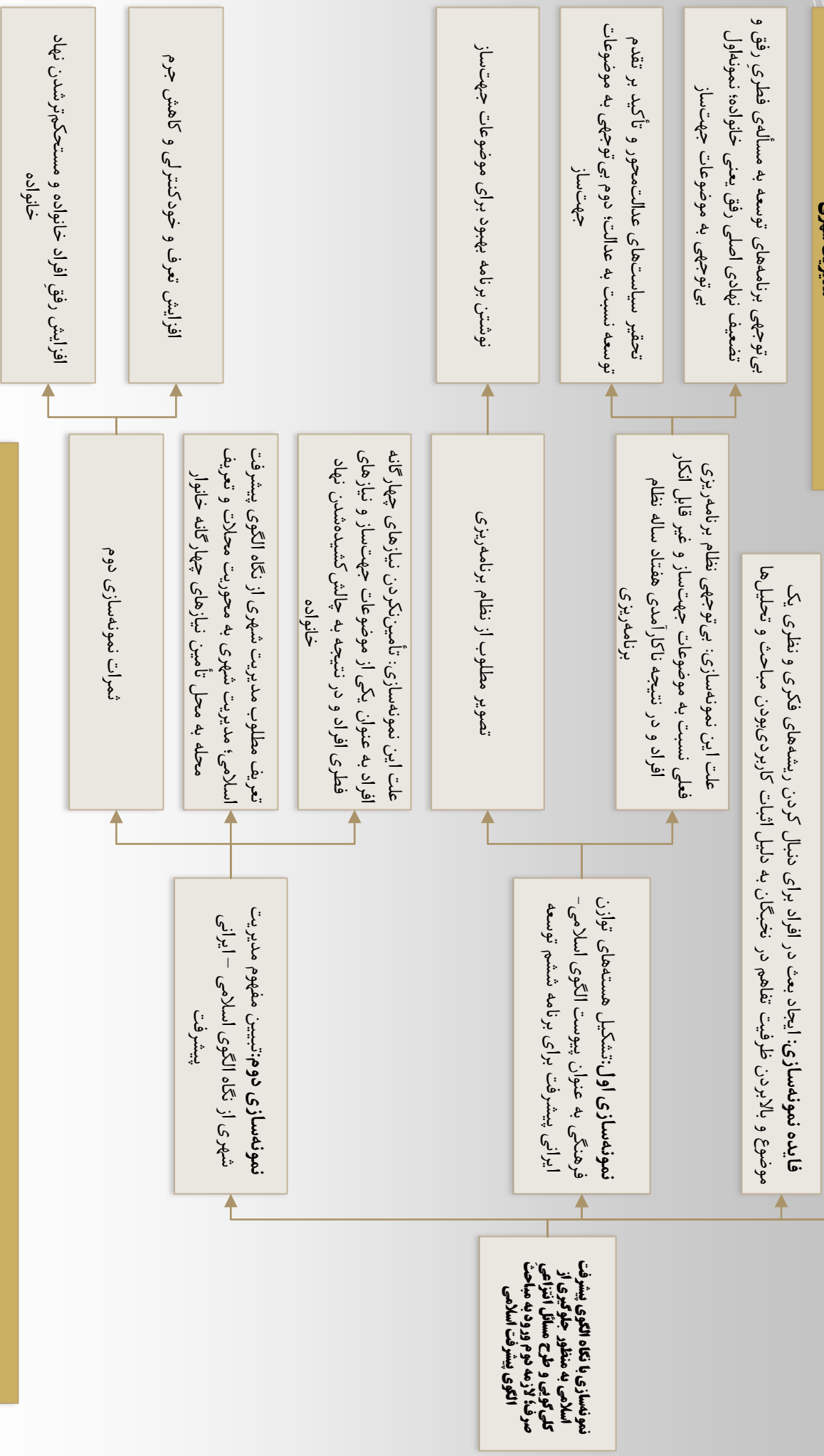
تاریخ انتشار: مردادماه ۱۳۹۵

ویراست اول

## فهرست اجمالی مطالب

۱. لزوم نمونه‌سازی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی به منظور ارتقا ظرفیت تفاهم حول مفاهیم بنیادین الگوی پیشرفت اسلامی و ایجاد اشتیاق در نخبگان برای پیگیری مباحث بنیادین ..... ۱
۲. نوشتن برنامه‌ی بهبود برای موضوعات جهت‌ساز توسط نظام برنامه‌ریزی کشور؛ اولین نمونه‌سازی با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم) ..... ۵
۳. مدیریت شهر به محوریت محلات و تأمین نیازهای چهارگانه‌ی خانواده‌ها در محله؛ دومین نمونه‌سازی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۱۵
- پرسش و پاسخ ..... ۱۹
۱. حفظ محلات خوب فعلی و ترمیم بافت آنها به سمت محله‌شدن با تعریف الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛ راه حل حال حاضر برای شروع تغییر در مدل مدیریت شهری ..... ۱۹
۲. تأمین نیازهای افراد در محله؛ راهکار کاهش ترافیک و هزینه‌های حمل و نقل ..... ۲۱
- پیوست شماره ۱ ..... ۲۷
- پیوست شماره ۲ ..... ۲۸

**فهم معنای نمونه‌سازی با نگاه الگوی پیشرفت و بررسی نمونه‌سازی‌های انجام شده بر اساس نگاه الگو؛ لازمه دوم فهم مباحث الگوی پیشرفت و مدیریت شهری**



سلسله جلسات تبیین «فهوم مدیریت شهری بر اساس نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» / جلسه دوم / ۷ تیر ۱۳۹۵



### ۱. لزوم نمونه‌سازی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی به منظور ارتقا ظرفیت تفاهم حول مفاهیم بنیادین الگوی پیشرفت اسلامی و ایجاد اشتیاق در نخبگان برای پیگیری مباحث بنیادین

۱/۱. وجود مفاهیم بنیادین و نظری در مباحث و تحلیل‌های مختلف از جمله تحلیل‌های الگوی پیشرفت اسلامی و ضرورت تسلط افراد بر این مفاهیم به منظور برقراری ارتباط با تحلیل‌های الگو

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین لا سیما بقیه الله فی الارضین ارواحنا لتراب مقدمه الفداء و عجل الله تعالی فرجه الشریف.

همانطور که در جلسه اول محضر برادران و خواهران عزیز گزارش دادم موضوع بحث عبارت است از تبیین تفصیلی معنای مدیریت شهری براساس مفاهیم «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت»؛ همانطور که از عنوان این دوره بر می‌آید ما می‌خواهیم بر اساس مجموعه‌ای از مفاهیم پایه راجع به مسأله مدیریت شهری اظهار نظر کنیم. این مفاهیم پایه، مفاهیمی هستند که اگر به آنها توجه شود درک‌های کاربردی از جمله درک ما از مسأله مدیریت شهری تغییر پیدا خواهد کرد. در واقع بنده می‌خواهم این مسأله را به صورت اجمالی مطرح کنم که دنیای مفاهیم شبیه به دنیای ساختمان‌هاست؛ درست همانطور که بار طبقه‌ی دوم یک ساختمان بر روی طبقات زیرین می‌باشد و هرچه بالاتر برویم باید مدلی را طراحی کنیم که فشارها به شکلی به ستون‌های ساختمان و به طبقات زیرین و زیربنای ساختمان منتقل شود؛ در دنیای مفاهیم نیز بحث به همین شکل است؛ همیشه مجموعه‌ای از مفاهیم زیربنای سایر مفاهیم هستند. بنابراین وقتی وارد حوزه تحلیل می‌شویم نباید تلقی کنیم که ما فقط با یک سطح از مفاهیم روبرو هستیم، خیر؛ نظامی از مفاهیم با یکدیگر ارتباط داشته و به هم وابسته می‌باشند و شما نمی‌توانید برخی از مفاهیم را بدون درک برخی دیگر از مفاهیم توضیح داده و تشریح کنید. بنابراین وقتی وارد مباحثی مانند مدیریت شهری



یا نظام برنامه‌ریزی با نگاه اسلامی می‌شویم، شنونده‌ی دقیق و محقق باید در ذهن خود به این سمت حرکت کند که به تدریج مفاهیم بنیادین را شناسایی نموده و بر آن مفاهیم مسلط شود تا بتواند با تحلیل ارائه شده ارتباط خوبی برقرار کند. البته اگر وقتی وارد بحثی مانند مدیریت شهری می‌شدیم تنها با یک دسته از مفاهیم روبرو بودیم کار خیلی سخت نبود؛ اما چون مفاهیم حوزه مدیریت شهری - مانند مفهوم تعَرّف، مفهوم محله‌محوری، مفهوم عدم تمرکز در مدیریت و امثالهم از مفاهیمی که در این دوره استفاده می‌شود - به مفاهیم پایه‌ی دیگری وابسته هستند باید دقت نسبت به مباحث ارتقا پیدا کند.

بنابراین بنده در جلسه گذشته از شما خواهش کردم برای اینکه بتوانید با این نظام از مفاهیم ارتباط بگیرید، حتماً دو کار را جدی تلقی کنید؛ کار اول این است که سعی کنید پنج مرحله بر روی مباحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت تفکر کنید؛ چون این حجم از دقت باعث می‌شود که لایه‌های متفاوتی از آن نظام مفاهیم را در ذهن خود طبقه‌بندی کنید. با توجه به اینکه چند لایه بحث وجود دارد پس باید راجع به این مباحث چند لایه فکر و تأمل کنید، این نکته اول بود.

نکته دوم؛ آفتی است که ما خواستیم از آن آفت عبور کنیم؛ معمولاً در بحث‌های تحلیلی، بحث به شکلی بیرون می‌آید که مخاطب خیلی نمی‌تواند با نظام مفاهیم به سادگی ارتباط برقرار کند. لذا ما تدبیر دومی نیز در نقشه راه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت اندیشیده‌ایم تا به انتزاع و کلی‌گویی مبتلا نشویم. آن تدبیر دوم این است که با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نمونه‌سازی می‌کنیم؛ یعنی سعی می‌کنیم مفاهیم بنیادین را به حوزه‌ی کاربرد برسانیم تا ابتدا مخاطبِ مُحَقِّقِ ما کاربرد آن نظام مفاهیم را ببیند و بعد به خاطر شوق و انگیزه‌ای که معمولاً از پایگاه کاربردی بودن و کارآمدی در ذهن انسان‌ها ایجاد می‌شود به سمت مفاهیم پایه‌ای‌تر تحلیل متمایل شود. بنابراین مقدمه دوم هم در این قسمت جای خود را نشان می‌دهد؛ گاهی اوقات شما می‌خواهید مخاطب را دعوت کنید که به یک مسأله مهم فکر کند، در اینصورت دو راه پیش روی شما هست؛ یک راه این است که شما ریشه‌های فکریِ مطلب را توضیح دهید. اما به دلیل اینکه ریشه‌های فکریِ مقداری انتزاعی‌تر بوده و قابل لمس نیستند برای قاطبه‌ی نخبگان و محققان انگیزه ایجاد نمی‌کنند. ولی وقتی بر اساس آن ریشه فکری و مفهوم پایه، کارآمدی نشان می‌دهید، این کارآمدی انگیزه‌ای را در مخاطب ایجاد می‌کند تا ریشه‌هایی که منجر به این کار شده‌اند را بررسی کند؛ این سیر نمونه‌سازی با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است، اصلی‌ترین سیر نمونه‌سازی این است که ظرفیت تفاهم را در میان نخبگان ارتقا می‌دهد. ما نباید همه‌ی کار را به دوش شنونده یا محقق بیندازیم، بلکه باید کار را تسهیل نموده و در اختیار آنها قرار دهیم. البته آن کار فکری سنگین [تفکر پنج‌مرحله‌ای -] برای شنونده باقی خواهد ماند؛ اما به هر حال شما با نمونه‌سازی به او انگیزه خواهید داد. لذا اینکه بنده در جلسه قبل تأکید کردم که باید به دو مقدمه توجه کنیم - برخی از دوستان بعد از جلسه به بنده گفتند که چرا بر روی این دو مقدمه خیلی اصرار کردید؟ - به این دلیل است که اگر کسی به این دو مقدمه توجه کند، ارتباط او با معنای جدید مدیریت شهری ارتقا پیدا می‌کند؛ ما نمی‌خواهیم دوره‌ای برگزار کرده و در آن اظهار فضل نماییم و مثلاً یک بحثی را مطرح کنیم و کتابی برای گوشه کتاب‌خانه‌ها تدوین شود؛ بلکه ما می‌خواهیم از دوران مبارک جمهوری اسلامی و حکومتی که حتی در اختیار پیامبران گذشته نبوده استفاده کرده و به سمت بازتعریف مدیریت شهری با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت حرکت کنیم. لذا باید هر چه می‌توانیم بحث را قابل تفاهم‌تر ارائه دهیم. بنابراین در اینجا جایگاه نمونه‌سازی‌ها مشخص می‌شود؛ یعنی گاهی شما شروع به بحث کرده و مفاهیمی را به صورت انتزاعی مطرح می‌کنید و گاهی هم یک ماشین می‌سازید و آن ماشین حرکت

**۱/۲. تفکر عمیق بر روی مباحث الگو در پنج مرحله؛ لازمه اول مسلط شدن افراد به مفاهیم پایه الگوی پیشرفت**

**۱/۳. به کار بردن مفاهیم الگوی پیشرفت در تحلیل موضوعات عینی و نمونه‌سازی با نگاه الگوی پیشرفت به منظور ایجاد شور و اشتیاق در مخاطبین جهت پیگیری مباحث بنیادین؛ لازمه دوم مسلط شدن افراد به مفاهیم الگوی پیشرفت**



می‌کند و بیننده‌ی محقق متوجه می‌شود که در ساخت این ماشین صدها محاسبه‌ی مکانیکی و الکترونیکی و محاسبات مختلف به کار رفته است؛ انسان همواره از کارآمدی قوی دقت محاسبات را متوجه شود. ولی روش اول شاید برای همه امکان نداشته باشد؛ مثلاً وقتی شما یک بحث ذهنی قوی را مطرح می‌کنید، الزاماً مخاطب شما به این نتیجه نمی‌رسد که می‌توان از این بحث در اداره جامعه نیز استفاده کرد. این مسأله مهمی است که باید به آن توجه شود.

۱/۳/۱. هدایت بنیان بودن  
اداره‌ی جامعه؛ یکی از  
مفاهیم بنیادین مطرح در  
الگوی پیشرفت و ایجاد  
اشتیاق در مخاطبین برای  
پگیری این بحث از طریق  
تحلیل مدیریت شهری بر  
پایه هدایت

در جلسه گذشته بنده آن مقدمه‌ی مهمی که منجر به فهم بحث می‌شود را بیان کردم. در این جلسه نیز به مقدمه دوم اشاره کردم؛ ما باید بحث را از تحلیل مسأله و کاربرد شروع کنیم و این، معنای نمونه‌سازی است. حتماً همه شما با این گزاره‌ی بنیادین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت آشنا هستید که اداره‌ی جامعه هدایت بنیان است.<sup>۱</sup> ما می‌توانستیم بحث را از این نقطه شروع کرده و در یک فضای نظری ابتدا مفهوم هدایت را تعریف کنیم و توضیح دهیم که چرا باید بنیان همه امور در جامعه - همه امور که عرض می‌کنم یعنی مثلاً بنیان اقتصاد، بنیان آموزش، بنیان دفاع و امنیت، بنیان مسائل اجتماعی، بنیان مسائل شهری و همه مسائل - بر پایه هدایت می‌باشد. در اینصورت بحث به گونه‌ی دیگر در ذهن شما شکل می‌گرفت و بسیار طولانی هم می‌شد؛ اما در روش دیگر شما تصویر خود از مدیریت شهری را براساس مفهوم هدایت بنیان بودن نشان می‌دهید و یک مخاطب دقیق و محقق پس از بررسی مشاهده می‌کند که همه تحلیل‌های مدیریت شهری یک اصل محوری را دنبال کرده و به دور یک قمر می‌چرخند و آن قمر نیز مسأله هدایت است. این مقدمه دوم بود که بنده آن را عرض کردم.

۱. مقدمه اول آنکه: محور مدیریت در بخش‌های مختلف جامعه انسان است. به عنوان مثال محور در بخش اقتصاد، کارآفرین، مصرف‌کننده، سرمایه‌گذار و مدیران و کارگران هستند. در بخش فرهنگ، محور هنرمندان، دانشمندان، شاعران، نویسندگان و ... هستند و یا در بخش آموزش، محور خانواده‌ها، معلمان، مدیران مدارس، دانش آموزان و ... می‌باشند. به صورت کلی در هر یک از بخش‌های جامعه بازیگران اصلی انسان‌های فعال در آن بخش از جامعه می‌باشند.

مقدمه دوم آنکه: در همه این بخش‌ها انسان‌ها متأثر از نظام نگرش‌های خود تصمیم می‌گیرند و بدیهی است که ایجاد تغییر در هر جامعه‌ای از مسیر ایجاد تغییر در نگرش‌های افراد آن جامعه آغاز می‌شود. به عنوان مثال پیدایش انقلاب با عظمت اسلامی و استقرار نظام حکومتی اسلامی، از تغییر نگرش در ملت ایران نسبت به حکومت‌های دیکتاتوری و دموکراسی آغاز شده است و همچنین پذیرش تاکتیک نرمش فهرمانانه و مذاکره‌ی موردی با آمریکا با فلسفه تصحیح نگرش‌های خوش‌بینانه به استکبار و بالتبع ادامه تفکر مرگ بر آمریکا انتخاب شده است. البته در شکل‌گیری و غلبه یک نگرش خاص در جامعه، افراد به نحو مساوی شریک نیستند و سهم نخبگان و مدیران بیش از سهم افراد عادی یک جامعه است.

مقدمه سوم آنکه: شکل‌گیری نگرش در انسان‌ها امری دفعی نیست و تغییر نگرش به سرعت در میان انسان‌ها به وجود نمی‌آید. معمولاً نگرش‌ها بر اساس مقدمات و تجربیاتی - که به عنوان پشتیبان برای آن نگرش عمل می‌کنند - به وجود می‌آیند. به عبارت ساده‌تر برای ایجاد نگرش در بخش‌های مختلف نیازمند ظرفیت‌سازی برای ایجاد آن نگرش هستیم. بدون توجه به ظرفیت‌های پایه نمی‌توانیم نگرش‌های جامعه را در مسیر صحیح ایجاد و تثبیت نماییم. به عنوان مثال دوران تربیت انسان در حکم ظرفیت و پشتیبان برای نگرش‌های انسان در دوران بلوغ هستند و معمولاً نگرش‌های انسان در سن اختیار و انتخاب، متأثر از ویژگی‌های دوران تربیت است. همچنین نگرش انسان‌ها در جامعه بیش از همه چیز به رفتار دولت‌مردان و امراء وابسته است و اگر مدیران و رهبران مملکتی به اجنبی و دشمن وابسته باشند؛ مسیر نگرش‌های افراد یک جامعه با نگرش‌های استکباری هماهنگ‌تر خواهد شد. بنابراین دوران تربیت، تصحیح رفتار مدیران یک جامعه و عدم وابستگی به استکبار (نفی سیل) از موضوعات ظرفیت‌ساز برای ایجاد نگرش صحیح محسوب می‌شوند.

مقدمه چهارم اینکه: در «اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» از موضوعاتی که به نوعی در حکم زیرساخت و ظرفیت‌سازی برای تغییر نگرش‌ها - در بخش‌های مختلف جامعه - محسوب می‌شوند؛ تحت عنوان «موضوعات جهت‌ساز» یاد شده است. علت این نامگذاری به جایگاه نگرش‌های انسان در انتخاب جهت و سبک زندگی و اثر این موضوعات در تغییر نگرش بازگشت دارد.

با توجه به مقدمات چهارگانه‌ی فوق، می‌توانیم روح «الگوی پیشرفت اسلامی» را «هدایت نظامات ذهنی» بدانیم. در «الگوی پیشرفت اسلامی» پایه همه مسائل - به دلیل محوریت انسان‌ها در اداره جامعه - به مفهوم «هدایت نظامات ذهنی» بازگشت دارد و همانطور که گفته شد راه تغییر در نگرش‌ها هم ظرفیت‌سازی برای نگرش‌سازی است؛ که این موضوع هم به «پردازش موضوعات جهت‌ساز» وابسته است!

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه <http://nro-di.blog.ir/1393/05/09>





**۱/۴. شروع بحث از مفاهیم نظری؛ یکی از اشکالات جامعه‌ی علمی کشور**

در جامعه علمی ما معایب زیادی وجود دارد؛ یکی از این معایب آن است که بحث را از فضای نظری شروع و مطرح می‌کنند. منتهی ما پس از سال ۱۳۹۰ - که دوران پرورش الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را شروع کردیم - شاید چند هزار جلسه برگزار کرده باشیم؛ اما در کمتر از چندصد جلسه از این جلسات مبانی نظری مباحث را تبیین نموده‌ایم؛ ما همواره بحث را از تحلیل یک مسأله شروع کرده و کار را به حوزه مبانی نظری رسانده‌ایم. لذا مقدمه‌ی دوم این است که اگر می‌خواهید مسأله الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را بفهمید، باید حتماً به بررسی نمونه‌هایی که الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت پیشنهاد داده است بپردازید و برای فهم الگو از مفاهیم بنیادین شروع نکنید.<sup>۲</sup>

**۱/۴/۱. تحلیل یک مسأله عینی و عدم کلی‌گویی و بحث در مورد تمام مسائل عالم؛ یکی از ملاحظات ارزیابی و ارتقاء نشست‌های علمی**

نمونه‌سازی‌هایی که ما با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت انجام داده‌ایم تا به حال سه بحث را شامل می‌شده که البته برخی کمتر و برخی بیشتر بوده است. نمونه‌سازی اول همان پیشنهادی بود که ما برای برنامه ششم کشور ارائه داده‌ایم؛ برنامه ششم کشور یک برنامه عملیاتی و کاربردی است و قرار است کشور به مدت پنج‌سال براساس آن اداره شود؛ ما راجع به همین مسأله‌ی راهبردی پیشنهادی را ارائه داده‌ایم و از طرف دوستانی که به ما کمک می‌کردند - یعنی آن طایفه‌ای از مؤمنین که ایستادند و این کار را جلو بردند - و همچنین از طرف دوستانی که در بیرون مجموعه کار را پیگیری می‌کردند گزارش‌هایی به ما رسید که افراد نسبت به زمانی که یک همایش برگزار می‌شود ارتباط بسیار راحتی با بحث ما برقرار کرده‌اند.<sup>۳</sup> این توصیه‌ای که بنده عرض می‌کنم مانند توصیه اول، یک توصیه کاملاً کاربردی است و خود ما هم در جلسات به آن عمل می‌کنیم؛ این روش، راه نجاتی برای جلسات گفتمانی است. سالیانه همایش‌ها و سمینارهای زیادی برگزار می‌شود؛ اما کسانی که برای ارائه‌ی بحث می‌آیند همیشه تحلیل‌های کلی و بنیادین خود را مطرح می‌کنند در حالی که اگر قرار است یک جلسه‌ی علمی برقرار شود باید بر اساس مفاهیم پایه، نگاه‌های کاربردی مطرح شود، یا به تعبیر ما نمونه‌سازی‌ها مطرح گردد. اولین ویژگی‌ای که می‌توانید با آن

۲. دوره‌ی تربیت کارشناسی که ما برای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت برگزار می‌کنیم بر این پایه شکل گرفته است؛ یعنی با کمک فکر و قلم کسانی که مرحله‌ی حسن‌الاستماع الگو را گذرانده و درکی اجمالی راجع به الگو دارند زیر نظر یک مربی وارد تحلیل یک نمونه می‌شویم. در اینصورت آنها با سرعت بیشتری با معنای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ارتباط برقرار می‌کنند.

*انتقال از متن*

۳. البته دیگران دوره‌هایی را برگزار می‌کنند ولی در این همایش‌ها ده سخنران شروع کرده و راجع به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت صحبت می‌کنند؛ اما وقتی سخنرانی به اتمام می‌رسد به جای اینکه بر تبیین مسأله افزوده شده باشد بر ابهام آن مسأله افزوده می‌شود و مخاطبین هم می‌گویند که چقدر آدم باسوادی بود، این هم تنها خروجی جلسه است. ولی افراد بعد از همایش نمی‌توانند مسیر روشنی را پیگیری کنند. زمانی یکی از دانشجویان متعهد انقلابی از باب گله به بنده می‌گفت وقتی پای سخنرانی فلان حاج آقا می‌نشینیم در حین سخنرانی به ما حالت انبساط دست می‌دهد و شوق عجیبی برای پیگیری مسأله پیدا می‌کنیم، اما وقتی سخنرانی تمام می‌شود به همدیگر نگاه کرده و می‌گوییم که حال باید چکار کنیم؟ هیچکس هم متوجه نیست که باید بعد از آن چکار کند. این، وضعیت جلساتی است که در حال حاضر در حوزه دینی برگزار می‌شود؛ یعنی بعد از جلسات تحلیل‌ها به یک نقشه‌ی روشن نمی‌رسد، به دلیل اینکه از مبانی بحث می‌کنند. مثلاً اگر شما پای درس فلان استاد بنشینید، کلاً راجع به ولایت الهیه برای شما صحبت می‌کند یا اینکه فلان استاد کلاً راجع به حکمت متعالیه برای شما صحبت می‌کند، اگر بر سر درس استاد سوم بنشینید، او هم راجع به مفهوم کلی دیگری صحبت می‌کند و وقتی به هر سه استاد - که هر سه هم دارای سه مبنای مختلف هستند - رجوع کرده و می‌پرسیم که چه بر مبنای ولایت الهیه، چه بر مبنای حکمت متعالیه و چه بر اساس فلان مبنایی که شما از آن پیروی می‌کنید با مسأله پیگیری از جرم چکار کنیم، [پاسخی نمی‌دهند]. به دلیل اینکه در هفته قوه قضاییه هستیم بنده می‌خواهم با حضرت آیت‌الله آملی لاریجانی اظهار همدردی کنم. بالاخره قوه قضاییه به دنبال پیگیری از جرم است و نخبگان ما نیز ملأ، فاضل و باسواد هستند و کسی در سواد آنها تردیدی ندارد؛ اما به هر حال از دل جلسات نخبگانی کمک‌تئوریک به قوه قضاییه نمی‌رسد. حال شما این را بر سایر حوزه‌ها نیز تطبیق دهید؛ مثلاً در حوزه مدیریت شهری نیز همین اتفاق در حال رخ دادن است. در جمهوری اسلامی جلسات گفتمانی کمی برگزار نمی‌شود، جلسات گفتمانی متعددی در کشور وجود دارد و اگر با جوانی که بین ۲۰ الی ۲۵ سال دارد صحبت کنید و از آن جوان علاقه‌مند و پرنرژی بپرسید که آیا این موضوعات علمی را بررسی کرده است یا نه؛ شاید به شما بگوید که من در ۱۰۰ الی ۱۵۰ جلسه شرکت کرده‌ام، اما به دلیل اینکه نمونه‌سازی نمی‌کنند کارها به بن‌بست می‌رسد.

*انتقال از متن*

ارزیابی کنید که یک همایش یا یک جلسه علمی از نوع جلسات کاربردی است یا از جلسات بنیانی‌ای می‌باشد که به کاربرد نمی‌رسد این است که جلسات نمونه‌سازی همیشه حول یک مسأله شکل می‌گیرند؛ یعنی در یک دوره بحثی‌ای که برگزار می‌شود نمی‌خواهند همه مسائل عالم و مسائل کلی را تحلیل کنند، بلکه فقط روش پیشگیری از جرم در جمهوری اسلامی را بحث می‌کنند، یعنی یک مسأله را محور قرار می‌دهند. لذا این بحث بسیار مهم است؛ بنده دیگر مقدمه‌ی دوم را به لحاظ مفهومی توضیح نمی‌دهم؛ چون احساس می‌کنم که همه دوستان این مباحث را تجربه کرده‌اند، ان شاء الله اگر خداوند به ما کمک کند ما به روش اول [تفاهم یعنی طرح مباحث نظری] مبتلا نخواهیم شد.

## ۲. نوشتن برنامه‌ی بهبود برای موضوعات جهت‌ساز توسط نظام برنامه‌ریزی کشور؛ اولین نمونه‌سازی با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم)

۲/۱. ناکارآمدی ۷۰  
ساله‌ی نظام  
برنامه‌ریزی کشور در  
تحقق اهداف توسعه‌ای؛  
اولین سخن مطرح در  
پیوست الگوی پیشرفت  
اسلامی برای برنامه  
ششم

نمونه‌سازی اول ما راجع به نظام برنامه‌ریزی کشور بوده است. بنده به اجمال توضیح خواهم داد که ما در نمونه‌سازی اول چه حرفی زده‌ایم و ان شاء الله در جلسه‌ی آینده وارد نمونه‌سازی دوم که بحث مدیریت شهری می‌باشد خواهیم شد. در نمونه‌سازی اول چند حرف را در مورد نظام برنامه‌ریزی کشور مطرح کرده‌ایم؛ سخن آغازین ما در آن مباحث این بوده است که نظام برنامه‌ریزی کشور به ناکارآمدی مبتلاست.

ناکارآمدی در نظام برنامه‌ریزی یعنی چه؟ به صورت ساده یعنی حتی وقتی خود برنامه‌ریزان آنها بررسی می‌کنند، می‌بینند که احکام و برنامه‌های پیشنهادی اجرایی نشده است، و این بالاترین نوع ناکارآمدی است.<sup>۴</sup> بنده در گفت‌وگو با یکی از خبرگزاری‌ها این موضوع را مطرح کرده و به دوستان گفتم که مشکل ما با نظام برنامه‌ریزی کشور این نیست که نمی‌تواند آرمان‌ها را تحلیل کند؛ بلکه مشکل اول ما این است که برنامه‌هایی که خود نظام برنامه‌ریزی می‌نویسند اجرایی نمی‌شود، پیداست این بیماری خیلی مزمن است. بنده در جلسات شواهدی را نیز مطرح کرده‌ام؛ به عنوان مثال مسئول تدوین برنامه چهارم کشور گزارشی را از فرآیند تدوین برنامه چهارم منتشر کرده است؛ ایشان در یکی از بندهای آن گزارش که خیلی عجیب است می‌نویسند: «ما ۷۳ حکم از برنامه سوم را برای برنامه چهارم تنفیذ کردیم.»<sup>۵</sup> یعنی ۷۳ حکم در طول سال‌های اجرای برنامه‌ی سوم اجرا نشده بود و مجبور شدیم اجرای آنها را در طول سال‌های برنامه چهارم ادامه دهیم.<sup>۶</sup>

۴. نوبخت در ابتدای سخنانش با اشاره به اینکه ما از سال ۸۴ دو برنامه را آغاز کردیم و الان نوبت برنامه ششم است، گفت: قرار است تا سال ۱۴۰۴ جزء کشورهای توسعه‌یافته باشیم و در منطقه هم از لحاظ فناوری و اقتصادی جایگاه اول را داشته باشیم. در برنامه‌های سابق به اهداف برنامه نرسیده‌ایم.

دکتر نوبخت در گفت‌وگوی ویژه خبری (۱۳۹۴/۱۱/۱۶) به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، کد خبر: ۲۷۵۱۲۵

۵. با توجه به اعلام نظر شورای نگهبان در روزهای پایانی مجلس ششم، رفع ایرادهای مزبور برعهده مجلس هفتم گذاشته شد. به همین منظور کمیسیون تلفیق برنامه مجلس هفتم تشکیل شد و با هدف بررسی تنها موارد مورد ایراد شورای نگهبان، اصلاحات لازم در لایحه به عمل آمد و پس از تصویب در جلسه علنی مجلس، قانون برنامه چهارم توسعه در تاریخ ۱۶/۷/۱۳۸۳ به دولت، ابلاغ شد. جدول‌های ضمیمه قانون برنامه نیز در تاریخ ۱۳/۸/۱۳۸۳ به طور جداگانه از سوی رئیس مجلس شورای اسلامی، ابلاغ شد. قانون برنامه چهارم توسعه شامل ۷ بخش، ۱۵ فصل، ۱۶۱ ماده، ۳۴ تبصره و ۹ جدول است. ضمن اینکه ۷۳ ماده از مواد برنامه سوم برای برنامه چهارم تنفیذ شد.

بخشی از گزارش دکتر محمد کردبچه (مشاور وقت معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور) از روند تدوین برنامه چهارم توسعه به نقل از خبرگزاری ایسنا لینک مطلب: <http://www.isna.ir/news/8811-01724> -نگاهی به روند تدوین برنامه چهارم توسعه -کردبچه هنوز -تعدادی

۶. البته اخیراً بحثی هم مطرح شده است که می‌گویند: این احکام، احکام دائمی بوده‌اند. می‌دانید که لایحه‌ای از طرف دولت محترم به مجلس رفته و مجموعه‌ای از احکام را از برنامه‌های توسعه جدا نموده و بیان داشته است که چون این احکام دائمی هستند، احکام دائمی برنامه‌های توسعه می‌شوند.



معمولاً وقتی گزارش‌های اجرای برنامه‌های پنج‌ساله بیرون می‌آید، خود سازمان مدیریت این نکته را مطرح می‌کند که ما نتوانستیم مثلاً بیش از ۴۰ درصد از برنامه را - عددها متفاوت است - اجرا کنیم،<sup>۷</sup> این معضل بسیار بزرگی است. پس ما از نظام برنامه‌ریزی سؤال کرده‌ایم که اگر محاسبات شما دقیق است چرا این محاسبات دقیق اجرا نمی‌شوند؟ اگر محاسبه دقیق باشد باید حداقل نیمی از آن اجرا شود ولی شما همیشه کمتر از نیمی از برنامه‌های توسعه را اجرا کرده‌اید؛ تقریباً هفتادسال است که برنامه‌ریزی می‌کنید ولی اخیراً سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی دولت یازدهم گفته که برنامه‌های توسعه در هفتادسال گذشته شکست خورده است.<sup>۸</sup> عرض بنده این است که - دوباره تکرار می‌کنم که ما ابتدا بر روی یک نقطه ایستاده‌ایم - تحلیل عدالت پیش‌کش نظام برنامه‌ریزی باشد؛ زیرا بزرگ‌ترهای نظام برنامه‌ریزی کشور ما - که نظام برنامه‌ریزی غرب می‌باشد - نیز نتوانسته است عدالت را تحلیل کند؛<sup>۹</sup> مفاهیم آنها، مفاهیم بسیار علیلی هستند و نمی‌توانند آرمان‌های مترقی بشر مانند عدالت را تحلیل کنند. لذا بنده فعلاً به این مسائل کاری ندارم و ما این مسائل را در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت حل و

البته شورای نگهبان این طرح را قبول نکرده و دوباره بازگشت کرد. سؤال ما این است که اگر این مسائل دائمی بودند چرا شما در برنامه سوم بیان نکردید که این برنامه‌ها دائمی هستند؟ باید در برنامه سوم نوشته می‌شد و یا در اسناد پشتیبان توضیح داده می‌شود که از نظر نظام برنامه‌ریزی این حکم باید بیست‌سال اجرا شود؛ پنج‌سال در برنامه سوم، پنج سال در برنامه چهارم، پنج‌سال در برنامه پنجم و پنج‌سال هم در برنامه ششم. این حرف‌ها، حرف‌های مشکوکی است که دوستان می‌زنند؛ آنها نتوانسته‌اند برنامه‌ها را اجرایی کنند و حال می‌خواهند این احکام را به صورت احکام دائمی ارائه کنند.

*انتقال از متن*

۷. این مطلب در رفرنس شماره ۴ ذکر گردید.

۸. این حرف خیلی عجیبی است که دوستان می‌زنند! وقتی هفتادسال است که این برنامه‌ها شکست خورده‌اند چرا ملت ایران دوباره باید به برنامه‌های آنها اعتماد کند؟! در صورت یکبار شکست می‌گوییم دوباره به آنها فرصت بدهیم، مرتبه‌ی دوم هم فرصت می‌دهیم ولی جالب این است که پنج مورد از برنامه‌های توسعه در زمان طاغوت نوشته شده‌اند و در زمان طاغوت مسائل ارزشی مطرح نبوده است (اولی باز هم برنامه‌ها موفق نبوده‌اند). می‌دانید که برخی می‌گویند: گرایش‌های ارزشی مانند دنباله‌روی از عدالت باعث می‌شود که برنامه‌های توسعه به شکست بینجامند. در اینصورت سؤال ما این است که چرا در زمان طاغوت - که این مسائل مطرح نبوده - برنامه اول شکست خورده است؟ چرا برنامه دوم شکست خورده است؟ برنامه‌ریزی آنها هم قبل از انقلاب و هم بعد از انقلاب شکست خورده است. بنده همیشه سؤال کرده و استدعا دارم که جواب دهند؛ این چه نظام برنامه‌ریزی‌ای است که با هر مکتبی برنامه‌ریزی می‌کند کارش به شکست می‌انجامد؟ خیلی مسأله‌ی مهمی است. هیچگاه تکرار این سؤال مهم را ترک نکنید، زیرا هیچ ضمانتی نیست که ما در برنامه ششم نیز دوباره به آنها اعتماد کنیم و بعد در پایان برنامه ششم وقتی گزارش ارزیابی بیرون می‌آید بگویند بیش از ۵۰ درصد برنامه به شکست انجامیده است. این مسأله‌ی بسیار جدی‌ای می‌باشد.

لذا ما گفته‌ایم که این بار دیگر اعتماد نمی‌کنیم؛ شما یکبار ادعای تدبیر کردید و ما هم حرف شما را گوش نمودیم، دوبار ادعای تدبیر کردید حرف شما را گوش دادیم، سه بار ادعای تدبیر کردید حرف شما را گوش کردیم؛ اما شما ده بار است که برنامه‌ی تدبیر می‌نویسید! خود شما به تدبیر نیاز دارید، باید مدل برنامه‌ریزی شما تغییر کند؛ به چه دلیل مفاهیم توسعه را مانند بُت می‌پرستید؟ این واقعاً یک چرای بزرگ است! چرا حاضر نیستید تحقیقات جدید را در حوزه برنامه‌ریزی شروع کنید؟ این، بخش اول مباحث ما در نمونه‌سازی اول بوده است.

*انتقال از متن*

۹. به عنوان مثال در ایالات متحده حدود ۵۰ میلیون کوپن غذا به صورت روزانه توزیع می‌شود. همچنین ۵۰ میلیون نفر در آمریکا زیر خط فقر قرار دارند. علاوه بر این قیام وال استریت مشهور به قیام ۹۹ درصدی نیز به دلیل بی‌عدالتی رخ داده است.

A record 47 million Americans receive food stamps

۴۷ میلیون آمریکایی کوپن غذا دریافت می‌کنند.

<http://www.washingtontimes.com/news/2014/jan/7/obamas-rhetoric-on-fighting-poverty-doesnt-match-h/?page=all> *وبسایت واشینگتن تایمز*

About 50 million Americans live below the poverty line

نزدیک ۵۰ میلیون آمریکایی زیر خط فقر زندگی می‌کنند

<http://www.washingtontimes.com/news/2014/jan/7/obamas-rhetoric-on-fighting-poverty-doesnt-match-h/?page=all> *وبسایت واشینگتن تایمز*

اشغال وال استریت، (OWS) نام جنبشی اعتراضی است که در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۱ در پارک زاکوتی واقع در بخش مالی وال استریت در شهر نیویورک آغاز گردید و در ادامه توجه جهانی را به خود معطوف نموده و موجب شکل‌گیری جنبش‌های اشغال طلبانه در برابر بی‌عدالتی‌های اجتماعی و اقتصادی در سطح جهان گردید.

<https://occupywallst.org/about/> *وبسایت جنبش اشغال وال استریت*

فصل خواهیم کرد ولی سؤال بنده این است که چرا برنامه‌های شما ناظر به واقعیت نیستند؟ چرا برنامه‌های شما کارآمد نمی‌باشند؟

دوستانِ خبرنگار و محقق ما همیشه این سؤال را از بنده پرسیده‌اند و بنده هم به آنها یک جواب داده‌ام؛ آنها می‌پرسند: شما که می‌گویید نظام برنامه‌ریزی کشور باید براساس مفاهیم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بازتعریف شود - بلافاصله یک سؤال کهنه را از ما می‌پرسند - تکلیف استفاده از تجربیات بشری چه می‌شود؟ بنده هم همیشه جواب می‌دهم که ما چندبار باید از این تجربیات ناکارآمد غربی استفاده کنیم؟ ده برنامه براساس تجربیات بوده است، حال اجازه دهید که نوآوری کنیم. آنها به اسم استفاده از تجربیات بشری جلوی نوآوری را می‌گیرند و این حرف واقعاً میوه نوبری است! همه‌جای دنیا راجع به خلاقیت و نوآوری صحبت می‌کنند اما وقتی ما می‌گوییم می‌خواهیم در نظام برنامه‌ریزی کشور تحول ایجاد کنیم دوستان می‌گویند: ما باید از تجربیات بشری گزینش کنیم.<sup>۱۰</sup> نخیر؛ ما از تجربیات بشری زیاد استفاده کرده‌ایم و کفایت می‌کند، حالا باید نوآوری کنیم و موقع پیشنهاد دادن طرح‌های جدید است.<sup>۱۱</sup>

۱۰. خدمت شما عرض کنم که علم و تخصص و تجربه بشریت، زمان و مکان و دین و آیین نمی‌شناسد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند خُذ الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنْ أَهْلِ الضَّلَالِ. یعنی شما علم را ولو از گمراهان فرا بگیرید. یا می‌فرمایند اطلبوا العلم ولو بالسنن. این حدیث معروف است. بنده قصد دارم بگویم اینکه ما از تجارب جهانی استفاده کنیم عین علم و منطق و حکمت و عین توصیه بزرگان دین است. علم که فقط در کتاب و سنت نیست. در قرآن چه مقدار به تعقل و تدبیر توصیه شده است؟ در قرآن ۴۹ بار کلمه عقل آمده است. من قصد دارم بگویم ما باید از تجارب بشری استفاده کنیم و کتاب و سنت و آیین‌های فرهنگی خود را مدنظر قرار دهیم. بنده درس اسلام و محیط زیست را نیز تدریس می‌کنم. زیباترین جمله‌ای که می‌توانیم راجع به توسعه‌ی پایدار و جلوگیری از تخریب منابع طبیعی به کار ببریم این حدیث است که: کَلُوا وَالشَّرْبُوا وَلَا تَسْرِفُوا. سه کلمه است؛ بخورید، بیاشامید ولی اسراف نکنید. من نمی‌گویم که از آموزه‌های دینی استفاده نکنیم، بلکه می‌گویم شاخصه‌هایی که دنیا انتخاب و کمی کرده است - هرچند ما به آنها بسیار نقد داریم - را استفاده کرده و آموزه‌های دینی خود بر اساس عقل و خردورزی مورد استفاده قرار دهیم.

ما فرهنگ بسیار غنی‌ای داریم، برای اطلاع از این امر به کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران مراجعه کنید. ما خیلی از مطالب را از اسلام گرفتیم ولی اسلام بر بال تفکر اندیشمندانی چون ابوعلی سینا، زکریای رازی و عمر خیام بالنده و جهان‌گیر شد. ما منابع زیادی داریم. رهبری معظم انقلاب به خوبی اشاره کردند و گفتند. ولی من قصد دارم بگویم نباید علم و تجربیات جهانی را کنار بگذاریم، ما باید از تجربیات جهانی استفاده کنیم.

دکتر تاشی در سخنرانی، یا حجت‌الاسلام کشوری در برنامه تیزرامشب شبکه خبر مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۰۷ به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه <http://nro-di.blog.ir/1395/04/09>

۱۱. هروقت شما جواب دادید که چرا ده برنامه توسعه در کشور شکست خورده است، هر وقت همایش گذاشته و خود را نقد کردید، در آن زمان شاید نرمش قهرمانانه کرده و اجازه دهیم که تئوری‌های غربی دوباره بیایند و در حد یک بخش یا دهستان برنامه‌ریزی کنند. در ایران دوران اینکه ما ادعای تدبیر کنیم برای کارشناسان توسعه تمام شده است، به این دلیل که واقعیت‌ها را نمی‌بینند. آخرین نمونه‌ی این مسأله نیز جناب مفتخّم برجام است که پیش‌روی ما قرار دارد. گفتند با برجام تحریم‌ها را رفع می‌کنیم، مشکل رکود را با آن حل می‌کنیم، با موضوع سیاست خارجی توسعه‌گرا کتاب نوشتند، سخنرانی کردند و گفتند اگر استراتژی برد - برد در دستور کار قرار گیرد مشکلات اقتصادی ملت ایران حل می‌شود، خیلی سخنرانی کردند و انقلاب هم برای آنها محیط تستی آماده کرد ولی الآن بیش از پنج‌ماه است که برجام اجرایی می‌شود [او هیچ اتفاقی نیفتاده است]. البته این نیز یک تجربه برای ملت ایران بود. البته مردم با تجربه‌های ده‌گانه‌ی برنامه‌های توسعه ارتباط برقرار نکردند - چون نظام برنامه‌ریزی کشور کاری نخبگانی و تخصصی است و عامه‌ی مردم با آن ارتباط برقرار نمی‌کنند - اما همه مردم با برجام ارتباط برقرار کردند. قرار شد برجام مشکلات آب و هوا [را حل کند]. آقا! این حرف‌ها را مطرح کردند یا نه؟؟ در سخنرانی‌ها می‌گفتند: از آب و هوا تا مسأله‌ی اقتصاد و محیط منطقه [با برجام قابل حل است]. برخی می‌گفتند: ما باید از تجربه برجام برای حل مشکلات منطقه‌ای استفاده کنیم. برجام قرار بود این کارها را انجام دهد و مردم فراموش نکرده‌اند. سخنرانی‌های آنها در آرشیوها وجود دارد! چه شد که همه‌ی آنها حداقل در گفت‌وگوهای بیرونی به یک‌باره گفتند برجام حلال تمام مشکلات نیست؟! این سؤالات باید پاسخ داده شوند. منتهی سؤال فنی‌تر بنده این است که برجام مبتنی بر چه بود؟ مبتنی بر یک نظریه‌ی توسعه‌ای یعنی سیاست خارجی توسعه‌گرا. برجام آخرین نمونه‌ی شکست این نظریات است؛ واقعاً تجربه‌ی عبرت‌انگیز برجام را در نظر بگیرید، مردم عادی نیز با برجام ارتباط برقرار کردند و این، مسأله‌ی خیلی مهمی بود. در دوران برنامه‌ریزی بعد از انقلاب اسلامی مردم حداقل دو بار - البته بیشتر از دو مرتبه نیز می‌باشد - با برنامه‌ها ارتباط برقرار کردند. مورد اول مربوط به قضیه سیاست‌های عدالت‌ورزانه‌ی دولت نهم و دهم در مسأله پارانها و مسکن مهر بود که مردم مقداری به نظام برنامه‌ریزی کشور توجه پیدا کردند. مورد دوم قضیه برجام بود که توجه زیادی پیدا کردند.

انتقال از متن



به هر حال حرف اول ما در نمونه‌سازی اول یک سؤال بود؛ چرا نظام برنامه‌ریزی کشور ناکارآمد است؟ باید دنباله‌ی این حرف را گرفته و آن را رها نکنیم. دوستانی که در جلسه حضور دارند و در شکل‌های دانشجویی و رسانه‌ها فعال هستند می‌توانند این عنوان را دنبال کنند که چرا نظام برنامه‌ریزی کشور در طول هفتادسال شکست خورده است و آیا باید این شکست را تکرار کنیم؟ می‌دانید چرا باید مدام این سؤال را از آنها بپرسیم؟ من بر روی تکرار این مسأله خیلی تأکید دارم؛ چون این دوستان مکرر تأکید می‌کنند که ما از تدبیر استفاده می‌کنیم و در کلاس‌های درسی خود که دانشجویان تازه وارد به حوزه اقتصاد یا مدیریت و جامعه‌شناسی حضور دارند به‌به و چه‌چه‌ی راجع به این تئوری‌های فسیل‌شده‌ی غربی راه می‌اندازند و دانشجویان و نخبگان ما نیز باور می‌کنند. همین کارها را می‌کنند که عده‌ای قانع شده و می‌گویند: بر اساس مکتب نهادگرایی<sup>۱۲</sup> برنامه‌ریزی کنیم. باید این سؤال را جدی بگیریم، این حرف اول ما در نمونه‌سازی اول و در واقع نقد ما به نظام برنامه‌ریزی بود.

حرف دیگر ما در نمونه‌سازی اول، پیشنهاد اثباتی ما بود. ما در پیشنهاد اثباتی چه گفته‌ایم و چه پیشنهادی به نظام برنامه‌ریزی کشور دادیم؟ این پیشنهاد هم‌اکنون بر روی میز نظام برنامه‌ریزی کشور قرار دارد و می‌تواند به آن توجه نموده و به الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت به عنوان یک راه نجات نگاه کند. در حال حاضر در کشور ما نظام‌سازی اجتماعی همه‌جانبه مبتنی بر فکر اسلامی اتفاق نیفتاده است و دو نوع برنامه‌ریزی در آن محقق می‌شود؛ یعنی نظم برخی از حوزه‌های اجتماعی درصدد پُررنگ کردن مسائل اسلامی است. به عنوان مثال این نوع از نظم به دنبال گسترش رفق به عنوان یکی از شاخص‌های هویت اسلامی است؛ به عبارت بهتر در جامعه‌ی ما نظم‌ی حول محور خانواده وجود دارد و همه این نظم را می‌بینند و این نظم به دنبال آن است که از طریق نهاد خانواده رفق، آسایش و محبت را در جامعه ارتقا دهد. در کنار این نظم، نظم دیگری وجود دارد، این نظم چه کار می‌کند؟ به بهانه اینکه ما می‌خواهیم مسأله اقتصاد را حل کنیم به خانم‌ها اهانت کرده و به آنها می‌گوید: شما نیروی کار ارزان قیمت هستید.<sup>۱۳</sup> ببینید! دو نظم وجود دارد؛ یکی از نظم‌ها از اقتصاد شروع کرده و اقتصاد را همه‌چیز می‌داند و لوازم بهینه‌کردن یک اقتصاد را بحث می‌کند. اولین ضربه‌ی این نظم، به جایگاه رفیع خانم‌ها در جامعه وارد می‌شود؛ این نظم به خانم‌ها می‌گوید: شما نیروی کار ارزان قیمت هستید. بنده مطالعه کرده و دریافته‌ام که در برخی کشورهای اروپایی قانون آنها به صورت رسمی این است که باید دستمزد زن از مرد کمتر باشد، یعنی قانون این کشورهاست.<sup>۱۴</sup> ولی در ایران این قانون وجود ندارد و اسلام اجازه نمی‌دهد که ظلم به زن تصریح

**۲/۲. وجود دو نوع نظم در نظام برنامه‌ریزی موجود و لزوم تغییر نظام برنامه‌ریزی مدرن به دلیل بی‌توجهی این نظام به موضوعات جهت‌ساز افراد و عدم برنامه‌ریزی برای تحقق مسائل فطری مردم**

۱۲. نهادگرایی یک نوع تجزیه و تحلیل اقتصادی است که نقش نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در تعیین وقایع اقتصادی مورد تأکید قرار می‌دهد. این حرکت از اواخر قرن ۱۹ به‌ویژه در میان اقتصاددانان آمریکایی بروز نمود.

دادگر، عبدالله؛ تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی، قم، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۳، چاپ اول، ص ۴۲۴

۱۳. به پیوست شماره ۱ مراجعه کنید.

14. The European Commission defines the **gender pay gap** as the average difference between men's and women's aggregate hourly earnings. The wage gap is due to a variety of causes, such as differences in education choices, differences in preferred job and industry, differences in the types of positions held by men and women, differences in the type of jobs men typically go into as opposed to women (especially highly paid high risk jobs), differences in amount of work experience, difference in length of the work week, and breaks in employment. These factors resolve 60% to 75% of the pay gap, depending on the source. Various explanations for the remaining 25% to 40% have been suggested, including women's lower willingness and ability to negotiate salaries or else due to discrimination.

شود؛ اما این اتفاق عملاً رخ می‌دهد و شرایط کاری بانوان در محیط‌های اقتصاد به مراتب سخت‌تر است. این نظم زن را اکونومیک (economic)<sup>۱۵</sup> و اقتصادی تعریف می‌کند و در نتیجه؛ هم جایگاه تربیتی و تمدنی او را به چالش می‌کشد و هم زن را دچار مشکلات جسمی و روحی مضاعفی می‌کند؛<sup>۱۶</sup> چون زن ریحانه است و در وجود او لطافت به ودیعه گذاشته شده است و وقتی او را به محیط‌های سخت می‌برند شخصیت او به چالش کشیده می‌شود. الآن این دو مشکل در کشور وجود دارد و اصلاً اعوجاجی<sup>۱۷</sup> ایجاد شده و به دلیل اینکه این نظم اجتماعی زنان را زیاد به محیط‌های سخت می‌برد، در بسیاری از خانم‌ها حالت تدافعی ایجاد شده است و این طبیعی می‌باشد؛ چون در نظم موجود فشارهای زیادی به خانم‌ها وارد می‌شود و خانم‌ها به صورت طبیعی و فطری باید از خودشان دفاع کنند. لذا شما در جامعه با پدیده‌ای تحت عنوان خانم‌های مردواره روبرو هستید؛<sup>۱۸</sup> آنها خانم هستند ولی جدیت‌شان بسیار فربه شده است. چون در نظم موجود حرمت آنها رعایت نشده و شرایط کاری سختی برای آنها تعریف گردیده است؛ اگر زن، مردواره شده و اخلاق مردها را پیدا کند امنیت پیدا نمی‌کند و اتفاقاً از چشم جامعه و خانواده خود بیشتر می‌افتد. فرزندان مادری که در این نظم اجتماعی اکونومیک دچار چالش شده‌اند در محیط خانواده با مشکل روبرو می‌شوند؛ چون وقتی اخلاق به چالش کشیده شد به نسل آینده نیز انتقال پیدا می‌کند. این یک نظم مدرن است که الآن وجود دارد. در مقابل این نظم، نظم دیگری وجود دارد که نظم اسلامی می‌باشد و سعی می‌کند جایگاه تمدنی و تربیتی را به بانوان برگرداند. این دو نظم در جامعه‌ی ما برنامه‌ریزی می‌کنند. لذا هر کدام از آنها به هر میزانی که لوازم کار خود را به پذیرش برسانند و به هر میزانی که با فطرت بشر تناسب داشته باشند در عمل هم موفق خواهند شد. در بخش نظم اسلامی نظامات

کمسیون اروپا، اختلاف دستمزد جنسیت را به صورت میانگین تفاوت ما بین دستمزد ساعتی مردان و زنان را تعریف نمود. این اختلاف دستمزد دلایلی مختلفی دارد که بعضی از آنها عبارتند از: تفاوت در رشته‌های تحصیلی، تفاوت در صنایع و مشاغل دارای ترجیح، تفاوت در نوع پست‌هایی که توسط مردان و زنان مورد تصدی قرار می‌گیرد، تفاوت در نوع مشاغلی که معمولاً مردان بر خلاف زنان، به آنها روی می‌آورند (مخصوصاً مشاغل پر ریسک پر درآمد)، تفاوت در میزان تجربه کاری، تفاوت در مدت زمان کار در طول هفته و مرخصی در حین استخدامی. این فاکتورها بسته به اینکه کدام یک از این موارد باشند، ۶۰ تا ۷۵ درصد از میزان اختلاف دستمزد را معین می‌کنند. توضیحات مختلفی برای ۲۵ تا ۴۰ درصد باقی مانده پیشنهاد شده است از جمله اینکه بانوان به علت تبعیض، رغبت و توانایی کمتری برای گفت‌وگو درباره دستمزد یا سایر مسائل دارند.

برگرفته از:

مقاله تجزیه و تحلیل علل اختلاف دستمزدهای زنان و مردان نوشته‌ی وزارت کار ایالات متحده، اداره استاندارهای استخدامی به آدرس:

<http://web.archive.org/web/20131008051216/http://www.consad.com/content/reports/Gender%20Wage%20Gap%20Final%20Report.pdf>

وبسایت مرکز تحقیقات پیو به آدرس:

<http://www.pewresearch.org/fact-tank/2015/04/14/on-equal-pay-day-everything-you-need-to-know-about-the-gender-pay-gap>

مقاله شکاف دستمزدها نوشته‌ی فرانسیس بالو و لورنس کوهن به آدرس:

[http://inequality.stanford.edu/media/pdf/key\\_issues/gender\\_research.pdf](http://inequality.stanford.edu/media/pdf/key_issues/gender_research.pdf)

#### ۱۵. اقتصادی

۱۶. وزیر بهداشت و درمان دولت نهم (مرضیه وحید دستجردی) با اشاره به اینکه زنان شاغل دچار فرسودگی روحی و جسمی می‌شوند گفت: دولت باید برای حضور اجتماعی زنان در جامعه حمایت‌های لازم را از آنها داشته باشد تا به خانه و خانواده لطمه‌ای نخورد. وی با اشاره به اینکه خانواده بنای جامعه است گفت: آسیب‌های اجتماعی به دلیل آن است که به خانواده بهای لازم داده نمی‌شود. در گذشته شاهد بودیم که پدر، مادر و فرزندان زندگی عادی خود را داشتند، اما امروزه نقش‌ها تغییر کرده و بسیاری از زنان علاوه بر مسئولیت خانه در بیرون از خانه نیز مسئولیتی را به‌عهده دارند و اگر حمایت‌های لازم از آنها صورت نگیرد نمی‌توانند به‌خوبی به خانواده خود رسیدگی کنند.

گفت‌وگوی مرضیه وحید دستجردی با برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری به نقل از خبرگزاری تسنیم، کد خبر: ۱۰۳۶۵۵۱

#### ۱۷. کژی و ناهماهنگی

۱۸. مردواره کردن زن یعنی زن را متشبه به مرد قرار دادن.



اجتماعی حداقلی هستند و در کشور ما بیشتر نظامات برنامه‌ریزی مانند نظام اقتصادی، آموزشی، اطلاع‌رسانی و اخبار و حتی صدا و سیما از تعاریف مدرن تبعیت می‌کنند.<sup>۱۹</sup> حالا عرض بنده این است که هیچ یک از نظم‌های اجتماعی مدرن موجود برنامه‌ای ارائه نمی‌دهند که متناسب با فطرت باشد. مثال‌های این مطلب را نیز عرض کردم.

ما مسأله‌ای فطری‌تر از نهاد خانواده نداریم؛ همین الآن بر لبان آقایان مجردی که در جلسه هستند لبخند نشسته است، ازدواج به قدری فطری است که وقتی انسان آن را تصور می‌کند خوشحال می‌شود. الآن همه دارند می‌خندند، این مسأله یک واقعیت است؛ چون ازدواج فطری است. مسائل اسلامی اینطور هستند و فکر اسلامی بر روی فطرت بشر بنا نهاده شده است؛ برنامه‌ریزی اسلامی نیازهای فطری بشر را تأمین می‌کند ولی ما در جامعه به چنین مسأله‌ی فطری‌ای نمی‌پردازیم. در این صورت معلوم است که نظام برنامه‌ریزی کشور شکست خواهد خورد؛ علت شکست خوردن نظام برنامه‌ریزی کشور این است که نیازهای واقعی مردم را در نظر نمی‌گیرد.

نظم اجتماعی مدرن باید به محوریت نیازهای واقعی انسان‌ها بازتعریف شود. ان‌شاءالله - این مطلب جزء داستان‌های باورنکردنی است اما محقق خواهد شد - وقتی شما در آینده برنامه‌های کشور را می‌خوانید، مشاهده می‌کنید در عوض اینکه در سطر اول برنامه نوشته شده باشد "احکام مربوط به اقتصاد کلان"<sup>۲۰</sup> اصطلاح "احکام مربوط به نهاد خانواده" درج شده است؛ یعنی نظام برنامه‌ریزی و برنامه‌های آن از نوشتن برنامه‌ی بهبود برای نهاد خانواده شروع می‌شود، تعریفی که ما در نمونه‌سازی اول ارائه داده‌ایم همین است؛ نظام برنامه‌ریزی کشور باید بتواند با نگاه الگوی اسلامی

**۲/۲/۱. بی‌توجهی نظام برنامه‌ریزی کشور به مسأله‌ی خانواده؛ نمونه‌ای از بی‌توجهی نظام مدرن به موضوعات جهت‌ساز و فطری افراد**

**۲/۳. نوشتن برنامه‌ی بهبود برای موضوعات جهت‌ساز مانند خانواده؛ تصویر مطلوب نظام برنامه‌ریزی کشور**

۱۹. در مورد مسأله صدا و سیما باید بگوییم: اگر شما یک هفته بخش‌های خبری صدا و سیما را تجزیه و تحلیل کرده و بر روی این مطلب دقت کنید که از نظر تنظیم‌کنندگان این خبر چه چیزهایی اهمیت داشته و مورد بررسی قرار می‌گیرند حتماً با عرض بنده اعلام موافقت می‌کنید که نظام اطلاع‌رسانی کشور دچار مشکل است. به عنوان مثال بسیاری از مسائل را بحث نکرده و به آنها توجه نمی‌کنند؛ وقتی ۳۸ درصد طلاق به وجود آمده اجرا صدا و سیما به این مطلب نمی‌پردازد؟! [۳۸ درصد طلاق به این معناست که سلول بنیادین جامعه در ۳۸ درصد از افراد جامعه دچار فروپاشی شده است. این بحران بسیار خطرناکی می‌باشد و نظام اطلاع‌رسانی ما باید علاجه‌ی برای این مسأله ببیند و ولی آنها حتی اصل این مسأله را نیز مورد گفت‌وگو قرار نمی‌دهند.

اینکه بنده این مطلب را عرض می‌کنم به این خاطر است که ما در جلسات حضور داشته و با آنها گفت‌وگو می‌کنیم؛ ایشان می‌گویند ممکن است القا ناامیدی شود و به همین دلیل به این مسأله وارد نمی‌شوند. می‌دانید این حرف صدا و سیما مانند چیست؟ مانند این است که فردی از درون دچار خون‌ریزی داخلی شده و یک‌ساعت دیگر نیز بر اثر این خون‌ریزی از دست می‌رود و شما به او می‌گویید: به خاطر اینکه روحیه شما برهم نخورد من این مطلب را با شما در میان نمی‌گذارم. اگر شما به این مسأله نپرداخته و راه‌حل ارائه ندهید تا ۱۰ سال دیگر این ۳۸ درصد طلاق به ۴۸ درصد تبدیل خواهد شد.

البته بنده متوجه هستم که خبر، خبر بسیار وحشتناکی است ولی این خبر را باید مدیریت کرده، با مردم در میان گذاشته و راجع به آن گفت‌وگو کنیم. اگر راجع به نهاد خانواده گفت‌وگو نکردیم بعدها دچار فروپاشی اجتماعی تا می‌شویم. کما اینکه کشور آمریکا دچار فروپاشی شده است. اولین عارضه‌ی فروپاشی اجتماعی نیز مسأله امنیت است. در اینصورت مجبور خواهید بود تا مانند دولت‌مردان آمریکا استفاده از اسلحه را آزاد کنید؛ وقتی حکومتی بر جامعه‌ای حکومت کرد که نهاد خانواده‌ی آن دچار فروپاشی شده بود حتی نمی‌تواند امنیت مردم خود را حفظ کند؛ چون مردمی که به لحاظ عاطفی دچار مشکل می‌شوند حتماً "خشونت در روحیه" را به صورت اجتماعی بروز می‌دهند و شما مانند کشور آمریکا مجبور خواهید بود به مردم بگویید: اسلحه خرید و از خودتان دفاع کنید. اگر ما به مسأله‌ی نهاد خانواده نپردازیم مشکلات بسیار حادث‌تر خواهند شد.

*انتقال از متن*

۲۰. اقتصاد کلان در واقع مطالعه و تجزیه و تحلیل پدیده‌ها و متغیرهای کلی اقتصادی (متغیرهایی مانند سطح کل تولید جامعه و عوامل تشکیل دهنده آن، سطح عمومی قیمت‌ها، سطح اشتغال، رشد اقتصادی و متوسط دستمزدها برای تمامی کارگران شاغل در اقتصاد)، بررسی روابط بین آنها به منظور پیش بینی و اتخاذ سیاست‌های مناسب در آینده، و تصحیح سیاست‌ها و تصمیمات اقتصادی گذشته است.

*روزبهان، محمود؛ تئوری اقتصاد کلان ۱، انتشارات گیلان، ۱۳۸۷، ص ۱۰*



- ایرانی پیشرفت برای «موضوعات جهت‌ساز»<sup>۲۱</sup> برنامه‌ی بهبود بنویسد. این تعریفی است که ما در نمونه‌سازی اول ارائه داده‌ایم؛ اگر از جریان الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت بپرسند که شما نظام برنامه‌ریزی مطلوب را چه می‌دانید؟ ما پاسخ می‌دهیم نظام برنامه‌ریزی مطلوب، نظامی است که قدرت نوشتن برنامه بهبود برای موضوعات جهت‌ساز دارد. موضوعات جهت‌ساز را نیز به موضوعات غیر قابل حذف از شخصیت بشر تعریف کرده‌ایم؛ این مطلب را در بحث‌های قبل شرح داده‌ایم. در نظام برنامه‌ریزی کشور باید برای هر موضوعی که غیر قابل حذف از شخصیت بشر است برنامه‌ی بهبود نوشته شود؛ یکی از موضوعات غیر قابل حذف از شخصیت بشر، مسأله معیشت اوست. یکی دیگر از موضوعات غیر قابل حذف از زندگی بشر، مسأله خانواده است. یکی دیگر از این موضوعات مسأله علم نافع است. موضوعات جهت‌ساز دیگری وجود دارد که ما آنها را در نقشه راه نوشته و بحث کرده‌ایم. عرض بنده این است که؛ مشکل نظام برنامه‌ریزی کشور این است که نظم‌های تعریف‌شده توسط او ناظر به نیازهای واقعی بشر نیستند. ما نمی‌توانیم برای بشر نیازی فطری‌تر، واقعی‌تر و جدی‌تر از نهاد خانواده تصور کنیم. اسلام و حداقل سطح اول معارف اسلامی، بیان للناس است؛ یعنی لازم نیست طرف مقابل مسلمان باشد تا با اسلام ارتباط برقرار کند؛ لازم نیست مسلمان

۲۱. «موضوعات جهت‌ساز» سه ویژگی دارند. ۱. موضوعات غیر قابل انکار جامعه می‌باشند. غیر قابل انکار یعنی چه؟ یعنی کسی ضرورت پرداختن به آنها را انکار نکرده و نگوید موضوع دستم چندم کشور هستند. بلکه باید بگوید همین الان ضرورت دارد به آن موضوع بپردازیم. برخی از موضوعات اینگونه هستند.

آیا فقط وصف غیر قابل انکار کفایت می‌کند؟ آلودگی هوا نیز غیر قابل انکار است. نه؛ غیر قابل انکارهایی که قابل ترجمه به جهت باشند و بتوانیم آنها را به جهت ترجمه کنیم. ما در نقشه راه گفته‌ایم که یکی از موضوعات انتقال - «موضوعات جهت‌ساز» - مسأله پیشگیری از جرم است. وصف اول را در مورد آن بررسی کرده و دیدیم که حداقل قوه قضائیه - یعنی یکی از سه قوه اصلی کشور - آن را غیر قابل انکار دانسته و اولویت بررسی آن را قبول دارد. بنابراین این موضوع، وصف اول را احراز کرده است. به وصف دوم آمدیم و دیدیم که ترجمه‌ی این موضوع به جهت آسان بوده و لازم نیست ده‌ها لازمه و مقدمه برای آن مطرح کنیم. ما مسأله‌ای تحت عنوان پیشگیری از جرم داریم که آن را با سه سؤال ترجمه می‌کنیم. این ترجمه به سرعت حتی برای اهالی یک روستا نیز اتفاق می‌افتد. سؤال اول: جرم، محصول چیست؟ جرم محصول بی‌تربیتی است. آدمی که بی‌تربیت است جرم انجام می‌دهد. تربیت محصول چیست؟ بی‌تربیتی محصول، بی‌پدر و مادر بودن است. انسان وقتی خانواده نداشت بی‌تربیت می‌شود. می‌بینید که خیلی ساده صحبت می‌کنیم و قابل فهم است؛ هم کارشناسان قبول دارند و هم مردم می‌فهمند. سؤال سوم: خانواده چگونه دچار فروپاشی می‌شود؟ پدر و مادری که سن تربیت آنها اشغال شده و روابط خانواده را یاد نگرفته‌اند، نه مرد و نه زن یاد نگرفته‌اند؛ بچه‌های خود را بد و بی‌تربیت بار می‌آورند و در نتیجه جرم ایجاد می‌شود. بنابراین مقصر، سیستم آموزشی است که مسائل خانواده را لجستیک نمی‌کند. همانطور که می‌بینید خیلی راحت و قابل فهم است. سیستم تولید جامعه می‌گوید: زن نیروی کار است؛ یعنی بخش مفید شخصیت مترقی زن را به بخش تولید اختصاص داده و خانواده را تضعیف می‌کند. سیستم تولید فعلی نیز خانواده را تضعیف و تربیت را با چالش روبرو می‌کند. بنابراین الگوی اداره جامعه، خانواده را تضعیف می‌کند و اگر خانواده تضعیف شود، تربیت به چالش کشیده می‌شود. اگر تربیت با مشکل مواجه شود جرم ایجاد می‌گردد. ما مسأله را به صورت خیلی ساده تحلیل کردیم. هم غیر قابل انکار بود و هم قابل ترجمه به جهت.

وصف سوم «موضوعات جهت‌ساز» چیست؟ باید مشارکت‌پذیر باشند. به قول ما؛ تا سوت زدید همه بیایند و بگویند ما حاضریم کمک کنیم. مثلاً در مسأله ترافیک - غیر از این اشکال که به راحتی ترجمه نمی‌شود؛ بعضی از موضوعات را یا نمی‌توان به جهت ترجمه کرد یا بسیار سخت و با لوازم بعیده ترجمه می‌شوند - اگر به مردم بگویید رفت‌وآمد خود را کنترل کنید، کسی به این مسأله میل نشان نمی‌دهد؛ زیرا در زندگی عمومی به حمل و نقل خیلی وابستگی وجود دارد. ولی اگر موضوعاتی را انتخاب کنیم که مشارکت‌پذیر هستند و همه اعلام آمادگی کنند [به راحتی محقق می‌شود]. مانند موضوع پیشگیری از جرم؛ اگر به دانشمندان بگویید، حاضرند کمک کنند، مردم نیز حاضر به همکاری هستند. مشارکت‌پذیر بودن، وصف سوم «موضوعات جهت‌ساز» است. اگر موضوعاتی با این اوصاف پیدا کردید - که ما ۸۱ مورد از آنها را شناسایی کرده‌ایم - می‌توانید «جهت حرکت انقلاب اسلامی» را حفظ کنید. چرا این نقاط را شناسایی کرده‌ایم؟ چون باید حرکت را شروع کرد و نمی‌توان این کار را از نقطه سخت آغاز نمود. اگر مردم حمل و نقل خود را تغییر دهند در شهر بزرگی مانند تهران چگونه زندگی کنند؟ ولی اگر به آنها بگوییم بیایید مسأله خانواده را تقویت کنیم، اگر به جوان‌ها بگویید بیایید برای شما زن بگیریم، چه اتفاقی می‌افتد؟ این مسأله تهران و غیر تهران ندارد! مشارکت‌پذیر می‌باشد؛ پدر و مادرها حاضر هستند مشارکت کنند، حکومت کمک می‌کند، نخبگان نیز حاضر به همکاری هستند.





معتقدی باشد تا با اسلام ارتباط برقرار کند؛ چون اسلام با فطرت بشر صحبت می‌کند.<sup>۲۲</sup> اگر بنده در کشورهای مخروبه اسکاندیناوی<sup>۲۳</sup> هم صحبت کنم [آنها ارتباط برقرار می‌کنند].<sup>۲۴</sup>

این حرف ما در نمونه‌سازی اول است؛ نظام‌سازی اجتماعی و نظم اجتماعی نظام برنامه‌ریزی کشور ناظر به نیازهای بشر نیست و به همین دلیل هر روز اوضاع بدتر می‌شود. شما شنیده‌اید که وقتی در دولت نهم و دهم چند کار در راستای عدالت انجام گرفت - امام خامنه‌ای نیز فرمودند: این کارها نقطه‌ی آغاز عدالت بود<sup>۲۵</sup> - برخی گفتند: [این کارها] سیاست‌های کمیته امدادی و سیاست‌های گداپروانه است، آنها سیاست‌های عدالت را تحقیر کردند.<sup>۲۶</sup> اخیراً ریاست جمهور محترم ما فرمودند:

**۲/۲/۲. بی‌توجهی نظام برنامه‌ریزی کشور نسبت مسأله عدالت؛ نمونه‌ای دیگر از غفلت نظام برنامه‌ریزی از موضوعات جهت‌ساز**

۲۲. فَأَقْرَبَ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيُّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (آیه ۳۰ سوره مبارکه روم)  
به یکتاپرستی روی به دین آور؛ فطرتی که خدا همه را بدان فطرت بیافریده است و در آفرینش خدا تغییری نیست. دین پاک و پایدار این است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.  
تفسیر نمونه: آیه فوق تأکید می‌کند که دین حنیف و خالص خالی از هر گونه شرک، دینی است که خداوند در سرشت همه‌ی انسان‌ها آفریده است، سرشتی است جاودانی و تغییرناپذیر هرچند بسیاری از مردم توجه به این واقعیت نداشته باشند.  
آیه فوق بیانگر چند حقیقت است:

۱. نه تنها خداشناسی، بلکه دین و آئین بطور کلی و در تمام ابعاد، یک امر فطری است و باید هم چنین باشد، زیرا مطالعات توحیدی به ما می‌گوید میان دستگاه "تکوین" و "تشریح" هماهنگی لازم است، آنچه در شرع وارد شده حتماً ریشه‌ای در فطرت دارد و آنچه در تکوین و نهاد آدمی است مکملی برای قوانین شرع خواهد بود.

۲. به تعبیر دیگر: "تکوین" و "تشریح" دو بازوی نیرومندند که به صورت هماهنگ در تمام زمینه‌ها عمل می‌کنند، ممکن نیست در شرع دعوتی باشد که ریشه آن در اعماق فطرت آدمی نباشد، و ممکن نیست چیزی در اعماق وجود انسان باشد و شرع با آن مخالفت کند.

بدون شک شرع برای رهبری فطرت حدود و شرائطی تعیین می‌کند تا در مسیرهای انحرافی نیفتد، ولی هرگز با اصل خواسته فطری مبارزه نمی‌کند بلکه از طریق مشروع آن را هدایت خواهد کرد، و گرنه در میان تشریح و تکوین تضادی پیدا خواهد شد که با اساس توحید سازگار نیست.  
به عبارت روشنتر خدا هرگز کارهای ضد و نقیض نمی‌کند که فرمان تکوینش بگوید انجام ده و فرمان تشریحش بگوید انجام نده!

۳. دین به صورت خالص و پاک از هرگونه آلودگی در درون جان آدمی وجود دارد، و انحرافات یک امر عارضی است، بنابراین وظیفه پیامبران این است که این امور عارضی را زایل کنند و به فطرت اصلی انسان شکوفایی دهند.

۴. جمله لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ و بعد از آن جمله ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيُّمُ تأکیدهای دیگری بر مسأله فطری بودن دین و مذهب و عدم امکان تغییر این فطرت الهی است هر چند بسیاری از مردم بر اثر عدم رشد کافی قادر به درک این واقعیت نباشند.

مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۴۱۹

۲۳. اسکاندیناوی شبه جزیره‌ای در شمال اروپا و دربرگیرنده‌ی سه کشور سوئد، نروژ و فنلاند است.

۲۴. البته گفته می‌شود وضعیت کشورهای اسکاندیناوی بسیار خوب است ولی ما با تیم‌های مطالعاتی خودمان بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌ایم که این کشورها مشکل شدید رفق و محبت دارند. یکی از ویژگی‌های کشورهای اسکاندیناوی، زندگی بسیار خوب با حیوانات است. چرا؟ چون نظام برنامه‌ریزی نتوانسته مسأله نهاد خانواده را در ذهن آنها جا بیندازد. به این دلیل کشورهای اسکاندیناوی را مثال زدم که دوستان توسعه‌گرا می‌گویند: در این کشورها مسأله حل شده است. چه مسأله‌ای در کشورهای اسکاندیناوی حل شده است که آنها ترجیح می‌دهند با حیوانات زندگی کنند؟ آنها انسان‌های درون‌گرای بوده و دچار عقده‌های جدی روحی هستند و به قدری عدم تحمل در آنها وجود دارد که نمی‌توانند خانواده تشکیل دهند. حالا ممکن است شما بگویید: چند شاخص ادعایی در آنها رشد کرده است ولی نکته این است که باید نظامی از شاخص‌ها ارتقا پیدا کند تا ما جامعه‌ای را پیشرفته بنامیم، در غیر اینصورت آن جامعه پسررفته خواهد بود و اتفاقاً به نظر من کشورهای اسکاندیناوی از نظر شاخص رفق پسررفته‌ترین کشورهای جهان هستند. مگر اینکه انسانی در نظام برنامه‌ریزی کشور بگوید: مسأله رفق، مسأله‌ی مهمی نیست که این حرف یک بحث دیگری است و ما نمی‌دانیم که با این انسان باید چگونه صحبت کنیم! بنده وقتی با کسی که بگوید بشر به رفق نیاز ندارد و مسأله رفق را شاخص ارزیابی پیشرفت قرار ندهد روبرو می‌شوم احساس می‌کنم که با یک انسان جاهل دوره‌ی جاهلیت زمان پیامبر ﷺ روبرو شده‌ام. شما داستان‌های پیامبر ﷺ را خوانده‌اید که در دوره‌ی جاهلیت اول با چه انسان‌هایی روبرو بوده است؟ رفق و محبت را به قدری نمی‌فهمیدند که دختران خود را زنده به گور می‌کردند!!! حالا این افراد مدرن [زنده به گور نمی‌کنند ولی جنین‌های خود را در سطل آشغال می‌ریزند. این، زنده به گور مدرن است که اتفاق افتاده است. اگر کسی این مسأله را نبیند همان انسان دوره جاهلیت است و فقط تحصیلات آکادمیکی پیدا کرده و یک سری از شاخص‌ها را بحث می‌کند. وقتی کشوری از حیث رفق دچار فروپاشی شده مانند اعراب جاهلی است که پیامبر ﷺ را بسیار اذیت کردند و پیامبر رحمة للعالمین چقدر با آنها تعامل کرد تا کار خود را پیش ببرد.

ساخت مسکن وظیفه دولت نیست؛ وظیفه دولت فقط این است که پول انفال<sup>۲۷</sup> و نفت را در اختیار سرمایه‌دارها قرار دهد.<sup>۲۸</sup> سرمایه‌داران نیز اگر سودشان به خطر افتاد کارگران خود را اخراج کنند. این وظیفه‌ی دولت است، وظیفه دولت این نیست که مسکن محرومین را تهیه کند، محرومین باید در کَپر<sup>۲۹</sup> زندگی کنند. به تعبیر حضرت آقا سیاست‌های دوستان منجر به تشکیل وال‌استریت ایرانی می‌شود؛<sup>۳۰</sup> یعنی قلعه‌هایی از ثروت و دره‌های عمیقی از فقر ایجاد می‌گردد، این نظام برنامه‌ریزی ماست؛ شخصیت این جریان خطرناک برای انسانیت را خوب بشناسید. این جریان بازگرداننده‌ی بشر به دوره‌ی جاهلیت را خوب بشناسید، خیلی جریان خطرناکی است؛ حاضر نیست عدالت را به رسمیت بشناسد. می‌گویند: عدالت باید بعد از توسعه محقق شود.<sup>۳۱</sup> می‌دانید این حرف را چه زمانی

۲۵. شما رویکرد عدالت داشتید. از مسأله‌ی عدالت دست بردارید؛ این قضیه‌ی عدالت را دنبال کنید. مسأله‌ی فسادستیزی، حمایت از طبقات ضعیف، ساده‌زیستی، نگاه به مناطق دوردست و محروم، توجه به مشکلات گوناگون مردم. اینها اصولی است که اگر رعایت بشود و بر اینها پای فشرده بشود، هم خدا را راضی می‌کند، هم مردم را از هر مسئول و از هر نظامی خشنود و دلشاد می‌کند. اینها را ادامه بدهید.

*بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار با اعضای هیأت دولت ۱۳۸۸/۶/۱۶*

۲۶. ما باید مردم را در سطح مطلوب و متوسط همان چیزی که اسلام از آن به عنوان کفاف و عفاف یاد کرده تأمین کنیم، نه یک زندگی ریاضت‌کشانه. ما امکان تأمین مردم در حد متوسط را داریم، نه به عنوان صدقه خوری و گداپروزی، بلکه باید انسان‌هایی بسازیم که روی پای خود درس بخوانند، کار کنند و خود را تأمین کنند. اگر می‌خواهیم عدالت داشته باشیم نباید تقسیم فقر کنیم بلکه توزیع عدالت با توسعه‌ی غنا ممکن است. ما نمی‌توانیم بدون عدالت؛ پیشرفت، توسعه و برداشت درست از منابع انسانی و طبیعی داشته باشیم.

*رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در دومین سمپوزیوم بین‌المللی ایران ۱۴۰۴ به نقل از همشهری آنلاین، کد خبر: ۶۸۴۹۳*

۲۷. انفال عبارت است از مالی که امام (علیه السلام) بخاطر داشتن منصب امامت مستحق آن است همانطور که رسول خدا به خاطر داشتن ریاست الهیه‌اش مستحق آن بود.

*خمینی، سیدروح الله؛ تحریر الوسیله، کتاب الخمس، باب انفال*

۲۸. روحانی درباره نحوه حمایت دولت از اجرای طرح‌های عمرانی و زیرساختی اظهار داشت: اصولاً، احداث فرودگاه، کشیدن خط‌آهن، ساخت مسکن یا احداث اتوبان به‌عهده دولت نیست بلکه دولت موظف به بهبود شرایط سرمایه‌گذاری و فضای کسب و کار و ارتقای روابط کشور با دولت‌های خارجی است تا امکانات لازم برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را فراهم آورد.

*خبرگزاری تسنیم، کد خبر: ۱۰۸۸۷۴۰*

۲۹. کَپر نام گونه‌ای اقامتگاه سایه‌بانی در جنوب ایران و از جمله منطقه شهرستان بستک و مناطق گرم در غرب استان هرمزگان است.

۳۰. آیا بیست سال بعد ما ایرانی با این خصوصیتی که عرض می‌کنم می‌خواهیم؟ ایران مقتدر؛ بیست سال بعد ایرانی مقتدر [می‌خواهیم]؛ مقتدر، یعنی از تهدید دشمنان ریز و درشت احساس هراس نکنند، احساس واهمه نکنند، به اقتدار خودش متکی باشد؛ ایرانی مقتدر. ایرانی مستقل؛ گاهی یک کشوری احساس هراس هم نمی‌کند از ناحیه‌ی دشمنان بیرونی اما به اتکاء یک قدرتی؛ مثل کودکی که به اتکاء پدرش احساس امنیت و قدرت می‌کند. آیا می‌خواهیم این جور می‌باشیم؟ یا نه، می‌خواهیم ایرانی باشد که اقتدارش به اتکاء خودش باشد، مستقل باشد، استقلال داشته باشد؛ ایرانی متدین؛ ایرانی ثروتمند؛ ایرانی برخوردار از عدالت، عدالت اقتصادی، عدالت اجتماعی، عدالت قضائی؛ ایرانی با یک حکومت مردمی؛ ایرانی با حکومتی پاک، جهادگر، دلسوز و پرهیزکار؛ این جور ایرانی می‌خواهیم؛ که این البته یک چیز مطلوبی است یا نه، اهمیتی نمی‌دهیم به این عناصری که گفته شد؛ به این نکاتی که گفته شد خیلی اهمیتی نمی‌دهیم یا حتی با بعضی از آنها مخالفیم؛ [یعنی] ایرانی می‌خواهیم که در آن رونق اقتصادی و رفاه اقتصادی باشد ولو به‌صورت وابسته‌ی به دیگران. البته چنین چیزی امکان هم ندارد و حالا [خود] این بحث دارد که کشوری که از لحاظ اقتصادی وابسته‌ی به دیگران است امکان رفاه اقتصادی ندارد؛ بله، قلعه‌های ثروت در آنجاها به وجود می‌آید اما اینکه کشور برخوردار از رفاه و آرامش فکری و اقتصادی باشد، چنین چیزی امکان ندارد. حالا فرض کنید ما می‌خواهیم وابسته باشیم و از لحاظ سیاسی مشکلی در وابسته بودن نمی‌بینیم؛ کمالینکه الان بعضی‌ها صریحاً همین حرف را می‌زنند؛ کشوری تک‌محصول - تقریباً مثل الان - متکی به نفت و خام‌فروشی؛ کشوری از لحاظ فرهنگی رها شده؛ کشوری مبتلا به گسست‌های اجتماعی، گسست‌های قومی، گسست‌های دینی و مذهبی، گسست‌های سیاسی؛ کشوری با حاکمیت اشرافی، با قلعه‌های ثروت از قبیل آنچه در آمریکا [وجود دارد] - وال‌استریت ایرانی - در مقابل فقر و محرومیت عده‌ی کثیری؛ کشوری با این خصوصیات و این جور چیزی می‌خواهیم. در آمریکا طبق همین اخبار آشکار، هوا که گرم می‌شود، عده‌ای از گرما می‌میرند؛ خب از گرما که در خانه‌ها کسی نمی‌میرد؛ این یعنی بی‌خانمانی، یا وقتی سرما می‌شود از سرما کسان زیادی می‌میرند - که آمارهایش گاهی از دستشان در می‌رود و گفته می‌شود و خیلی اوقات هم گفته نمی‌شود - این یعنی بی‌خانمانی. در کشوری با آن ثروت - آمریکا کشور ثروتمندی است - این معنایش این است که قلعه‌هایی وجود دارد و در کنار این قلعه‌ها دره‌های بدبختی و نابسامانی و فقر و محرومیت وجود دارد. خب ما چه می‌خواهیم؟ البته بین این دو شکل، صورت و اشکال گوناگون متوسطی هم وجود دارد.

*بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار با جمعی از اساتید دانشگاهها ۱۳۹۵/۰۳/۲۹*

۳۱. کسانی که معتقد به تعارض میان رشد و عدالت هستند، معتقدند: اجرای عدالت، در آغاز جریان توسعه غیرممکن و یا دست کم بسیار دشوار است. اجرای عدالت مشروط به دستیابی به نرخ بالای رشد اقتصادی است. یعنی باید در کوتاه‌مدت (حداقل یک نسل) از اجرای عدالت صرف‌نظر کرد تا در

مطرح می‌کردند؟ وقتی در دوره سازندگی چهار شورش اجتماعی در فلان شهر و فلان شهر اتفاق افتاد. من پیشنهاد می‌کنم شورش‌های دوره سازندگی را بازخوانی کنید؛ مگر آنها همان مردمی نبودند که چند سال قبل از آن انقلاب کردند! دلیل شورش‌ها این بود که نظام برنامه‌ریزی در دوره سازندگی نمی‌خواست عدالت را رعایت کند.<sup>۳۲</sup> حالا بعد از اینکه این اتفاقات رخ می‌دهد و تفکر انقلاب اسلامی می‌گوید من از عدالت نخواهم گذشت ولو به قیمت عوض کردن الگوی اداره جامعه، وقتی انقلاب این بحث‌ها را مطرح می‌کند جریان توسعه‌گرا می‌گوید: ان شاء الله عدالت بعد از توسعه محقق می‌شود. ما همیشه سؤال خوبی از آنها پرسیده‌ایم و بنده خدا را شکر می‌کنم که این سؤال خوب را به زبان ما جاری کرده است، ما به آنها می‌گوییم: سلّمنا؛ قبول می‌کنیم که عدالت باید بعد از توسعه محقق شود؛ اما می‌توانید بگویید این عدالت بعد از توسعه در کجا اتفاق افتاده است؟ بالاخره ما نمی‌توانیم بر روی کاغذ به شما اعتماد کنیم. یک‌جا را نام ببرید که عدالت بعد از توسعه اتفاق افتاده باشد. در کشورهای اسکاندیناوی اتفاق افتاده است یا در آمریکا؟ کدام یک؟ آمریکا که به حدود پنجاه میلیون نفر کوپن می‌دهد و در آنجا توسعه نیز اتفاق افتاده است؛<sup>۳۳</sup> کیک توسعه در آمریکا بسیار بزرگ است، کیک توسعه به قدری بزرگ است که برادران راکفلر<sup>۳۴</sup> و امثال بیل گیتس‌ها<sup>۳۵</sup> - که فرعون‌ها و قارون‌های عصر ما هستند - در آنجا حکومت می‌کنند و با این حال پنجاه میلیون نفر نیز کوپن غذا گرفته و صد میلیون نفر نیز زیر خط فقر قرار دارند.<sup>۳۶</sup> شما می‌گویید درآمد کشورهای اسکاندیناوی را درست کرده‌اید ولی چرا آنها با حیوانات زندگی می‌کنند؟! چرا خانواده‌ی انسان‌های کشورهای اسکاندیناوی دچار فروپاشی شده است؟ مگر خانواده جزء آسایش بشر نیست؟ مگر شما به دنبال رفاه بشر نیستید؟ این نظام برنامه‌ریزی کشور است که نیازها را تأمین نمی‌کند و شکست هم می‌خورد. نظامات اجتماعی ما نمی‌توانند نیازهای بشر را تأمین کنند؛ به تعبیر تخصصی ما قدرت نوشتن برنامه بهبود برای موضوعات جهت‌ساز را ندارند. این عیب نظام برنامه‌ریزی است.

بلندمدت، کل جامعه از نتایج توسعه بهره‌مند شوند. در اوایل روند توسعه اقتصادی، نابرابری درآمدها افزایش می‌یابد، اما به تدریج، از میزان این نابرابری‌ها کاسته خواهد شد. کوزنتس، معتقد است «با توجه به بالابودن میل نهایی به مصرف در میان اقشار کم‌درآمد، توزیع عادلانه‌تر درآمدها تنها سبب افزایش تقاضا خواهد شد. وقتی توسعه اقتصادی مراحل اولیه را پشت سر نهاد، نیروی کار تخصص لازم را به دست می‌آورد و در نتیجه بر دستمزدها افزوده خواهد شد. این مساله خود سبب‌ساز کاهش نابرابری درآمدها می‌شود.»

قره‌باغیان، مرتضی؛ اقتصاد رشد و توسعه، ج ۱، تهران: نشر نی، ۱۳۷۰، ص ۲۵

۳۲. دولت سازندگی شروع به اجرای سیاست تعدیل کرد. بسیاری از مدیران و سیاست‌گذاران که در دانشگاه‌های آمریکا تحصیل کرده بودند وارد کابینه و مجموعه‌ی دولت شدند و در نهایت اینکه سیاست‌های اقتصاد باز و خصوصی‌سازی اجرائی شد. موافقان این طرح می‌گویند: اگر برای رسیدن به توسعه، در صدی از جامعه نیز دچار خسران شد، بلامانع است. در همین ارتباط پرویز داودی، معاون اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی دولت هاشمی، از تئوریسین‌های اقتصادی دولت سازندگی معتقد بود که اگر در فرآیند تعدیل ۱۵ درصد جمعیت کشور زیر چرخ‌های توسعه له شوند، اشکال ندارد؛ زیرا این هزینه توسعه است!

خبرگزاری دانشجو، کد خبر: ۲۳۸۲۹۴

۳۳. سند این مطلب در پاورقی شماره ۹ ذکر گردید.

۳۴. خانواده راکفلر ثروتمندترین و با نفوذترین خانواده از نظر مالی و سیاسی در یک صدسال گذشته آمریکا شناخته شده است. این خانواده در سال ۱۹۱۳ بنیاد راکفلر را تأسیس کرد که یکی از مهم‌ترین مراکز تعیین‌کننده سیاست و اقتصاد آمریکا محسوب می‌شود.

۳۵. ویلیام هنری بیل گیتس زاده ۲۸ اکتبر ۱۹۵۵ کارآفرین، بازرگان، سرمایه‌دار، مدیر ارشد اجرایی آمریکایی است که در سال ۱۹۷۵ با مشارکت پل آلن، شرکت مایکروسافت را تأسیس نمود.

36. One in three Americans - 100 million people - is either poor or perilously close to it.

از هر سه نفر آمریکایی یک نفر - در مجموع ۱۰۰ میلیون نفر - فقیر یا نزدیک خط فقر است.

<http://www.nytimes.com/2011/11/24/opinion/the-poor-the-near-poor-and-you.html> سیاست نیویورک تایمز

### ۳. مدیریت شهر به محوریت محلات و تأمین نیازهای چهارگانه‌ی خانواده‌ها در محله؛ دومین نمونه‌سازی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

بنده از همین نقطه وارد مدیریت شهری شده و ان‌شاءالله فردا بحث مدیریت شهری را شروع می‌کنم. سؤال بنده در نمونه‌سازی دوم این است که آیا نظم ما در اداره شهر می‌تواند نیازهای بشر را تأمین کند؟ مدیریت شهری نیز یک نظام اجتماعی بوده و نظمی دارد. مثلاً در مدیریت شهری حمل و نقل و فرهنگ وجود دارد. شهرداری تهران اخیراً چشم ما را به یک کار فرهنگی بسیار بزرگ منور کرد؛ آن کار این بود که نقاشی‌های دوره‌های قبل را تابلو کرده و در سراسر شهر نصب نمودند، نام طرح را در خاطر ندارم؛<sup>۳۷</sup> همه نقاشی‌ها - مثلاً نقاشی‌های ایتالیا، دوره صفویه، قاجاریه و ... - را نصب کردند. پس پیداست مدیریت شهری ناظر به مسأله فرهنگ کار می‌کند؛ اما آیا این نوع کار فرهنگی نیازهای فرهنگی جامعه را تأمین می‌کند یا ما باید برای حل مسائل فرهنگی به این سمت حرکت کنیم که مدیریت محله‌ای را احیا نماییم؟ اینها سؤالات ماست.

من در مدیریت شهری نظمی را می‌بینم که نمی‌تواند موضوعات جهت‌ساز را بهبود ببخشد، بنابراین باید بازتعریف شود. مدیریت شهری باید بتواند حال انسان را بهتر کند. شهر اسلامی، شهری است که انسان در آن آرامش و آسایش داشته باشد. آیا در مدیریت شهری ما آرامش و آسایش تحقق پیدا می‌کند یا نه؟ دوستانی که در حوزه علمیه بر روی کشور چین فعالیت کرده و با مسلمانان چینی ارتباط برقرار می‌کنند برای بنده تعریف کرده‌اند که در شهر پکن LED و تلویزیون بزرگ گذاشته‌اند و آسمان آبی را نشان می‌دهند.<sup>۳۸</sup> من سؤال کردم چرا این کار را انجام می‌دهند؟ پاسخ داد در آنجا دود و دم وجود دارد و هوا آلوده است. خدا را شکر! تهران نیز در حال توسعه‌یافتگی است و در آینده به این مشکلات دچار خواهیم شد؛ کار به جایی می‌رسد که برای خوب کردن حال بشر مجبور می‌شوید ده، صد، هزار و یک میلیون LED بگذارید تا مردم به LEDها نگاه کنند و حالشان خوب شود. در شهر تهران پدیده‌ای وجود دارد - برخی از افراد این مسأله را بد تحلیل می‌کنند ولی بنده می‌گویم این مسأله‌ی بد نیست و اتفاق عجیب دیگری در حال رخ دادن است - و آن پدیده این است که هر فرصت تعطیلی‌ای پیدا می‌شود مردم از این شهر فرار می‌کنند؛ جمعیت زیادی به شمال می‌روند، جمعیت زیادی به شهرهای خودشان می‌روند. چون شهر انسان‌ها را خسته کرده است. آیا می‌خواهید با این مطلب کنار آمده، آن را غلط تحلیل کرده و بگویید تمام جمعیت‌هایی که به شمال می‌روند انسان‌های خوش‌گذرانی هستند؟ بالاخره بشر نیازهای تفریحی نیز دارد ولی چرا در شهر نمی‌مانند؟ انسان نیاز به فرح و آرامش دارد ولی مدیریت شهری نمی‌تواند این نیاز را تأمین کند. فردی به تازگی ازدواج کرده است و در تهران زندگی می‌کند ولی نمی‌تواند وقت زیادی را برای خانواده خود صرف کند و عمده‌ی زمان خود را در محل کار است؛ البته اگر کار آبرومندانه داشته باشد در غیر این صورت مجبور است دو یا سه شغل داشته باشد و باقی زمان خود را نیز در ترافیک گیر کرده است. شما فکر کنید شوهری می‌خواهد به خانه برود و در حال حاضر خانم‌ها نیز به سر کار می‌روند؛ در اینصورت وقتی این دو فرد در خانه به یکدیگر می‌رسند فشار سنگینی اعم از فشار کاری و ترافیکی را تحمل کرده‌اند. با این وجود این دو نفر چه محبتی می‌توانند به یکدیگر داشته باشند؟! اینها واقعیت زندگی شهری ماست. به همین دلیل در این

۳۷. نام این طرح نگارخانه‌ای به وسعت شهر می‌باشد. سازمان زیباسازی شهر تهران با به کارگیری بیش از ۱۶۰۰ سازه تبلیغاتی در شهر تهران در طرحی تحت عنوان «نگارخانه‌ای به وسعت یک شهر» آثار هنرمندان بزرگ داخلی و خارجی را برای مدت ۱۰ روز در شهر تهران به نمایش گذاشت.

۳۸. برای مشاهده این خبر به پیوست شماره ۲ مراجعه کنید.

شهر ۳۸ درصد طلاق اتفاق می‌افتد. وقتی نحوه زندگی در یک شهر نتواند نیازهای بشر را تأمین کند، بشر به هم ریخته می‌شود. من از طلاق، عدم مدارا، خشونت و عدم تحمل را می‌فهمم، این معنای طلاق است. چه کسی باعث شده است که بشر به هم ریخته شود؟ مدیریت شهری باید سهم خود را در ایجاد این معضل بپذیرد. اول بپذیریم که بشر را به هم می‌ریزیم.<sup>۳۹</sup>

در حال حاضر ایده‌هایی مانند شهر خلاق مطرح شده است،<sup>۴۰</sup> برای شهر چشم‌اندازهایی مانند مشهد یا تهران ۱۴۰۰ ترسیم می‌شود. حالا سؤال ما این است که آیا در تهران ۱۴۰۰ انسان راحت‌تر زندگی می‌کند؟! آیا خانواده در آن امنیت بیشتری دارد؟ آیا رفق و محبت در آن ارتقا بیشتری پیدا کرده است؟ اگر رفق و محبت و شاخص‌های هویت اسلامی در آن ارتقا بیشتری پیدا کنند مسیر، مسیر درستی است. اما اگر ما از لحاظ این شاخص‌ها دچار مشکل هستیم باید مدیریت شهری را بازتعریف کنیم. فعلاً هم فقط تبیین می‌کنیم؛ هم معایب TOD و مدل مدیریت شهری فعلی و هم مدل جایگزین خود را تبیین می‌کنیم.<sup>۴۱</sup> بنابراین روح بحث نمونه‌سازی‌ها - چه نمونه‌سازی اول و چه نمونه‌سازی دوم - تغییر نظامات اجتماعی غیر متناسب با نیازهای فطری بشر است، ما باید این مسأله را حل کنیم. ان‌شاءالله باید به سمت تعریف مدیریت محله‌ای حرکت کنیم. در محله امور، غیر متمرکز اداره می‌شوند؛ محله به معنای مکانی است که انسان‌ها می‌توانند نیازهای چهارگانه‌ی خود را تأمین کنند.

**۳/۲. مدیریت شهر به محوریت محله و تأمین نیازهای چهارگانه‌ی خانواده در محله؛ تعریف مطلوب مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت**

<sup>۳۹</sup> البته تمام این مشکلات تقصیر مدیریت شهری نیست؛ تمام نظام برنامه‌ریزی باید به چالش کشیده شده و بازتعریف گردد و به فضل خدا ما این کار را خواهیم کرد؛ یعنی با جمعی از جوانمردان پیمان حلف‌الفضول بسته شده است، درست مانند پیمان جوانمردان دوره پیامبر ﷺ. می‌دانید پیمان حلف‌الفضول را چه زمانی می‌بندند؟ این پیمان در زمانی اتفاق افتاد که پیامبر ﷺ هنوز مبعوث نشده بودند و اختیارات نیز نداشتند ولی ظلم‌های فاحشی اتفاق می‌افتاد و به همین دلیل پیامبر ﷺ با عده‌ای از جوانمردان پیمان بسته و جلوی این ظلم را می‌گرفتند. وقتی مسافری در شهر مکه می‌آمد امنیت نداشت و تا آن موقع هنوز وقت حکومت و بعثت پیامبر ﷺ نرسیده بود. ایشان گفتند: من هنوز به تمام معنا مبعوث نشده‌ام تا نظام‌سازی اجتماعی همه‌جانبه ایجاد کنم - بنده در جلسات آینده، شهر پیامبر ﷺ را توصیف خواهم کرد و نشان خواهم داد که از حیث این مسائل چقدر شهر خوبی بوده است - ولی جوانمردان را جمع کرده و حداقل جلوی این ظلم را می‌گیرم. در دوران جمهوری اسلامی نیز هنوز وقت تسلط تفکر انقلاب بر نظام برنامه‌ریزی نرسیده است. نسل جدیدی که رویش یافته‌های تفکر انقلاب اسلامی هستند در یک یا دو دهه‌ی آینده نظام برنامه‌ریزی کشور را در اختیار خواهند گرفت. دیگر بس است؛ ما هفتادسال تجربه کرده و تجربه‌های بشر را دیده و چشیده‌ایم، نظام برنامه‌ریزی باید عوض شد. حالا قبل از اینکه این اتفاق مبارک رخ دهد - کأنه من این اتفاق مبارک را می‌بینم و شواهد آن را در جاهایی که اتفاقی افتاده است مشاهده می‌کنم - ما با جمعی از دوستان پیمان حلف‌الفضول بسته‌ایم. می‌خواهیم جلوی چه ظلمی را بگیریم؟ جلوی دروغ‌های جریان توسعه‌گرا را، این ظلم بسیار بزرگی است. جریان توسعه‌گرا دوره جاهلیت [مدرن] را به عنوان دوره‌ای توسعه و پیشرفت معرفی می‌کند. آمارهای جنین‌هایی که در کشورهای توسعه‌یافته در سطل‌های آشغالی ریخته می‌شود را نگاه کنید. آیا این پیشرفت است که بشر به هم‌نوع خود رحم نکند؟! این پیشرفت است که ما با آن روبرو هستیم؟ این جاهلیت است و آنها جاهلیت را به عنوان پیشرفت معرفی می‌کنند. ما با پیمان حلف‌الفضولی که بر روی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت بسته‌ایم از چه طریقی این کار را انجام می‌دهیم؟ از طریق تبیین ناکارآمدی‌های توسعه غربی. این اتفاق در حال رخ دادن است. یکی از این بخش‌های تبیینی نیز همین بحث مدیریت شهری است.

*انتقال از متن*

<sup>۴۰</sup> ایده شهر خلاق مبحثی جدید و مورد توجه در حوزه مطالعات شهری و به ویژه مدیریت شهری بوده و بر بهترشدن محیط زندگی و ارتقای کیفیت زندگی به واسطه تفکرات نو شهروندان تأکید دارد. این ایده برای مدیران، برنامه‌ریزان و شهرسازان باعث گسترش افق دید و تحلیل راهکار در مواجهه با مسائل شهر می‌شود و به تنوع علایق و عقاید در پهنه شهر احترام می‌گذارد. همچنین ایجاد شهرهای خلاق باعث رونق و شکوفایی حیات شهری می‌گردد که این خود سطح مناسبات یک شهر را در پیوند با سایر شهرها در مقیاس ملی و فراملی گسترش می‌دهد.

*نشریه دانش شهر (متعلق به مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران) شماره ۱۹۶ (شهر خلاق؛ مبانی نظری و شاخص‌ها)، مردادماه ۱۳۹۲، بخش چکیده‌ی نشریه*

<sup>۴۱</sup> البته در حال حاضر جمعیت‌های مؤمنی در شوراهای شهر و نظام برنامه‌ریزی شهری حضور دارند و بنده احساس می‌کنم که بسیار سریع با این افراد راجع به مدل مطلوب تفاهم خواهیم کرد.

*انتقال از متن*

**۳/۳. افزایش تعریف در****افراد محله، افزایش****رفیق و محبت در****خانواده؛ دو نمره****مدیریت شهر به****محوریت محله**

وقتی افراد نیازهای خود را در محله تأمین کنند دو اتفاق رخ می‌دهد؛ اتفاق اول این است که تعریف در منطقه افزایش می‌یابد. بعداً بحث خواهیم کرد که تعریف یا شناخت طرفینی گسترده چه فوایدی دارد. وقتی در انسان‌های منطقه‌ای تعریف ارتقا پیدا کرد این موضوع چه فوایدی دارد؟ اولین میوه‌ای این مسأله، خودکنترلی و امنیت است. تعریف از چه طریقی حاصل می‌شود؟ از طریق تأمین هرم نیازهای خانواده در محله؛ این اتفاق در محله رخ می‌دهد. در محله‌ای که تعریف در آن بالاست جرم و عدم امنیت به شدت کاهش پیدا می‌کند؛ چون همه همدیگر را می‌شناسند. این تجربه‌ی همه ماست که وقتی شناخت وجود دارد حتی اگر هوای نفس قوی‌ای هم در انسان‌ها وجود داشته باشد این شناخت باعث می‌شود که هوای نفس کنترل و محدود شود، برخلاف زمانی که انسان‌ها یکدیگر را نمی‌شناسند. در اینصورت انسان‌ها به خود اجازه نمی‌دهند که خیلی از کارها را انجام دهند. این، میوه‌ی مدیریت محله‌ای برای داخل شهر، محله و حوزه‌ی اجتماعی است.

وقتی مدیریت را محله‌ای کنیم میوه‌ای نیز برای خانواده ایجاد می‌شود. این میوه چیست؟ انسان‌ها وقت بیشتری برای خانواده‌ی خود دارند و این مسأله بسیار مهمی است. اساس توصیه‌های اسلام این است که وقت خود را تقسیم کنید و یکی از این وقت‌های جدی و شاید با کمی دقت دو مورد از این وقت‌های جدی، وقت‌هایی است که انسان برای خانواده خود صرف می‌کند.<sup>۴۲</sup> وقتی زمان فرد برای خانواده بیشتر شد حال او خوب‌تر می‌شود و این بخش اصلی ارتباطات انسانی است. وقتی انسان با افراد غیر ریح خود ارتباط داشته باشد یک نوع روحیاتی در او شکل می‌گیرد و وقتی با رحم خود ارتباط داشته باشد روحیات دیگری در او شکل می‌گیرد. این تمام بحث ما در نظام جدید است؛ یعنی ما در مدیریت محله‌ای یک کار انجام می‌دهیم و آن کار این است که نیازها را در محله تأمین می‌کنیم. میوه بیرونی این مسأله تعریف و میوه درونی آن گسترش رفیق و محبت در نهاد خانواده است. ان شاءالله فردا این بحث را محضرتان شرح می‌دهم. بنده سعی کردم مقدمه‌ی دوم را به صورت تفصیلی شرح دهم. اگر از ما بپرسند چرا نمونه‌سازی می‌کنیم، پاسخ می‌دهیم چون نمونه‌سازی کمک می‌کند تا نظم اجتماعی جدید در ذهن ما بیشتر تصویر شود. چرا باید نظم اجتماعی جدید در ذهن ما بیشتر تصویر شود؟<sup>۴۳</sup> چون ما در مرحله‌ی نظام‌سازی اجتماعی همه‌جانبه هستیم.

و صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا اَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ ﷺ

۴۲. قَالَ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ ثَلَاثَ سَاعَاتٍ: فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ، وَسَاعَةٌ يُرْمِئُ مَعَاشَهُ، وَسَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَبَيْنَ لَذَائِهَا فِيمَا حِلٌّ وَ يَجْمَلُ امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: مؤمن را سه وقت است: وقتی که در آن با پروردگار خود به راز و نیاز می‌پردازد و وقتی که به حساب نفس خود می‌رسد و وقتی که به لذت‌های حلال و مناسب می‌گذراند.

مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، انتشارات مؤسسه الوفاء، ج ۹۴، ص ۹۴، ح ۱۱

۴۳. این تعریف مبتنی بر مبنای انقلاب اسلامی می‌باشد. توضیح این مطلب به شرح ذیل است: مبنای اصلی انقلاب اسلامی در بنای معنای ساختمان و ریشه‌ی فکری است؛ هنگامی که از اصطلاح مبنای انقلاب اسلامی در نقشه‌ی راه صحبت به عمل می‌آید، ریشه‌ی اصلی تفکر انقلاب مد نظر بوده که ساختمان اصلی انقلاب نیز در همین ظرف تشکیل شده است. با بررسی‌های انجام‌گرفته در اندیشه‌ی امام‌خمينی (علیه السلام) و امام‌خامنه‌ای (علیه السلام) از نظر هر دو بزرگوار مبنای حرکت انقلاب اسلامی مفهومی تحت‌عنوان نظام‌سازی اسلامی است ... نوآوری حرکت امام راحل (علیه السلام) آن بود که در عمل بر اساس فقه شیعه نظام‌سازی کردند؛ یعنی نهادهای اجتماعی را به شکلی تنظیم و ایجاد کرده که بر اساس فقه شیعه برنامه‌ریزی کنند.

... حال این سؤال مطرح می‌باشد که «نظام‌سازی اسلامی» در چند مرحله محقق خواهد شد؟ به تعبیر امام‌خامنه‌ای «نظام‌سازی اسلامی» در پنج مرحله اتفاق خواهد افتاد: ۱. مرحله انقلاب اسلامی ۲. مرحله نظام اسلامی ۳. مرحله دولت اسلامی ۴. مرحله جامعه اسلامی ۵. مرحله امت یا تمدن اسلامی ... با توجه به این مطلب که فکر اصلی انقلاب «نظام‌سازی اسلامی» می‌باشد باید به این مطلب توجه شود که در هر مرحله نسبت به مفهوم «نظام‌سازی اسلامی» چه اتفاقی خواهد افتاد ... در مرحله اول یعنی انقلاب اسلامی، باید اختیارات لازم برای «نظام‌سازی اسلامی» کسب شود. اگر در پی نهادسازی و نظام‌سازی هستیم، باید در قالب نظامات اجتماعی همه شرایط لازم برای اجرای احکام فراهم شود؛ این امر بدون اختیارات اجتماعی محقق نخواهد شد.



... مرحله دوم مرحله نظام اسلامی می‌باشد؛ در این مرحله «نظام‌سازی اسلامی» به دلیل وجود اختیارات در دست فقهای شیعه به نحو اجمالی - و با توجه به ظرفیت جامعه از جمله ظرفیت فکری، آمادگی مردمی، مجموعه شرایط بین‌المللی و داخلی موجود در آن روز- در بخش‌هایی تبیین و محقق گشت؛ یعنی برای آغاز حرکت به سمت پیشرفت، چهارچوب اصلی «نظام‌سازی اسلامی» در کشور پیاده شد. اوایل انقلاب سیستم دفاعی و امنیتی کشور بر اساس نظام‌سازی اسلامی در حوزه‌ی امنیتی و دفاعی توسط امام راحل علیه السلام پایه‌گذاری شد. «نظام‌سازی اسلامی» در حوزه‌ی دفاعی امنیتی دارای دو رکن اصلی می‌باشد: ۱. مشارکت مردمی ۲. ایمان و انگیزه‌های دینی بالا که در واقع تبلور این امر در بسیج و سپاه قابل مشاهده می‌باشد. در واقع مدل امنیتی کشور - که توسط امام راحل علیه السلام در اوایل انقلاب پایه‌گذاری گردید و ۸ سال جنگ تحمیلی نیز با همان مدل اداره شد- بر مبنای تئوری‌های دافوس و تئوری‌های فرماندهی ستاد غربی نمی‌باشد.

... در مرحله دولت اسلامی در آن بخش از حوزه‌ها که «نظام‌سازی اسلامی» را بحث نکرده‌ایم، باید نظام‌سازی را تبیین و محقق کرده و همچنین در آن حوزه‌هایی که قبلاً [نظامات اسلام] بحث شده بود، باید [این نظامات را] تکمیل و ترمیم کنیم. در مرحله دولت اسلامی باید کارهایی که انجام شده و مقابل مدل‌های موجود دنیا توانمندی داشته را تکمیل کرده و حوزه‌هایی که اصلاً در آنها ورود پیدا نکرده‌ایم - مثل اقتصاد و علم و بقیه حوزه‌ها- را مورد بحث قرار دهیم. پس دولت اسلامی «نظام‌سازی اسلامی» به صورت تفصیلی است. یعنی در مرحله دولت اسلامی باید مبنای انقلاب - که «نظام‌سازی اسلامی» است- را به صورت تفصیلی بحث کنیم.

*چکیده جلسات ۱۰ تا ۱۳ از سلسله جلسات تبیین اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی در برنامه پیشرفت رادیو معارف*

## پرسش و پاسخ

### ۱. حفظ محلات خوب فعلی و ترمیم بافت آنها به سمت محله‌شدن با تعریف الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛ راه حل حال حاضر برای شروع تغییر در مدل مدیریت شهری

یکی از حاضرین (۱): سؤال بنده این است که شما برای تبیین هر مدلی به یک بستر نیاز دارید و اگر بستر شما آماده نباشد مسلماً طرح شما اجرایی نخواهد شد. اما مدیریت شهری تهران به شکلی است که نمی‌تواند این بستر را برای شما فراهم نماید و این یک مشکل است. لطف بفرمایید این سؤال را جواب دهید.

**حجت‌الاسلام کشوری:** ببینید حرف شما، حرفی فنی است، یعنی یک حرف خوب باید کاربردی باشد و از لوازم کاربردی بودن این است که زمینه‌ی اجرای آن فراهم باشد. اما بنده برخلاف شما معتقدم که هم‌اکنون حداقل در نیمی از شهر تهران مدل ما کارآمدتر از مدل فعلی است. چرا؟ زیرا در این نیمه‌ای که بنده عرض می‌کنم - مثال‌های آن را خواهم زد - هم‌اکنون ماهیت محله‌ای وجود دارد. ببینید! دلیل بنده برای این ادعا که طرح ما می‌تواند موفق باشد این است که در حال حاضر با توجه به اینکه مثلاً عالمی در سال‌های سابق در محله‌ای خیلی کار کرده یا اینکه امامزاده‌ی محترمی در محله‌ای وجود داشته و اجازه نداده است که ماهیت محله مدرن شود هم‌اکنون یک مدل‌زندگی نزدیک به مدل‌زندگی‌ای که ما در مدل مدیریت شهری تصویر می‌کنیم وجود دارد. پس وقتی اصل آن وجود دارد - البته با چالش‌های جدی روبرو شده است - ما می‌توانیم معنایی که از مدیریت شهری و مدیریت محله‌ای وجود دارد را فریه نماییم؛ ببینید! بنده جلوتر می‌روم و می‌گویم: نیازی نیست از صفر شروع کنیم، بلکه عرض بنده این است که این مدل وجود دارد و باید آن را تقویت نماییم، اگر عینک‌ها عوض شوند خواهیم دید که وجود دارد.

ما شبیه همین بحث را در اقتصاد نیز مطرح کرده‌ایم. در مسأله گردش‌اعتبارات و افزایش ثروت و مدل تشکیل سرمایه بحث بنگاه‌های وقف‌محور<sup>۴۴</sup> را پیشنهاد داده‌ایم. در آنجا نیز دوستان همین سؤال حضرت‌عالی را از ما پرسیدند و گفتند: شما که

۴۴. ما در نظریه بنگاه‌های وقف‌محور در گام اول نحوه تشکیل سرمایه در نظام سرمایه‌داری را به چالش کشیده‌ایم. شرح بیشتر مسأله اینکه؛ در حال حاضر نقدهای زیادی به نظام سرمایه‌داری وارد می‌شود. به عنوان مثال می‌گویند در نظام سرمایه‌داری عدالت وجود ندارد و این حرف، حرف درستی است. همچنین می‌گویند نظام سرمایه‌داری خانواده را با فروپاشی روبرو می‌کند. این حرف نیز حرف درستی است. ولی به نظر من این نوع نقدها منجر به تغییر نظام سرمایه‌داری نمی‌شود. ما نقاطی از نظام سرمایه‌داری را به چالش کشیده‌ایم که اگر این نقاط به چالش کشیده شوند نظام سرمایه‌داری در عمل نیز با شکست روبرو می‌شود.

یکی از این نقاط، مدل تشکیل سرمایه در نظام سرمایه‌داری است. من باز هم توضیح بیشتر بدهم؛ شما می‌خواهید یک ساختمان فکری را به چالش بکشید. به چالش کشیدن یک ساختمان فکری از جهاتی دقیقاً مانند تخریب یک ساختمان است. اگر کسی ناشی باشد چه کار می‌کند؟ طبقه‌به‌طبقه اقدام به تخریب می‌کند. ولی اگر با انسان‌های فنی روبرو شوید به شما ۲، ۳ یا ۱۰ نقطه از آن ساختمان را نشان داده و می‌گویند: به چالش کشیدن این ۳ نقطه موجب تخریب تمام ساختمان می‌شود. درست شبیه به همین مثال به نظر ما اگر ۳ نقطه از نظام سرمایه‌داری را به چالش بکشیم تمام دستگاه فکری نظام سرمایه‌داری به چالش کشیده خواهد شد. یکی از این نقاط، مدل تشکیل سرمایه است. ما در نظریه بنگاه‌های وقف‌محور با ارائه مدل تشکیل سرمایه از منظر اسلام، مدل تشکیل سرمایه از منظر نظام سرمایه‌داری را به چالش کشیده‌ایم.

این امر چگونه رخ می‌دهد؟ همانطور که از عنوان نظریه‌ی ما مشخص است ما گفته‌ایم: می‌توان در جامعه به محوریت بخش وقف بنگاه‌های اقتصادی‌ای را ایجاد کرد. همه می‌دانیم که هزینه‌ی تمام‌شده‌ی کالاها در بخش اقتصادی از ۳ محور افزایش پیدا می‌کند. محور اول، هزینه‌ی خود بخش تولید است که شامل قطعات تولید، تکنولوژی تولید، دانش مربوط به این بخش خاص و ... می‌شود. هزینه‌ی دوم مربوط به توزیع و تبلیغات است. سومین و شاید مهمترین محور، سود سرمایه‌دار است که به هزینه‌ی تمام‌شده اضافه می‌شود. ما گفته‌ایم: **فعلاً و در گام اول**، با دو هزینه‌ی اول کاری نداریم، یعنی بنده الآن نمی‌خواهم مدل تولید را برهم بزنم، البته این در ابتدای کار است و به این معنا نمی‌باشد که در آینده نمی‌خواهیم مدل تولید را به چالش بکشیم، ما نرمش قهرمانانه کرده و می‌گوییم: همین مدل تولید فعلی برقرار باشد. نحوه تولید و تبلیغات را به چالش نمی‌کشیم. ما ابتدا از مدیریت بخش توزیع شروع نمی‌کنیم. نقطه آغاز ما کجاست؟ ما گفته‌ایم: به هر میزان که بتوانیم سرمایه‌ی تشکیل‌دهنده‌ی بنگاه‌ها را از بخش وقف تأمین کنیم، به همان میزان قیمت تمام‌شده‌ی کالا کاهش پیدا می‌کند؛ یعنی ما سود سرمایه‌دار را حذف کرده‌ایم.

گفت‌وگوی دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با خبرگزاری مهر مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۰۳





می‌خواهید از وقف استفاده کنید، ممکن است مردم تمکین نکنند. در این هنگام بنده آمار وقف کشور را به آنها گزارش دادم.<sup>۴۵</sup> ولی در حال حاضر نظام برنامه‌ریزی کشور اجازه نمی‌دهد که شما اینها را ببینید. برای مثال هم‌اکنون با مدل وقف و نذورات مهم‌ترین بنگاه اقتصادی وقف‌محور جهان اسلام در مشهد حول حرم رضوی تشکیل شده است. وقتی ما توانستیم یک نمونه را بسازیم چرا نتوانیم آن را تعمیم دهیم؟! حالا در مسأله‌ی مدیریت شهری که مباحث جلوتر است.

یکی از حاضرین (۱): بنده مدل شما را رد نکرده و آن را می‌پسندم و مدل شما مطلوب می‌باشد ولی محیط شهر تهران، محیطی آلوده است.

**حجت‌الاسلام کشوری:** یک محیط نیست، دو یا سه محیط وجود دارد. مثلاً شما وقتی ...

یکی از حاضرین (۱): بنده به صورت کلی عرض کردم ...

**حجت‌الاسلام کشوری:** پس شما حداقل یک قدم با ما همراه بوده و می‌گویید تهران دو بخش است؛ در یک بخش کاملاً محله‌های مدرن وجود دارد؛ محله‌هایی که محل زندگی نیستند و در واقع به محل خواب تبدیل شده‌اند. بخشی نیز وجود دارد که واقعاً محل زندگی است و مردم در آنجا زندگی می‌کنند؛ یعنی اکنون در این محله‌ها چهار نوع نیازی که بعداً به آنها اشاره خواهیم کرد و یک خانواده بر اساس آنها شکل می‌گیرد تأمین می‌شود. پس مدیریت شهری الآن باید چه کار کند؟ نباید اجازه دهد که ماهیت این محله‌ها بهم بخورد. برای مثال یکی از چالش‌هایی که اکنون بین مدیریت محله‌ای و مدیریت شهری فعلی وجود دارد این است که همیشه دغدغه‌ی اصلی در ذهن دوستان شورای شهر و دوستان شهرداری مسأله‌ی حمل و نقل در شهر تهران است. شما می‌دانید که طبق آمار به طور غیر مستقیم حدود ۷۰ درصد از هزینه‌های شهرداری صرف حمل و نقل در تهران می‌شود.<sup>۴۶</sup> وقتی ۷۰ درصد هزینه‌ها را برای حمل و نقل در تهران صرف می‌کنند، معلوم می‌شود که این مسأله، مهم‌ترین مسأله می‌باشد. حالا این موضوع چه چالشی ایجاد کرده است؟ به اسم اینکه می‌خواهند اتوبان احداث کرده و حمل و نقل را تسهیل ببخشند به یک‌باره نقشه‌ی اتوبان را از وسط چهار محله عبور می‌دهند؛ مردم در آنجا زندگی می‌کنند ولی آنها فقط به این استدلال که می‌خواهند حمل و نقل را تسهیل کنند ماهیت محله را از هم می‌پاشانند.

از جمله فواید بحث ما این است که تصمیم‌سازها بار دیگر یک اتوبان را از وسط پنج محله عبور نخواهند داد تا محل زندگی مردمی که هویت‌شان به آنجا باز می‌گردد به چالش کشیده شود. بنده کبرای حرف شما را می‌پذیرم؛ بالاخره هر بحثی باید زمینه‌ی اجرا داشته باشد؛ اما بنده عرض می‌کنم هم‌اکنون این طرح در حال اجراست؛ اما نه توسط شهرداری بلکه توسط عواملی غیر از مدیریت شهری مانند مساجد؛ مثلاً وقتی شما در یک مناسبت مراسمی در مسجد برگزار می‌کنید و ۵۰ هزار نفر اعتماد کرده و در جلسه شرکت می‌کنند؛ این ۵۰ هزار نفر زمینه‌ی انجام کارهای اجتماعی را نیز فراهم می‌کنند. برخی حرف‌های خنده‌داری مطرح کرده - البته این حرف‌ها در فضای مجازی برای فریب‌دادن جوانان مطرح می‌شود - و می‌گویند: ما باید هزینه‌ی این تجمعات مذهبی را خرج فقرا کنیم! در حالی که به نظر بنده اگر این تجمعات مذهبی نبودند و تشویق به ایثار در آنها اتفاق نمی‌افتاد، اکنون فقرای ما مانند فقرای کشور آمریکا بودند و اوضاع‌شان بدتر از اینها بود. پس همین مقدار از امور اجتماعی‌ای که هم‌اکنون انجام می‌شود ذیل همین تجمعات مذهبی مساجد ما می‌باشد. پس همین الآن نیز برخی از مساجد ما کارکرد اجتماعی دارند. بنده اخیراً یعنی اواخر سال گذشته با یکی از مدیران کمیته امداد جلسه داشتم. خود ایشان بیان می‌کردند که هم‌اکنون تشکل‌های خودجوش فقرزدایی و محرومیت‌زدایی بیشتر از تشکل کمیته امداد فقرزدایی می‌کنند. مدل ما هم‌اکنون وجود دارد ولی همه‌ی حرف ما این است که نظام برنامه‌ریزی کشور باید این موضوع را رصد کرده و تقویت

۴۵. معاون امور خیریه و اوقافی سازمان اوقاف و امور خیریه کشور گفت: ارزش تقریبی کل موقوفات در کشور ۵۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. سخنرانی نادر ریاحی (معاون امور خیریه و اوقافی سازمان اوقاف و امور خیریه کشور) در همایش متولیان موقوفات کل کشور به نقل از خبرگزاری مهر، کد خبر: ۶۴۴۵۷۴

۴۶. شهرداری تهران گفت: طی دو سال اخیر ۶۰ درصد درآمد شهرداری تهران به حوزه حمل و نقل تعلق می‌گیرد که این موضوع در سال‌های اخیر به خوبی قابل مشاهده است.

دکتر محمدباقر قالیباف در مراسم رونمایی از وسایل حمل و نقل پاک به نقل از باشگاه خبرنگاران جوان، کد خبر: ۵۲۲۴۶۲۹، تاریخ مخابره: ۱۳۹۴/۰۶/۲۴

نماید. پس مدیریت محله‌ای و اقتصاد وقف‌بنیان وجود دارد و هم‌اکنون مسائل اجتماعی در بسیاری از محله‌ها در حال حل و فصل شدن هستند و در بسیاری از محله‌ها مردم مشغول این امور می‌باشند. حالا نظام برنامه‌ریزی نیز باید این کارآمدی‌ها را ببیند و همواره فکر نکند که مصوبات صحن شورای شهر مشکلات را حل می‌کند.

## ۲. تأمین نیازهای افراد در محله؛ راهکار کاهش ترافیک و هزینه‌های حمل و نقل

یکی از حاضرین (۱): یکی از مشکلات همین است، مدیریت شهر تهران خودش یک مشکل می‌باشد؛ یعنی با اندکی دقت در چهره‌های مدیران شهری متوجه می‌شویم که متأسفانه افرادی برای این پستها انتخاب می‌شوند که مثلاً ورزشکارند و تخصص و تجربه‌ی کافی در مدیریت شهری ندارند و از جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری اطلاع زیادی ندارند و به صرف اینکه مشهور و نامی می‌باشند برای شورای شهر انتخاب می‌شوند؛ همچنین اکثر مدیرانی که در بدنه‌ی شهرداری حضور دارند تحصیل کرده‌های غربی هستند. به نظر شما ماحصل این برنامه چه می‌شود؟ مدیریت شهری تهران به کجا کشیده می‌شود؟ آنها مدل‌های غربی را پیاده می‌کنند و همین وضعیت آشفته‌ای که می‌بینید محقق می‌شود. توصیه‌های که شما می‌گویید پیش‌فرض‌هایی دارد و اتفاقاً بنده توصیه می‌کنم که محلات، مسجدمحور باشند، چون این مدل برای گسترش بهتر است. مطالب شما پیش‌فرض‌هایی دارد - بنده آنها را یادداشت کرده‌ام - که باید حل شوند و اگر حل نشوند و بستر آلوده باشد هیچ برنامه‌ای قابل اجرا نخواهد بود.

**حجت‌الاسلام کشوری:** حالا حاج آقا به همین مطلبی که می‌فرمایید بپردازیم، البته بنده قصد داشتم این مطلب را فردا عرض کنم اما اکنون عرض خواهم کرد. بنده الآن تعارض بحث مدیریت ترافیک با مدیریت محله‌ای را بحث کردم و جزء اشکالات اول بنده به شهرداری تهران و بعد هم شهرداری مشهد و بعضی شهرهای دیگر این است که مدیران برای مدیریت ترافیک ماهیت محلات را به چالش می‌کشند و این یک اشکال است. حالا باید این را چه کار کنیم؟

ببینید؛ اگر ما مشکل سفرهای شهری را تحلیل کنیم خواهیم دید که تقریباً تمام این سفرهای درون شهری - که موجب شده‌اند ترافیک به گونه‌ای تبدیل به معضل شود که ۷۰ درصد بودجه‌ی شهرداری تهران خرج این مسأله می‌شود که رقم بسیار بالایی است - به خاطر تأمین سبد نیازهای چهارگانه‌ی انسان‌هاست؛ یعنی کسانی که به سفرهای درون شهری می‌روند مقصودشان یا سر کار رفتن و تأمین نیازهای شغلی است، یا در حال رفتن به محل تفریح به منظور تأمین نیازهای تفریحی هستند، یا برای رفتن به محل تحصیل و تأمین نیازهای تحصیلی مجبور به پیمودن یک سفر درون شهری شده‌اند و یا اینکه به سمت تأمین نیازهای روزمره‌ی می‌روند تا به وسیله‌ی هایپرمارکتی<sup>۴۷</sup> که در فلان منطقه تأسیس شده نیاز خود را تأمین کنند. پس سفرهای درون شهری که به یک معضل برای شما تبدیل شده‌اند به این دلیل اتفاق افتاده‌اند که شما نیازهای چهارگانه‌ی روزمره‌ی خانوارها را به خارج از محله‌ها انتقال داده‌اید.

اگر در فاز اول پیاده‌سازی برنامه‌ی مدیریت شهری با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بتوانید حتی ۱۰ درصد این نیازها را - ولو با صرف کردن هزینه - در محله برآورده کنید به اندازه‌ی همان ۱۰ درصد سفرهای شما کاهش می‌یابد. این چه کاری است که شما انجام می‌دهید و همه چیز را بیرون از محله تعریف می‌کنید؟ ما روز گذشته با دوستان تیم پژوهشی خود نقشه‌ی محلات تهران را مشاهده می‌کردیم؛ درست است که محلات تهران هم‌اکنون نقشه دارند ولی تعریف محله اینطور است که بر روی نقشه یک مرز فرضی کشیده و آن را محله نامیده‌اند در حالی که ماهیت محله ندارند. اگر این محلات، محلاتی با تعریف اسلام از محله بودند مردمی که مثلاً در منطقه‌ی ۶ زندگی می‌کنند برای تأمین نیازهای خود از منطقه خارج نمی‌شدند! شما در مدیریت شهری نوع تأمین نیاز را خارج از محله قرار داده‌اید و در نتیجه مردم مجبورند به خارج از محله سفر کنند.

۴۷. هایپرمارکت به فروشگاه‌هایی که از ترکیب کالاهای مربوط به سوپرمارکت‌ها و فروشگاه‌های چندمنظوره، در مقیاسی بزرگ استفاده می‌کند، گفته می‌شود.

شما می‌گویید: هم‌اکنون امکان تأمین تمام نیازها در محله با یک برنامه وجود ندارد! ما در پیوست الگوی پیشرفت برای برنامه‌ی ششم عرض کرده‌ایم که هم‌اکنون می‌توان نیازهای تحصیلی را مدیریت نمود تا تأمین این نیازها در محله بماند. الآن با برخی استدلال‌ات این نیازها را از محله خارج می‌کنند و اگر این اتفاق رخ دهد درصدی به سفرهای درون شهری و به آلودگی اضافه می‌شود. پس شما فعلاً همین نیازهای تحصیلی را در محله نگهدارید و با توقف ساخت هایپرمارکت‌ها اجازه دهید ارزاق در محله‌ها تهیه شوند. باید به همین شکل عمل کنید، البته بنده به عنوان مصداق عرض می‌کنم. وقتی این کارها را انجام دادید به نظر بنده در ۵ سال اولی که مدیریت شهری با نگاه الگوی پیشرفت پیاده شود حداقل ۲۰ درصد سفرهای درون شهری کاهش می‌یابد و در نتیجه ۲۰ درصد از هزینه‌های شما نیز کاهش می‌یابد. اینکه عرض می‌کنم مدل ما واقعی است یکی از استدلال‌های آن همین مطلب می‌باشد. در حال حاضر در مدیریت شهری TOD و مدیریت شهری مدرن، گریز از مرکز عجیبی وجود دارد؛ یعنی محله به محل خواب و اسکان تبدیل شده و هرکسی هرکاری که می‌خواهد انجام دهد باید از محله بیرون برود. در اینصورت سفرهای درون شهری افزایش می‌یابند و شما کاسه‌ی چه‌کنم چه‌کنم به دست می‌گیرید و در آخر نیز "چه‌کنم چه‌کنم" شما به جای اینکه این مشکل را علاج کند محله‌هایی که فعلاً وجود دارند را نیز خراب می‌کند و این محلات نیز در سیکل سفرهای درون شهری قرار می‌گیرند و دوباره شما می‌گویید حجم سفرها افزایش یافته است! این اصل داستان است. حالا بنده این مباحث را خواهم شکافت.

عرض بنده این است که روح بحث ما یک کلمه می‌باشد؛ باید به تعریف مشترکی از محله برسیم؛ این امر برای مدیریت شهری موجود دو فایده دارد؛ یعنی هزینه‌ها و سفرهای درون شهری را کاهش می‌دهد. دو فایده نیز برای خود خانواده‌ها دارد. بنده هم‌اکنون در قم خانواده‌ی خود را همینطور اسکان داده‌ام؛ ما در محله‌ای زندگی می‌کنیم و مستقریم که برای تأمین هر چهار نوع نیازی که داریم کمتر از چهار یا پنج دقیقه وقت نیاز است. لذا در محله‌ی ما تأمین نیازهای خانوار وقت خانواده را نمی‌گیرد و افراد خانواده بیشتر با همدیگر هستند و اساساً ما سفر درون شهری نداریم، مگر اینکه به زیارت حضرت معصومه علیها السلام یا جمکران برویم یا اینکه بخواهیم از شهر خارج شویم. منتهی در شهر تهران یا حتی در بعضی از محله‌های قم اینگونه نیست؛ شخص برای اینکه بتواند نیازهای روزمره‌ی خود را تأمین کند باید یک تا دو ساعت وقت صرف نماید. در نتیجه یک تا دو ساعت برای نیازهای روزمره، یک تا دو ساعت برای نیازهای تفریحی، یک تا دو ساعت برای نیازهای شغلی زمان صرف می‌کند - البته فقط رفت و آمد لازم برای تأمین این نیازها را عرض می‌کنم - و یک تا دو ساعت برای نیازهای تحصیلی زمان صرف می‌شود و در نتیجه؛ این چند ساعت نیمی از روز را اشغال می‌کنند و شما نصف‌روز رفت و آمد می‌کنید تا نیازهای خود را تأمین کنید. این یک مشکل است که آن را در جلسه آینده بحث خواهیم کرد. در خدمت شما هستم، بفرمایید.

یکی از حاضرین (۲): بسم الله الرحمن الرحیم، حاج آقا! یکی از اساسی‌ترین نیازهایی که موجب حمل و نقل و سفرهای درون شهری می‌شود نیاز به اشتغال و تحصیل است. تصور کنید که بنده در سازمان دولتی‌ای شاغل هستم که با محل زندگی بنده فاصله زیادی دارد. شما که نمی‌توانید در هر محله شعبه‌ای از این سازمان را ایجاد کنید یا اینکه آن سازمان را انتقال دهید. مسأله دانشگاه نیز همینطور است؛ وقتی من در دانشگاهی قبول می‌شوم فاصله‌ی بین محل سکونت تا دانشگاه بسیار زیاد است و دانشگاه نیز قابل انتقال به تمام این محله‌ها نمی‌باشد. این معضل را چگونه می‌خواهید حل کنید؟

**حجت‌الاسلام کشوری:** باید دقت کنید که شما از مثال‌هایی استفاده نمودید که اکنون نمی‌توان آنها را در کوتاه‌مدت حل نمود. بنده مثال‌هایی را متذکر می‌شوم که اکنون می‌شود به آنها توجه کرد. هم‌اکنون در یکی از شهرها - این خبر رسانه‌ای شده و کمتر از یک‌ماه است که اتفاق افتاده - مغازه‌دارهای یک محله به ایجاد یک هایپرمارکت در آنجا اعتراض کرده و گفته‌اند: در اینجا یک هایپرمارکت افتتاح شده و ما در حال از دست‌دادن شغل خود هستیم.<sup>۴۸</sup> برای مثال هزار شغل در محله

۴۸. رئیس اتحادیه پوشاک مشهد ضمن انتقاد از فروش هایپرمارکت پدیده گفت: فروش هایپرمارکت پدیده باعث سرآزیری پول سطح شهر به این فروشگاه شده و بسیاری از کسبه مشهد به این فروش اعتراض کرده‌اند.

وجود داشته و شما با یک تدبیر غلط این هزار شغل را در اختیار یک سرمایه‌دار قرار داده‌اید. در اینصورت این افراد مجبورند برای پیدا کردن شغل از محله خارج شوند. بنده در جواب شما عرض می‌کنم که فاز اول مدیریت محله‌ای را باید حفظ وضعیت موجود دانست. برای مثال اجازه ندهید این شغل‌ها از بین بروند. بالاخره شخص در این محله زندگی می‌کند و ۲۰ سال است که مغازه‌دار بوده است. خُب مغازه‌ی او کنار خانه‌اش بوده و شغلی داشته است و مردم نیز از او خرید می‌کرده‌اند ولی حالا شما می‌خواهید کالا را ۱۰ درصد ارزان‌تر در اختیار افراد بگذارید و یک هایپرمارکت راه اندازی کنید و یک‌دفعه می‌بینید که ۵۰۰ شغل را از بین برده‌اید؛ یعنی ۵۰۰ نفر باید به بیرون از محله‌ی خود بروند. در مورد مثال تحصیل نیز حداقل آموزش و پرورش ابتدایی را از محله خارج نکنید. شما می‌فرمایید دانشگاه را نمی‌توان به محله آورد، بنده می‌گویم: پس حداقل آموزش و پرورش ابتدایی و راهنمایی را خارج نکنید. همانگونه که مشاهده می‌کنید از این طرف هم مثال‌های زیادی وجود دارد. شما می‌گویید من می‌خواهم حمل و نقل را مدیریت کرده و آن را حل کنم. بنده در جواب شما می‌گویم: اگر خواستید مشکل حمل و نقل را حل کنید لطفاً ماهیت محله‌ها را نادیده نگیرید؛ چون مردم در اینجا زندگی می‌کنند.

یکی از حاضرین (۲): او به شما می‌گوید جمعیت و حمل و نقل را چه کار کنیم؟

**حجت‌الاسلام کشوری:** باید یک مسیر دیگری را پیش‌بینی کنید، بنده دارم به شما راه حل ارائه می‌کنم. مثالی بزنم؛ سال‌ها بود که در کنار مصلی تهران نمایشگاه کتاب احداث می‌کردند و می‌گفتند نمایشگاه بین‌المللی است و همه باید بیایند. آنها نمایشگاه را در جای نامناسبی قرار می‌دادند و سؤال می‌کردند که حمل و نقل را چکار کنیم؟ خُب شما دارید مرکز خرید تأسیس می‌کنید و به همین دلیل آنجا از لحاظ جمعیتی منفجر می‌شود. مقداری تدبیر به خرج داده و مراکز توزیع کالا را متمرکز طراحی نکنید تا مشکل حمل و نقل هم پیدا نکنید؛ آیا همه‌ی مردم تهران از سر بی‌کاری و برای تفریح به خیابان‌ها آماده‌اند؟ اینگونه نیست که مردم بیکار باشند و مثلاً بخواهند به آن طرف شهر بروند و از اتوبان امام علی علیه‌السلام<sup>۴۹</sup> استفاده کنند! حتماً شخص کاری دارد. اما چه کاری؟ مثلاً شما در آن طرف شهر یک مرکز خرید ویژه یا یک هایپرمارکت ویژه طراحی کرده‌اید که باعث ایجاد سفر درون شهری شده است. یا اینکه یک مجتمع آموزشی ویژه‌ی چندمنظوره تعریف کرده‌اید، یا نمایشگاه کتاب احداث کرده‌اید.<sup>۵۰</sup> خود شما حمل و نقل شهری را به این شکل درآورده‌اید؛ مثلاً شما دارید ساختمان و خانه می‌سازید و به محلات مسکونی مجوز می‌دهید و حجم جمعیت را به گونه‌ای طرح‌ریزی می‌کنید که بعداً مشکل ایجاد می‌شود؛ حداقل آنها را به دو محله تقسیم کنید. می‌فهمم که ممکن است در کوتاه‌مدت حتی دو برابر هزینه کنید اما در بلندمدت هزینه‌ها نصف خواهد شد.<sup>۵۱</sup>

حالا همانگونه که شما می‌گویید ممکن است در حال حاضر از میان ۱۰۰ تصمیمی که با نگاه مدیریت شهری فعلی گرفته شده بتوان ۸۰ مورد را تغییر داد. حرف بنده این است که اگر مدیریت شهری با نگاه الگوی پیشرفت را دنبال کنیم می‌توانیم

---

سید مهدی لسان طوسی در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) - منطقه خراسان، بیان کرد: در حال حاضر بسیاری از واحدهای صنفی سطح شهر نیز از این مکان خرید می‌کنند و فروش فوق‌العاده در این واحد باعث سرازیر شدن پول سطح شهر به این محل می‌شود که این امر اعتراض بسیاری از کسبه را به همراه داشته است.

خبرگزاری ایسنا، کد خبر: ۱۶۷۸۴-۵-۹۲۱۲

۴۹. بزرگراه امام علی علیه‌السلام آزادراهی است که شمال شرق تهران را به جنوب آن متصل می‌کند. بزرگراه امام علی علیه‌السلام یکی از طولانی‌ترین بزرگراه‌های تهران است که در مسیر خود از ابتدای دارآباد از بسیاری از مناطق و محلات شهر تهران عبور می‌کند تا خود را به حضرت امام خمینی علیه‌السلام در جوار بهشت زهرا تهران می‌رساند.

۵۰. حالا در مسأله نمایشگاه، این نمایشگاه را در شهر آفتاب برپا کرده‌اند و آنجا نیز ترافیک شده است، ولی در هر صورت بهتر از درون شهر می‌باشد.

انتقال از متن

۵۱. این مطالب را بعداً همراه با مثال و ماده‌ی قانون بحث خواهیم کرد. اصلاً می‌توان به صحنه رفته و این امور را دید. برای مثال ما یک روز یک محله را مانیتورینگ کرده و تحقیقات نمونه‌ای انجام دهیم و با یک‌دهم آدم‌های یک محله‌ی پر رفت و آمد مصاحبه کنیم تا ببینیم که اصلاً به چه دلیل به این محله می‌آیند. خود شما در مدیریت شهری به گونه‌ای کار کرده‌اید که او باید برای حل مسأله‌ی خود به آنجا بیاید.

انتقال از متن

۲۰ مورد را تغییر داده و جلوی ۸۰ تصمیم غلط این مدلی را بگیریم. وقتی زمان گرفتیم می‌توانیم ۲۰ مورد دیگر را نیز مدیریت کنیم، در خدمت شما هستیم.

یکی از حاضرین (۳): بنده در تأیید حرف شما مطلبی را می‌گویم؛ در جایی که ما هستیم در زمان‌هایی که مدارس دایر نمی‌باشند تقریباً ترافیک ۵۰ درصد روان‌تر است. به عبارت دیگر اگر فقط بحث مدرسه را در نظر بگیریم و به هیچ چیز دیگری کاری نداشته باشیم - یعنی شغل و تفریح و همه‌موارد را کنار گذاشته و فقط مدرسه را در نظر بگیریم - و مسأله مدارس - که قابل حل می‌باشند - را در محله‌ی ما حل کنیم [مشکل ترافیک حل می‌شود]. در محله‌ی ما بچه‌های محله به محله دیگر می‌روند و بچه‌های آن محله به محله‌ی ما می‌آیند؛ اما در تابستان که این رفت‌وآمدها کاهش پیدا می‌کند ترافیک راحت بوده و روان می‌شود و شما اصلاً ترافیک ندارید ولی در ایام مدارس خیابان‌ها کاملاً قفل می‌شوند، یعنی صبح‌ها از ساعت ۷ تا ۸ خیابان‌ها کاملاً قفل است. اگر ما فقط همین مشکل را حل کرده و به قول شما از ابتدایی تا راهنمایی و دبیرستان را - دانشگاه را که کنار می‌گذاریم، چون نشدنی است - به محله انتقال داده و از نیازهای چهارگانه فقط یکی از آنها و نیمی از این یک نیاز یعنی فقط تا دبیرستان را در محله تأمین کنیم تقریباً ۴۰ درصد مشکل ترافیک حل می‌شود، بنده خواستم در تأیید حرف شما این مطلب را بگویم؛ محله‌ای که ما در آن هستیم فقط به خاطر رفت و آمد محصل‌ها - یعنی افراد محله به جای دیگری می‌روند و افراد جای دیگر به محله‌ی ما می‌آیند - ترافیک ایجاد شده است. جالب‌تر اینکه در محله‌ی ما مدرسه به اندازه کافی برای محله وجود دارد ولی چون برخی از آنها به مدرسه‌ی محله‌ی دیگر می‌روند و از جای دیگر به محله‌ی ما می‌آیند ترافیک ایجاد شده است و اگر این حل شود ۳۰ درصد ترافیک حل می‌گردد.

**حجت‌الاسلام کشوری:** حاج آقا بنده برای تکمیل حرف‌های شما باید عرض کنم که هم‌اکنون مسأله‌ی امنیت دانش‌آموزان به یک چالش برای آموزش و پرورش تبدیل شده است، یعنی مشکل فقط افزایش ترافیک نیست بلکه بار کاری نیروی انتظامی نیز افزایش پیدا کرده و در شیفت‌های جایجایی مدارس برای تأمین امنیت دانش‌آموزان مجبور است نیروی خود را زیاد کند. ان‌شاءالله این مطالب را بحث خواهیم کرد، بنده به خاطر سؤال حاج آقا زود هنگام وارد این بحث‌ها شدم. ما مقدماتی را بحث خواهیم کرد و باید بدانید که مدیریت شهری دارای ۲۵ سؤال است.<sup>۵۲</sup>

یکی از حاضرین (۴): در بحث مدیریت شهری یک بحثی که بیشتر در حومه‌ی تهران مطرح است و ممکن است در وسط شهر زیاد مطرح نباشد این است که در بعضی از محلات افرادی هستند که با توجه به تعداد خانوار خود - مثلاً سه خانوار هستند - می‌خواهند محیط خانه را وسیع کنند؛ اما دچار منع قانونی می‌شوند، در حالی که شرع به توسعه‌ی منزل توصیه نموده است. چه راه حلی برای رفع این تضاد دارید؟ از طرفی قانون مدیریت شهری مدرن می‌گوید خانه باید ضد زلزله باشد و فاکتورهای زیادی داشته باشد در حالی که برای مثال ما ۱۰ خانواده هستیم و در کنار هم زندگی می‌کنیم و تصمیم داریم منزل ۲۰۰ متری خود را که فقط ۵۰ متر آن ساخته شده توسعه دهیم؛ اما شهرداری معتقد است که طبق قانون جدید شما باید خانه را به گونه‌ی خاصی توسعه دهید؛ در حالی که هزینه‌های این کار هزینه‌های گزافی خواهد بود و اگر این قوانین

۵۲. یکی از حاضرین (۳): فقط بنده از کسانی که در جلسه شرکت می‌کنند خواهشی دارم؛ یک کتاب راجع به شهر تهران وجود دارد که در دبیرستان تدریس شده و جغرافیای شهر تهران نام دارد. با مطالعه‌ی این کتاب یک چشم‌انداز و آشنایی با شهر تهران بدست می‌آید. اگر دوستان این کتاب را بخوانند به نظر بنده خیلی راحت‌تر می‌توانند روی مسائل اشراف داشته باشند.

**حجت‌الاسلام کشوری:** بله؛ حاج آقا توصیه‌ی خوبی دارند، در مطالعات تکمیلی باید شهر تهران را بشناسید.

یکی از حاضرین (۳): چون کسانی که برنامه‌ریزی می‌کنند باید تقریباً با محیط آشنا باشند.

**حجت‌الاسلام کشوری:** بله؛ حرف فنی و درستی است. شما بحثی دارید بفرمایید.

**آقای محمد قائمی:** وقت رسمی جلسه تمام شده است، دوستانی که سؤال دارند ...

**حجت‌الاسلام کشوری:** وقت جلسه تا زمانی است که دوستان سؤال دارند. اینکه شما می‌گویید وقت تمام است نیز از اشکالات نظام مدرن آدر برگزاری جلسات علمی است. هر وقت افراد جلسه حوصله نداشتند جلسه را تعطیل می‌کنیم. فرمود: و للقلوب ادبار و اقبال؛ (حکمت ۱۹۳ نهج‌البلاغه) اگر حوصله داشتید زیاد بحث می‌کنیم ولی اگر حوصله نداشتید کم بحث می‌کنیم.

*انتقال از متن*

نبود[ من با هزینه‌ی کوچکی می‌توانستم خانه‌ی خود را توسعه دهم. شما در بحث «الگوی پیشرفت اسلامی» راه حلی برای این تضاد دارید؟ آیا قابل تغییر است؟

**حجت‌الاسلام کشوری:** حالا بنده اصلاً راجع به سؤال شما بحث نکرده و مطلب دیگری را عرض می‌کنم. همین شهرداری‌ای که این قوانین سخت‌گیرانه را مطرح کرده و مثلاً می‌گوید: باید مقررات فلان ماده‌ی ساختمان‌سازی را - که مقررات ملی! نیز می‌باشد - رعایت کرده یا فلان کار را انجام دهید، وقتی به مسأله‌ی فروش تراکم<sup>۵۳</sup> می‌رسد هیچ مقاومتی نشان نمی‌دهد؛ می‌خواهم بگویم دوستان وقتی به مسأله‌ی هزینه‌ها می‌رسند تمام این منطق را فراموش می‌کنند؛ درست مانند همان مشکلی که ما در نظام برنامه‌ریزی داریم؛ وقتی به جریان الگوی پیشرفت می‌رسند مقررات‌شان، مقررات است ولی وقتی خودشان هستند و نمی‌توانند هزینه‌های خود را تأمین کنند مقررات را نیز رعایت نمی‌کنند. این خیلی مهم‌تر از بحث شماسست. حرف بنده این است که مقررات آنها تابع نگاه اقتصادی‌شان می‌باشد. داستان بر سر امنیت نیست؛ چون امنیت که یک مسأله بسیار مهم است. داستان بر سر این است که شهر تهران باید ۷۰ درصد بودجه خود را برای حمل و نقل و ترافیک بدهد؛ این هزینه را از کجا تأمین کند؟ باید ریشه‌ی داستان را مشاهده کنید. بنده خیلی باور نمی‌کنم که در بعضی از سخت‌گیری‌های شوراهای شهر و کمیسیون‌های خاص آنها بر سر مجوز دادن‌ها، مسأله امنیت و سلامت مد نظر باشد؛ بلکه مسأله‌ی هزینه‌ها برای آنها مطرح می‌باشد. اگر بتوانیم به تعریف جدیدی از مدیریت شهری برسیم هزینه‌ها کم می‌شود و در اینصورت مشکلات نیز حل می‌شود. لذا خود این مسأله، مسأله‌ی مهمی نمی‌باشد؛ اما هم تجربه‌ی ما این موضوع را نشان می‌دهد و هم به لحاظ عدد و آمار قابل تحلیل است که شهرداری با اینگونه بهانه‌ها می‌خواهد درآمدهای خود را تأمین کند. حالا ان شاءالله این مطالب را بحث خواهیم کرد. بسیار خُب؛ خوشحال شدیم در خدمت‌تان بودیم. ان شاءالله از فردا اصل بحث می‌شویم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد وآله وسلم ﷺ

۵۳. تراکم عبارت است از نسبت مساحت زیربنای ساختمانی (در مجموع طبقات) به کل مساحت زمین مسکونی که به درصد بیان می‌شود. برای تراکم، به عوامل متعددی توجه می‌کنند؛ از جمله شرایط آب و هوایی، ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی ساکنان درآمد خانوار، نرخ رشد جمعیت، بهداشت جمعی و روانی، قیمت زمین و غیره.

تا حدود سال ۱۹۰۰ زن به سختی دارای حقی بود که مرد ناگزیر باشد از روی قانون آن را محترم بدارد. در قرن نوزدهم زنان آفریقا هنوز مانند بردگان و آلات کشاورزی خرید و فروش می‌شدند. در مری‌انگلند شوهر حق داشت زنش را بزند و مادام که زن از زیر کتکش نیمه‌جان بیرون می‌آمد مرد از تعقیب قانون در امان بود. مرد می‌توانست هرشب دنبالش برود اما زن تا هنگامی که مردش او را رها نکرده بود حق چنین کاری را نداشت. اگر زن پول جمع می‌کرد متعلق به شوهرش بود. اگر زن در عروسی مالی به خانه می‌آورد مرد حق خرج آن را داشت اما اینکه زن بتواند در کارخانه و حق رأی و انتخاب داشته باشد هرگز به خاطر هیچ مردی خطور نمی‌کرد.

پس از آن تغییر بزرگ فرا رسید؛ بندگان لطیف دیروز از آزادی و افسون‌های دیگر دم زدند؛ از برابری و محالات دیگر سخن گفتند؛ در و پنجره‌ها را به هم کوفتند؛ جعبه‌های نامه را به هم ریختند ... آنها حواس خود را جمع کردند و راه خود را پیش گرفتند؛ ما دیگر نمی‌توانیم آنها را بزنییم؛ آنها دیگر برای ما غذا نمی‌پزند و حتی نمی‌خواهند شبی در خانه با ما بمانند؛ به جای آنکه از گناهان ما به خشم آیند سرگرم گناهان خویشند؛ آنها نفوس و آراء را درست در زمانی به دست آوردند که مردان یکی را گم کرده و دیگری را فراموش کرده بودند. اکنون آنها سیگار می‌کشند و مشروب می‌خورند و شوهران مغرورشان که وقتی این کارها در انحصارشان بود در خانه نشسته‌اند و مشغول بچه‌داری هستند.

این واژگونی سریع عادات و رسوم محترم و قدیم‌تر از تاریخ مسیحیت را چگونه باید تعلیل کنیم؟ علت عمومی این تغییر، فراوانی و تعدد ماشین‌آلات است؛ آزادی زن از عوارض انقلاب صنعتی است. زیرا انقلاب صنعتی در درجه اول موجب شد که زن نیز صنعتی شود، آن هم تا بدان پایه که بر همه نامعلوم بود و هیچکس خواب آن را هم ندیده بود. زنان، کارگران ارزان‌تری بودند و کارفرمایان آنان را بر مردان سرکش سنگین‌قیمت ترجیح می‌دادند. یک قرن پیش در انگلستان کار پیدا کردن بر مردان دشوار گشت، اما اعلان‌ها از آنان می‌خواست که زنان و کودکان خود را به کارخانه‌ها بفرستند. کارفرمایان باید در اندیشه سود و سهام خود باشند و نباید خاطر خود را با اخلاق و رسوم و حکومت‌ها آشفته سازند. کسانی که ناآگاه برای خانه‌براندازی توطئه کردند کارخانه‌داران وطن‌دوست قرن نوزدهم انگلستان بودند.

... صنعتی شدن زنان طبعاً کار خانگی را از بین برد. هرچه بر ماشین‌ها افزوده شد و فراوانی محصول با روش‌های تازه در به کار انداختن نیرو قیمت‌ها را ارزان‌تر کرد کارخانه‌ها صدها کار خانگی را که به مشاغل زنان تنوع می‌بخشید یکی پس از دیگری از دست آنان گرفتند. مشاغل دیرین زن که مایه‌ی بندگی و اسارتشان بود رفته‌رفته از دستش گرفته شد و کسی به خانه توجه نکرد و زن خود بیکار و ناراضی گشت. بیرون رفتن زن از خانه و پیدا کردن کار در کارخانه به او وجهه و اعتبار می‌بخشید. او می‌خواست تا کاری را که از دستش رفته است باز یابد و می‌دانست که اگر کار نکند طفیلی بی‌معنی خواهد گشت و موجودی تفننی خواهد شد که جز مردان توانگر یا ناقص‌الخلقه به دنبال او نخواهند رفت. او نخستین مزد خود را با همان غرور و خوشحالی گرفت که پسران فراری از مدرسه می‌خواهند با یک کار صنعتی و سیگار روز تعطیل مردی خود را ثابت کنند. زن این بردگی جدید را با وجود و شادی پذیرفت، شادی کسی که سرانجام کاری پیدا کرده و خود را به نحوی سرگرم ساخته است.<sup>۵۴</sup>

۵۴. دورانت، جیمز ویلیام؛ لذت فلسفه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵، صص ۱۵۰-۱۵۲

The smog has become so thick in Beijing that the city's natural light-starved masses have begun flocking to huge digital commercial television screens across the city to observe virtual sunrises.

The futuristic screens installed in the Chinese capital usually advertize tourist destinations, but as the season's first wave of extremely dangerous smog hit - residents donned air masks and left their homes to watch the only place where the sun would hail over the horizon that morning.

Commuters across Beijing found themselves cloaked in a thick, gray haze on Thursday as air pollution monitors issued a severe air warning and ordered the elderly and school children to stay indoors until the quality improved. The air took on an acrid odor, and many of the city's commuters wore industrial strength face masks as they hurried to work.

Virtual sunlight: The LED screen shows the rising sun in Tiananmen Square which is shrouded with heavy smog on January 16, 2014 in Beijing, China. Beijing Municipal Government issued a yellow smog alert this morning

'I couldn't see the tall buildings across the street this morning,' said a traffic coordinator at a busy Beijing intersection who gave only his surname, Zhang. 'The smog has gotten worse in the last two to three years. I often cough, and my nose is always irritated. But what can you do? I drink more water to help my body discharge the toxins.'

The city's air quality is often poor, especially in winter when stagnant weather patterns combine with an increase in coal-burning to exacerbate other forms of pollution and create periods of heavy smog for days at a time.



مه ناشی از آلودگی هوا در بیجینگ چنان غلیظ شده است که توده‌های مردم که از نعمت نور طبیعی بی‌بهره‌اند، برای تماشای طلوع خورشید شروع به گرد هم آمدن در کنار تلویزیون‌های تجاری بسیار بزرگ سطح شهر کرده‌اند. به طور معمول، صفحات پیشرفته تلویزیونی که در پایتخت چین نصب شده‌اند، مکان‌های توریستی را تبلیغ می‌کنند اما با ورود اولین موج بسیار خطرناک از مه آلوده فصل، ساکنان شهر ماسک‌های هوا به صورت زدند و از خانه‌های خود بیرون آمدند تا به تماشای تنها نقطه‌ای که در آن صبح، خورشید از پس افق، با درود، چهره خود را نمایان می‌کند، بروند. در حالی که مانیتورهای گزارش‌کننده آلودگی هوا، در روز پنجشنبه اعلام هشدار جدی برای وضعیت آلودگی هوا نمودند و به سالمندان و نونهالان مدرسه‌ای، تا زمان بهبود وضعیت هوا، دستور ماندن در خانه را اعلام کردند، رفت و آمد کنندگان به



شهر بیجینگ، خود را درون مه خاکستری رنگ غلیظی یافتند. هوا بوی تندی به خود گرفت و بسیاری از عبور و مرور کنندگان همچنان که با شتاب به محل کار خود می‌رفتند، ماسک‌های مقاوم پوشیدند. «من امروز صبح نتوانستم ساختمان‌های بلند در طول خیابان را ببینم» این نقل قول یک مأمور هماهنگی ترافیک در یک تقاطع شلوغ بیجینگ که فقط خود را با نام کوچک زی هانگ معرفی نمود، بود. «وضعیت مه در دو سال گذشته بدتر شده است. من اغلب سرفه می‌کنم و بینی‌ام همواره در اذیت است. اما چه می‌شود کرد؟ بیشتر آب می‌نوشم تا به بدنم کمک کنم که سموم را دفع کند.»

کیفیت هوای شهرها معمولاً ضعیف است، به خصوصی در زمستان و در زمانی که الگوی هوای راکد با افزایش سوخت زغال سنگ ترکیب شده و موجب بدتر شدن آلودگی می‌شوند و دوره‌ی سنگینی از دود و مه غلیظ به وجود می‌آید.



منبع: خبرگزاری دیلی میل به آدرس:

<http://www.dailymail.co.uk/news/article-2540955/Beijing-clouded-smog-way-sunrise-watch-giant-commercial-screens-Tiananmen-Square.html>

## فهرست تفصیلی مطالب

۱. لزوم نمونه‌سازی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی به منظور ارتقا ظرفیت تفاهم حول مفاهیم بنیادین الگوی پیشرفت اسلامی و ایجاد اشتیاق در نخبگان برای پیگیری مباحث بنیادین ..... ۱
- ۱/۱. وجود مفاهیم بنیادین و نظری در مباحث و تحلیل‌های مختلف از جمله تحلیل‌های الگوی پیشرفت اسلامی و ضرورت تسلط افراد بر این مفاهیم به منظور برقراری ارتباط با تحلیل‌های الگو ..... ۱
- ۱/۲. تفکر عمیق بر روی مباحث الگو در پنج‌مرحله؛ لازمه اول مسلط‌شدن افراد به مفاهیم پایه الگوی پیشرفت ..... ۲
- ۱/۳. به کار بردن مفاهیم الگوی پیشرفت در تحلیل موضوعات عینی و نمونه‌سازی با نگاه الگوی پیشرفت به منظور ایجاد شور و اشتیاق در مخاطبین جهت پیگیری مباحث بنیادین؛ لازمه دوم مسلط‌شدن افراد به مفاهیم الگوی پیشرفت ..... ۲
- ۱/۳/۱. هدایت‌بنیان‌بودن اداره‌ی جامعه؛ یکی از مفاهیم بنیادین مطرح در الگوی پیشرفت و ایجاد اشتیاق در مخاطبین برای پیگیری این بحث از طریق تحلیل مدیریت شهری بر پایه هدایت ..... ۳
- ۱/۴. شروع بحث از مفاهیم نظری؛ یکی از اشکالات جامعه‌ی علمی کشور ..... ۴
- ۱/۴/۱. تحلیل یک مسأله عینی و عدم کلی‌گویی و بحث در مورد تمام مسائل عالم؛ یکی از ملاک‌های ارزیابی و ارتقاء نشست‌های علمی ..... ۴
۲. نوشتن برنامه‌ی بهبود برای موضوعات جهت‌ساز توسط نظام برنامه‌ریزی کشور؛ اولین نمونه‌سازی با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم) ..... ۵
- ۲/۱. ناکارآمدی ۷۰ ساله‌ی نظام برنامه‌ریزی کشور در تحقق اهداف توسعه‌ای؛ اولین سخن مطرح در پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم ..... ۵
- ۲/۲. وجود دو نوع نظم در نظام برنامه‌ریزی موجود و لزوم تغییر نظام برنامه‌ریزی مدرن به دلیل بی‌توجهی این نظام به موضوعات جهت‌ساز افراد و عدم برنامه‌ریزی برای تحقق مسائل فطری مردم ..... ۸
- ۲/۲/۱. بی‌توجهی نظام برنامه‌ریزی کشور به مسأله‌ی خانواده؛ نمونه‌ای از بی‌توجهی نظام مدرن به موضوعات جهت‌ساز و فطری افراد ..... ۱۰
- ۲/۲/۲. نوشتن برنامه‌ی بهبود برای موضوعات جهت‌ساز مانند خانواده؛ تصویر مطلوب نظام برنامه‌ریزی کشور ..... ۱۰
- ۲/۲/۲. بی‌توجهی نظام برنامه‌ریزی کشور نسبت مسأله عدالت؛ نمونه‌ای دیگر از غفلت نظام برنامه‌ریزی از موضوعات جهت‌ساز ..... ۱۲
۳. مدیریت شهر به محوریت محلات و تأمین نیازهای چهارگانه‌ی خانواده‌ها در محله؛ دومین نمونه‌سازی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۱۵
- ۳/۱. ناتوانی مدیریت شهری در بهبود بخشیدن موضوعات جهت‌ساز افراد و فراهم‌کردن آسایش و آرامش برای انسان‌ها؛ اشکال مدیریت شهری فعلی و لزوم بازتعریف مدیریت شهری ..... ۱۵
- ۳/۲. مدیریت شهر به محوریت محله و تأمین نیازهای چهارگانه‌ی خانواده در محله؛ تعریف مطلوب مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت ..... ۱۶
- ۳/۳. افزایش تعرف در افراد محله، افزایش رفق و محبت در خانواده؛ دو ثمره مدیریت شهر به محوریت محله ..... ۱۷
- پرسش و پاسخ ..... ۱۹
۱. حفظ محلات خوب فعلی و ترمیم بافت آنها به سمت محله‌شدن با تعریف الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت؛ راه حل حال حاضر برای شروع تغییر در مدل مدیریت شهری ..... ۱۹
۲. تأمین نیازهای افراد در محله؛ راهکار کاهش ترافیک و هزینه‌های حمل و نقل ..... ۲۱
- پیوست شماره ۱ ..... ۲۷
- پیوست شماره ۲ ..... ۲۸





---

## جلسه سوم

---

ارتقا مسأله تربیت؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی  
پیشرفت اسلامی



۸ تیرماه ۱۳۹۵

نشست تبیین مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

عنوان جلسه سوم و تدوین گران: ارتقا مسأله تربیت؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی / ابوالفضل

آریان پور - سجاد حسن زاده

ارائه دهنده ی جلسه: حجت الاسلام و المسلمین علی کشوری

تاریخ جلسه: ۱۳۹۵/۰۴/۰۸

مکان جلسه: تهران - مدرسه علمیه مروی

حاضرین در جلسه: جمعی از طلاب حوزه علمیه مروی و پژوهشگران اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

مشخصات اثر: ۲۶ صفحه رنگی (۲۱\*۲۹,۷) تاریخ انتشار: مردادماه ۱۳۹۵

اجمالی از جلسه: در دو جلسه گذشته مقدمات ورود به بحث مدیریت شهری تبیین گردید؛ گفتیم که یکی از مقدمات ورود به بحث مدیریت شهری، پرهیز از مدیریت تحقیقات غربی در فهم مباحث الگو و تفکر بر روی الگوی پیشرفت در ۵ مرحله می باشد. لازمه دوم نیز لزوم نمونه سازی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی به منظور ارتقا سطح تفاهم با نخبگان و افراد جامعه بود.

جلسه سوم از سلسله جلسات این دوره به تبیین فلسفه مدیریت شهری با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی می پردازد. از منظر مفاهیم نقشه راه پیش از ورود به هر بحثی باید فلسفه گفت و گو راجع به آن بحث را تبیین کنیم؛ البته مراد از فلسفه، معنای مصطلح و امروزی آن نمی باشد، بلکه مراد از فلسفه ارائه تصویری اجمالی و کلی از رشته و بحث مورد نظر می باشد. مطابق با این مقدمه پیش از ورود به مباحث مدیریت شهری باید آرمان و هدف شهر را مشخص کرده و تصویری اجمالی از مدیریت اسلامی شهر ارائه دهیم.

شهر خوب و اسلامی چه کاری انجام می دهد؟ پیش از تبیین این بحث باید دقت کنیم که از منظر مفاهیم نقشه راه هدف اصلی الگوی اداره جامعه پردازش موضوعات جهت ساز و غیر قابل انکار افراد می باشد؛ الگوهای اداره جامعه باید بتوانند نیازهای غیر قابل انکار افراد مانند معیشت، عدالت، امنیت و ... را تأمین کنند.

با توجه به مقدمه فوق و با توجه به اینکه یک شهر دارای مسائل زیادی مانند اقتصاد شهری، امنیت شهری و ... می باشد سؤال این است که آیا مدیریت شهری باید به تمام این مسائل بپردازد؟؟ پاسخ هم مثبت است هم منفی؛ توضیح بیشتر آنکه درست است که تمام موضوعات جهت ساز در یک شهر وجود دارند و باید به آنها پرداخته شود ولی مدیریت شهری نباید تمرکز خود را بر روی تمام این موضوعات قرار دهد؛ بلکه باید بر روی موضوعی متمرکز شود که ریشه ی تمام جهت سازها بوده و در تمام آنها اثر می گذارد.

این موضوع محوری و بنیادین چیست؟ تربیت، جهت سازی است که زیرساخت تمام جهت سازهای دیگر می باشد و اگر مدیریت شهری بر روی این موضوع متمرکز شود دیگر بخش های جامعه می توانند از میوه های تربیت در بخش امنیت، اقتصاد، نفی سبیل، دفاع و ... استفاده کنند. بنابراین فلسفه مدیریت شهری و آرمانی که باید مدیران شهری به دنبال آن باشند فربه کردن امر تربیت است.

ارتقا امر تربیت؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

تدوین گران: ابوالفضل آریان پور - سجاد حسن زاده

تاریخ انتشار: مردادماه ۱۳۹۵

ویراست اول

## فهرست اجمالی مطالب

۱. استفاده از مدیریت تحقیقات مبتنی بر الگوی پیشرفت اسلامی، نمونه‌سازی با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛ دو لازمه مورد نیاز برای ورود به بحث تبیین مفهوم مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی..... ۱
۲. ضرورت تبیین فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی و ترسیم فلسفه‌ای از مدیریت شهری برای مدیران شهرها؛ پیش‌نیاز تبیین مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی..... ۶
۳. ارتقا امر تربیت؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی..... ۷
- پرسش و پاسخ..... ۱۴
۱. تبلیغ و تبیین؛ یکی از اجزاء مهم پروژه‌های اقامه حق و لزوم نظام‌سازی اجتماعی برای تحقق تام حق..... ۱۴
۲. سؤال خوب؛ محور طبقه‌بندی و ارائه مباحث و محور تفاهم با افراد در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی... ۱۸
۳. شهر؛ محل پردازش موضوعات جهت‌ساز ظرفیت‌ساز (موضوعات جهت‌ساز دسته اول)..... ۲۱
۴. حفظ وضعیت فعلی تأمین هرم نیازهای خانوار در محله، نوشتن برنامه بهبود برای تأمین نیازهای خانوار در محله؛ دو اقدام نخستین برای پیگیری مسأله مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی..... ۲۲
- پیوست شماره ۱..... ۲۴

ارتقا امر تربیت؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

تحلیل یک مسئله از سطح مبانی تا سطح کاربردی به منظور تصویرسازی از نظم اجتماعی مطلوب

دعوت از همه مکاتب اسلامی برای حضور در نظام سازی اجتماعی و شناخت عیار کاربردی بودن مفاهیم آن مکتب و رفع اختلافات مکاتب

خروج جامعه از بن بست توسعه گرایی

شناخت فطرت انسان و موضوعات غیر قابل حذف از شخصیت او

تعریف:

فواید:

لوازم:

استفاده از مدل تحقیقات مبتنی بر مفاهیم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (تفکر ۵ مرحله ای بر روی الگوی پیشرفت)

قدرت نمونه سازی بر اساس مفاهیم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

مقدمات:

تبیین مفهوم مدیریت شهری از نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

ارتقا مسئله تربیت

فلسفه (نگاه کلی و هدف کلی شهر)

پرداش موضوعات جهت ساز؛ هدف الگوهای اداره جامعه با نگاه دینی

لزوم توجه به تمام جهت ساز مانند امنیت، معیشت، رفق و ... در یک شهر

عدم نیاز به تمرکز مدیریت شهری بر روی تمام موضوعات جهت ساز و تلاش برای تحقق آنها و لزوم تمرکز بر روی زیرساختی ترین موضوع

تربیت؛ زیرساخت تمام موضوعات جهت ساز - حتی معرفه الامام - و تأثیر گذاری آن بر روی تمام موضوعات جهت ساز

ارتقا امر تربیت؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

سلسله جلسات تبیین «مفهوم مدیریت شهری بر اساس نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» / جلسه سوم / ۸ تیر ۱۳۹۵



**۱. استفاده از مدیریت تحقیقات مبتنی بر الگوی پیشرفت اسلامی، نمونه‌سازی با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛  
دو لازمه مورد نیاز برای ورود به بحث تبیین مفهوم مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی**

**۱/۱. تفکر بر روی  
مباحث الگوی پیشرفت  
اسلامی با استفاده از  
مدیریت تحقیقات مبتنی  
بر الگوی پیشرفت  
اسلامی؛ لازمه اول  
ورود به مباحث  
مدیریت شهری**

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین لا سیما بقیه الله فی الارضین ارواحنا لتراب مقدمه الفداء و عجل الله تعالی فرجه الشریف.

در جلسه اول و دوم دوره تبیین «مدیریت شهری با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» دو مقدمه‌ی حیاتی را خدمت شما عرض کردم که اگر به این دو مقدمه توجه نشود مسأله الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت فهم و هضم نخواهد شد. بیان شد که برای فهم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت باید از مدل‌های فعلی دانش و مدیریت تحقیقات پرهیز کرده و به سمت استفاده از مدیریت تحقیقات با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت رفت؛ یعنی در واقع مسأله مدیریت تحقیقات با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت یک نظریه بخشی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است که این نظریه‌ی بخشی به ما توضیح می‌دهد که چطور مسأله‌ی تحقیقات بر روی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را مدیریت کنیم. درست است که الگوی مدیریت تحقیقات الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت یک نظریه بخشی و یکی از بسته‌های صدگانه‌ی<sup>۱</sup> اولین نقشه راه تولید الگوی اسلامی ایرانی

۱. مجموعه دوستان ما از اواسط دهه هفتاد شمسی، پژوهش‌های خود درباره اداره کشور و الگوهای اداره کشور را با یک سؤال آغاز کردند. اواسط دهه هفتاد شمسی سؤالی برای ما پیش آمده بود مبنی بر اینکه انقلاب اسلامی در آینده با چه آسیب‌هایی روبرو خواهد شد. پس بنابراین اگر دوستان می‌خواهند نقطه آغاز پژوهش‌های منتهی به تدوین اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی را بدانند؛ باید بگوییم که ما بحث‌های علمی خود را از اواسط دهه هفتاد با سؤال آسیب‌شناسی انقلاب آغاز کردیم. حدوداً ۱۵ سال بعد - یعنی در پایان سال ۱۳۹۰ - ذیل نظریه پردازش موضوعات جهت‌ساز -





پیشرفت<sup>۲</sup> می‌باشد؛ اما برای فهم کلّ الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت باید به این نظریه بخشی توجه کرد.

در جلسه اول متذکر شدم که این نوع از مدیریت تحقیقات یک خاصیت دارد و آن هم این است که مسأله فکر کردن بر روی یک موضوع را در مراحل و سطوح مختلف تئوریزه می‌کند. اگر جامعه بر روی مسأله‌ای فکر کند، به صورت طبیعی آن مسأله در جامعه به پذیرش خواهد رسید؛ در واقع مدیریت تحقیقات با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت چگونگی ایجاد تحول در حوزه فکر را تئوریزه کرده است. لذا اگر ما از این الگو استفاده نکنیم، ذهن جامعه درگیر مسأله الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نخواهد شد و به تبع آن مسأله‌ی الگو را نیز هضم نخواهد کرد. این نکته‌ای بود که در جلسه اول عرض کردم.

**۱/۱/۱. ایجاد تحول در حوزه فکر؛ ثمره استفاده از مدیریت تحقیقات مبتنی بر الگوی پیشرفت اسلامی**

همچنین در جلسه دوم محضر دوستان محترم گزارش دادم که؛ برای اینکه به عاقبت کلی‌گویی و انتزاع<sup>۳</sup> دچار نشویم و برای اینکه مخاطب الگو انگیزه جدی برای پیگیری مباحث الگو پیدا کند، بهتر است تفاهم بر روی مسأله الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را از نمونه‌سازی با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت شروع کنیم؛ روز گذشته گزارش دادم که به صورت طبیعی یک انسان کارآمد، یک تئوری کارآمد و یک حرف مشکل‌گشا در دیگران این شوق را ایجاد می‌کند که آن حرف را بررسی کنند. این موضوع برخلاف زمانی است که یک سخنرانی فلسفی کلی زده می‌شود و معدودی از آدم‌ها ممکن است علاقه خاصی به پیگیری آن سخنرانی داشته باشند. وقتی یک ماشین نو و یک تکنولوژی جدید به بازار می‌آید، عوام مردم از آن تکنولوژی و ماشین استفاده می‌کنند، زیرا دارای کارآمدی است؛ اما خواص جامعه بر روی آن فکر کرده و بیان می‌دارند که چند صد محاسبه انجام شده تا این ماشین به وجود آمده است. بنابراین وقتی یک نمونه‌سازی انجام می‌دهیم با کارآمدی این نمونه‌سازی به جامعه - خصوصاً خواص جامعه - می‌فهمانیم که ما محاسبات پیچیده‌ای داشته‌ایم و اگر شما می‌خواهید بر این محاسبات مسلط شوید باید وقت بیشتری بگذارید. این مطلب را دیروز بیان کردم و به دلیل اینکه مسأله‌ی بسیار پراهمیت است در حال تکرار آن هستیم.

**۱/۲. لزوم نمونه‌سازی با نگاه الگوی پیشرفت به منظور ایجاد شوق در افراد برای پیگیری مباحث الگوی پیشرفت و به منظور جلوگیری از کلی‌گویی؛ طرح مباحث انتزاعی؛ لازمه دوم ورود به مباحث مدیریت شهری**

آفت همایش‌ها، نشست‌ها و دوره‌هایی که با مسائل انقلاب اسلامی مرتبط هستند این است که در آنها زیاد کلی‌گویی اتفاق می‌افتد. بنده چند سال قبل یادداشتی نوشتم که این یادداشت پیشنهاداتی را درباره ضرورت بازمهندسی مدل همایش‌هایی که در حوزه فکر اسلامی برگزار می‌شود ارائه می‌داد.<sup>۴</sup> روشی که ما دوره‌ها و نشست‌ها را بر اساس آن برگزار می‌کنیم، باعث فراگیر شدن مراحل

**۱/۲/۱. نمونه‌سازی و ارائه مباحث نظری در قالب کاربرد و تحلیل مسائل؛ راهکار رفع آفت کلی‌گویی و انتزاع از همایش‌های علمی کشور**

که نظریه مادر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است - اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی تدوین شد. این نقشه راه، حاوی ۱۰۰ بسته‌ی بحثی است که حدود ۲۰ بسته از این مباحث، مربوط به حوزه مبانی نظری است. این مباحث به صورت تئوریک توضیح می‌دهند که الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت چیست. یعنی با توجه به اینکه ما بر اساس مفاهیم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت اداره جامعه را هدایت‌بنیان می‌دانیم؛ در این ۲۰ بسته بحث در مورد ابعاد هدایت‌بنیان‌بودن اداره جامعه بحث کرده‌ایم. ۸۰ بسته باقی مانده نیز بر اساس مبنای هدایت نظامات ذهنی - یعنی همان اصلی که در حوزه نظری اثبات کردیم - برای بخش‌های مختلف نظریه‌پردازی کرده‌اند. بنابراین ما در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، با نظریات بخشی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نیز روبرو می‌شویم.

گفت‌وگوی دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با برنامه بحث روز رادیو ایران ۱۳۹۴/۱۲/۲۴

۲. «اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» سندی علمی و کاربردی است که بر اساس مفاهیم آن می‌توان «چرایی، چیستی و چگونگی» تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» را تبیین کرد.

<http://nro-di.blog.ir/1392/04/30> پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه

۳. مباحث ذهنی و به دور از کاربرد

۴. برای مطالعه این یادداشت به این آدرس مراجعه کنید: <http://nro-di.blog.ir/1392/06/24>



انقلاب نخواهد شد. همانطور که بیان کردم حداقل بخش قابل توجهی از نشست‌ها باید به محوریت یک سؤال کاربردی برگزار شود. در آن زمان هر دستگاه فکری‌ای که توانست به آن سؤال جواب دهد باید دعوت شود تا مطالب خود را در آن همایش ارائه دهد. در حال حاضر تقریباً همه افراد می‌توانند به اندازه بیست دقیقه یا یک ساعت و گاهی اوقات نصف روز راجع به مفاهیم اسلامی سخنرانی کنند اما وقتی مسئله به کاربرد می‌رسد و موضوع به سمت نمونه‌سازی‌ها می‌رود، در آن زمان عیار مدعیان آن فکر هم بیشتر واضح می‌شود. بنده واقعاً این مطلب را از سر راه حل عرض می‌کنم و می‌خواهم برای این مسئله یک راه حل ارائه بدهم.

**۱/۲/۲. نمونه‌سازی؛ تنها راه حل گسترش سبک زندگی اسلامی به دلیل وابستگی سبک زندگی به نظام‌سازی اسلامی و ارائه تصویری اجمالی از نظام‌سازی توسط نمونه‌سازی**

مثلاً در جامعه‌ی ما یک دعوا وجود دارد؛ آن دعوا بین فلاسفه‌ی صدرایی<sup>۵</sup> و دوستان حکمت متعالیه<sup>۶</sup> و برخی از مخالفین آنهاست. برخی از مخالفین فلسفه صدرایی همیشه یک سؤال را مطرح می‌کنند که چرا فلسفه صدرایی نمی‌تواند نظام‌سازی اجتماعی کند؟ چرا نمی‌تواند کارآمدی عینی داشته باشد؟<sup>۷</sup> معمولاً عده‌ای از دوستان که از حوزه تفکر فلسفی به بحث ورود پیدا می‌کنند، بیان می‌کنند که خیر؛ این فلسفه، فلسفه توانمندی است. در اینصورت باید مسیر جدیدی را ترسیم کنند و به جای اینکه از توانمندی خود فقط به صورت نظری دفاع کنند، مواردی را که فلسفه‌ی آنها

۵. صدرالدین محمد فرزند ابراهیم، فرزند یحیی قوامی شیرازی، معروف به ملاصدرا و صدرالمآلهین در سال ۹۷۹ق در شیراز متولد شد. پدرش از صاحب‌منصبان و دارای مقام وزارت بود و با استفاده از اساتید خصوصی، علوم رایج زمان را به فرزند خود آموخت. صدرالدین تا ۲۱ سالگی در شیراز ماند و با وش وافر که داشت، دوره کاملی از علوم ادبی، عقلی و شرعی را نزد اساتید برجسته شیراز فراگرفت و آن‌گاه برای تکمیل تحصیل در سال ۱۰۰۰ق به سوی قزوین پایتخت وقت حرکت نمود؛ اما در میان راه در کاشان اقامت گزید، به مدت دو سال از محضر شاه مرتضی پدر ملاحسین فیض کاشانی، و ضیاءالعرفای رازی استفاده کرده و سپس راهی قزوین گردید. ملاصدرا هفت‌بار پیاده به سفر حج رفت و در سفر هفتم، در سال ۱۰۵۰ق چشم از جهان فروبست و در بصره یا نجف به خاک سپرده شد.

جمعی از نویسندگان؛ تاریخ فلسفه اسلامی، قم، نشر مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، ۱۳۹۰ش، ص ۳۰۵-۳۰۷

۶. پایه‌گذار حکمت متعالیه محمد بن ابراهیم معروف به صدرالدین شیرازی یا همان ملاصدرا (متوفای ۱۰۵۰) است. حکمت متعالیه به یک معنا اوج فلسفه اسلامی است که از حیث مبانی، مسائل، دغدغه‌ها بسیار شبیه سایر فلسفه‌های رایج در جهان اسلام به خصوص شیعه است. در عین حال تفاوت‌های قابل توجهی هم با حکمت مشاء و اشراق دارد. صدرالمآلهین شیرازی از فلاسفه دوران صفویه و متعلق به مکتب اصفهان است. شیخ بهاء‌الدین عاملی، میرفندرسکی، میرداماد ملقب به معلم ثالث و شاگردش ملاصدرا از بزرگان فلسفی این مکتب هستند. ملاصدرا با تسلط بر فلسفه‌های عصر خود و آشنایی با کلام اسلامی و نیز گرایش‌های عرفانی موجود توانست مکتبی را پایه‌گذاری کند که به عنصر اصلی فلسفه که همان اقامه برهان و استدلال است پایبند باشد و هم بتواند مسائلی را که تا آن موقع هیچ یک از گرایش‌های عقلی همانند: مکتب مشاء، اشراق، عرفان نظری و کلام نتوانسته بودند به نحو رضایت‌مندی سامان دهند حل نماید. به تعبیر استاد شهید مرتضی مطهری در مکتب ملاصدرا بسیاری از مسائل مورد اختلاف مشاء و اشراق، یا مورد اختلاف فلسفه عرفان و یا مورد اختلاف فلسفه و کلام برای همیشه حل شده است. البته به تصریح ایشان فلسفه صدرالمآلهین نه یک فلسفه التقاطی، بلکه یک نظام خاص فلسفی است.

رک: مطهری، مرتضی؛ آشنایی با علوم اسلامی، منطق، فلسفه، قم، صدرا، بیتا، ص ۱۵۷-۱۵۸

۷. رئیس فرهنگستان علوم اسلامی با بیان اینکه فلسفه اسلامی، دوران مختلفی را گذرانیده است و در هر دورانی به تناسب خود وظیفه اصلی خویش را که درک واقعیت از غیر واقعیت بوده است، انجام داده است؛ به طرح پرسش‌هایی در این باره پرداخت و گفت: در دوران کنونی، پرسش از نحوه حضور فلسفه اسلامی در مهندسی تمدن اسلامی است. به عبارتی؛ فلسفه اسلامی در برپایی تمدن اسلامی چه نقشی را برعهده دارد؟ آیا می‌توان بین فلسفه اسلامی با تولیدات سایر علوم و نیز توسعه علوم دیگر ارتباط و نسبتی برقرار نمود؟ آیا می‌توان از حضور فلسفه اسلامی در سایر علوم در مهندسی تمدن اسلامی سخن گفت؟ آیا فلسفه اسلامی، برای پاسخگویی به نیازمندی‌های عینی اجتماعی که از طریق تولید نرم‌افزار اداره جامعه صورت می‌گیرد، می‌تواند نقش و وظیفه‌ای تحت عنوان پشتیبانی مبانی علوم برعهده گیرد یا خیر؟

مدرس سطح عالی حوزه علمیه قم گفت: فلسفه اسلامی برای حضور در گزاره‌های علوم فرودستی و پشتیبانی تئوریک از علوم انسانی، نیازمند بهره‌گیری از لوازمی است که حکمت صدرایی از آن لوازم به دلیل منطق و روش حاکم بر آن، برخوردار نیست. وی با بیان اینکه حکمت صدرایی، مجموعه‌ای از گزاره‌ها و مسائل هستی‌شناختی است که تحت عنوان احکام موجود بماهو موجود گردآوری شده است، گفت: این گزاره‌ها که در حکم مواد و محتوا هستند از یک منطق و روش حاکم پیروی می‌کنند که از آن به روش تفکر یاد می‌شود که در «منطق ارسطویی» متجلی است. این روش از ابتداء فلسفه، موضوع فلسفه را تحت الشعاع خود قرار داده و با انتزاعی نمودن موضوع فلسفه که همانا موجود بماهو موجود است، رشته اتصال دانش فلسفه را از عینیت قطع می‌کند.

حجت‌الاسلام و المسلمین میرباقری در نشست نقد و بررسی کارآمدی فلسفه اسلامی به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی فرهنگستان علوم اسلامی <http://isaq.ir/vdcfivdtaw6dy.giw.html>



توانسته تحلیل کند به مردم نشان دهند. با این کار بخش قابل توجهی از این دعوها هم ختم به خیر خواهد شد. یا مثلاً دوستان مکتب تفکیک<sup>۸</sup> همیشه از دوستان مکتب صدرایی یک سؤال پرسیده و می‌گویند: شما [طرفداران مکتب صدرایی] حجیت ندارید و مسائل روایی و آیات را در تحلیل‌های خود استفاده نکرده و در تحلیل‌ها، خودبنیاد<sup>۹</sup> هستید و مسائل را با یک نوع خودبنیادی عقلی خاص تحلیل می‌کنید. این سؤال شاید سر جای خود مطرح باشد و حتی یک مقدار بیشتر از شاید هم مطرح باشد، زیرا برخی از ادله‌ای که دوستان تفکیکی مطرح می‌کنند واقعاً قابل دفاع است؛ اما سؤال ما از دوستان تفکیکی این است که بالاخره اسلام می‌تواند نظم اجتماعی جدید تعریف کند یا خیر؟ اگر اسلامی که شما از آن دفاع می‌کنید قدرت نظام‌سازی اجتماعی نداشته باشد، یعنی اگر قرائت شما قدرت نظام‌سازی اجتماعی نداشته باشد، به این معناست که همین افکار خودبنیاد و یا افکار سکولار نظام‌سازی را بر عهده می‌گیرند و اگر نظامات اجتماعی به دست فکری بیفتد آن فکر به دلیل اینکه نظم زندگی را برای مردم تعریف می‌کند بیشترین تأثیر را در زندگی آنها خواهد گذاشت. پس اگر دوستان به سمت نظام‌سازی نروند منزوی خواهند شد. لذا ما همیشه از مکاتب مختلف یک سؤال پرسیده‌ایم. چون همانطور که می‌دانید دعوای بین مکاتب مختلف در حوزه نظری، دعوای پر دامنه‌ای است. حالا این دعوا را باید به چه شکلی مدیریت کرد؟ راه مدیریت این دعوا این است که همه را به نمونه‌سازی دعوت کنیم، این دعوت ما از همه مکاتب است؛ بالاخره دوستان توانمندی‌های فکری داشته و کتاب‌های مفصلی نوشته‌اند. ولی سؤال ما این است که چرا با وجود این ظرفیت‌های فکری، در حوزه نظام‌سازی اجتماعی حضور پیدا نمی‌کنند؟

حالا بنده دو مکتب را در درون جامعه اسلامی مثال زدم؛ هم مکتب تفکیک جزء جریان‌ات اصیل محسوب می‌شود و هم مکتب صدرایی به این شکل است. این دو جریان با یکدیگر اختلاف جدی دارند، البته جریان سومی نیز حتماً وجود دارد که آن هم با این دو جریان اختلاف دارد. مکاتب با همدیگر اختلافاتی دارند، اما ما یک سؤال مشترک از همه آنها داریم؛ چرا به حوزه نظام‌سازی اجتماعی ورود پیدا نمی‌کنید؟ چرا نظم اجتماعی را در اختیار تفکر سکولار قرار می‌دهید؟ با اینکه همه می‌دانیم سبک زندگی اسلامی محصول آن نظم است که انسان‌ها در آن زندگی می‌کنند.<sup>۱۰</sup> سبک زندگی را نمی‌توان با توصیه بهینه کرد، باید کار را ذیل یک جامعه اسلامی - که مهمترین ویژگی جامعه اسلامی این است که نظامات اجتماعی آن حول امام معصوم بازتعریف شده‌اند<sup>۱۱</sup> - جلو

۸. مکتب تفکیک، مکتبی در علوم مذهبی شیعی است که پیروانش بر تفکیک آموزه‌های فلسفی از روش‌های دین‌شناسی تأکید دارند.

۹. Rationalism از ریشه ratio واژه‌ی لاتینی گرفته شده که در لغت به معنای عقل و راسیونالیسم به معنای عقل‌گرایی است. [۱] سراسر تاریخ فلسفه، بحث و بررسی مسأله عقل و تجربه است چون همواره فیلسوفان و متفکران بر آن بوده‌اند تا به تجزیه و تحلیل ابزارهای شناخت آدمی و تعیین حدود آنها، به حل مسائل بنیادین، بیشتر کمک کنند. مثل مسأله اختیار، نفس و بدن و ... که هر گونه کمکی در باب هر یک از این مسائل مستلزم بررسی مسأله عقل و تجربه است. به همین دلیل اغلب مورخان فلسفه، فیلسوفان را به ویژه فیلسوفان قرن‌های هفدهم و هجدهم را در دو گروه عقلی مسلک و تجربی مسلک جای داده‌اند. دکارت، اسپینوزا و لایب نیتس را مصداق‌های قطعی عقل‌گرایی. لاک، بارکلی و هیوم را نمونه‌های بارز تجربه‌گرایی دانسته‌اند. [۲]

خصوصیت بارز مذهب اصالت عقل در این است که صاحبان این مذهب قائلند به اینکه انسان، علاوه بر قوای حسی که مانند حیوانات دیگر دارد، دارای قوه‌ای مخصوص به خویش است به نام عقل، که کار شناسایی را نیز بر عهده دارد. [۳]

[۱] بیات، عبدالرسول و دیگران؛ فرهنگ واژه‌ها، قم، مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۲۷۹

[۲] جی، ایچ. آر. پارکینسن؛ عقل و تجربه از نظر اسپینوزا، ترجمه محمدعلی عبدالهی، قم، انتشارات بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۱۱

[۳] فولکیه، پل؛ ما بعدالطبیعه، ترجمه یحیی مهدوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص

۱۰. به همین دلیل روایت شریف می‌فرماید: الناس بأمرائهم أشبه بمنهر یا بأبائهم؛ شباهت مردم به امراء و حاکمان خودشان از شباهتشان نسبت به پدرانشان بیشتر است.

ابن شعبه الحرانی، تحف العقول، ج دوم، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۷، ص ۲۰۸

۱۱. قال الرضا (ع): إن الامام زمام الدين ونظام المسلمين وصلاح الدنيا وعز المؤمنين.

برد. وقتی سبک زندگی و عمل صالح و اعتقادات و اخلاق انسان‌ها ذیل نظامات اجتماعی شکل می‌گیرد، پس چرا دوستان وارد حوزه نظام‌سازی اجتماعی نمی‌شوند؟ این سؤال جدی است. بنابراین اگر کسی وارد حوزه نظام‌سازی اجتماعی نشد، به این معناست که تأثیرپذیری تفکر خود را بر دیگران محدود کرده و خود او این کار را انجام داده است و دیگری در این امر مقصر نیست. نباید انتظار داشته باشیم برای فهم معارفی که ادعا می‌شود در فلسفه صدرایی راجع به آنها بحث جدی شده، همه مردم اسفار<sup>۱۲</sup> بخوانند تا متوجه شوند، مگر چند نفر حوصله این کار را دارند؟ بالاخره اگر این مطالب معارف هستند باید طریق انتقال آنها را هم بحث کنید. به نظر ما هر مکتب فکری و هر معرفتی اگر می‌خواهد گسترش پیدا کند باید به سمت نظام‌سازی اجتماعی حرکت کند.

حالا، در این نقطه داستان حیاتی نمونه‌سازی‌ها جای خود را نشان خواهد داد؛ نمونه‌سازی یعنی تحلیل یک مسأله از سطح مبنایی تا سطح کاربرد آن. اولین خاصیت این نوع از تحلیل‌ها این است که از نظم اجتماعی مطلوب یک مکتب تصویر می‌سازد، این خاصیت نمونه‌سازی است. بنده دیروز سعی کردم مفصل راجع به نمونه‌سازی صحبت کنم ولی این بخش از حرف بنده باقی ماند. اینطور نیست که شما بگویید مجموعه‌ای وارد نمونه‌سازی شده است و ما نمونه‌سازی‌های آنها در برنامه ششم یا در مدل محرومیت‌زدایی یا در مدیریت شهری را شنیده و بعد تشکری هم از آنها می‌کنیم که بحث خوب یا بدی را مطرح کرده‌اند، دعوی نمونه‌سازی‌ها در این حد نیست. البته اگر کسی نمونه‌سازی کرد حتماً باید جامعه ارزیابی کند که آیا نمونه‌سازی او کامل بوده و یا اشکالاتی بر آن وارد است، این حق محققین است که راجع به آن اظهار نظر کنند. لکن سخن در این است که اگر اصل نمونه‌سازی را فراموش کردیم، دیگر نه می‌توانیم اختلافات فکری بین مکاتب را حل کنیم و نه می‌توانیم تغییر در سبک زندگی را مدیریت کنیم. این، جایگاه رفیع نمونه‌سازی است.

روضه بنده در مورد نمونه‌سازی‌ها روضه‌ی مفصلی است منتهی این روضه را با رعایت اصل مکتب می‌خوانم.<sup>۱۳</sup> هم در ادامه این جلسات و هم در دوره‌های دیگر به صورت مفصل در مورد این نمونه‌سازی‌ها و جایگاه آنها صحبت خواهیم کرد. در یک جمله به نظر من نمونه‌سازی‌ها با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌توانند جامعه ما را از این بن‌بست توسعه‌گرایی که در حال حاضر به آن مبتلا شده است خارج کنند. بن‌بست یعنی اینکه مثلاً در شهر تهران ۳۸ درصد طلاق رخ داده است اما نظام برنامه‌ریزی این امر را معضل نمی‌داند و در عمل آن را انکار می‌کند و یا آن را به مسائل دیگری وابسته می‌کند. مثلاً بیان می‌کند: «ما می‌خواهیم مشکل اشتغال را حل کنیم و در واقع با این کار می‌خواهیم مشکل نهاد خانواده را حل کنیم.» آنها بسیار عوام‌فریبانه وارد بحث می‌شوند و بیان می‌کنند: «وقتی شما در جامعه‌ی خود شغل ندارید، چطور می‌خواهید خانواده را احیا کنید؟ لذا بگذارید اول با ادبیات توسعه شغل ایجاد کنیم.»<sup>۱۴</sup> این حرف را مکرر در جلسات خود

امام رضا علیه السلام فرمودند: امام، زمام و عنان دین است و نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنین به آن وابسته است.

<sup>۱۲</sup> اسفار اربعه مشهورترین کتاب ملاصدرای شیرازی است که سفرهای چهارگانه یا در اصطلاح مسافرت‌های معنوی عرفا برای رسیدن به خدا است.

<sup>۱۳</sup> کلمه مکتب برگرفته از آیه ۱۰۶ سوره مبارکه اسراء است که می‌فرماید: «وَوَرُّنَا قُرْآنًا لِنُقَرِّأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مَكْتَبٍ وَنَرْتَدُّهُ نَتَرِيلاً» (بر وزن قفل) بمعنی تدریج، انتظار و تأتی است؛ یعنی قرآن را بتدریج نازل کردیم تا آن را بر مردم بتدریج و تأتی بخوانی و بر حسب احتیاج و مقتضی آنرا نازل کردیم.

<sup>۱۴</sup> قرشی، علی‌کبری؛ قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱، ج ۶، ص: ۲۶۵

<sup>۱۴</sup> مشکل بیکاری باعث شده است از هر ۵ ازدواج یکی به طلاق منجر شود. با رونق اقتصادی این کار به راحتی امکان‌پذیر است که بیکاری را حذف کنیم.



بیان می‌کنند. ما هم همیشه راجع به این ادعا دو سؤال مطرح کرده‌ایم؛ گفتیم اولاً بگویید در کدام کشور توسعه یافته که در آن شغل ایجاد شده مسأله خانواده حل شده است؟ پیداست شما حتی وقتی برای برخی از اقشار جامعه هم شغل ایجاد می‌کنید، مسأله خانواده با این کار حل نمی‌شود؛ یعنی رابطه مستقیمی بین ایجاد شغل و احیای نهاد خانواده وجود ندارد و در حقیقت این یک مغالطه است که جریان توسعه‌گرا انجام می‌دهد. سؤال دوم ما هم بر روی اصل مسأله شغل است؛ در هیچ کشور توسعه یافته‌ای برای همه مردم شغل ایجاد نشده است و نمونه بارز آن کشور آمریکا است؛ آمریکا توسعه یافته‌ترین کشور دنیا محسوب می‌شود، اما مردم در این کشور حدود ۵۰ میلیون کوپن غذا دریافت می‌کنند.<sup>۱۵</sup> پیداست آنها شغلی ندارند در غیر اینصورت باید بتوانند با یک شغل معمولی دو برابر یا سه برابر از قیمت کوپنی که قیمت آن یک و نیم دلار است غذا تأمین کنند تا نیازی به کوپن غذای یک و نیم دلاری نداشته باشند.<sup>۱۶</sup>

## ۲. ضرورت تبیین فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی و ترسیم فلسفه‌ای از مدیریت شهری برای مدیران شهرها؛ پیش‌نیاز تبیین مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

بحث نمونه‌سازی‌ها را خدمت شما عرض کردم، امروز می‌خواهم باب یک بحث در مورد مدیریت شهری را باز کنم. این موضوع قبلاً در جاهای دیگر و با نگاه‌های دیگر نیز مورد بحث قرار گرفته بود اما در ایران کمتر بحث شده است. آن بحث هم این است که اساساً فلسفه‌ی مدیریت شهری چیست؟ ببینید یک اشکال اساسی در آموزش و پرورش و آموزش‌های دانشگاهی ایران وجود دارد که به نظر بنده تعمدی است. آن اشکال این است که وقتی یک دانشجو به عنوان مثال وارد حوزه پزشکی می‌شود و می‌خواهد در آینده تبدیل به یک طبیب حاذق شود، در سرفصل‌های آموزشی این دانش در ایران، راجع به فلسفه‌ی طب با او صحبت نمی‌کنند.

۲/۱. عدم تبیین فلسفه علوم مختلف مانند طب؛ یکی از ضعف‌های آموزش‌های دانشگاهی در کشور ایران

البته بنده از کلمه فلسفه با اکراه استفاده می‌کنم؛ وقتی راجع به موضوعی از کلمه فلسفه استفاده می‌شود، در گام اول و قبل از اینکه وارد جزئیات آن موضوع شوید باید کلیات و وحدت موضوع برای شما شرح داده شود.<sup>۱۷</sup> مراد ما از کلمه فلسفه این است که می‌خواهیم کلیتی از مسأله را برای شما

۲/۲. لزوم تبیین فلسفه مدیریت شهری (ارائه تصویری اجمالی از آرمان‌های یک شهر) پیش از ورود به مبحث مدیریت شهری

دکتر حسین روحانی در برنامه "با دوربین" به نقل از خبرگزاری تسنیم <http://www.tasnimnews.com/fa/news/1392/03/07/65595>

15. A record 47 million Americans receive food stamps

۴۷ میلیون آمریکایی کوپن غذا دریافت می‌کنند.

وسایت واشینگتن تایمز <http://www.washingtontimes.com/news/2014/jan/7/obamas-rhetoric-on-fighting-poverty-doesnt-match-h/?page=all>

۱۶. برخی فکر می‌کند که این کوپن غذا همان یارانه است. در حالی که یارانه‌ای که در ایران داده می‌شود، به کسانی که درآمد هم داشته باشند داده می‌شود؛ اما کوپن غذا معنای یارانه نمی‌دهد؛ مقدار آن یک و نیم دلار است که بر روی آن هم نوشته شده: با این کوپن تنقلات و شراب و سیگار هم نمی‌توان خرید. این کوپن فقط به میزان دو وعده غذایی برای جلوگیری از مرگ و میر آمریکایی‌هاست. داستان کوپن غذا در آمریکا داستانی است که اگر بررسی شود فقر مطلق را در حدود ۵۰ میلیون نفر در آمریکا به ما یادآوری می‌کند.

انتقال از متن

۱۷. بنده نمی‌خواهم از کلمه فلسفه‌ی طب بحث فلسفه‌های مضاف که امروزه مطرح است را قصد کنم. بالاخره در حوزه‌ی تحول در علوم انسانی مدلی وجود دارد تحت این عنوان که یک فلسفه‌ی مادر داریم و از آن فلسفه‌ی مادر باید به سمت فلسفه‌های بخشی برویم. به عنوان مثال اگر مفاهیم فلسفه صدایی کارآمد باشد بعدها باید فلسفه تکنولوژی بدهد. البته حضرت آیت‌الله جوادی آملی در یک سخنرانی اعلام کردند که اساساً این موارد جزء وظیفه فلسفه نیست، ایشان هم که آدم ملّایی در فلسفه هستند فرمودند: «فلسفه به حوزه‌ی کاربرد ورود پیدا نمی‌کند و آن حکمت عملی متعالیه است که وظیفه دارد ورود پیدا کند، حکمت نظری چنین کارکردی ندارد.» اما برخی از محققین در این رأی با حضرت آیت‌الله جوادی آملی اختلاف نظر دارند و بیان می‌کنند که ما در حوزه‌های مختلف به سمت فلسفه‌های مضاف خواهیم رفت. بنده می‌خواهم تأکید کنم که - اکراه بنده هم به دلیل ایجاد یکسان‌نگاری است - وقتی کلمه فلسفه را استفاده می‌کنم، مراد ما این نیست که بحث فلسفه‌ی مضاف به معنایی که دوستان بیان می‌کنند را بگوییم.

انتقال از متن



گزارش داده و روح مسأله را با مخاطب خود در میان بگذاریم. به عنوان مثال باید بحث کنیم که فلسفه مدیریت شهری چیست. اما در دوره‌های تحصیلی ایران به این شکل نیست؛ به عنوان مثال مدیریت تکنولوژی<sup>۱۸</sup> را می‌خوانند اما راجع به فلسفه تکنولوژی بحثی نمی‌کنند، یا خیلی کم رنگ بحث می‌شود. به همین دلیل برای افراد افقی ایجاد نمی‌گردد تا بتوانند آن رشته را متحول کنند. در واقع همواره در رشته‌های علمی مختلف یک تصویر کلی به تکنیک‌ها تبدیل می‌شود ولی وقتی ما از فلسفه به این معنایی که بنده عرض کردم - صحبت نمی‌کنیم شخص تصویری کلی از رشته‌ای که در آن متخصص است ندارد و لذا دیگران آن رشته علمی را مدیریت می‌کنند. به نظر بنده در ایران این کار به عمد اتفاق افتاده است؛ به عنوان مثال طیب ما شاید اصلاً درباره فلسفه طب بحث نکرده باشد، یا اینکه اصلاً نمی‌داند و یا به اندازه دو واحد درسی اطلاع دارد. کسی که تکنولوژی را مطالعه می‌کند ذهنش بیشتر در مسائل تکنیک و مفاهیم تکنولوژی درگیر است؛ اما راجع به کلیت این مسأله که جایگاه تکنولوژی در زندگی چیست، بحث نمی‌کند.<sup>۱۹</sup> لذا ما نه به سمت مسأله‌ی فلسفه‌ی مضاف حرکت می‌کنیم و نه می‌خواهیم مسأله را خیلی فریه کنیم؛ بلکه می‌خواهیم تصویری اجمالی ارائه دهیم تا وقتی کلمه فلسفه مدیریت شهری را استفاده می‌کنیم مقداری راجع به وحدت آرمان‌های یک شهر و مدیر شهری صحبت کرده باشیم.<sup>۲۰</sup>

### ۳. ارتقا امر تربیت؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

۳/۱. معرفی پردازش تام موضوعات غیر قابل حذف از شخصیت بشر مانند مسأله رفق به عنوان هدف اصلی الگوی اداره‌ی جامعه با نگاه دینی؛ مقدمه تبیین فلسفه مدیریت شهری

حالا با توجه به توضیحات مختصری که عرض کردم سؤال بنده این است که مدیران شهری ما شهر را چه چیزی تعریف می‌کنند؟ هدف از مدیریت شهری و فلسفه مدیریت شهری چیست؟ این بحثی است که باید به آن پردازیم. برای فهم این بحث ابتدا باید به مقدمه‌ای توجه کنید. اساساً از منظر مفاهیم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، هدف اداره کردن - اداره به مفهوم عام خود - این

۱۸. مدیریت تکنولوژی تخصصی میان رشته‌ای است که علوم پایه، مهندسی، علوم انسانی و دانش و روش‌های مدیریت را یکپارچه می‌کند و بر تکنولوژی به عنوان عامل خلق ثروت توجه می‌شود. در تعریفی دیگر مدیریت تکنولوژی به مفهوم مدیریت سیستم‌هایی است که به ایجاد، کسب و استفاده از تکنولوژی کمک می‌کنند.

۱۹. منتهی همین جریانی که اجازه نمی‌دهد در ایران مباحث مرتبط با فلسفه طب، فلسفه تکنولوژی و فلسفه مدیریت فریه شود وقتی به علم دینی می‌رسد بیان می‌کند که ابتدا باید بحث کنیم که فلسفه‌ی دین چیست. بحث‌های زیادی را راجع به فلسفه دین مطرح می‌کنند و در نهایت نیز به موضوع انتظار بشر از دین می‌رسند. بنده به خاطر دارم که در سال‌های دوران پژوهش و دوران طلبگی بسیار سعی می‌کردند که این مسائل را در ذهن ما جایبندازند؛ مثلاً وقتی یک جمع روشنفکری یا کسی که دو ساعت یا دو روز قبل در یک جمع روشنفکری شرکت کرده بود به ما می‌رسید می‌گفت: حاج آقا! انتظار بشر از دین چیست؟ این سؤال را در حالی می‌پرسند که دین آمده است تا انتظارات بشر را بازتعریف کرده و بگوید: انتظارات شما نباید محدود باشد، این اصل دین است؛ وقتی کسی با مکانیزم دینی ارتباط برقرار می‌کند اولین اتفاقی که در او رخ می‌دهد این است که انتظارات او ارتقا پیدا می‌کند؛ انتظارات او از حیات ۶۰ یا ۷۰ ساله‌ی دنیا به انتظارات ابدی ارتقا می‌یابد. کارکرد دین، تغییر انتظارات است؛ اما آنها دست پیش گرفته و در مباحث فلسفه‌ی دین می‌گفتند: انتظار بشر از دین چیست؟ یعنی دقیقاً می‌خواستند هدف اصلی دین را با این عنوان بحثی بازتعریف کنند. الآن در حوزه‌های علمیه نیز بابت تحت عنوان فلسفه‌ی اصول فقه باز شده است. یکی از حضرات آقایان نیز کتابی نوشته و چنده جلد راجع به فلسفه اصول فقه بحث کرده است. بنده عرض کردم که با طرح این مباحث می‌خواهم در ذهن شما حاضرین مایز ایجاد کنم؛ وقتی شما ۳۰ جلد راجع به فلسفه‌ی اصول فقه کتاب می‌نویسید، چند جلد راجع به خود اصول فقه بحث می‌کنید؟! گاهی اوقات بحث از فلسفه‌ی یک موضوع جای خود آن موضوع را می‌گیرد. به نظر بنده اینها اشکالاتی است که در مسأله وجود دارد.

انتقال از متن

۲۰. البته خوب است که این مطلب را در مجامع بحثی پیگیری کنید؛ ما در بخش صنعت یک الگوی تخصیص صنعت ارائه داده‌یم که شامل سه محور می‌شود. یکی از این محورها، بحث مدیریت تکنولوژی است. اولین بحث ما در مدیریت تکنولوژی این است که مسأله فلسفه صنعت و تکنولوژی را بر سایر مباحث، حاکم کرده‌ایم و لذا به اصطلاح رکیک TRL و مدل دیگری برای پردازش تکنولوژی و تخصیص صنعت به دست آمده است. مسأله فلسفه، مسأله بسیار مهمی است و شما با همین نگاه می‌توانید همه‌چیز را بازتعریف کنید.

انتقال از متن



است که موضوعات غیر قابل حذف از شخصیت بشر را پردازش کند، این هدف اصلی الگوی اداره جامعه با نگاه دینی است.

توضیح بیشتر مطلب آنکه بشر بر اساس فطرتی خلق شده است؛ یعنی خدای متعال چند میلیارد انسانی را که در این دوره از حیات خاکی خلق کرده بر اساس ضوابط ثابت و فطرت خاص خلق نموده است. در آیه شریفه می‌فرماید: «فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»<sup>۲۱</sup> فطر در اینجا به معنای خَلَقَ است؛<sup>۲۲</sup> خدای متعال انسان‌ها را بر اساس قواعد خاصی خلق کرده است و در فطرت انسان، نوع خاصی از خلقت و ویژگی‌ها به ودیعه نهاده شده است. تفاوتی هم نمی‌کند که شما در دوره حضرت آدم علیه السلام یا در دوره نورانی و غیر قابل تکرار مدیریت پیامبر رحمة للعالمین صلی الله علیه و آله یا در زمان غیر قابل تصور - از حیث رفاه و آسایش - ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف متولد شوید؛ در هر دوره‌ای از تاریخ که متولد شوید در فطرت شما مسأله رفق و محبت به ودیعه گذاشته شده است. به عنوان مثال مادرها در زمان حضرت آدم علیه السلام و در دوره پیامبر رحمة للعالمین صلی الله علیه و آله به فرزندان خود محبت می‌کردند، در دوره‌ی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هم همین کار را می‌کنند، زیرا مسأله رفق و محبت تابع زمان نیست و فطرت بشر مطابق با مسأله رفق است. شما می‌توانید صد مسأله از این نوع موضوعات را بشمارید که زمان، آنها را تغییر نمی‌دهد. حالا اگر کسی توصیه‌ای راجع به این بخش از فطرت بشر می‌دهد - بنده این بحث را داخل پرنانتر عرض می‌کنم - مثلاً باید بگوید چگونه رفق را فربه کنیم. در روایات ما توصیه شده است که شما از طریق مودت رفق<sup>۲۳</sup> کنید.<sup>۲۴</sup> حالا بحث بنده این است که چون مسأله رفق یک مسأله فطری است، این توصیه در

۲۱. فَأَقْرَوَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيُّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ / آیه ۳۰ سوره مبارکه روم پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

۲۲. در قرآن لغت فطرت در مورد انسان و رابطه او با دین آمده است: فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا یعنی آن گونه‌ی خاص آفرینش که ما به انسان داده‌ایم؛ یعنی انسان به گونه‌ای خاص آفریده شده است. این کلمه‌ای که امروز می‌گویند ویژگی‌های انسان، اگر ما برای انسان یک سلسله ویژگی‌ها در اصل خلقت قائل باشیم، مفهوم فطرت را می‌دهد. فطرت انسان یعنی ویژگی‌هایی در اصل خلقت و آفرینش انسان.

مطهری، مرتضی؛ تهران، انتشارات صدرا، فطرت، ص ۱۹

۲۳. البته در روایات کلمه مودت ذکر نشده است ولی همواره توصیه‌هایی که اهل بیت علیهم السلام به زوجین کرده‌اند ناظر به انجام یک عمل می‌باشد نه صرف بیان محبت. به عنوان مثال:

وقال صلی الله علیه و آله: خير الرجال من امتي الذين لا يتطاولون على اهل بيته ويحنون عليهم ولا يظلمونهم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: بهترین مردان امت من، آن کسانی هستند که نسبت به خانواده خود خشن و متکبر نباشند و بر آنان ترحم و نوازش کنند و به آنان آزار نرسانند.

طبرسی، رضی‌الدین؛ مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۱۶

ومن كتاب نوادر الحكمة، عن ابن عباس رضي الله عنه قال: قال النبي صلی الله علیه و آله: من دخل السوق فاشترى تحفة فحملها الى عياله كان كحامل صدقة الى قوم محايج وليبدا بالاناث قبل الذكور فان من فرح ابنته فكأنما اعتق رقبة من ولد اسماعيل ومن اقر عين ابن فكا كما يبكي من خشية الله ومن بكي من خشية الله ادخله الله جنات النعير

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس به بازار رود و هدیه‌ای برای خانواده‌اش بخرد و ببرد، [پاداش او] مانند کسی است که برای نیازمندان صدقه می‌برد. او هنگامی که هدیه را به خانه می‌برد، باید، قبل از پسران، به دختران بدهد، زیرا کسی که دخترش را شادمان کند، مانند کسی است که یک بنده از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده است و هر کس [با دادن هدیه‌ای] چشم پسری را روشن کند، گویا از ترس خدا گریسته است و هر کس از ترس خدا بگرید، خداوند او را داخل نعمت‌های بهشت کند.

طبرسی، رضی‌الدین؛ مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۲۱

عن ابن ابراهيم، عن ابيه، عن ابن ابي عمير، عن سيف بن عميرة، عن أبي حمزة قال: قال علي بن الحسين علیه السلام: لان ادخل السوق ومعي درهم ابتاع به لحما لعيالي وقد قرمواليه احب الي من ان اعتق نسمة



هزارسال پیش کاربرد داشته، الآن و در عصر تمدن منحنی مدرنیته کاربرد دارد و در دوره ظهور حضرت ولی عصر نیز کاربرد خواهد داشت. همه ابعاد دین اسلام راجع به بخش‌هایی از فطرت صحبت کرده است، پس دین اسلام در تمام دوره‌ها کاربرد دارد. این چه حرفی است که برخی از عوام راه انداخته‌اند؟ بنده اخیراً دیده‌ایم در فضای مجازی نیز به این موضوع پرداخته و می‌گویند: «ما [هنگام بحث از احکام اسلامی] داریم به مسائل ۱۴۰۰ سال پیش می‌پردازیم.» مگر توصیه‌های ناظر به فطرت زمان‌بردار هستند؟ حداقل این بخش از مسائل - که بنده نمونه‌ای از آن را ذکر کردم - در هیچ دوره‌ای تغییر نمی‌کند. حالا نگاه ما مقداری حداکثری‌تر است و می‌گوییم: هیچ چیزی از این مسائل تغییر نمی‌کند.<sup>۲۶</sup>

عرض بنده این است که الگوی اداره جامعه باید بتواند موضوعات غیر قابل حذف از شخصیت بشر را تأمین کرده و این مسائل را مدیریت کند. حالا یکی از این مسائل، مسأله ی رفق است و ده‌ها مسأله‌ی دیگر نیز وجود دارد. اگر یک الگوی حکومتی و یک الگوی اداره جامعه فقط بخشی از جهت‌سازها را پردازش کند در اینصورت بخش دیگری از پردازش‌ها به چالش کشیده خواهد شد.

**۳/۱/۱. غفلت از برخی موضوعات غیر قابل حذف از شخصیت؛ اشکال اصلی توسعه غربی**

تعبیر نقشه راه ما دقیق است؛ ما تعبیر موضوعات غیر قابل حذف از شخصیت را به کار بردیم. ما می‌گوییم: برخی از موضوعات، غیر قابل حذف از شخصیت بشر هستند<sup>۲۸</sup> و نمی‌توان بشر را از این موضوعات جدا کرد. مثلاً هیچ بشری بر روی کره زمین وجود ندارد که به معیشت خود فکر نکند، همچنین هیچ بشری به لحاظ فطری وجود ندارد که آرامش او به صورت فردی تأمین شود. وقتی کتاب خدا و ادبیات وحی می‌گوید ازدواج موجب سکینه است،<sup>۲۹</sup> یعنی خلقت انسان به شکلی است که باید با جنس مخالف خود خو گرفته و خانواده تشکیل دهد. اینها فطرت هستند و ما نمی‌توانیم بگوییم کشورهای اسکاندیناوی کشورهای پیشرفته‌ای هستند اما وقتی بررسی می‌کنیم، بیشترین

امام سجاد علیه السلام فرمودند: برای من به بازار رفتن و خرید یک درهم گوشت برای خانواده‌ام که میل به گوشت دارند، از بنده آزاد کردن دوست داشتنی‌تر است.

کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، انتشارات اسلامی، ج ۴، ص ۱۲، ح ۱۰

**۲۴.** قبلاً در دوره‌های بحثی این بحث را تبیین کرده‌ام که در خانواده‌ی روایات کلماتی که با مسأله رفق مرتبط هستند، کلمات متفاوتی می‌باشند؛ آدر روایات [کلمه رفق، محبت، مودت و ... را داریم که کلمات مختلفی بوده و همه آنها بیان‌کننده‌ی مفهوم رفق و محبت هستند. حالا در روایات ما توصیه شده است که به همسر خود مودت کنید. مودت چیست؟ مودت، رفق همراه با یک کار عملی است؛ یعنی وقتی شما به همسر خود می‌گویید من به شما علاقه‌مند هستم - که امام علیه السلام فرمود: وقتی مردمی به همسر خود می‌گویند من به تو علاقه‌مندم، این ابراز علاقه تا زمانی که همسر زنده است در قلب او می‌ماند - هرچند این کار اثر بسیار بالایی دارد ولی شامل مودت نمی‌باشد؛ بلکه تنها محبت و رفق زبانی است. برخی از آقایان فقط این سطح از رفق را انجام می‌دهند و آخرین حد رفق و محبت آنها به خانواده‌شان، رفق و محبت بیانی است، یعنی انسان‌های خوش‌زبانی هستند. البته این مقام بالایی است که انسان در محل خانواده‌ی خود خوش‌زبان باشد و ان‌شاءالله خدا این نعمت را به همه‌ی ما اعطا کند ولی با این وجود اسلام توصیه کرده است که به همسر خود مودت کنید؛ یعنی مثلاً هدیه‌ای برای او تهیه کنید. این توصیه‌ای راجع به نحوه‌ی مدیریت مسأله رفق است.

انتقال از متن

**۲۶.** در این صورت ما معنای مقتضیات زمان - که برخی از بزرگان ما مطرح کرده‌اند - را به معنای نظام مقایسه گرفته‌ایم. یکی از مسائلی که بنده شاید نزدیک به دو دهه بر روی آن فکر کرده‌ام این است که بالاخره جمع بین مقتضیات زمان و فطری بودن دین چیست؟ آخرین جمع‌بندی خود را در قالب الگوی نظام‌سازی ارائه داده‌ام. مقتضیات زمان، بافت نظام مقایسه‌ها را تغییر می‌دهد نه بافت استنباط‌های پژوهشی را. اینها را بعداً شرح خواهیم داد.

انتقال از متن

**۲۸.** البته بعداً بحث خواهیم کرد که شخصیت، فعلیت فطرت است. حالا نمی‌خواهم وارد این بحث شوم.

انتقال از متن

**۲۹.** وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَمِدُونَ / آیه ۲۱ سوره مبارکه روم و از نشانه‌های او اینکه از انواع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد آری در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است.





فروپاشی نهاد خانواده در این کشورها اتفاق افتاده است.<sup>۳۰</sup> بحث اصلی ما در الگوی پیشرفت همین است؛ ما می‌گوییم: الگوی توسعه غربی<sup>۳۱</sup> فقط معیشت را برای برخی از افراد آن هم به قیمت له‌شدن بقیه‌ی موضوعات جهت‌ساز و نادیده‌گرفتن باقی موضوعات غیر قابل حذف از شخصیت پردازش می‌کند و این، مشکل اصلی توسعه غربی است؛ توسعه غربی در بهترین وضعیت مسأله‌ی معیشت را برای برخی از افراد پردازش می‌کند. جالب‌تر این است که این موضوع نیز برای تمام افراد اتفاق نمی‌افتد و فاصله طبقاتی نیز غوغا می‌کند. همچنین کسانی که در کشورهای غربی مشکل معیشت ندارند، دچار مشکل خانواده هستند، یعنی مشکل دیگری غیر از معیشت دارند. پس این اصل اول را به خاطر بسپارید که وقتی ما راجع به اداره جامعه صحبت می‌کنیم، حرف اصلی در اداره جامعه باید این باشد که آیا این الگوی اداره جامعه می‌تواند تمام موضوعات غیر قابل حذف از شخصیت را برای فرد بهبود ببخشد یا نه؟ این سؤال اصلی در کل الگوی اداره جامعه است. موضوعات غیر قابل حذف از شخصیت نیز زیاد هستند، موضوعات جهت‌ساز زیادی وجود دارد که باید همه‌ی آنها را پردازش کنیم تا شخصیت، به حد قابل قبولی از تعادل روحی، اجتماعی، فردی و خانوادگی دست پیدا کند.

از اینجا به بعد فلسفه‌ی مدیریت شهری شکل می‌گیرد؛ مدیریت شهری به عنوان بخشی از الگوی اداره جامعه، خدمات خود را بر روی چه موضوع جهت‌ساز و چه موضوع غیر قابل حذف از شخصیتی متمرکز می‌کند؟ این سؤالی است که باید به آن جواب دهیم. برخی گفته‌اند: یک شهر اقتصاد دارد، الان در رشته‌های دانشگاهی مسأله اقتصاد شهری یک گرایش است.<sup>۳۲</sup> در یک شهر امنیت وجود

۳/۲. ارتقا امر تربیت به عنوان زیرساخت تمام موضوعات جهت‌ساز مانند اقتصاد و امنیت در عوض تمرکز بر روی تک تک موضوعات جهت‌ساز؛ فلسفه و وظیفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

30. Most of the children in Sweden are born out of wedlock and this has been the case since 1993. Since 2000 the share has been at a relatively stable but slightly decreasing level. Even though it is becoming more common for children to be born out of wedlock in the rest of Europe, Sweden still takes the lead. In 2013, 54.4 percent of the children were born to an unmarried mother, compared to the EU average of roughly 40 percent. If we look at those children who are the first child of both the mother and the father, the share born out of wedlock is even higher at over 60 percent.

در سوئد بیشتر کودکان در محیط خارج از ازدواج متولد می‌شوند و این مسأله از سال ۱۹۹۳ جریان داشته است و از سال ۲۰۰۰ این موضوع ثبات داشته اما کمی با کاهش روبرو بوده است. تولد فرزندان در خارج از محیط ازدواج در باقی کشورهای اروپا نیز جریان دارد اما کشور سوئد از باقی کشورها سبقت گرفته است. در سال ۲۰۱۳ میانگین کودکان متولد شده از مادران مجرد در اتحادیه اروپا ۴۰ درصد بود در حالی که این آمار در سوئد به ۵۴/۴ درصد رسیده بود. البته اگر ما نخستین فرزندان که از پدر و مادر متولد می‌شوند را مطالعه کنیم سهم کودکان حاصل از رابطه نامشروع حتی به بیش از ۶۰ درصد می‌رسد.

وبسایت رسمی آمار و اطلاعات اروپا زیر نظر اتحادیه اروپا [http://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php/Marriages\\_and\\_births\\_in\\_Sweden](http://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php/Marriages_and_births_in_Sweden)

۳۱. واژه توسعه (development) از نظر لغوی در زبان انگلیسی، به معنی بسط‌یافتن، درک‌کردن، تکامل و پیشرفت است. گرچه این واژه از قرن ۱۴ میلادی برای توضیح برخی پدیده‌های اجتماعی به کار رفته است، لیکن استفاده وسیع از این واژه به عنوان یک چارچوب تحلیلی برای درک پیشرفت جوامع انسانی، به بعد از ۱۳۲۱ مربوط می‌شود. در آن زمان، این واژه مترادف با نوسازی، رشد، -جنگ جهانی دوم و در دهه‌های ۱۳۱۱ صنعتی‌شدن و برای تعبیرات و اصطلاحات مشابه به کار می‌رفت. اصطلاح "توسعه" به معنای بازسازی جامعه بر اساس اندیشه‌ها و بصیرت‌های تازه است. این اندیشه‌ها و بصیرت‌های تازه در دوران مدرن، شامل سه اندیشه "علم‌باوری"، "انسان‌باوری" و "آینده‌باوری" است. به همین منظور باید برای نیل به توسعه، سه اقدام اساسی درک و هضم اندیشه‌های جدید، تشریح و تفضیل این اندیشه‌ها و ایجاد نهادهای جدید برای تحقق عملی این اندیشه‌ها صورت پذیرد.

برگرفته از: عظیمی، حسین (۱۹۱۱)؛ مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران

۳۲. علم اقتصاد شهری به مطالعه اقتصادی مناطق شهری می‌پردازد. در این رشته، از ابزارهای علم اقتصاد برای تجزیه و تحلیل مسائل مربوط به مکان‌یابی بنگاه‌ها و خانوارها در شهر (کاربری اراضی شهری)، مسکن شهری، ترابری شهری، زیرساخت‌ها و تسهیلات شهری، مالیه شهری و فقر و حاشیه‌نشینی در شهر استفاده می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، علم اقتصاد شهری شاخه‌ای از اقتصاد خرد است که در آن ساختار فضایی شهر و مکان‌گزینی خانوارها و مؤسسات اقتصادی مطالعه می‌شود.

فصلنامه اقتصاد شهر، شماره اول، بهار ۱۳۸۸، ص ۵، بهروز هادی زوز؛ درآمدی بر اقتصاد شهری



دارد و لذا امنیت شهری یک گرایش است.<sup>۳۳</sup> در شهر، مسائل اجتماعی در رأس امور هستند و حتی تفکرات علیل توسعه‌ای نیز به این حرف‌ها رسیده‌اند و می‌گویند: یک شهر خوب، شهری اجتماعی و شهری است که انسان‌ها می‌توانند در آن زندگی بهتری داشته باشند.<sup>۳۴</sup> حال شما شهر را چه می‌دانید؟ آیا قرار است تمام این مسائل در شهر بحث شوند؟ پاسخ الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به این سؤال، هم بله است و هم خیر؛ یعنی ما وقتی وارد حوزه مدیریت شهری می‌شویم قبول داریم که در یک شهر همه چیز وجود دارد، بنابراین از این حیث که در یک شهر تمام موضوعات - اعم از امنیت، اقتصاد، مسائل اجتماعی، مسائل فرهنگی، آموزشی و ... - وجود دارد و باید به همه‌ی این موارد پرداخته شود، پاسخ مثبت است؛ اما مکانیزی که ما برای پرداختن به همه چیز ارائه می‌دهیم، ما را به این نتیجه می‌رساند که در عوض اینکه در همه چیز دخالت کنیم تا به همه چیز برسیم، در مدل شهری مورد نظرمان در یک چیز دخالت می‌کنیم تا به همه چیز برسیم.<sup>۳۵</sup> بنابراین اگر از الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت سؤال شود که شما فلسفه مدیریت شهری را چه می‌دانید؟ آیا شما در شهر، اقتصاد شهری، امنیت شهری و مسائل اجتماعی دارید و به مسائل فرهنگی و آموزشی می‌پردازید؟ آیا در مدیریت شهری پیشنهادی شما، الگوی همه این موارد وجود دارد یا نه؟ پاسخ هم بله است و هم نه. از چه حیث جواب ما به این سؤال مثبت است؟ از این حیث که واقعاً نمی‌توان در یک شهر این مسائل را نادیده گرفت؛ در یک مدیریت شهری خوب تمام مسائلی که عرض کردم حتماً باید دیده شود. ولی چرا گفتیم نه؟ چون ما در نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت برای مدیریت شهری، طریق خاصی داریم و بر روی یک مسأله‌ی خاص تمرکز می‌کنیم که اگر این مسأله‌ی خاص مدیریت شود از طریق توجه ویژه به این موضوع، بخش قابل توجهی از مسائل رتق و فتق شده و برخی از مسائل مانند امنیت کاملاً منتفی یا بسیار کم خواهند شد. این مسأله عبارت است از مسأله تربیت؛ ما از منظر مفاهیم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت فلسفه‌ی مدیریت شهری را ارتقا تربیت می‌دانیم.

اما تربیت چه اکسیری است که اگر به آن پرداخته شود تمام موضوعات تغییر می‌کنند؟ به اصطلاح فنی ما در اولین نقشه راه تولید الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، تربیت زیرساخت تمام جهت‌سازهاست. البته از منظر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، اداره‌ی جامعه به معنای توجه به تمام جهت‌سازهاست. بنابراین درست است که خود مسأله‌ی تربیت، یک جهت‌ساز است؛ اما جهت‌سازی است که به نحو زیرساختی بر تمام جهت‌سازهای دیگر تأثیر دارد؛ یعنی اگر شما در میان مدت و در حدود یک نسل فقط و فقط بر روی مسأله تربیت سرمایه‌گذاری کنید، تمام

۳۳. امنیت شهری، به معنی فراغت از هرگونه تهدید و تعرض به حقوق و آزادی‌های مشروع و قانونی شهروندان در محیط شهری است.

کارگر، بهمن؛ امنیت شهری. تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۳، ص ۲۹

۳۴. پژوهشگر به سند این مطلب دست نیافته است.

۳۵. عذرخواهی می‌کنم که یک مقدار پیچیده شد، بنده قبلاً شاگرد برخی از فلاسفه بوده‌ام و دست خودم نیست. این بیماری از سر بنده بیرون نمی‌رود و گاهی اوقات اینطور می‌شود، سعی می‌کنم ساده‌تر صحبت کنم. هیچ هنری نیست که انسان پیچیده صحبت کند، هیچ هنر نیست. در این شب‌های قدر دعا کنید تا ما شفا پیدا کنیم. پیامبران علیهم‌السلام بسیار خوب بودند؛ بهتر و عمیق‌تر از همه می‌فهمیدند و کلم‌الناس علی قدر عقولهم صحبت می‌کردند. (کلینی، محمدبن یعقوب؛ کافی، انتشارات الاسلامیه، ج ۸، ص ۲۶۸ و ج ۱، ص ۲۳) از یکی از فلاسفه خاطره‌ای نقل شده است و بنده این خاطره را بازگو می‌کنم تا ذائقه‌ی جلسه عوض شود. حاج آقای در جایی سخنرانی کردند و بعداً خودشان گزارش سخنرانی را ارائه کردند. ایشان فرمودند: در ابتدای بحث، بنده و مخاطب می‌فهمیدیم که چه می‌گویم، در اواسط بحث بنده می‌فهمیدم چه می‌گویم ولی مخاطب نمی‌فهمید، در آخر بحث نه بنده می‌فهمیدم چه می‌گویم و نه مخاطب. این به خاطر آن است که ما برای صحبت کردن به سراغ راه‌های انبیاء علیهم‌السلام نمی‌رویم.

موضوعات شهر و غیر شهر متأثر از آن خواهند شد. تربیت به معنای مدیریت دوران شکل‌گیری شخصیت است.

اگر به موضوع تربیت پرداخته شود مسأله‌ی علم، امنیت، اقتصاد و سیاست از این موضوع تأثیر می‌پذیرند. مثال‌های این بحث را در طول دوره عرض خواهیم کرد که چطور وقتی ما راجع به مسأله تربیت بحث می‌کنیم مسأله امنیت تغییر می‌کند، بحث خواهیم کرد که چطور مسائل اجتماعی متأثر از تربیت می‌شوند. بنابراین تربیت زیرساخت همه‌چیز است؛ تربیت به معنای مدیریت دوران شکل‌گیری شخصیت، زیرساخت تمام جهت‌سازها مانند نفی سبیل و معرفه‌الامام است. می‌دانید که در نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت اعظم موضوعات جهت‌ساز، معرفه‌الامام است؛ در معارف ما این مطلب وجود دارد که اگر کسی مقام امام را درک نکند، عامل به هم ریختگی نظم جامعه است. چرا؟ چون «الامامة نظام المسلمین»<sup>۳۶</sup> امامت به معنای موضوعی است که اگر درک شود نظامات اجتماعی، حول امام بازتعریف خواهند شد. با این وجود فهم مقام امامت وابسته به دوره‌ی شکل‌گیری شخصیت است. بنده در واقع تعریض و انتقاد کوچکی می‌کنم به اساتید خودم که دائماً در جامعه در مورد معرفه‌الامام صحبت می‌کنند. اگر راجع به معرفه‌الامام صحبت شود سطحی از معرفه‌الامام در جامعه ایجاد می‌شود و اگر مدیریت دوره‌ی تربیت اتفاق بیفتد سطح دیگری از معرفه‌الامام ایجاد می‌گردد. لذا دوستان ما نیت خوبی دارند و می‌خواهند مقام امام را در جامعه معرفی کنند، چون امامی که مقام او ناشناخته باشد مورد تبعیت قرار نگرفته و نظامات اجتماعی حول او شکل نمی‌گیرند؛ چرا که تبعیت از امام از مجرای هدایت اتفاق می‌افتد. حالا زیرساخت همین معرفه‌الامام - که چنین جایگاه مهمی دارد - چیست؟ دوران شکل‌گیری شخصیت؛ یعنی پدر، مادر، حکومت، مدیریت شهری و ... باید بتوانند این مسائل را جا بیندازند. یکی از این مسائل مرجعیت علمی امام است.<sup>۳۷</sup> الآن ما شعائر را برپا داشته و امیرالمؤمنین علیه السلام را به فرزندان خود معرفی می‌کنیم؛ اما در بسیاری از موارد هنگام معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام ایشان را به عنوان یک شخصیت عابد و زاهد که اهل جهاد بوده معرفی می‌کنیم. به نظر من مهم‌ترین چیزی که در دوران تربیت باید به نسل جوان انتقال پیدا کند، مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام است. اگر مرجعیت علمی امام برای کسی در دوره شکل‌گیری شخصیت جا بیفتد، در تمام طول دوران زندگی خود وقتی برای او مسأله‌ای پیش بیاید به این مرجع علمی رجوع می‌کند و مسیر و سبک زندگی دیگری را پیش می‌گیرد. یکی از لوازم اصلاح سبک زندگی این است که ما مرجعیت علمی امام را در جامعه جا بیندازیم. زمان جا انداختن این مسأله، دوران تربیت است. پس مسأله تربیت بسیار مهم است و پرداختن به این مسأله حتی مسأله معرفه‌الامام و تمام مسائل را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مسأله تربیت مهم است.

به نظر ما هدف اصلی و نقطه ثقل برنامه‌های مدیریت شهری باید ارتقا امر تربیت باشد. شما سؤال می‌کنید شهر اسلامی چه شهری است؟ شهر اسلامی، شهری است که تربیت در آن جدی گرفته می‌شود و تدابیر مدیران آن با شاخص تربیت تنظیم می‌شود. اگر نظریه مدیریت شهری و مدل مدیریت شهری بتواند این مسأله را متحول کند، الگوی اقتصادی - که غیر از مدیریت شهری است - از این تحول استفاده خواهد کرد، الگوی امنیت نیز استفاده خواهد کرد. پس این، جواب بنده به

۳/۲/۱. معرفه‌الامام  
به عنوان اعظم  
موضوعات جهت‌ساز؛  
یکی از موضوعات تحت  
تأثیر امر تربیت

۳۶. این روایت در پاورقی شماره ۱۱ ذکر گردید.

۳۷. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: لِسَامَةِ بْنِ كَهَيْلٍ وَالْحَكْرِ بْنِ عُتَيْبَةَ شَرَفًا وَعَرَبِيًّا فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ

امام باقر علیه السلام به سلمه بن كهيل و حكيم بن عتيبة فرمودند: اگر به شرق و غرب عالم بروید علم صحیحی نمی‌یابید مگر اینکه از نزد ما اهل بیت خارج شده باشد.

کلینی، محمدبن یعقوب؛ الکافی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸ ه.ق، ج ۱، ص ۳۹۹، ح ۳



## پرسش و پاسخ

### ۱. تبلیغ و تبیین؛ یکی از اجزاء مهم پروژه‌ی اقامه حق و لزوم نظام‌سازی اجتماعی برای تحقق نام حق

آقای علیرضا علیزاده: تردیدی در این امر نیست که تربیت افراد یا شکل‌گیری شخصیت آنها و اصلاً سیر هدایت افراد به نظامات اجتماعی وابستگی جدی دارد؛ اما سؤال اینجاست که چرا گاهی اوقات ائمه علیهم‌السلام در پی تشکیل حکومت و نظامات اجتماعی نبودند و در مرحله اول به وسیله تبلیغ [کار خود را به پیش می‌بردند؟] به عنوان مثال شناخت جایگاه و عصمت اهل بیت علیهم‌السلام را به وسیله تبلیغ پیش می‌بردند نه به وسیله ایجاد نظام اجتماعی.

**حجت‌الاسلام کشوری:** به نظر من خود این ادعا مشکوک بوده و محل بحث است، این حرف را شما می‌گویید. سؤال شما این است که اهل بیت علیهم‌السلام اگر چه به دنبال نظم اجتماعی بودند ولی مرجعیت علمی خودشان و سایر مسائل را از طریق تبلیغ جا می‌انداختند؛ به نظر ما این سؤال اصلاً مخدوش می‌باشد و واقعاً اینگونه نبوده است. من آیاتی از قرآن را خواهم خواند که این امر را برای پیامبران علیهم‌السلام ثابت کرده است، ائمه ما که بیش از پیامبران علیهم‌السلام به قرآن عمل نموده و بر اساس آن رفتار می‌کنند، حکم قرآن برای امثال بنده این است که آن را می‌خوانیم تا ثواب ببریم ولی امام به قرآن عمل می‌کند.

حالا ببینید قرآن مدیریت الهی را چگونه توضیح می‌دهد؛ من این مسأله را کمی توضیح بدهم. به عنوان مثال به داستان حضرت موسی علیه‌السلام که در قرآن از حیث‌های مختلف چندین بار تکرار شده توجه کنید؛ وقتی حضرت موسی علیه‌السلام قصد داشتند حرکت خود را شروع کنند نزد فرعون رفتند؛ **أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى**،<sup>۳۸</sup> این آیه از قرآن نخستین مأموریت حضرت موسی را توضیح می‌دهد.<sup>۳۹</sup> حضرت در این بازه از زمان قصد دارند قوم خود را از دست بنی‌اسرائیل خارج کنند. قرآن می‌فرماید حضرت موسی علیه‌السلام نزد فرعون رفت. نکته مهم این است که چه چیزی گفتند؟ من کاری ندارم که با قول لَئِن<sup>۴۰</sup> و ویژگی‌های مختلف بیان صحبت کرده‌اند، سؤال من این است که چه گفتند؟ حضرت موسی علیه‌السلام و برادرش<sup>۴۱</sup> از در وارد شدند و کمی هم خوف داشتند، زیرا می‌خواستند نزد ترامپ،<sup>۴۲</sup> اوباما<sup>۴۳</sup> و کلینتون‌های<sup>۴۴</sup> امروزی بروند. دو برادر با یک عصا عازم دربار فرعون هستند و در راه یا به خدا می‌گویند که می‌ترسیم یا اینکه در درون خود احساس خوف می‌کنند و خداوند به آنها می‌گوید: **لَا تَخَفْ**؛<sup>۴۵</sup>

۳۸. **أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى** / آیه ۱۷ سوره مبارکه نازعات

به سوی فرعون برو که او طغیان کرده است.

۳۹. در قرآن از بخش‌های مختلف زندگی حضرت موسی علیه‌السلام بحث شده است؛ یک بخش از آیات راجع به دوران کودکی حضرت است؛ حضرت موسی علیه‌السلام دوران کودکی عجیبی داشتند. بخش دیگری از آیات به دفاع اولیه‌ی حضرت از کلمه حق در کاخ فرعون مربوط می‌شود که این دفاع منجر به دو حادثه می‌گردد؛ آن دو حادثه این بود که می‌خواستند حضرت را ترور کنند و ایشان نیز از شهر بیرون رفتند. داستان دیگر، داستان ازدواج و عفت حضرت موسی علیه‌السلام می‌باشد؛ در قرآن توضیح داده شده است که حضرت چگونه با دختران شعیب علیهم‌السلام زمانی که نامحرم هستند برخورد می‌کنند. به هر حال داستان‌های زیادی از حضرت موسی علیه‌السلام نقل شده و از جمله‌ی این داستان‌ها آیه‌ای است که برای شما خواندم، حضرت در اینجا وارد مدیریت می‌شوند.

*انتقال از متن*

۴۰. قول لَئِن یعنی قول نرم و با مهربانی

۴۱. حضرت هارون علیه‌السلام

۴۲. دونالد ترامپ تاجر، نویسنده، سیاست‌مدار و شخصیت تلویزیونی آمریکایی و نامزد حزب جمهوری خواه برای ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا است.

۴۳. باراک اوباما چهل و چهارمین رئیس جمهور ایالات متحده از ژانویه ۲۰۰۹ تا ژانویه ۲۰۱۶

۴۴. هیلاری کلینتون سیاست‌مدار آمریکایی و نامزد حزب دموکرات برای ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا در در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ است.

۴۵. **قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ يُرِيدُ أَنْ يَخْرُجَ أَكْرَهًا مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمْ وَأَنْ يَذْهَبَ بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَّى** \* **فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ لَهُ لَأْتُوا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَى** \* **قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوْلَىٰ مِنْ آلِئِي** \* **قَالَ بَلْ أَلْفُوا قَادًا حِبَالُهُمْ وَعِصْبُهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ إِنَّهَا تَسْمَى** \* **فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى** \* **فَلَمَّا لَاحَظَ إِنْكَرًا تَتَّ الْأَعْلَىٰ** / آیات ۶۳ تا ۶۸ سوره مبارکه طه

من با شما هستم نترسید. خداوند از پشتِ صحنه قضیه را مدیریت می‌کند. حضرت موسی علیه السلام و برادرش به دربار فرعون رفته و چه می‌گویند؟ به او می‌گویند: تو بنی اسرائیل را مستضعف کرده‌ای و باید آنها را به ما بدهی! <sup>۴۶</sup> من از شما سؤال می‌کنم که آیا این کار تبلیغ است؟ حضرت موسی علیه السلام همان کاری که در آخر قصد داشتند انجام دهند را در ابتدا بیان نمودند؛ حضرت موسی علیه السلام در اواخر این داستان مبارک قرآنی بنی‌اسرائیل را به شرحی که در آینده بحث می‌کنیم از شهر خارج می‌کنند. خواسته‌ی ایشان این بود که بنی‌اسرائیل را از شهر خارج کنند و فرعون راضی نمی‌شد؛ حضرت مدت‌ها این خواسته را داشتند ولی فرعون در ظاهر موافقت می‌کرد و برجام را امضاء می‌نمود و به حضرت موسی علیه السلام تعهداتی می‌داد ولی چند سال زیر تعهدات خود می‌زد و می‌گفت فلان زمان می‌فرستم و نمی‌فرستاد. حضرت موسی علیه السلام وقتی دیدند برجام و توافقات فرعون اجرایی نمی‌شود و فرعون به عهد خود عمل نمی‌کند خودشان برنامه‌ای را طراحی نموده و بنی‌اسرائیل را از شهر خارج کردند. به بحث خودمان برگردیم؛ حضرت موسی علیه السلام در کاخ فرعون همان کاری که قرار بود در آخر انجام دهند را همان ابتدا به فرعون گفتند. حضرت موسی علیه السلام چه خواسته‌ای از فرعون داشتند؟ آیا این کار ایشان تبلیغ است؟ جالب‌تر اینکه در همان روز اول این درخواست، فرعون قصد داشت با حضرت موسی علیه السلام برخورد کند ولی حضرت معجزه نشان دادند. اولین مباحثی که حقانیت حضرت موسی علیه السلام را اثبات می‌کند معجزات او و ید بیضائشان <sup>۴۷</sup> می‌باشد؛ وگرنه فرعون زمان حضرت موسی علیه السلام جزء متکبرین برتر عالم است و شاید مقام سوم یا چهارم را داشته باشد؛ <sup>۴۸</sup> به همین دلیل حضرت موسی علیه السلام به فرعون معجزه نشان دادند و چند وقت بعد مصوبه‌ی همان جلسه‌ی اول این شد که باید یوم‌الزینة <sup>۴۹</sup> تشکیل گردد؛ زیرا فرعون، حضرت موسی علیه السلام را به ساحر بودن متهم کرد <sup>۵۰</sup> و لذا قرار بود یوم‌الزینة تشکیل شود و ساحران حضور پیدا کنند. لذا من واقعاً متوجه حرف‌های شما نمی‌شوم. درست است که یکی از کارهای مهم انبیاء علیهم السلام و دین، تبیین است - بنده در جلساتی خدمت دوستان این مطلب

[فرعونیان] به ساحران گفتند: قطعاً این دو تن جادوگرند و می‌خواهند شما را با سحر خود از سرزمینتان بیرون کنند، و آیین و سنت مملی شما را که درست‌ترین سنت‌هاست، از بین ببرند. پس هر ترفندی که دارید فراهم آورید، آنگاه استوار و هماهنگ به میدان مبارزه آید. امروز هر که برتری یابد پیروز و خوشبخت می‌شود. روز وعده فرا رسید و همگان حاضر شدند. جادوگران با اطمینان به پیروزی خود گفتند: ای موسی یا تو اول عصای خویش می‌افکنی یا ما نخستین کسی باشیم که ابزار سحر خود می‌افکند. موسی گفت: نه، بلکه شما آنچه دارید بیفکنید. پس ناگهان ریسمان‌ها و چوبدستی‌هایشان بر اثر سحرشان چنین می‌نمود که آنها مارهایی هستند که به سرعت می‌خزند. موسی با مشاهده جادوی بزرگ آنان اندک ترسی احساس کرد، ترسی که تنها در دلش بود. به او گفتیم: مترس که تو قطعاً از هر جهت از آنان برتری.

۴۶. وَقَالَ مُوسَى يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ حَقِيقٌ عَلَىٰ أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكَ بِبَيِّنَاتٍ مِنْ رَبِّكَ فَأَسِرُّ إِلَيْكَ سِرِّي وَإِنِّي مِنَ الْمُرْسَلِينَ / آیات ۱۰۴ و ۱۰۵ سوره مبارکه اعراف

و موسی گفت: ای فرعون، همانا من پیامبری از سوی پروردگار جهان‌ها هستم. تلاش من این است که جز سخن راست و درست به خدا نسبت ندهم و من سزاوار آنم. من برای شما از جانب پروردگارتان دلیلی روشن (معجزه‌های آشکار) بر رسالت خود آورده‌ام، پس ای فرعون، بنی اسرائیل را رها کن تا همراه من رهسپار شوند.

۴۷. دست نورانی؛ یکی از معجزات حضرت موسی علیه السلام این بود که دست خود را در آستین خود برده و وقتی بیرون می‌آوردند دست ایشان نورانی می‌شد. ۴۸. چون طبق روایات فرعون‌های عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از فرعون‌های سایر پیامبران بسیار غلیظ‌تر بودند؛ (تفسیر فخر رازی، ج ۳۲، ص ۲۴) به عنوان مثال تکبر ابوجهل بسیار جدی‌تر از فرعون زمان حضرت موسی علیه السلام بود. [به همین دلیل فرعون در رتبه سوم یا چهارم بود نه رتبه اول].

*انتقال از متن*

۴۹. پس از اینکه حضرت موسی علیه السلام در دربار فرعون معجزه نشان داد فرعون به ایشان گفت: تو سحر کردی و ما هم سحر می‌آوری، پس زمانی را برای مقابله و روبرویی تعیین کن. حضرت موسی علیه السلام نیز روز یوم‌الزینة را تعیین کردند. قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى؛ موسی علیه السلام گفت: وعده‌گاه شما روز جشن باشد، و اینکه همه مردم را پیش از ظهر گرد آورند. (آیه ۵۹ سوره مبارکه طه). تفسیر نمونه در توضیح یوم‌الزینة چنین گفته است:

"تعبیر به «يَوْمُ الزَّيْنَةِ» (روز زینت)، مسلماً اشاره به یک روز عید بوده که نمی‌توانیم دقیقاً آن را تعیین کنیم، ولی مهم آن است که مردم در آن روز کسب و کار خود را تعطیل می‌کردند و طبعاً آماده‌ی شرکت در چنین برنامه‌ای بودند."

*مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۲۸*

۵۰. قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا السَّاحِرُ عَلِيمٌ / آیه ۱۰۹ سوره مبارکه اعراف  
سران قوم فرعون گفتند: قطعاً این [موسی علیه السلام] - جادوگری زبردست و داناست.

را توضیح داده و آیات آن را بیان کرده‌ام - و قرآن می‌فرماید **قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ**؛<sup>۵۱</sup> ولی ما نباید تلقی کنیم که تبیین به معنای تبیین نظری است. حتی در آیات قرآن شریف خود کلمه "تبیین" در مسائل نظری ظهور ندارد؛ خداوند در یکی از آیات می‌فرماید: من قیامت را برپا خواهم کرد تا تبیین شود چه کسی بر حق بوده و چه کسی باطل است؛<sup>۵۲</sup> قیامت برپا کردن که یک کار نظری و استدلال و اندراج صغری در کبری<sup>۵۳</sup> نیست؛ قیامت یک کار عملی است ولی برای آن از کلمه تبیین استفاده شده است. بنابراین اصل حرف شما مخدوش است. وقتی ما وارد تحلیل زندگی ائمه علیهم‌السلام می‌شویم روایات مرتبط به این مباحث را خوانده - حالا بنده داستان حضرت موسی علیه‌السلام را نقل کردم - و اثبات می‌کنیم که ائمه ما نیز اینگونه بودند. باید دقت کنید که تبیین به معنای تبلیغ و کار نظری، جزئی از پروژه اقامه حق می‌باشد و البته دارای جایگاه مهمی است؛ اما اینکه شما یکی از اجزاء مهم پروژه اقامه حق را اصل قرار می‌دهید اشتباه و خطاست.

**آقای علیزاده:** بنده عرض کردم که اهل بیت علیهم‌السلام تبیین می‌کردند تا به نظامات اجتماعی برسند. به عنوان مثال شما زمان امام حسین علیه‌السلام را در نظر بگیرید. مهم‌ترین کاری که حضرت در عمر خود انجام دادند [تبیین جایگاه امامت بود] در آن زمان جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام و عصمت و مرجعیت دینی و علمی آنها مخدوش شده بود و هیچ‌کس ائمه را به عنوان امام مفترض الطاعة نمی‌شناخت و قبول نداشت. یکی از کارهای مهمی که حضرت امام حسین علیه‌السلام از شروع حرکت خود از مدینه به سمت مکه و کربلا انجام می‌دادند تبیین جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام و عصمت و مرجعیت آنها و گوشزد کردن این مطلب به مردم بود. شما چگونه این مطلب را توجیه می‌کنید؟

**حجت‌الاسلام کشوری:** شما خودتان می‌فرمایید که اهل بیت علیهم‌السلام تبیین و گوشزد می‌کردند و بنده این را به عنوان بخشی از کار قبول دارم؛ اما شما حتماً باید توجه کنید که قسمت اول امامت امام حسین علیه‌السلام بر سر عهدی که معاویه با امام حسن علیه‌السلام بسته بود شکل گرفت؛<sup>۵۴</sup> اما امام حسین علیه‌السلام در قسمت دوم امامت خود که راجع به روز عاشورا است با توجه به عدم ظرفیت مردم آن زمان با مدیریت روز عاشورا و حادثه عاشورا در طول تاریخ اقامه‌ی حق کردند. امام هیچگاه در بن بست قرار نمی‌گیرد؛ به دلیل عدم ظرفیت افراد عصر امام حسین علیه‌السلام اقامه حق در سطح اجتماعی مخدوش شد؛ اما حضرت علیه‌السلام از "برنامه‌ی دشمن برای مخدوش کردن اقامه‌ی حق در سطح اجتماعی" استفاده کرده و آن را قسمتی از پازل خود قرار دادند و با شیوه‌ی خاصی با آن درگیر شدند. نتیجه‌ی این کار آن است که همین حالا نیز وقتی ما در عصر قبل از ظهور به صورت اجتماعی اقامه حق

۵۱. لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفصافَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ / آیه ۲۵۶ سوره مبارکه بقره در دین هیچ اجباری نیست؛ زیرا راه هدایت از ضلالت روشن و مشخص شده است، پس هر که به طاغوت [و فرهنگش] کفر بورزد، و به خدا مؤمن گردد، مسلماً به محکم‌ترین دستگیره که گسستنی برای آن نیست چنگ زده و خداوند شنوا و داناست.

۵۲. وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَر النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۵۱﴾ لَيْتَنَّا لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلَفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَأَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ / آیات ۳۸ و ۳۹ سوره مبارکه نحل

با سخت‌ترین سوگندهایشان به خدا سوگند یاد کردند که خدا کسانی را که می‌میرند، بر نمی‌انگیزد!! آری، ابا قدرت بی‌نهایتش برمی‌انگیزد! این وعده حقیقی بر عهده اوست، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند [و به علت نادانی و جهلشان انکار می‌کنند. [یقیناً مردگان را زنده می‌کند] تا حقایقی را که در آن اختلاف می‌کنند، برای آنان روشن سازد. و تا کافران بدانند که همواره [در انکارشان نسبت به زنده شدن مردگان] دروغ می‌گفتند.

۵۳. اندراج صغری در کبری یکی از مباحث منطق صوری می‌باشد. توضیح بیشتر اینکه در منطق صوری برای اثبات حقیقت از روشی به نام قیاس استفاده می‌کنند. قیاس یعنی دو قضیه و جمله را کنار هم قرار داده و به یک نتیجه برسیم. منطقیان نام قضیه اول را صغری و نام قضیه دوم را کبری گذاشته‌اند و اندراج صغری در کبری به معنای ترکیب صغری و کبری و رسیدن به نتیجه می‌باشد. به عنوان مثال: "علی انسان است. هر انسانی روح دارد. پس علی روح دارد." جمله اول یعنی علی انسان است، صغری نام دارد. جمله هر انسانی روح دارد کبری نامیده می‌شود و جمله علی روح دارد حاصل مندرج کردن و ترکیب کردن صغری و کبری می‌باشد.

رجوع شود به: مظفر، محمد رضا؛ المنطق، قم، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ص ۲۴۱ و ۲۴۲، میحث الاقترانی الحملی

۵۴. ۱۱ سال از دوران امامت امام حسین علیه‌السلام در زمان معاویه بوده است.

کرده و زمینه‌سازی ظهور می‌کنیم الهام اصلی خود را از حادثه عاشورا می‌گیریم. امام حسین علیه السلام به دلیل ظرفیت پایین افراد نتوانستند در زمان خودشان اقامه‌ی حق کنند اما این کار را با نسل بعد از خود انجام دادند.<sup>۵۵</sup>

امام حسین علیه السلام بخشی از این پروژه را با امام حسن علیه السلام به صورت مشترک جلو بردند؛ یعنی مؤمنین دائماً به امام حسن علیه السلام توصیه می‌کردند که چون کار سخت شده است ایشان باید عقب‌نشینی کنند - مانند امروزه که مؤمنین ما نزد حضرت آقا رفتند و به ایشان گفتند که با آمریکا کنار بیاید<sup>۵۶</sup> - و امام حسن علیه السلام نیز عقب نشستند و کارهای دیگری انجام دادند؛ اما در نهایت ماهیت حکومت معاویه برای تاریخ رسوا شد؛ لذا حکومت معاویه بلافاصله سلطنتی شد و این بسیار نکته عجیبی است؛ خلفای قبل از معاویه، خلیفه‌ی رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم بودند، یعنی بالأخره با مکانیزی انتخاب می‌شدند؛ اما معاویه همین دیدگاه را نیز زیر پا گذاشت و پسر خود را جانشین کرد و درست مانند قیصرها و پادشاهان ایران عمل نمود. امام حسین و امام حسن علیه السلام پروژه‌ی رسواکردن این جریان نفاق را به گونه‌ای مدیریت کردند که تاریخ فهمید نفاق بدتر از کفر است، حتی در حدی که حاضر نیست به یک بچه‌ی شیرخواره‌ی تشنه رفق کند؛ باطن کفر را بهتر از این نمی‌شد برای جامعه بشری واضح کرد. ما می‌خواستیم بحث نظری کرده و آیه قرآن خوانده و بر سر منبر تبیین کنیم که منافقین بدتر از کفار هستند؛ اما امام حسین علیه السلام صحنه را به گونه‌ای مدیریت کردند که بدتر بودن نفاق از کفر جلوی چشم بشریت قرار گرفت؛ واقعاً انسان وقتی داستان روضه‌ی حضرت علی اصغر علیه السلام را مطالعه نموده و به آن فکر می‌کند با خود می‌گوید: اینها چرا این کار را انجام دادند؟ این افراد چه کسانی بودند و غلطت کفر و کثافات آنها چقدر بالا بود که این حد از رحم را نیز نداشته و اعمال نکردند؟<sup>۵۷</sup> حالا

۵۵. البته حادثه عاشورا سطوح تکوینی هم دارد که تحلیل آن پیچیده است.

انتقال از متن

۵۶. رئیس جمهور محترم دولت یازدهم و وزیر امور خارجه درخواست مذاکره با آمریکا و ۵+۱ را بر سر موضوع هسته‌ای مطرح کرده و گفتند که باید با کدخدا ارتباط داشته باشیم. به عنوان نمونه:

وی در پاسخ به این سؤال که آمریکا ایران را تهدید می‌داند و متقابلاً ایران هم آمریکا را دشمن بزرگ خود فرض می‌کند چطور می‌توان با این وجود به دنبال مذاکره با آمریکا بود خاطر نشان کرد: آمریکا یک ابرقدرت جهانی و ایران یک قدرت منطقه‌ای است روابط این دو کشور در ۳۴ سال گذشته روابط خوبی نبوده چرا که آنها منافعی دارند که با منافع جمهوری اسلامی همخوانی ندارد.

روحانی یادآور شد: ما با آمریکا در مسائل منطقه‌ای و بین المللی اختلاف داریم اما قطعاً دوستی و دشمنی با دنیا دائمی نیست و هر کشوری می‌تواند روابط خود را با دیگران بهتر کند بر همین اساس در روابط خارجی بحث صفر و صد نیست و اگر بتوانیم تهدید را به آسیب و آسیب را به فرصت تبدیل کنیم این بهترین اقدام است البته مذاکره با آمریکا امکان‌پذیر اما سخت است.

وی با بیان این که به نظر من مذاکره با آمریکا راحت‌تر از مذاکره با اروپا است افزود: بسیاری از اروپایی‌ها آقا اجازه می‌خواهند اما آمریکایی‌ها به قول معروف کدخدا هستند پس اگر با کدخدا ببندیم راحت‌تر هستیم تا اینکه به سراغ یک مقام پایین‌تر برویم. حال که رهبر معظم انقلاب در سخنرانی نوروزی اشاره کردند و راه را باز گذاشتند دولت بعدی باید با رعایت خط قرمزهای مد نظر ایشان روابط را از تخاصم به سمت تنش پیش ببرند.

سخنرانی دکتر حسن روحانی در دانشگاه صنعتی شریف در تاریخ ۱۳۹۲/۰۲/۲۳ به نقل از خبرگزاری مهر، کد خبر: ۲۰۵۴۲۱۸

۵۷. لذا جایگاه روضه، ایجاد هدایت نسبت به کفر و نفاق است. دلیل اینکه به ما توصیه شده همیشه روضه بخوانیم این است که در روز عاشورا و با مدیریت امام حسین علیه السلام - کسی غیر از ایشان نمی‌توانست این صحنه را مدیریت کند، تنها یک معصوم قدرت چنین مدیریتی را دارد - به تمام تاریخ نشان داده شد که وقتی امامان شما با کفر و نفاق مقابله می‌کنند به این دلیل است که - مسأله‌ی رفق، مسأله‌ای فطری است و همه آن را می‌فهمند - اگر منافقین بر شما مسلط شوند، به شما رحم نخواهند کرد. امام حسین علیه السلام این مطلب را به گونه‌ای نشان دادند که با تمام اقشار و اصناف قابل تفاهم است. این جزء مسلمات روایات ماست که وقتی حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه ظهور می‌کنند خودشان را به جهانیان اینگونه معرفی می‌کنند که من فرزند امام حسین علیه السلام هستم، امام زمان علیه السلام روضه می‌خوانند! (الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب، ج ۲، ص ۲۳۳) به چه دلیل؟ زیرا با همین مکانیزم روضه‌خوانی [ماهیت کفر و نفاق آشکار می‌گردد]. البته باید این مکانیزم را تحلیل و بحث کنیم؛ قبلاً که ما خیلی متوجه داستان نبودیم می‌گفتیم برادران مداح باید دکترای مداحی بگیرند؛ یعنی باید بدانند که دقیقاً تاریخ را برای زمینه‌سازی ظهور آماده می‌کنند. مداحان، تمام جهان را برای درگیری جهانی با جامعه کفر و نفاق آماده می‌کنند، روضه به این معناست. ولی چون این مطالب مرور نمی‌شود فلان مداح می‌گوید: من قصد دارم امام حسین علیه السلام را مدح نمایم و نمی‌خواهم در امور سیاسی دخالت کنم، این جزء عجائب عالم خلقت است. امام حسین علیه السلام راجع به ماهیت کفر و نفاق با تمام بشریت سخن گفته است، این ماهیت روضه است. اگر مداح و سخنران این داستان را متوجه شوند هنگامی که جلسه‌ای در جایی برگزار می‌شود برای محور جهانی کفر و نفاق زمینه‌سازی می‌کنند.

انتقال از متن



آیا امام حسین علیه السلام تبلیغ - به معنای نظری‌ای که من و شما می‌فهمیم - کردند؟ ایشان در تاریخ اقامه نمودند!<sup>۵۸</sup> با توجه به نکاتی که عرض کردم کار امام حسین علیه السلام در عاشورا، تبلیغ - به معنای نظری مصطلحی که ما متوجه می‌شویم - نیست؛ بلکه تبیین می‌باشد اما به بهترین وجه خود. حالا بعداً باید راجع به اینها گفت‌وگو کنیم. شما با سؤالات خود ما را به فضای دیگری بردید و ما هم به احترام شما پاسخ دادیم.

## ۲. سؤال خوب؛ محور طبقه‌بندی و ارائه مباحث و محور تفاهم با افراد در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

یکی از حاضرین (۱): چند نکته وجود دارد که من آنها را پیشنهاد می‌دهم؛ یکی اینکه شما بحث تقدّم و تأخّر را خوب بیان نمی‌کنید. به عنوان مثال شما بر روی بحث تبلیغ و تبیین بحث می‌کردید؛ ولی فی‌البداهه یا به صورت بدیهی می‌دانیم که همواره برخی از امور نسبت به امور دیگر مقدم هستند. مثلاً بیان یک مطلب، مقدم بر عملیاتی کردن آن است؛ اگر حضرت موسی علیه السلام تربیت نمی‌شدند اصلاً به این مرتبه نمی‌رسیدند. شما این مطالب را بیان می‌کنید؛ اما در کلامتان ظهور ندارد و در نتیجه من مستمع نمی‌توانم این مطلب را خوب درک کنم و خلط مبحث می‌شود.

دومین مسأله این است که خود شما می‌گویید ما باید نمونه‌سازی کنیم؛ اما به سراغ مباحث نظری می‌روید. اگر به صورت ساده بخواهم بگویم: به نظر من اگر نمونه‌ای ما در حکم یک معماری باشد و با جامعیت به مسأله نگاه کنیم خیلی بهتر است. به عنوان مثال تمام موجودات عالم - چه جامد و چه دارای روح - نگاه فلسفی دارند و ممکن است شما این مسأله را پیگیری کرده و متوجه شوید که نگاه معرفت‌شناسی فلان موجود توحیدی است. مثلاً شما در مدرسه مروی درباره مدیریت شهری غرب صحبت می‌کنید ولی شما با بیان اینکه انسان‌شناسی غرب، انسان‌شناسی توحیدی نیست می‌توانید مطلب را برای من مستمع روشن کنید و من به موضوع بسیار راحت‌تر نگاه کنم؛ چون چارچوب مشخص است و آنها از حوزه انسان‌شناسی با ما متفاوت هستند و این موضوع به درک مطلب بسیار کمک می‌کند. سپس شما می‌توانید همین جریان غیر توحیدی را با ذکر نمونه برای ما توضیح دهید؛ مثلاً بگویید چرا آنها بچه‌ها را سقط می‌کنند و نگاه توحیدی ندارند. در همین حوزه تربیت نیز می‌توان اینگونه رفتار کرد؛ یعنی درست است که انسان شروری مانند صدام تربیت شده اما تربیت‌شده‌ی اصولی چه چیزی می‌باشد؟ این مباحث، اموری بودند که من مشاهده نموده و خواستم که خدمتان عرض کنم تا نگاه جامع‌تری نسبت به مسائلی که می‌خواهید برای ما بگویید داشته باشید، این بحث به مباحث شما نزدیک‌تر است. این درک من بود و شما می‌توانید با تبیین و روشن‌گری خود بنده را هم روشن کنید. یک مطلب هم بحث تقدّم و تأخّر مباحث بود.

**حجت‌الاسلام کشوری:** بنده سه نکته خدمت شما عرض کنم؛ اول اینکه حتماً بیان بنده اشتباه است به دلیل اینکه مدتی فلسفه خوانده‌ام و باید دعا کنید که این مسأله حل شود. این واقعیت است که بیان همه‌ی ما مشکل دارد؛ زیرا فکر می‌کنیم که تفاهم فقط صغری و کبری چیدن است. به نظر من این اشکال با شفاعت و تصرف در شاکله‌ی<sup>۵۹</sup> ما حل می‌شود. لذا این نکته‌ی شما درست است.

۵۸. حالا من الآن قصد ندارم راجع به بُعد تکوینی داستان امام حسین علیه السلام - لقد عجبت من صبرک ملائکة السماء (زیارت ناحیه مقدسه) - صحبت کنم. کار امام حسین علیه السلام تکوین عالم و عوالم بالا را هم متأثر کرده است، اینها را بعداً بحث خواهیم کرد. ما در زیارت عاشورا همین معنا را می‌خوانیم.

انتقال از متن

۵۹. "شاکله" در اصل از ماده "شکل" به معنی مهار کردن حیوان است، و "اشکال" به خود مهار می‌گویند، و از آنجا که روحیات و سجایا و عادات هر انسانی او را مقید به رویه‌ای می‌کند به آن "شاکله" می‌گویند و کلمه "اشکال" به سؤال‌ها و نیازها و کلیه مسائلی گفته می‌شود که به نوعی انسان را مقید می‌سازد. به این ترتیب مفهوم "شاکله" هیچگونه اختصاصی به طبیعت ذاتی انسان ندارد، لذا مرحوم "طبرسی" در "مجمع البیان" دو معنی برای آن ذکر کرده است، طبیعت و خلقت و نیز طریقه و مذهب و سنت (چرا که هر یک از این امور انسان را از نظر عمل به نحوی مقید می‌سازد).

مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، انتشارات اسلامی، ج ۱۲، ص ۲۴۶ و ۲۴۷

نکته دوم اینکه بنده نمی‌خواهم اساساً معنای‌ای که شما می‌گویید را توضیح دهم. بنده تقسیم‌بندی‌های دوستان مبنی بر شناخت‌شناسی،<sup>۶۰</sup> آنتولوژی،<sup>۶۱</sup> انسان‌شناسی<sup>۶۲</sup> و ... را قبول ندارم. به نظرم این تقسیمات ما را به کاربرد نمی‌رسانند و تقسیمات دیگری حاکم می‌باشد.

حالا این تقسیمات حاکم چه زمانی در ذهن شما شکل می‌گیرند؟ زمانی که به مرحله‌ی تضارب و تدوین وارد شوید، این نکته سوم و همان نکته‌ای است که روز اول گفتیم. مباحث، طبقه‌بندی جدیدی دارند و بنده در مقام گزارش این مباحث در سطح حسن‌الاستماع هستم. طبقه‌بندی ما موضوع محور نیست بلکه سؤال محور می‌باشد؛ اگر شما پیوست الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برای برنامه ششم - که حضرت آقای حسن‌زاده<sup>۶۳</sup> تنظیم کرده‌اند - را ببینید متوجه می‌شوید که این پیوست ۱۸ سؤال دارد و اصلاً نوع طبقه‌بندی بر اساس الگوی استخراج سؤال<sup>۶۴</sup> می‌باشد. منتهی اگر بنده این مباحث نظری را ارائه می‌دادم

۶۰. معرفت‌شناسی که بخشی از فلسفه است به معنای شناخت معرفت است؛ یعنی اینکه ما چگونه می‌توانیم شناخت پیدا کنیم. در تعریف معرفت‌شناسی می‌گویند: معرفت‌شناسی شاخه‌ای از فلسفه است که در آن درباره شناخت‌های انسان و ارزش‌یابی انواع و تعیین ملاک صحت و خطای آنها بحث می‌شود.

مصباح، محمد تقی؛ آموزش فلسفه، نشر بین الملل، چاپ هفتم، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۵۳

۶۱. هستی‌شناسی بررسی فیلسوفانه حقیقت «بودن»، «شدن»، «هستی»، «واقعیت» و همینطور بررسی مقوله‌ی وجود است. این مقوله به طور سنتی به عنوان بخشی از شاخه مهمی از فلسفه به نام متافیزیک ذکر و شناخته شده است. هستی‌شناسی با سؤالاتی مرتبط با این که چه نوع موجودیتی وجود دارد و یا می‌توان گفت که وجود دارد و اینکه چگونه این نهادها را می‌توان گروه‌بندی کرد و با بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان در سلسله‌ای از مراتب تقسیم‌بندی کرد سروکار دارد.

۶۲. انسان‌شناسی از شاخه‌های علوم انسانی است که در آن رشد زیستی و فرهنگی انسان و اصول اساسی راهبرد در زمینه روابط انسانی در تمامی جوامع موجود به ویژه جوامعی که هنوز در زمره جوامع صنعتی به‌شمار نمی‌آیند مطرح می‌شود. این علم از ویژگی وسعت موضوع، توجه به ابعاد کیفی حیات انسان، تکیه بر شناخت عمقی انسان با استفاده از ابزاری نظیر مشاهده مستقیم برخوردار است.

ساروخانی، باقر؛ درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان، ۱۳۶۶، ص ۳۶-۳۳

۶۳. سجاد حسن‌زاده از طلاب حوزه علمیه مروی و پژوهشگران اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

۶۴. الگوی استخراج سؤال یکی از ریز الگوهای الگوی ساخت نظامات اسلامی می‌باشد. توضیح بیشتر را در ادامه بخوانید:

نقشه راه، یک جدولی تحت عنوان «الگوی ساخت نظامات اسلامی» دارد. این نقشه راه، مبتنی بر این الگو تولید شده است، مبتنی بر الگوی ساخت نظامات اسلامی. طبیعتاً وقتی می‌خواهیم نقشه راه را معرفی کنیم باید محورهای الگوی ساخت نظامات اسلامی را بحث نماییم. همانطور که از اسم این جدول بر می‌آید، نام آن، الگوی ساختن نظامات اجتماعی اسلام است، به زبان شما سیستم. شما اصطلاح سیستم را بهتر متوجه می‌شوید. با توجه به اینکه جامعه بدون سیستم اداره نمی‌شود، ما در شورای راهبردی برای ساخت نظامات اجتماعی اسلام، الگو و روشی را تدوین کرده‌ایم موسوم به الگوی ساخت نظامات اسلامی. اگر ما محورهای الگوی ساخت نظامات اسلامی را بحث کنیم، تسلط بر نقشه راه نیز حاصل می‌شود.

الگوی ساخت نظامات اسلامی سه محور اصلی دارد. محور اول، «الگوی حفظ جهت» است، محور دوم آن، «الگوی استخراج سؤال» است. محور سوم نیز «الگوی پردازش اجتماعی» می‌باشد. ما در الگوی ساخت نظامات اسلامی راجع به این سه مسأله صحبت می‌کنیم. یعنی اگر کسی از ما بپرسد الگوی ساخت نظامات اسلامی چیست؟ پاسخ می‌دهیم: الگوی ساخت نظامات اسلامی شامل الگوی حفظ جهت، الگوی استخراج سؤال و الگوی پردازش اجتماعی است. وقتی این سه محور را بحث کنیم نقشه راه خودبه‌خود معرفی می‌شود. هر یک از این سه محور نیز خود سه محور درونی دارند. یعنی «الگوی ساخت نظامات اسلامی» در واقع ۹ محور بحثی دارد.

مفهوم بسیار مهمی داریم به نام الگوی استخراج سؤال که بعدها ان شاء الله آن را تبیین خواهیم کرد. من فقط به این الگو اشاره‌ای کنم، مسأله خیلی مهمی است. در معارف اهل بیت علیهم‌السلام راجع به مفهوم سؤال، راجع به یک سؤال خوب صحبت‌های فراوانی شده است. اگر یک سؤال خوب در جامعه مطرح شده و راجع به آن بحث صورت گیرد، بسیاری از مشکلات حل می‌شود. ما در محور دوم، به اندازه فهم اندک خودمان از روایات، روشی ارائه داده‌ایم که وقتی شما با تئوری‌های الحادی، التقاطی و غربی برخورد می‌کنید، بتوانید یک سؤال خوب از تئوری‌ای که شما آن را قبول ندارید بپرسید. برای چه باید سؤال خوب بپرسیم؟ زیرا ما می‌خواهیم ضعف آن تئوری را نشان بدهیم و این، بدون طرح یک سؤال خوب امکان ندارد. من یک مثال روشن برای شما بزنم. مثلاً ما می‌خواهیم بگوییم توسعه غربی خوب نیست و می‌خواهیم این را جا بیندازیم. اگر یک سؤال خوب بپرسید ۵۰٪ قضیه حل می‌شود. ما همیشه در جلسات از کارشناسان و برادران دانشگاهی می‌پرسیم -در جلسات قبل نیز در این کارگروه گفته‌ایم- چرا خانواده در جوامع توسعه‌یافته دچار فروپاشی شده است؟ این، یک سؤال است ولی وقتی آن را شکافته و خوب مطرح کنیم؛ توسعه با همین یک سؤال زیر سؤال می‌رود! وقتی شما می‌گویید "چرا جوامع توسعه‌یافته دچار فروپاشی خانواده است؟" در این سؤال به چیزی که همه در ایران و حتی در غرب قبول دارند اتکا کرده‌اید؛ بالاخره مسأله تشکیل خانواده جزء فطریات است و با فطرت انسان‌ها تناسب دارد. این فطرت در ایران نیز می‌باشد. وقتی می‌گویید "چرا جوامع توسعه‌یافته دچار فروپاشی خانواده هستند؟" اگر این سؤال را خوب پردازش کنید، فطرت مخاطب خود را در مقابل این مفهوم قرار داده‌اید. یا مثلاً سؤال



خودم مرتکب اشتباه بحث نظری می‌شدم. لذا توصیه اول من در اولین روز این بود که - امروز هم عرض کردم - شما باید الآن بحث را در سطح حسن‌الاستماع بشنوید و بنده هم در سطح حسن‌الاستماع گزارش می‌دهم. وقتی یک‌سال بعد جزوه‌ی این مباحث تولید شد، حدس بنده این است که ۲۵ سؤال و جواب حاصل شود. ما در هدایت تقدّم و ترتّب نداریم، تمام این مطالب ارتکازات فلسفه می‌باشد و ما صلوات فرستاده و از بخشی از آنها خارج شده‌ایم ولی هنوز از بخش‌هایی خارج نشده‌ایم. ما معتقدیم مباحث از درون یکدیگر زاییده می‌شوند، [نه اینکه ترتّب و تقدّم داشته باشند]. البته می‌دانم بحثی که از بحث دیگری زاییده می‌شود بعد از بحث قبلی تشکیل می‌شود و ما می‌توانیم نگاه فلسفی داشته باشیم و بگوییم این بحث مقدم بر آن بحث است ...

یکی از حاضرین (۱): منظورتان استکمال است؟

**حجت‌الاسلام کشوری:** من دقیقاً کلمه ازدواج و زاییده‌شدن را مطرح می‌کنم و منظورم همین است. شما می‌توانید بگویید پدر از حیث خلقت بر پسر مقدم است و این نگاه معیوب را در هر زمینه‌ای به کار ببرید، اما هیچکس اینگونه بحث نمی‌کند؛ مردم عادی هیچوقت اینگونه بحث نمی‌کنند که بگویند پدر و مادر مقدّم بر فرزند هستند و در نتیجه باید بحث کنیم که ترتّب چیست یا ترتّب در مقام ثبوت<sup>۶۵</sup> چیست. این مباحث فقط سواد انسان را اثبات می‌کنند ولی ما نمی‌خواهیم اینطور بحث کنیم. ما یک حرف اصلی داریم و بنده تمام این ۲۵ سؤال را از همین بحث اول یعنی تربیت بیرون می‌کشم و ابتدا سه روز راجع به حرف اول بحث می‌کنیم تا بحث در ذهن شما جا بیفتد. دوستانی که نمونه‌سازی اول را دنبال کردند می‌دانند که ما در نمونه‌سازی اول یک حرف زده‌ایم؛ ما ۱۰۰ بسته حرف مطرح نکردیم تا شما در ذهن خود نسبت به آنها ترتّب ایجاد کنید. نمونه‌سازی اول ما با یک سؤال شروع شد؛ چرا نظام برنامه‌ریزی فعلی کشور ناکارآمد است؟ بحث به همین سادگی شروع شده است.<sup>۶۶</sup> ما در بحث مدیریت شهری نیز یک سؤال ساده را مطرح می‌کنیم؛ کسانی که در شهرداری‌ها و شوراهای شهر عضو می‌شوند، بالای جزوه تبلیغاتی آنها نوشته شده است که - این مطلبی که من عرض می‌کنم واقعاً موجود است و در دوره‌ی اخیر انتخابات شوراها اتفاق افتاد - من می‌خواهم ببایم تا هزینه‌های شهر را تأمین کنم، این شعار بسیاری از کاندیداها

می‌کنید چرا در آمریکا - که توسعه‌یافته‌ترین کشور دنیاست - ۵۰ میلیون نفر با کوپن غذا زندگی می‌کنند؟ چرا فاصله طبقاتی وجود دارد؟ با طرح این سؤال، کسی که از توسعه صحبت می‌کند نمی‌تواند به راحتی توسعه را مدح نماید. شما با این سؤال، نصف مسأله را حل کرده‌اید. یعنی اگر کسی می‌خواهد اثبات کند که توسعه امری مطلوب است، باید پاسخ این سؤال را بدهد. به عبارت بهتر با این سؤال، مسأله را از یک مسأله مفروض و یک مسأله بدیهی به یک مسأله نظری تبدیل می‌کنید. چون الآن این مسأله را بدیهی می‌دانند؛ کارشناسان به ما که می‌رسند می‌گویند: حاج آقا چرا شما کمک نمی‌کنید ایران توسعه پیدا کند؟! مفروض می‌گیرند که ما باید به سمت توسعه حرکت کنیم. می‌گویند: چرا شما در مقابل لوازم توسعه صف‌آرایی می‌کنید؟ اگر او از شما سؤال بپرسد باید بحث شوید ولی اگر شما سؤال بپرسید موضع او دچار تزلزل می‌شود و باید موضع خود را راجع به موضوعی که بحث می‌کند تثبیت نماید.

در مسأله الگوی ساخت نظامات اسلامی یک بحثی هم به نام الگوی پردازش اجتماعی وجود دارد. الگوی پردازش اجتماعی یعنی شما یک حرف خوب دارید ولی چگونه می‌توان این حرف خوب را در جامعه مطرح کرده و به اصطلاح امروزی آن را تبدیل به گفتمان کرد؟ یک مسأله را چگونه می‌توان به گفتمان ذهن نخبگان تبدیل نمود؟ آیا بردن یک مسأله به ذهنیت جامعه با سخنرانی اتفاق می‌افتد؟ باید بر روی این بحث کنیم. البته این با الگوی استخراج سؤال<sup>۶۷</sup> متفاوت است. یعنی با وجود اینکه شما سؤال خوب دارید، ما می‌گوییم سؤال خوب باید چگونه در جامعه مطرح شود. این را در الگوی پردازش اجتماعی توضیح خواهیم داد.

*جلسه اول از سلسله جلسات تبیین الگوی حفظ جهت در مدرسه رویش شهر کاشان ۱۳۹۲/۰۱/۲۹*

۶۵. مقام ثبوت یعنی مقام خارج و واقعیت؛ ترتّب در مقام ثبوت یعنی وجود یکی در مقام واقع بر دیگری مقدم است.

۶۶. ما اخیراً در استودیوی یک از رادیوها در حال شرح ۱۸ سؤال نمونه‌سازی اول هستیم. بنده در آنجا از مجری محترم تقاضا کردم که بحث را بخوانند و با هم مباحثه کنیم تا بحث غنی شود. ایشان سؤال اول را خواندند و روز بعد با اعتراض به من گفتند این بحث، بحث سنگینی نبود و بنابراین من باقی سؤالات را هم نخواندم. بنده ساده صحبت می‌کنم و این شبهه را ایجاد نمی‌کنم که منطق صوری از حیث اثبات صدق اولیات دچار اشکال است. حالا صدق اولیات چگونه اثبات می‌شود؟ بدیهیات باید در مقام ارتکاز به ابده‌البدیهیات بازگردند. ابده بدیهیات در مقام ارتکاز چیست؟ اصل تناقض - اینطور صحبت کردن، صحبت کردن به سبک فلاسفه است - چیست؟ باید در فهم اصل تناقض ۹ وحدت را مراعات کنید. ما باید برای اثبات این حرف ابتدا یک یا دو سال راجع به این موضوع صحبت کنیم که قضایا به قضایای اولیه باز می‌گردند و صدق اولین قضیه به خودش وابسته است و باید قضیه‌ی اولیه را با ۹ شرط تصور کنیم.

*انتقال از متن*

می‌باشد؛ چرا که مشکل شهرداری‌ها تأمین هزینه است. انحراف از همین نقطه شروع می‌شود. ما بحث خود را اینگونه شروع می‌کنیم که چرا یک شهر نمی‌تواند هزینه‌های خود را تأمین کند؟ چرا در شهر تهران هزینه‌ها زیاد است؟ جواب این است که ۷۰ درصد هزینه‌ها - به صورت مستقیم یا غیر مستقیم - به حمل و نقل اختصاص داده شده است. چرا این مقدار هزینه به حمل و نقل اختصاص داده شده است؟ چون مردم هرم نیازهای خانوار یا همان نیازهای چهارگانه را در بیرون از محله تأمین می‌کنند. به همین راحتی می‌توان گفت و گو کرد. قرار است جناب آقای آریان‌پور<sup>۶۷</sup> در آینده نظام‌سؤالات زاینده‌شده از دل همدیگر در نمونه‌سازی دوم را تدوین کنند. سؤال نخست مباحث این است که چرا در شهری مانند تهران هزینه‌ها تأمین نمی‌شود؟ غرب چه راهی را برای تأمین هزینه‌ها ارائه می‌دهد و ما چه راهی را پیشنهاد می‌کنیم؟ ما در نمونه‌سازی اول نیز یک سؤال را مطرح کرده بودیم؛ در آنجا سؤال ما این بود که چرا نظام برنامه‌ریزی کشور ناکارآمد است؟ چون نظام برنامه‌ریزی مسأله فرهنگ را نمی‌بیند.<sup>۶۸</sup> من دارم با خودم، شما و نسلی که قصد داشت دین را یاد بگیرد ولی به جای دین نگاه فلسفه را به آنها آموزش دادند هم‌دردی می‌کنم، این مسائل و مشکلات از آفات فلسفه است. البته ما فقط انتقاد نمی‌کنیم بلکه مدل پیشنهادی خود برای تفاهم را تحت عنوان «الگوی استخراج سؤال» توضیح داده‌ایم.<sup>۶۹</sup>

### ۳. شهر؛ محل پردازش موضوعات جهت‌ساز ظرفیت‌ساز (موضوعات جهت‌ساز دسته اول)

آقای افاضل: سلام علیکم، شما در واقع یک نمونه‌سازی در برنامه ششم و یک نمونه‌سازی در مدیریت شهری کرده‌اید؟ اما آیا شما شهر را تمام جامعه می‌دانید یا بخشی از جامعه؟ بالاخره بخش‌های مختلف کشور در شهر شعبه دارند.

حجت‌الاسلام کشوری: فرمایش شما، فرمایش صحیحی می‌باشد؛ یعنی امروزه تمام بخش‌های حکومت در شهرها شعبه و اداره‌ی کل دارند؛ معنای این کار آن است که وقتی می‌خواهند کارهای خود را عملیاتی کنند، شهر محل اجرای کارها می‌باشد. به عنوان مثال بخش امنیت در شهرها پادگان دارد و بخش اقتصادی و اجتماعی در شهرها اداره‌ی کل دارد. در مدل موجود تمام اجراها در شهر اتفاق می‌افتد ولی در مدل پیشنهادی ما تمام برنامه‌ریزی‌های زیرساختی در شهر اتفاق می‌افتد و بقیه میوه آن را می‌چینند.

قبلاً در مطالب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت عرض کرده‌ام که ما سه نوع موضوع جهت‌ساز داریم؛ نوع اول از این موضوعات، موضوعات ظرفیت‌ساز هستند. موضوعات ظرفیت‌ساز، موضوعاتی هستند که - به اصطلاح رکیک - بالقوه‌ها و ذخیره‌های ما را زیاد می‌کنند. حُب شهر، محل پردازش موضوعات جهت‌ساز ظرفیت‌ساز است. موضوعات جهت‌ساز دسته دوم،

۶۷. آقای ابوالفضل آریان‌پور از طلاب حوزه علمیه قم و از پژوهشگران اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

۶۸. حال اینکه چرا نظام برنامه‌ریزی بر اساس شاخص‌های خود در غرب موفق‌تر عمل کرده به این دلیل است که غرب فرهنگ مردم را تغییر داده است و وقتی فرهنگ را تغییر دادند همراهی بیشتری اتفاق می‌افتد. اما آیا در ایران هم قصد دارند فرهنگ را تغییر دهند؟ فرهنگ ما، فرهنگ حق و باطل و نفاق است. آیا این فرهنگ تغییرپذیر می‌باشد؟ آیا می‌توان این مفاهیم بنیادین را تغییر داد و چیز دیگری را جایگزین آن نمود؟

#### انتقال از متن

۶۹. علت اینکه جلسات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با وجود مخالفت افراد در کشور تعطیل نمی‌شود این است که در جلسه به مجرد اینکه یک دوره‌ی بحثی بیان می‌گردد افراد با بحث ارتباط می‌گیرند؛ یعنی کسانی که در مراحل پنج‌گانه تفکر هستند پس از طی مرحله حسن‌الاستماع با بحث ارتباط می‌گیرند. البته ممکن است ظرفیت آنها اجازه ندهد که به مراحل بالاتر بروند اما مهم این است که با بحث ارتباط ذهنی برقرار می‌کنند. مدل ما یک نوع مدل و مدل فلسفی نیز مدل دیگری می‌باشد. البته بنده نباید متهم شوم به اینکه چون می‌گویم نگاه فلسفی معیوب است بنابراین می‌خواهم عقل را نفی کنم. من همیشه بحث کرده‌ام که یکی از مشکلات نخبگان ما یکسکانگاری عقل و فلسفه است؛ اسلام، عقل‌بنیان و تفکر بنیان می‌باشد و این، حرف ما در الگوی پیشرفت است، ولی تمام چیزی که در فلسفه به آن عقل گفته می‌شود، با نرمش قهرمانانه - که بنده این نرمش قهرمانانه را نیز نمی‌کنم - بخشی از عقل است، فلاسفه بخشی از قواعد عقلی را تئوریزه کرده‌اند و همین امر علت سؤالات شما می‌باشد. بنابراین به نظرم اشکال سوم شما را با این روش می‌توان حل کرد. بنده توصیه می‌کنم حضرتعالی در این دوره حسن‌الاستماع کنید و ببینید که آیا مباحث ما در آخر دوره جا می‌افتد یا نه؟ این دوره ۱۱ روز است و فکر نمی‌کنم کار سختی باشد. بنده خدمت حضرتعالی جسارت کردم. برای اشکال اول شما [که گفتید بحث را خوب توضیح نمی‌دهم] نیز برای من دعا کنید تا ان شاء الله. این مشکل حل شود، برخی از بیماری‌ها تا آخر عمر با انسان هستند.

#### انتقال از متن

زمان‌ها یا برهه‌های جهت‌ساز می‌باشند. موضوعات جهت‌ساز دسته‌ی سوم نیز مفاهیم جهت‌ساز هستند.<sup>۷۰</sup> لذا در طبقه‌بندی موضوعات جهت‌ساز در شهر مطلوب، شهر برای جهت‌سازها ظرفیت‌سازی می‌کند و سایر نظامات اجتماعی با تکیه بر این ظرفیت‌ها به مدیریت می‌پردازند، این معنای مطلوب ماست.

من الآن با ادبیات اختصار این مطالب را توضیح دادم، چون زمان شرح‌دادن آنها وجود ندارد. ان‌شاءالله به فضل الهی و مدد امام زمان علیه السلام اگر مشکلی پیش نیاید من این مسأله را شرح خواهم داد و پس از شرح این مطالب تازه مشخص می‌شود که جایگاه شهر چیست. اصلاً اساس الگوی پیشرفت اسلامی، شهر است. چرا؟ چون اساس هدایت، ظرفیت است؛ دلیل موضوعیت مدیریت شهری برای ما این است که ظرفیت‌سازی برای اسلام بسیار موضوعیت دارد. دقیقاً بین موضوعات جهت‌ساز ظرفیت‌ساز و مدیریت شهری نسبت مستقیمی وجود دارد، این را در آینده بحث خواهیم کرد. به عنوان مثال نفی سبیل و دفاع یک موضوع جهت‌ساز هستند. تمام بحث من این است که نباید در وزارت دفاع یا همان ودجا<sup>۷۱</sup> بهینه‌شدن TRL<sup>۷۲</sup> موضوع بحث قرار گیرد؛ بلکه چیزی که مورد بحث می‌باشد این است که امنیت و دفاع در هر شهر و مملکتی نمی‌تواند فراتر از ظرفیت‌های اولیه‌ی آن شهر و مملکت تعریف شود؛ یعنی شما به اندازه ظرفیتی که در اختیار دارید می‌توانید دفاع را تعریف کنید. بنابراین نظریه‌ای که ما داریم این است که چون مدیریت شهری ظرفیت‌های حوزه دفاع را پردازش می‌کند با مدیریت دفاعی ارتباط مستقیم دارد. در حال حاضر در حوزه امنیت تئوری‌های مختلفی وجود دارد. به عنوان مثال فرض کنید که ما در وزارت دفاع TRL خودمان را بهینه کرده و سطح عمق تکنولوژی در ایران را افزایش دادیم. در اینصورت چه اتفاقی می‌افتد؟ شما در حوزه تکنیک نسبتاً با کشورهایی که پیشرفت کرده‌اند موازنه برقرار می‌کنید؛ اما در نهایت وقتی چند تجمع اجتماعی اتفاق می‌افتد امنیت از ناحیه دیگری به چالش کشیده می‌شود، [اگر بهینه‌ی TRL را موضوع خود قرار دهیم] چنین آفتی حاصل می‌شود. بعدها اگر دوره مربوط به دفاع برگزار شد عرض خواهم کرد که ابعاد ودجای آینده چه خواهد بود، منتهی اصل حرف بنده این است که بافت فعلی دفاع و امنیت بر اساس ظرفیت‌های موجود شکل می‌گیرد؛ نه تنها وزارت دفاع بلکه هیچ بخشی از کشور نمی‌تواند بالاتر از سطح ظرفیت خود برنامه‌ریزی کند. لذا من بخش عمده‌ی پشتیبانی از دفاع را پشتیبانی ظرفیت‌ساز برای دفاع آینده می‌دانم. اولین فایده‌ی این کار آن است که گپ (GAP)<sup>۷۳</sup> نیروی انسانی بین نسل‌های مدیریتی ما مرتفع می‌شود. سؤال شما خیلی فنی است؛ ارتباط بین یک نظام شهری با سایر نظامات اجتماعی چیست؟ بنده در جواب عرض می‌کنم که ارتباط بین یک نظام شهری با سایر نظامات اجتماعی، همان ارتباط بین موضوعات جهت‌ساز ظرفیت‌ساز با سایر طبقات موضوعات جهت‌ساز است. این، جواب اولیه است. حالا این موضوع را تشریح خواهم کرد.

#### ۴. حفظ وضعیت فعلی تأمین هرم نیازهای خانوار در محله، نوشتن برنامه بهبود برای تأمین نیازهای خانوار در محله؛ دو اقدام نخستین برای پیگیری مسأله مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

آقای محسن فریدی: اگر بخواهیم بحث مدیریت شهری و مدیریت محله‌ای فعال و اجرا شود این کار نیاز به زیرساخت‌هایی دارد. با توجه به منابع و بودجه‌ی موجود آیا هزینه‌ی این طرح پیش‌بینی شده است یا نه؟

حجت‌الاسلام کشوری: ما در سرفصل سوم مباحث خود، برنامه‌های کوتاه‌مدت مدیریت شهری با نگاه الگوی پیشرفت را بحث کرده‌ایم و امکان‌سنجی این کار انجام شده است. اصلاً ما در پایان این دوره طرح‌های کوتاه‌مدتی را پیشنهاد خواهیم داد، ان‌شاءالله عرض خواهم کرد که باید چه اتفاقی بیفتد. الآن توضیح کوتاهی می‌دهم و در آینده آن را شرح خواهم داد. اولین برنامه‌ی ما در برنامه‌های کوتاه‌مدت، حفظ وضعیت فعلی تأمین هرم نیازهای خانوار در محله‌هاست؛ یعنی هیچ طرحی در شهر

۷۰. برای فهم این سه اصطلاح به پیوست شماره ۱ مراجعه کنید.

۷۱. ودجا: مخفف وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران

۷۲. سطوح آمادگی فناوری (Technology Readiness Levels) معیارهایی هستند که برای ارزیابی بلوغ فناوری‌های در حال تکامل که در حال توسعه یا بکارگیری‌های اولیه استفاده می‌شوند.

۷۳. شکاف و فاصله



نباید اجرا شود که وضعیت فعلی تأمین نیازهای خانوار را بر هم بزند، این برنامه کوتاه‌مدت اول است. برنامه کوتاه‌مدت دوم هم نوشتن برنامه‌ی بهبود برای تأمین نیازهای خانوار در محله است. اگر دوستان شورای شهر همراهی کنند، من حاضرم در دو یا سه ساعت بحث دو یا سه مصوبه‌ی اول این طرح را بنویسم. در اینصورت جواب حضرتعالی هم واضح می‌شود. مهم این است که ما از سطح نظری شروع کرده و به سطح کاربردی می‌رسیم؛ یعنی در یک دوره‌ی بحثی از سطح نظری تا سطح کاربرد را توضیح می‌دهیم. ما در برنامه ششم به هفت حکم برنامه رسیده و آن را به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد دادیم. اگر رایزنی‌ها به درستی اتفاق بیفتد در آخر این دوره‌ی ۱۱ روزه می‌توانیم مصوبات این دوره را به صحن شورای شهر برده و از آنها دفاع کنیم؛ ما به عنوان کارشناس در صحن شورای شهر حاضر شده و با نگاه مدیریت محله‌محور دو یا سه مصوبه‌ی جدی را مطرح می‌کنیم. ان شاءالله فردا بنده ادامه بحث را در محضر شما پیگیری خواهیم کرد.

و صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا اَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ

مکرر بحث شده و بیان شده که نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی حاوی چند ده موضوع جهت‌ساز است. لذا نیاز است شرح داده شود که موضوعات جهت‌ساز در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی به چه معنا است. اصطلاح موضوعات جهت‌ساز در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی شامل سه دسته موضوع بوده که این سه دسته موضوع به لحاظ ماهیت با یکدیگر تفاوت دارند؛ اما هر سه دسته - به دلایلی که مطرح خواهد شد - جز موضوعات جهت‌ساز هستند.

به دلیل اینکه نظام نگرش‌های انسان، جهت‌زندگی فردی و اجتماعی او را مشخص می‌کنند و همچنین به دلیل اینکه این موضوعات سهم تأثیر بسیاری در شکل‌گیری نگرش‌ها دارند، موضوعات جهت‌ساز را به عنوان "**جهت‌ساز**" نام‌گذاری کردیم؛ به عبارت روشن‌تر هر آن چیزی که نگرش می‌سازد، جهت‌ساز است. به این دلیل که خود نگرش جهت‌ساز است؛ لذا هر چیزی که نگرش می‌سازد خود، جهت‌ساز است. بنابراین وقتی بیان می‌شود موضوعات جهت‌ساز، مراد موضوعاتی هستند که زیرساخت شکل‌گیری نگرش‌ها هستند. حال چرا بیان می‌کنیم موضوعاتی که نگرش می‌سازند جهت‌ساز هستند؟ به دلیل اینکه نگرش‌ها جهت‌ساز هستند. لذا هر چیزی که نگرش می‌سازد، جهت‌ساز است. به کمک این تعریف سه دسته از موضوعات در نقشه راه بحث شده است که این موضوعات در حال حاضر جهت‌ساز محسوب می‌شوند.

موضوعات دسته اول جهت‌ساز، **موضوعات ظرفیت‌ساز** برای [ایجاد] نگرش هستند. مثال معروف آن **دوره شکل‌گیری شخصیت** است. دوره شکل‌گیری شخصیت چهار دوره محسوب می‌شود؛ دوره انعقاد نطفه، هفت سال اول، هفت سال دوم و هفت سال سوم. در واقع ظرفیت‌نگرش‌های انسان وابسته به برنامه‌هایی است که پدر و مادر در این دوره برای فرزندان خود اعمال می‌کنند.

موضوع **نفی سبیل** یک موضوع ظرفیت‌ساز است. وقتی نفی سبیل در برنامه‌های حکومت وجود داشته باشید، کفار دیگر در جامعه اسلامی تصرف نکرده و یا حداقل تصرف کمتری دارند. به همان میزانی که تفکرات، اعمال و اخلاق کفر در یک جامعه تأثیر کمتری داشته باشد، فرصت برای رشد تفکرات ایمانی و اخلاق و اعمال مبتنی بر ایمان هم افزایش پیدا خواهد کرد. بنابراین برخی از موضوعات جهت‌ساز در نقشه راه برای نگرش‌ها ظرفیت‌سازی می‌کنند.

برای مثال؛ **تبیین افق یک جامعه** و تعریف شاخصه‌های ارزیابی یک جامعه جزء موضوعات ظرفیت‌ساز است. وقتی افق و آینده یک جامعه را بحث می‌کنیم، این موضوعات جز موضوعات ظرفیت‌ساز هستند. جامعه قرار است به کجا برود؟ اگر راجع به این موضوع دائماً بحث صورت گیرد، باعث می‌شود که جامعه قله پیش روی خود را گم نکند. در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی به خوبی قابل مشاهده است که ایشان دائماً راجع به مسأله **تمدن اسلامی** به عنوان افق نظام بحث می‌کنند. وقتی مدام در مورد تک‌موضوع افق جامعه اسلامی صحبت می‌شود باعث جهت‌دهی به نگرش‌ها و ظرفیت‌سازی خواهد شد. البته درست است که یک تک‌موضوع و به اصطلاح [تنها] یک ساختار بحث است، اما نمی‌توان اثر این ساختار بحث را با ساختارهای دیگر یکی دانست. پس موضوعات ظرفیت‌ساز یک دسته از موضوعات نقشه راه هستند. موضوعات ظرفیت‌ساز مهمترین موضوعات جهت‌ساز محسوب می‌شوند. موضوعات ظرفیت‌ساز در واقع به صورت مستقیم در شکل‌گیری نگرش ایفا نقش می‌کنند.

در نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی از دسته دوم موضوعات جهت‌ساز به **برهه‌ها و دوران‌های جهت‌ساز** تعبیر شده است. اگر این دسته از موضوعات را بازشکافی کنید، خواهید دید این دسته از موضوعات، اثر مستقیم در تغییر نگرش ندارند؛ اما به دلیل اینکه در آن دوره و برهه تأثیرات منفی یا مثبت زیادی به نفع موضوعات دسته اول اتفاق افتاده، خود آن دوره به عنوان یک دوره جهت‌ساز محسوب می‌شود.

وقتی بعضی از عناوین اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی را نگاه می‌کنید، خواهید دید که ناظر به یک دوره خاص بحث شده‌اند. مثلاً اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی بیان کرده است که باید به صورت **دائمی دوران سازندگی** را

تحلیل کنیم. حال چرا تحلیل دوره سازندگی به عنوان یک موضوع جهت‌ساز تلقی شده است؟ به دلیل اینکه در دوره سازندگی تأثیرات منفی زیادی بر بعضی از موضوعات جهت‌ساز دسته اول اعمال شده است. مثلاً در دوره سازندگی برای اولین بار در بعد از انقلاب، مسأله تنش‌زدایی از حوزه برنامه‌ریزی مطرح شد. [در این دوره] ذیل اصطلاح تنش‌زدایی اصل نفی سبیل به چالش کشیده شد. در دوره سازندگی برای اولین بار در بعد از انقلاب، مسأله تربیت اسلامی به صورت جدی به چالش کشیده شده است؛ در دوره سازندگی با مسأله ثروت‌های بادآورده که در اثر سازندگی غیر منضبط آن دوره ایجاد شد، مال حرام وارد زندگی برخی از مسئولین شده است.

ما دوره سازندگی را به این دلیل در نقشه راه موضوع جهت‌ساز تلقی کردیم، زیرا در آن دوره در واقع اولین چالش‌های انقلاب اسلامی نسبت به جهت‌سازها ایجاد شده است. لذا نمی‌توان تحلیل دوره سازندگی را یک تحلیل عادی دانست. خصوصاً با توجه به این مسأله که همه اذعان دارند فعالیت و تحول اجتماعی امری تدریجی بوده و دفعی اتفاق نخواهد افتاد. پایه‌گذاری بسیاری از تحولاتی که در حال حاضر با آنها روبرو هستیم در دوره سازندگی اتفاق افتاده است. لذا دوره سازندگی، دوره پایه‌گذاری انحراف در جهت‌گیری انقلاب اسلامی محسوب می‌شود.

پس بخشی از موضوعات جهت‌سازی که در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی مطرح است، موضوعاتی هستند که از آنها به عنوان موضوعات جهت‌ساز تعبیر می‌شود؛ اما در واقع این موضوعات جهت‌ساز، برهه‌های حساس هستند که باید آنها را مدیریت کرد.

دسته سوم از موضوعات جهت‌ساز مفاهیمی هستند که به دلیل تأثیر گسترده بر موضوعات جهت‌ساز دسته اول، جهت‌ساز محسوب می‌شوند. بنابراین بعضی از موضوعات جهت‌ساز در نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی در واقع یک تک‌مفهوم می‌باشند؛ اما مفهومی جهت‌ساز هستند.

مثلاً مفهوم تعادل یا عدم توازن یکی از این مفاهیم است. به دلیل اینکه در حال حاضر دوستان ذهنیت دارند - زیرا مبحث «عدم توازن‌های فرهنگی» را مفصل بحث کردیم - می‌توانند جایگاه مفهوم تعادل را در ذهن خود بیاورند. وقتی در مورد تعادل یا عدم تعادل یا عدم توازن صحبت می‌شود، این مفهوم به همه‌ی حوزه‌ها سرایت می‌کند. مانند عدم توازن‌های اجتماعی، عدم توازن‌های اقتصادی و عدم توازن‌های دیگر. اگر تعریف خاصی از تعادل در ذهن شما نباشد و تعریف فعلی از تعادل اجتماعی که حول اقتصاد تعریف می‌شود را بپذیرید، با همین تک‌مهره همه حوزه‌ها در ذهن شما تحت تأثیر قرار خواهند گرفت.

مثال دیگر، مفهوم جامعه است که یک مفهوم حساب می‌شود؛ اما در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی مفهوم جهت‌ساز است. تعریف خاص هر فرد از جامعه همه مسائل را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

یا مثلاً در نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی با مفهوم ثبات روبرو هستیم. هر درکی که از ثبات اجتماعی در ذهن داشته باشیم بر همه حوزه‌ها تأثیر خواهد گذاشت. بسیاری از مدیران به بهانه ثبات، جامعه را به سمت مرداب‌شدن مدیریت می‌کنند. نباید تحلیل ارائه شده از ثبات به شکلی باشد که پویایی را از جامعه بگیرد و از سوی دیگر نباید ثبات را به شکلی تحلیل کرد که منجر به هرج و مرج شود. مثلاً نباید تحول را طوری معنا کنید که هیچ اصل ثابتی را در بر نگیرد. به تعبیر امام خمینه‌ای علیه السلام بعضی شالوده‌شکنی می‌کنند و نام این شالوده‌شکنی را تحول می‌نامند. مفهوم ثبات بسیار مفهوم مهمی است. اینکه چه درکی از این مفهوم داریم، هم بسیار مهم است.

یا مثلاً جز مباحث مهمی که در بخش مفاهیم قرار دارد، بحث شاخصه‌های ارزیابی است. شاخصه‌های ارزیابی غیر از افق جامعه است. شاخصه‌های ارزیابی جز بحث‌های مفهومی حساب می‌شود و سهم تأثیر متفاوتی دارد. به عنوان مثال اگر کسی بر





روی مبحث بسته شاخصه‌های هویت اسلامی را - که در چند جلسه مطرح کردیم - تسلط داشته باشد می‌تواند برای حفظ بسته شاخصه‌های، رفق توصیه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کند. درست است که بسته شاخصه‌های هویت اسلامی - مانند بسته شاخصه‌های wdi یک بحث مفهومی محسوب می‌شود، اما می‌توان با اتکا به آن بقیه حوزه‌ها را به چالش کشیده و یا به سمت تکامل مدیریت کرد. بنابراین در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی با سه دسته از موضوعات جهت‌ساز روبرو هستیم. بسته اول موضوعات جهت‌ساز موضوعات ظرفیت‌ساز، بسته دوم موضوعات جهت‌ساز برهه‌های جهت‌ساز و بسته سوم موضوعات جهت‌ساز مفاهیم جهت‌ساز هستند.<sup>۷۴</sup>

## فهرست تفصیلی مطالب

۱. استفاده از مدیریت تحقیقات مبتنی بر الگوی پیشرفت اسلامی، نمونه‌سازی با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛ دو  
لازمه مورد نیاز برای ورود به بحث تبیین مفهوم مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی..... ۱
- ۱/۱. تفکر بر روی مباحث الگوی پیشرفت اسلامی با استفاده از مدیریت تحقیقات مبتنی بر الگوی پیشرفت اسلامی؛ لازمه اول ورود به مباحث  
مدیریت شهری ..... ۱
- ۱/۱/۱. ایجاد تحول در حوزه فکر؛ ثمره استفاده از مدیریت تحقیقات مبتنی بر الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۲
- ۱/۲. لزوم نمونه‌سازی با نگاه الگوی پیشرفت به منظور ایجاد شوق در افراد برای پیگیری مباحث الگوی پیشرفت و به منظور جلوگیری از  
کلی‌گویی و طرح مباحث انتزاعی؛ لازمه دوم ورود به مباحث مدیریت شهری ..... ۲
- ۱/۲/۱. نمونه‌سازی و ارائه مباحث نظری در قالب کاربرد و تحلیل مسائل؛ راهکار رفع آفت کلی‌گویی و انتزاع از همایش‌های علمی کشور..... ۲
- ۱/۲/۲. نمونه‌سازی؛ تنها راه حل گسترش سبک زندگی اسلامی به دلیل وابستگی سبک زندگی به نظام‌سازی اسلامی و ارائه تصویری اجمالی از  
نظام‌سازی توسط نمونه‌سازی ..... ۳
۲. ضرورت تبیین فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی و ترسیم فلسفه‌ای از مدیریت شهری برای مدیران  
شهرها؛ پیش‌نیاز تبیین مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی..... ۶
- ۲/۱. عدم تبیین فلسفه علوم مختلف مانند طب؛ یکی از ضعف‌های آموزش‌های دانشگاهی در کشور ایران ..... ۶
- ۲/۲. لزوم تبیین فلسفه مدیریت شهری (ارائه تصویری اجمالی از آرمان‌های یک شهر) پیش از ورود به مبحث مدیریت شهری ..... ۶
۳. ارتقا امر تربیت؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۷
- ۳/۱. معرفی پردازش تام موضوعات غیر قابل حذف از شخصیت بشر مانند مسأله رفق به عنوان هدف اصلی الگوی اداره‌ی جامعه با نگاه دینی؛  
مقدمه تبیین فلسفه مدیریت شهری ..... ۷
- ۳/۱/۱. غفلت از برخی موضوعات غیر قابل حذف از شخصیت؛ اشکال اصلی توسعه غربی ..... ۹
- ۳/۲. ارتقا امر تربیت به عنوان زیرساخت تمام موضوعات جهت‌ساز مانند اقتصاد و امنیت در عوض تمرکز بر روی تک‌تک موضوعات جهت‌ساز؛  
فلسفه و وظیفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی..... ۱۰
- ۳/۲/۱. معرفه الامام به عنوان اعظم موضوعات جهت‌ساز؛ یکی از موضوعات تحت تأثیر امر تربیت ..... ۱۲
- پرسش و پاسخ ..... ۱۴
۱. تبلیغ و تبیین؛ یکی از اجزاء مهم پروژهای اقامه حق و لزوم نظام‌سازی اجتماعی برای تحقق تام حق ..... ۱۴
۲. سؤال خوب؛ محور طبقه‌بندی و ارائه مباحث و محور تفاهم با افراد در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی ... ۱۸
۳. شهر؛ محل پردازش موضوعات جهت‌ساز ظرفیت‌ساز (موضوعات جهت‌ساز دسته اول) ..... ۲۱
۴. حفظ وضعیت فعلی تأمین هرم نیازهای خانوار در محله، نوشتن برنامه بهبود برای تأمین نیازهای خانوار در محله؛ دو  
اقدام نخستین برای پیگیری مسأله مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۲۲
- پیوست شماره ۱ ..... ۲۴





---

## جلسه چهارم

---

تأمین نیازهای خانوار در محله به عنوان یکی از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده  
(نهاد اصلی متکفل تربیت)؛ ارتباط بین مدیریت شهری و ارتقا امر تربیت



۹ تیرماه ۱۳۹۵

نشست تبیین مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

**عنوان جلسه چهارم و تدوین گران:** تأمین نیازهای خانوار در محله به عنوان یکی از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده (نهاد اصلی متکفل تربیت)؛ ارتباط بین مدیریت شهری و ارتقا امر تربیت/ ابوالفضل آریان پور و سجاد حسن زاده  
**ارائه دهنده ی جلسه:** حجت الاسلام و المسلمین علی کشوری

**تاریخ جلسه:** ۱۳۹۵/۰۴/۰۹ **مکان جلسه:** تهران - مدرسه علمیه مروی

**حاضرین در جلسه:** جمعی از طلاب حوزه علمیه مروی و پژوهشگران اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

**مشخصات اثر:** ۱۸ صفحه رنگی (۲۱\*۲۹،۷ س.م) **تاریخ انتشار:** مردادماه ۱۳۹۵

**اجمالی از جلسه:** مبتنی بر مباحث جلسات گذشته مشخص گردید که فلسفه و آرمان مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ارتقا امر تربیت می باشد و مدیریت شهری باید برای بهبود تربیت برنامه ریزی کند. اما سؤالی که پیش می آید این است که چه ارتباطی بین مدیریت شهری و امر تربیت وجود دارد؟ به عبارت بهتر درست است که تربیت امر مهمی می باشد اما چه نسبتی بین مدیریت شهری و تربیت حکم فرماست؟

در پاسخ به سؤال فوق باید به دو مقدمه بپردازیم؛ مقدمه اول این است که تربیت، امری خودرو نبوده و نیازمند نهاد متکفل است؛ چون تربیت امری ذوابعاد بوده و دارای لایه ها و ابعاد مختلفی است؛ تربیت فقط به معنای بیان کردن مفاهیم دینی برای افراد نیست، بلکه تربیت نیازمند زمینه های مختلفی مانند رفق، ذکر، نصح و ... می باشد. بنابراین تربیت امری نیازمند نهاد متکفل است. از منظر مفاهیم نقشه راه و اسلام شریف بهترین نهادی که شرایط و لوازم مختلف تربیت در آن آماده می باشد نهاد بسیار با اهمیت خانواده است. بنابراین باید به فکر تقویت نهاد خانواده باشیم تا تربیت ارتقا پیدا کند.

مقدمه دوم این است که نهاد اصلی متکفل تربیت یعنی نهاد خانواده تحت تأثیر عواملی بوده و همواره مورد تهدید و هدم می باشد. عوامل تأثیرگذار بر نهاد خانواده به دو دسته ی عوامل درونی و بیرونی تقسیم می شوند؛ عوامل درونی، عواملی هستند که در اختیار پدر و مادر بوده و به زوجین مربوط می شوند. به عنوان مثال یکی از لوازم حفظ نهاد خانواده از ناحیه درون این است که زوجین نسبت به یکدیگر گذشت داشته باشند و به نزاع نپردازند؛ چراکه نزاع امر تربیت را با مشکل مواجه می کند. اما دسته دیگری از عوامل وجود دارند که در اختیار پدر و مادر نبوده و تأثیر آنها بر نهاد خانواده بیش از عوامل درونی است، این عوامل در نقشه راه عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده نام دارند. به عنوان مثال اگر نهاد آموزش و پرورش آموزش های لازم و متناسب با نهاد خانواده را به دانش آموزان انتقال ندهد افراد پس از ازدواج قادر به حل مشکلات و مسائل خود نمی باشند و در نتیجه نهاد خانواده و تربیت با چالش مواجه می شود. بنابراین باید بر روی عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده تمرکز کنیم.

ارتباط مدیریت شهری با امر تربیت در اینجا مشخص می گردد؛ مدیریت شهری باید عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده را اصلاح نموده و از این طریق خانواده و تربیت را تقویت کند؛ اما مدیریت شهری کدام عامل بیرونی را می تواند اصلاح کند؟ یکی از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده که موجب به چالش کشیده شدن این نهاد می شود مسأله تأمین هرم نیازهای چهارگانه خانوار است؛ در حال حاضر با توجه به اینکه نیازهای خانواده ها در خارج از محله تأمین می شود، اعضای خانواده مدام مجبور به ترک یکدیگر می شوند و در نتیجه پدر و مادر فرصتی برای تربیت فرزندان خود نخواهند داشت. وظیفه مدیریت شهری این است که نیازهای چهارگانه ی اعضای خانواده را تا حد امکان در محله تأمین کند تا پدر و مادر فرصت بیشتری برای تربیت فرزند خود داشته باشند.

تأمین نیازهای خانوار در محله به عنوان یکی از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده

(نهاد اصلی متکفل تربیت)؛ ارتباط بین مدیریت شهری و ارتقا امر تربیت

تدوین گران: ابوالفضل آریان پور و سجاد حسن زاده

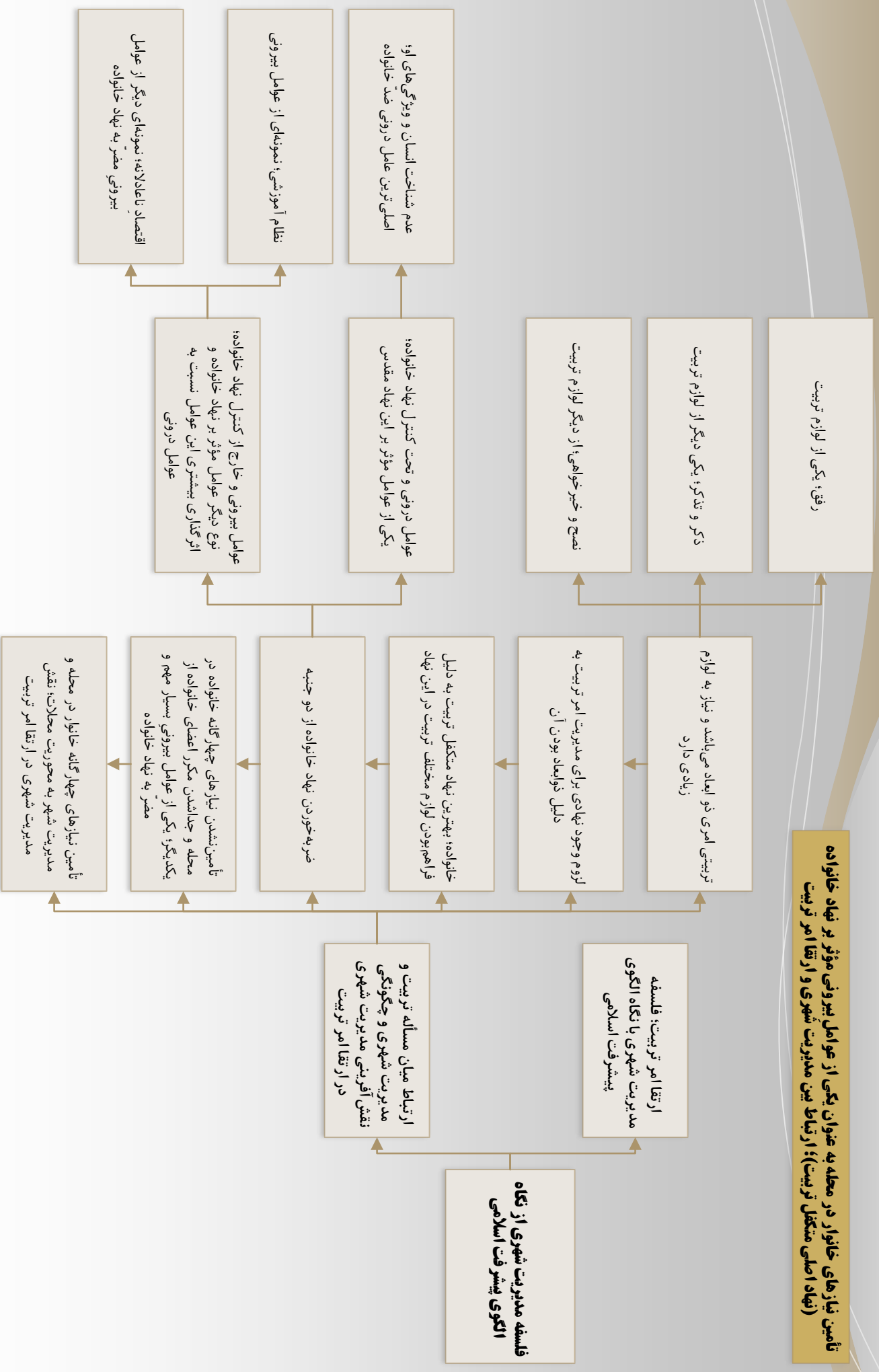
تاریخ انتشار: مردادماه ۱۳۹۵

ویراست اول

## فهرست اجمالی مطالب

۱. ارتقا امر تربیت؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۱
۲. لزوم مدیریت عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده به عنوان نهاد اصلی متکفل امر تربیت؛ مقدمه‌ای برای تبیین ارتباط بین مدیریت شهری و امر تربیت ..... ۲
۳. تأمین نیازهای هرم نیازهای چهارگانه خانوار در محله به عنوان یکی از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده؛ ارتباط بین تربیت و مدیریت شهری ..... ۸
- پرسش و پاسخ ..... ۱۳
۱. ضربه‌نخوردن نهاد خانواده از بیرون؛ ملاک اصلی ارزیابی طرح‌ها و برنامه‌ها و لزوم تطبیق این مسأله بر موضوعات مختلف ..... ۱۳
۲. لزوم فهم معنای مدیریت مطلوب مدیریت شهری با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی پیش از عملیاتی‌کردن آن و فهم این معنا از طریق نمونه‌سازی ..... ۱۴
۳. شکل‌دهی عوامل بیرونی مؤثر بر تربیت به عوامل درونی؛ نسبت بین عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر تربیت ..... ۱۵
۴. برنامه‌ریزی توسط مدیریت شهری و پشتیبانی نظام برنامه‌ریزی کشور از مدیریت شهری؛ ارتباط بین نمونه‌سازی اول و نمونه‌سازی دوم ..... ۱۶
۵. عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده مانند آموزش‌های غلط آموزش و پرورش؛ عامل تفویض تربیت توسط نهاد خانواده به دیگران ..... ۱۷

**تأمین نیازهای خانوار در محله به عنوان یکی از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده (نهاد اصلی متکفل تربیت)؛ ارتباط بین مدیریت شهری و ارتقا امر تربیت**





#### ۱. ارتقا امر تربیت؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین لا سیما بقیه الله فی الأرضین ارواحنا لتراب مقدمه الفداء و عجل الله تعالی فرجه الشریف.

در جلسات گذشته بحث به این نکته رسید که در بحث شهر اسلامی ابتدا باید مباحثی را راجع به فلسفه مدیریت شهری از منظر اسلام محضر دوستان گزارش دهیم. عرض کردم که فلسفه «مدیریت شهری» از منظر مفاهیم «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» عبارت است از ارتقا تربیت اسلامی. همچنین بیان شد که اگر تربیت اسلامی محور قرار نگیرد، همه شاخصه‌های زندگی مطلوب به چالش کشیده خواهد شد.

با توجه به جایگاه زیرساختی تربیت، در مدیریت شهری باید ارتباط همه تصمیمات به نوعی با مسأله تربیت تمام باشد. نکته مهم این است که اگر برای رفع یک معضل فعالیت‌های خودمان را در روبنا شروع کردیم، نتیجه‌ی راه‌حل پیشنهادی ما؛ حل آن مسأله نخواهد بود. با توجه به اینکه انسان‌ها محور جامعه هستند حتماً راه‌حل‌ها باید بتوانند با انسان‌ها ارتباط برقرار کنند. بهترین دوره‌ای که می‌شود با انسان‌ها ارتباط برقرار کرد، دوره تربیت است. اگر شما دوره‌ی تربیت را رها کرده و بعد بخواهید به انسان‌ها نظم شهری و نظم اجتماعی بدهید، کار شما خیلی سخت خواهد شد. بنابراین با توجه به اینکه در دوره تربیت به بهترین وجه می‌توان بر روی انسان‌ها تأثیر گذاشت، ما برای نظم شهری خود حتماً باید دوره تربیت را جدی بگیریم.





البته ممکن است اشکالی مطرح شده و کسانی بگویند: در اینکه دوران تربیت مهمترین دوران زندگی بشر هست - دوران تربیت به معنای دوران شکل‌گیری شخصیت انسان - تردیدی نیست؛ اما این موضوع چه ربطی به مدیریت شهری دارد؟ همچنین ممکن است گفته شود که دوران تربیت، وظیفه نظام آموزشی کشور و وظیفه نهاد خانواده است. به علاوه ممکن است گفته شود: ما در این مسأله شکی نداریم که دوران تربیت مهمترین دوران حیات بشر هست و اگر در دوره شکل‌گیری شخصیت چیزی به انسان‌ها منتقل شود بر روی آن حساس خواهند شد و تا آخر عمر آن مسأله را پیگیری خواهند کرد، این امر درست و مقبولی است؛ اما نمی‌توان از این امر مقبول نتیجه گرفت که فلسفه مدیریت شهری ارتقا تربیت است، نمی‌توان بین اهمیت دوران تربیت و مدیریت شهری ارتباط منطقی برقرار کرد، ممکن است شخصی این اشکالات را مطرح کند.

## ۲. لزوم مدیریت عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده به عنوان نهاد اصلی متکفل امر تربیت؛ مقدمه‌ای برای تبیین ارتباط بین مدیریت شهری و امر تربیت

**۲/۱. لزوم وجود نهادی برای تکفل امر تربیت به دلیل گسترده‌بودن ابعاد تربیت و خودرو نبودن آن**

ببینید؛ اگر به دو نکته‌ای که بنده عرض می‌کنم توجه کنید ارتباط بین مسأله تربیت - که جایگاه آن محفوظ است - و مدیریت شهری روشن خواهد شد. در واقع وقتی می‌توانید به این اشکال پاسخ دهید که به این دو مقدمه توجه کنید.

مقدمه اول این است که تربیت در نهاد متکفل تربیت اتفاق می‌افتد؛ اصطلاحاً تربیت امری خودرو و بریده‌ی از مدیریت نیست و حتماً باید تحت مدیریت خاصی اجرا شود. بنابراین تربیت نهاد مدیریتی می‌خواهد، این مسأله اول است؛ یعنی گاه شما مسأله تربیت را بریده از نهاد متکفل تربیت می‌دانید، در اینصورت یک نتیجه پیدا می‌شود. اما گاهی اوقات بیان می‌کنید که تربیت حتماً نهاد متکفل نیاز دارد و در نهاد متکفل تربیت نیز باید رفق اصل باشد؛ چون ورودی تأثیرگذاری بر انسان‌ها مسأله‌ی رفق و محبت است.<sup>۱</sup> بنابراین آن نهادی که متکفل تربیت است، باید بیشترین

۱. نقشه راه، در قالب سه بسته شاخص «شاخصه‌های هویت اسلامی» و اهداف انقلاب اسلامی را تفصیلی‌تر مطرح کرده است؛ بسته اولی که استنباط شده، بسته‌ی شاخصه‌های رفق است. بسته دوم و سوم نیز به ترتیب، بسته شاخصه‌های رشد و همچنین بسته شاخصه‌های توازن می‌باشد. بایستی برای تبیین و وضوح بیشتر این سه بسته شاخصه، رشد انسان را به کشاورزی تشبیه کرد؛ اگر یک کشاورزی مطلوب و یک محصول پُربرکت می‌خواهیم، علاوه بر عنایت خدای متعال باید به سه مسأله توجه کنیم؛ مسأله اول: در کشاورزی به یک مزرعه حاصل‌خیز نیاز داریم؛ کشاورزی در زمین بایر و غیرحاصل‌خیز به نتیجه نخواهد رسید. مسأله دوم: داشتن بذر مرغوب است؛ بدون بذر مرغوب، کشاورزی اتفاق نخواهد افتاد. مسأله سوم: نیاز به آفت‌کشی است؛ برای رسیدن به یک محصول مطلوب، محتاج به مکانیزم مبارزه با آفات هستیم. این سه مسأله مورد وفاق می‌باشد.

ما در قالب بسته‌ی «شاخصه‌های هویت اسلامی» فرآیند رشد جامعه‌ی اسلامی را به فرآیند کشاورزی تشبیه کرده‌ایم. همانطور که در فرآیند کشاورزی نیازمند به یک زمین حاصل‌خیز هستیم، در مسیر رشد جامعه‌ی اسلامی نیز نیازمند حاصل‌خیز کردن وجود انسان‌ها می‌باشیم. از منظر دین مبین با استناد به آیات و روایات فراوان مسأله‌ای که باعث می‌شود جامعه‌ی اسلامی برای رشد آماده شود، موضوعی به نام رفق و محبت است؛ یعنی اگر رفق و محبت در یک جامعه موجود نباشد و یا کم‌عمق باشد، این بدان معناست که آن جامعه آماده‌ی رشد نبوده و رشد آن جامعه با مشکل روبرو خواهد شد. در قالب بسته‌ی شاخصه‌های رفق چگونگی حاصل‌خیز کردن وجود افراد را بررسی کرده‌ایم.

در مثال متذکر شدیم که علاوه بر داشتن یک زمین حاصل‌خیز به یک بذر مرغوب نیز نیازمندیم؛ در قالب بسته شاخصه‌های رشد، بذری که باید در محیط رفق کشت شود را تبیین کرده‌ایم؛ یعنی در قالب بسته‌های رشد، بیان شده است که در جامعه‌ی اسلامی باید چه چیزهایی به انسان‌ها و جامعه‌ی انسان‌ها انتقال پیدا کند تا رشد مدنظر جامعه اسلامی صورت گیرد.

در قالب بسته‌ی شاخصه‌های توازن نیز آفاتی - که مانع رشد در بستر رفق می‌باشند را بیان نموده‌ایم. [۱] همچنانکه بیان شد فرآیند [رسیدن به رشد] به زمین حاصل‌خیز نیاز دارد. آنچه باعث آمادگی جامعه‌ی اسلامی می‌شود موضوعی به نام رفق و محبت است که جایگاه آن برای انسان مانند جایگاه آب و غذا و حتی مهم‌تر از این دو می‌باشد؛ زیرا انسان بدون آب و غذا حیاتش سلب می‌شود اما در صورت سلب رفق و محبت از یک انسان شاهد اتفاقی بدتر از سلب حیات خواهیم بود؛ نتیجه‌ی کاهش رفق و محبت نسبت به یک انسان، عدم تعادل روحی و شکل‌گیری عقده‌های روانی است. در صورت عدم



سطح رفق را داشته باشد. با توجه به این دو نکته، ما نهاد متکفل تربیت را نهاد خانواده می‌دانیم. کدام دو نکته؟ دوباره تکرار می‌کنم؛ اول اینکه تربیت امری تحت مدیریت است و به اصطلاح رکیک یک پروسه (Process)<sup>۱</sup> است، باید آن را دائمی رصد، ارزیابی و بررسی کرد و اینطور نیست که وقتی جمله‌ای را به یک نفر بگوییم - اگرچه آن جمله در حدّ اعلاّی حکمت باشد - کار تربیتی انجام داده باشیم؛ بلکه شما باید به عنوان مقدمه زمینه‌سازی پرمعنی از مسأله رفق را انجام دهید و سپس آن جمله را بیان کنید و پس از آن نیز با یک شیب خاصی آن مسأله را تکرار کنید و سپس محیط تست و آزمایش برای آن گزاره‌ای که به طرف مقابل منتقل کرده‌اید آماده کنید و ... مدیریت تربیت همه این موارد باهم می‌شود؛ به این شکل نیست که شما حدیثی را بخوانید او خیال کنید کار تمام است؛<sup>۲</sup> درست است که همه‌ی می‌دانیم گزاره‌ای صادق‌تر از حدیث وجود ندارد - حدیث یک گزاره‌ی خطاناپذیر است، وقتی راجع به وحی صحبت می‌کنید یعنی راجع به علم خطاناپذیر بحث می‌کنید - و خود حرف، حرف عمیقی می‌باشد - ادبیات وحی بسیار عمق داشته و صادق خطاناپذیر است - اما خواندن حدیث کار تربیتی محسوب نمی‌شود؛ کار تربیتی لوازمی دارد، مثلاً حتماً باید همراه با ذکر باشد؛ قرآن به پیامبران خود می‌فرماید: «ذَكَرْهُمْ يَا أُمَّةَ اللَّهِ»<sup>۳</sup> یعنی تکرار کن و متذکر او باش. چرا؟ زیرا انسان اهل غفلت و نسیان و فراموشی است. پس گفتن یک حدیث باید همراه با ایجاد فضای ذکر و همراه با این موضوع باشد که طرف مقابل احساس کند شما می‌خواهید برای او خیرخواهی کنید؛ پیامبران علیهم‌السلام به امت خود می‌فرمودند ما برای شما ناصح و خیرخواه هستیم، «أَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ»<sup>۴</sup> پیامبران علیهم‌السلام به مردم می‌فرمودند ما از شما اجر و مزد نمی‌خواهیم. در اینصورت مردم کاملاً احساس می‌کردند که پیامبران علیهم‌السلام از اینکه با مردم ارتباط می‌گیرند انگیزه‌ی مالی ندارند. وقتی همه این موارد رعایت شد، کار تربیتی انجام شده است؛ کار تربیتی، امری ذوابعد و به اصطلاح رکیک یک پروسه است، پس حتماً نیاز به مدیریت دارد. مثلاً وقتی شما به یک نفر که نیاز به تربیت دارد می‌رسید و او اصلاً نسبت به شما زمینه رفق ندارد؛ اصلاً شما را به رسمیت نمی‌شناسد. خُب وقتی او

تعادل روحی در شخص، نه تنها نمی‌تواند از نعمت‌های موجود در حیات خود استفاده‌ی مطلوب بکند، بلکه موجب به خطرافتادن حیات خود و دیگران نیز می‌شود. لذا تأثیر جایگاه رفق و محبت در رساندن زندگی به سعادت از همه چیز مهم‌تر است؛ پس در گام اول نیازمند یک بستر محبت و پرمعق هستیم.

مسأله‌ی رفق و محبت یک مسأله‌ی فطری است؛ حتی جوامع توسعه‌یافته - که در آن جوامع به آیات و روایات کفر ورزیده و به سمت انکار حقایق عالم رفته‌اند - قادر به انکار این مسأله‌ی فطری نیستند. مسأله‌ی رفق و محبت مدخل ورودی قرآن در بحث با تمام مردم جهان است؛ در صورت کفر اشخاص به آیات و روایات نیز می‌توان بر سر مسأله‌ی رفق با آنان تفاهم کرد. در همین راستا علت شروع ایده‌ی «الگوی پیشرفت اسلامی» از شاخصه‌ی رفق، جهانی و مورد تفاهم بودن این شاخصه است. با وجود نادیده گرفتن بسیاری از مسائل مورد نیاز انسان در علوم انسانی دانشگاه‌ها، در رشته‌های تخصصی دانشگاهی درباره‌ی مسأله‌ی رفق - به دلیل غیر قابل انکار بودن آن - بحث [فراوانی] شکل گرفته است. این مسأله غیر قابل انکار و غیر قابل حذف از شخصیت می‌باشد؛ یعنی یک شخصیت سالم را نمی‌توان بریده از محبت موجود در محیط دریافت رفق فرض کرد.<sup>[۲]</sup>

۱/ جلسه چهارم از سلسله تبیین اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی در رادیو معارف ۱۳۹۳/۰۵/۱۳

۲/ جلسه پنجم از سلسله تبیین اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی در رادیو معارف ۱۳۹۳/۰۵/۱۴

۲. فرایند

۳. وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ يَاقُوتَا إِنَّا أَخْرَجْنَا قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكَرْهُمْ يَا أُمَّةَ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ / آیه ۵ سوره مباحه ابراهیم

همانا موسی را با معجزات خود فرستادیم، او از او خواستیم که قوم خود را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آر! و روزهای خدا را که روزهای پیروزی مؤمنان و شکست کافران است<sup>۱</sup> به آنان یادآوری کن! بی گمان در این روزهای خدا<sup>۲</sup> برای هر شکیبایی سپاس‌گزار نشانه‌هایی از قدرت، ربوبیت، احسان و انتقام خدا<sup>۳</sup> است.

۴. أَلْبَلَّغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ / آیه ۶۸ سوره مبارکه اعراف

پیام‌های پروردگرم را [قاطعانه] به شما می‌رسانم و برای شما خیرخواهی امینم.

۵. خیرخواهی



رفقی شما را احساس نمی‌کند، قطعاً در نوبت بعد نخواهید توانست برای او بیان داشته باشید. همانطور که آیه را خواندم «**أَتَاكُمُ النَّاصِحُ أَمِينٌ**» تبیین بعد از نصیح به پذیرش رسیده و در وجود افراد رسوخ می‌کند. بنابراین باید برای تربیت یک نهاد مدیریتی وجود داشته باشد تا لحظه‌به‌لحظه این موارد را چک کند؛ وقتی همه‌ی این متغیرها را در امر تربیت تصور کردید قائل می‌شوید که تربیت امری خودرو نیست و یک نهاد متکفل نیاز دارد.

حالا برای انسان‌ها در سن شکل‌گیری شخصیت، نهادی با این ویژگی به غیر از نهاد خانواده وجود ندارد؛ مگر اینکه فهم شما از تربیت غلط باشد. مثلاً آن کسانی که فکر می‌کنند در تشکل‌های امور تربیتی و طرح صالحین<sup>۶</sup> و امثالهم تربیت اتفاق می‌افتد، به نظر ما به این نکات توجه نکرده‌اند. حلقه‌ای که تحت عنوان صالحین تشکیل می‌شود نهایتاً یک سطح بسیار نازل از انتقال اطلاعات دینی و گفت‌وگوهای دینی را انجام می‌دهد و محیط رفاقتی می‌باشد که نمی‌توان آن را کار اصلی تربیتی تلقی کرد. حتماً آثار تربیتی طرحی مانند طرح صالحین، بسیار نازل تر و کم‌عمق تر نسبت به نهاد خانواده می‌باشد و اگر نهاد خانواده مدیریت تربیتی نداشته باشد طرح صالحین نمی‌تواند خسارت‌های ناشی از عدم توجه خانواده به تربیت را جبران کند. همچنین است سایر مدل‌های تربیتی‌ای که برخی از افراد پیشنهاد می‌کنند. برخی پیشنهاد می‌دهند که بر سر کلاس درس رفته و مثلاً به جای درس دینی برای آنها کار تربیتی انجام دهیم. اصطلاح کار تربیتی، اصطلاح مظلومی است و هر کسی هر کاری می‌خواهد انجام می‌دهد و آن را کار تربیتی می‌خواند. این فهم‌ها اشتباه است؛ تربیت، ازدواجی<sup>۷</sup> از تمام مفاهیمی است که بنده به آن اشاره کردم.<sup>۸</sup> بنابراین اگر تربیت چنین ویژگی‌هایی دارد، پس حتماً نهاد متکفل نیز نیاز دارد. این مقدمه اول می‌باشد.

**۲/۲. نهاد خانواده؛ بهترین نهاد برای تکلف امر تربیت به دلیل امکان مدیریت ابعاد گسترده تربیت در این نهاد**

اما مقدمه دومی که باید در کنار مقدمه‌ی اول به آن بپردازیم تا جایگاه مدیریت شهری را در تربیت متوجه شویم این است که نهاد متکفل تربیت یعنی نهاد خانواده تحت تأثیر اموری است؛ در واقع وظیفه‌ی سنگینی به نام تربیت به خانواده منتقل و به او گفته شده است که باید آن وظیفه را انجام دهد؛ حال آنکه خود این نهاد با این رسالت سنگین تحت تأثیر اموری می‌باشد و ممکن است عواملی در درون نهاد خانواده این رسالت بزرگ را به چالش بکشد. یکی از عواملی که در درون نهاد خانواده این رسالت را به چالش می‌کشد، دعوای زن و شوهر در خانه است؛ اصطکاک بین اعضای اصلی خانواده که زن و شوهر می‌باشند همه‌چیز را به باد خواهد داد، این مسأله بسیار مهمی است. در درون نهاد خانواده باید صلح و صفا و صمیمیت به پا باشد. ببینید؛ حتی ممکن است مرد خانه مسأله‌ای را غلط تشخیص دهد و یا خانم خانه نسبت به طرف مقابل خود امری را غلط تشخیص دهد و بگوید که شوهر من اینجا اشتباه کرده است؛ اما هر دو باید به یاد داشته باشند که اشتباه بزرگ‌تر این است که برای رفع این اشتباه به سمت نزاع بروند. وقتی نزاع اصل شد – اگر چه به

**۲/۳. عوامل درونی و عوامل مرتبط با نهاد خانواده؛ دسته اول عوامل به چالش کشیدن نهاد خانواده و در نتیجه از بین رفتن کارکرد تربیتی نهاد خانواده**

۶. طرح تربیتی حال حاضر بسیج کشور که در همه رده‌های آن اعمال می‌شود و هدف آن ارتباط عاطفی با مخاطبان و حرکت آنها به سمت رشد و تعالی است.

۷. یکی از اصول «**فقه حکومتی**» ازدواج مفاهیم در روایات با یکدیگر است؛ استفاده از اصطلاح ازدواج به صورت فنی مطرح شده است. به این معنا که بعضی از مفاهیم، فرزند دو مفهوم پدر و مادر هستند. به عنوان مثال وقتی راجع به مفهوم خانواده بحث می‌کنید، این اصطلاح حاصل ازدواج دو مفهوم «**رفق**» و «**مسئولیت**» است. با این تعریف دیگر معنای خانواده، مسئولیت‌پذیری خشک و رفق نافی مسئولیت‌پذیری نیست.

جلسه پانزدهم از جلسات تبیین چرایی، چیستی و چگونگی مفهوم «**هدایت نظامات ذهنی**» به عنوان مبنای تحلیل موضوعات اجتماعی ۱۳۹۲/۱۲/۲۶

۸. البته در این جلسه خواستم بحث کنم که مثلاً خود مفهوم تربیت از چند مفهوم ترکیب شده تا به وجود آمده است. بعدها باید این موضوع را با یکدیگر مباحثه کنیم.



بهانه‌ی حق - کل فضای تربیتی خانه به چالش کشیده خواهد شد؛ لذا گذشت باید اصل باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛<sup>۹</sup> زیادخواهی‌های مکرر نفس را شُح<sup>۱۰</sup> می‌گویند. خدای متعال می‌فرماید شرط فلاح این است که فرد نسبت به شُح خود وقایه<sup>۱۱</sup> ایجاد کند. همه آدم‌ها در درون خود شُح و طلب‌های دائمی دارند. در آیه دیگر وقتی قرآن راجع به نهاد خانواده صحبت می‌کند می‌فرماید: «وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا»<sup>۱۲</sup>؛ وقتی اختلافی به وجود می‌آید و خانمی نسبت به شوهر خود احساس نشوز می‌کند - احساس می‌کند که شوهرش به او کم‌توجهی کرده است و ممکن است اشکالی به وجود بیاید - قرآن می‌فرماید از هم بگذرید؛ زیرا انسان‌ها دارای شُح هستند؛ به خانم‌ها و آقایان می‌فرماید بدانید که با موجود دارای شُح زندگی می‌کنید. وقتی انسان در دوره آموزش این بحث‌ها را خوانده و مسلط شود، از اول می‌داند در خانه‌ای قرار گرفته است که در آن فضای شُح موج می‌زند. هر دو موجود، دارای شُح و طلب‌های دائمی قطع‌نشده هستند؛ زیرا برای نفس هیچ نهایی متصور نیست، مسأله شُح خیلی جدی است. کسی که این مفاهیم را می‌داند فضا را مدیریت می‌کند. بالاخره دو انسان دارای شُح در زیر یک سقف زندگی می‌کنند و اگر قرار باشد هرکدام شُح خود را پیگیری کند در خانواده به شکل بنیادین اصطکاک ایجاد می‌شود. لذا قرآن به شکل دائمی به گذشت توصیه می‌کند.

۲/۳/۱. عدم شناخت زن و مرد نسبت به ماهیت انسان و نسبت به ماهیت زن و شوهر؛ مهمترین عامل درونی ضربه‌زننده به نهاد خانواده

حالا فرض کنید نهاد خانواده می‌خواهد کار تربیتی را انجام دهد ولی به دلیل اینکه زن و شوهر اینکه همدیگر را نمی‌شناسند - همه ما در دوره آموزش فیزیک و ریاضی و زیست خوانده‌ایم؛ اما انسان‌شناسی را نخوانده‌ایم و در نتیجه انسان‌ها خودشان را نیز نمی‌شناسند - وقتی به درون نهاد خانواده می‌روند اصطکاک اصل می‌شود و در نتیجه مدیریت تربیتی به چالش کشیده می‌شود. پس یک دسته از عوامل که مدیریت تربیت را به چالش می‌کشند عوامل درونی نهاد خانواده است که به نظر «نقشه راه تولید الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» مهمترین عامل درونی‌ای که نهاد خانواده را

۹. وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَتُؤْتُونَ لَهُمْ مِمَّا حَبَّابُوا إِلَيْهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ / آیه ۹ سوره الحشر

و [بخشی از فی] برای کسانی است که در این سرا [سرزمین مدینه -] و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست می‌دارند، و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی‌کنند و آنها را بر خود مقدم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند؛ کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده‌اند رستگارانند!

۱۰. "شُح" عبارت است از بخل توأم با طمع و حرص. بخل یعنی امساک در مقابل جود که بخشندگی است. در قرآن هم کلمه "بخل" و هم کلمه "شُح" آمده است. آنطور که بعضی گفته‌اند بخل عبارت است از همان حالت امساک. در فارسی هم می‌گویم فلان کس آدم بخیلی است یعنی آدم ممسکی است، جود و بخشش ندارد.

شُح، بخل است به علاوه حرص؛ حال ممکن است کسی بخیل باشد یعنی نسبت به آنچه دارد خیلی ممسک باشد اما حرص اینکه باز بیشتر به دست آورد نداشته باشد، حریص نیست اما آنچه را که دارد با گاز انبر هم نمی‌توان از دستش بیرون آورد.

بعضی دیگر حریص هستند آزمند هستند و دائماً می‌خواهند جمع کنند اما متقابلاً بخشنده هم هستند. ولی "شحیح" به آدمی می‌گویند که هر دو را با هم جمع کرده باشد هم آزمند است و دائماً می‌خواهد جمع کند و هم آنچه را که دارد حاضر نیست به هیچ قیمتی جود کند.

مطهری، مرتضی؛ آشنایی با قرآن، ج ۷، ص ۱۸۹

۱۱. الوقایه حفظ الشيء مما يؤذیه و یضره؛ وقایه به معنای حفظ کردن شیء از هر آن چیزی است که آن را اذیت کرده و به آن آسیب می‌رساند.

حسین‌بن‌محمد، راجع اصطفائی؛ المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۵۳۰، ذیل واژه وقی

۱۲. وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِن تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا / آیه ۱۲۶ سوره النساء

و اگر زنی از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش، بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند (و زن یا مرد، از پاره‌ای از حقوق خود، بخاطر صلح، صرف نظر نماید). و صلح، بهتر است؛ اگر چه مردم (طبق غریزه‌ی حب ذات، در اینگونه موارد) بخل می‌ورزند. و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه سازید (و به خاطر صلح، گذشت نمایید)، خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است (و پاداش شایسته به شما خواهد داد).



به چالش می‌کشد، عدم شناخت زن و شوهر نسبت به ماهیت انسانیت و ماهیت زن و شوهری است. البته بنده در این قسمت بر روی یک ویژگی مشترک ایستاده‌ام؛ انسان به ما هو انسان - فرقی نمی‌کند که زن باشد یا مرد - دارای شح است؛ اما ویژگی‌های اختصاصی هم وجود دارد. حالا بحث که مطرح می‌باشد این است که خانواده می‌خواهد تربیت را مدیریت کند اما عوامل درونی این مدیریت را به چالش می‌کشند. پس باید به سمتی برویم که عوامل درونی را مدیریت کنیم تا خانواده بتواند به رسالت اصلی خود برسد، این مسأله اول است.

حال سؤال این است که آیا فقط عوامل درونی خانواده را به چالش کشیده و خانواده را بی‌خاصیت می‌کنند یا عوامل دیگری از بیرون خانواده را به چالش می‌کشند؟ در نقشه راه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت این بحث را مطرح کرده‌ایم که اثر چالشی عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده، خیلی بیشتر از عوامل درونی است، لذا باید مواظبت همگانی اتفاق بیفتد تا نهاد خانواده از بیرون به چالش کشیده نشود.<sup>۱۳</sup> بنابراین درست است که در درون خانواده مسائلی وجود دارد اما از بیرون نیز عواملی نهاد خانواده را به چالش می‌کشند و به یک معنا خانواده از حیث ارتفاع<sup>۱۴</sup> می‌افتد؛ خانواده‌ای که از دورن و بیرون دچار چالش می‌شود، قطعاً کارکرد تربیتی پیدا نخواهد کرد.

**۲/۴. عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده؛ دسته دوم عوامل مضر به نهاد خانواده و لزوم مدیریت این نوع از عوامل برای تقویت نهاد خانواده**

حالا عوامل بیرونی چه چیزی هستند؟؟؟ خیلی ساده است؛ به عنوان شما تصور کنید افراد - هم خانم‌ها و هم آقایان - قبل از اینکه به سن ازدواج برسند در نظام آموزشی در حال تحصیل هستند ولی وقتی کتاب درسی خانم‌ها را ورق می‌زنیم، مشاهده می‌کنیم که در آنها هیچ متنی راجع به امور زندگی مشترک وجود ندارد و در ازای این مباحث خانمی که در نظام آموزشی ما در حال تحصیل است، دیفرانسیل، زیست‌شناسی، فیزیک و ... را یاد می‌گیرد و می‌داند که فلان مسأله‌ی تاریخی چه چیزی بوده است، خلاصه مسائلی را یاد می‌گیرد؛ اما آن چیزی که جای آن برای خانم‌ها خالی می‌باشد این است که مثلاً به آنها بگویند: «ما هو خانواده؟» در مدارس حال حاضر وقتی معلم‌ها بر سر کلاس می‌روند - حتی وقتی که برای آموزش فیزیک می‌روند، ما در حال حاضر هنوز آموزش و پرورش را متحول نکرده‌ایم و باید کارهای میانبری را تعریف کنیم - باید به دانش‌آموزان خود بگویند که ما هو خانواده؟ خانواده چیست، باید سعی‌شان این باشد که ذهن دانش‌آموزان را درگیر این مسأله کنند. نظام آموزشی ما این کار را برای خانم‌ها و آقایان انجام نمی‌دهد و لذا هر دو مثلاً ۲۰ سال تحصیلات دارند ولی تحصیلات آنها مرتبط با نهاد خانواده نیست. وقتی هم به سن ازدواج می‌رسند به همدیگر علاقه‌مند شده و بر سر زندگی مشترک خود می‌روند؛ اما عدم درک آنها از نهاد خانواده، این نهاد را به چالش می‌کشد.

**۲/۴/۱. سیستم آموزشی فعلی کشور؛ یکی از عوامل بیرونی مضر به نهاد خانواده به دلیل عدم آموزش مسائل زندگی مشترک به دانش‌آموزان**

ولی آیا زن و شوهر در این موضوع مقصر می‌باشند؟ خیر، نظام آموزشی مقصر است؛ نظام آموزشی درک از خانواده را در ذهن زن و شوهرهای آینده فربه نمی‌کند و لذا خانواده‌ها با درکی

۱۳. در حال حاضر خود نهاد خانواده از درون دچار چالش است، مسأله‌ای را که بنده عرض می‌کنم همه تجربه کرده‌اید، دوستان متأهل همه این مورد را تجربه دارند و دوستان مجرد هم همه این موضوع را تجربه خواهند کرد. به این شکل نیست که مثلاً الان که بنده راجع به مسأله شح صحبت می‌کنم شما فکر کنید که شح مسأله‌ای است یک روزه یا دو روزه حل شود، گاه مدیریت شح برای یک انسان چهل سال به طول خواهد انجامید، چهل سال مبارزه می‌خواهد تا آدم شح خود را کنترل کند. خیلی مسأله مهمی است، اما در آخرت هم وعده بزرگی داده شده که: «وَمَنْ يُوقِ شَحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» فلاح و رستگاری برای کسی که شح خود را کنترل کند به بار می‌آورد.

انتقال از متن

۱۴. فایده‌داشتن و نفع‌رساندن



حداقلی تشکیل می‌شوند و وقتی خانواده با درک حداقلی تشکیل شد، اصطکاک به عنوان پیش‌فرض خانواده قرار می‌گیرد و به تبع این مسأله، کارکرد تربیتی نیز به چالش کشیده می‌شود. بنابراین نظام آموزشی، جزء عوامل داخلی خانواده نبوده و یک عامل بیرونی است؛ اما تمام بدبختی‌های درونی، متأثر از این عوامل بیرونی است. عوامل بیرونی در فروپاشی نهاد خانواده نسبت به عوامل درونی سهم بسیار بیشتری دارند. چرا؟ چون عوامل بیرونی شکل‌دهنده‌ی اصلی عوامل درونی هستند.

**۲/۴/۲. نظام اقتصادی** آیا ما فقط با نظام آموزشی به عنوان عامل بیرونی ارتباط داریم؟ خیر؛ نظام اقتصادی کشور نیز یک عامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده است؛ وقتی عدالت برای نظام اقتصادی کشور اهمیت نداشت، فاصله طبقاتی در جامعه ایجاد می‌شود و به تعبیر رهبر معظم انقلاب به دلیل استفاده از الگوهای توسعه غربی وال استریت ایرانی تشکیل می‌گردد.<sup>۱۵</sup> وال استریت ایرانی و آمریکایی به صورت ساده به چه معناست؟ یعنی قله‌های ثروت در کنار دره‌های فقر.

وقتی دره فقر وجود دارد و جمعیت زیادی فقیر هستند مجبور می‌شوند دو برابر کار کنند یا اینکه اصلاً شغلی پیدا نمی‌کنند؛ نتیجه‌ی عدم عدالت این است که برخی از افراد اصلاً شغلی پیدا نمی‌کنند و برخی مجبور می‌شوند دو یا سه برابر کار کنند. در هر دو صورت به بهانه‌ی تأمین معیشت نمی‌توانند برای نهاد خانواده وقت صرف کنند. لذا اقتصاد ناعادلانه یک عامل بیرونی مؤثر بر تخریب نهاد خانواده است. یکی از دلایل اینکه گفته می‌شود عدالت بسیار مهم است و اگر نباشد حیات یک جامعه از بین می‌برد این است که عدم عدالت، نهاد خانواده را به چالش می‌کشد و سرچشمه‌ی حیات در تمام جوامع، نهاد خانواده است؛ فقدان عدالت اجتماعی باعث می‌شود که نهاد خانواده به چالش کشیده شود؛ شما مردی را تصور کنید که شرمندگی زن و بچه خود است. در اینصورت جایگاه این مرد در درون خانواده به چالش کشیده می‌شود و پذیرش جدی ندارد تا بتواند کار تربیتی انجام دهد. فرض کنید مردی برای تأمین معیشت خانه‌ی خود مجبور شود که دو برابر

۱۵. آیا بیست سال بعد ما ایرانی با این خصوصیتی که عرض می‌کنم می‌خواهیم؟ ایران مقتدر؛ بیست سال بعد ایرانی مقتدر [می‌خواهیم]؛ مقتدر، یعنی از تهدید دشمنان ریز و درشت احساس هراس نکند، احساس واهمه نکند، به اقتدار خودش متکی باشد؛ ایرانی مقتدر. ایرانی مستقل؛ گاهی یک کشوری احساس هراس هم نمی‌کند از ناحیه‌ی دشمنان بیرونی اما به اتکا یک قدرتی؛ مثل کودکی که به اتکاء پدرش احساس امنیت و قدرت می‌کند. آیا می‌خواهیم این جور باشیم؟ یا نه، می‌خواهیم ایرانی باشد که اقتدارش به اتکاء خودش باشد، مستقل باشد، استقلال داشته باشد؛ ایرانی متدین؛ ایرانی ثروتمند؛ ایرانی برخوردار از عدالت، عدالت اقتصادی، عدالت اجتماعی، عدالت قضائی؛ ایرانی با یک حکومت مردمی؛ ایرانی با حکومتی پاک، جهادگر، دلسوز و پرهیزکار؛ این جور ایرانی می‌خواهیم؛ که این البته یک چیز مطلوبی است یا نه، اهمیتی نمی‌دهیم به این عناصری که گفته شد؛ به این نکاتی که گفته شد خیلی اهمیتی نمی‌دهیم یا حتی با بعضی از آنها مخالفیم؛ [یعنی] ایرانی می‌خواهیم که در آن رونق اقتصادی و رفاه اقتصادی باشد ولو به صورت وابسته‌ی به دیگران. البته چنین چیزی امکان هم ندارد و حالا [خود] این بحث دارد که کشوری که از لحاظ اقتصادی وابسته‌ی به دیگران است امکان رفاه اقتصادی ندارد؛ بله، قله‌های ثروت در آنجاها به وجود می‌آید اما اینکه کشور برخوردار از رفاه و آرامش فکری و اقتصادی باشد، چنین چیزی امکان ندارد. حالا فرض کنید ما می‌خواهیم وابسته باشیم و از لحاظ سیاسی مشکلی در وابسته بودن نمی‌بینیم؛ کم‌اینکه الان بعضی‌ها صریحاً همین حرف را می‌زنند؛ کشوری تک‌محصول - تقریباً مثل الان - متکی به نفت و خام‌فروشی؛ کشوری از لحاظ فرهنگی رها شده؛ کشوری مبتلا به گسست‌های اجتماعی، گسست‌های قومی، گسست‌های دینی و مذهبی، گسست‌های سیاسی؛ کشوری با حاکمیت اشرافی، با قله‌های ثروت از قبیل آنچه در آمریکا [وجود دارد] - وال استریت ایرانی - در مقابل فقر و محرومیت عده‌ی کثیری؛ کشوری با این خصوصیات و این جور چیزی می‌خواهیم. در آمریکا طبق همین اخبار آشکار، هوا که گرم می‌شود، عده‌ای از گرما می‌میرند؛ خب از گرما که در خانه‌ها کسی نمی‌میرد؛ این یعنی بی‌خانمانی، یا وقتی سرما می‌شود از سرما کسان زیادی می‌میرند - که آمارهایش گاهی از دستشان در می‌رود و گفته می‌شود و خیلی اوقات هم گفته نمی‌شود - این یعنی بی‌خانمانی. در کشوری با آن ثروت - آمریکا کشور ثروتمندی است - این معنایش این است که قله‌هایی وجود دارد و در کنار این قله‌ها دره‌های بدبختی و نابسامانی و فقر و محرومیت وجود دارد. خب ما چه می‌خواهیم؟ البته بین این دو شکل، صورت و اشکال گوناگون متوسطی هم وجود دارد.

بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار با جمعی از اساتید دانشگاهها ۱۳۹۵/۰۳/۲۹



کار کند؛ در اینصورت می‌تواند معیشت خود را تأمین کند ولی زمانی نمی‌ماند [تا در کنار خانواده‌ی خود] باشد.<sup>۱۶</sup>

**۲/۴/۳. برشماری ۸۱ عامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده توسط اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی**

حالا آیا فقط اقتصاد عامل بیرونی است؟ ما در نقشه راه ۸۱ عامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده را برشمرده‌ایم. مسأله به قدری مهم است که بنده مکرر گفته‌ام: اولین نقشه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، اولین نقشه‌ی تربیتی کشور است؛ به این معنا که عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده را به بهترین وجه احصا کرده است. این نقشه عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده را به صورت تفصیلی برشمرده است. اگر ما تربیت را می‌خواهیم باید نهاد مدیریت‌کننده‌ی تربیت را نیز بی‌پذیریم و اگر نهاد مدیریت‌کننده‌ی تربیت را می‌خواهیم باید عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد مدیریت‌کننده‌ی تربیت را مدیریت کنیم. پس مقدمه‌ی دوم بنده نیز شکل گرفت؛ اگر عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد متکفل تربیت مدیریت نشوند نهاد خانواده نمی‌تواند کارکرد تربیتی داشته باشد.

**۳. تأمین نیازهای هرم نیازهای چهارگانه خانوار در محله به عنوان یکی از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده؛ ارتباط بین تربیت و مدیریت شهری**

**۳/۱. اصلاح عوامل بیرونی ضدتربیتی مربوط به مدیریت شهری؛ ارتباط بین مدیریت شهری و امر تربیت**

حالا با توجه به این دو مقدمه جایگاه مدیریت شهری و ارتباط آن با تربیت واضح می‌شود؛ در اداره‌ی یک شهر می‌توان شهر را به گونه‌ای اداره کرد که عوامل بیرونی ضد خانواده فربه شوند یا می‌توان شهر را به شکلی مدیریت کرد که نقش عوامل بیرونی ضد خانواده اصلاح شده و کاهش یابد. مهره‌ای که ارتباط بین مسأله تربیت و مدیریت شهری را وصل می‌کند این است که شما نقش عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد متکفل تربیت را در نظر بگیرید. اگر شما مانند بسیاری از کارشناسان درون کشور - که وقتی تریبون صدا و سیما یا منبر مسجد یا کلاس درس در اختیارشان قرار می‌گیرد ابر روی عوامل درونی تمرکز می‌کنند - [تمرکز خود را بر روی عوامل درونی قرار دهید ارتباط بین مدیریت شهری و تربیت را درک نمی‌کنید؛ اما اگر به این نکته‌ی حکیمانه‌ی نقشه راه الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت توجه کنید، ارتباط مدیریت شهری با تربیت را متوجه خواهید شد. این نکته‌ی حکیمانه و حکمت راه‌گشایی که می‌تواند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور را متحول کند چیست؟ این نکته حکیمانه آن است که عوامل مؤثر بر نهاد خانواده دو دسته هستند؛ عوامل بیرونی و عوامل درونی. حالا سؤال اینجاست که آیا عوامل بیرونی بر نهاد خانواده تأثیر بیشتری دارند یا عوامل درونی؟ پاسخ این است که حتماً عوامل بیرونی تأثیر بیشتری دارند. چرا؟ چون عوامل درونی متأثر از عوامل بیرونی می‌باشند. بنابراین ما باید حتماً فکری به حال عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده بکنیم، این، نکته کلیدی بحث است.

۱۶. زمانی بنده به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور - که دوستان ما به آن سازمان کپی‌برداری از تئوری‌های غربی برای ایران می‌گویند - رفته بودم. یکی از کارشناسان مهم آنجا به بنده می‌گفت: من رادیو معارف زیاد گوش داده و مباحث خانواده را در رادیو معارف پیگیری می‌کنم. مطالعات بنده من را به این نتیجه رسانده است که خودم دخترم را به مدرسه ببرم و خودم زمان صرف کرده و او را برگردانم. چرا این کار را می‌کنم؟ چون هیچ فرصت دیگری ندارم تا با دختر خود صحبت کنم. با خودم فکر کردم که چون در یک شهر مدرن زندگی می‌کنم، یا باید تربیت دختر خود را بالکل فراموش کنم یا اینکه خودم وقت بگذارم و حداقل در راه رفت و برگشت مدرسه با او ارتباط عاطفی و تربیتی برقرار کنم و مسائل آموزشی لازم را به او انتقال دهم. این حرف را چه کسی می‌گفت؟ یکی از معاونت‌های مهم سازمان مدیریت کشور. البته آنها مانند مناظراتی مثل مناظره دیشب، این حرف‌ها را نمی‌زنند ولی در جلسات خصوصی اذعان می‌کنند که نظام برنامه‌ریزی‌ای که ما طراحی کرده‌ایم و شهری که درست کرده‌ایم حتی اجازه‌ی ارتباط خود ما با فرزندانمان را نمی‌دهد. پس اگر نظام اقتصادی به چالش کشیده شود ارتباط افراد خانواده - پدر و مادر خانواده - تحت‌الشعاع این اقتصاد غیر عادلانه‌ی وال استریتی قرار می‌گیرد، باید این داستان را مدیریت کرد.

انتقال از متن



**۳/۲. جداسدن مکرر افراد خانواده از یکدیگر در زمان فعلی برای تأمین هرم چهارگانه‌ی نیازهای خانوار و در نتیجه نبود زمان برای تربیت فرزندان؛ عامل بیرونی ضدتربیتی مرتبط با مدیریت شهری**

حالا ما می‌توانیم در شهر کاری کنیم که عوامل بیرونی ضد خانواده فربه شوند. بنده وقتی مثال‌های بحث را عرض کردم ارتباط بین مدیریت شهری و نهاد خانواده - به عنوان نهاد اصلی متکفل تربیت - واضح خواهد شد. به عنوان مثال چهار نوع نیاز برای هر خانواده‌ای متصور است که نیازهای اولیه می‌باشند. در ابتدای این نیازها، نیازهای شغلی خانواده‌ها قرار دارد؛ یک خانواده به این نیاز دارد که شغل خوبی داشته باشد و این مسأله، غیر قابل انکار می‌باشد. نیاز دوم نیازهای تفریحی است؛ خانواده‌ها، محتاج نیازهای تفریحی هستند. نیاز سوم، نیازهای معیشتی و روزمره است؛ خانواده‌های ما اقلام مصرفی روزمره‌ای دارند که باید به صورت روزمره و آسان در اختیار آنها قرار گیرد. چهارمین نیاز، نیازهای فرهنگی و آموزشی است. نیازهای آموزشی - تحصیلی، جزء نیازهای اصلی نهاد خانواده هستند.

حالا فرض کنید در شهری افراد برای تأمین این چهار نوع نیاز اولیه به مشقت بیفتند. به چه معنا؟ به این معنا که - ما این مسأله را به صورت موردی در شهر تهران بررسی کرده‌ایم - وقتی فردی می‌خواهد نان بخرد تا کیلومترها دورتر از محل خانواده‌ی فرد نانواپی برای خرید نان وجود ندارد. در اینصورت چه مشکلی برای او پیش می‌آید؟ مجبور می‌شود وقت قابل توجهی را صرف تهیه نان<sup>۱۷</sup> کند.

به عنوان مثال دیگر باید گفت: در حال حاضر هایپرمارکت تأسیس کرده و می‌گویند: محصولاتی که ما به شما ارائه می‌دهیم ۲۰ درصد ارزان‌تر هستند. در اینصورت افراد مجبور می‌شوند برای تأمین نیازهای روزمره‌ی خود ۴ یا ۵ ساعت زمان صرف کرده و در این ترافیک بروند و بیایند تا اقلامی را ۲۰ درصد ارزان‌تر تهیه کنند. پس افراد خانواده به بهانه تأمین نیازهای معیشتی از هم جدا می‌شوند.

حالا ما می‌گوییم: چون ۲۰ درصد ارزان‌تر است و به اقتصاد خانوار - از این اصطلاحات نیز استفاده می‌کنند - کمک می‌کند اشکالی ندارد که مردم زمان صرف نموده و از هایپرمارکت منطقه خود خرید کنند، ما نرمش قهرمانانه کرده و می‌گوییم اشکالی ندارد. اما برای سطح دوم نیازهای خانواده [ - که نیازهای آموزشی است - ] دو نوع مدرسه وجود دارد؛ برخی از مدارس، کیفیت آموزشی بالا و برخی کیفیت آموزشی پایینی دارند. به دلیل اینکه آموزش و پرورش هزینه سنگینی دارد، دولت‌ها زیاد علاقه‌مند نیستند به این نهاد کمک کنند و به همین دلیل آموزشی‌های خصوصی شکل می‌گیرد و شما مشاهده می‌کنید که مثلاً در یک منطقه، تنها یک مدرسه‌ی ویژه وجود دارد. دولت و نظام آموزشی هم مسأله آموزش را رها کرده و باقی مدارس هم بی‌کیفیت شده‌اند. حالا اعضای خانواده برای تأمین نیازهای تحصیلی مجبور هستند وقت زیادی را صرف کنند. در اینجا نیز استدلال دیگری را مطرح کرده و می‌گویند: فرزند من باید خوب درس بخواند. با این استدلال که فرزند باید خوب درس بخواند او را به منطقه دوری می‌برند و سرویس مدرسه می‌گیرند و به یک‌باره شما مشاهده می‌کنید که رفتن به مدرسه یک ساعت، بازگشت از مدرسه یک ساعت و خود مدرسه نیز شش ساعت زمان می‌برد؛ یعنی ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر به به میزان ۸ ساعت کم می‌شود.

۱۷. در حال حاضر فرد به منزل خود رجوع می‌کند و خانم به او می‌گوید کجا بودی؟ پاسخ می‌دهد به نانواپی رفته بودم. زن می‌گوید: من فکر کردم رفتی گندم بکاری، داشت کنی، برداشت کنی و ساختمان نانواپی بسازی. تهیه نان که برای یک خانه نباید از زمان زیادی ببرد. [حالا الحمد لله به شما نان صنعتی داده‌اند و استفاده می‌کنید و این مسأله نیز عوارض بهداشتی دارد.





همچنین در شهر تهران مدت زمان اشتغال از ۸ صبح تا ۴ بعد از ظهر است و اگر انسان سر کار نرود اصلاً درآمد ندارد ولی چون انسان‌ها مصرفی تربیت شده‌اند و اخلاق‌ها و سبک زندگی تغییر کرده است به این سمت می‌روند که شغل‌های اداری قبول کنند و به مجرد قبول شغل‌های اداری، بخشی از زمان آنها نیز صرف شغل می‌شود و حواسشان به حکمت این روایت نیست که گفته است اجیر شدن، کراهت دارد.<sup>۱۸</sup> می‌دانید که در اسلام کراهت دارد انسان اجیر فرد دیگری شود. سیر این مطلب با توضیحات بنده واضح خواهد شد. همه این مسائل - تأمین نیازهای شغلی، تحصیلی، معیشت و روزمره - حمل و نقل درون شهری را - که ترافیک، دود و خستگی دارد - تحمیل می‌کنند و در نتیجه انسان‌ها خسته می‌شوند و آخر هفته نیز باید نیازهای تفریحی خود را تأمین کنند. البته اگر انسان‌ها زمان داشتند باید هر روز به تفریح می‌رفتند، چون در این شهر خسته می‌شوند. در حال حاضر به بهانه تفریح به فلان شهر یا فلان منطقه‌ی طبیعی رفته و از محیط خانواده خارج می‌شوند.

بنابراین چهار نوع نیاز وجود دارد و افراد خانواده به بهانه هر چهار نوع نیاز از هم جدا می‌شوند. در نتیجه خانواده‌ای که برای در کنار یکدیگر بودن زمان نداشت، مدیریت تربیت را رها می‌کند. معروف است که در تهران پدران وقتی از خانه خارج می‌شوند که فرزند در خواب است و وقتی به خانه می‌آیند که فرزند خوابیده است. ارتباطی وجود ندارد و وقتی ارتباط نباشد مدیریت تربیت رها خواهد شد. چرا این ارتباط وجود ندارد؟ چون مدیریت شهری نیازها را بیرون از محله تأمین می‌کند.<sup>۱۹</sup>

عرض بنده این است که شما به گونه‌ای مدیریت می‌کنید که افراد خانواده به بهانه تأمین نیازهای روزمره چهارمرتب از یکدیگر جدا می‌شوند، این کار را مدیریت شهری انجام می‌دهد. پس در واقع مدیریت شهری به عنوان یک عامل بیرونی ضد نهاد متکفل تربیت عمل می‌کند. الآن ارتباط مدیریت شهری و تربیت کاملاً معلوم شد؛ اگر شما عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده را قبول کنید با نوع مدیریت و اداره شهر می‌توانید عوامل بیرونی ضد نهاد خانواده را کم کرده و این عوامل را بهینه کنید.

حالا چه کاری باید انجام داد؟ در نتیجه مباحثی که بنده عرض کردم بحث اثباتی نیز واضح می‌شود؛ اگر مدیریت شهری تأمین نیازهای خانوار را به محله منتقل کند، اولین خدمتی که انجام داده این است که نهاد خانواده را تقویت کرده و عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده را کاهش

**۳/۳. تأمین نیازهای چهارگانه‌ی خانوار در محله؛ ارتباط بین مدیریت شهری و امر تربیت و تصویر مطلوب مدیریت شهری برای ارتقا امر تربیت**

۱۸. أَحْمَدُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَمَّارِ السَّابِاطِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: 'بِتَجْرِ فَإِنَّهُوَ أَجْرٌ نَفْسَهُ أُعْطِيَ مَا يُصِيبُ فِي تِجَارَتِهِ فَقَالَ لَا يُؤَاجِرُ نَفْسَهُ وَلَكِنْ يَسْتَرْزِقُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَيَتَجَرُّ فَإِنَّهُ إِذَا آجَرَ نَفْسَهُ حَظَرَ عَلَى نَفْسِهِ الرِّزْقَ.

عمار ساباطی می‌گوید: به اباعبد الله (امام صادق علیه السلام) عرض کردم: شخصی می‌تواند تجارت کند، با این حال اگر خودش را اجیر [دیگری] سازد، به اندازه‌ای که خودش تجارت کند، به او داده می‌شود. فرمود: اجیر نشود؛ بلکه از خداوند بزرگ روزی طلبد و دست به تجارت زند؛ زیرا اگر اجیر شود، مانع روزی خود شده است.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۹۰

۱۹. بنده مستأجر هستم و هنگام جابه‌جایی وقتی می‌خواهم خانه انتخاب کنم این شرایط را در نظر می‌گیرم؛ در جایی خانه انتخاب می‌کنم که تأمین نیازهای واجب خانواده‌ی ما برای خانواده کمتر از ۵ یا ۱۰ دقیقه زمان بگیرد تا وقت بیشتری را برای نهاد خانواده بگذاریم. بنده عمده‌ی کارهای خود را در منزل خود و در اتاق خود انجام می‌دهم. در حدیث آمده است که از سعادت مردم این است که شغل او در کنار محل زندگی خود باشد؛ (بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۶، ح ۲۶) ما به این مسأله خوب عمل کرده‌ایم؛ عمده‌ی کارهای خود را در اتاق کناری انجام می‌دهیم. من همیشه به عیال خود می‌گویم: من انسان پرکاری هستم ولی بسیار در کنار خانواده می‌باشم. البته این مدیریت برای شخص بنده امکان دارد ولی وقتی می‌خواهید این مسأله را عمومی کنید باید مدیریت اداره‌ی شهر عوض شود.



خواهد داد و لذا خانواده و تربیت فرجه می‌شود. این هنری نیست که مدیریت شهری هایپرمارکت بزند و بگوید: من یک میلیون نوع یا صدهزار نوع جنس را عرضه می‌کنم. این نوع مدیریت شهری خانواده‌ها را به بهانه‌ی اقلام متنوع به چالش می‌کشد. شما یک میلیون تومان حقوق می‌دهید<sup>۲۰</sup> و حتی اگر یک میلیارد حقوق بدهید ارزش این را ندارد که او نهاد خانواده‌ی خود را نبیند.<sup>۲۱</sup>

ما نباید به گونه‌ای تصمیم بگیریم که تربیت به چالش کشیده شود. پس اگر شما از بنده قبول کردید که تربیت یک امر زیرساختی است؛ با تصور عوامل بیرونی مؤثر بر تربیت می‌توانید نسبت میان تربیت و مدیریت شهری را ببینید. پس آن حرف ما، گزاره صحیحی بود؛ فلسفه مدیریت شهری، ارتقا تربیت است. به نظر بنده این گزاره قابل دفاع خواهد بود. ان شاء الله بنده فردا زوایای دیگری از آثار مدیریت شهری بر مسأله تربیت را بحث خواهیم کرد تا بحث کاملاً روشن شود.

**۳/۳/۱. مدیریت شهری؛  
مصادق نظریه بهبود مستمر  
فضای حاکم بر نهادی  
متکفل تربیت (نظریه  
تربیتی نقشه راه)**

بنابراین بنده در این جلسه یک نکته را بیان کردم؛ همانطور که در نقشه‌ی راه تبیین شده است، در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نظریه‌ای تحت عنوان «بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت»<sup>۲۲</sup> وجود دارد. نظریه‌ای که به ما می‌گوید فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت را باید دائماً بهبود بخشید. این نظریه در مصادق خود به مدیریت شهری می‌رسد؛ مدیریت شهری

۲۰. حالا البته مسأله فیش‌های حقوقی نیز مطرح شده است؛ به یک کارمند ۵۹ میلیون تومان حقوق می‌دهید، حتماً خیلی زحمت می‌کشد! ۲۰۰ میلیون تومان حقوق می‌دهید.

*انتقال از متن*

۲۱. البته خیلی کم هستند افرادی که این فیش‌های حقوقی را می‌گیرند و عمده افراد این پول را دریافت نمی‌کنند.

*انتقال از متن*

۲۲. دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در نشست تبیین نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادی متکفل تربیت در حوزه علمیه مروی (۱۳۹۳/۰۶/۳۱) به تبیین این نظریه پرداختند. ایشان در این نشست به مقدمات چهارگانه‌ی نظریه بهبود مستمر اشاره‌ای داشتند: در مقدمه اول باید جایگاه مسأله تربیت به عنوان یک مسأله‌ی جهت‌ساز و غیر قابل انکار مورد بازخوانی قرار گیرد. از منظر اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی مسأله تربیت در حکم زیرساخت و ریشه همه مسائل جهت‌ساز موضوعیت دارد و بدون توجه و برنامه‌ریزی برای این موضوع، همه‌ی موضوعات جهت‌ساز دچار آسیب و نقصان خواهند شد. در مقدمه دوم باید جایگاه نهادهای متکفل برنامه‌ریزی برای تربیت از منظر اسلام و جایگاه بی‌بدیل خانواده در فرآیند تربیت را مورد بازخوانی قرار دهیم. از منظر اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی نباید تحت عنوان برنامه‌ریزی برای تربیت جایگاه خانواده در فرآیند تربیت تضعیف و نهادهای موازی با خانواده برای تربیت تعریف شود. مجموعه برنامه‌ریزی‌های تربیتی و آموزشی در جامعه باید به تقویت و احیای نقش خانواده در فرآیند تربیت منتهی گردند ولی در وضعیت فعلی تضعیف جایگاه نهاد خانواده در فرآیند تربیت به جایی رسیده است که بسیاری از خانواده‌ها تربیت را به نهادهایی مانند آموزش و پرورش تفویض نموده‌اند. استدلال اصلی برای اعلام ناکارآمدی نهادهای جایگزین خانواده در فرآیند تربیت، به جایگاه رفیق و محبت در فرآیند تربیت بازگشت دارد. فقدان یا کمبود رفیق در نهادهای جایگزین خانواده برای تربیت، تحقق تربیت را با چالش روبرو می‌کند. در مقدمه سوم، عوامل مؤثر بر تقویت و احیای نهاد خانواده در فرآیند تربیت مورد بررسی قرار می‌گیرد. از منظر اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی عوامل مؤثر بر نهاد خانواده را می‌توان در دو دسته کلی "عوامل درونی مؤثر بر نهاد خانواده" و "عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده" (فضای حاکم بر نهاد خانواده) دسته‌بندی کرد. مراد از عوامل درونی مؤثر بر خانواده عواملی هستند که مدیریت آنها در اختیار اعضای خانواده می‌باشد. پرهیز از نزاع در میان زن و شوهر، نامگذاری صحیح و متعالی برای فرزند و ... از جمله این عوامل محسوب می‌شوند. همچنین از منظر این نقشه راه مراد از "عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده و تربیت" مجموعه عواملی هستند که ضمن تاثیرگذاری بر فرآیند تربیت، مدیریت آنها از حوزه تصرف و اختیار اعضای خانواده خارج است. آثار سوء نظام آموزش فعلی کشور بر نهاد خانواده و آثار سوء اتکاء به اصل آهنین منافع شخصی (حرص) در فرآیند جمع و تشکیل سرمایه در نظام اقتصادی فعلی کشور (عملکرد ضد تربیتی بانک‌ها) نمونه‌ای از عوامل بیرونی مؤثر بر تربیت و نهاد خانواده تلقی می‌شود. از منظر اولین نقشه راه تولید الگوی الگوی پیشرفت اسلامی عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده (فضای حاکم بر نهاد خانواده) از ساختار اداره جامعه تبعیت می‌کند و برای احیای جایگاه نهاد خانواده در فرآیند حیاتی تربیت - در گام اول - نیازمند مدیریت و بهبود مستمر این عوامل هستیم. بدون توجه به جایگاه عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده برنامه‌ریزی‌های مرتبط با عوامل درونی تربیت با تضعیف و چالش جدی روبرو خواهند شد. در مقدمه چهارم الگوی پیشنهادی اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی برای مدیریت و بهبود فضای حاکم بر نهاد خانواده تبیین می‌گردد. از منظر نقشه راه برای مدیریت و بهبود مستمر فضای حاکم بر نهاد خانواده نیازمند تحقق سه گام ۱. شناسایی مستمر ابعاد و اجزای فضای حاکم بر نهاد

می تواند فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت را بهبود ببخشد و می تواند بهبود نبخشد و حتی فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت را تخریب کند. لذا مدیریت شهری ذیل نظریه‌ی بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت معنا می شود.

حالا ان شاء الله بنده بحث فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را بیشتر تبیین خواهیم کرد. وقتی فلسفه آن تبیین گردید بعدها به سؤالات مرتبط با این بحث و اینکه باید چه کار کنیم پاسخ خواهیم داد. البته بنده همین امروز اشاره کردم که باید مدیریت محله‌ای را در دستور کار قرار دهیم. همین حالا با این تعریفات مختصر معلوم می شود که آیا محله‌یاری‌هایی<sup>۲۳</sup> که در شهرداری تهران وجود دارند مرادشان از محله، محل تأمین نیازهای خانوار است یا نه؟ پاسخ منفی است؛ یعنی این نوع از مدیریت محله‌ای بر روی این امر حساسیت ندارد. شاید از ۳۰۰ یا ۴۰۰ محله‌ای که در شهر تهران وجود دارد - بنده آمار دقیق نمی‌دهم، بررسی‌های ما باید تکمیل شود - ۱۰۰ محله - به دلیل اینکه حول امامزاده‌ای بوده‌اند و یا اینکه مشکلاتی وجود داشته و آنها مدرن نشده‌اند یا به هر دلیل دیگری - ماهیت محله‌ای نزدیک به تعریف اسلامی دارند. پس نتیجه بحث ما این است که فعلاً این محله‌ها را حفظ کرده و برای آنها برنامه‌ی ترمیم بنویسیم، اینها را بحث خواهیم کرد. ولی مسأله مهم این است که شما بتوانید از فلسفه مدیریت شهری با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت دفاع کنید؛ اگر دفاع نکنید پایگاهی مفهومی برای تبیین باقی حرف‌های خود نخواهید داشت.<sup>۲۴</sup> پس به حرف جلسه دیروز بنده نزدیک می‌شویم که گفتم: ضعف مدل‌های اداره جامعه و تحصیلات دانشگاهی کشور این است که عنوان فلسفه رشته مربوط به خود را نمی‌خوانند.<sup>۲۵</sup>

و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد ﷺ

خانواده ۲. پیشنهاد راه حل برای بخش‌های مختلف جامعه با ملاحظات تربیتی و ۳. نسبت‌سنجی میان اجزای فضای حاکم و ایجاد هماهنگی بخشی و کلان در میان آنها در راستای پشتیبانی از نهاد خانواده می‌باشیم.

*نشست تبیین نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت در حوزه علمی مروی ۱۳۹۳/۰۶/۳۱*

۲۳. شورایاری‌ها نهادهای محلی هستند که در دهه ۱۳۸۰ در ایران پدید آمدند. وظیفه این نهادها انجام برخی امور برای کمک به شوراهای محل در شهرهای ایران است.

۲۴. اگر دوستان به نمونه‌سازی اول ما دقت کرده باشند در می‌یابند که ما وقتی در آن نمونه‌سازی وارد بحث شدیم، سؤالی مشابه همین فلسفه‌ی مدیریت شهری را مطرح کردیم. در آنجا گفته‌ایم "انتظار انقلاب اسلامی از نظام برنامه‌ریزی کشور چیست؟" وقتی این انتظار را مطرح کردیم توانستیم باقی حرف‌های خود مطرح کنیم.

*انتقال از متن*

۲۵. ان شاء الله وقتی بنده الگوی دفاع و امنیت را بحث کردم، بحث اصلی ما در TRLی - به اصطلاح رکیک - که برای تکنولوژی دفاع می‌نویسم این است که فلسفه‌ی دفاع چیست. وقتی به درک مشترکی از دفاع و به اصطلاح بنده به یک مکتب دفاعی مشترک رسیدیم، TRL جدیدی برای مدیریت تکنولوژی تعریف خواهیم کرد. بعدها در موضوع دفاع، TRL و فرایند مدیریت تکنولوژی اصل نمی‌شود و ما مراحل هدایت‌بنیان بودن دفاع را تصویر می‌کنیم. بالاخره وقتی شما می‌گویید دفاع، هدایت‌بنیان است، مرحله‌ی را برای آن تعریف می‌کنید و وزاری محترم دفاع می‌توانند بر اساس این مراحل، برنامه‌ی اقدام نوشته و ارزیابی کنند. ان شاء الله این مباحث را تبیین خواهیم کرد.

*انتقال از متن*



## پرسش و پاسخ

### ۱. ضربه‌خوردن نهاد خانواده از بیرون؛ ملاک اصلی ارزیابی طرح‌ها و برنامه‌ها و لزوم تطبیق این مسئله بر موضوعات مختلف

یکی از حاضرین (۱): سلام علیکم، در بحث هایپرمارکت باید بگوییم: در حال حاضر غربی‌ها طرحی را طراحی کرده‌اند که یخچال منزل به سوپرمارکت وصل می‌باشد و خود سوپرمارکت تشخیص می‌دهد که یخچال شما چه چیزهایی کم دارد. طبیعتاً در اینصورت خانواده‌ها در کنار یکدیگر خواهد ماند و این اتفاق با نکته‌ای که شما گفتید مقداری مغایرت دارد.

**حجت‌الاسلام کشوری:** بنده قصد داشتم همین مثال را بزنم. ملاک بحث این است که از بیرون برای نهاد خانواده چالشی ایجاد نشود. شما این ملاک را در ذهن خود تنقیح بفرمایید، چون مناط<sup>۲۶</sup> بحث باید واضح باشد. ملاک و مناطی که در ذهن شما واضح است چه چیزی می‌باشد؟ چیزی نباید از خارج به نهاد خانواده ضربه بزند.

حالا این ملاک ممکن است ده مصداق داشته باشد، همچنین گاهی از اوقات ممکن است ۵ مصداق داشته باشد و در دوره‌ی دیگری اصلاً مصداق نداشته باشد. فعلاً مثالی که بنده زدم در کشور ایران جاری بوده [و مصداق این مناط و ملاک است؛] در حال حاضر مدل تأمین نیازهای معیشتی در قالب هایپرمارکت‌ها رابطه‌ی افراد را به هم می‌زند. لکن ممکن است کسی بگوید اعضای خانواده با هم به خرید می‌روند و ما الآن با پدیده خرید خانوادگی روبرو هستیم، یا اینکه با مثالی که شما زدید روبرو می‌باشیم. در اینصورت نهاد خانواده از این حیث ضربه می‌خورد که افراد خانواده در مقابل تنوعی از اقلام مصرفی قرار می‌گیرند. چرا در اینصورت نهاد خانواده ضربه می‌خورد؟ چون وقتی انسان، مصرفی شده و از قناعت فاصله بگیرد، شُحّ او فربه می‌شود و در نتیجه مصرف ارتقاء پیدا می‌کند. شما اشکال کردید که افراد با یکدیگر به خرید می‌روند؛ یعنی پدر و مادر و فرزندِ ذکور و فرزند دختر خانواده با یکدیگر به هایپرمارکت رفته و چهار ساعت در هایپرمارکت هستند در حالی که فرزند در سنین تربیت قرار دارد. در این خرید خانوادگی پدر به فرزند خود می‌گوید: بابا جان! از بین این ۲۰۰ شکلات یک شکلات را انتخاب کن؛ ظاهر این کار این است که این کار رفق و محبت می‌باشد اما با توجه به اینکه دخترخانم‌ها در خرید بسیار دقت می‌کنند زمان کافی‌ای را برای خرید یک شکلات صرف می‌کنند و شما فرض کنید این کار چندین سال طول بکشد. در اینصورت چه اتفاقی می‌افتد؟ شما به بهانه‌ی تأمین نیازهای مصرفی، فرزند خود را روی نوع مصرف حساس کرده‌اید؛ یعنی فرزند در مصرف خود وسواس‌های بسیار جدی به خرج می‌دهد. همچنین شما تنوع‌خواهی را در او فربه نموده‌اید. بنابراین هایپرمارکت از این حیث نیز خانواده را به چالش می‌کشد؛ چرا خانواده را به چالش می‌کشد؟ چون کافی است انسان تنوع‌طلب شود تا این تنوع‌طلبی بعدها در انتخاب همسر نیز ظهور کند، من نهایت بسیار خطرناک را مطرح کردم. باید جلوی ذائقه‌ی تنوع‌طلبی را گرفت. لذا وقتی جوامع مصرفی می‌شوند، شُحّ انسان‌ها تقویت می‌شود و "تقویت شُحّ از بیرون" دارای ملاک و مناطی که عرض کردیم [- به چالش کشیده شدن خانواده از بیرون -] می‌باشد. مثال شما نیز این ملاک و مناط را دارد. بنابراین از شما خواهش می‌کنم در تمام مباحث ملاک را اصل قرار دهید. گذشته از این الآن و در زمان فعلی ملاکی که عرض کردم در مثالی که مطرح نمودم موجود است.

۲۶. مناط به معنای جای آویختن از ریشه نوط به معنای آویختن است [۱] و مجازاً به معنای علت به کار می‌رود. [۲]

[۱]. محمد بن ابی‌بکر زین‌الدین رازی؛ مختار الصحاح، ج ۱، ص ۳۲۱، ذیل ماده «نوط»

[۲]. البحر المحیط فی اصول الفقه، محمد بن بهادر زرکشی، ج ۵، ص ۲۵۵

## ۲. لزوم فهم معنای مدیریت مطلوب مدیریت شهری با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی پیش از عملیاتی کردن آن و فهم این معنا از طریق نمونه‌سازی

آقای دانیال محمودی: بنده سؤالی راجع به تنوع‌طلبی مردم جامعه - که از آثار شوم مدرنیته و توسعه است - داشتم. سؤال من این است که در حال حاضر مردم ما تنوع‌طلب هستند و شما فرمودید خانواده نباید تنوع‌طلب شود و هایپرمارکت یکی از عواملی است که تنوع‌طلبی را ایجاد می‌کند، چون در آنجا تنوع محصولات زیاد است. من از بُعد دیگری سؤال می‌کنم؛ مردم ما در حال حاضر تنوع‌طلب هستند؛ در حال حاضر برنامه‌های مجازی نیز به راحتی در دسترس است و مردم می‌توانند تنوع‌طلبی خود را از این فضا به دست آورند، نرم‌افزارهایی وجود دارد که این تنوع را به آنها نشان می‌دهد و افراد تنوع را می‌بینند، یعنی شاید نتوان تنوع‌طلبی از این جهت درمان کرد. در حال حاضر جوانی در منطقه‌ای تفریح می‌کند و دوست دارد که برای تفریح به جای دیگری نیز برود، یعنی تنوع‌طلب است. سؤال من این است که اگر ما تمام نیازها را در محله تأمین کنیم فکر نمی‌کنید تنوع‌طلبی مردم می‌تواند در هر چهار نوع نیاز افراد جریان داشته باشد؟ فکر نمی‌کنید تنوع‌طلبی می‌تواند ایده‌ی شما را به نوعی مخدوش کند؟ یعنی طرف مقابل به محله خود محدود نشده و بخواهد که در محله دیگر نیز تفریح کند. با توجه به اینکه تنوع‌طلبی بسیار جریان دارد چگونه می‌توان این امر را مدیریت کرد؟

**حجت‌الاسلام کشوری:** پاسخ روشن است؛ این بحث را به صورت دفعی نمی‌توان مدیریت کرد. پیش‌فرض سؤال شما این است که قصد دارید این مسأله را به صورت دفعی مدیریت کنید. شما باید این پیش‌فرض را کنار بگذارید؛ همانطور که عرض کردم تربیت یک پروسه می‌باشد، یعنی زمان در آن اصل است. بنابراین امروزه کار دفعی امکان ندارد. تمام مواردی که شما فرمودید حتی در لایه‌های اولیه دفعتاً به وجود می‌آید.

منتهی نکته مهم این است که اگر نهاد خانواده آرام‌آرام فربه شود خاصیت ارتباطات انسانی کنترل شُخ - حتی در لایه‌های اولیه - می‌باشد؛ شخ از درون کنترل می‌شود و لذا بعداً مسأله‌ی تنوع نیز به چالش کشیده می‌شود. حرف‌های اسلام خیلی مسیر پیچیده‌ای ندارد ولی تثبیت آن مشکل است، خود حرف روشن می‌باشد. اینکه می‌فرمایند: *إِنَّ أُمَّرًا صَعَبٌ مُسْتَصْعَبٌ* به این معناست که امر اهل بیت علیهم‌السلام از حیث فهم‌شدن نسبت به حیث تحمل‌شدن آسان‌تر است؛ همواره دو حیث یک مسأله را سخت می‌کنند؛ حیث اول این است که فهم مسأله‌ای برای انسان سخت باشد، در اینصورت خواهند گفت که امر، امر سختی است. حیث دیگر آن است که بخواهد به امری عمل کند. *ان أُمَّرًا صَعَبٌ مُسْتَصْعَبٌ وَ حَدِيثُنَا صَعَبٌ مُسْتَصْعَبٌ*<sup>۲۷</sup> بیشتر از حیث عمل سخت است نه از حیث فهم. لذا مسائل اسلامی، مسائل روشن هستند؛ به عنوان مثال اگر شما روابط را انسانی کنید، تمام مشکلاتی که شما فرمودید به چالش کشیده می‌شوند؛ یعنی شاخص ارتباطات باید به جای ارتباط با محیط و ارتباط با مصرف، ارتباط انسان‌ها با یکدیگر - که مظهر آن نهاد خانواده است - را اصل قرار دهد. این، اصل بحث است که جلوی تنوع را نیز گرفته، زهد ایجاد نموده و شُخ را کنترل می‌کند. این راه حل است ولی جا انداختن و عمل کردن به آن بسیار سخت می‌باشد و

۲۷. قال أمير المؤمنين عليه السلام إن أمرنا صعب مستصعب لا يحتمله إلا عبد امتحن الله قلبه للإيمان

امام علی عليه السلام می‌فرمایند: امور ما صعب و مستصعب است و کسی آن را حمل نمی‌کند مگر بنده‌ای که خداوند قلب او را برای ایمان امتحان کرده باشد.

مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۱۲، ح ۱۱۳

سلامة بن الخطاب، عن محمد بن المثنی، عن أبي عمران النهدي، عن المفضل قال: سمعت أبا عبد الله يقول: حديثنا صعب مستصعب لا يحتمله إلا ملك مقرب، أوني

مرسل، أو مؤمن امتحن الله قلبه للإيمان

مفضل می‌گوید از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌گوید: حدیث و سخن ما صعب و مستصعب است و کسی آن را حمل نمی‌کند مگر اینکه ملک مقرب باشد یا پیامبر مرسل یا مؤمنی که خداوند قلب او را برای ایمان امتحان کرده باشد.

همان، ص ۱۹۱، ح ۳۱

ممکن است ۲۰ سال طول بکشد تا ما این مسأله را از بین ببریم؛ اما بعد از ۲۰ سال شُج را کنترل کرده‌ایم. بعد از جنگ حدود ۲۰ سال است که سعی می‌کنند جامعه‌ی ما را مدرن کنند و ما نیز بعد از فهم مسأله‌ی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید ۲۰ سال شیفت معکوس کنیم.<sup>۲۸</sup> به هر حال شما فعلاً باید فهم مطلوب را اصل داستان قرار دهید و همانطور که عرض کردیم نمونه‌سازی کمک می‌کند تا وضعیت مطلوب را درک کنید. حالا اگر جنگ نشد، سخت‌تر و اگر جنگ شد آسان‌تر به سمت مطلوب حرکت می‌کنیم. ولی مشکل ما چیزهایی که شما می‌گویید نیست؛ بلکه مشکل این است که همه می‌دانند اوضاع به هم ریخته است اما نمی‌توانند مطلوب را تصویر کنند؛ تصویری از دفاع مطلوب، مدیریت شهری مطلوب، نظام برنامه‌ریزی مطلوب و ... وجود ندارد. لذا شما باید کارکرد نمونه‌سازی را در حدّ خودش بپذیرید؛ ما فعلاً با نمونه‌سازی قصد داریم مشکل تصویرسازی آینده را حل کنیم. کسانی که در مسأله نمونه‌سازی اول قلم زدند، تصویر روشنی در ذهنشان وجود دارد. وظیفه‌ی نظام برنامه‌ریزی‌ای که ما تعریف می‌کنیم شناسایی، تبیین و رفع عدم توازن‌های فرهنگی است.<sup>۲۹</sup> ما تمام سطوح این مطلب را بحث کرده‌ایم و در آینده نیز بیشتر بحث خواهیم کرد. در انتهای این دوره نیز مشخص می‌شود که مدیریت شهری مطلوب، مدیریت شهری محله‌محور است، منتهی نه محلات TOD بلکه محلات اسلامی خانواده‌محور؛ از نظر اسلامی محله به معنای محیط همسایگی است، شما باید محیط همسایگی را حفظ کنید. پس از بحث این مباحث تصویر مطلوبی در ذهن شما شکل خواهد گرفت. البته باید کارهایی نیز در دوره‌ی پردازش الگو انجام دهیم؛ قطعاً ما پردازش دفعی نداریم و نظام‌سازی امری تدریجی می‌باشد. جملات امام خامنه‌ای علیه السلام را که مطالعه کرده‌اید؟ نظام‌سازی امری تدریجی است و نظم‌ها آرام‌آرام تغییر می‌کنند<sup>۳۰</sup> ولی نقطه آغاز نظام‌سازی تدریجی، نظام‌سازی ذهنی یا هدایت است و نظام‌سازی ذهنی یا هدایت نظامات ذهنی، به نحو اتمّ از طریق نمونه‌سازی محقق می‌شود.

### ۳. شکل‌دهی عوامل بیرونی مؤثر بر تربیت به عوامل درونی؛ نسبت بین عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر تربیت

آقای حامد ملک‌زاده: بسم الله الرحمن الرحیم، حاج آقا! دو سؤال داشتم؛ اگر درست فهمیده باشم مدیریت شهری ساختاری برای بهینه‌شدن عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده می‌باشد. سؤال من این است که آیا عوامل درونی تبعی از عوامل بیرونی هستند یا عوامل درونی نیز باید ساختاری داشته باشند؟ سؤال دوم این است که نسبت بین نمونه‌سازی اول - که انجام شده و شما در جلسه‌ی اول آن را توضیح دادید - و مدیریت شهری چیست؟

۲۸. البته همیشه گفته‌ام و باز هم می‌گویم که به احتمال جدی جنگی اتفاق خواهد افتاد. در اینصورت این جنگ کاتالیزور (Catalyst) شیفت معکوس ما خواهد بود، چنین امدادهای الهی‌ای در راه است.

*انتقال از متن*

۲۹. ما در ساختار سوم پیوست الگوی پیشرفت اسلامی این نکته را مطرح کرده‌ایم که شناسایی و رفع عدم توازن‌های فرهنگی، نقطه آغاز دولت‌سازی اسلامی است. ما در نظام برنامه‌ریزی کشور اصطلاحی موسوم به عدم توازن‌های فرهنگی را مطرح کرده‌ایم. این اصطلاح، در مقایسه با اصطلاح عدم توازن‌های اقتصادی - که جریان توسعه‌گرا مطرح کرده - مطرح شده است. تعریف‌مان از اصطلاح عدم توازن‌های فرهنگی، امور ناهماهنگ با هدایت‌بنیان اداره کردن اداره جامعه است. در واقع ما هر امری که به هدایت جامعه مضر باشد را نامتوازن دانسته و آن را در حوزه‌ی اداره جامعه یک امر نامتوازن به حساب می‌آوریم. پس بنابراین نقطه‌ی آغاز دولت‌سازی اسلامی [- فراهم کردن زیرساخت‌های هدایت -] کشف عدم توازن‌های فرهنگی - به این تعریفی که عرض کردم - می‌باشد. [۱]

ما گفته‌ایم کشف عدم توازن‌ها باید به محوریت هدایت در جامعه باشد. هدایت، بنیان اداره جامعه است و هر آنچه در تعارض با هدایت جامعه باشد، یک امر ناهماهنگ و ناموزن محسوب می‌شود. لذا اگر نیروهای انقلاب بتوانند حتی در یک حوزه یک امر نامتوازن با هدایت جامعه را شناسایی کنند - یعنی هدایت جامعه را پایه‌ی تعادل قرار داده و امور نامتوازن با آن را شناسایی کنند - اتفاقی که می‌افتد این است که توانسته‌اند دولت‌سازی را از آن نقطه آغاز کنند. [۲]

[۱]. گفت‌وگوی دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با خبرگزاری مهر ۱۳۹۵/۰۳/۰۳

[۲]. نشست تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی در دانشگاه امام صادق علیه السلام ۱۳۹۵/۰۳/۰۴

۳۰. پژوهشگر به سند این مطلب دست نیافته است.

**حجت‌الاسلام کشوری:** در نسبت بین عوامل درونی و عوامل بیرونی، باید نسبت بین فطرت و شخصیت را تحلیل کرد؛ ما در جلسه گذشته عرض کردیم که انسان‌ها دارای فطرت هستند و خدای متعال تمام انسان‌ها را یک نوع و بر اساس یک فطرت خلق کرده است. تعبیر قرآن این است که *فَطَرَتِ اللّٰهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا*<sup>۳۱</sup>؛ قرآن فرموده است: فطر المؤمنین علیها یا فطر الکافرین علیها. مردم از حیث ناس بودن بر آن فطرت خلق شده‌اند، این نکته‌ی اول است.

شما می‌پرسید عوامل بیرونی چه کاری انجام می‌دهند؟ من در جواب می‌گویم عوامل بیرونی شکل‌دهنده‌ی فطرت هستند. وقتی فطرت شکل پیدا می‌کند نام آن شخصیت می‌شود، شخصیت، فعلیت فطرت است. چه چیزی فطرت را به شخصیت تبدیل می‌کند؟ محیط اطرف؛ بنابراین نسبت بین عوامل بیرونی به عوامل درونی نسبت بین اثرگزاری محیط بر فطرت است که خروجی آن شخصیت می‌شود. این پاسخ سؤال اول شماست.

#### ۴. برنامه‌ریزی توسط مدیریت شهری و پشتیبانی نظام برنامه‌ریزی کشور از مدیریت شهری؛ ارتباط بین نمونه‌سازی اول و نمونه‌سازی دوم

اما در مورد بحث دوم که نظام برنامه‌ریزی کشور چه کاری انجام می‌دهد و نسبت آن با مدیریت شهری چیست باید بگویم: نسبت مدیریت شهری با نظام برنامه‌ریزی در وضعیت فعلی این است که مدیریت شهری عامل نظام برنامه‌ریزی می‌باشد. به عنوان مثال تمام طرح و برنامه‌ی وزارت‌خانه‌ها برای اینکه کار خود را جلو ببرند این کار را توسط اداره‌ی کل خود در شهر انجام می‌دهند؛ بنابراین در حال حاضر تمام نهادها اعم از سازمان مسکن، شهرداری، اداره‌ی اقتصادی و اتاق بازرگانی شهرها عامل نظام برنامه‌ریزی در مرکز هستند؛ اما در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نظام برنامه‌ریزی پشتیبان مدیریت شهری است؛ یعنی خود مدیریت شهری برنامه‌ریزی می‌کند. سؤال شما، سؤالی فنی است و من هم فنی جواب می‌دهم؛ اصل در برنامه‌ریزی آمایش سرزمینی<sup>۳۲</sup> است و در نظام برنامه‌ریزی موجود هر کس آمایش سرزمینی انجام ندهد، برنامه‌اش کاربردی نخواهد بود. حالا سؤال این است که آیا آمایش سرزمینی از طریق مدیریت متمرکز دقیق‌تر است یا از طریق مدیریت غیر متمرکز؟ قطعاً پاسخ این سؤال آن است که اگر یک مدیریت بومی غیر متمرکز وجود داشته باشد، هم از حیث بومی بودن و هم از حیث اینکه حوزه کار سبک‌تر است باعث می‌شود که آمایش سرزمینی دقیق‌تر صورت گیرد. بنابراین به دلیل اینکه اصل در برنامه‌ریزی آمایش سرزمینی است، در آینده مدیریت شهری باید برنامه‌ریزی کند، چون آمایش دقیق‌تری انجام می‌دهد. بحثی که بنده عرض می‌کنم، بحثی فنی است. به عنوان مثال من در حوزه‌ی کشاورزی آمایش سرزمینی وزارت جهاد را در تمام شهرهای

۳۱. *فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتِ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَدِيمُ وَلَكِن كَثُرَتِ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ* / آیه ۳۰ سوره مبارکه روم پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

۳۲. برخی آمایش سرزمین را نوعی برنامه‌ریزی بلندمدت برای توزیع بهتر جمعیت، امکانات و فعالیت‌های مختلف به منظور افزایش رفاه، آسایش و هماهنگی جامعه می‌دانند. [۱] به لحاظ مفهوم آمایش سرزمین ایجاد تعادل بین سه عنصر انسان، فضا و فعالیت تعریف شده است که در ارتباط با انسان مقوله مدیریت مطرح است و در رابطه با فضا بحث اقلیم مطرح است و در رابطه با فعالیت مقوله برنامه و برنامه‌ریزی برجسته می‌شود، یعنی مفهوم آمایش تلفیقی از سه علم مدیریت و اقتصاد، جغرافیا و جامعه‌شناسی است. [۲] همانگونه که از واژه کاوی این اصطلاح پیداست در دل خود دو میحث مهم برنامه‌ریزی و مدیریت را دارا می‌باشد. بخش مهمی از مقوله آمایش سرزمین موضوع مدیریت داشته‌هاست. به عبارت ساده‌تر انسان باید آن استفاده‌ای را از سرزمین به عمل آورد که ویژگی‌های محیطی، انسانی و طبیعی (اکولوژیکی) سرزمینی بالقوه در نهان خود دارا می‌باشد و سپس این ویژگی‌ها را بر اساس نیازهای اقتصادی و اجتماعی خود مدیریت کند. به زعم برخی از صاحب‌نظران آمایش سرزمین بهترین، ارزان‌ترین و مؤثرترین راه حل مدیریت و برنامه‌ریزی محیط زیست، مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی است. [۳]

[۱]. هنری، ویلیام؛ برنامه تحصیلی: چشم‌انداز، پارادایم و امکان‌پذیری، ص ۲۹۲

[۲]. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی: وحیدی، پریدخت؛ آمایش سرزمین: راهنمایی برای برنامه‌ریزی آموزش عالی، ص ۷۶

[۳]. مخدوم، مجید؛ حفاظت از محیط زیست چیست؟ حمایت از محیط زیست کدام است؟، ص ۱۴-۱۷

ایران دیده‌ام؛ دوستان به بنده اطلاع دادند که آمایش هر منطقه حدود ۵۰۰ میلیون تومان خرج داشته است. با این حال وقتی شما اطلاعات این طرح آمایشی را مطالعه کرده و آن را با اطلاعات آمایشی کسی که بومی آن منطقه است مقایسه می‌کنید متوجه می‌شوید که اطلاعات آمایشی فرد بومی به مراتب دقیق‌تر است. آمایش سرزمینی وزارت جهاد حتی نتوانسته مزیت‌های نسبی آن منطقه را شناسایی کند. این خود مسأله بزرگی است؛ طرح‌های آمایش سرزمینی در ایران ۲۰ سال است که شکست خورده و از دلایل ناکارآمدی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی می‌باشد؛ اما نه به دلیل اینکه آن‌ها نمی‌خواستند این کار را انجام دهند، اتفاقاً پول هم برای این امر پرداخت کردند؛ اما دلیل ناکارآمدی این است که می‌خواستند آمایش سرزمینی را با مدیریت متمرکز به پیش ببرند. لذا به دلیل اینکه ما اصل در برنامه‌ریزی را آمایش می‌دانیم - من دارم علی‌المبنای شما جواب می‌دهم - معتقدیم آمایش به وسیله‌ی مدیریت غیر متمرکز دقیق‌تر انجام می‌شود و بنابراین مدیریت شهری برنامه‌ریزی می‌باشد و نظام برنامه‌ریزی از مدیریت شهری پشتیبانی می‌کند. حال این جوابی اجمالی بود که بعداً آن را مفصل بحث خواهیم کرد.

##### ۵. عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده مانند آموزش‌های غلط آموزش و پرورش؛ عامل تفویض تربیت توسط نهاد خانواده به دیگران

یکی از حاضرین (۲): فرمودید که خانواده‌ها تحت تأثیر عوامل بیرونی هستند. درست است که می‌توان عوامل بیرونی را مدیریت کرد ولی مشکل دیگری وجود دارد مبنی بر اینکه خود زن و شوهر با میل و رغبت امر تربیت را به دیگران - مثلاً نظام آموزشی - تفویض کرده‌اند. این تقصیر زن و شوهر می‌باشد [نه عوامل بیرونی].

**حجت‌الاسلام کشوری:** دلیل این امر آن است که زن و شوهر هر دو کار می‌کنند و در نتیجه دست به این عمل زده‌اند؛ چون در دوره آموزش این زوج به آنها آموزش داده نشده است که تربیت قابل تفویض نمی‌باشد این کار را انجام می‌دهند. اینکه شما می‌گویید زن و مرد تربیت را به آموزش و پرورش یا رسانه یا فضای مجازی تفویض کرده‌اند دقیقاً به دلیل همان عوامل بیرونی است. حالا ما در یک بازه‌ی خانواده‌ی ۱، ۲ و ۳ را به نظام آموزشی می‌بریم تا زن و شوهر آینده متوجه شوند که تربیت قابل تفویض نیست. بنابراین مقابل برنامه‌های توسعه مقاومت اجتماعی صورت می‌گیرد؛ موضوع برای من خیلی روشن است و روزهایی را می‌بینم که مردم تجمع کرده و می‌گویند "مرگ بر تکنوکرات"<sup>۳۳</sup> "مرگ بر سازمان مدیریت". دوستان فکر می‌کنند مباحث ما به حرف‌زدن ختم می‌شود؛ البته ما تجمع نمی‌کنیم، ما همین الآن هم می‌توانیم تجمع کنیم؛ ولی ما بحث‌های خود را مطرح کرده و غیر از تبیین کار دیگری انجام نمی‌دهیم. اما مردم به تدریج متوجه می‌شوند که چه عاملی آنها را زمین زده است. همانطور که بنده مکرر عرض کردم گناه بزرگ ما این است که تبیین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را جدی نمی‌گیریم. در گفت‌وگوی دیشب<sup>۳۴</sup> هزار ورودی هزار ورودی - البته بنده اغراق می‌کنم - روبروی بنده بود تا وارد بحث شوم و بعد از اینکه از برنامه آمدم دوستان نقدهایی به بنده کردند که مثلاً چرا جواب فلان مسأله را ندادید؟ من در آن برنامه جواب هیچ مسأله‌ای را ندادم تا روی خانواده تأکید کنم. ممکن است مخاطب در کوتاه‌مدت تصور کند ما جواب بسیاری از مسائل را ندادیم ولی اگر بنده در بلندمدت بر روی خانواده تأکید نموده و ابعاد آن را توضیح دهم این مسأله جبران می‌شود.

<sup>۳۳</sup> تکنوکرات یا فن‌سالار به فردی گفته می‌شود که اهرم فرماندهی مؤثر بر مکانیسم قدرت را در دست دارد. به معنای وسیع‌تر، چه در قلمرو عمومی و چه در زمینه اقتصاد خصوصی، اگر بخواهد، می‌تواند بدون توجه به قواعد سلسله مراتب برای رسیدن به هدف دوگانه استقلال و مسئولیت به قصد مشارکت در اعمال قدرت و بر اثر دخالت خود جریان رویدادها را نه فقط در بخش خود، بلکه افزون بر آن از دید کلی و وسیع معین کند و اراده خود را به کار اندازد.

علی بابائی، غلامرضا؛ فرهنگ سیاسی، تهران، نشر آشنیان، ۱۳۸۴، ص ۲۰۰

<sup>۳۴</sup> مناظره دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با دکتر محمدرضا تابش در برنامه تیتراژ شبکه خبر مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۰۷





این خیلی مهم است که ما راجع به خانواده در نظام برنامه‌ریزی کشور به صورت مفصل و به مدت یک یا دو سال صحبت کنیم، در اینصورت روشن خواهد شد که چه اتفاقی در حال وقوع است.

ان شاء الله فردا فلسفه مدیریت شهری را دقیق‌تر و با نکات جدیدی تبیین خواهیم کرد. ما الآن در گردنه‌ی مباحث هستیم - اینجا فلا اقتحم العقبة وما أدراك ما العقبة می‌باشد - و اگر این قسمت را به خوبی هضم کنیم کار تمام است و با هضم این مباحث می‌شود طرح‌های جدیدی را بیان نمود؛ شما باید بتوانید فلسفه جدیدی از مدیریت شهری داشته باشید. بعدها وقتی وارد ودجای آینده شدیم باید بتوانیم فلسفه‌ی جدید دفاع را هضم کنیم. برنامه‌های میان‌مدت، بلندمدت، برنامه‌های کاربردی و تکنیک‌ها زاینده‌ی یک درک محوری هستند که ما به اصطلاح رایج نام این درک محوری را فلسفه گذاشته‌ایم. البته دیروز تذکر دادم که مراد بنده از فلسفه، فلسفه‌های مضاف<sup>۳۵</sup> نیست.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد ﷺ

---

۳۵. در درس قبل گفتیم که گاهی کلمه «فلسفه» به صورت «مضاف» به کار می‌رود، مانند «فلسفه اخلاق» و «فلسفه حقوق» و ... اکنون به توضیحی پیرامون این تعبیر می‌پردازیم: اینگونه تعبیرات گاهی از طرف کسانی به کار می‌رود که واژه «علم» را به «علوم تجربی» اختصاص داده‌اند و واژه «فلسفه» را در مورد رشته‌هایی از معارف و معلومات انسانی به کار می‌برند که به وسیله تجربه حسی قابل اثبات نیست. چنین کسانی به جای اینکه مثلاً بگویند «علم خدانشناسی»، خواهند گفت «فلسفه خدانشناسی»، یعنی ذکر «مضاف‌الیه» برای فلسفه فقط به منظور نشان دادن نوع مطالب مورد بحث و اشاره به موضوع آنهاست.

مصباح، محمدتقی؛ آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۷۳

## فهرست تفصیلی مطالب

۱. ارتقا امر تربیت؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۱
۲. لزوم مدیریت عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده به عنوان نهاد اصلی متکفل امر تربیت؛ مقدمه‌ای برای تبیین ارتباط بین مدیریت شهری و امر تربیت ..... ۲
- ۲/۱. لزوم وجود نهادی برای تکفل امر تربیت به دلیل گسترده‌بودن ابعاد تربیت و خودرو نبودن آن ..... ۲
- ۲/۲. نهاد خانواده؛ بهترین نهاد برای تکلف امر تربیت به دلیل امکان مدیریت ابعاد گسترده تربیت در این نهاد ..... ۴
- ۲/۳. عوامل درونی و عوامل مرتبط با نهاد خانواده؛ دسته اول عوامل به چالش کشیدن نهاد خانواده و در نتیجه از بین رفتن کارکرد تربیتی نهاد خانواده ..... ۴
- ۲/۳/۱. عدم شناخت زن و مرد نسبت به ماهیت انسان و نسبت به ماهیت زن و شوهر؛ مهمترین عامل درونی ضربه‌زننده به نهاد خانواده ..... ۵
- ۲/۴. عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده؛ دسته دوم عوامل مضر به نهاد خانواده و لزوم مدیریت این نوع از عوامل برای تقویت نهاد خانواده ..... ۶
- ۲/۴/۱. سیستم آموزشی فعلی کشور؛ یکی از عوامل بیرونی مضر به نهاد خانواده به دلیل عدم آموزش مسائل زندگی مشترک به دانش‌آموزان ..... ۶
- ۲/۴/۲. نظام اقتصادی ناعادلانه؛ یکی دیگر از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده ..... ۷
- ۲/۴/۳. برشماری ۸۱ عامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده توسط اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۸
۳. تأمین نیازهای هرم نیازهای چهارگانه خانوار در محله به عنوان یکی از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده؛ ارتباط بین تربیت و مدیریت شهری ..... ۸
- ۳/۱. اصلاح عوامل بیرونی ضدتربیتی مربوط به مدیریت شهری؛ ارتباط بین مدیریت شهری و امر تربیت ..... ۸
- ۳/۲. جداسدن مکرر افراد خانواده از یکدیگر در زمان فعلی برای تأمین هرم چهارگانه‌ی نیازهای خانوار و در نتیجه نبود زمان برای تربیت فرزندان؛ عامل بیرونی ضدتربیتی مرتبط با مدیریت شهری ..... ۹
- ۳/۳. تأمین نیازهای چهارگانه‌ی خانوار در محله؛ ارتباط بین مدیریت شهری و امر تربیت و تصویر مطلوب مدیریت شهری برای ارتقا امر تربیت ..... ۱۰
- ۳/۳/۱. مدیریت شهری؛ مصداق نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادی متکفل تربیت (نظریه تربیتی نقشه راه) ..... ۱۱
- پرسش و پاسخ ..... ۱۳
۱. ضربه‌نخوردن نهاد خانواده از بیرون؛ ملاک اصلی ارزیابی طرح‌ها و برنامه‌ها و لزوم تطبیق این مسأله بر موضوعات مختلف ..... ۱۳
۲. لزوم فهم معنای مدیریت مطلوب مدیریت شهری با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی پیش از عملیاتی‌کردن آن و فهم این معنا از طریق نمونه‌سازی ..... ۱۴
۳. شکل‌دهی عوامل بیرونی مؤثر بر تربیت به عوامل درونی؛ نسبت بین عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر تربیت ..... ۱۵
۴. برنامه‌ریزی توسط مدیریت شهری و پشتیبانی نظام برنامه‌ریزی کشور از مدیریت شهری؛ ارتباط بین نمونه‌سازی اول و نمونه‌سازی دوم ..... ۱۶
۵. عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده مانند آموزش‌های غلط آموزش و پرورش؛ عامل تفویض تربیت توسط نهاد خانواده به دیگران ..... ۱۷





---

## جلسه پنجم

---

مدیریت شهر به محوریت محلات (محل به معنای محل تأمین نیازهای خانوار)؛ تعریف مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی



۱۰ تیرماه ۱۳۹۵

نشست تبیین مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

**عنوان جلسه پنجم و تدوین گران:** مدیریت شهر به محوریت محلات (محل به معنای محل تأمین نیازهای خانوار)؛  
تعریف مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی / ابوالفضل آریان پور - سجاد حسن زاده  
**ارائه دهنده ی جلسه:** حجت الاسلام و المسلمین علی کشوری

**تاریخ جلسه:** ۱۳۹۵/۰۴/۱۰ **مکان جلسه:** تهران - مدرسه علمیه مروی

**حاضرین در جلسه:** جمعی از طلاب حوزه علمیه مروی و پژوهشگران اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

**مشخصات اثر:** ۲۲ صفحه رنگی (۲۱\*۲۹،۷ س.م) **تاریخ انتشار:** مرداد ماه ۱۳۹۵

**اجمالی از جلسه:** در جلسه گذشته فلسفه مدیریت شهری تبیین گردید و بیان شد که مدیریت شهری باید ارتقا امر تربیت را در دستور کار قرار دهد. همچنین ارتباط بین مدیریت شهری و ارتقا تربیت و چگونگی نقش آفرینی مدیریت شهری در امر تربیت تشریح گردید.

مباحث این جلسه نیز به تشریح بیشتر ارتباط بین مدیریت شهری و امر تربیت پرداخته و این مطلب را تفصیل بیشتری می دهد. همانطور که در جلسات گذشته بیان گردید از منظر نقشه راه مدیریت شهری باید به دنبال ارتقا تربیت باشد. اما شاید عده ای بگویند تربیت بیشتر بر عهده مدیریت آموزش و پرورش یا رسانه است تا مدیریت شهری و ارتباط میان مدیریت شهری و امر تربیت وجود ندارد.

در پاسخ باید گفت: اتفاقاً مدیریت شهری بیشتری تأثیر را بر امر تربیت دارد و مؤثرترین عامل قلمداد می شود. اما سؤال اصلی این است که چه ارتباطی میان تربیت و مدیریت شهری وجود دارد؟ برای تبیین این ارتباط باید مقدمتاً گفت که تربیت امری ذوابعاد است و نیاز به مدیریت و نهاد متکفل ندارد؛ باید دقت کرد که تربیت بیان صرف مطالب دینی و انتقال آن به افراد نمی باشد بلکه تربیت صحیح نیازمند لوازم مختلفی مانند رفیق مربی به مربی، تذکر دادن مرتبی به مرتبی، وجود حالت نصح در تربیت کننده نسبت به تربیت شونده و صدها عامل دیگر است. پس بنابراین تربیت امری چند بعدی بوده و نیازمندی نهادی برای مدیریت این ابعاد می شود. بهترین نهاد برای مدیریت امر تربیت، نهاد مقدس خانواده است.

حالا باید دانست که نسبت به تربیت و نهاد متکفل آن دو رویکرد وجود دارد؛ عده ای تربیت را منحصر در خود خانواده و در اختیار اعضای خانواده می بینند و بیشتر به اصلاح روابط زوجین می پردازند. اما عده ای دیگر معتقدند عواملی از بیرون بر روی نهاد خانواده تأثیر می گذارند که در اختیار خود اعضای خانواده نمی باشند و پدر و مادر تقصیری در آثار سوء این عوامل ندارند. نقشه راه از این عوامل به عوامل بیرونی حاکم بر نهاد متکفل تربیت تعبیر کرده است. به عنوان مثال نهاد آموزشی یکی از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده است؛ اگر نظام آموزشی آموزش های متناسب با نهاد خانواده را به فرزندان آموزش ندهد دانش آموزان پس از طی دوران تحصیل و ازدواج قادر به تعامل با یکدیگر نخواهند بود و در نتیجه نهاد خانواده با چالش روبرو خواهد شد. بنابراین باید به عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده توجه کنیم.

یکی از عواملی که از بیرون به نهاد خانواده ضربه می زند مدل تأمین نیازها توسط مدیریت شهری است. در حال حاضر اعضای خانواده به دلیل اینکه نیازها خانواده در محل تأمین نمی شود مدام از یکدیگر جدا می شوند و در نتیجه پدر و مادر فرصتی برای تربیت فرزند ندارند. اما مدیریت شهری باید بتواند نیازهای چهارگانه افراد را در محل تأمین کند تا افراد بیشتر کنار هم باشند. بنابراین مدیریت محله ای به این معناست که محله به محل تأمین نیازهای خانوار تبدیل شود.

مدیریت شهر به محوریت محلات (محل به معنای محل تأمین نیازهای خانوار)؛

تعریف مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

تدوین گران: ابوالفضل آریان پور - سجاد حسن زاده

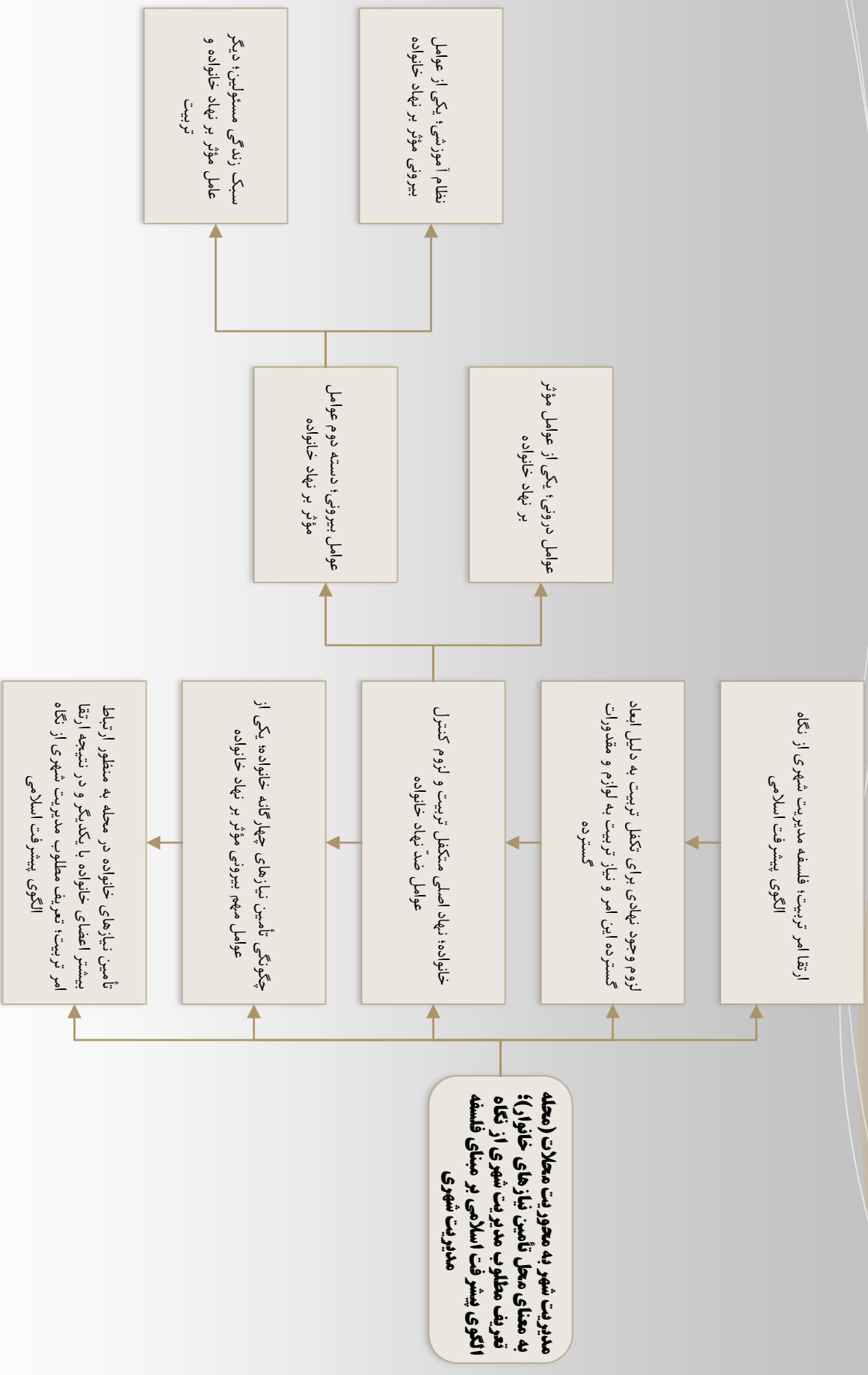
تاریخ انتشار: مرداد ماه ۱۳۹۵

ویراست اول

## فهرست اجمالی مطالب

۱. ارتقا امر تربیت؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به دلیل زیرساخت بودن موضوع تربیت برای همه موضوعات جهت ساز ..... ۱
۲. لزوم کنترل عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده به عنوان نهاد اصلی متکفل تربیت؛ مقدمه تبیین ارتباط مدیریت شهری و امر تربیت ..... ۲
۳. مدیریت شهری؛ مؤثرترین عامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده به دلیل تعیین مدل تأمین نیازهای توسط مدیریت شهری و اثرگذاری مستقیم مدل تأمین نیازها بر روی نهاد خانواده ..... ۹
۴. مدیریت شهر به محوریت محلات (محل به معنای محل تأمین هرم نیازهای خانوار)؛ تصویر مطلوب مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۱۲
- پرسش و پاسخ ..... ۱۷
۱. ارائه تعریف دیگری از آموزش و پرورش در نقشه راه؛ دلیل معرفی مدیریت شهری به عنوان مؤثرترین عامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده و عدم معرفی نظام آموزشی به عنوان مؤثرترین عامل ..... ۱۷
۲. تهیه شناسنامه میزان تأمین نیازهای افراد در محله خودشان در حال حاضر، ارائه برنامه‌های کوتاه‌مدت برای تأمین بیشتر نیازها در محله، تهیه پیوست های فرهنگی برای نیازهای غیر قابل انتقال به محله در زمان کنونی؛ سطوح سه‌گانه فعالیت‌های مورد نیاز برای پیش‌بردن مدیریت شهری ..... ۱۸
۳. عدم وجود محله‌ی تعریف‌شده توسط نقشه راه بعد از دوره حکومت پیامبر ﷺ و لزوم جلوگیری از یکسان‌انگاری در تعریف محله ..... ۱۹
۴. معماری اسلامی یعنی طراحی خانه‌ها به محوریت نیازهای خانواده و به غرض تأمین نیازهای خانوار ..... ۱۹
- پیوست شماره ۱ ..... ۲۱

مدیریت شهر به محوریت محلات (محلله به معنای محل تأمین نیازهای خاوار)؛ تعریف مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی





**۱. ارتقا امر تربیت؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به دلیل زیرساخت بودن موضوع تربیت برای همه موضوعات جهت‌ساز**

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین لا سیما بقیه الله فی الارضین ارواحنا لتراب مقدمه الفداء و عجل الله تعالی فرجه الشریف.

در جلسه گذشته و همچنین در جلسه سوم محضر دوستان عرض کردم؛ مهمترین چالشی که در فضای «مدیریت شهری» امروز پیش‌روی مدیران جمهوری اسلامی ایران قرار دارد این است که تصویر روشنی از فلسفه مدیریت شهری براساس تفکر اسلامی و براساس تفکر «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» ندارند. همچنین عرض کردم که اگر ما به یک فلسفه روشن درباره مدیریت شهری دست پیدا کنیم از اولین فوائد این مسأله آن است که تعریف ما از مدیریت شهری تغییر پیدا خواهد کرد. بنابراین وقتی راجع به فلسفه مدیریت شهری گفت‌وگو می‌کنیم در واقع این گفت‌وگو پایه‌ای برای ارائه تعریفی جدید از مدیریت شهری و تکنیک‌هایی که باید در مدیریت شهری به کار بگیریم می‌باشد.

در جلسه گذشته عرض کردم که از منظر مفاهیم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت فلسفه مدیریت شهری ارتقا امر تربیت است، باید خوب به مفهوم تربیت توجه کنیم و این مفهوم را محور تصمیمات شهری قرار دهیم. اگر ما در شهر به مسأله تربیت به معنای مدیریت دوران شکل‌گیری شخصیت توجه نکنیم همه موضوعات دیگر مطرح در یک شهر از ناحیه‌ی عدم توجه به مسأله تربیت به چالش کشیده می‌شوند؛ یعنی با توجه به اینکه مسأله تربیت زیرساخت همه‌ی «موضوعات جهت‌ساز» است و بر همه مسائل جهت‌ساز دیگر تأثیر دارد، ما هم باید در مدیریت شهری به مسأله تربیت به عنوان یک خط قرمز مهم نگاه کنیم.





در جلسه گذشته بنده سؤالی را مطرح کردم، آن سؤال عبارت از این بود که ما مسأله تربیت را مسأله مهمی می‌دانیم؛ اما چه ارتباطی بین مسأله تربیت و مسأله مدیریت شهری وجود دارد؟ بسیاری از متفکرین در سر جای خود راجع به مسأله تربیت بحث کرده‌اند، پس ممکن است اندیشمندانی که مباحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را در مورد مدیریت شهری می‌شنوند این حرف را بپذیرند که موضوع جهت‌ساز تربیت زیرساخت همه موضوعات جهت‌ساز دیگر است؛ اما در اشکال به ما می‌گویند: مسأله تربیت باید در آموزش و پرورش یا در نهاد خانواده حل شود و ربطی به مدیریت شهری ندارد در حالی که ما بیان می‌گوییم فلسفه مدیریت شهری ارتقا امر تربیت است.

## ۲. لزوم کنترل عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده به عنوان نهاد اصلی متکفل تربیت؛ مقدمه تبیین ارتباط مدیریت

### شهری و امر تربیت

در جلسه گذشته عرض کردیم اگر به دو مقدمه توجه کنید ارتباط بین مسأله مدیریت شهری و مسأله تربیت در ذهن شما تمام خواهد شد و لذا گزاره‌ای که ما مطرح کردیم را صحیح یافته و سعی می‌کنید به دنبال تحقق آن باشید. یکی از آن دو مقدمه این بود که عرض کردم تربیت از منظر فکر اسلامی یک امر خودرو نیست، بلکه امری است که نیاز به مدیریت دارد.

۲/۱. لزوم وجود نهادی برای تکفل و مدیریت تربیت به دلیل ذوابعاد بودن امر تربیت و نیاز تربیت به مدیریت

محضر شما آیاتی از قرآن را تلاوت کردم؛ مثلاً وقتی کار تربیتی انجام می‌دهیم فعالیت تربیتی ما حتماً باید به ضمیمه‌ی رفق صورت گیرد. مثلاً فرض بفرمایید وقتی ضلالتی را در مقابل هدایتی بیان می‌کنیم؛ یک کار تبیینی انجام دهیم تا برای مخاطب ما در موضوعی «قَدَّ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»<sup>۱</sup> اتفاق بیفتد، اما اگر این کار بدون در نظر گرفتن مسأله رفق صورت گیرد، یک کار تربیتی محسوب نمی‌شود، حتی تبیین نیز به حساب نمی‌آید. در قرآن شریف آیه معروفی است که از قول پیامبران علیهم‌السلام می‌فرماید: «أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ»<sup>۲</sup>؛ پیامبران علیهم‌السلام وقتی رسالات پروردگار را به مردم ابلاغ می‌کردند در حالت نصح قرار داشتند، یعنی طرف مقابل خیرخواهی پیامبران علیهم‌السلام را درک می‌کرد. پیامبران علیهم‌السلام سعی می‌کردند که این معنا را متذکر شوند که از روی خیرخواهی و محبت مسائل دینی را بیان می‌کنند و پیامبران علیهم‌السلام «لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا»<sup>۳</sup> هستند، یعنی در مقابل رسالت خود هزینه مادی طلب نمی‌کنند. وقتی در مقابل تبیین پول گرفته می‌شود، ممکن است تبیین از حیث محتوا به چالش کشیده نشود اما از حیث تأثیرگذاری مخاطب با خود می‌گوید: کسی که در حال تبیین هست، می‌خواهد معاش خود را تأمین کند. لذا یک نوع سوءظنی به عنوان پیش‌فرض در مباحث و در حوزه ارتباط بین افراد شکل می‌گیرد.

۲/۱/۱. رفق؛ یکی از لوازم تربیت

۱. لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدَّ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَالَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ / آیه ۲۵۶ سوره بقره در قبول دین، اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است. بنابر این، کسی که به طاغوت [= بت و شیطان، و هر موجود طغیانگر] کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است، که گسستن برای آن نیست و خداوند، شنوا و داناست.

۲. أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ / آیه ۶۸ سوره اعراف

رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم؛ و من خیرخواه امینی برای شما هستم.

۳. أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْدَمَةٌ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ / آیه ۹۰ سوره انعام

آنها کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده؛ پس به هدایت آنان اقتدا کن! (و) بگو: «در برابر این (رسالت و تبلیغ)، پاداشی از شما نمی‌طلبم! این (رسالت)، چیزی جز یک یادآوری برای جهانیان نیست! (این وظیفه من است)»

بِقَوْلِهِمْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا عِلٌّ الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ / آیه ۵۱ سوره هود

ای قوم من! من از شما برای این (رسالت)، پاداشی نمی‌طلبم؛ پاداش من، تنها بر کسی است که مرا آفریده است؛ آیا نمی‌فهمید؟!»



**۲/۱/۲. ذکر؛ یکی دیگر از ابعاد و لوازم تربیت و هدایت افراد**

عرض کردم که کار تربیتی، بیان به ضمیمه رفیق است و همچنین بیان به ضمیمه رفیق به ضمیمه ذکر است. ذکر هم در کار تربیتی مُندرج است. ذکر به معنای تکرار مناسب یک مطلب در زمانی است که یک مطلب به فراموشی سپرده می‌شود. همه این موارد جز کار تربیتی و هدایت است. وقتی شما می‌خواهید شخصی را هدایت کنید، باید برای او فضای ذکر ایجاد کنید. مثلاً مفهومی که در نماز است ذکر محسوب می‌شود، راجع به نماز بیان شده که نماز ذکر است.<sup>۴</sup> این ذکر مجموعه‌ای از مفاهیم ثابت است اما دائماً و به صورت روزانه تکرار می‌شود. با توجه به اینکه انسان به دلیل اشتغالاتش با پدیده نسیان و فراموشی روبروست، کسی که در حال هدایت کردن است و کسی که کار تربیتی انجام می‌دهد باید این معنا را متوجه باشد که باید تذکر نیز بدهد. همچنین شرایط دیگری برای تبیین و هدایت وجود دارد [که باید رعایت شود]. وقتی تربیت و هدایت ترکیبی از این موارد است پس بدون مدیریت اتفاق نمی‌افتد.

**۲/۱/۳. در نظر گرفتن ظرفیت طرف مقابل؛ لازمه سوم کار تربیتی**

نکته دیگری را عرض می‌کنم تا این معنا واضح شود، ما بر روی این معنا در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت اصرار داریم که امر هدایت و تربیت جامعه یک امر ذوابعد می‌باشد و ما نباید به عنوان یک امر بسیط به آن نگاه کنیم. مثلاً یکی از مواردی که در قرآن و در روایات بر روی آن خیلی تأکید شده این است که وقتی در حال کار تربیتی هستید ظرفیت افراد را در نظر بگیرید.<sup>۵</sup> یکی از ملاحظات در مقام کلام، در مقام بیان و در مقام قرائت باید ملاحظه‌ی ظرفیت طرف مقابل باشد؛ باید تشخیص دهید فرد در چه مرتبه‌ای از تفکر است، در چه مرتبه‌ای از رشد است و متناسب با آن مرتبه مباحث را برای او بیان کنید.<sup>۶</sup>

**۲/۱/۴. ملاحظه مکث و بیان مفاهیم دینی با تأنی و درنگ؛ چهارمین لازمه تربیت**

همچنین مقام قرائت و مقام بیان منجر به تربیت و هدایت، حتماً باید همراه با مکث<sup>۷</sup> باشد. قرآن می‌فرماید: «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ»<sup>۸</sup>؛ ما قرآن را آیه آیه نازل نموده و آن را یک پارچه بیان نکردیم. بیان برخی دچار مشکل است و مطالب را بدون مکث بیان می‌کنند. وقتی یک مطلب بدون مکث بیان شد، در ذهن طرف مقابل کمترین تأثیر را دارد و شاید طرف مقابل را خسته کند. اثر بیان بدون مکث علت ایجاد خستگی در طرف مقابل است. خُب وقتی ده مطلب با هم بیان شد، نباید انتظار داشت مخاطب توجه و تأمل کند. به طور کلی در حوزه فکر تدریج مستتر است، فکر کردن یک امر تدریجی است. بنابراین کار هدایت جامعه و کار تربیت جامعه ترکیبی از مواردی است که بیان شد و دهها مورد دیگری نیز وجود دارد که هنوز آنها را بیان نکرده‌ایم و بعداً ان‌شاءالله

۴. وَأَقْرِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَرُفَا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِنُ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ / آیه ۱۱۴ سوره مبارکه هود

و نماز را در دو طرف روز و ساعات نخستین شب برپا دار که یقیناً نیکی‌ها بدی‌ها را از میان می‌برند، این برای یادکنندگان تذکر و یادی است.

۵. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نَكْثَرَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ

رسول خدا ﷺ و فرمودند: ما پیامبران مأموریم که با مردم به اندازه عقل و فهمشان سخن بگوییم.

کلینی، محمدبن یعقوب؛ کافی (ط-الاسلامیه) ج ۸، ص ۲۶۸ و ج ۱، ص ۲۳

۶. یکی از اشکالاتی که به تبیین‌های فلسفی وارد می‌باشد این است که در تبیین‌های فلسفی ظرفیت‌های متفاوت پیش‌فرض بیان نیست؛ یعنی در فلسفه قواعدی وجود ندارد برای اینکه ما ظرفیت‌های متفاوت را تشخیص دهیم. البته ممکن است فیلسوفی سعی کند مطالب را ساده بیان کند، اما در ماهیت فلسفه قواعدی وجود ندارد که ناظر به تشخیص ظرفیت در مقام بیان باشد.

انتقال از متن

۷. مُكْثٌ (بر وزن قفل) بمعنی تدریج، انتظار و تأنی است؛ یعنی قرآن را بتدریج نازل کردیم تا آن را بر مردم بتدریج و تأنی بخوانی و بر حسب احتیاج و مقتضی آنرا نازل کردیم.

قرشی، علی‌کبر؛ قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱، ج ۶، ص: ۲۶۵

۸. وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا / آیه ۱۰۶ سوره اسراء

و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم، تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی؛ و آن را بتدریج نازل کردیم.



خواهیم گفت. وقتی مفهوم هدایت را بازشکافی کنیم با استناد به آیات و روایات شریف اثبات می‌شود که همه این موارد در مسأله و فرآیند هدایت وجود دارد.

زمانی که هدایت و تربیت چنین امر پیچیده‌ای شد حتماً نهاد مدیریت‌کننده نیاز دارد و آن نهاد مدیریت‌کننده باید به همه این موارد توجه کند. مثلاً وقتی شما در حال کار تربیتی هستید، عمده مطلبی که بین شما و طرف مقابل ارتباط برقرار می‌کند سطح رفیق شما به طرف مقابل است. وقتی انسان‌ها به همدیگر محبت، مودت و شفقت داشتند، این باعث می‌شود که به حرف‌های همدیگر نیز بیشتر توجه کرده و از یکدیگر پذیرش بیشتری داشته باشند. لذا پدر و مادر، رفیق، برادر کسانی هستند که بیشترین تأثیر را بر روی انسان می‌گذارند؛ چون آنها بیشترین سطح رفیق را نسبت به انسان‌ها دارند. بنابراین اصلی‌ترین نهاد متکفل تربیت نهادی خواهد بود که بیشترین سطح رفیق در آن وجود داشته باشد، چون تربیت بدون رفیق به چالش کشیده می‌شود. گاهی اوقات در تربیت باید با طرف مقابل جدی صحبت کرد، اما همزمان که در حال جدی صحبت کردن هستید طرف مقابل باید متوجه باشد که این کار از روی رفیق اتفاق می‌افتد و به خاطر محبت است در غیر اینصورت آن برخورد جدی اثر عکس خواهد گذاشت.

**۲/۲. خانواده؛ نهاد اصلی متکفل تربیت به دلیل فراهم بودن ابعاد متفاوت تربیت در نهاد خانواده**

اگر رفیق متغیر اصلی کار تربیتی محسوب می‌شود، پس نهاد خانواده نیز نهاد اصلی مدیریت تربیت می‌باشد. تربیت یک امر قابل انتقال از خانواده به سایر نهادهای اجتماعی نیست؛ ما نمی‌توانیم آموزش و پرورش را جایگزین نهاد خانواده کنیم، ما نمی‌توانیم محیط‌ها و تشکلهای و طرح‌هایی که مثلاً در مساجد برگزار می‌شود را جایگزین نهاد خانواده کنیم. اتفاقاً باید در طرح‌هایی که در مسجد و آموزش و پرورش برگزار می‌شود راجع به جایگاه نهاد خانواده صحبت شود. همه نهادهای دیگر تربیتی باید به مخاطبین خود تذکر دهند که کار اصلی در خانواده اتفاق می‌افتد تا خدای نکرده پدر و مادری به این فکر نکنند که مسأله مهم تربیت را به دیگران انتقال دهند، این مسأله مهمی است؛ زیرا تربیت امری تدریجی، ذوابعد و مدیریت‌پذیر است. وقتی تربیت پیچیده شد نهاد مدیریت‌کننده نیاز دارد و به تعبیر ما در نقشه راه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نیازمند نهاد متکفل است. اصلی‌ترین نهاد متکفل تربیت هم نهاد خانواده می‌باشد، این مقدمه اول بود.

در مقدمه دوم عرض کردم که نهاد متکفل تربیت به وسیله دو دسته از عوامل به چالش کشیده می‌شود؛ دسته اول عواملی که نهاد متکفل تربیت را به چالش می‌کشند، اتفاقاتی است که در درون نهاد خانواده می‌افتد. لذا پدر و مادر باید اتفاقات درون نهاد خانواده را مدیریت کنند تا کار اصلی نهاد خانواده به چالش کشیده نشود؛ چون کار تربیتی، کار اصلی نهاد خانواده است.

**۲/۳. عوامل درونی؛ یکی از عوامل مؤثر بر نهاد متکفل تربیت و لزوم مدیریت این نوع از عوامل برای تقویت نهاد خانواده**

در جلسه گذشته عرض کردم به نظر بنده این کلمات حکیمانه‌ای که قرآن شریف در مورد دعوی زن و شوهر نقل کرده است: «وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا»<sup>۹</sup> ریشه همه‌ی مسائل درونی تخریب‌کننده‌ی نهاد خانواده را در مسأله شُح خلاصه کرده است، حرف بسیار فنی‌ای است؛ هرکسی می‌خواهد خانواده‌ی او از دست نرود و از درون خانوادگی خود را به چالش نکشد باید شح خود و

**۲/۳/۱. کنترل شح؛ اصلی‌ترین عامل درونی مؤثر بر نهاد خانواده**

۹. وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا / آیه ۱۲۸ سوره نساء

و اگر زنی از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند (و زن یا مرد، از پاره‌ای از حقوق خود، بخاطر صلح، صرف نظر نماید.) و صلح، بهتر است؛ اگر چه مردم (طبق غریزه حب ذات، در این گونه موارد) بخل می‌ورزند و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه سازید (و بخاطر صلح، گذشت نمایید)، خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است (و پاداش شایسته به شما خواهد داد).

خانواده خود را کنترل کند. به طور کلی همه‌ی مناسکی که در اسلام شریف بیان شده منجر به کنترل شح می‌شوند؛ یعنی در اولین اثر شح زن و شوهر و فرزندان درون خانه را کنترل می‌کنند. مثلاً آن روایاتی که بنده مکرر در جلسات الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌خوانم اجر کمک مرد در خانه به زن خود را برابر با شهدایی می‌داند که در راه خدا مجاهدت می‌کنند؛<sup>۱۰</sup> درجه‌ی کسی که در خانه ظرف می‌شوید و در رابطه با کارهایی که مربوط به خانه است به همسر خود کمک می‌کند [به اندازه مجاهدین در راه خداست؛] چون از نظر اسلام زن موظف نیست در درون خانه کارها را انجام دهد مگر اینکه اختیاراً انجام بدهد یا مرد خانه برای او مزدی تعریف کند. یکی از مواردی که زن می‌تواند تقاضای مزد کند و اگر تقاضای مزد کرد مرد باید آن را تأمین کند همین مورد است، اگر زن در خانه کار کرد مرد باید اجرت او را پرداخت نماید.<sup>۱۱</sup> حال اگر مردی این حد از تحمیل را بر روی همسر خود انجام نداد و طبق سنت مترقی و متکامل پیامبر ﷺ عمل نمود، در حقیقت در خانه کنترل شح انجام داده است. خانم‌ها به صورت طبیعی در شرایطی قرار می‌گیرند که هر روز باید ظرف‌ها را بشویند و خانه را تمیز کنند - خانه هزار درد سر دارد - و اگر خود مرد پیش قدم شد و به خانم خود گفت: شریعت متکامل اسلام به ما توصیه کرده است که شما مجبور نیستید کار کنید و اگر خواستید با خدا معامله کنید و کاری انجام دهید اشکالی ندارد؛ اما اگر نخواستید می‌توانیم با همدیگر توافق کنیم و شما در مقابل کار خانه اجرت بگیرید. همانطور که می‌بینید با اینکار شح کنترل می‌شود. یا مثلاً در روایات آمده است که مرد در نهاد خانواده باید عین مایحتاج زندگی را تأمین کند نه ثمن و پول آن را؛<sup>۱۲</sup> یعنی اگر خانه شما گوشت و نان احتیاج دارد خود مرد موظف است که عین این موارد را تهیه کرده و به خانه بیاورد. اگر بخواهید به شریعت عمل کنید نباید به همسر خود پول داده و به او بگویید که مایحتاج خود را تأمین کند، این کار تکلیف خود مرد است. مردی که این موارد را رعایت می‌کند، بالاترین سطح رفق را نسبت به خانواده‌ی خود انجام می‌دهد، لذا در خانواده‌ی او شح کنترل می‌شود.<sup>۱۳</sup>

۱۰. عن علیؑ قال دخل علیّ رسول الله ﷺ وفاطمهؑ جالسه عند الفدر وأنا أنثی العدس قال یا ابا الحسن قلت لئیک یارسول الله قال سمع منی وما أقول إلا من أمر ربی ما من رجل یعین امرأته فی بیتها إلا کان له بكل شعرة علی بدنه عبادة سنة صیام یهاؤها و قیام یریلها و أعطاه الله تعالی من الثواب مثل ما أعطاه الله الصابرين و داود النبی و یعقوب و عیسیٰ ع یاعلیٰ من کان فی خدمه العیال فی البیت و یرتأنف کتب الله تعالی اسمہ فی دیوان الشهداء و کتب الله له بكل یوم و لیله ثواب ألف شهید و کتب له بكل قدیر ثواب حجه و عمره....

امیر مومنان امام علیؑ فرمود: روزی در حالی که فاطمهؑ نزدیک من نشسته بود و من عدس پاک می‌کردم، پیامبر ﷺ وارد شدند و فرمودند: ای ابالحسن! عرض کردم لبیک یا رسول الله! فرمود: آنچه می‌گویم بشنو زیرا من هیچ حرفی نمی‌زنم مگر اینکه به امر پروردگار است: مردی که به زن خود در خانه کمک کند، خدا ثواب یک سال عبادتی را که روزها روزه باشد و شب‌ها به قیام و نماز ایستاده باشد به او می‌دهد. خداوند ثواب صابران و ثواب یعقوب و داود و عیسیؑ را به او عطا خواهد کرد. یا علی هر که در خانه در خدمت خانواده خود باشد و آن را ننگ نداند خداوند نام او جزء شهدا می‌نویسد و ثواب هزار شهید را در هر روز شب برای او محاسبه می‌کند.

مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، انتشارات اسلامی، ج ۱۰۴، ص ۱۳۲

۱۱. زن وظیفه ندارد خدمت خانه را انجام دهد و غذا تهیه کند و نظافت و مانند آن را انجام دهد، مگر به میل خود و اگر مرد او را مجبور بر این کارها نماید زن می‌تواند حق الزحمه خود را در برابر این کارها از او بگیرد.

رساله توضیح المسائل آیات الله مکارم شیرازی، مسأله ۲۰۶۴

۱۲. پژوهشگر به سند این مطلب دست نیافته است.

۱۳. جریان فمینیست موارد دیگری را نقد می‌کنند، مثلاً راجع به خانواده‌هایی که این مسائل را رعایت نمی‌کنند صحبت می‌کنند و بعد می‌گویند خانواده چیز خوبی نبوده و به ضرر زن است. اگر احکام اسلام را مرور کنند آن زمان از گفته‌های خود درباره نهاد خانواده پشیمان می‌شوند. اولین اثر نهاد خانواده ایجاد امنیت برای خانم‌ها و فرزندان است. چرا؟ به دلیل اینکه اصل در خانواده کنترل شح است. حالا شهید چه کسی است؟ شهید کسی است که شح را در حدی کنترل کرده که همه چیز خود را فدای توحید می‌کند. پدر خانواده چه کسی است؟ پدر خانواده در سن شکل‌گیری شخصیت، در سن تربیت با رفتار خود کنترل شح را نشان می‌دهد. لذا به لحاظ فنی، روایت کمک‌کننده‌ی به خانم خانه را در ردیف شهدا قرار داده است؛ چون



بنابراین اگر کسی خواست عوامل درونی نهاد خانواده را کنترل کند راه آن کنترل شح است و کنترل شح نیز دارای مناسک است. اگر به همین احکامی که گفته می‌شود عمل کنیم، شح کنترل خواهد شد.<sup>۱۴</sup> پس یکی از عواملی که باعث می‌شود نهاد مهم متکفل تربیت به چالش کشیده نشود، عوامل درونی است و همه عوامل درونی در نهاد خانواده به محوریت کنترل شح کنترل می‌شوند، این یک معنا است.

غیر از عوامل درونی ما باید حتماً عوامل بیرونی حاکم بر نهاد خانواده را هم کنترل کنیم؛ یعنی اگر شما فقط به اعضای خانواده توصیه کردید که شح را کنترل کنید تا خانواده احیا شود، خانواده کنترل نخواهد شد؛ چون خانواده از بیرون هم به چالش کشیده می‌شود، عوامل بیرونی می‌توانند ضربه‌ای به خانواده بزنند که خانواده سر پا نایستد و اصلاً کار به مسأله کنترل شح هم و مابقی [مسائل درونی] نهاد خانواده هم نمی‌رسد.

**۲/۴. عوامل بیرونی؛  
دسته دوم عوامل مؤثر بر  
نهاد خانواده و اثرگذاری  
بیشتر این عوامل نسبت به  
عوامل درونی**

حالا این عوامل بیرونی چیست؟ دیروز مثال‌هایی را زدیم؛ مثلاً عرض شد که وقتی همت نظام آموزش بر تربیت تکنیسین برای بخش خدمات و تولید است، این نوع از آموزش به نهاد خانواده ضربه می‌زند. این اتفاق دیگر از درون روی نداده است و اتفاقاً زن و شوهری که در ابتدای زندگی قرار دارند، می‌خواهند زندگی خوبی داشته باشند اما به دلیل اینکه نظام آموزشی راجع به خانواده با آنها تفاهم نکرده است نمی‌توانند زندگی خوبی داشته باشند. چه کسی آنها را علیل کرده؟ چه کسی زن و شوهر را ناتوان کرده است؟ یکی از این موارد نظام آموزشی است. پس اگر نظام آموزش و پرورش در ذهن دختران و پسران خانواده را فربه نکند، بعدها خانواده به چالش کشیده خواهد شد. به نظر ما در بسیاری از پرونده‌های طلاق که بررسی شده، علت اصلی طلاق این است که مثلاً شوهر خطایی را انجام داده اما همسر نتوانسته آن خطا را خوب تحلیل کند - چون هیچ‌گاه با او مباحثه‌ای نشده است - و به بهانه اصلاح آن خطا اصل زندگی خود را به چالش کشیده است. البته اخیراً یک قدم جلو آمده و بیان می‌کنند که مشاوره‌ها را زیاد کنید.<sup>۱۵</sup> به نظر بنده این حرف، حرف فنی‌ای نیست؛ چون وقتی ذهنیت‌ها در سال‌های متمادی دوران شکل‌گیری شخصیت غلط شکل گرفت، مشاوره خیلی کارکرد ندارد و نهایتاً یک کارکرد بسیار حداقلی دارد. گاهی اوقات خود اعضای خانواده

**۲/۴/۱. نظام آموزش  
و پرورش؛ یکی از  
عوامل بیرونی مؤثر بر  
نهاد خانواده**

پیام هر دو کنترل شح و گسترش ایثار است. روایت حرف فنی‌ای زده است؛ پدری که در خانه کار می‌کند و به اعضای خانواده کمک می‌کند هم‌ردیف شهداست.

*انتقال از متن*

۱۴. البته بنده بخشی از این احکام را بیان کردم و متأسفم که هیچ‌گاه فرصت نمی‌شود که این احکام مترقی مورد بحث قرار گیرند. دلیل این عدم فرصت نیز آن است که در نظام آموزشی ما ریاضی ۱، ریاضی ۲، فیزیک ۱، فیزیک ۲، زیست ۱، زیست ۲ و به همین شکل این علوم لاینفک یا حداقل علومی که نفع آنها به حال بشر نفع فرعی است اصلی تلقی می‌شوند و به علومی که اصلی هستند پرداخته نمی‌شود. لذا وقتی گفته می‌شود نظام آموزش و پرورش باید تحول بنیادین پیدا کند، یک معنای آن این است که باید به محوریت نهاد خانواده تحول پیدا کند؛ چون نهاد خانواده نصف دین است. اگر فقط و فقط تحول بنیادین آموزش و پرورش را به محوریت خانواده ایجاد کنیم، توانسته‌ایم نصف دین را در جامعه تأمین کنیم. این روش کنترل عوامل درونی است.

*انتقال از متن*

۱۵. رئیس سازمان بهزیستی کشور از ارائه مشاوره رایگان در مراکز کاهش طلاق به منظور جلوگیری از آسیب‌های طلاق و تحکیم خانواده خبر داد و گفت: امضای تفاهم‌نامه پیشگیری و مداخلات به موقع در طلاق با قوه قضائیه تا حدود زیادی باعث کاهش آمار طلاق در میان خانواده‌ها می‌شود. دکتر همایون هاشمی در مراسم امضای تفاهم‌نامه پیشگیری و مداخلات به موقع در طلاق که با حضور معاون فرهنگ عمومی قوه قضائیه انجام شد، گفت: در حال حاضر ۱۲۰۰ مرکز مشاوره دولتی و خصوصی در سراسر کشور فعالیت می‌کنند و همچنین ۴۰۰ کلینیک و ۲۰۰ مرکز کاهش طلاق به افرادی که با مشکلی مواجه شده و قصد بهره‌مندی از مشاوره دارند، خدمات ارائه می‌دهند. رئیس سازمان بهزیستی از فعالیت ۱۹ هزار گروه همیار خبر داد و گفت: تمامی اقدامات انجام شده و فعالیت گروه‌های مختلف در راستای پیشگیری و تحکیم خانواده و ارائه مشاوره به آسیب دیدگان انجام می‌شود.

*خبرگزاری مهر، کد خبر: ۲۲۹۵۹۱۶*



می‌خواهند خوب زندگی کنند اما به دلیل اینکه درکِ درستی از مفهوم خوب زیستن خانوادگی ندارند خانواده‌ی آنها به چالش کشیده می‌شود. در حالی که زن و شوهر واقعاً مقصر نیستند و مقصر اصلی نظام آموزشی است که این موضوعات را به آنها آموزش نداده است. بنده به این روایت زیاد استناد کرده‌ام و یکی از موارد صدق این روایت در همین نقطه است. حضرت علیه السلام می‌فرمایند: مردم به امرای خود شبیه‌تر هستند تا به پدران خود، «الناسُ بأمرائهم أشبهُ منه بأبائهم»<sup>۱۶</sup>. شما به این حدیث شریف توجه کنید؛ چرا مردم به امرا خود شبیه‌تر می‌شوند؟ با وجود اینکه پدر و مادر بیشترین وقت تربیتی را در اختیار دارند اما حدیث حکیمانه می‌گوید مردم به امرای خود شبیه‌تر از پدران خود هستند. پدر و مادر فرزند را از انعقاد نطفه تا سنی که تربیت تمام می‌شود در اختیار دارند و علی‌القائده باید تأثیر اساسی را داشته باشند، اما حدیث حکیمانه‌ی علوی می‌فرماید الناسُ بأمرائهم أشبهُ منه بأبائهم، مردم به امرای خود شبیه‌تر هستند. چرا اینطور است؟ به دلیل اینکه حکومت از بیرون بر حرف پدر و مادرها تأثیر می‌گذارد. یکی از کارهایی که امرا انجام می‌دهند نظام آموزشی جامعه است.

### ۲/۴/۲. سبک زندگی امراء؛ یکی دیگر از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده

البته امراء فقط از این حیث تأثیر نمی‌گذارند بلکه از حیث‌های دیگر نیز تأثیرگذار هستند. یکی از این موارد، سبک زندگی امراء است. وقتی فیش‌های حقوقی ۵۷ میلیونی، ۶۰ میلیونی و ۲۰۰ میلیونی می‌گیرند و بعد دختر آنها در میتینگ انتخاباتی سخنرانی می‌کند و می‌گوید: من آمده‌ام با تبعیض مقابل کنم،<sup>۱۷</sup> وقتی مردم فیش حقوقی پدر را دیده و سخنرانی دختر را - که شعار اصلی او مبارزه با تبعیض و گسترش عدالت هست - می‌بینند با همین صحنه‌ای که اتفاق می‌افتد قید عدالت را نیز می‌زند. تأثیر امراء بر مردم از ناحیه سبک زندگی نیز هست. آیت‌الله امام خامنه‌ای علیه السلام تعبیر بسیار زیبایی فرمودند: «داستان فیش‌های حقوقی هجوم به ارزش‌هاست»<sup>۱۸</sup> چون در کشور دائماً راجع به عدالت صحبت می‌شود [ولی فیش‌های حقوقی عدالت را زمین می‌زند]. حابت عجیبی برای بنده اتفاق افتاده است؛ دائماً با خود تصور می‌کنم انسان‌هایی که در میتینگ جریان اصلاحات بودند - آن خواهران و برادران جوانی که آن حرف‌های خوب را می‌شنیدند و نسبت به حرف‌های آن خانمی که می‌گفت من می‌خواهم بیایم تا با بی‌عدالتی در مجلس مقابله کنم اظهار علاقه می‌کردند و آن حال و هوا در اثر شعارهای خوب در آنها ایجاد شده بود - حالا که این فیش‌های حقوقی را

۱۶. قال علی علیه السلام: الناسُ بأمرائهم أشبهُ منه بأبائهم

مردم به امرای خود شبیه‌تر هستند تا به پدران خود.

این شعبه الحزانی؛ تحف العقول، ج دوم، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۷، ص ۲۰۸

۱۷. مورد دیگر که بیش از همه جنجالی شد، فیش حقوقی سیدصدفدر حسینی رئیس صندوق توسعه بود که از فروردین تا اسفند سال ۹۴ به‌طور میانگین، ۵۷ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان بابت حقوق تنها از این صندوق دریافت کرده است. این مسأله باعث شد تا عملکرد دختر وی، سیده فاطمه حسینی نماینده مردم تهران در مجلس دهم نیز زیر سؤال برود. چرا که وی که در روزهای تبلیغات برای راهیابی به مجلس در یکی از سخنرانی‌هایش ادعان می‌دارد "می‌خواهم نماینده نسلی باشم که زندگی شاد و پر امید حق مسلم آنان است، نه بیکاری، تبعیض و بی‌عدالتی" و حال پدرش متهم به بی‌عدالتی شده بود. آن‌چه که در فیش حقوقی پدر وی علاوه بر حقوق‌های قابل تأمل چشم‌نوازی می‌کند، مبلغی تحت عنوان «حق اوقات فراغت فرزندان» پرداخت می‌شد که قطعاً باید برای این نماینده جوان تهران خرج شده است!

خبرگزاری تسنیم، کد خبر: ۱۱۲۱۰۶۰

۱۸. رهبر انقلاب اسلامی در همین خصوص به موضوع اخیر حقوق‌های کلان اشاره و تأکید کردند: موضوع حقوق‌های نجومی، در واقع هجوم به ارزش‌ها است اما همه بدانند که این موضوع از استثناها است و اکثر مدیران دستگاه‌ها، انسان‌های پاک‌دست هستند، اما همین تعداد کم نیز خیلی بد است و باید حتماً با آن برخورد شود.

ایشان با اشاره به دستور رئیس‌جمهور به معاون اول برای پیگیری موضوع خاطر نشان کردند: این موضوع نباید شامل مرور زمان شود بلکه باید حتماً به صورت جدی پیگیری، و نتیجه‌ی آن به اطلاع مردم رسانده شود.

بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۵/۴/۲ به نقل از دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=33566>



دیده‌اند چه حالتی دارند؟! قطعاً این عضو از لیست امید<sup>۱۹</sup> یک حالت ناامیدی عجیبی در جامعه ایجاد کرده است. حرف‌ها خیلی امیدوارکننده بود اما با عمل پدر او که یکی از امراء بود همه آن حرف‌های خوب در ذهنیت جامعه به چالش کشیده شد. اگر کسی دفعه دیگر بخواهد از این حرف‌ها بزند مردم باور نمی‌کنند، یعنی ارزش‌ها تخریب می‌شود. ببینید! سبک زندگی امرا یکی دیگر از مصادیق الناس بأمرائهم شبه منهرم یا بأئهم است. اشرافیت اثرات فرهنگی سوئی دارد. آقای مدیر<sup>۲۰</sup> به بنده در آن مناظره تلویزیونی می‌گوید: شما در گوش مردم از ابتدای تولد اذان می‌خوانید، مدام تبلیغ می‌کنید و تا مرگ هم همراه او هستید و او را دفن می‌کنید، با این وجود چرا مردم به این شکل درآمده‌اند؟ با اینکه شما تبلیغ می‌کنید چرا اخلاق مردم بد شده است؟<sup>۲۱</sup> یک دلیل آن این است که جریان توسعه‌گرا، جریان اشرافی‌گری است و هرچه هم تبلیغ اتفاق بیفتد وقتی افراد عمل جریان اشرافی‌گری را مشاهده می‌کنند در ذهن‌شان همه آن تبلیغات به چالش کشیده می‌شود. نمی‌شود که انسان بگوید تمام بودجه فرهنگی کشور در دستان عده‌ای باشد - که البته برنامه‌های فرهنگی کسانی که بودجه در اختیار دارند اشکال دارد - اما افراد دیگری زندگی اشرافی راه بیندازند و در میتینگ انتخاباتی جریان امید شعار اشرافی‌گری بدهند و فیش حقوقی پدران آنها منتشر شود! در اینصورت هر چقدر اذان گفته و حدیث خوانده باشیم تربیت به چالش کشیده می‌شود.<sup>۲۲</sup>

به هر حال مسأله عوامل بیرونی، مسأله‌ی تأثیر امرا بر مردم است. اگر بخواهیم شرایط را بر این روایت تطبیق دهیم داستان خانواده داستان پدران است؛ علی القاعده خانواده باید متکفل تربیت باشد ولی عوامل بیرونی تمام تربیت را به چالش می‌کشند. بنابراین مدیریت عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده یک امر بسیار مهم است. یکی از این عوامل نظام آموزشی و عامل دیگر سبک زندگی امراست، عوامل مختلفی وجود دارد.

عرض کردم که ما در نقشه راه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ۸۰ عامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده را بحث کرده‌ایم. عوامل بیرونی حتی می‌توانند کارکردهای مثبت نهاد خانواده در درون را به چالش بکشند، خود خانواده را نیز می‌توانند به چالش بکشند. بنده دو مثال زدم؛ در مثال تأثیر نظام آموزشی بر نهاد خانواده، نظام آموزشی اصل نهاد خانواده را به چالش می‌کشد. در مثال اثر زندگی اشرافی مدیران بر فرآیند تربیت، زندگی اشرافی مدیران و فیش‌های حقوقی میلیونی کارهای فرهنگی و تربیتی اتفاق افتاده در خانواده را خنثی می‌کند. لذا وقتی جوانی انقلابی که پدرش او را انقلابی تربیت کرده و در سن ۱۹ یا ۲۰ سالگی قرار دارد و به تبع پدر و مادر و خانواده خود نسبت به انقلاب نگاه مثبتی دارد داستان فیش‌های حقوقی را می‌بیند به خانه رفته و به پدر خود می‌گوید: بابا! شما اشتباه نکردید که انقلاب کردید! حرف‌هایی که شما می‌زدید خوب بود ولی چرا در جامعه اتفاقات دیگری رخ می‌دهد؟! او پدر خود را متهم می‌کند به اینکه فقط حرف خوبی زده اما در واقع

۲/۴/۳. شناسایی ۸۰  
عامل بیرونی مؤثر بر  
نهاد خانواده در اولین  
نقشه راه تولید الگوی  
پیشرفت اسلامی

۱۹. تبلیغات اصلاح‌طلبان برای انتخابات مجلس دهم در سال ۱۳۹۴، تحت عنوان «لیست امید» صورت گرفت.

۲۰. اشاره به مناظره با دکتر محمدرضا تابش نماینده مجلس دهم شورای اسلامی در برنامه تیترا مشب شبکه خبر مورخ ۷ تیرماه ۱۳۹۵

۲۱. حاج آقا شما به عنوان یک مبلغ دینی شما هم باید پاسخ‌گو باشید که چرا در جامعه‌ای که شما مبلغ هستید و مردم از وقتی که به دنیا می‌آیند شما اذان در گوششان می‌گویید - که ما خیلی مخلص و ارادتمند روحانیت هستیم - تا زمانی که در قبر بگذارند و تلقین‌شان را می‌خوانید چرا در این جامعه‌ای که شما مبلغ هستی در تهران از هر ۳ ازدواج یک ازدواج منجر به طلاق می‌شود و در کل کشور از هر پنج ازدواج یک ازدواج منجر به طلاق می‌شود. در آمار هم گفتیم که ۷۵ درصد بودجه‌ی فرهنگی کشور در دست نهادهای غیر دولتی است.

دکتر تابش در مناظره با حجت‌الاسلام کشوری به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه <http://nro-di.blog.ir/1395/04/09>

۲۲. البته بنده از سر حکمتی جواب این سؤالات را در آن برنامه ندادم، بعدها حکمت آن واضح خواهد شد.

مرتکب اشتباه شده است. پس حتی اگر شما کار فرهنگی و تربیتی خوبی انجام دهید این کار تربیتی توسط عوامل بیرونی به چالش کشیده می‌شود، امکان این امر جدی است؛ اگر چه استثنائاتی نیز وجود دارد.

### ۳. مدیریت شهری؛ مؤثرترین عامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده به دلیل تعیین مدل تأمین نیازهای توسط مدیریت شهری و اثرگذاری مستقیم مدل تأمین نیازها بر روی نهاد خانواده

حالا اگر عوامل بیرونی بر نهاد خانواده تأثیر بسیاری دارند باید دانست یکی از نهادهایی که عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده را مدیریت می‌کند مدیریت شهری است. بنابراین اگر شما معنای عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده را مورد توجه قرار داده و آنها را تصور کنید نمی‌توانید بگویید: مدیریت شهری امر و تربیت امر آخر، خیر؛ مدیریت شهری، امری مؤثر بر تربیت است و به همین دلیل باید در تصمیمات خود تربیت را ملاک تصمیم‌گیری قرار دهد. بنابراین گزاره‌ای که ما در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت گفته‌ایم، گزاره‌ی صادقی است؛ مدیریت شهری از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده است و بنده عرض خواهیم کرد که بیشترین تأثیر را دارد؛ از میان تمام عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده، مدیریت شهری بیشترین تأثیر را دارد. بنابراین ما برای اولین بار به تعریف روشنی از فلسفه مدیریت شهری رسیده‌ایم؛ در شهر هدف اصلی ارتقا تربیت است و اگر مدیریت شهری ارتقا تربیت را فلسفه خود قرار ندهد - که الان قرار نمی‌دهد - [افقی نخواهد داشت و برای خودش مشکلات فراوانی ایجاد می‌شود].<sup>۲۳</sup> به عنوان مثال شعار دوره‌ای از شوراهای شهر این بود که می‌خواهیم هزینه‌های شهرداری را کم کنیم یا ترافیک را کنترل کنیم؛ اتفاقاً ترافیک را زیاد می‌کنند، چون در حال حاضر مشکل اصلی ترافیک خودروهای تک‌سرنشین هستند و این یک کارکرد تربیتی و مبتنی بر شح است که باعث می‌شود خودروهای تک‌سرنشین زیاد شوند.<sup>۲۳</sup> اگر شعار شهر کنترل ترافیک باشد، در میان مدت کنترل ترافیک را تشدید کرده است. این مسأله در تمام مسائل مدیریت شهری جریان دارد. چرا؟ چون تمام مسائل متأثر از فرهنگ و تربیت هستند.<sup>۲۴</sup>

۳/۱. جدا شدن اعضای خانواده از یکدیگر برای تأمین هرم چهارگانه‌ی نیازهای خانوار و در نتیجه ارتباط کم‌رنگ‌تر افراد خانواده با یکدیگر و از بین رفتن زمینه تربیت؛ علت اصلی ضربه خوردن خانواده از طرف مدیریت شهری

چرا مدیریت شهری مهمترین عامل برای بازتعریف عوامل بیرونی است؟ چون مدیریت شهری کالبد و شکل شهر را تعریف می‌کند. اگر شکل تأمین نیازهای ما به سمت تأمین نیازهای خانوار در بیرون از محله حرکت کند شهر از حیث کالبد یک شکل پیدا می‌کند و اگر مدیریت شهری همت خود را صرف این کند که نیازهای خانوار را - که فردا به صورت مفصل بحث خواهیم کرد که هرم نیازهای خانوار چیست، فعلاً اجمالاً آن در ذهن شما باشد - در محله تأمین کند، شهر شکل دیگری پیدا می‌کند.

۲۳. سردار تقی مهری (رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی ناجا) گفت: طبق بررسی‌های صورت گرفته بیش از ۶۰ درصد خودروهایی که در معابر تردد دارند تک سرنشین هستند.

خبرگزاری ایرنا، کد خبر: ۸۱۸۴۴۶۴۳ (۴۹۹۵۹۱۲)

۲۴. برای من عجیب است که گاهی اوقات در شهر کارهای فرهنگی‌ای مانند نگارخانه‌ای به وسعت یک شهر درست می‌کنند و نام این را کار فرهنگی می‌گذارند. این امر اثر کوتاه‌مدت دارد و ما منکر آن نیستیم؛ خود ما به خاطر گفت‌وگوهای الگوی پیشرفت به این شهر پر از آلودگی و شهر توسعه‌یافته‌ی تهران زیاد سفر می‌کنیم و با دیدن این نگارخانه‌ها واقعاً حالمون خوب می‌شود و با دوستان نقاشی‌هایی که در این نگارخانه‌ی بزرگ بودند را تجزیه و تحلیل می‌کنیم. نقاشی‌هایی از دوره قاجاریه و زندیه وجود داشت، یعنی برای ما که در ترافیک گیر افتاده بودیم سوژه‌ی خوبی بود تا فرصتمان هدر نرود و راجع به آنها بحث کنیم. درست است که این امور اثر کوتاه‌مدت دارند ولی کار فرهنگی اصلی این است که به سمت کنترل فضای بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده حرکت کنیم.

انتقال از متن





در شکلی اول هرم نیازهای خانواده تأمین می‌شود ولی افراد برای تأمین نیازهای خانواده مجبور می‌شوند از یکدیگر چهار مرتبه جدا شوند؛ یعنی وقتی شما گفتید نیازها را بیرون از محله تأمین می‌کنم به این معناست که خانواده برای تأمین نیازهای خانوار باید سفر درون شهری را بپذیرد. من فعلاً به این کاری ندارم که وقتی سفرهای درون شهری زیاد می‌شوند، ترافیک، آلودگی هوا، هزینه‌های شهرداری و ... افزایش می‌باشد؛ بلکه فعلاً این موضوع را از حیث خانواده بحث می‌کنم. اگر خانواده‌ای به دلیل اینکه مدیریت شهری هرم نیازهای خانواده را بیرون از محله به او ارائه می‌کند مجبور شود برای تأمین نیازهای خانوار به بیرون از محله برود، ارتباط اعضای خانواده هسته‌ای<sup>۲۵</sup> و حداقلی می‌شود.

نیازهای روزمره را نمی‌توان حذف کرد و در مقابل این نیازها دو گزاره وجود دارد؛ یک گزاره این است که نیازهای روزمره را با مدل‌های هایپرمارکت و امثالهم در چند منطقه تعریف کنیم. گزاره دیگر این است که همیت کنیم تا این نیازها در محله تأمین شوند. در اینصورت خانواده زمان کمتری را صرف تأمین نیازهای روزانه‌ی خود می‌کند و باقی‌مانده‌ی وقت افراد در اختیار خانواده قرار می‌گیرد. همچنین وقتی مدیریت شهری طرح جامع محلات را می‌نویسد باید بگوید: باید در محله - نه در منطقه - به میزانی مدرسه وجود داشته باشد که فرزندان خانواده به راحتی به مدرسه رفته و باز گردند و رفتن به مدرسه موجب این نشود که ارتباط اعضای خانواده با هم کم شود. حالا اگر مدیریت شهری یک گام بالاتر آمد و گفت من تفریح را نیز در محله تأمین می‌کنم، موجب می‌گردد افراد خانواده بیشتر در کنار یکدیگر باشند.<sup>۲۶</sup> مدیریت شهری باید اصرار داشته باشد که تفریح را به محله ببرد. وقتی این کار را انجام داد فرصت اعضای خانواده بیشتر می‌شود. اگر مدیریت شهر یک کار بسیار بزرگ دیگر انجام داد - این کار آخر بسیار بزرگ است - و شناسنامه مشاغل قابل ارائه در محلات را تهیه نموده و مواظبت کرد که شغل افراد حتی‌الامکان در محله باشد، وقتی نیازهای شغلی در محله تأمین شد سعادت مرد و خانواده به اوج خود می‌رسد. کما اینکه در روایات ما این توصیه وجود دارد که بهتر است شغل پدر نزدیک خانواده باشد.<sup>۲۷</sup> وقتی هر چهار نوع نیاز در محله ارائه شد افراد خانواده برای یکدیگر زمان دارند. در اسلام بسیاری از توصیه‌ها - مانند اینکه وظیفه پدر یاد

۲۵. خانواده هسته‌ای، خانواده‌ای است که از دو نسل والدین و فرزندان تشکیل شده است. به طور دقیق‌تر، این نوع خانواده که پس از انقلاب صنعتی رایج شده است، از زن و شوهر و فرزندان ازدواج نکرده تشکیل می‌شود و اعضای این خانواده با هیچ کدام از بستگان دیگر زندگی نمی‌کنند. در خانواده هسته‌ای عموماً پدر یا مادر خانواده و یا هر دو، اقتصاد خانه را اداره و تأمین می‌کنند و در مسائل اقتصادی از خانواده‌ی پدر خودشان مستقل هستند.

۲۶. بنده فردا در این باره صحبت خواهم کرد که تفریح از نظر اسلام چیست؛ تفریح باید انسانی باشد. ما به معنای جدیدی از تفریح خواهیم رسید ولی فعلاً اصل مسأله را بحث می‌کنم. خود بنده وقتی در سن کودکی و نوجوانی قرار داشتم بزرگترین تفریح من این بود که به خانه مادربزرگم - هم مادربزرگ پدری و هم مادربزرگ مادری - بروم، این موضوع بسیار بیشتر از پارک و مدل‌های تفریحی موجود بر روی ما اثر داشت. فردا مفهوم تفریح را توضیح خواهم داد؛ وقتی خانواده شکل گرفت تفریح‌های موجود نیز بازتعریف می‌شوند. الآن متأسفانه پدر و مادر را به خانه سالمندان می‌برند در حالی که رفیق آنها در سنین پیری دو برابر می‌شود؛ پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، محیط اصلی فرح فرزندان خودشان هستند ولی در حال حاضر به دلیل مدیریت شهری تفریح معنای شهرسازی، آب‌بازی و معنای‌ای که کم‌تر اثر فرح‌آمیز دارند - نمی‌گویم اثر ندارند - پیدا می‌کند. اینها را بعداً عرض خواهم کرد و اساساً بحث بنده فردا بر روی این مسأله است که هرم نیازهای خانوار چیست؛ این هرم را بازتعریف خواهم کرد و دو یا سه روز در این موضوع بحث خواهیم کرد. ولی الآن این نکته را تذکر می‌دهم که تفریح حتماً باید در محله باشد و از محله خارج نگردد.

انتقال از متن

۲۷. قال رسول الله ﷺ: أَرْبَعَةٌ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ: الْخَطَاءُ الصَّالِحُونَ، وَالْوَالِدُ الْبَارُّ، وَالْمَرْأَةُ الْمُؤَاتِبَةُ، وَأَنْ تَكُونَ مَعِيشَتُهُ فِي بَيْتِهِ.

پیامبر خدا ﷺ: چهار چیز، از نیک‌بختی مرد است: رفیقان خوب، فرزند نیکوکار، همسر همواره آماده‌ی کامیابی و اینکه شغلش (محل درآمدش) در شهر خودش باشد.

مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار الإحياء التراث العربی، ج ۱۰۰، ص ۸۶



دادن قرآن به فرزند خود است،<sup>۲۸</sup> پدر باید به همسر خود محبت کند<sup>۲۹</sup> - بر عهده پدر قرار دارد؛ اما به دلیل اینکه مدیریت شهری مدیریت هرم نیازهای خانوار را به بیرون از محله برده است، از پدر فقط عکسی در خانه وجود دارد، باور کنید آن عکس پدر نمی‌تواند این وظایف را انجام دهد! الحمد لله در حال حاضر به دلیل اینکه موبایل وجود دارد به همدیگر زنگ هم می‌زنند ولی پدر نمی‌تواند با تلفن وظایف خود را انجام دهد، خانواده‌ها حتماً باید وقت داشته باشند تا کنار همدیگر باشند. حالا شما تصور کنید در خانواده‌ها خانم هم شاغل باشد، در اینصورت حتماً باید فاتحه‌ی فرزند آن خانواده را بخوانید. حتماً فرزند تحویل مهد کودک داده می‌شود؛ ولی آن عنصر اصلی‌ای که در مهد کودک نیست و باعث می‌شود همه کار کردهایی که بر روی کاغذ تعریف می‌کنند به چالش کشیده شود این است که مهد کودک به اندازه کافی نمی‌تواند رفق را برای ۴۰ الی ۵۰ کودک تأمین کند. مادر، یک فرزند یا دو فرزند دارد و به صورت کافی می‌تواند محبت کند؛ اما حتی اگر خانم مهربانی مسئول مهد کودک باشد، وقتی در مقابل زیادی کودک قرار می‌گیرد نمی‌تواند به اندازه کافی رفق انجام دهد. لذا وقتی رفق و محبت پایین آمد شخصیت‌ها نامتعادل می‌شوند، این امر خیلی مسأله مهمی است. بعد از این اتفاقات دستگاه سلامت کشور می‌گوید: یک سوم مردم ایران نامتعادل شده‌اند و ما نیاز به گسترش رشته‌های روانشناسی داریم.<sup>۳۰</sup> پدر و مادر چه زمانی رفق را از

۲۸. قَالَ عَلَى اللَّهِ: إِنَّ الْوَالِدَ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا وَإِنَّ الْوَالِدَ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَيُحَسِّنَ آدَبَهُ وَيُعَامَهُ الْقُرْآنَ.

فرزند را بر پدر حقی و پدر را بر فرزند حقی است، حق پدر بر فرزند آنست که پدر را در هر چیز مگر در نافرمانی از خداوند سبحان اطاعت و پیروی نماید، و حق فرزند بر پدر آنست که نام فرزند را نیکو قرار دهد (بنام یکی از معصومین علیهم‌السلام) یا یکی از فرزندان و خاندان آنها نام نهد) و او را با ادب و آراسته بار آورد و قرآن را به او بیاموزد.

*این ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه، قم، انتشارات آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۹، ص ۳۶۵*

۲۹. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمْرٍو عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِنْ أَحْسَنِ الْأَنْبِيَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ حُبُّ النِّسَاءِ.

امام صادق علیه السلام: از اخلاق پیامبران - که درود خدا بر آنان باد - زن دوستی است.

*کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۳۲۰*

۳۰. به گزارش خبرنگار بهداشت و درمان فارس غلامعلی افروز امروز در کنگره روان‌شناسان و مشاوران ایران که در سالن اجلاس سران برگزار شد افزود: اولین کنگره و مجمع عمومی روانشناسان و مشاوران کشور برگزار می‌شود و هدف اصلی این کنگره تعهد حرفه‌ای و اقتدار سازمانی است. وی گفت: سازمان نظام روانشناسی و مشاوره کشور با چند هدف مشخص تأسیس شده است و کار خود را با ۷۰۰ روانشناس آغاز کرد که هم‌اکنون این تعداد به ۶ هزار و ۵۰۰ روانشناس و مشاور رسیده است و ۲ هزار و ۵۰۰ نفر آنها پروانه تخصصی از سازمان نظام روانشناسی دریافت کرده‌اند. رئیس سازمان نظام روانشناسی و مشاوره کشور گفت: ارتقای بهداشت روانی جامعه، تنظیم خانواده، کارکنان و کارگزاران نظام کشوری و ارتقای دانش تخصصی از رسالت‌های اصلی سازمان نظام روانشناسی است.

افروز گفت: با تشکیل سازمان نظام روانشناسی و مشاوره کشور با عنایت به اهداف مندرج در قانون به ویژه ارتقای دانش تخصص روانشناسی و مشاوره و تلاش در ارتقای بهداشت و روانی جامعه ضرورت بازنگری به جایگاه روانشناسی و مشاوره در کشور و تدوین برنامه جامعه و بلندمدت و ترسیم چشم‌انداز ۲۰ ساله روانشناسی مضاعف می‌شود که از اهداف اصلی نظام روانشناسی است. وی افزود: در سال ۱۹۰۰ به میزان ۱۴ درصد جمعیت جهان، در سال ۲۰۰۰، ۴۷ درصد جمعیت جهان شهرنشین بودند که این رقم در سال ۲۰۱۰ میلادی به ۴۲۱ شهر جهان بیش از یک میلیون نفر رسیده است و چندین شهر ایران از جمله تهران، مشهد، کرج، تبریز، اصفهان، شیراز، قم بیش از یک میلیون نفر جمعیت دارند و نیازمند خدمات ویژه بهداشت روانی است. وی گفت: مطابق آمار جمعیتی در سال ۱۳۸۵ با مهاجرت‌های خواسته و ناخواسته فزونی فوق‌العاده‌ای در جمعیت شهرنشین و روستائین‌ها افزایش پیدا کرد و حدود ۷۰ درصد جمعیت ایران شهرنشین هستند و کمتر از ۳۰ درصد جمعیت ایران در مناطق روستایی ساکن هستند. رئیس سازمان نظام روانشناسی و مشاوره کشور افزود: این آمار بیانگر این حقیقت است که جمعیت شهرنشین ایران از میانگین جهانی شهرنشین (۴۷ درصد) به طور چشم‌گیری بالاتر است که قطعاً نیاز آنها به خدمات بهداشت روانی و روانشناسان افزایش پیدا می‌کند. افروز افزود: بر اساس گزارش سازمان جهانی بهداشت میانگین تعداد روانشناسان به ازای هر صد هزار نفر جمعیت در سال ۲۰۰۸ در کشورهای مختلف ۱۵ نفر بوده است. رئیس سازمان نظام روانشناسی و مشاوره کشور اظهار داشت: در سال ۲۰۱۰ میلادی برای کشور کانادا ۴۷ روانشناس برای جمعیت صد هزار نفری، کشور آمریکا به ازای هر صد هزار نفر ۴۰ روانشناس، کشور فرانسه به ازای هر صد هزار نفر ۳۳ روانشناس، برای ایران به ازای

فرزند خود دریغ کرده‌اند؟ زمانی که فرزند به لحاظ سنی بیشترین نیاز را به رفق دارد، معمولاً هفت سال اول به این شکل است و رفق باید در بیشترین سطح خود باشد. روایات ما به پدر و مادر گفته‌اند: شما حق ندارید در این دوران به بهانه اینکه می‌خواهید فرزند خود را تربیت و امر و نهی کنید، او را از سید بودن بیندازید.<sup>۳۱</sup> فرزند در این سن سید است، یعنی باید اختیارات کافی داشته باشد؛ چون شخصیت او در حال شکل‌گیری است. اما در زمان کنونی هنگامی که شما سر کار هستید و فکر می‌کنید برای فرزند خود کار می‌کنید خانم مربی در مهد کودک چند امر نهی جدی به او می‌کند و در همان موقع شخصیت او به چالش کشیده شده و دهها مسأله برای او به وجود می‌آید. در حال حاضر خانواده‌ها به دلیل اینکه با همدیگر ارتباط ندارند حتی توصیه‌های تبلیغی دین را نیز نمی‌توانند اجرایی کنند. لذا وقتی ماه رمضان تبلیغ می‌کنیم باید به این مسأله توجه کنیم که پدر و مادرها کلاً در روز دو ساعت پیش همدیگر می‌باشند. خیلی که خانواده‌ها پیش همدیگر باشند دو ساعت در طول روز است و بقیه آن را به علت خستگی باید استراحت کرده و یا به مهمانی بروند، عمده مسأله دو ساعت است. حالا در دو ساعت در بین اعضای خانواده چه اتفاقی می‌افتد؟! در حال حاضر عمدتاً تفریح صورت می‌گیرد و خانواده‌های مدرن به شکل مطلق کارکرد تربیتی ندارند. به چه دلیل؟ مقصر مدیریت شهری است؛ مدیریت شهری فرصت‌ها را از خانواده‌ها برای اینکه در کنار همدیگر باشند می‌گیرد، مسأله بسیار مهمی در حال اتفاق افتادن است.

#### ۴. مدیریت شهر به محوریت محلات (محل به معنای محل تأمین هرم نیازهای خانوار)؛ تصویر مطلوب مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

لذا بنده بر روی اینکه مدیریت شهری از نظر اسلام محله‌محور است تأکید می‌کنم. به چه دلیل محله‌محور است؟ به دلیل اینکه؛ ۱. برای همه ما مهمترین مسأله تربیت است ۲. تربیت نهاد متکفل می‌خواهد ۳. مدیریت محله‌ای سپر نهاد متکفل تربیت است. دلایل این موضوع را در ذهن خود تصور کنید؛ اگر مدیریت شهری هرم نیازهای خانوار را به بیرون از محله ببرد، بر روی خانوار یک نوع اثر دارد؛ اثر آن، ضیق کردن ارتباطات افراد و ایجاد خانواده‌های هسته‌ای است. اگر مدیریت شهری کالبد شهر را به گونه‌ای مدیریت کرده و در دانشگاه‌ها بحث کند که - ان‌شاءالله ما رشته‌های آن را نیز راه خواهیم انداخت و وقتی دانشجویان خواستند فارغ‌التحصیل شوند، این معانی را به صورت

صد هزار نفر جمعیت ۶ روانشناس و برای چین به ازای ۲۰۰ هزار نفر یک روانشناس بوده است که تعداد روانشناسان ایران به ازای هر صد هزار نفر به فوق‌العاده معناداری کمتر از میانگین جهانی است. وی گفت: در کانادا یک روانشناس برای دو هزار و ۱۲۷ نفر مشاوره می‌دهد. در کشور آمریکا یک روانشناس برای هر ۲ هزار و ۵۰۰ نفر فعالیت می‌کند، در فرانسه یک روانشناس برای ۳ هزار و ۳۰ نفر و در ایران یک روانشناس به ازای ۱۵ هزار و ۶۶۶ نفر فعالیت می‌کند که رقمی تأمل برانگیز است. رئیس سازمان نظام روانشناسی و مشاوره کشور اضافه کرد: از روانشناسان واجد شرایط در کشورهای کانادا، آمریکا، فرانسه ۵۸ درصد آنها دارای مدرک فوق لیسانس هستند و ۴۲ درصد آنها مدرک دکترا دارند. ولی در ایران از ۶ هزار و ۵۰۰ روانشناس و مشاوره در کشور که عضو سازمان نظام روانشناسی و مشاوره کشور هستند ۹۱ درصد آنها دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۹ درصد آنها دکترا دارند و نیاز به روانشناسان مجرب و مشاوران بصیر به ویژه با درجه دکترا در کشورهای مختلف از جمله ایران روزافزون است. افروز گفت: در ایران حدود ۱۷ میلیون خانوار با میانگین ۴٫۲ درصد در مناطق شهری و روستایی زندگی می‌کنند و برای ۴ هزار و ۲۰۰ نفر نیازمند یک روانشناس هستند که جمعاً به ۱۷ هزار روانشناس مجرب و واجد شرایط با مدرک کارشناسی ارشد و دکترا و دارای پروانه اشتغال از سازمان روانشناسی کشور نیاز داریم.

تخریب‌گرایی فارس، کد خبر: ۱۹۱۲۰۴۱۲۲۸

۳۱. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَاصِمِيُّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ، عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: «الْعُلَاةُ رَلْعَبُ سَبْعِ سِنِينَ، وَتَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ، وَتَتَعَلَّمُ الْحَالَاتِ وَالْحَرَاقَةَ سَبْعَ سِنِينَ».

امام صادق عليه السلام؛ پسر، هفت سال باید بازی کند، هفت سال آموزش قرآن ببیند و هفت سال حلال و حرام را فرا گیرد.

کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، قم، انتشارات دار الحدیث، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۴۴۲

وسیع منتقل می‌کنیم - بر روی محله تمرکز نماید و محله نیز به معنای محل تأمین نیازهای خانوار باشد، به خانواده‌ها فرصت فراوان داده می‌شود. وقتی فرصت فراوان به خانواده داده شد، خانواده‌ها می‌توانند در کنار یکدیگر باشند و در آن زمان تبلیغ هم تأثیر خواهد داشت، بودجه‌های فرهنگی نیز اثر خواهد کرد؛ چون در اینصورت وقتی با خانواده‌ها صحبت نموده و مثلاً به پدر توصیه‌ای می‌کنید، پدر وقت دارد این توصیه را عملیاتی کند. بنابراین اگر فلسفه مدیریت شهری به شرحی که عرض شد ارتقا تربیت باشد، تعریف مدیریت شهری محله‌ای خواهد بود، آن فلسفه ما را به این تعریف می‌رساند. با توجه به اینکه به صورت جدی می‌خواهیم اثرات سوء بیرونی بر نهاد خانواده را کنترل کنیم و با توجه به اینکه مدیریت شهری بیشترین اثرات بیرونی را بر نهاد خانواده دارد، بنابراین مدیریت شهری محله‌ای است. محله هم به معنای محل تأمین نیازهای اصلی خانوار است.

**۴/۱. تعریف محلات به  
محوریت اقتصاد در  
مدل TOD و تعریف  
محله به محوریت تأمین  
هرم نیازهای خانوار؛  
تفاوت مدیریت شهری  
از نگاه الگوی پیشرفت  
و مدیریت شهر به روش  
TOD**

دقت بفرمایید این نوع تعریف از محله با محلات TOD متفاوت است؛ در مدل TOD - همانطور که از اسم آن برمی‌آید، transit oriented development به معنای حمل‌ونقل توسعه‌ای است<sup>۳۲</sup> - محلات چه موضوعی را بحث می‌کنند؟ بیان می‌کنند که مدیریت شهری باید بر روی مسأله حمل‌ونقل تمرکز کند. چرا؟ به دلیل اینکه اگر حمل‌ونقل مدیریت شود سه طایفه سود می‌کنند؛ طایفه اول تولیدکنندگان جامعه هستند؛ یعنی کارخانه‌داری چند قلم جنس تولید کرده است و حالا می‌خواهد این اجناس را به دست مشتری و به سیستم توزیع برساند و اگر حمل‌ونقل تسهیل شده باشد تولیدکننده هزینه کمتری می‌پردازد زیرا حمل‌ونقل بر مبنای تسهیل ارتباطات توسعه‌ای تعریف شده است؛ یعنی شبکه ارتباطات، بنگاه‌های تولیدی و یا شهرک‌های صنعتی را به مبادی ترانزیتی کشور وصل می‌کند و در شهر هم همین حمل‌ونقل جدی گرفته می‌شود. همچنین توزیع کننده نیز سود بیشتری می‌برد، به دلیل اینکه هزینه حمل‌ونقل از تولیدکننده کسر می‌شود و در نتیجه جنس ارزان‌تر به دست او خواهد رسید. وقتی توزیع کننده جنس ارزان‌تری به دست آورد تولیدکننده هم هزینه‌های توزیع را ارزان‌تر خواهد داد و در نتیجه به دلیل همین مدیریت شبکه حمل‌ونقل و شبکه جاده‌ها مصرف‌کننده نیز کالا را ارزان‌تر دریافت می‌کند و سود بیشتری خواهد برد. بنابراین آنها بیان کرده‌اند: برای اینکه این سه سطح سود اقتصادی بدست بیاوریم اگر فقط شبکه جاده‌ها را کنترل کنیم شهر توسعه پیدا می‌کند [و در نتیجه این سود حاصل می‌شود]. در مدیریت شبکه جاده‌ها حرف‌های زیادی مطرح شده و آخرین بحث آن نیز محلات اقتصادی است. محله اقتصادی چیست؟ محله اقتصادی عبارت از یک سری فروشگاه‌های عرضه است که - هاپرمارکت‌ها و مدل‌های جدیدی که عرضه می‌شوند در این نوع تعریف وجود دارند - دسترسی شبکه عرضه به اولین ایستگاه حمل‌ونقل به صورت پیاده کمتر از ده دقیقه است. بنده مدلی از TOD را که بررسی کردم این شاخص را ملاک قرار داده بود. مثلاً شما یک مرکز فروش بزرگ که همه اجناس در آن وجود دارد

۳۲. در سال‌های اخیر، یکی از بزرگترین اهداف برنامه‌ریزی و طراحی شهری، به ویژه در مراکز شهری، کاهش اتکای به اتومبیل به منظور ایجاد پایداری و سرزندگی در شهرهاست. [۱] به همین منظور حکومت‌ها و سازمان‌های برنامه‌ریزی، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های خود را با هدف بازشکل‌دهی توسعه شهرها در الگوهای فشرده‌تر با کاربری مختلط جهت‌دهی کرده‌اند یکی از این سیاست‌ها که اقبال زیادی به آن شده، توسعه حمل‌ونقل محور شهری است. طرفداران این نوع توسعه، تراکم بالا و مراکز فعالیتی با کاربری مختلط را که به وسیله سامانه‌های حمل‌ونقل عمومی با کیفیت بالا به یکدیگر مرتبط می‌شوند، راه حل این مشکلات معرفی می‌کنند. [۲] توسعه حمل‌ونقل محور به عنوان مرکزی با آمیزهای متراکم از کاربری‌های مسکونی، تجاری، اداری و عمومی و فضای باز است که در آن مغازه‌های خرده‌فروشی و خدماتی در یک هسته تجاری با دسترسی آسان نسبت به خانه‌ها قرار گرفته‌اند (حدود ۶۰۰ متر یا ۱۰ دقیقه پیاده‌روی). یک ایستگاه حمل‌ونقل عمومی در هسته‌ی این مرکز قرار دارد. استفاده‌ها در مرکز به صورت عمومی بوده و ادارات در طبقات بالاتر از سطح زمین قرار می‌گیرند. محدوده‌ای برای استفاده‌های کم‌تراکم‌تر، هسته‌ی مرکز را با فاصله‌ای حدود ۱۶۰۰ متر احاطه می‌کند. [۳]

[۱]. پیتر نیومن و نورث جفری؛ طراحی شهر برای کاهش وابستگی خودرو، ص ۳-۹

[۲]. الکس آیچر و کاپلین پیپر؛ توسعه اقتصادی و رشد هوشمند، ص ۷-۱۹

درست می‌کنید و آن کسی که محاسبه‌ی ساخت را انجام می‌دهد می‌گوید: افرادی که به این مرکز فروش می‌آیند و از این مرکز فروش بیرون می‌روند باید در عرض کمتر از ده دقیقه به یک ایستگاه اتوبوس، یا به یک ایستگاه قطار و مترو و یا به یک فرودگاه برسند، در اینصورت این محله یک محله استاندارد است. وقتی تنها همین یک شاخص را اصل قرار دادند، چه اتفاقی می‌افتد؟ فردی که می‌خواهد به مرکز خرید بیاید، به راحتی وارد مرکز خرید می‌شود و توزیع‌کننده نیز به راحتی کالاهای خود را منتقل می‌کند - زیرا هر سه طایفه به دنبال سود اقتصادی هستند - و به صورت مدام نیز این را تبلیغ می‌کنند که ارزان‌تر، با کیفیت‌تر و راحت‌تر بخرید،<sup>۳۳</sup> در واقع خدمات اقتصادی می‌دهند. حالا اثر این کار چیست؟ به تدریج جمعیت خریدار و فروشنده در این مرکز خرید گسترش پیدا می‌کند؛ زیرا خرید و فروش این قدرت را دارد؛ مراکز اقتصادی مانند زیارت امام رضا (ع) نیستند که رفت و آمدها در آنها به محوریت زیارت باشد.<sup>۳۴</sup> بنابراین TOD ترانزیت را کنترل می‌کند و وقتی ترانزیت - شبکه جاده‌ها - مدیریت شد، رفت و آمد اقتصادی موضوعیت پیدا می‌کند. وقتی حمل و نقل تسهیل شد، رفت و آمد بیشتر خواهد شد. مثلاً وقتی شما فروشگاه‌های در محله دارید که کلاً ۵۰ نوع جنس دارد و یک مرکز خرید نیز وجود دارد که یک میلیون جنس عرضه می‌کند به صورت طبیعی تحریک می‌شوید که به آنجا بروید. بعد از راه‌اندازی مدل TOD نیز تا آن مکان تنها ده دقیقه پیاده راه است، خانم‌ها همه به صورت خانوادگی به آنجا می‌روند. وقتی محله را به این شکل تعریف کردید، رفت و آمدها اقتصادی خواهد شد. وقتی رفت و آمدها اقتصادی و زیاد و راحت شد اتفاق دوم و سوم می‌افتد؛ زمانی که جمعیت در آن محل زیاد شد، گردانندگان فروشگاه می‌گویند: حالا در این محل یک مدرسه هم تأسیس کنیم تا تحصیل نیز در این محل اتفاق بیفتد، یک پاسگاه امنیتی نیز در این محل بزنیم تا امنیت هم تأمین شود، زیرا رفت و آمد در این محل زیاد است. یک پارک ویژه‌ای هم در آن محل طراحی کرده و برای کودکان سن پایین تا آدم‌های بزرگ تفریح تعریف می‌کنند. شغل نیز در آن محل وجود دارد. وقتی شغل تسهیل شد، تفریح را نیز به آنجا می‌برند، تحصیل و امنیت را هم به آنجا می‌برند و در قدم بعدی مشاهده خواهید کرد که در کنار آنها خانه هم ایجاد شده و مسکن نیز به آنجا انتقال یافته است؛ یعنی هویت محله به محوریت اقتصاد بازتعریف خواهد شد و این، خطر TOD است.

وقتی شما حمل‌ونقل شبکه‌ای را مدیریت کردید در گام دوم به بازتعریف هویت محله‌ها حول اقتصاد خواهید رسید و در اینصورت افراد اقتصادی خواهند بود. در آینده بنده راجع به شهرهای اقتصادی صحبت خواهم کرد. مثلاً شما شهر عسلویه را نگاه کنید؛ عسلویه به محوریت نفت و گاز و این موارد به وجود آمده است ولی در حال حاضر داستان نفت و گاز نیست و در آن محل شهر شکل گرفته است. حال شما فکر کنید فردی در آنجا متولد می‌شود؛ یعنی آنجا کاملاً به محوریت یک شهر اقتصادی شکل گرفته است و حالا خداوند متعال هم خانواده‌ای که برای اقتصاد به آنجا رفته‌اند

۳۳. وقتی می‌خواهند یک مرکز خرید را معرفی کنند از این حرف‌ها می‌زنند.

*انتقال از متن*

۳۴. البته در حال حاضر می‌خواهند رفت و آمدها [در مشهد] را نیز به محوریت توریسم تعریف کنند که در جلسات آینده بحث خواهم کرد. یک نوع پارک‌های تخصصی در مشهد تعریف شده و می‌خواهد رفت و آمدها را به محوریت تفریح بازتعریف کند. موج‌های آبی، پدیده و ... همه از این نوع برنامه‌ها هستند. بنده دو جلسه راجع به مشهد و دو جلسه راجع به تهران بحث خواهم کرد، فعلاً باید مفاهیم را بگویم.

*انتقال از متن*

فرزندی عنایت کرده است. وقتی بچه به خود می‌آید همه اخبار و همه هویت شهر به محوریت اقتصاد است و لذا اخلاق او به تدریج اقتصادی خواهد شد.<sup>۳۵</sup>

بنابراین وقتی کلمه محله استفاده می‌شود مراد محله به معنای محل تأمین نیازهای خانوار است، یعنی خانواده در آن اصل است. باید خدمات را به درون محله برد تا خانواده بتواند راحت‌تر زندگی کند، نه اینکه محل زندگی خانواده را به مراکز خرید ببریم تا خانواده معنای اقتصادی پیدا کند. لذا اگر فلسفه مدیریت شهری را به شرحی که عرض کردم - فلسفه مدیریت شهری به معنای ارتقا تربیت - به صورت دقیق تصور کنید به تعریف محله اسلامی می‌رسیم؛ محله اسلامی یعنی محل تأمین نیازهای خانوار یا محیط همسایگی، بعدها این را توضیح خواهیم داد.

بنابراین نباید از کلمه محله برداشت اشتباهی بکنید. بنده در مشهد گفت‌وگو کرده بودم و بلافاصله آقای که قبلاً در شهرداری شهر مشهد مدیر بوده در روزنامه شهرآرا در نقد گفت‌وگو ما نقدی را نوشته بود. ایشان بیان گفته بود مدیریت محله‌ای، موضوع جدیدی نیست. مسئول کارگروه الگوی پیشرفت اسلامی مروی<sup>۳۶</sup> یادداشتی برای ایشان ارسال کرده که آن یادداشت نیز چاپ شد. در این یادداشت نوشته بیان شد که اصل مدیریت محله‌ای چیز جدیدی نیست؛ اما مدیریت محله‌ای با تعریف همسایگی و محل تأمین نیازهای خانوار حرفی بدیع است؛<sup>۳۷</sup> بله محلات TOD یا محلات قراردادی نیز از قبل وجود داشته است. مثلاً می‌گویند منطقه ۱۲ تهران ۱۲ محله است. ولی این کار یک نوع قرار داد است و بر روی نقشه مسیری را مشخص کرده‌اند. اگر هم قرار داد نباشد دستور کار این نوع تعریف از محله و یا سراهای محله‌ای آن چیزی که ما می‌خواهیم نیست؛ لذا این محلات یک چیز فانتزی هستند و سرای محلات در حال حاضر یک کارکرد فرهنگی و اجتماعی دارند.<sup>۳۸</sup> علت نیز

۳۵. ما اهل بروجرد هستیم، بنده به شکل مفصل دوران شکل‌گیری شخصیت خود را به یاد دارم. در شهر بروجرد یک پدیده بسیار خوبی به نام سقاخانه‌ها در ماه‌های محرم و صفر وجود دارد. سقاخانه‌ها در آنجا بسیار ویژه بوده و با همه جای کشور متفاوت است. از هر ده یا پنج خانواده - بستگی به محلات مختلف دارد - یک خانواده‌ای یک اتاق خانه خود - که بهترین اطاق او نیز می‌باشد - را به احترام امام حسین علیه السلام سیاه‌پوش و تزئین کرده و بعد پذیرایی تهیه می‌کند و نوار مداحی می‌گذارد. این کار در خانه‌ها انجام می‌شود، مساجد و حسینیه‌ها در سر جای خود هستند. وقتی شما در این ایام وارد شهر بروجرد می‌شوید، می‌بینید که مثلاً یک پنجم خانواده‌ها خصوصاً در دهه اول محرم سقاخانه‌ها را باز کرده‌اند و مثلاً در یک کوچه ده خانه به این شکل است، ده بلنگوی معمولی آرام روضه پخش می‌کنند و مردم به آنجا می‌روند. یکی از تفریحاتی - تفریح به معنای اسلامی که عرض خواهم کرد - و اصولی که ما در دوران کودکی و نوجوانی با آن روبرو بودیم، پدیده سقاخانه‌ها بود. لذا محرم و صفر به قدری در وجود بچه‌های هم سن و سال ما جا افتاده است که بنده بعید می‌دانم در هیچ جای کشور به این شکل باشد. در جاهای دیگر کشور نمونه‌های دیگری نیز وجود دارد؛ اما پدیده بروجرد قابل مطالعه است. حالا فرض کنید یک نفر در این شهر متولد شود؛ بالاخره درست است که ما در سن کودکی داستان امام حسین علیه السلام و درگیری حق و باطل را متوجه نمی‌شویم؛ اما ده روز آن هم در طول ده الی پانزده سال به صورت مداوم می‌بینیم که جوش و خروش و رفت و آمدی در سقاخانه‌هاست. چه اتفاقی می‌افتد؟ تغییر اخلاق به محوریت دستگاه امام حسین علیه السلام در افراد ایجاد می‌شود. این کار نسبت به وقتی که شما یک شهر را اقتصادی تعریف می‌کنید اثر بسیار متفاوتی خواهد گذاشت.

مثلاً یکی از فوایدی که بروجرد داشته و متأسفانه به دلیل توسعه یافته شدن شهر در حال از بین رفتن است [وجود علما در آن شهر است]. در تاریخ نقل است که در دوره‌ای هم‌زمان ۷۰ مجتهد جامع‌الشرایط در بروجرد زندگی می‌کردند؛ یعنی در همه محلات [عالم زندگی می‌کرده است]. مانند همین منطقه ۱۲ تهران که ۲۵۰ مسجد دارد و ۳۰ الی ۴۰ عالم بزرگ در این منطقه وجود دارد که حوزه‌ی علمیه داشته و آدم‌های مؤثری هستند. خب این افراد بر روی محله تأثیر می‌گذارند و محله، محله‌ی علم می‌شود و یا مانند بروجرد محله، محله‌ی زیارت می‌شود. این مدل یک نوع تأثیر هویتی دارد - بنده با دوستانی که راجع به مسأله هویت در شهر کار می‌کنند صحبت می‌کنم - و اگر شما TOD را بپذیرید باید از هویت اصلی خود دست بردارید و یک هویت اقتصادی را ایجاد کنید.

*انتقال از متن*

۳۶. آقای ابوالفضل آریان پور

۳۷. برای درک این مطلب به پیوست شماره ۱ مراجعه شود.

۳۸. مهدی چمران، رئیس شورای اسلامی شهر تهران: وقتی موضوعی مصوب می‌شود به صورت قانون در می‌آید، عوض شدن شهردار در تغییر آن امکان ندارد. چمران رئیس شورا تصریح کرد: مردم در محله‌های مختلف با سلاقی مختلف چگونه می‌توانند مدیریت سرای محله را عهده‌دار باشند؟ در حال

این است که خانواده‌ها دچار فروپاشی شده‌اند و همین مدیریت شهری باعث این فروپاشی شده است؛ مسائلی اجتماعی را درست کرده‌اند و حالا سراهای محلات می‌خواهند مسائل اجتماعی را مدیریت کنند، خود کارکرد کلان مدیریت شهری باعث ایجاد مسائل اجتماعی شده است؛ چون با نگاه TOD و اقتصادی حرکت می‌کنند و بعد هم سرای محلات را برای مدیریت عوارض ناشی از آن مدیریت شهری پیشنهاد می‌کنند. بنابراین نباید تصور کنیم محلاتی که به نحو قراردادی می‌نویسیم کار ما را به سامان می‌رساند، خیر؛ وقتی اصطلاح مدیریت محله‌ای را به کار می‌بریم، باید تعریف صحیحی هم از محله داشته باشیم. همانطور که عرض کردم از نگاه نقشه راه محله یعنی محل تأمین نیازهای خانوار.

در این قسمت نیز نکته‌ای را عرض کنم؛ برخی گفته‌اند محله به محوریت مسجد بازتعریف می‌شود. آنها اصل اینکه باید به دنبال مدیریت محله‌ای بود را متوجه شده‌اند اما بیان کرده‌اند که محله یعنی مکانی که مسجد، محور آن باشد. ما به آن دوستان گفتیم اگر اعضای محله در محله نباشند و به بهانه‌ی تأمین نیازهای خانوار چهار بار از محله بیرون بروند، در اینصورت مسجد از حیث انتفاع خواهد افتاد. مسجد در مکانی موضوعیت پیدا می‌کند که افرادی در آن حضور مستمر داشته باشند؛ اینکه مسجد محور محله است حرف درستی است، اما تا زمانی که این تعریف از مدیریت محله‌ای ملاک کار قرار نگیرد، مساجد نیز محور قرار نخواهند گرفت. در محله‌های TOD ساختمان‌های مساجد ساخته می‌شوند، اما مساجد فانتری هستند و کارکرد خود را ندارند. ان‌شاءالله فردا وارد این بحث خواهیم شد.

**۲/۴. عدم تعریف محلات به محوریت مساجد به دلیل بی‌ثمر شدن مساجد در صورت خارج شدن افراد از محله برای تأمین نیازهای خانوار**

پس عرض بنده این شد - بنده قسمت اول مباحث را تمام کردم - شهر اسلامی عبارت است از نظامی از محلات که مدیریت شهری هر روز این مدیریت و ماهیت محله‌ای را تقویت می‌کند. اگر این اتفاق در شهر اسلامی بیفتد ارتقا تربیت میوه اصلی آن است و ارتقا تربیت نیز مسأله اصلی جامعه اسلامی می‌باشد؛ تمدن اسلامی بدون ارتقا تربیت محقق نخواهد شد.

بنابراین با توجه به اینکه ما فلسفه دیگری را بحث کردیم به تعریف مدیریت محله‌ای رسیدیم، دقیقاً مباحثی که ما در سطح فلسفه مدیریت شهری بحث کردیم پایه قرار گرفت و ما به این تعریف رسیدیم. در نهایت آن جمله معروف خود را دوباره تکرار می‌کنم که ما وقتی کلمه فلسفه را استعمال می‌کنیم مرادمان فلسفه‌های مضاف نیست؛ بنده اصرار دارم که با این تعاریف کلی و غیر کاربردی مرزبندی کنیم. مراد ما از فلسفه‌ی مدیریت شهری مباحثی است که بعدها می‌توانید از آنها استفاده کنید. شاید بتوان گفت ما به دنبال فقه مضاف - بنده این تعبیر را بهتر می‌پسندم - بوده و در حال بحث از فقه مضاف محله هستیم، اگرچه ما تعبیر خودمان را داریم؛ اما تعبیر فقه مضاف بیشتر از تعبیر فلسفه‌های مضاف بکار می‌آید.

وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ ﷺ

حاضر شوراباری‌ها نیز با همین مشکل مواجه هستند. شوراباری‌ها آنچه مطابق صنف و درآمدهای خودشان است مطابق آن تصمیم می‌گیرند و همه نیازهای مردم در نظر گرفته نمی‌شود. به عقیده بنده نسبت به مدیریت سرای محله باید با دید کامل‌تری بنگریم، این طرح نیاز به زمان دارد تا مجدداً بررسی شود.

## پرسش و پاسخ

### ۱. ارائه تعریف دیگری از آموزش و پرورش در نقشه راه؛ دلیل معرفی مدیریت شهری به عنوان مؤثرترین عامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده و عدم معرفی نظام آموزشی به عنوان مؤثرترین عامل

آقای سید محمدرضا دادمربی: دو سؤال دارم؛ یکی اینکه فرمودید مؤثرترین مسأله از عوامل بیرونی بر تربیت، مسأله مدیریت شهری است؛ اما شاید اینطور به نظر برسد که مؤثرترین عامل الگوی آموزش باشد. زیرا خانواده‌هایی وجود دارند که نیازهای آنها در محل تأمین می‌شود اما آن روابطی که اعضای خانواده باید نسبت به همدیگر داشته باشند را آموزش ندیده و بلد نیستند و در نتیجه خانواده آنها به چالش کشیده می‌شود.

یک مسأله دیگر هم اینکه در صورتی که محله‌ای مانند عسلویه به محوریت اقتصاد ایجاد شود، اگر ما الگوی آموزش را در آنجا درست کنیم افرادی هم که در آنجا متولد می‌شوند می‌توانند هویت دینی خودشان - که مثلاً درگیری حق و باطل باشد - را فرا بگیرند.

**حجت‌الاسلام کشوری:** توجه بفرمایید؛ ظاهر سؤال، سؤالی فنی‌ای است، اما بنده یک مقدار بحث می‌کنم تا مشخص شود سؤال، فنی نیست. ببینید؛ آموزش را چه چیزی تعریف می‌کنید؟ آیا آموزش را انتقال اطلاعات تعریف می‌کنید؟ خُب اگر آموزش به معنای انتقال اطلاعات بوده و وظیفه نظام آموزشی نیز انتقال اطلاعات باشد نقش مدیریت محله‌ای کمتر از نظام آموزشی خواهد بود؛ زیرا با این معنا از آموزش و پرورش، نظام آموزش و پرورش فقط کافی است کتاب‌های خوبی را بنویسد و تفاوتی ندارد که این کتاب خوب در محله‌های TOD تدریس شود یا در محلات اسلامی؛ چرا که آموزش به معنای انتقال اطلاعات است و شما هم توانسته‌اید آموزش و پرورش را به نحو احسن انجام دهید.

اما اگر بیان بگویید وظیفه آموزش و پرورش در واقع کار تربیتی است، در اینصورت کار تربیتی بدون محیط رفیق و محیط ذکر امکان ندارد. شما همین دو شاخص کار تربیتی را در نظر بگیرید، در اینصورت آیا رفیق در محلات TOD بیشتر است یا در محلاتی که با تعریف محله اسلامی هستند؟ لذا اگر آموزش به همراه رفیق است، کل کارکرد محله آموزش و پرورش خواهد بود و البته بخشی از کار محتوای درسی خواهد بود؛ اگر ذکر جز کار تربیتی است باید بدانید که وقتی شما صبح چشم خود را باز می‌کنید با بیلبوردهای تبلیغاتی مواجه خواهید شد، با انسان‌هایی مواجه خواهید شد که هر روز به محل کار خود رفته و بر می‌گردند، یعنی رفت و آمدها دائماً به شما می‌گویند که اقتصاد اصل است، اقتصاد اصل است. حالا چه فرقی می‌کند که در کتاب‌ها نوشته شده باشد درگیری حق و باطل اصل است. این سؤال بهانه‌ای شد که بنده دوباره بحث را بشکافم؛ سؤال شما بستگی دارد به اینکه آموزش را چه چیزی تعریف می‌کنید.

مثلاً شهر ما که پر از سقاخانه است ذکر ایجاد کرده و دائماً تذکر می‌دهد و انسان هم به صورت طبیعی به فکر فرو می‌رود که این مردمان چکار می‌کنند و چرا خودشان خرج می‌کنند؟! مدل عزاداری در شهر ما یک پدیده فوق‌مردمی است. بنده از عمویم خود یاد می‌کنم که در تربیت این مسائل به ما خیلی مؤثر بودند؛ ایشان کشاورز بود و یک سال پس‌انداز می‌کرد تا گوساله‌ای را خریده و خرج امام حسین علیه السلام کند. ایشان گوساله را با آداب خاصی قربانی می‌کردند و همه خانواده را نیز دعوت می‌نمودند. خُب این کار یک نوع ذکر ایجاد می‌کند. اما اگر پدر و مادر هر دو شاغل بوده و هر روز به سر کار بروند - در محلات TOD همه به این شکل هستند - در آنجا ذکر اقتصادی ایجاد خواهد شد و دائماً محیط، بیلبوردها، رفت و آمدها این مطلب را به انسان‌ها منتقل می‌کنند. به عنوان مثال شما تلویزیون را روشن می‌کنید و تلویزیون تبلیغات گسترده‌ی یک مرکز خرید را با چه جذابیت‌های بصری و گفتاری پخش می‌کند و در نظام آموزشی نیز چند کتاب نوشته و در آنها بیان می‌کنند که قناعت اصل است. در اینصورت چه اتفاقی می‌افتد؟ درست است که قناعت اصل است اما در اینصورت این حرف که قناعت اصل است به افراد منتقل نمی‌شود، بلکه آن نگاه اقتصادی منتقل خواهد شد. بنابراین نظام آموزشی مهمترین عامل بیرونی نیست،



مدیریت شهری مهمترین عامل بیرونی است. نظام آموزشی می‌تواند مکمل مدیریت شهری در ایجاد تربیت باشد؛ چون محیط زندگی در محیط تربیتی اصل است نه کتاب‌هایی که انسان‌ها می‌خوانند. البته آموزش و پرورش نیز باید کتاب‌های درسی متناسب ارائه دهد. ان‌شاءالله ما در برنامه هفتم و غیره این امورات را به آموزش و پرورش پیشنهاد خواهیم داد؛ به آنها خواهیم گفت که مثلاً کتابی با عنوان زندگی در محله ارائه دهند. در عوض اینکه کتابی در مورد سبک زندگی اسلامی نوشته و در مورد سبک زندگی اسلامی به صورت نظری بحث کنند، کتابی با عنوان زندگی در محله نوشته و سعی کنند ماهیت محله‌ای را آموزش بدهند. این جواب سؤال اول شما بود. شما آموزش را غلط در ذهن خود تصور نموده‌اید که بیان می‌کنید نظام آموزشی مؤثرترین عامل است. اگر مفهوم آموزش را بازتعریف کنیم، مدیریت شهری مهمترین عامل است؛ البته با همان قیدهایی که خدمت شما عرض کردم.

## **۲. تهیه شناسنامه میزان تأمین نیازهای افراد در محله‌ی خودشان در حال حاضر، ارائه برنامه‌های کوتاه‌مدت برای تأمین بیشتر نیازها در محله، تهیه پیوست‌های فرهنگی برای نیازهای غیر قابل انتقال به محله در زمان کنونی؛ سطوح سه‌گانه فعالیت‌های مورد نیاز برای پیش‌بردن مدیریت شهری**

**آقای محمد سعادت‌مند:** در بخشی از فرمایشات خود فرمودید اگر محله‌ها به محوریت بنگاه‌های اقتصادی شکل بگیرند تربیت به چالش کشیده خواهد شد. مثال مرکز خرید و مثال عسلویه را ذکر کردید و این حرف شما منطقی است؛ ما در برخی از این بنگاه‌های اقتصادی مانند مراکز خرید، می‌توانیم آنها را متمرکز نکرده و آنها را به محله برده و از یک نقطه‌ی صفر شروع کنیم؛ اما در مورد برخی از موارد مانند مجتمع‌های نفت و گاز و موارد مشابه باید چه کاری انجام داد؟ آیا می‌توان این موارد را تکثیر کرد و حالت غیر متمرکز داد و به داخل محلات و غیره برد؟

**حجت‌الاسلام کشوری:** ببینید؛ بعدها در روزهای آخر مباحث سطحی از بحث با این عنوان ارائه می‌شود که در حال حاضر باید چکار کنیم. جواب سؤال شما در آن زمان مشخص خواهد شد. ما در جواب خود دو راه حل ارائه داده‌ایم؛ یکی اینکه شناسنامه نیازهای خانوار در محلات در دستور کار مراکز مطالعاتی شهرداری‌ها قرار گیرد و دوم اینکه شغل‌ها در محلات چه حالتی می‌توانند پیدا کنند، هزینه‌های آنها چیست، فواید آنها چیست. این امور نیاز به محاسبات دقیق دارد. راجع به تفریح، تحصیل، نیازهای روزمره و همه این موارد نیازمند شناسنامه‌های آماری هستیم. این شناسنامه‌های آماری به ما می‌گوید که چقدر از هرم نیازهای خانوار همین الآن در محله تأمین می‌شود. شهرداری هم باید برای آنها قوانین محافظ بگذارد تا به بهانه‌ی کنترل ترافیک یا به بهانه قوانین دیگر این هرم نیازهای تأمین شونده در محلات به چالش کشیده نشوند. به عنوان یکی از این قوانین محافظ آن است که ساخت هایپرمارکت‌ها متوقف شود.

در راه حل دوم سطحی از کارها این است که هرم نیازهای خانوار را بهبود ببخشند. برای مناطقی مانند عسلویه و موارد مشابه در کوتاه مدت نمی‌توان کاری کرد؛ چون بالاخره آنجا شکل گرفته و سرمایه‌های ملی خرج شده است. کار ما برای آن مکان‌ها تهیه پیوست‌های فرهنگی است. پیوست‌های فرهنگی‌ای که بتوانند نهاد خانواده را تقویت کنند. برای دوران اضطراب پیوست فرهنگی تهیه می‌کنیم. پس ببینید شناسنامه‌های آماری به ما سه دسته اطلاعات می‌دهند؛ این موضوع را در جلسات آخر به شکل مفصل بحث خواهیم کرد. به عنوان مثال ما باید محله‌ی ایران و باغ فردوس - که ما در این محله‌ها داریم کارهایی را انجام می‌دهیم - یا محله امامزاده یحیی<sup>۳۹</sup> و برخی از محلات تهران - که دارای ماهیت محله‌ای جدی‌تری هستند - را مطالعه کنیم و ببینیم که در این موارد ماهیت محله‌ای که بیان شد چه وضعیتی دارد؟ در اصل، موضوع کار مطالعاتی همین است و شاید یک سال هم کار ببرد؛ البته این کار مطالعاتی به روش خود ما انجام می‌شود. این یک دسته از اطلاعات است. پس از این کار باید ببینیم به محوریت نیازهای خانوار چه کارهای میان‌مدتی باید انجام گیرد. این هم دسته دوم مطالعات است، باید زیرساخت‌سازی شود.<sup>۴۰</sup> در مسأله سوم نیز به پیوست‌های فرهنگی خواهیم رسید. مکان‌هایی وجود دارد که در اصل

۳۹. از محلات منطقه ۱۲ شهر تهران

۴۰. حالا بعد این موضوع را بحث خواهیم کرد و بیان خواهیم کرد که در مدیریت محله‌ای چه اتفاقی خواهد افتاد.

به محوریت TOD و اقتصاد طراحی شده‌اند و نمی‌توان آنها را در کوتاه مدت اسلامی کرد، در این موارد حکم ما پیوست‌های فرهنگی است.

### ۳. عدم وجود محله‌ی تعریف‌شده توسط نقشه راه بعد از دوره حکومت پیامبر ﷺ و لزوم جلوگیری از یکسان‌انگاری در تعریف محله

یکی از حاضرین (۱): شما به محله بازگشت کرده و از سطح محله پایین‌تر نرفتید و مدیریت را محله‌محور تعریف کردید در حالی که این تعریف قبلاً وجود داشته است؛ یعنی اگر ما بخواهیم نیازها را محله‌محور برطرف کنیم این محلات می‌توانند از یکدیگر فاصله داشته باشند و لازم نیست که در تهران باشند. اگر از هم فاصله داشته باشد همان روستاهایی است که از قدیم وجود داشته است ولی حالا زندگی روستایی کاهش یافته و همه به شهرهای بزرگ مهاجرت کرده‌اند و این معضل به وجود آمده است. پس این را ما به وجود نیاورده‌ایم ...

**حجت‌الاسلام کشوری:** بحث را ادامه ندهید! محله با تعریفی که ما مشخص می‌کنیم، به نحو تام حداقل در صد سال اخیر وجود نداشته است؛ بلکه به نحو نسبی وجود داشته و نگاه مدرن نیز هر روز آن را تضعیف کرده است. شما پیش فرضی دارید که درست نیست؛ این مواردی که ما اسم آنها را محله یا قریه می‌گذاریم، دارای مباحثی که ما می‌گوییم نیستند. به عنوان مثال در بسیاری از محله‌هایی که در حال حاضر وجود دارند نیاز شغلی بیرون از محله تأمین می‌شود، پس محله به نحو تام وجود ندارد. ببینید محله یک اسم است - بنده می‌خواستم این مسأله را تذکر دهم اما دوستان گفتند وقت به اتمام رسیده است - و در تعریف آن اشتباهی در اذهان وجود دارد؛ ما نباید در تعریف محله بین سه چیز دچار یکسان‌انگاری شویم، تعریف محله‌های مدرن، ارتکازی که بین عوام از محله وجود دارد و تعریف محله از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی. شما سؤال خود را نگه دارید تا ما در روزهای آینده راجع به تعریف محله صحبت کنیم. ما سه نوع محله را بحث خواهیم کرد و بعد خواهید دید که محله به معنای اسلامی اصلاً در هیچ دوره تاریخی وجود نداشته است؛ البته در دوره حکومت پیامبر ﷺ وجود داشته و بعد از اینکه مسأله ولایت از محل خود خارج شد و ولایت اجتماعی به کسان دیگری سپرده شد، این موضوع به چالش کشیده شده است، این موضوع جز بحث‌های جدی است.

### ۴. معماری اسلامی یعنی طراحی خانه‌ها به محوریت نیازهای خانواده و به غرض تأمین نیازهای خانوار

یکی از حاضرین (۲): در بحث نیازها که فرمایش کردید، آیا در مورد سبک معماری هم در الگو بحث می‌شود؟ [ادامه صوت واضح نیست]

**حجت‌الاسلام کشوری:** ببینید؛ شکل خانه اعم از وسعت آن، اعم از ترکیب داخلی خانه و در کل ویژگی‌های درونی خانه و مجموعه این بحث‌ها - اعم از معماری خانه تا ابعاد بیرونی خانه - جزء عوامل درونی احیای نهاد خانواده است. اصل این است که شکل خانه مانند مسأله خوش اخلاقی در خانه - که می‌فرمایید تأثیر دارد - جزء عوامل درونی است؛ اما در حال حاضر و در زمان ما به دلیل اینکه مدیریت شهری این مسائل را کنترل می‌کند شکل خانه را نیز در دست دارد. به عبارت بهتر یک زمان می‌خواهیم راجع به وضعیت مطلوب بحث کنیم، در اینصورت مثلاً ما باید ده مدل خانه به تبع نوع خانواده‌ها - از خانواده‌های کم جمعیت تا خانواده‌های پر جمعیت - ارائه دهیم و برای این موارد باید مدل‌های خانه‌سازی جدیدی صورت بگیرد و معماری نیز جزء این مسائل می‌باشد؛ اما به دلیل اینکه در حال حاضر اصلاً ملاکی نداریم، معماری اسلامی به استفاده از چند اسلیم خلاصه شده است. اخیراً در یک جلسه‌ای طراحی را آوردند و ما هم به آن نگاه کردیم. آن دوست مهندس بیان می‌کرد که این طرح، یک طرح از معماری اسلامی است؛ اما کلاً همه چیز آن - اعم از مصالح و طراحی و این موارد - کاملاً مدرن بود و نورهایی در آن به کار رفته بود که در نقطه‌ای منعکس شده و نقش بسم الله الرحمن الرحیم تشکیل می‌شد. در حال حاضر معماری اسلامی به حداقل رسیده است. اگر راجع به خانواده‌محوری صحبت کردیم معماری اسلامی بعدها معنای جدی‌ای پیدا خواهد کرد. بنده مشاهده کردم که به معماری اصفهان اشاره نموده و بیان می‌کنند که این رنگ‌ها، قوسی‌ها و آیتم‌های مختلفی که در آنجا وجود دارد معماری اسلامی است؛ حتی در مساجد قدیمی ما کنترل صوت به راحتی و بدون این ابزارهای



مدرن اتفاق می‌افتاده است. با مجموعه این بحث‌هایی که در معماری وجود دارد نمی‌توانیم بیان کنیم که این‌ها جز معماری اسلامی است. چرا؟ چون در طراحی نیازهای خانوار اصل نبوده است؛ حتی در آن دوره‌هایی که مدیریت مدرن کمتر بوده و به صورت فعلی در مدیریت شهری حضور نداشته است، با توجه به اینکه نیاز خانواده اصل نبوده [نمی‌توانیم بگوییم اسلامی بوده است]. به عنوان مثال در دوران صفویه همّت علمای ما بر این بوده که اصل مسأله‌ی اسلام را در جامعه تثبیت کنند و به همین دلیل خیلی به این مطلب رسیدگی نشده است. لذا به معماری آن دوران هم نمی‌توان گفت تمدن نوین اسلامی به نحو مطلوب. شاید وقتی بخواهید مقایسه کنید، آن خانه‌های قدیمی که مثلاً در اصفهان هست نسبت به خانه‌های فعلی بهتر باشند، اما ما به دنبال آن مدل هم نیستیم. از منظر ما شاخص مطلوب خانه، محلّه و شهر، محلّ زندگی خانوار است. اگر این رویکرد تثبیت گردد به مرور درک از معماری هم بازتعریف خواهد شد. به همین دلیل بنده فعلاً اصرار ندارم راجع به معماری شهر صحبت کنم؛ چون اگر اصل مسائلی که گفتم حل شود این موضوع نیز حل خواهد شد. مگر اینکه شما نرمش قهرمانانه کرده و کلاً به یک بسم الله الرحمن الرحیم بر روی کاشی سر در خانه قانع شوید، این موضوع بحث دیگری است. این کارها متعلق به دوران طاغوت بود؛ اما در حال حاضر که اختیارات حکومتی داریم باید حداکثری نگاه کنیم.

ان‌شاءالله فردا سرفصل دوم مباحث با این عنوان شروع خواهد شد که نیازهای یک خانوار چیست، این بحث بسیار مهمی است که باید در چند جلسه در مورد آن صحبت کنیم. اگر بحث مدیریت شهری را در یک سال بحث کردیم، به این قسمت زیاد خواهیم پرداخت. وقتی این نیازها را بازتعریف کردیم آنگاه درک جدیدی از نیازهای خانوار پیدا خواهد شد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد ﷺ



## پیوست شماره ۱۵

بعد از انتشار گفتگوی دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت با روزنامه شهرآرا درباره مفهوم مدیریت شهری با زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی - که در حاشیه برگزاری همایش مقاومت در افق فقاومت انجام شد - دو مطلب در بررسی این مصاحبه منتشر گردید.

مطلب اول توسط آقای مهدی ابراهیمی - رئیس شورای اجتماعی محلات شهرداری مشهد - در تأیید دیدگاه ایشان و مطلب دوم توسط آقای مهدی برادران - معاون سابق برنامه‌ریزی و توسعه شهرداری مشهد - در نقد دیدگاه ایشان بود. در پاسخ به مطالب جناب آقای برادران مطالبی را معروض می‌دارم که البته اگر ایشان با تأمل بیشتری این گفتگو را مطالعه می‌فرمودند نیاز به این توضیحات کمتر می‌شد.

در مجموع مطالب ایشان شامل سه بخش است؛ مطلب اول شامل نصایحی است که به صورت پراکنده مطرح کرده‌اند و علی‌القائده، نصیحت و خیر خواهی را باید استماع کرد. مطلب دوم ایشان درباره استنادات مباحث حجت‌الاسلام کشوری به بیانات آیت‌الله امام خامنه‌ای علیه السلام درباره دوگانه توسعه و پیشرفت است که تشخیص درستی و یا نادرستی این استنادات را می‌توان با رجوع به مجموعه بیانات رهبری در این باره فهمید؛ ولی دسته سوم مطالب ایشان به نقد متن اصلی مصاحبه - یعنی تعریف نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی از مدیریت شهری - بازگشت دارد که مع‌الاسف در این بخش به صورت تقطیع شده بخش‌هایی از متن مورد نقد قرار گرفته است.

به عنوان مثال ایشان در بخشی از یادداشت خود چنین آورده‌اند: اما دغدغهای که باعث شد که در خصوص آن نکاتی عرض کنم مربوط به حوزه تخصصی اینجانب یعنی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری است. آنجا که پس از انتقادات پراکنده جناب کشوری به مدیریت شهری؛ خبرنگار شهرآرا می‌پرسد "که حال چه باید کرد؟ اگر بخواهیم مسائل را حل کنیم باید به سمت تعریف اثباتی از شهر اسلامی برویم. اگر تعریفی از شهر اسلامی نداشته باشیم در بهترین وضعیت تبدیل می‌شویم به منتقد محض، چون نظریه نداریم، مجبوریم فقط انتقاد کنیم." پاسخ می‌دهند: "در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی ارکان شهرسازی اسلامی را تعریف کردیم." سپس به مدیریت محله‌محور اشاره می‌کنند که تیتراژ اول مصاحبه شده است. ضمن تأیید الگوی مدیریت محله‌محور باید یادآور گردید ...

همانطور که ملاحظه می‌فرمایید ایشان به کمتر از یک خط از متن مصاحبه استناد می‌کنند و در ادامه اظهار می‌دارند مسأله محله‌محوری در محافل علمی و اجرایی سابقه طرح دارد و مسأله تازه ای نیست ... اگر ایشان فقط یک خط جلوتر - آنجا که محله به محل تأمین سبد نیازهای خانوار تعریف شده است - را می‌خواندند ادعا نمی‌کردند که بحث پیشنهادی در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی در محافل علمی غربی سابقه دارد و عجب اینکه ایشان تعریف خاصی از محله - که در این گفتگو از آن بحث شده است - را نادیده گرفته‌اند!!

در این مصاحبه در باره تعریف محله این چنین آمده است: در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی ارکان شهرسازی اسلامی را بحث کرده ایم. مدیریت شهر اسلامی از نظر ما محله‌محور است؛ یعنی شهر به نظامی از محلات تفکیک می‌شود و مدیریت متمرکز را در شهر نمی‌پذیریم. محله هم به محل ارائه خدمات به خانوار تعریف می‌شود. سبد نیازهای اقتصادی، آموزشی، امنیتی، روانی، تفریحی خانوار باید در محله عرضه شود. این اساس کار در مدیریت شهری می‌باشد. اولین فایده این مدل، کاهش سفرهای درون شهری است. اگر شما به سمت درست کردن محله بروید دومین فایده‌اش این است که تَعَرُّفُ بالا می‌رود؛ یعنی چون سعی می‌شود تمام خدمات در محله ارائه شود افراد نسبت به هم آشناتر می‌شوند و به همین دلیل خودکنترلی ایجاد می‌شود. با محله‌محوری تَعَرُّفُ زیاد می‌شود و تَعَرُّفُ امنیت و دهها آثار خوب دیگر را بالا می‌برد. اگر بخواهیم این کار را اجرایی کنیم باید در گام اول آنچه از نیازهای خانوار که امکان‌ش هست را در محله ارائه دهیم و بعد برای بقیه نیازها زیر ساخت ایجاد کنیم. الآن درست است که صناعی داریم که باید بیرون شهر باشد ولی مثلاً تحصیل فرزند را می‌شود در



محلّه نگه داشت. با همین کارها چقدر هزینه خانوار کاهش پیدا می‌کند؟ تقویت زیر ساخت‌ها و رویه‌های مرتبط با محلّه‌محوری پیشنهاد "اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی" می‌باشد.

همانطور که ملاحظه می‌فرمائید: جناب برادران به تعریف خاصی که از محلّه و خانواده مد نظر مفاهیم اسلامی است توجه نکرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که میان محلّه‌ی تعریف شده در الگوی پیشرفت اسلامی و محلّه‌ی تعریف شده در بخشی از مطالعات شهری موجود تفاوتی وجود ندارد. محلّه در تعریف اسلامی در حکم چتر حمایتی برای تقویت نهاد خانواده و روابط و عواطف موجود در آن محسوب می‌شود؛ در حالی که مدیریت محلّه‌محوری و حکومت‌های محلی بر محور حلّ چالش‌های حکومتی و اجتماعی ناشی از توسعه پیشنهاد شده است.

ایشان در قسمت دیگری از مباحث خود مطرح کرده‌اند: در خصوص فن‌آوری و دولت الکترونیک واضح است تکنولوژی نقش ابزاری دارد ...

درباره این بخش از اظهارات ایشان نیز فقط باید بگویم در خود غرب هم ابزارانگاری تکنولوژی نوعی ساده‌لوحی محسوب می‌شود و بسیاری معترفند که استفاده از تکنولوژی آثار مخرب فرهنگی خود را به روابط اجتماعی تحمیل می‌کند. جناب آقای برادران کاش حداقل پدیدارشناسانه - که البته این نگاه غربی هم معیوب است - تکنولوژی را بررسی می‌کردند تا آثار منفی اسمارت‌سیتی‌ها را اینگونه انکار نکنند.

امیدوارم در جلسات آتی الگوی پیشرفت اسلامی در شهر مشهد ایشان را ملاقات نمایم.<sup>۴۱</sup>

ابوالفضل آریان پور - طلبه مدرسه علمیه مروی تهران

۲۸ رمضان المبارک ۱۴۳۶

مصادف با ۲۴ تیرماه ۱۳۹۴

---

۴۱. به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه <http://nro-di.blog.ir/1394/04/24>

## فهرست تفصیلی مطالب

۱. ارتقا امر تربیت؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به دلیل زیرساخت بودن موضوع تربیت برای همه موضوعات جهت‌ساز ..... ۱
۲. لزوم کنترل عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده به عنوان نهاد اصلی متکفل تربیت؛ مقدمه تبیین ارتباط مدیریت شهری و امر تربیت ..... ۲
  - ۲/۱. لزوم وجود نهادی برای تکفل و مدیریت تربیت به دلیل ذوابعاد بودن امر تربیت و نیاز تربیت به مدیریت ..... ۲
    - ۲/۱/۱. رفق؛ یکی از لوازم تربیت ..... ۲
    - ۲/۱/۲. ذکر؛ یکی دیگر از ابعاد و لوازم تربیت و هدایت افراد ..... ۳
    - ۲/۱/۳. در نظر گرفتن ظرفیت طرف مقابل؛ لازمه سوم کار تربیتی ..... ۳
    - ۲/۱/۴. ملاحظه مکث و بیان مفاهیم دینی با تأنی و درنگ؛ چهارمین لازمه تربیت ..... ۳
  - ۲/۲. خانواده؛ نهاد اصلی متکفل تربیت به دلیل فراهم‌بودن ابعاد متفاوت تربیت در نهاد خانواده ..... ۴
  - ۲/۳. عوامل درونی؛ یکی از عوامل مؤثر بر نهاد متکفل تربیت و لزوم مدیریت این نوع از عوامل برای تقویت نهاد خانواده ..... ۴
    - ۲/۳/۱. کنترل شح؛ اصلی‌ترین عامل درونی مؤثر بر نهاد خانواده ..... ۴
    - ۲/۴. عوامل بیرونی؛ دسته دوم عوامل مؤثر بر نهاد خانواده و اثرگذاری بیشتر این عوامل نسبت به عوامل درونی ..... ۶
      - ۲/۴/۱. نظام آموزش و پرورش؛ یکی از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده ..... ۶
      - ۲/۴/۲. سبک زندگی اُمراء؛ یکی دیگر از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده ..... ۷
      - ۲/۴/۳. شناسایی ۸۰ عامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۸
۳. مدیریت شهری؛ مؤثرترین عامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده به دلیل تعیین مدل تأمین نیازهای توسط مدیریت شهری و اثرگذاری مستقیم مدل تأمین نیازها بر روی نهاد خانواده ..... ۹
  - ۳/۱. جدا شدن اعضای خانواده از یکدیگر برای تأمین هرم چهارگانه‌ی نیازهای خانوار و در نتیجه ارتباط کم‌رنگ‌تر افراد خانواده با یکدیگر و از بین رفتن زمینه تربیت؛ علت اصلی ضربه‌خوردن خانواده از طرف مدیریت شهری ..... ۹
  - ۳/۲. مدیریت شهر به محوریت محلات (محل به معنای محل تأمین هرم نیازهای خانوار)؛ تصویر مطلوب مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۱۲
    - ۳/۲/۱. تعریف محلات به محوریت اقتصاد در مدل TOD و تعریف محله به محوریت تأمین هرم نیازهای خانوار؛ تفاوت مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت و مدیریت شهر به روش TOD ..... ۱۳
    - ۳/۲/۲. عدم تعریف محلات به محوریت مساجد به دلیل بی‌ثمر شدن مساجد در صورت خارج‌شدن افراد از محله برای تأمین نیازهای خانوار ..... ۱۶
    - ۳/۲/۳. پرسش و پاسخ ..... ۱۷
۱. ارائه تعریف دیگری از آموزش و پرورش در نقشه راه؛ دلیل معرفی مدیریت شهری به عنوان مؤثرترین عامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده و عدم معرفی نظام آموزشی به عنوان مؤثرترین عامل ..... ۱۷

۲. تهیه شناسنامه میزان تأمین نیازهای افراد در محله‌ی خودشان در حال حاضر، ارائه برنامه‌های کوتاه‌مدت برای تأمین بیشتر نیازها در محله، تهیه پیوست های فرهنگی برای نیازهای غیر قابل انتقال به محله در زمان کنونی؛ سطوح سه‌گانه فعالیت‌های مورد نیاز برای پیش‌بردن مدیریت شهری ..... ۱۸
۳. عدم وجود محله‌ی تعریف‌شده توسط نقشه راه بعد از دوره حکومت پیامبر ﷺ و لزوم جلوگیری از یکسان‌انگاری در تعریف محله ..... ۱۹
۴. معماری اسلامی یعنی طراحی خانه‌ها به محوریت نیازهای خانواده و به غرض تأمین نیازهای خانوار ..... ۱۹
- پیوست شماره ۱ ..... ۲۱



---

## جلسه ششم

---

نیاز و مدل تأمین آن؛ شاهره هدایت انسان‌ها به سمت خدا و لزوم بازتعریفِ هرم نیازهای خانوار بر اساس این تعریف از نیاز



۱۱ تیرماه ۱۳۹۵

نشست تبیین مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی



**عنوان جلسه ششم و تدوین‌گران:** نیاز و مدل تأمین آن؛ شاهره هدایت انسان‌ها به سمت خدا و لزوم بازتعریفِ هرم نیازهای خانوار بر اساس این تعریف از نیاز / ابوالفضل آریان‌پور - سجاد حسن‌زاده  
**ارائه‌دهنده‌ی جلسه:** حجت‌الاسلام و المسلمین علی کشوری

**مکان جلسه:** تهران - مدرسه علمیه مروی

**تاریخ جلسه:** ۱۳۹۵/۰۴/۱۱

**حاضرین در جلسه:** جمعی از طلاب حوزه علمیه مروی و پژوهشگران اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

**تاریخ انتشار:** مرداد ماه ۱۳۹۵

**مشخصات اثر:** ۲۱ صفحه رنگی (۲۱\*۲۹,۷ س.م)

**اجمالی از جلسه:** در جلسات گذشته بیان گردید که فلسفه مدیریت شهری ارتقا امر تربیت است و اگر مدیریت شهری، مدیریت محله‌محور (محله به معنای محل تأمین نیازهای خانواده) را در دستور کار قرار دهد این فلسفه محقق خواهد شد. پس از تعریف مدیریت شهری از منظر الگوی پیشرفت اسلامی باید به سمت بازتعریف هرم نیازهای خانوار رفته و هرم نیازهای خانوار را احصا کنیم تا قادر به فراهم کردن نیازهای خانواده در محله باشیم.

اما پیش از اینکه وارد تبیین هرم نیازهای خانوار بشویم در این جلسه مقصدی راجع به جایگاه نیاز و تأثیر آن در خداپرستی صحبت می‌کنیم. در جلسه حاضر آیاتی از سوره فاطر تلاوت گردیده و با استناد به این آیات جایگاه نیاز بررسی می‌گردد. خداوند متعال در این سوره داستانی را نقل کرده و می‌فرماید: ای پیامبر ﷺ کفار و منافقین سخنان تو را نمی‌شنوند و اگر بشنوند به تو پاسخ نمی‌دهند. خدای متعال در آیات بعد به تحلیل علت این رفتار پرداخته و در ضمن آیه بیان می‌کند که: **يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ**؛ یعنی ای مردم! شما به خداوند نیازمند هستید و فقط خدا غنی ستوده است. خداوند با بیان این مطلب ریشه عدم اجابت و عدم استماع کفر و نفاق را بیان کرده و می‌گوید: چون آنها احساس می‌کنند که نیازهایشان از طرف فرد دیگری تأمین می‌شود به در خانه غیر خدا رفته‌اند. به عبارت بهتر ریشه کفر و نفاق آنها عدم شناخت غنی مطلق است.

با توجه به نکته فوق مشخص می‌گردد که نوع و روش تأمین نیازهای انسان‌ها می‌تواند آنها را به مسیر هدایت سوق داده و خداپرست کند یا اینکه به مسیر کفر و نفاق بکشاند. به عبارت واضح‌تر باید انسان‌ها بفهمند که تمام نیازهایشان - از نمک سفره تا شفای بیماری‌های لاعلاج - فقط و فقط از طرف خدا تأمین می‌شود؛ چرا که فقط خدا غنی می‌باشد. اینکه انسان‌ها دائماً خداوند را در حال رفق به خودشان و برآورده کردن نیازهای خود ببینند ارادتی شگرف نسبت به خداوند ایجاد می‌کند.

البته می‌توان خداوند را با مباحث نظری و براهین فلسفی نیز اثبات کرد؛ اما خداوندی که مردم باور دارند نیازهای آنها را به صورت دائمی برطرف می‌کند بسیار بیشتر از خداوندی که در گوشه‌ی ذهن اثبات شده است مورد ستایش و پرستش قرار می‌گیرد.

حالا ما در مدیریت محله‌ای می‌توانیم نیازهای خانواده را به گونه‌ای برطرف کنیم که آنها احساس کنند که سود اقتصادی ملاک است و شاکله‌ی به محوریت سود شکل بگیرد؛ یا اینکه می‌توانیم در مدل تأمین نیازهای خود به گونه‌ای اقدام کنیم که پدر و مادر فرصت تربیت فرزندان خود را داشته باشند و در نتیجه خداپرستی گسترش پیدا کند. در جلسه آتی هرم نیازهای خانوار را با این رویکرد و تعریف از مسأله نیاز بازتعریف خواهیم کرد.

نیاز و مدل تأمین آن؛ شاهره هدایت انسان‌ها به سمت خدا و لزوم بازتعریفِ هرم

نیازهای خانوار بر اساس این تعریف از نیاز

تدوین‌گران: ابوالفضل آریان‌پور - سجاد حسن‌زاده

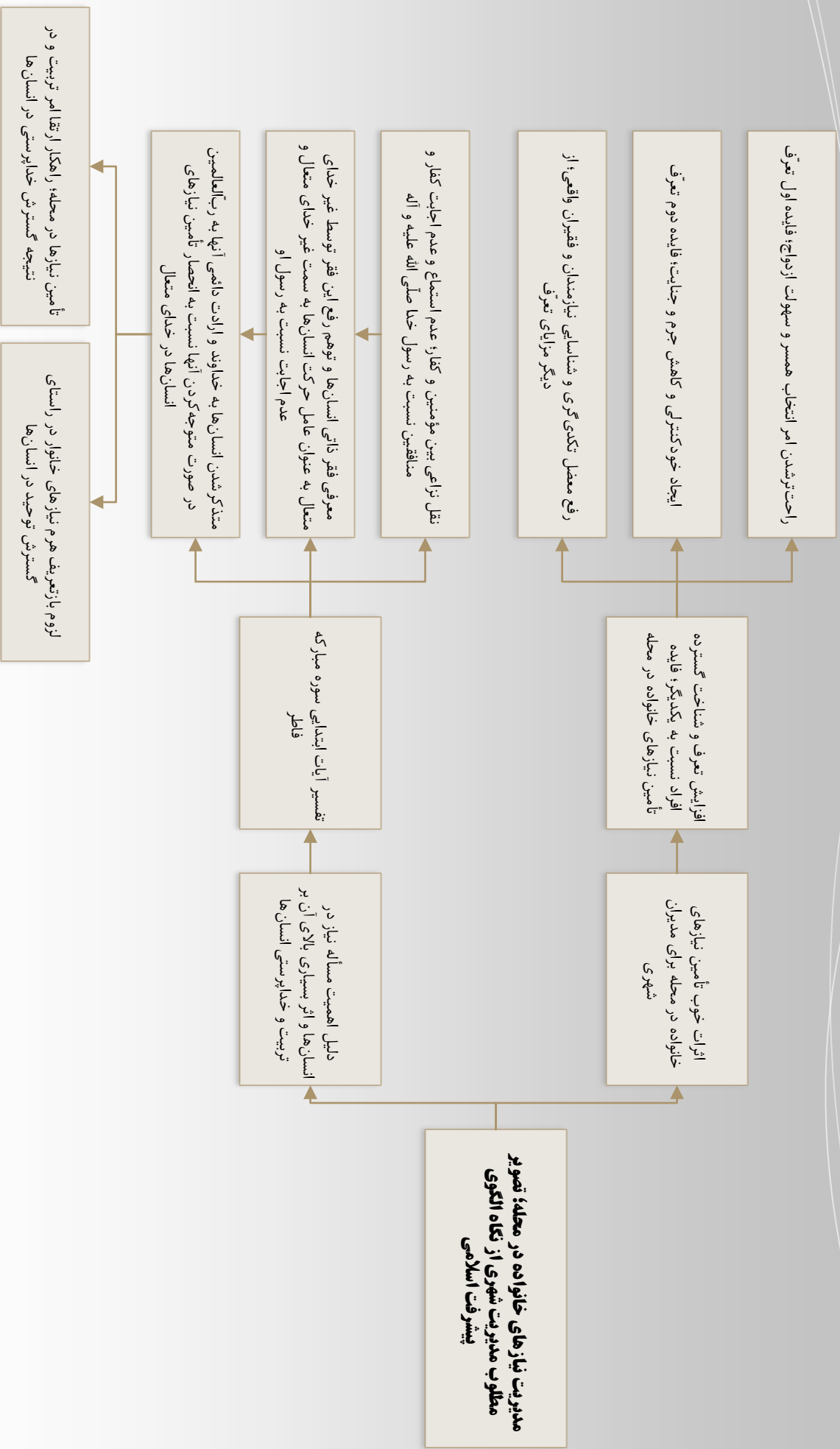
تاریخ انتشار: مرداد ماه ۱۳۹۵

ویراست اول

## فهرست اجمالی مطالب

۱. مدیریت شهر به محوریت محلات برای تقویت نهاد خانواده به عنوان نهاد متکفل تربیت و توجه به امر تربیت و سود اجتماعی در عوض توجه به سود اقتصادی؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی..... ۱
۲. افزایش تعریف و سود بردن از کارکردهای این مسأله؛ فایده مدیریت شهری محله محور برای خود مدیریت شهری..... ۵
۳. مدل تأمین نیازها؛ شاهره هدایت یا ضلالت افراد و لزوم بازتعریف هرم نیازهای به محوریت تأمین نیازهای چهارگانه انسان در راستای هدایت..... ۵
۴. تأثیرگذاری مستقیم مدل تأمین نیازها بر هدایت یا ضلالت افراد به دلیل اثرگذاری این مدل بر زیرساخت خدایپرستی یعنی مسأله تربیت؛ دلیل تعریف محله به محل تأمین نیازهای خانوار..... ۱۳
- پرسش و پاسخ..... ۱۶
۱. بی‌اعتمادی افراد محله به فرد غریبه؛ دلیل عدم ارتکاب جرم توسط یکی از اعضای محله در محله‌ای غیر از محله‌ی خودش..... ۱۶
۲. جدا کردن محل تأمین نیازهای انسان‌ها از محله در حال حاضر؛ دلیل تعریف محله به محوریت محل تأمین نیازها و عدم ذکر ویژگی‌های دیگر محله..... ۱۶
۳. محوریت و عدم محوریت خانواده؛ تفاوت محله‌های مدرن و اسلامی..... ۱۷
- پیوست شماره ۱..... ۱۹
- پیوست شماره ۲..... ۲۱

## نیاز و مدل تأمین آن؛ شاهراه هدایت انسان‌ها به سمت خدا و لزوم بازتعریف هم‌نیازهای خانوار بر اساس این تعریف از نیاز





**۱. مدیریت شهر به محوریت محلات برای تقویت نهاد خانواده به عنوان نهاد متکفل تربیت و توجه به امر تربیت و سود اجتماعی در عوض توجه به سود اقتصادی؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی**

**۱/۱. ارتقا تربیت؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی** اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین لا سیما بقیه الله فی الأرضین ارواحنا لتراب مقدمه الفداء و عجل الله تعالی فرجه الشریف.

در جلسات گذشته محضر دوستان گزارش دادم که فلسفه «مدیریت شهری از منظر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» ارتقا امر تربیت است؛ چون مسأله تربیت برای همه مسائل دیگری که در جامعه وجود دارند زیرساخت محسوب می‌شود و جایگاه آن یک جایگاه بنیادین است.

**۱/۲. لزوم توجه به عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده به عنوان نهاد اصلی متکفل تربیت** برای تحقق امر تربیت باید دو دسته از عوامل را به شکل دائمی بهبود بخشید؛ یک دسته از عوامل، عوامل مربوط به درون خانواده هستند. دسته دیگر از عوامل، عواملی هستند که در بیرون از نهاد خانواده می‌باشند اما بر نهاد خانواده تأثیرگذار هستند. ما در «اولین نقشه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» از مجموعه عواملی که جزء نهاد خانواده محسوب نمی‌شوند اما بر نهاد خانواده اثر دارند به فضای حاکم بر نهاد خانواده یا عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده تعبیر کرده‌ایم.



**۱/۳. مدل تأمین نیازهای توسط مدیریت شهری؛ یکی از عوامل بیرونی تأثیرگذار بر روی نهاد خانواده**

از جمله مسائلی که به صورت روشن بر نهاد خانواده تأثیر گذاشته و جزء فضای نهاد خانواده محسوب می‌شود، مدیریت شهری است. عرض کردیم که به تقریر نقشه راه مدیریت شهری با چگونگی تأمین نیازهای خانوار بر نهاد خانواده تأثیر می‌گذارد؛ مدیریت شهری می‌تواند متغیرهایی مانند اقتصاد، ارزش افزوده و سایر متغیرها را اصل قرار دهد و در نتیجه تأمین نیازهای خانوار به محوریت متغیرهای اقتصادی شکل می‌گیرد. از طرف دیگر مدیریت شهری می‌تواند بگوید: برای من سود اجتماعی اصل است نه سود اقتصادی؛ یعنی این استدلال را مطرح کند که اگر من نهاد خانواده را تقویت کنیم هزینه‌های فروپاشی نهاد خانواده را نخواهم داد و در نتیجه در آینده سود اقتصادی نیز بدست خواهم آورد - به این نوع از سود اصطلاحاً سود اجتماعی گفته می‌شود - حتی اگر در کوتاه مدت مجبور به پرداخت یارانه بشوم. پس مدیریت شهری با نحوه تأمین نیازهای خانوار بر خانواده تأثیر می‌گذارد.

**۱/۴. تأمین نیازها در محله و در نتیجه تقویت نهاد خانواده و ارتقا امر تربیت؛ تصویر مطلوب و وظیفه مدیریت شهری برای ارتقا تربیت**

اگر نیازهای خانوار را به محوریت سود اقتصادی تنظیم کرد وضعیتی که در حال حاضر مشاهده می‌کنید به وجود می‌آید و نیازهای خانوار در بیرون از محله تأمین می‌شود و در نتیجه اعضای خانواده مجبور می‌شوند برای تأمین نیازهای خانوار از همدیگر جدا شوند، در حال حاضر خانواده‌ها چنین وضعیتی دارند؛ به بهانه تأمین سبد نیازهای خانوار از همدیگر جدا می‌شوند. بنابراین مدیریت شهری بر نهاد خانواده تأثیر می‌گذارد. در یک نگاه دیگر مدیریت شهری می‌تواند مدیریت محله‌ای را در دستور کار قرار دهد؛ به این معنا که محله را به محل تأمین نیازهای خانوار تبدیل کند. در اینصورت اعضای خانواده به زحمت زیادی برای تأمین سبد نیازهای خود نمی‌افتند و بنابراین می‌توانند زمان بیشتری را در نزد یکدیگر سپری کنند و وقتی ارتباط اعضای خانواده تضمین گردد، همه امورات از این ارتباط تأثیر می‌پذیرند. اگر قرار است پدر کار تربیتی انجام دهد، انجام این کار تربیتی فرع حضور پدر در خانه است. اگر قرار است مادر کار تربیتی انجام دهد، آن کار فرع بر این است که بچه‌ی خود را به مهدکودک نبرده و بالای سر او حضور داشته باشد. بنابراین مدیریت شهری می‌تواند به خانواده‌ها هدیه‌ای بدهد؛ نیازهای آنها را در محله تنظیم کند تا افراد خانواده وقت بیشتری برای همدیگر داشته باشند.

**۲. افزایش تعریف و سود بردن از کارکردهای این مسأله؛ فایده مدیریت شهری محله محور برای خود مدیریت شهری**

این کار برای خود مدیریت شهری هم دارای فوایدی است، فقط کافیست مبنای خود را از سود اقتصادی به سود اجتماعی تغییر دهند. فواید این کار برای مدیریت شهری چیست؟ فایده اصلی مدیریت محله‌ای برای مدیریت شهری مسأله تعریف است. تعریف در لغت به معنای شناخت بینابینی و شناخت طرفینی به نحو گسترده است.<sup>۱</sup> حال تعریف به چه شکلی به وجود می‌آید؟ وقتی محله تبدیل به محل تأمین نیازهای خانوار شد، اولین اتفاقی که می‌افتد این است که به بهانه تأمین سبد نیازهای خانوار ارتباطات اعضای خانواده‌ها و اعضای محله با یکدیگر گسترش پیدا می‌کند. این رفت و آمدهایی که در دورن محله به بهانه تأمین سبد نیازهای خانوار اتفاق می‌افتد، باعث می‌شود که ارتباطات افراد محله گسترده‌تر شود و به همین دلیل همدیگر را بیشتر خواهند شناخت، لذا میوه ارتباطات گسترده شناخت خواهد بود. ارتباط گسترده به چه شکلی به وجود می‌آید؟ وقتی که افراد در محله حضور دارند.

۱. تعریف از ماده ع ر ف که به ماده شناختن می‌باشد ساخته شده است. وقتی کلمه عرف به باب تفعّل - یکی از باب‌های افعال عربی - برده می‌شود معنای کثرت و مبالغه و انجام یک فعل از سوی دو نفر را می‌رساند.



**۲/۱. راحت‌تر شدن  
انتخاب همسر به دلیل  
گسترش شناخت افراد  
محلّه از یکدیگر؛ یکی  
از فواید تعرّف**

حال شناخت افراد از همدیگر دارای چه فوایدی است؟ تقریباً زیرساخت همه روابط اجتماعی مسأله تعرف است. مثلاً یکی از روابط اجتماعی انتخاب همسر است. در حال حاضر به دلیل اینکه ما مدیریت محلّه‌ای و ماهیت محلّه‌ای را از دست داده‌ایم به سمت سایت‌های انتخاب همسر در فضای مجازی حرکت کرده‌ایم. حالا فضای مجازی می‌خواهد تعرف را بین زن و شوهرهای آینده حل کند! اما اگر مدیریت محلّه‌ای وجود داشت، ارتباطات پدر و مادرها و فرزندان راجع به همسر آینده از پایگاه همین تعرّف بدست آمده ارتقا پیدا می‌کند و دیگر نیازمند این ابزارهای مدرن نیستند.

**۲/۲. ایجاد  
خودکنترلی و ارتقا  
مسأله تربیت؛ یکی دیگر  
از فواید تعرّف و شناخت  
طرفینی گسترده در  
محلّه**

یکی دیگر از میوه‌های تعرف مسأله امنیت است؛ اگر جمعیتی همدیگر را خوب بشناسند، مواظبت‌ها ارتقا پیدا می‌کند و به یک نوع خودکنترلی ختم می‌شود. اگر شما به ماهیت محلّه‌هایی که در قبل وجود داشت یا به آنهایی که در حال حاضر هستند رجوع کنید می‌بینید که اگر کسی در محلّه اهل دزدی باشد توسط اهالی محلّه شناسایی می‌شود. افراد خود به خود حریم‌هایی را قائل می‌شوند و مراقبت‌هایی را رعایت می‌کنند. مثلاً اهالی محلّه می‌دانند که فلانی اهل دزدی است، لذا این فرد به نوعی تحقیر می‌شود. به اصطلاح ساده حرف مردم پشت سر او می‌باشد و مردم در مقابل او محتاط بودند. لذا شخصی که دستش کج است خود را جمع می‌کند، چون انجام کار خلاف توسط او مساوی با آبروریزی و فشار اجتماعی می‌باشد. پس تعرّف جرائم را نیز کنترل می‌کند. بسیاری از آدم‌ها به دلیل اینکه آبرویشان به خطر نیفتد بسیاری از اقدامات را انجام نمی‌دهند،<sup>۲</sup> لذا انجام کارها برای افراد هزینه مثبت یا منفی ایجاد می‌کند.

**۲/۳. حل شدن مسأله  
فقر و محرومیت‌زدایی و  
رفع معضل نکدی‌گری  
به دلیل شناخت فقرا و  
مساکین واقعی؛ از دیگر  
ثمرات گسترش تعرّف  
در محلّه**

همچنین به وسیله تعرّف مسأله فقر و محرومیت‌زدایی نیز معنای دیگری پیدا می‌کند؛ وقتی اعضای محلّه همدیگر را بشناسند و مثلاً مسجد محلّه اطلاعات اعضاء محلّه را داشته باشد، کمک‌ها جهت‌دار خواهند شد و مانند الآن تکدی‌گری به شغل تبدیل نمی‌شود. چرا تکدی‌گری تبدیل به شغل شده است؟ چونی تعرف وجود ندارد. ما در حال حاضر بین یک دوراهی قرار گرفته‌ایم؛ اینکه کمک کنیم یا نه؟! اگر کمک نکنیم خُب روایات باب شحّ و روایات باب توصیه به انفاق را چکار کنیم. وقتی انسان‌ها به هم نوع خود کمک نمی‌کنند در واقع خودشان ضرر می‌کنند؛ چون فقیری که به شما رجوع می‌کند سببی است برای اینکه خداوند متعال رزق شما را افزایش دهد، یک امتحان است؛<sup>۳</sup> اما باید احراز فقر صورت بگیرد. حالا فقیر را به چه صورتی بشناسیم؟ با توجه به اینکه تعرّف وجود ندارد کار بسیار مشکل شده است. انسان‌ها وظیفه دارند راجع به وضعیت فقرا پرس‌وجو کنند، این کار مسأله مهمی است؛ آیه قرآن می‌فرماید: «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ» «وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ»<sup>۴</sup> این

۲. در روایت آمده است اگر برای کسی مهم نباشد چه چیزی پشت سر و راجع به او گفته می‌شود فلا تأمن شره؛ از شر او در امان نباش. البته این دسته از آدم‌ها تعداد کمی هستند و معمولاً برای آدم‌ها مهم است که راجع به آنها چه قضاوتی می‌شود. پس از جمله فواید مسأله‌ی تعرف، مسأله‌ی خودکنترلی است؛ چون آدم‌ها در محیط محلّه شناخته شده هستند.

انتقال از متن

۳. كَثُرَ الْكِرَامِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ شَادَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّقَّارِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْمُفْصَلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ نُؤْسِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ وَهَبَ اللَّهُ لَهُ مَا لَا فَالَهُ يَتَصَدَّقُ مِنْهُ يَتِيًّا. وَأَمَّا سَمِعْتُ أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله قَالَ: صَدَقَةٌ دَرَاهِمٍ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاةٍ عَشْرٍ لِيَالٍ.

امام صادق عليه السلام می‌فرمایند: از رحمت خدا بدور است، دور است کسی که خداوند به او مالی ببخشد و او از صدقه‌دادن مقداری از آن دریغ ورزد. شنیده شده از حضرت رسول صلى الله عليه وآله که دادن یک درهم صدقه با فضیلت‌تر از ده نماز شب است.

مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار الإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۳، ص ۱۳۳

۴. فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ \* وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ / آیات ۹ و ۱۰ سوره ضحی  
پس تو هیچ یتیمی را خوار نشمار \* و هیچ سائلی را مرنجان



دستورات قرآن است که باید رسیدگی کرده و مسائل مردم را مورد توجه قرار دهیم. برخی یتیم شده و برخی فقیر می‌شوند و ما وظیفه داریم به آنها رسیدگی کنیم؛ رسیدگی به امور فقرا میوه‌ی تعرف است ولی در حال حاضر به دلیل اینکه مدیریت محله‌ای نداریم تعرف هم وجود ندارد. در حال حاضر تکدی‌گری تبدیل به یک مشکل حاد اجتماعی شده است و نمی‌توانند آن را حل کنند. از منظر اسلام راه‌حل این مسئله تعرف است ولی به دلیل اینکه شما مدیریت متمرکز برای اداره شهر را پذیرفته‌اید، مسئله تعرف هم به چالش کشیده شده است. لذا واقعاً معلوم نیست طرف میلیاردر است یا فقیر. برخی می‌گویند کمک نکنید، در اینصورت طرف دیگر بن بست است؛ زیرا اگر کمک نکنیم دچار عذاب جدی می‌شویم. لذا عملاً کمک کردن به فقرا در حال حاضر تبدیل به یک عبادت جدی شده است و باید برای آن وقت بگذاریم. می‌دانید که در باب فقر انسان ابتدا موظف است به فامیل و همسایه‌ی خود کمک کند و سپس به دیگران.<sup>۵</sup> چند روز آینده موعد زکات فطریه است و فقهای عظام شیعه در این باب فرموده‌اند: زکات را حتی‌المکان از یک شهر به شهر دیگری نبرید،<sup>۶</sup> باید در داخل همان شهر خرج شود. بنابراین باب انفاق، بابی است که از طریق آن رفق تأمین می‌شود و یک عبادت ذوابعد و ساده است. اما اگر بخواهیم همه‌ی این ابعاد را رعایت کنیم باید انفاق بر پایه تعرف باشد. در حال حاضر به حدی مدیریت‌ها به چالش کشیده شده و مسئله تعرف از بین رفته است که حتی افراد جامعه نمی‌توانند مشکلات فامیل خود را شناسایی کنند. وقتی ارتباطات هسته‌ای شد، مشکلات زیادی برای جامعه به وجود می‌آید. ببینید مسئله‌ی تعرف چیز مهمی است. البته موارد و متغیرهای دیگری در پیدایش تعرف مهم است.

**۲/۴. تعرف؛ زیرساخت  
بهبود روابط انسانی و  
تسهیل اداره جامعه در  
صورت گسترش تعرف**

باب تعرف، زیرساخت اداره جامعه به نحو اسلامی است و اگر نباشد نمی‌توان جامعه را به نحو اسلامی اداره نموده سبک زندگی فرد را اسلامی کرد. اساساً مسئله‌ی مهم در شهر اسلامی بهبود روابط انسانی است و به دلیل اینکه تربیت بسیار بر روی روابط انسانی تأثیر دارد ما گفتیم که فلسفه مدیریت شهری ارتقا امر تربیت است و این بهبود روابط انسانی بدون تعرف امکان ندارد. این مطلب دارای بابی است که بعدها آن را بحث خواهیم کرد. به نظر ما اگر شوراهای شهر و شهرداری‌ها مسئله مدیریت شهری محله‌ای را جدی بگیرند و عمیق به آن بپردازند، غیر از خدماتی که به نهاد خانواده می‌دهند و مسئله تربیت ارتقا می‌یابد، دومین میوه‌ای که می‌چینند میوه‌ی تعرف است و تعرف زیرساخت همه‌ی روابط اجتماعی و انسانی است، نمی‌توان بدون تعرف کار کرد. البته این بحث موضوعی است که آن را در آینده شرح خواهیم داد. جامعه‌شناسی اسلامی و کسانی که می‌خواهند جامعه‌سازی کنند به عنوان یک محور جدی دائماً به گسترش تعرف می‌پردازند. معانی‌ای که وبر<sup>۷</sup> و امثالهم و دیگران در مسئله جامعه‌شناسی بیان کرده‌اند جامعه را بریده از این ثقل طراحی و بحث است. باید این موارد را بعدها بحث کنیم، در اینصورت به نظریات خاصی می‌رسیم. اگر شما مسئله‌ی

۵. يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ وَاللَّيْتَامِ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ / آیه ۲۱۵ سوره مبارکه بقره از تو می‌پرسند: «چه چیزی انفاق کنند [او به چه کسی بدهند]؟» بگو: «هر مالی انفاق کنید، به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مسکینان و به در راه‌مانده تعلق دارد، و هر گونه نیکی کنید البته خدا به آن داناست.»

۶. مسأله ۲۰۳۵: در صورتی که زکات فطره را از مال خود جدا کرده باشد اگر در محل خودش مستحق پیدا شود، احتیاط واجب آن است که فطره را بجای دیگر نبرد و اگر بجای دیگر ببرد و تلف شود، باید عوض آن را بدهد.

رساله امام خمینی رحمته الله علیه، مسائل متفرقه زکات فطره

۷. کارل ماکسیمیلیان امیل وبر (۱۸۶۴-۱۹۲۰) یک حقوقدان، سیاست‌مدار، تاریخ‌دان، جامعه‌شناس و استاد اقتصاد سیاسی بود که به گونه‌ای نظریه اجتماعی و جامعه‌شناسی را در دوران خود زیر نفوذ و تأثیر قرار داده بود.



تعرف را جدی بگیرید، اداره‌ی جامعه تسهیل خواهد شد. این بحث یک توضیح تکمیلی راجع به فوائد مدیریت شهری است.

### ۳. مدل تأمین نیازها؛ شاهراه هدایت یا ضلالت افراد و لزوم بازتعریف هرم نیازهای به محوریت تأمین نیازهای چهارگانه انسان در راستای هدایت

۳/۱. عدم توجه کفار و منافقین به پیامبر اکرم ﷺ یا عدم اجابت ایشان در صورت توجه؛ یکی از مشکلات پیامبر اکرم ﷺ

بنده وعده دادم که امروز راجع به هرم نیازهای خانوار صحبت کنم. چرا این موضوع اهمیت دارد که ما در مورد هرم نیازهای خانوار صحبت کنیم؟ چون مدیریت شهری، مدیریت محله‌ای است و اصلی‌ترین دستور کار مدیریت محله‌ای تأمین نیازهای خانوار است. بنابراین از دل سرفصل دوم سرفصل سومی زاییده می‌شود. ما مدام اصرار داریم و می‌گوییم که مدیریت محله‌ای در مقابل مدیریت متمرکز قرار دارد. وقتی مدیریت محله‌ای را با نگاه اسلامی نگاه می‌کنیم، محله به محیط همسایگی و محل تأمین نیازهای خانوار تعریف می‌شود.<sup>۸</sup>

بنده به عنوان مقدمه برای اینکه وارد بحث نیازهای خانوار شوم، چند نکته را راجع به اصل نیاز محضر شما گزارش می‌دهم؛ محور گزارش‌هایی که بنده می‌خواهم به شما عرضه کنم آیه شریفه‌ی ۱۵ سوره فاطر است، در این آیه نکات بسیار مهمی نهفته می‌باشد. این موارد از تأملات قرآنی برای ما راه‌گشاست. حتماً باید با گوش دل شنیده شده و بعدها دقیق‌تر مورد بحث قرار گیرند. خداوند متعال بعد از طرح دعوی ما بین پیامبرانش ﷺ و کفار به این آیه می‌رسند. این دعوا نیز با فهم سیاق آیات و به لحاظ رعایت تدبیر - که ما آیه‌ی قبل و بعد را ببینیم تا آیه خوب معنا شود - به دست می‌آید. اصل قضیه این است که اختلافی به وجود آمده است و خداوند متعال این اختلاف را به این شکل جمع‌بندی کرده است؛ می‌فرماید: «إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ»<sup>۹</sup>؛ اگر شما آنها را دعوت کنید، آنها شما را اجابت نمی‌کنند. لَا يَسْمَعُوا یعنی نمی‌شنوند. هرچه به آنها می‌گویید فلان مسأله مهم است - عرض خواهم کرد مسأله در این سوره چیست - آنها جدی نمی‌گیرند. وَلَوْ سَمِعُوا؛ اگر توجه هم کنند و در آنها فرج‌عوا الی أنفسهم اتفاق بیفتد مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ؛ شما را اجابت نمی‌کنند. پس دو طایفه وجود دارند؛ عمده‌ی آنها که اصلاً نمی‌شنوند و فهم نمی‌کنند، آن جمعیتی هم که می‌شنوند اجابت نمی‌کنند. خداوند در ادامه می‌فرماید که آنها پشیمان خواهند شد؛ «وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بَشِرِكُمْ كَكُفْرِكُمْ وَلَا يَنْبِتُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ». هیچ‌کس هم مانند خبیر این خبرها را به تو نمی‌دهد. خداوند متعال خبیر است و گزارش می‌دهد که آنها چه وضعیت بدی پیدا خواهند کرد. پس یک دعوی جدی وجود دارد که خداوند متعال آخر آن دعوا را معرفی نموده و بیان می‌کند که چه اتفاقی برای

۸. حال بعداً بحث می‌کنیم که چه ارتباطی بین مفهوم صله‌ی رحم، مفهوم همسایگی و تأمین نیازها برقرار است. این موارد جز بحث‌های بسیار جدید می‌باشد. وقتی ما مدل تولید خانوادگی را بحث می‌کنیم، این موارد بیشتر شکافته خواهد شد. ارتباط وسیعی بین مفهوم صله‌ی رحم، مفهوم همسایگی و تأمین نیازها وجود دارد. این مسأله یکی از مفاهیم جدی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است. به نظر ما علت اینکه صله‌ی رحم بسیار اهمیت دارد و گفته شده است که اگر شما صله رحم به جا بیاورید باعث افزایش عمر شما خواهد شد (کلینی، محمدبن یعقوب؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۵۱) و برکات عجیبی برای صله رحم بیان کرده‌اند این است که صله رحم ابزار تأمین نیازهای اجتماعی به شرحی که ما در نظریه تولید خانودگی بحث کرده‌ایم می‌باشد. اما اصل مسأله این است که در حال حاضر وقتی مدیریت محله‌ای را بحث می‌کنیم، باید راجع به نیازهای خانوار نیز درکی داشته باشیم.

انتقال از متن

۹. إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بَشِرِكُمْ كَكُفْرِكُمْ وَلَا يَنْبِتُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ / آیه ۱۴ سوره فاطر

اگر آنها را بخوانید صدای شما را نمی‌شنوند، و اگر بشنوند به شما پاسخ نمی‌گویند؛ و روز قیامت شرک (و پرستش) شما را منکر می‌شوند و هیچ‌کس مانند (خداوند آگاه و) خبیر تو را (از حقایق) با خبر نمی‌سازد!





آنها رخ می‌دهد که نمی‌آیند؛ علت این است که در آنها حسن‌الاستماع اتفاق نمی‌افتد، مسأله حسن‌الاستماع نسبت به فهم آیات الهی خیلی مهم است. آیه می‌فرماید: در این افراد حسن‌الاستماع اتفاق نمی‌افتد و به همین دلیل هم نمی‌آیند. حالا اینکه دعوا بر سر چیست را بعداً بحث خواهیم کرد. بعد از طرح این دعوا خداوند آخر و عاقبت این دعوا را هم بیان کرده و می‌گوید که چه می‌شود، خداوند در آیه ۱۴ بیان می‌کند که چه اتفاقی در درون این افراد رخ داده است.

در آیه ۱۵ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ»، شما فقیر الی الله هستید «وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ».<sup>۱۰</sup> «إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ»<sup>۱۱</sup> «وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ»<sup>۱۲</sup> خداوند متعال وقتی این اتفاقات رخ می‌دهد تذکری داده و بیان می‌کند که شما فقیر الی الله هستید، یعنی فقر ذاتی دارید. دعوایی در بین مردم اتفاق افتاده است و حالا خداوند می‌فرماید: شما فقر دارید و این فقر شما هم الی الله است؛ به این شکل نیست که به سراغ نفر دیگری بروید تا فقرتان حل شود. این آیه ریشه‌ی اصلی موضوعی که کفار به آن توجه نمی‌کنند را بحث کرده است؛ آیه بیان می‌کند که مردم فقیر هستند و فقر دارند، یعنی دارای نیازهای گوناگونی هستند و نمی‌توانند نیازهای خود را از در خانه دیگری دریافت کنند. «أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»؛ خداوند متعال این طور می‌فرماید: «أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ» شما فقط و فقط باید در خانه خدا بیابید؛ چون «وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»، خدا غنی است و به شکلی هم غنی است که همه او را ستایش کرده‌اند. این حیث تَرْتَبُ که کلمه حمید را بعد از غنی آورده به معنای این است که نسبت به غنای الهی اعتراف اتفاق افتاده است، خداوند بر سر این صفت خود خیلی ستایش شده است. وقتی خداوند در همه عوالم رزق همه موجودات را تأمین می‌کند همگی موجودات بابت این کار او را شکر و حمد می‌کنند.<sup>۱۳</sup> پس یک دعوایی اتفاق افتاده است - اینکه دعوا بر سر چه موضوعی است را عرض می‌کنم - اما قرآن عاقبت این دعوا را بیان نموده و می‌گوید که چه می‌شود و منشأ و علت آن را نیز بیان می‌کند. به نظر بنده این یک آیه عجیب است؛ آیه بیان می‌کند که مشکل اصلی فقر آدم‌هاست که برای تأمین نیازهای خود به در خانه غیر غنی می‌روند، آیه در این مقام است.<sup>۱۴</sup> پس نکته‌ی آیه ۱۵ این است که ما فقیر الی الله

**۳/۲. فقر و نیاز ذاتی انسان‌ها و توهم رفع این فقر توسط غیر خدای متعال؛ ریشه‌ی عدم توجه و عدم اجابت کفار و منافقین نسبت به پیامبر اکرم ﷺ**

۱۰. يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ / آیه ۱۵ سوره فاطر

ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدائید؛ تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هر گونه حمد و ستایش است!

۱۱. إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ / آیه ۱۶ سوره فاطر

اگر بخواهد شما را می‌برد و خلق جدیدی می‌آورد.

۱۲. وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ / آیه ۱۷ سوره فاطر

و این برای خداوند مشکل نیست!

۱۳. حمد به دلیل غنای خداوند است، حمد یک دستور صوری نیست که مثلاً شما فکر کنید به جمعیتی از ملائکه آیین‌نامه ابلاغ می‌شود که شما خداوند را حمد کنید و آنها هم لفظ آن را بکار می‌برند و الحمدالله رب العالمین می‌گویند، خیر؛ آیین‌نامه و ابلاغ و دستور و جبری وجود ندارد بلکه قبل از آن شوق و واقعی وجود دارد. منتهی در دنیای انسان‌ها، آدم‌ها اهل انکار هستند و واقعیت‌ها را انکار می‌کنند. اما در دنیای ملائکه واقعیت‌ها انکار نمی‌شود، لذا وقتی واقعاً گفته می‌شود سبح قدوس و یا الحمدالله، این الحمدالله بعد از درک غنی و به خاطر اعتراف به آن غنائت است. حال شما این آیه را داشته باشید. این آیه در سوره فاطر است، بنده برگردم و آن دعوا را بحث کنم.

*انتقال از متن*

۱۴. نمی‌توانید آیه را بریده معنا کنید. بنده همیشه اعتراض کردم و گفتم دوستان ما از یک سو دائم بیان می‌کنند که: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالَهُ» (آیه ۲۴ سوره مبارکه محمد) دائم بیان می‌کنند که باید در قرآن تدبر کنید. خب یکی از مواردی که باید در قرآن تدبر کرد این است که آیات قبل و بعد را با هم ببینیم. البته ما این معنا را خیلی قبول نداریم که کسی با دیدن خود آیات می‌تواند معنای آیات را درک کند؛ چون خطاب قرآن اهل بیت علیهم‌السلام است و فهم آن از طریق حدیث امکان داشته و نیازمند فهم فقهی است؛ البته این مسأله نافی تدبر نیست، بلکه فهم سطوحی از قرآن



هستیم و فقر ما باید توسط غنی حل شود و این تنها راه درست است؛ نمی‌توان فقرِ ناس را بدون توجه به جایگاهی که خود او دچار عدم فقر نیست برطرف کرد، این حرفی است که خداوند در این آیه به ما گوشزد می‌کند. خطاب آیه نیز یا ایها الناس است، نه یا ایها المؤمنون، مطلب از حیث مردم بودن شماسست. شاید این آیه جزء آیاتی است که شروع مسلمان شدن وابسته به فهم آن است؛ یعنی فرایند تسلیم وقتی در انسان شروع می‌شود که نسبت خود را با خدا می‌سنجد. می‌دانید این نسبت چه زمانی اتفاق می‌افتد؟ ابتدای این مسأله معرفه النفس است و معرفه النفس، مقدمه‌ی معرفه الله است. انسان‌ها وقتی عیب‌های خود را می‌فهمند از پایگاه نیاز به بی‌نیاز توجه پیدا می‌کنند. بدون خودشناسی نمی‌توان به جایی رفت. لذا درست است که در روایت گفته‌اند «أَوَّلُ الْعِلْمِ مَعْرِفَةُ الْجَبَّارِ»<sup>۱۵</sup> - همواره اساتید این روایت را در سال اول طلبگی برای همه ما خوانده‌اند و می‌خوانند - ولی معرفه الجبار بدون معرفه النفس اتفاق نمی‌افتد، درست است که روایت فنی حرف زده و بیان کرده است که «أَوَّلُ الْعِلْمِ مَعْرِفَةُ الْجَبَّارِ» است و علم این است که انسان معرفت پروردگار را پیدا کند - حالا بعداً عرض خواهیم کرد که چرا از کلمه جبار استفاده کرده و نفرموده است که اول العلم معرفه الکريم؛ در آیات و روایات ما انتخاب لغات فنی است - ولكن طریق معرفه الجبار، معرفه النفس است؛ اگر شما فقرِ انسان‌ها را با آنها بحث نکنید این علم اتفاق نمی‌افتد، اینها را بعداً بحث خواهیم کرد.

**۳/۳. متوجه‌کردن انسان‌ها نسبت به فقر و نیازمندی ذاتی خودشان و برطرف شدن تمام نیازهای کوچک و بزرگ انسان فقط توسط خدای متعال؛ کلید روی‌کردن انسان‌ها و هدایت ایشان به سمت خدای متعال**

غرض این است که دعوی مطرح در این آیات و منشأ آن را توضیح دهم. دقیقاً آیات این سوره اینطور شروع می‌شود که «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»؛<sup>۱۶</sup> شکر خدایی که آسمان و زمین را خلق کرده است. در اینجا فطر به معنای خلق است، «فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ». البته خَلَقَ مفهوم عام خلقت است ولی فَطَرَ به معنای نوع خاصی از فطرت است، بعداً اینها را بحث خواهیم کرد. وقتی می‌خواهید مفهوم خلقت را با ویژگی خاصی بحث کنید باید از کلمه فَطَرَ استفاده کنید، چون یک خلق ویژه است. «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»، واقعاً خداوند آسمان و زمین را ویژه آفریده است. به عنوان مثال یکی از ویژگی‌ها این است که بغیر عمَد می‌باشد؛ آسمان بدون ستون خلق شده است. در آیات دیگر قرآن گفته شده است که خدای متعال آسمان‌ها را بدون ستون خلق کرده است و این بسیار ویژه است.<sup>۱۷</sup> یا اینکه می‌فرماید: «فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»؛ زمین هفت طبقه و آسمان نیز

نیازمند روایات و آیات است. نمی‌توان معنای قرآن را بدون بحث‌هایی که اهل بیت علیهم‌السلام فرموده‌اند متوجه شد. این نکته را بنده ناظر به برخی از مشرب‌های تفسیر عرض می‌کنم، بعداً این مطلب را خواهیم شکافت. آنها راه را به خطا رفته‌اند؛ چون بدون روایت نمی‌توان قرآن را فهمید. حالا ما مقداری تدبیر را ادامه بدهیم، روایات این آیات را نیز محضر شما عرض خواهیم کرد.

*انتقال از متن*

۱۵. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: أَوَّلُ الْعِلْمِ مَعْرِفَةُ الْجَبَّارِ وَأَخْرُ الْعِلْمِ تَقْوِيصُ الْأَمْرَالِيهِ.

سر آغاز علم، شناخت خداوند جبار و سرانجام آن واگذاری امور به او است.

*غزالی، محمدبن محمد، کیمیای سعادت، ج ۲، ص ۴۰۴*

۱۶. الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَى أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَرِذْنُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ / آیه ۱ سوره فاطر

ستایش مخصوص خداوندی است آفریننده آسمان‌ها و زمین که فرشتگان را رسولانی قرار داد دارای بال‌های دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه او هر چه بخواهد در آفرینش می‌افزاید و او بر هر چیزی تواناست.

۱۷. اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا قُورٍ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأُمُورَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُؤْتُونَ / آیه ۲ سوره رعد



هفت طبقه دارد؛ یک خلقت ویژه‌ی هماهنگ است.<sup>۱۸</sup> پس بنابراین «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»، یعنی یک خلقت ویژه است. بلافاصله می‌فرماید: «فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا»، تمام حرف من در فهم مفهوم رزق این آیه است. خداوند ملائکه را رُسُل و فرستاده‌ی خود قرار داده است. تا چه کاری انجام دهند؟ «تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ»<sup>۱۹</sup> ملائکه رسل هر امری که در این عالم جاری می‌شود هستند، جایگاه ملائکه از منظر فرهنگ قرآنی این است. در حدیث آمده است که شکل انسان‌ها توسط ملائکه در رحم مادر ایجاد می‌شود، آنها انسان‌ها را شکل می‌دهند.<sup>۲۰</sup> از قیافه انسان‌ها ملائکه، رسل هستند تا ملائکه‌ی موکل باد، زمین<sup>۲۱</sup> و عمر؛ البته جناب عزرائیل معرف حضور همه ما می‌باشند، ایشان ملک موکل موت است. دستگاه خداوند متعال جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا است و این مسأله اهمیت دارد. ملائکه چه کاری انجام می‌دهند؟ «تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ». این آیات را باید با یکدیگر جمع کنید؛ ملائکه رسل هستند مِنْ كُلِّ أَمْرٍ، البته بِإِذْنِ رَبِّهِمْ؛ خداوند مقداری راجع به ملائکه صحبت می‌کند و می‌فرماید: «أُولَىٰ أَجْنَحَةٍ» ملائکه بال دارند. مثنی؛ دو بال دارند و ثَلَاثٌ؛ سه بال دارند و رُبَاعٌ؛ برخی از ملائکه چهار بال دارند. این آیه ویژگی‌های ملائکه

خدا همان کسی است که آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که برای شما دیدنی باشد، برافراشت. سپس بر عرش استیلا یافت (و زمام تدبیر جهان را در کف قدرت گرفت) و خورشید و ماه را مسخر ساخت که هر کدام تا زمان معینی حرکت دارند! کارها را او تدبیر می‌کند؛ آیات را (برای شما) تشریح می‌نماید؛ شاید به لقای پروردگارتان یقین پیدا کنید.

۱۸. وقتی در آینده راجع به طبقات آسمان و زمین صحبت کنیم مفهوم رزق در قرآن معنای جالبی پیدا می‌کند.

*انتقال از متن*

۱۹. تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ / آیه ۴ سوره قدر

فرشتگان و «روح» در آن شب به اذن پروردگارتان برای (تقدیر) هر کاری نازل می‌شوند.

۲۰. عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن محمد بن الفضيل، عن أبي حمزة، قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن الخلق، فقال: إن الله تبارك وتعالى لما خلق الخلق من طين، أفاض بها كإفاضة القداح، فأخرج المسلم، فجعله سعيدا، وجعل الكافر شقيا، فإذا وقعت النطفة، تلتقتها الملائكة، فصوروها، ثم قالوا: يارب، أذكر أم أنثى؟ فيقول الرب جل جلاله أي ذلك شاء، فيقولان: تبارك الله أحسن الخالقين؛ ثم توضع في بطنها، فتترد تسعة أيام في كل عرق ومفصل منها، وللرحم ثلاثة أقفال: قفل في أعلاها مما يلي أعلى السرة، من الجانب الأيمن، والقفل الآخر وسطها، والقفل الآخر أسفل من الرحم، فيوضع بعد تسعة أيام في القفل الأعلى، فيمكث فيه ثلاثة أشهر، فعند ذلك يصيب المرأة خبث النفس، والتهوع؛ ثم ينزل إلى القفل الأوسط، فيمكث فيه ثلاثة أشهر، وسرة الصبي فيها يجمع العروق، وعروق المرأة كلها منها، يدخل طعامه وشرابه من تلك العروق، ثم ينزل إلى القفل الأسفل، فيمكث فيه ثلاثة أشهر، فذلك تسعة أشهر، ثم تطلق المرأة، فكلمها طلق، قطع عرق من سرة الصبي، فأصابها ذلك الوجع، ويده على سرتة، حتى يقع إلى الأرض ويده مبسوطة؛ فيكون رزقه حينئذ من فيه».

ابی حمزه می‌گوید از امام باقر (علیه السلام) در مورد خلقت سؤال کردم. پس فرمودند: خداوند تبارک و تعالی هنگامی که مخلوقات را از گل آفرید آنها را از فیض خود بهره‌مند ساخت. مسلمان را جدا نموده و او را سعادت‌مند گردانید و کافر را تیره روز کرد. هنگامی که نطفه بسته می‌شود فرشتگان آن را تحویل گرفته و صورت‌گیری می‌کنند. سپس می‌گویند: خداوند! آیا این کودک مذکر است یا مؤنث؟ و خداوند هر یک را که خواهد می‌گوید. آن دو می‌گویند: آفرین بر بهترین آفرینندگان. سپس نطفه در شکم مادر قرار داده می‌شود و در طی نه روز با گوشت و خون مادر پیوند می‌خورد.

رحم سه قفل دارد؛ قفلی که در بالای سمت راست ناف قرار می‌گیرد. قفلی که وسط آن است و قفل دیگر که پایین رحم است. پس از نه روز جنین در قفل بالایی قرار می‌گیرد و به مدت سه ماه در آنجا باقی می‌ماند. این همان زمانی است که مادر دچار بدحالی و تهوع می‌شود. سپس به وسط قفل می‌آید و سه ماه نیز در آنجا توقف می‌کند. در این هنگام همه رگ‌های جنین در ناف اوست و از همین طریق آب و غذا به او می‌رسد. سپس جنین به قفل پایین می‌آید و سه ماه هم آنجا می‌ماند که جمعا نه ماه می‌شود. سپس درد زایمان به سراغ مادر می‌آید و هر بار که این درد به سراغ مادر می‌آید به خاطر رگی است که از ناف جنین قطع می‌شود. دست جنین بر روی نافش است تا اینکه به دنیا می‌آید و دست او آزاد است و از این به بعد از راه دهان تغذیه می‌کند.

*بحرانی، سید هاشم بن سلیمان؛ البرهان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات مؤسسه بعثه، ۱۳۷۴ ش، ج ۴، ص ۱۸*

۲۱. برای اطلاع از وظایف ملائکه و انواع آنها به پیوست شماره ۱ مراجعه کنید.

را بحث می‌کند.<sup>۲۲</sup> سپس در ادامه می‌فرماید: «يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» خداوند در خلق آن چیزی را که بخواهد می‌افزاید و خداوند بر هر چیزی قادر است. این آیه را بعداً بحث می‌کنیم، در این آیه نکات جدی‌ای وجود دارد. به آیه بعدی دقت کنید؛ می‌فرماید: «مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا»<sup>۲۳</sup> اگر خدای متعال رحمتی را به سوی کسی بگشاید کس دیگر نمی‌تواند این رحمت را ببندد؛ این آیه فقر را توضیح می‌دهد. اگر خدای متعال برای شما گشایشی ایجاد کرد - من رحمه؛ در اینجا جمله کلمه رحمه معرفه نیست و افاده‌ی اطلاق می‌کند، هر رحمتی اعم از مال، جان، علم و ... - هیچ کسی نمی‌تواند جلوی او را بگیرد. در ادامه‌ی آیه می‌فرماید: «وَمَا يُمَسِّكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ»، به این آیات توجه کنید؛ آیه در حال توضیح فقر الی الله و منشأ رزق است. «وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»؛ بعد از اینکه مطالب را توضیح داد از این دو آیه قبل معلوم می‌شود که خدای متعال آسمان و زمین را با ویژگی‌های خاصی خلق کرده و از جمله این ویژگی‌ها آن است که آسمان و زمین پر از ملائکه هستند و موکل می‌باشند. ما برخی از این ملائکه را بیشتر شنیده‌ایم؛ به عنوان مثال ملائکه‌ی موکل اعمال روزانه وجود دارند و اعمال روزانه انسان‌ها را ثبت می‌کنند.<sup>۲۴</sup> ملک موکل موت نیز وجود دارد. ان شاء الله وقتی وارد عالم برزخ شدید دو ملک نزد شما آمده و از شما سؤال و جواب می‌کنند که به نکیر و منکر معروف هستند. این ملائک شناخته‌شده‌تر هستند ولی من خواهش می‌کنم اینها را به صورت موردی بحث نکنید. همانطور که آیه می‌فرماید: «جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا»؛ فرشتگان، رسل پروردگار در همه امور هستند. ان شاء الله وقتی از حساب و کتاب نکیر و منکر فارق شدید ملائکه‌ی دیگری خدمت شما آمده و به شما اسم اخروی می‌دهند و قوانین عالم برزخ - اگر اصطلاح قانون، اصطلاح درستی باشد - را به شما یاد می‌دهند. خلاصه خدای متعال لحظه به لحظه با ملائکه خود «مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ» یا «وَمَا يُمَسِّكُ» می‌کند، یا می‌گشاید یا می‌بندد. در واقع آنجایی که گفت «الحمد لله فاطر السماوات والأرض» - خداوند خلقت خاصی به کار برده است - در قسمت بعد آیه می‌فرماید: این خلقت به محوریت مدیریت ملائکه است، مدیریت ملائکه در عالم امری جدی است.

غرض من این است که به هرم نیازها برسم منتهی لازم دانستم ابتدا بحث کنم و ببینیم که داستان نیاز در عالم چیست. فکر نکنید داستان نیاز در عالم، داستان ساده‌ای است؛ عدم فهم داستان نیاز یکی از ریشه‌های سکولاریسم است و این را بحث خواهیم کرد. شما فکر می‌کنید که باید عادی زندگی کنید، تحصیل کنید، شغل انتخاب کنید، انسان‌ها در عصر مدرن خدا را بریده‌ی از تأمین

۲۲. بعداً توضیح خواهیم داد که بال ملائکه به چه معناست. ما در بررسی آیات و روایات یک مشکلی داریم و آن هم این است که آیات را عرفی بحث می‌کنیم. اینکه ملائکه بال دارند به چه معناست؟ بال، سطح تصرف ملائکه را نشان می‌دهد، بعداً اینها را بحث خواهیم کرد.

انتقال از متن

۲۳. مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمَسِّكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ / آیه ۲ سوره فاطر  
هر رحمتی را خدا به روی مردم بگشاید، کسی نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد؛ و هر چه را امساک کند، کسی غیر از او قادر به فرستادن آن نیست و او عزیز و حکیم است!

۲۴. کتاب حسین بن سعید والنواد بن ابی عمیر عن حمزة بن حمران عن زرارة قال سمعت أبا عبد الله يقول ما من أحد إلا ومعه ملكان يكتبان ما يلفظه فربما كان ذلك إلى ملكين فوفهما فيئتمان ما كان من خير وشر ويلقيان ماسور ذلك.

زراره می‌گوید از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌گفت: «برای هر فردی از انسان دو ملک وجود دارد که هر چه را انسان بر زبان می‌آورد می‌نویسند، سپس آن را به دو فرشته بالاتر از خود تحویل می‌دهند که آن دو فرشته سخنان نیک و بد را جدا می‌کنند و هر یک را به صورت جداگانه ثبت می‌نمایند.

محمد باقر، مجلسی؛ بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار الإحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق، ج ۵، ص ۳۲



نیازها می‌بینند. سپس در ادامه‌ی آیه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ»؛<sup>۲۵</sup> خُب نعمت‌های خدا را یاد کنید، حالا که داستان اداره عالم به محوریت رزق و اعطای خداست این چه وضعی است که شما یادتان می‌رود؟ یاد کنید که داستان چیست؛ از اول تا آخر ماییم، ما هستیم که اداره می‌کنیم، خدای متعال این مطلب را تذکر می‌دهد و دعوت به ذکر می‌کند. لذا معنای دقیق اینکه گفته‌اند نمک آش و بند کفشتان را از خدا بخواهید این است که نمک آش و بند کفش را خدا می‌دهد.<sup>۲۶</sup> بعضی وقت‌ها انسان‌ها دچار شرک شده و مثلاً وقتی یک مسأله علمی پیچیده پیدا می‌کنند یا سلامت بدن آنها به خطر می‌افتد به صورت جدی دعا کرده و حل آن را از خدا می‌دانند ولی وقتی به نمک آش، بند کشف، لباس و اینها می‌رسند توجهی ندارند. لذا این حدیث اثر تربیتی دارد و می‌گوید: توجه کنید که حتی نمک آش را نیز خدا می‌دهد، به این معانی باید توجه کنید. لذا می‌فرماید: «اُذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ»؛ شما اهل ذکر و یادآوری راجع به نعمت‌های خدا باشید، دائماً تذکر بدهید که از نمک آش تا علم، از فرزند تا عاقبت‌بخیری، از برکت در زندگی تا آرامش در دستگاه خدا موضوع کار هستند، این مسأله، موضوع مهمی است.

قدری جلوتر برویم.<sup>۲۷</sup> خدای متعال ویژگی‌های خلقت را بحث می‌کند تا به این آیه می‌رسد؛ می‌فرماید: «وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَدْيِمَيْتٍ فَأَحْيَيْنَاهُ بِالْأَرْضِ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ».<sup>۲۸</sup> بر روی این آیات دقت کنید چون بسیار فنی هستند و ما باید بسیار دقت کنیم تا قدری این آیات را متوجه شویم. می‌فرماید: خدا کسی است که بادهای را می‌فرستد. «فَتُثِيرُ سَحَابًا»؛ یعنی به محوریت حرکت بادهای، ابرها شکل می‌گیرند. سپس می‌فرماید: «فَسُقْنَاهُ إِلَى بَدْيِمَيْتٍ»؛ ما این ابر را به سرزمین‌های مرده می‌فرستیم. «فَأَحْيَيْنَاهُ بِالْأَرْضِ بَعْدَ مَوْتِهَا»؛<sup>۲۹</sup> وقتی زمین مرده است بعد از اینکه خدا ابرها را می‌فرستد زنده می‌شود. سپس خدای متعال می‌فرماید: «كَذَلِكَ النُّشُورُ»؛ نشور و بازگشت نیز

۲۵. يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرِزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآيُ تُؤْفَكُونَ / آیه ۳ سوره فاطر

ای مردم! به یاد آورید نعمت خدا را بر شما؛ آیا آفریننده‌ای جز خدا هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟! هیچ معبودی جز او نیست؛ با این حال چگونه به سوی باطل منحرف می‌شوید؟!

۲۶. عَنِ الْبَاقِرِ قَالَ: وَلَا تُحْقِرُوا صَغِيرًا مِنْ حَوَائِجِكُمْ فَإِنَّ أَحَبَّ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَسْأَلُهُمْ.

امام باقر علیه السلام حاجت‌های کوچک را حقیر نشمارید. همانا دوست داشت‌ترین مؤمنین نیز خداوند کسی است که بیشترین طلب را از خداوند دارد.

نوری، حسین بن محمد تقی؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، انتشارات مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۱۷۲

۲۷. بنده از این ناراحت هستم که وقت نداریم تا این آیات را بخوانیم. خواندن و معناکردن سوره‌ی فاطر به مدت یک‌ماه به فهم سبب نیازهای خانوار کمک می‌کند. نام سوره فاطر نیز فاطر است؛ یعنی ویژگی‌های خلقت را بحث می‌کند. اصل خلقت که معلوم است و خیلی‌ها قبول دارند که خدا عالم را خلق کرده است ولی سوره فاطر این مطلب را عنوان می‌دارد که قدری بر روی این موضوع دقت کنید که خدای متعال این عالم را چگونه خلق کرده است. سوره فاطر، داستان دقت در ویژگی‌های عالم خلقت است. دوباره بحث را در آیات بعدی ادامه می‌دهد.

انتقال از متن

۲۸. وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَدْيِمَيْتٍ فَأَحْيَيْنَاهُ بِالْأَرْضِ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ / آیه ۹ سوره فاطر

خداوند کسی است که بادهای را فرستاد تا ابرهایی را به حرکت درآورد؛ سپس ما این ابرها را به سوی زمین مرده‌ای رانندیم و به وسیله آن، زمین را پس از مردنش زنده می‌کنیم؛ رستاخیز نیز همین‌گونه است!

۲۹. البته معنای «هو الذی ارسل» با آیات قبل معلوم می‌شود؛ وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ يَعْنِي مَلَائِكَةً رَايَ فَرَسْتَدَ؛ چون آیه فرمود: «جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ كُرُسُلًا». وقتی می‌گوید «وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ»، یعنی ملائکه‌ی او بادهای را می‌آورند.

انتقال از متن

۳۰. این جزء آیاتی است که معنای واقعی آن دوره ظهور است.

انتقال از متن



همینطور است، مرده و زنده شدن نیز همینگونه است. فرآیندی برای زنده شدن زمین وجود دارد و آیه می فرماید: کلاً زنده کرده‌ای خداوند متعال اینطور است. لذا در آیات آمده است که صور اسرافیل دمیده می شود و انسان ها زنده می گردند،<sup>۳۱</sup> اینها را بعداً بحث خواهیم کرد.

شاهد بحث بنده از اینجا به بعد است؛ بعد از اینکه خدای متعال این مباحث را راجع به باران مطرح می کند می فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً»<sup>۳۲</sup> خداوند در این آیه بعد از طرح مباحث قبلی، در مورد عزت صحبت می کند. عزت، یکی از نیازهایی است که انسان ها آن را درک می کنند و جزء نیازهایی می باشد که انسان به وسیله آنها احیاء شده و احساس حیات می کند. عزت و آبرو، جزء نیازهایی هستند که انسان ها بسیار به آن اهمیت می دهند. در افواه مردم شنیده‌اید که می گویند: اگر می‌مردم از این آبروریزی‌ای که اتفاق افتاده است بهتر بود. حالا خدای متعال وقتی راجع به مرده و زنده کردن صحبت می کند می فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ»؛ یعنی ای انسان ها! من می دانم که عزت، آبرو و مقام اجتماعی برای شما مهم است؛ همانطور که می دانید فقر سطوحی دارد. مثلاً انسان ها - اگر تحلیل های این افراد درست باشد - به اکسیژن نیاز دارند، انسان ها نفس می کشند و خفه نمی شوند؛ ولی انسان ها با وجود اینکه نفس می کشند دوباره می خواهند حرکت کنند و چیز بهتری به دست بیاورند. این نیاز از نیازهای اولیه‌ی افراد محسوب می شود. اما وقتی انسان ها عزیز شدند به اوج خود خواهند رسید. بنده در حال بحث سبد نیازهای خانوار هستیم؛ این نیازها از سطحی شروع شده و به سطحی ختم می شوند و بالاترین نیازی که انسان ها دنبال می کنند نیاز عزت است، دوست دارند عزیز باشند. لذا در روایت آمده است که وقتی شما پس از رفع نیاز یک فرد او را تحقیر می کند هبط عمل اتفاق می افتد و اجری برای شما نمی نویسند.<sup>۳۳</sup> مثلاً شما به فردی کمک کرده‌اید تا جهیزیه دختر خود را تأمین کنید و یکی از نیازهای او را برطرف کرده‌اید ولی عزت او را به چالش کشیده‌اید؛ در اینصورت کانه کاری نکرده‌اید، چون عزت آدم ها بسیار مهم است. سائلی نزد امیرالمؤمنین علیه السلام رفت و مباحثی را مطرح کرد. حضرت به او فرمودند: گویا بحث و مسأله دیگری داری؟ عرض کرد بله. ایشان سریع چراغ را خاموش کردند. پرسیدند: چرا این کار را انجام دادید؟ فرمود: برای اینکه من خجالت این فرد را نبینم.<sup>۳۴</sup> همچنین شخصی نزد امام حسین علیه السلام آمد و گفت فقیرم. حضرت علیه السلام

۳۱. يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ نَادِيٌّ أَقْوَامًا / آیه ۱۸ سوره انبیاء

روزی که در «صور» دمیده می شود و شما فوج فوج (به محشر) می آید!

۳۲. مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلْبُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ / آیه ۱۰

سوره فاطر

کسی که خواهان عزت است (باید از خدا بخواهد چرا که) تمام عزت برای خداست؛ سخنان پاکیزه به سوی او صعود می کند و عمل صالح را بالا می برد و آنها که نقشه های بد می کشند، عذاب سختی برای آنهاست و مکر (و تلاش افسادگرانه) آنان نابود می شود (و به جایی نمی رسد)!

۳۳. قال علی علیه السلام: یا أهل المعروف والإحسان لا تمتوا بإحسانکم فإن الإحسان والمعروف بیطله قبیح الإمتنان.

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند: «ای کسانی که اهل انجام اعمال نیک هستید در کارهای نیک خود منت مگذارید؛ به درستی که کارهای نیک و خوب شما به زشتی منت باطل می شوند.»

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد؛ غرر الحکم و درر الکلم، قم، انتشارات دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۰۴

۳۴. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بِإِسْتِادٍ ذَكَرَهُ عَنِ الْحَارِثِ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ: سَأَمَرْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَرَضَتْ لِي حَاجَةٌ قَالَ فَرَأَيْتَنِي لَهَا أَهْلًا قُلْتُ نَعَمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ جَزَاءُ اللَّهِ عَنِّي خَيْرٌ قَامَ إِلَى السَّرَاحِ فَأَغْشَاهَا وَجَلَسَ فُو قَالَ إِنَّمَا أَغْشَيْتُ السَّرَاحَ لِأَنَّ دُلَّ حَاجَتِكَ فِي وَجْهِكَ فَتَكَرَّمْتُ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ الْحَوَائِجُ أَمَانَةٌ مِنَ اللَّهِ فِي صُدُورِ الْعِبَادِ فَمَنْ كَتَمَهَا كَتَبَتْ لَهُ عِتَادَةٌ وَمَنْ أَفْشَاهَا كَانَ حَقًّا عَلَى مَنْ سَمِعَهَا أَنْ يَغْتَبِيَه.

نقل می کنند روزی حارث همدانی به محضر علی علیه السلام اظهار نیاز کرد. حضرت علیه السلام فرمود: «آیا مرا برای بیان حاجت خود شایسته می دانی؟» گفت: آری. خدا به شما جزای خیر دهد. حضرت چراغ را خاموش کرد تا چهره او را نبیند و آنگاه به حارث فرمود: «به این جهت چراغ را خاموش کردم که چهره‌ات دچار شرم و شکستگی نشود.» سپس فرمود: من از رسول خدا صلى الله عليه وآله شنیدم که فرمود: «نیازها، امانت خدا در سینه‌های بندگانشند. پس هر

به او فرمودند: صبر کن. سپس ایشان داخل خانه رفتند و از درون خانه دستی بیرون آمد و شخص فقیر را برای چند سال تأمین مالی کرد. حتی حضرت علیه السلام در این حد که به او نگاه کنند فرد را تحقیر نکرده و عزت کسی را به چالش نکشیدند.<sup>۳۵</sup> پس عزت چیز مهمی است و لذا بنده آیه را یکبار دیگر می‌خوانم: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا»؛ اگر سطح بالای نیازها را می‌خواهید آن هم در دست خداست. آیه می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا».<sup>۳۶</sup> خدای متعال با این آیه توضیح می‌دهد که آب چگونه از سطحی از نیاز به سطح دیگر می‌رسد. البته باطن مفهوم آب در روایات و آیات ما مفهوم علم است. لذا منظور آیه این است که باید بر شما باریده شود و شفاعت اتفاق بیفتد، معنای باطن آیه این است.<sup>۳۷</sup>

غرض من این بود که سبد نیازهای خانوار را توضیح دهم. بنابراین از آیاتی که بنده خواندم و ترجمه کردم مفهومی واضح شد؛ انسان‌ها فقیر الی الله هستند و خلقت خدای متعال به محوریت تأمین نیازهاست. خدای متعال با فاطر بودن خود و با ویژگی‌هایی که در خلق کردن او وجود دارد به سمت تأمین نیازهای انسان‌ها حرکت می‌کند. چرا؟ چون می‌خواهد انسان‌ها را الی الله حرکت دهد ولی نمی‌خواهد حرکت الی الله را از طریق بیان ایجاد کند؛ بلکه می‌خواهد مسیرهایی برای تأمین نیازهای انسان‌ها تأمین کند. وقتی دائم - همانطور که آیه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ» - در مسیر تأمین نیازهای الهی حرکت کردید، دائم خدا را می‌بینید. اگر دقت کنید متوجه می‌شوید که خدا محبت بسیار بزرگی به ما کرده و عزت ما را حفظ نموده است؛ اگر چه نمک ما، آب باران و عزت ما را می‌دهد ولی اگر اهل ذکر باشیم در می‌یابیم که خدا در حال نشان دادن خود به ماست؛ می‌فرماید: من کسی هستم که همه نیازهای تو را از اول تا آخر و تا ابد به صورت دائمی تأمین می‌کنم. وقتی کسی به شما به شکل دائمی محبت کرد شما به صورت ویژه به او علاقه‌مند می‌شوید. مسیر تأمین نیازها، ابزار رفیق خدای متعال است. رحمان و رحیم‌بودن خداوند در این مسأله تبلور پیدا کرده است.

۳/۳/۱. تأمین دائمی  
نیاز انسان‌ها توسط  
خدای متعال؛ ابزار رفیق  
خداوند

بنابراین با توجه به مباحثی که عرض کردم مشخص می‌شود که وقتی ما راجع به نیاز صحبت می‌کنیم نحوه تأمین نیاز می‌تواند انسان را سکولار کرده و از خداپرستی جدا کند یا اینکه توحید را در طرف مقابل فربه نماید، این اصل بحث ما در هرم نیازهاست. بنده یک بحث مطرح کردم و در جلسه قبل گفتم مدل تأمین نیازها باید محله‌ای باشد. حالا در تکمیل این بحث و در شرح آن می‌گویم: با مدل تأمین نیازها می‌توانید مردم را خداپرست کنید یا به چالش بکشید تا به نان شب خود محتاج باشد و تکامل او متوقف شده و تحت فشار قرار گیرد.

که آنها را پوشیده بدارد [و نیازش را به کسی نگوید] برایش عبادت نوشته می‌شود و هر که آنها را آشکار سازد کسی که آنها را شنید باید به او کمک کند.

۳۵. به این داستان در پیوست شماره ۲ اشاره شده است.

۳۶. اَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا اِنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا اَفَلَا يُؤْمِنُونَ / آیه ۳۰ انبیاء

آیا کافران ندیدند که آسمان‌ها و زمین به هم پیوسته بودند، و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم؛ و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم؟! آیا ایمان نمی‌آورند؟!

۳۷. بعداً اینها را عرض خواهیم کرد و الآن نمی‌خواهم خیلی تفصیل دهم، این مباحث را باید به صورت مفصل و با مکتب توضیح داد. از آرزوهای بنده این است که بتوانیم وارد اینگونه مباحث شویم و قرآن را با روایات و علی‌درایه مطالعه کنیم، نه اینکه اخبار بخوانیم؛ باید بفهمیم. بنده این بحث را در اینجا تمام می‌کنم و امیدوارم خدای متعال نصیب ما کند که روزی بتوانیم در ماه مبارک رمضان قرآن بخوانیم.

اساساً وقتی ما به نحوه‌ی تأمین نیاز نگاه می‌کنیم این نگاه به عنوان یک شاهراه هدایت و افزایش توحید می‌باشد؛ نمی‌توان راجع به نیاز صحبت کرد و آن را به نحو سکولار تأمین نموده و بعد خداوند را با برهان صدیقین<sup>۳۸</sup> و کلمات فلسفی اثبات کرد. خواهش می‌کنم به این بحث دقت کنید! یکی از اشکالات مهم ما به فلسفه این است که فلسفه، منشأ سکولاریسم است. وقتی شما خداپرستی را نظری بحث کردید!!! و طریق اصلی خداپرستی که مکانیزم تأمین نیازها است را نادیده گرفتید خدا به یک موجود فانتزی تبدیل می‌شود که در زندگی انسان‌ها اثر زیادی ندارد، البته انسان باید از او بترسد و حساب ببرد؛ چون به یک‌باره عصبانی می‌شود و کار انسان را خراب می‌کند، چنین درکی از خدا ایجاد می‌گردد. من می‌دانم که خداوند توسط مفاهیم فلسفی اثبات می‌شود، سفیه نیستیم، «یا قوم لیس بی سفاهه»<sup>۳۹</sup> من می‌دانم وقتی فلسفی بحث می‌کنید، می‌توانید خدا را اثبات کنید و در تردّد بین امکان و وجوب، ممکن به واجب وابسته می‌شود.<sup>۴۰</sup> ولی اگر با این روش خدایی اثبات شود، این اثبات کجا و اینکه من خداوند را دائماً در حال رفق به خود ببینم کجا؟ این یک نوع ارادت به خدا و یک نوع تسبیح و سجده ایجاد می‌کند و خدای نظری تعریف‌شده در استدلال فلسفی آقایان نیز یک نوع خداپرستی دیگر ایجاد می‌کند. خدایی که در استدلال فلسفی اثبات می‌شود منشأ نظام‌سازی نمی‌باشد؛ یعنی اگر شما برهان صدیقین را بحث کرده، تردّد بین امکان و وجوب به وجود آورده و در این تردّد ممکن را به واجب وابسته کنید تا واجب‌الوجود را محور عالم قرار دهید، نظم اجتماعی تغییر نمی‌کند. در حالی که اگر فقط و فقط به این آیه توجه کردید که «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ» و فقر را به سوی خدا مدیریت کرده و مسیرهای تأمین رزق را شناسایی و بحث نمودید، نظم اجتماعی تغییر می‌کند.

#### ۴. تأثیرگذاری مستقیم مدل تأمین نیازها بر هدایت یا ضلالت افراد به دلیل اثرگذاری این مدل بر زیرساخت خداپرستی یعنی مسأله تربیت؛ دلیل تعریف محله به محل تأمین نیازهای خانوار

ما با توجه به همین معنا مدیریت محله‌ای را به عنوان مصداق مسیر تأمین نیازها معرفی کرده‌ایم. چرا ما حساس هستیم که محله، محل تأمین نیازهای خانوار باشد؟ چون نحوه تأمین نیازهای خانوار یا شاهراه هدایت است یا شاهراه ضلالت و سکولاریسم و ما در حال بحث درباره‌ی شاهراه هدایت هستیم و می‌گوییم باید نیازها را به گونه‌ای تأمین کرد تا خانواده‌ها بیشتر در خدمت هم و بیشتر در کنار هم‌دیگر باشند. ببینید نحوه تأمین نیازها به تربیت کمک می‌کند و تربیت هم زیرساخت خداپرستی است. این موارد بحث‌هایی است که قبلاً مطرح کرده‌ایم. بنابراین در این جلسه بنده اصل ملاک را بحث کردم؛ وقتی ما راجع به نحوه تأمین نیاز صحبت می‌کنیم، تأمین نیاز طریقی برای گسترش توحید است. البته می‌توان تأمین نیاز را به شکلی انجام دهید که عزت طرف مقابل به

۳۸. یکی از براهین خالص فلسفی که برای اثبات واجب تعالی (خداوند متعال) از آن استفاده می‌شود برهان صدیقین است. ویژگی براهین خالص فلسفی برای اثبات خداوند این است که اولاً؛ نیازی به مقدمات حسی و تجربی ندارند. ثانیاً؛ شبهاتی که در مورد دلایل دیگر مطرح می‌شود در این دسته از براهین راه ندارد و به بیان دیگر در این نوع از براهین اثبات وجود خداوند از اعتبار منطقی بیشتری برخوردار هست. ثالثاً؛ مقدمات این براهین کمابیش مورد حاجت دیگر استدلال‌ها نیز هست؛ مثلاً وقتی با برهان نظم وجود ناظم و مدبر حکیم ثابت شد، باید برای اثبات بی‌نیازی ذاتی و واجب‌الوجود بودن او از مقدماتی استفاده کرد که در براهین خالص فلسفی قرار می‌گیرند.

مصباح یزدی، محمدتقی؛ آموزش فلسفه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی (شرکت چاپ و نشرین الملل)، ۱۳۷۸، ص ۳۶۷

۳۹. قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ / آیه ۶۷ سوره مبارکه اعراف

[هود] گفت: ای قوم من! هیچ‌گونه سفاهتی در من نیست؛ ولی فرستاده‌ای از طرف پروردگار جهانیان هستم.

۴۰. برای اطلاع از این بحث مراجعه کنید به: مصباح یزدی، محمدتقی؛ آموزش فلسفه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی (شرکت چاپ و نشرین الملل)،

۱۳۷۸، صص ۵۵-۶۱



چالش کشیده شود. یعنی شب و روز بدود و در نهایت هم خود را گرفتار سرمایه‌دارها کند. آقایان در کتاب‌های اقتصادی نوشته‌اند؛ ابتدا باید پول‌های نفت به سرمایه‌دارها داده شود، ثروت آنها زیاد شود و بعد سود آنها که تأمین شد - به دلیل اینکه فرآیند اصلی فرآیند سودبردن سرمایه‌دارهاست، البته سرمایه‌دار نیاز به کارگرهایی هم دارد - با یک بده و بستان اقتصادی با کارگرها قراردادی می‌بندد و معیشت آنها را نیز تأمین می‌کند، مدل سرمایه‌داری به این شکل است. این نیز یک نوع تأمین نیاز است.

نوع دیگر تأمین نیاز هم این است که شما تأمین نیاز را به شکل غیر متمرکز انجام دهید و در این هنگام آدم‌ها متوجه می‌شوند که اجیر بودن کراهت دارد<sup>۴۱</sup> و بعد خود آنها به صورت غیر متمرکز تأمین نیاز می‌کنند و لذا عزت آنها هم بیشتر حفظ می‌شود، حالا این مفاهیم را بعدها بحث خواهیم کرد. این موارد، معانی جدیدی می‌باشد که بنیاد اقتصاد ما را عوض خواهد کرد. درست است که ما غیر معصوم هستیم و به باطن قرآن دست نداریم و باطن قرآن در اختیار معصومین است و دوره‌ی ظهور بوسیله ظاهر و باطن قرآن اداره می‌شود؛ اما با همین بحث‌ها و فقط مقداری درایه<sup>۴۲</sup> حال به فضل الهی خواهید دید که در واقع به سمتی می‌رویم که در واقع محله را به محل تأمین نیازها تعریف می‌کنیم.

البته کسی تلقی نکند که داستان نیاز یک داستان است و بعد قرار است به مسجد رفته و خداپرستی را به صورت نظری به مردم انتقال دهیم. این مسأله یکی از اشکالاتی است که باعث شده دوستان ما بگویند "محله اسلامی یا مدیریت شهری محله‌ای به محوریت مساجد است و به ما اشکال کنند که چرا محله را به محل تأمین نیازهای خانوار تعریف کرده‌ایم در حالی که سکولاریسم نیز همین حرف را می‌زند و ممکن است در محلات TOD هم نیازها تأمین شوند." علت اینکه این جریان تفاوت این دو را متوجه نمی‌شود این است که خیال می‌کند خداپرستی امری نظری است؛ یعنی ما یک بار باید معیشت مردم را تأمین کنیم و یک بار هم باید معاد مردم را تأمین کنیم. لذا این روایت - که البته دارای قبل و بعد است - که می‌فرماید بدون معاش معاد امکان ندارد،<sup>۴۳</sup> به این معنا نیست که یک بار معاش را تأمین کنید تا مردم به خداپرستی نگاه نظری پیدا کنند - این از مصیبت‌های عصر ماست که روایات غلط فهمیده می‌شوند - بلکه معنایش این است که اگر مدل

**۴/۱. تلاش برای انتقال خداپرستی به صورت نظری و عدم توجه به مسأله نیاز؛ دلیل خُرده گرفتن برخی از افراد به تعریف محله در نقشه راه**

۴۱. أَحْمَدُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَمَارِ السَّابِطِيِّ قَالَ: قُلْتُ لَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الرَّجُلُ يَتَّجِرُ فَإِنْ هُوَ أَجَرَ نَفْسَهُ أُعْطِيَ مَا يُصِيبُ فِي تِجَارَتِهِ فَقَالَ لَا يُؤَاجِرُ نَفْسَهُ وَلَكِنْ يَسْتَرْزُقُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَيَتَّجِرُ فَإِنَّهُ إِذَا أَجَرَ نَفْسَهُ حَظَرَ عَلَى نَفْسِهِ الرِّزْقَ.

عمار سابطی می‌گوید: به اباعبد الله (امام صادق علیه السلام) عرض کردم: شخصی می‌تواند تجارت کند، با این حال اگر خودش را اجیر [دیگری] سازد، به اندازه‌ای که خودش تجارت کند، به او داده می‌شود. فرمود: اجیر نشود؛ بلکه از خداوند بزرگ روزی طلبد و دست به تجارت زند؛ زیرا اگر اجیر شود، مانع روزی خود شده است.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۹۰

۴۲. در احادیث شیعه، واژه درایه به معنای فهم حدیث و در مقابل روایه به معنای نقل و روایت حدیث به کار رفته است.

کراچی، محمد بن علی، کنزالفوائد، بیروت، چاپ عبدالله نعمه، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۳۱

۴۳. با وجود مشهور بودن این کلام سندی برای این روایت یافت نشده است؛ اما روایاتی با این مضمون وجود دارد:

عَلَيْ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْوَقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَذَا الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کردند که نزدیک است فقر تبدیل به کفر شود.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، انتشارات اسلامیة، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۰۷

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَوْلَا رَحْمَةُ رَبِّي عَلَى فَقْرَاءِ أُمَّتِي كَادَ الْفَقْرُ يَكُونُ كُفْرًا

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: اگر رحمت پروردگار من بر فقرا امت من نبود، نزدیک بود که فقر به کفر بینجامد.

شعیری، محمد بن محمد، جامع‌الآخبار، نجف، انتشارات حیدریه، ص ۱۰۹

تنظیم معاش غلط باشد آنگاه به معاد ختم نخواهد شد، چون بین معاش و معاد ارتباط است. شما می‌توانید معاش را به سمت توحید تنظیم کنید، مانند همین مدلی که بنده عرض کردم؛ بنده در حال بیان مبانی هستم، این جلسه ما به سمت مبانی نظری رفتیم - اما الآن آن را کاملاً کاربردی مطرح کردیم.

**۴/۲. ارتقا امر تربیت  
به وسیله تأمین نیازهای  
افراد در محله؛ نحوه  
انرژی‌گذاری مدیریت  
شهری در  
خداپرست شدن مردم**

در این مدل معاش خانواده‌ها به شکلی تأمین می‌شود که خداپرستی افزایش پیدا می‌کند. اما از چه راهی؟ از راه گسترش تربیت، این مسأله را در آینده بحث خواهیم کرد. بنابراین مرتبه دیگر که این روایت خوانده شد به عمق این کلام معصوم توجه کنید؛ لا معاش له لا معاد له به این معنا نیست که حالا هر طور که می‌توانید معاش را ولو به شکل سرمایه‌دارها تأمین کنید، خیر؛ اتفاقاً نحو مدیریت معاش توجه به معاد را زیادتر می‌کند و می‌تواند توجه هم ایجاد نکند. لذا دوباره به آن معنایی که عرض کردم توجه کنید؛ همه ایراد ما به نگاه‌های فلسفی این است که فلاسفه‌ی مسلمان نیت خوبی دارند و می‌خواهند از این مفاهیم استفاده کرده و خدا را اثبات کنند<sup>۴۴</sup> اما به دلیل اینکه از ابزار خودشان استفاده می‌کنند بعداً خداپرستی را هم نظری مطرح می‌کنند.

منبرها و کتاب‌ها باید خداپرستی را از طریق نظام اجتماعی دنبال کنند. یکی از معانی که به فهم و اثبات این مطلب کمک می‌کند همان بحثی است که بنده عرض کردم؛ یعنی ابتدا خداوند متعال در آیه اول راجع به نحوه‌ی خلقت خود صحبت می‌کند، در آیه دوم توضیحاتی را می‌دهد و در آیه سوم بیان می‌کند که «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ»، یعنی تذکر می‌دهد که ملائکه رسل هستند و آنها هستند که رزق ما را به شما می‌رسانند و بعد به مردم می‌گوید که طریق نیاز در عالم تکوین ملائکه هستند، لذا شما یاد خدا کنید و اهل تذکر باشید. بنده همیشه بیان کرده‌ام فهم مفهوم رزق جز مقدمات و ارکان اصلی فهم توحید است. اگر خداوند متعال به نحوه تأمین رزق خود اشاره کرده و از آن رزق را نتیجه‌گیری می‌کند، ما هم در مدیریت اجتماعی باید نحوه تأمین رزق را به گونه‌ای مدیریت کنیم که تربیت را ارتقا دهد، این اصل بحث است. بحث فردا را هم عرض کنم که چه خواهیم گفت؛ اگر رزق ابزار گسترش توحید است یا ابزار گسترش سکولاریسم است، مفهوم تفریح، مفهوم معیشت یا نیازهای روزمره، مفهوم علم یا تحصیل و مفهوم شغل و اشتغال را تابع این گزاره بازتعریف خواهیم کرد، ان شاء الله.

و صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا اَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ مُحَمَّدٍ ﷺ

۴۴. به اصطلاح، فلسفه بالمعنی الأخص مراد آنهاست، درست است که در فلسفه‌ی بالمعنی الأعم بحث می‌کنند اما وقتی به آن عارف فیلسوف مراجعه می‌کنید که چرا شما در مورد فلسفه‌ی بالمعنی الأعم بحث می‌کنید؟ پاسخ می‌دهند بالمعنی الأعم مقدمه فلسفه بالمعنی الأخص است. یعنی ما می‌خواهیم از این مفاهیم راجع به عالم و توحید و خداپرستی استفاده کنیم.

## پرسش و پاسخ

### ۱. بی‌اعتمادی افراد محله به فرد غریبه؛ دلیل عدم ارتکاب جرم توسط یکی از اعضای محله در محله‌ای غیر از محله‌ی خودش

آقای امیرحسین حاتم‌پور: شما فرمودید به دلیل شناختی که از همدیگر در محلات وجود دارد جرم کاهش پیدا خواهد کرد. اشکال حرف شما این است که حُب شخص مجرم برای ارتکاب به جرم به محله‌های دیگر خواهد رفت و این موضوع فقط باعث می‌شود در محله‌ی خود جرمی انجام ندهد.

حجت‌الاسلام کشوری: پس در داخل محله‌ی خود دیگر جرم انجام نخواهد داد و ما هم همین را می‌خواهیم، یعنی در محله خودش ارتکاب جرم سخت خواهد شد و وقتی وارد محله دیگری شد، همه به عنوان یک غریبه به او نگاه خواهند کرد و در آنجا به او اعتماد نمی‌کنند و در نتیجه از این حیث در محله دیگر کنترل خواهد شد.<sup>۴۵</sup>

### ۲. جدا کردن محل تأمین نیازهای انسان‌ها از محله در حال حاضر؛ دلیل تعریف محله به محوریت محل تأمین نیازها و عدم ذکر ویژگی‌های دیگر محله

یکی از حاضرین: تعریف محله در الگوی معرفی شده چیست؟

حجت‌الاسلام کشوری: عرض کردم محله یعنی محل تأمین نیازهای خانوار. با این توضیحی که داده شد در واقع مکان تأمین عوض می‌شود؛ یعنی گاهی بیان می‌کنید که نیازهای خانوار در محله تأمین شود و گاهی بیان می‌کنید که نیازهای خانوار در غیر محله تأمین می‌شود، در واقع با قید محل به سمت مدل مطلوب می‌رویم؛ یعنی با قید محله به سمت این مباحث می‌رویم، منتهی برای اینکه ما بتوانیم مدل تأمین نیازها را شاهراه فهم توحید قرار دهیم ۱۰ قید وجود دارد - بنده الان مباحث را در فضای نظام مقایسه مطرح می‌کنم - و به نظر ما در حال حاضر قید محل به چالش کشیده شده است. ممکن است نحوه‌ی تأمین نیازهای انسان براساس فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام ۱۰ ویژگی داشته باشد؛ با توجه به اینکه ما در حال حاضر در مقام هدایت و در استنباط هستیم و نمی‌خواهیم مسأله را بفهمیم<sup>۴۶</sup> وقتی در مقام استنباط به روایت رجوع می‌کنیم می‌بینیم که راجع به مدل تأمین نیازها مثلاً ۲۰ ویژگی مطرح کرده است؛ اما در حال حاضر کدام‌یک از این ویژگی‌ها به چالش کشیده شده است؟ اینکه محل تأمین نیازها را از محله جدا کرده‌اند. البته این به معنای آن نیست که مدل تأمین نیازها ویژگی‌های دیگری ندارد. همچنین وقتی راجع به نیازهای خانوار صحبت می‌کنیم می‌بینیم که در فرهنگ اسلام خانواده به دلیل اینکه

۴۵. آقای محمد قائمی: فرمودید ذوی‌القربی در تأمین نیازها تأثیر دارند، اما این موضوع را توضیح ندادید.

حجت‌الاسلام کشوری: عرض کردم اولویت انفاق با ذوی‌القربی است و بعد بیان شد که این موضوع بدون تعریف انفاق نخواهد افتاد. در واقع داشتیم عمق فاجعه را تبیین می‌کردم؛ در کل، مسأله انفاق بوسیله تعریف انفاق می‌افتد، باید بشناسید و سطح نیاز را بدانید. باید معرفی باشد تا بتوانید انفاق کنید؛ اما عمق فاجعه این است که در حال حاضر ذوی‌القربی هم نسبت به همدیگر تعریف ندارند، این دیگر مصیبت خیلی بزرگی است. همانطور که بیان شد مسأله‌ی صله رحم را خصوصاً در بحث بنگاه‌های تولید خانوادگی تحلیل خواهیم کرد.

*انتقال از متن*

۴۶. در مقام مدیریت تحولات اصل بر این است که باید به صورت موردی و مشخص بحث نماییم. بخش‌های استنادی ما به فطرت، غیرقابل انکار است. در مقام مدیریت تحولات، به اصطلاح نباید یک زمین فوتبال ساخت، به این معنا که اگر به این صورت عمل شد، به علت تبیین کلی مسأله، ممکن است با یک مثال نقض، استدلال شما به چالش کشیده شود. اما هنگامی که قصد داریم به صورت صحیح وارد مدیریت تحولات شویم، نحوه‌ی عملکرد ما، انتخاب یک مسئله‌ی مشخص و غیرقابل انکار است ... بنابراین روش ما این است که بر روی یک مهره‌ی مشخص بحث شود و سعی هم بر این است که آن مهره، مورد تأیید و مشترک بین اطراف بحث باشد. اگر کسی با این روش که عرض شد عمل نکند، به معنای برگزیدن روش علمی را برای انجام مباحثه است، و دیگر معنای آن مدیریت نیست.

*پرسش و پاسخ جلسه هشتم از سلسله جلسات تبیین چرایی، چیستی و چگونگی هدایت نظامات ذهنی به عنوان مبنای تحلیل موضوعات اجتماعی ۱۳۹۲/۱۱/۲۶*



**حجت‌الاسلام کشوری:** بله، حضرت تعالی می‌فرماید در تعاریف موجود محلات با [مختصات و ویژگی‌های] جایی که هستند شناخته می‌شوند، اما ما در مورد ماهیت محله بحث می‌کنیم؛ ماهیت محله در همه جا - حالا فرق نمی‌کند در محله باغ فردوس باشد یا محله‌ای در قم باشد یا در بروجرد ما یا در یک جای دیگر - خانواده‌محور است.

یکی از حاضرین (۱): پس این محله به مساحتی مانند یک شهر نیز اطلاق می‌شود، یعنی ما مرزهای مساحتی و جغرافیای را کنار گذاشته‌ایم. پس طبق فرمایش شما تهران - تهران به شکل کلان منظوم هست - یک محله می‌باشد.

**حجت‌الاسلام کشوری:** خیر؛ اتفاقاً با این تعریف در شهرهای توسعه یافته ماهیت محله‌ای وجود ندارد؛ چون در توسعه هیچ‌گاه به دنبال خانواده‌محوری نیستند. اما شهرهای الگوی پیشرفت و شهرهای تمدن اسلامی [خانواده‌محور هستند]. مثلاً در ۱۰۰ الی ۲۰۰ سال آینده مکانی مانند مرکز آمار فعلی وجود دارد - البته در آینده نیاز به آمارگیری متمرکز هم منتفی می‌شود - و بیان می‌کند که مثلاً ایران دوهزار محله دارد و همه دانشگاه‌ها و حوزه‌های کشور نیز ابعاد محله‌ای را بحث می‌کنند. اما وقتی مدیریت را متمرکز کردید اولین جایی که ضربه می‌خورد نهاد خانواده است، این مسأله را بعدها بحث خواهیم کرد. در اصل تمرکز به خاطر افزایش ارزش افزوده موضوعیت دارد؛ ولی اگر شما از اساس در مبانی خود بیان کنید که سود اجتماعی منشأ سود اقتصادی نیز هست - «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»<sup>۵۰</sup> - و اگر شما بیان کردید که سود اخروی و ایمان و با نرمش قهرمانانه سود اجتماعی مبنای سود اقتصادی است؛ به مدل‌های غیرمتمرکز روی خواهید آورد. ولی در حال حاضر به دلیل اینکه سود اقتصادی را اصل می‌دانید، تمرکز را مفید می‌دانید؛ معلوم است که وقتی کارخانه‌ای در روز ۱۰ هزار بطری نوشابه تولید می‌کند، نسبت به کارخانه و کارگاهی که در روز ۱۰۰ نوشابه تولید می‌کند سود بیشتری خواهد برد. داستان تمرکز، داستان سود است و اگر ما مفهوم سود را تغییر دهیم حتماً تمرکز نیز از محوریت خواهد افتاد. بنابراین تعریف محله در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت چیست؟ محله، محل تأمین نیازهای خانوار است. در تعریف ما خانواده محور است و با قید محل می‌خواهیم نحوه تأمین نیازها را متحول کنیم.

و صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا اَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ ﷺ

۵۰. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَلَٰكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» / آیه ۹۶ سوره اعراف و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، یقیناً [درهای] برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم، ولی [آیات الهی و پیامبران را] تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالی که همواره مرتکب می‌شدند [به غذایی سخت] گرفتیم.

اللَّهُمَّ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ الَّذِينَ لَا يَقْتُرُونَ مِنْ تَسْبِيحِكَ، وَلَا يَسْأَمُونَ مِنْ تَقْدِيرِكَ، وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ مِنْ عِبَادَتِكَ، وَلَا يُؤْثِرُونَ التَّقْصِيرَ عَلَى الْحَدِّ فِي أَمْرِكَ، وَلَا يَعْفُلُونَ عَنِ الْوَلَةِ إِلَيْكَ وَإِسْرَافِلُ صَاحِبِ الصُّورِ، الشَّاسِحُ الَّذِي يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ، وَحُلُولَ الْأَمْرِ، فَيَسْبِيهِ بِالْفَتْحَةِ صَرَخِي رَهَائِنِ الْقُبُورِ. وَمِيكَائِيلُ دُجَاهِ عِنْدِكَ، وَالْمَكَانِ الرَّفِيعِ مِنْ طَاعَتِكَ. وَجِبْرِيلُ الْأَمِينُ عَلَى وَحْيِكَ، الْمُطَاعُ فِي أَهْلِ سَمَاوَاتِكَ، الْمَكِينُ لَدَيْكَ، الْمُقَرَّبُ عِنْدَكَ وَالرُّوحُ الَّذِي هُوَ عَلَى مَلَائِكَةِ الْمُحِبِّ. وَالرُّوحُ الَّذِي هُوَ مِنْ أَمْرِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ، وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِمْ مِنْ سُكَّانِ سَمَاوَاتِكَ، وَأَهْلِ الْأَمَانَةِ عَلَى رِسَالَاتِكَ وَالَّذِينَ لَا تَذُلُّهُمْ سَأْمَةٌ مِنْ دُءٍ وَبِ، وَلَا إِعْيَاءٌ مِنْ نُعُوبٍ وَلَا فُتُورٍ، وَلَا تَشْغَلُهُمْ عَنْ تَسْبِيحِكَ الشَّهَوَاتُ، وَلَا يَقْطَعُهُمْ عَنْ تَعْظِيمِكَ سَهْوُ الْغَفَلَاتِ. الْخُشْعُ الْأَبْصَارِ فَلَا يَرُومُونَ النَّظَرَ إِلَيْكَ، التَّوَكُّسُ الْأَذْقَانِ، الَّذِينَ قَدْ طَلَّتْ رَعْبُهُمْ فِيمَا لَدَيْكَ، الْمُسْتَهْتَرُونَ بِذِكْرِ الْآثَامِ، وَالْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ عَظَمَتِكَ وَحَلَالِ كِبَرِيَّاتِكَ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ تَزْفَرُ عَلَى أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ. فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيَّةِ مِنْ مَلَائِكَتِكَ، وَأَهْلِ الرُّفْقَةِ عِنْدَكَ، وَحَمَالِ الْقَبْرِ إِلَى رُسُلِكَ، وَالْمُؤْتَمِنِينَ عَلَى وَحْيِكَ وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَاعْتَبْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ بِتَقْدِيرِكَ، وَأَسَكَنْتَهُمْ بَطُونِ أَطْبَاقِ سَمَاوَاتِكَ. وَالَّذِينَ عَلَى أَرْجَائِهَا إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَمَاهُورِ عِدِكَ وَخُرَّانِ الْمَطَرِ وَزَوَاجِرِ السَّحَابِ وَالَّذِي بَصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجَلَ الرُّعُودِ، وَإِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِيْفَةُ السَّحَابِ التَّمَعَّتْ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ. وَمُشَيَّبِيُّ الثَّلَجِ وَالْبَرْدِ، وَالْهَابِطِينَ قَطَرَ الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ، وَالْقَوَامِ عَلَى خُرَّانِ الرِّيَاحِ، وَالْمُوكَلِّينَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَرُؤُ وَالَّذِينَ عَرَفْتَهُمْ مَقَائِلَ الْمِيَاهِ، وَكَيْلَ مَا نَحْوَهُ لَوْ عَجِبَ الْأَمْطَارُ وَعَوَّلِ الْجِبَاهِ وَأَرْسَلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ بِمَكْرُوهِ مَا يَنْزِلُ مِنَ الْبَلَاءِ وَتَحْبُوبِ الرَّخَاءِ وَالسَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ، وَالْحَفِظَةِ الْكِرَامِ الْكَلْبِيَّةِ، وَمَا كِ الْمَوْتِ وَأَعْوَانِهِ، وَمُنْكَرٍ وَنَكِيٍّ وَرُومَانَ قَتَانَ الْقُبُورِ، وَالطَّائِفِينَ بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَمَالِكٍ، وَالْحَزَنَةَ، وَرِضْوَانَ، وَسَدَنَةَ الْجَنَانِ. وَالَّذِينَ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ، وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ وَالرَّبَائِصَةَ الَّذِينَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ خُذُوا فَعَلُوهُ ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلَّوهُ ابْتَدَرُوهُ سِرَاعًا، وَلَوْ يَنْظُرُوهُ. وَمَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرَهُ، وَلَوْ تَعَلَّمَ مَكَانَهُ مِنْكَ، وَيَأْتِي أَمْرًا وَرُكْنَهُ. وَسُكَّانِ الْهَوَاءِ وَالْأَرْضِ وَالْمَاءِ وَمَنْ مِنْهُمْ عَلَى الْخَلْقِ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ وَصَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً تَزِيدُهُمْ كِرَامَةً عَلَى كِرَامَتِهِمْ وَطَهَارَةً عَلَى طَهَارَتِهِمْ اللَّهُمَّ وَإِذَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ وَبَلَّغْتَهُمْ صَلَاتِنَا عَلَيْهِمْ فَصَلِّ عَلَيْنَا إِمَّا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِمْ، إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ.

خدایا، درود فرست بر حاملان عرش خود که در تسبیح تو سستی نمی کنند، و از تقدیس تو دل زده نمی شوند، و از پرستش تو در نمی مانند، و در فرمانبرداری تو، به جای کوشش، کوتاهی نمی ورزند، و در عشق ورزی به تو لحظه ای غفلت نمی کنند. و درود فرست بر اسرافیل، آن فرشته ی صاحب «صور» که چشم به راه فرمان تو، منتظر است تا با یک دمیدن، مردگان خفته در گورها را بیدار کند.

و درود فرست بر میکائیل که در پیشگاه تو والا مقام، و در فرمانبرداری ات بلند مرتبه است. و درود فرست بر جبرائیل که امانتدار وحی توست، و ساکنان آسمان فرمانبردار اویند، و نزد تو ارجمند و از مقربان درگاه است. و درود فرست بر روح، آنکه بر فرشتگان مأمور «حجابها» گماشته شده است.

و درود فرست بر آن فرشته که جز تو کسی بر اسرار وی آگاه نیست. بر همه ی ایشان و فرشتگانی که فروتر از آنهایند، درود فرست؛ فرشتگانی که ساکن آسمانها و امانتدار پیغامهای توآند. فرشتگانی که از کار خسته نمی شوند تا از آن دلزده شوند، و سختی نمی کشند تا درمانده و سست گردند، و خواهشهای دل، آنان را از تسبیح تو باز نمی دارد، و فراموشی که نتیجه ی غفلت هاست، از بزرگداشت تو دورشان نمی سازد. فرشتگانی که از فروتنی دیده بر هم نهاده اند و چشم آن ندارند که تو را نگرند؛ سر به زیر افکنده اند و شوقشان به آنچه نزد توست بسیار است؛ شیفته ی آن اند که نعمت های تو را به یاد آورند؛ و ایشان در برابر بزرگی و بزرگواری ات فروتن باشند.



چون به آتش دوزخ بنگرند که چگونه گناهکاران را به کام خود فرو می‌برد، گویند: پروردگارا، تو پاک و منزّه‌ای، و ما تو را آن گونه که شایسته‌ی توست، پرستش نکرده‌ایم.

خدایا، اینک بر ایشان درود فرست. همچنین بر فرشتگان رحمت خود، و بر آنان که مقرب درگاه تو آند، و بر آنها که پیامبران تو را از غیب آگاه کنند، و بر امانتداران وحی خود.

و درود فرست بر آن گروه از فرشتگان که ایشان را ویژه‌ی خود ساخته‌ای، و به سبب تقدیس خود، از خوردن و آشامیدن بی‌نیازشان کرده‌ای، و در میان طبقه‌های گوناگون آسمان جایشان داده‌ای.

و درود فرست بر آن فرشتگان که وقتی فرمان تمام شدن وعده‌ی خداوند فرا رسد، بر کناره‌های آسمان‌ها [گوش به فرمان] قرار گیرند.

و بر آنان که خزانه‌دار باران و روان‌کنندگان ابرهایند.

و بر آن فرشته که چون ابرها را براند، بانگ تدرها به گوش رسد، و چون ابرها به تازیانیه‌ی او به راه افتند، آذرخش‌ها بدرخشند.

و بر آن فرشتگان که برف و تگرگ را همراهی می‌کنند و با دانه‌های باران به زمین می‌آیند، و آنان که نگهبان خزانه‌های بادند، و کسانی که مراقب کوه‌هایند تا فرو نریزند.

و درود فرست بر فرشتگانی که وزن آب‌ها و پیمانیه‌ی باران‌های بسیار و پی در پی را به ایشان آموخته‌ای.

و بر فرشتگانی که آنان را با بلایی ناگوار یا نعمتی گوارا به سوی ساکنان زمین می‌فرستی.

و آن سفیرانِ گران‌قدر نیکوکار، و آن بزرگوارانی که نگهبان و نویسنده‌ی [کارهای ما] هستند. و درود فرست بر فرشته‌ی مرگ و یارانش، و منکر و نکیر، و «رومان» که ساکنان گورها را می‌آزماید، و آن فرشتگان که گرد «بیت المعمور» طواف می‌کنند، و بر «مالک» و نگهبانانِ دوزخ، و بر «رضوان» و خدمتگزارانِ بهشت.

و درود فرست بر فرشتگانی که «از فرمان خدا سر نمی‌پیچند، و به آنچه فرمان داده شوند، عمل می‌کنند.»

و آنان که به اهل بهشت می‌گویند: «سلام بر شما که شکیبایی ورزیدید. دنیا چه سرانجام نیکویی دارد.»

و درود فرست بر فرشتگانِ «زبانی» که چون فرمان‌شان رسد که «بگیرید آن گنهکار را و به زنجیرش کشید و در دوزخ افکنید»، شتاب کنند و بی‌درنگ او را در آتش اندازند.

و بر فرشتگانی که نامشان را نیاوردیم و مرتبه‌ی ایشان را نزد تو نشناختیم و ندانستیم آنان را به چه کاری گماشته‌ای.

و بر فرشتگان ساکن هوا و زمین و آب، و آنان که کار آفریدگان تو را سامان می‌دهند و پیوسته نگهبان و همراه ایشان‌اند.

خدایا، بر آنان درود فرست در آن روز که هر کس با دو فرشته به محشر می‌آید: یکی می‌کشاندش و دیگری بر کارهای او گواهی می‌دهد.

بر آنان درود فرست؛ چنان درودی که بر کرامت و پاکی‌شان کرامت و پاکی دیگر افزایش دهد.

خدایا، چون بر فرشتگان و فرستادگانت درود فرستادی - و درود ما را به ایشان رساندی، بدان سبب که سخنان نیکو درباره‌ی آنان بر زبان ما جاری کردی - بر ما نیز درود و رحمت فرست، که تو بخشنده‌ی بزرگواری.<sup>۵۱</sup>



## پیوست شماره ۲

و قدم اعرابی المدینه فسأل عن أكرم الناس بها، فدل على الحسين فدخل المسجد فوجده مصليا فوقف بازائه و انشأ: لم يخب الآن من رجاك ومن \* حرک من دون بابک الحلقه أنت جواد وأنت معتمد \* ابوک قد کان قاتل الفسقه لولا الذی کان من اوائلكم كانت علينا الجحيم منطبقه قال: فسلم الحسين عليه السلام و قال: یا قنبر هل بقي شیء من مال الحجاز؟ قال: نعم اربعة آلاف دينار، فقال: هاتها قد جاء من هو احق بها منا، ثم نزع برديه و الف الدنانير فيها و اخراج يده من شق الباب حياء من الاعرابی و انشأ: خذها فانی الیک معتذر \* واعلم بأنی علیک ذو شفقه لو کان فی سیرنا الغداه عصا \* أمست سمانا علیک مندفقه لكن ریب الزمان ذو غیر \* و الکف منی قلیله النفقہ قال: فأخذها الاعرابی و بکی، فقال له: لعلک استقللت ما اعطیناک، قال: لا ولكن کیف يأکل التراب جودک.

مردی اعرابی وارد مدینه شد و از کریم ترین مردم سؤال کرد، امام حسین عليه السلام را به او معرفی کردند. وارد مسجد شد و آن بزرگوار را در حال نماز یافت، پشت سر آن بزرگوار ایستاد و این شعر را خواند:

لم يخب الان من رجاك و من      حرک من دون بابک الحلقه  
انت جواد و انت معتمد      ابوک قد کان قاتل الفسقه  
لو لا الذی کان من اوائلكم      كانت علينا الجحيم منطبقه

آنکه به تو امیدوار شده ناامید نگشته و کسی که بر در خانه آمده و دق الباب کرده به امید بخشش آمده.

تو بخشنده و مورد اعتمادی، پدرت کشنده فاسقین بود.

اگر هدایت جد و پدرت نبود، آتش جهنم ما را فرا می گرفت.

امام حسین عليه السلام نمازش را سلام داده و به قنبر فرمودند: آیا از مال حجاز چیزی باقی مانده است؟

گفت: بله، چهار هزار دینار باقی مانده است.

فرمودند: آن را بیاور که نیازمند حقیقی آن آمده است.

قنبر دینارها را آورد، امام دو برد خود را از تن در آورده و دینارها را در آن پیچید و دست مبارکش را از شکاف در خارج

کردند؛ زیرا به خاطر کم بودن دینارها از اعرابی خجالت کشیدند و این شعر را سرودند:

بگیر این مقدار دینار را، من به خاطر کمی آن از تو عذر می خواهم و بدانکه من نسبت به تو مهربانم.

اگر در آینده وسیله فراهم شد ثروت سرشاری بر تو ریزش خواهد کرد.

لیکن مردم زمان بیگانه پرستند و اینک دست ما خالی است (ریب الزمان، یعنی حيله مردم زمان، منظور این است که مردم به

جای اینکه خلافت را به خاندان رسالت بسپارید و خمس و زکاتش را به ایشان برسانند تا به دست مستحق حقیقی برسانند به

غیر مراجعه می کنند).

اعرابی دینارها را گرفته و های های گریه کرد! امام عليه السلام فرمود: شاید آنچه عطا کردم به تو کم است که گریه می کنی؟!

اعرابی گفت: نه، ولیکن گریه من برای این است که چرا این دست های باسخت زبر خاک خواهد رفت.<sup>۵۲</sup>

۵۲. ابن شهر آشوب؛ مناقب آل ابی طالب عليهم السلام، ج ۳، ص ۲۲۲



## فهرست تفصیلی مطالب

۱. مدیریت شهر به محوریت محلات برای تقویت نهاد خانواده به عنوان نهاد متکفل تربیت و توجه به امر تربیت و سود اجتماعی در عوض توجه به سود اقتصادی؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی..... ۱
- ۱/۱. ارتقا تربیت؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی..... ۱
- ۱/۲. لزوم توجه به عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده به عنوان نهاد اصلی متکفل تربیت..... ۱
- ۱/۳. مدل تأمین نیازهای توسط مدیریت شهری؛ یکی از عوامل بیرونی تأثیرگذار بر روی نهاد خانواده..... ۲
- ۱/۴. تأمین نیازها در محله و در نتیجه تقویت نهاد خانواده و ارتقا امر تربیت؛ تصویر مطلوب و وظیفه مدیریت شهری برای ارتقا تربیت..... ۲
۲. افزایش تعارف و سود بردن از کارکردهای این مسأله؛ فایده مدیریت شهری محله محور برای خود مدیریت شهری..... ۲
- ۲/۱. راحت تر شدن انتخاب همسر به دلیل گسترش شناخت افراد محله از یکدیگر؛ یکی از فواید تعارف..... ۳
- ۲/۲. ایجاد خودکنترلی و ارتقا مسأله تربیت؛ یکی دیگر از فواید تعارف و شناخت طرفینی گسترده در محله..... ۳
- ۲/۳. حل شدن مسأله فقر و محرومیت زدایی و رفع معضل تکدی گری به دلیل شناخت فقرا و مساکین واقعی؛ از دیگر ثمرات گسترش تعارف در محله..... ۳
- ۲/۴. تعارف؛ زیرساخت بهبود روابط انسانی و تسهیل اداره جامعه در صورت گسترش تعارف..... ۴
۳. مدل تأمین نیازها؛ شاهره هدایت یا ضلالت افراد و لزوم بازتعریف هرم نیازهای به محوریت تأمین نیازهای چهارگانه انسان در راستای هدایت..... ۵
- ۳/۱. عدم توجه کفار و منافقین به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یا عدم اجابت ایشان در صورت توجه؛ یکی از مشکلات پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ..... ۵
- ۳/۲. فقر و نیاز ذاتی انسان ها و توهم رفع این فقر توسط غیر خدای متعال؛ ریشه‌ی عدم توجه و عدم اجابت کفار و منافقین نسبت به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ..... ۶
- ۳/۳. متوجه کردن انسان ها نسبت به فقر و نیازمندی ذاتی خودشان و برطرف شدن تمام نیازهای کوچک و بزرگ انسان فقط توسط خدای متعال؛ کلید روی کردن انسان ها و هدایت ایشان به سمت خدای متعال..... ۷
- ۳/۳/۱. تأمین دائمی نیاز انسان ها توسط خدای متعال؛ ابزار رفق خداوند..... ۱۲
۴. تأثیرگذاری مستقیم مدل تأمین نیازها بر هدایت یا ضلالت افراد به دلیل اثرگذاری این مدل بر زیرساخت خدایپرستی یعنی مسأله تربیت؛ دلیل تعریف محله به محل تأمین نیازهای خانوار..... ۱۳
- ۴/۱. تلاش برای انتقال خدایپرستی به صورت نظری و عدم توجه به مسأله نیاز؛ دلیل خردگرفتن برخی از افراد به تعریف محله در نقشه راه..... ۱۴
- ۴/۲. ارتقا امر تربیت به وسیله تأمین نیازهای افراد در محله؛ نحوه اثرگذاری مدیریت شهری در خدایپرست شدن مردم..... ۱۵
- پرسش و پاسخ..... ۱۶
۱. بی‌اعتمادی افراد محله به فرد غریبه؛ دلیل عدم ارتکاب جرم توسط یکی از اعضای محله در محله‌ای غیر از محله‌ی خودش..... ۱۶

۲. جدا کردن محلّ تأمین نیازهای انسان ها از محله در حال حاضر؛ دلیل تعریف محله به محوریت محلّ تأمین نیازها و عدم ذکر ویژگی‌های دیگر محله.....	۱۶
۳. محوریت و عدم محوریت خانواده؛ تفاوت محله‌های مدرن و اسلامی.....	۱۷
پیوست شماره ۱.....	۱۹
پیوست شماره ۲.....	۲۱





---

## جلسه هفتم

---

رفع اصطکاک میان اراده‌ها و جلوگیری از ایجاد چالش در میان افراد  
از طریق بهبود روابط انسانی؛ مدل مطلوب تأمین نیازهای تفریحی



۱۲ تیرماه ۱۳۹۵

نشست تبیین مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

**عنوان جلسه هفتم و تدوین گران:** رفع اصطکاک میان اراده‌ها و جلوگیری از ایجاد چالش در میان افراد از طریق بهبود روابط انسانی؛ مدل مطلوب تأمین نیازهای تفریحی / ابوالفضل آریان‌پور - سجاد حسن‌زاده  
**ارائه‌دهنده‌ی جلسه:** حجت‌الاسلام و المسلمین علی کشوری

**تاریخ جلسه:** ۱۳۹۵/۰۴/۱۲ **مکان جلسه:** تهران - مدرسه علمیه مروی

**حاضرین در جلسه:** جمعی از طلاب حوزه علمیه مروی و پژوهشگران اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

**مشخصات اثر:** ۲۸ صفحه رنگی (۲۱\*۲۹،۷ س.م) **تاریخ انتشار:** مرداد ماه ۱۳۹۵

**اجمالی از جلسه:** طی مباحث جلسات گذشته مشخص شد که فلسفه مدیریت شهری ارتقا امر تربیت می‌باشد. همچنین متناسب با این فلسفه تعریف جدیدی از مدیریت شهری ارائه گردید و بیان شد که مدیریت شهر باید به محوریت محله (محله به معنای محل تأمین نیازهای خانوار) باشد.

در جلسه گذشته به تبیین جایگاه نیاز پرداخته و بیان داشتیم که شاهراه هدایت و ضلالت افراد مدل تأمین نیازهای آنها می‌باشد. به عبارت بهتر می‌توان نیازهای انسان‌ها را به گونه‌ای تأمین کرد که موجب خداپرستی آنها شود یا اینکه موجب دور شدن آنها از خدا گردد. به عنوان مثال انسان‌ها نیاز جنسی و عاطفی دارند و اسلام برای تأمین این نیاز راهی به نام ازدواج را پیشنهاد داده است. اما ازدواج چگونه موجب فلاح و رستگاری انسان‌ها می‌شود؟ وقتی افراد در محیط خانواده قرار می‌گیرند برای حفظ و صیانت از این نهاد مقدس باید شخ خود را کنترل کنند و به تعبیر قرآن کریم **وَمَنْ يُوقِ شَخِ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ**؛ یعنی اگر کسی شخ خود را کنترل کرد رستگار می‌گردد. به عبارت بهتر ما نیاز جنسی انسان‌ها را برطرف کرده‌ایم ولی از طریقی که موجب فلاح او می‌گردد. در هدایت انسان‌ها نباید فقط به بیان معارف و فعالیت‌های نظری اکتفا نمود؛ بلکه مدل تأمین نیازها امری با اهمیت و اثرگذار در زندگی فرد است؛ چرا که سبک زندگی افراد ذیل نظامات اجتماعی شکل می‌گیرد.

با توجه به اینکه مدیریت شهری باید تأمین هرم نیازهای خانوار در محله را در دستور کار خود قرار دهد، ابتدا باید هرم نیازهای خانوار را در راستای هدایت و ارتقا توحید بازتعریف کنیم تا مدیریت شهری موظف به فراهم کردن این نیازها در محله گردد. هرم نیازهای افراد چهار طبقه دارد: ۱. تفریحی ۲. تحصیلی ۳. شغلی ۴. روزمره. در این جلسه به بازتعریف نیازهای تفریحی خواهیم پرداخت. از منظر اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی نیازهای تفریحی در صدر هرم نیازهای خانوار قرار دارند؛ چرا که موجب انگیزش و حرکت و تحرک انسان می‌شوند و اگر انسان تحرک و انگیزه نداشته باشد قادر به انجام هیچ کاری نخواهد بود.

اما تفریح انسان‌ها چگونه تأمین می‌شود؟ آیا شهرسازی و پارک موجب تفریح می‌گردند؟ از منظر نقشه راه نباید تفریح را به صورت حداقلی تعریف کنیم، بلکه تفریح باید به صورت حداکثری بازتعریف شود. برای بازتعریف حداکثری تفریح باید توجه کنیم که برای ایجاد فرح در انسان‌ها حتماً باید به دو برهه توجه کنیم. نخستین برهه، هفت سال اول زندگی انسان‌هاست. اگر می‌خواهیم انسان‌ها تفریح داشته باشند نباید در هفت سال اول زندگی آنها جلوی بازی کردنشان را بگیریم؛ شاید منع شدید ما از بازی زیاد و شلوغ‌کاری دلیلی داشته باشد ولی چون کودک عقل و قوه تمییز ندارد در صورت منع شدن فکر می‌کند که شما او مخالفت می‌کنید و این منع شدید برای او عقده‌های روانی و روحی ایجاد می‌کند و در نتیجه فرد در آینده خوشحال نخواهد بود، همچنین افق کوچکی خواهد داشت. نکته دیگری که باید به آن توجه کنیم هفت سال دوم زندگی است؛ از منظر اسلام تفریح زمانی حاصل می‌شود که انسان‌ها ارتباطات انسانی را فرا گرفته باشند و در عمل اجرا کنند. به عبارت بهتر اگر انسان‌ها قادر به برقراری ارتباط انسان با هم‌نوع خود نباشند او را به چالش خواهند کشید و در نتیجه طرف مقابل خوشحال نخواهد بود؛ افرادی که دائماً با یکدیگر چالش دارند روی خوشحالی را نخواهند دید. کاری که باید انجام دهیم بهبود روابط انسانی در هفت سال دوم زندگی است؛ اما از چه طریقی؟ مهم‌ترین گزاره‌ای که باید در این هفت سال برای کودک جا بیندازیم، مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام است. اگر فرد اهل بیت علیهم‌السلام را مرجع علمی خود بداند به توصیه‌های ایشان عمل خواهد نمود و در نتیجه روابط انسانی بسیار خوبی خواهد داشت و طرف مقابل را به چالش نخواهد کشید و در نتیجه هر دو خوشحال خواهند شد.

رفع اصطکاک میان اراده‌ها و جلوگیری از ایجاد چالش در میان افراد از طریق بهبود

روابط انسانی؛ مدل مطلوب تأمین نیازهای تفریحی

تدوین‌گران: ابوالفضل آریان‌پور - سجاد حسن‌زاده

تاریخ انتشار: مرداد ماه ۱۳۹۵

ویراست اول

## فهرست اجمالی مطالب

۱. مدیریت محله محور (تأمین نیازهای خانوار در محله)؛ تعریف مطلوب مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی بر مبنای فلسفه مدیریت شهری ..... ۱
۲. مدل تأمین نیاز؛ شاهره هدایت یا ضلالت انسان‌ها و لزوم بازتعریف هرم نیازهای خانوار و مدل تأمین این نیازهای در جهت ارتقای توحید ..... ۲
۳. ایجاد نکردن عقده‌های روحی و روانی برای افراد از طریق عدم سخت‌گیری در هفت‌سال اول زندگی، بهبود روابط انسانی فرد در هفت‌سال دوم زندگی؛ تعریف تفریح در راستای ارتقا توحید انسان‌ها ..... ۷
- پرسش و پاسخ ..... ۱۸
۱. ایجاد کارآمدی توسط مدیریت شهری در یک یا چند محله؛ عامل جذب افراد غیر مؤمن به سمت مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی و تعمیم این نوع از مدیریت شهری ..... ۱۸
۲. غیر متمرکز بودن حکومت و عدم نیاز به بسیاری از شغل‌ها؛ راهکار فراهم کردن نیازهای شغلی در محله ..... ۱۹
۳. تبیین همراه با نظام مقایسه و نشان‌دادن خرابی‌ها کشورهای توسعه‌یافته‌ی غربی؛ عامل جذب افراد به سمت مباحث مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی و جلوگیری از ارائه گزارش‌های غلط نسبت به مباحث مدیریت شهری ..... ۲۱
- پیوست شماره ۱ ..... ۲۸

شکل‌گیری سبک زندگی افراد ذیل نظامات اجتماعی

دلیل اثرگذاری مدل تأمین نیازهای بر روی توحید یا کفر

رفع نیاز جنسی و عاطفی افراد به وسیله ازدواج و در نتیجه کنترل شخ افراد و فلاح آنها؛ نمونه‌ای از تأمین نیاز در راستای توحید

تأمین نیازهای روزمره افراد در هایپرمارکت‌ها و در نتیجه گسترش روحیه تنوع‌طلبی در آنها؛ نمونه‌ای از تأمین نیاز در راستای غیر توحید

می‌توان نیازهای انسان‌ها را به گونه‌ای تعریف نموده و برای آنها راه حل ارائه داد که موجب رستگاری آنها شود یا بالعکس موجب شقاوت آنها گردد

تعریف نیاز به عنوان عامل هدایت یا ضلالت انسان‌ها

دلیل لزوم بازتعریف هرم نیازهای خانواده

لزوم بازتعریف هرم نیازهای خانوار در راستای ارتقا توحید

دلیل اهمیت بالای تعریف به عنوان صدر هرم نیازهای خانواده

ایجاد بحث و انگیزه در افراد به وسیله تعریف

لزوم بازتعریف حداکثری تعریف و محدود نکردن تعریف به پارک و شهرسازی

تفریف؛ صدر هرم نیازهای خانواده و لزوم بازتعریف آن

ایجاد نکرده عقده‌های کور روحی و روانی برای کودک از طریق عدم جلوگیری از بازی کردن کودک در این سن

هفت‌سال اول زندگی

لزوم توجه به دو دوره از زندگی به عنوان عوامل بازتعریف و تعریف حداکثری تعریف

تفریف؛ صدر هرم نیازهای خانواده و لزوم بازتعریف آن

بهبود روابط انسانی فرد در این دوران به عنوان عامل اصلی فرخ؛ اگر انسان‌ها همدیگر را به چالش نکشند، همواره خوشحال خواهند بود

هفت‌سال دوم زندگی

تفریف؛ صدر هرم نیازهای خانواده و لزوم بازتعریف آن

تفریف؛ صدر هرم نیازهای خانواده و لزوم بازتعریف آن

انتقال مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام به فرزندان؛ عامل اصلی بهبود روابط انسانی

### رفع اصطکاک میان اراده‌ها و جلوگیری از ایجاد چالش در میان افراد از طریق بهبود روابط انسانی؛ مدل مطلوب تأمین نیازهای تفریحی



**۱. مدیریت محله محور (تأمین نیازهای خانوار در محله)؛ تعریف مطلوب مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی بر مبنای فلسفه مدیریت شهری**

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین لا سیما بقیه الله فی الارضین ارواحنا لتراب مقدمه الفداء و عجل الله تعالی فرجه الشریف.

**۱/۱. لزوم دستیابی به فلسفه مدیریت شهری به منظور دستیابی به تعریف مطلوب مدیریت شهری**

امروز جلسه هفتم از اولین دوره تبیین «مفهوم مدیریت شهری با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» است. در شش جلسه گذشته ما چند مطلب را بررسی کردیم؛ مطلب اول عبارت از این بود که راجع به فلسفه مدیریت شهری با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بحث نمودیم. عرض کردیم که اهمیت فلسفه مدیریت شهری از نظر فکر اسلامی به این بر می گردد که اگر بتوانیم به یک فلسفه روشنی دست پیدا کنیم در آینده خواهیم توانست تعریف مدیریت شهری را نیز تغییر دهیم.

بگذریم از اینکه مع الأسف واقعاً وقتی گفت و گوهای شوراهای شهر در سراسر کشور را به آن مقدار که ما مرتبط هستیم - که کم هم ارتباط نداریم - می شنویم اصلاً احساس نمی شود که نگاه غایی به مسأله مدیریت شهری وجود داشته باشد. اعضای شوراهای شهر و شهرداری ها بیشتر راجع به امور روزمره بحث می کنند. حال اینکه به نظر بنده اگر فلسفه روشنی از مدیریت شهری داشته باشیم به تعریف روشنی از مدیریت شهری خواهیم رسید و بعد نیز برای امور روزمره راه حل های جدیدی پیدا خواهیم کرد. مثلاً اگر یکی از مسائل ما در داخل شهر مسأله ی سفرهای درون شهری است به راه حل های جدیدی دست پیدا خواهیم کرد. یا مثلاً اگر یکی از مسائل شهرداری ها مسأله بودجه و هزینه هاست، بر اساس تعریف جدید می توانیم راه کارهای مالی جدیدی برای اداره شهر پیدا کنیم.





در مباحث گذشته با توجه به اهمیت فلسفه مدیریت شهری، از منظر مفاهیم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به یک گزاره رسیدیم؛ آن گزاره عبارت از این بود که فلسفه مدیریت شهری ارتقا امر تربیت است. در واقع همانطور که در جلسه گذشته عرض کردم مسأله تربیت باید محور تصمیمات در اداره شهر باشد؛ چون اگر مدیریت شهری تربیت را محور تصمیمات خود قرار ندهد در عمل باعث به چالش کشیده شدن فضای حاکم بر تربیت خواهد شد. عرض کردم که مدیریت شهری در حکم فضای حاکم بر نهاد خانواده است و در نتیجه نمی‌توانید بگویید لزومی ندارد به خانواده توجه کند، چون خانواده از مدیریت شهری تأثیر می‌پذیرد. ما در نهایت یا باید بگوییم خانواده به نفع مدیریت شهری تغییر تعریف بدهد و یا باید بگوییم مدیریت شهری نسبت به خانواده تغییر تعریف بدهد.

در این جلسه نمی‌خواهم بحث‌های گذشته را تکرار کنم، اما خواستم دوباره متذکر شوم که؛ مهره‌ی تبیین‌کننده‌ی ارتباط بین مدیریت شهری و نهاد خانواده عبارت از بحث فضای حاکم بر نهاد خانواده است. بله؛ اگر نهاد خانواده از فضای حاکم بر خود - که فضای حاکم بر نهاد خانواده را به عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده تعریف کردیم، عوامل بیرونی اما مؤثر بر نهاد خانواده - تأثیری نمی‌پذیرفت ارتباطی هم بین بحث مدیریت شهری و مسأله خانواده به عنوان نهاد متکفل تربیت وجود نداشت؛ اما ما در مباحث خود اشاره کرده و اثبات نمودیم که فضای حاکم بر نهاد خانواده بر کیفیت این نهاد بنیادین تأثیر بسیاری دارد. بنابراین اگر ما نهاد خانواده را می‌خواهیم که می‌خواهیم حتماً باید به سمت بازتعریف مدیریت شهری - به عنوان یکی از اساسی‌ترین فضاهایی که راجع به نهاد خانواده وجود دارد - حرکت کنیم.

بعد از اینکه این مباحث به اتمام رسید ما به تعریف جدیدی هم براساس این فلسفه روشن رسیدیم؛ بیان شد که مدیریت شهری حتماً باید به شکل محله‌ای باشد، شهر اسلامی عبارت از نظامی از محله‌هاست. محله را نیز به محل تأمین نیازهای خانوار تعریف کردیم؛ نیازهای خانوار باید در همان محله‌ای تأمین شود که در آن زندگی می‌کند. بنابراین با توجه به این تعریفی که از محله ارائه دادیم، مدیریت شهری، مدیریت محله‌ای است. ما به جای اینکه شهر را بوسیله‌ی مناطق تعریف کرده و بعد هر منطقه را واحد اصلی اداره قرار دهیم، بیان کردیم که واحدهای اداره‌ی شهر محله‌ها هستند. همچنین باید محله را از حالت قراردادی - که در حال حاضر هست - خارج کنیم؛ چرا که ممکن است در حال حاضر اصطلاحاً به یک منطقه‌ی جغرافیایی اطلاق محله صورت بگیرد، اما ما نباید به لفظ محله قانع باشیم؛ بلکه باید سعی کنیم آن واحد مدیریتی محله را با تعریف اسلامی به محل تأمین نیازهای خانوار تبدیل کنیم. اگر چنین کاری کردیم فضای حاکم بر خانواده بهبود پیدا می‌کند. پس مدیریت شهری را هم در جلسات گذشته بحث کردیم.

**۲. مدل تأمین نیاز؛ شاهره هدایت یا ضلالت انسان‌ها و لزوم بازتعریف هرم نیازهای خانوار و مدل تأمین این نیازهای در جهت ارتقای توحید**

وقتی ما در مباحث خود به این نقطه رسیدیم که محل تأمین نیازهای خانوار باید در محل زندگی خانواده‌ها باشد سؤالی پیش آمد مبنی بر اینکه حالا دقیقاً نیازهای خانوار چیست؟ بحث به این نکته رسید. در جلسه گذشته عرض کردم قبل از اینکه ما وارد تعریف تفصیلی هرم نیازهای خانوار شویم - که مدیریت شهری در آینده باید این نیازها را تأمین کند - باید یک نکته مهم را راجع به نسبت بین نیاز و مسلمان و مؤمن بودن و توحید تذکر دهیم؛ عرض کردم که چگونگی تأمین نیاز در واقع چگونگی ارتقا ایمان را توضیح می‌دهد؛ به عبارت بهتر دو نگاه نسبت به زندگی و اینکه انسان به چه

**۱/۲. ارتقا امر تربیت؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی**

**۱/۲/۱. اثرگذاری مدیریت شهری به عنوان یک عامل بیرونی بر نهاد خانواده به عنوان نهاد اصلی تربیت؛ ارتباط بین مدیریت شهری و امر تربیت**

**۱/۳. مدیریت شهر به محوریت محلات (محله به معنای محل تأمین نیازهای خانوار)؛ تعریف مطلوب مدیریت شهری مبتنی بر فلسفه ارائه شده**

**۲/۱. مدل تأمین نیازهای خانوار؛ شاه کلید ارتقا ایمان افراد و مؤمن‌تر کردن آنها**



شکلی ایمان خود را تقویت کند وجود دارد. یک نگاه - خواسته یا ناخواسته - فکر می‌کند اگر تبیین خوبی راجع به نگاه اسلامی اتفاق بیفتد و اسلام در مناسبت‌ها، کتاب‌ها و دوره‌های آموزش خوب تبیین شود، فرد مسلمان‌تر خواهد گردید؛ یعنی اصطلاحاً برخی ارتقا مسلمانی و ایمان را در فرد از طریق مکانیزم‌های نظری دنبال نموده و فکر می‌کند که همه چیز اطلاعات است، آنها سعی می‌کنند اطلاعات دینی را به افراد انتقال دهند. این یک نگاه است که در حال حاضر در جامعه‌ی ما وجود دارد. عرض کردم بلای مهم نگاه‌های فلسفی همین است که همه چیز را در وعاء ذهن دنبال می‌کنند. نگاه دیگر برای ارتقا اسلام و ارتقا ایمان در فرد این است که اگر شما به فرد گفتید مدل تأمین نیاز خود را متحول کند، از طریق تأمین نیاز با یک روش خاص، ایمان او نیز ارتقا پیدا می‌کند.

**۲/۱/۱. رفع نیازهای عاطفی و جنسی انسان‌ها از طریق نهاد خانواده؛ نمونه‌ای از اثرگذاری مدل تأمین نیازها در ارتقا ایمان افراد**

مثال معروف این موضوع مسأله ازدواج است؛ بالآخره انسان‌ها، هم نیازهای عاطفی دارند، هم نیازهای جنسی دارند و هم نیازمند نیازهای درون نهاد خانواده - که به نظر ما نیازهای مربوط به رشد هستند - می‌باشند، همه انسان‌ها این نوع نیازها را داشته و احساس می‌کنند. اسلام از همین نقطه وارد شده و چهارچوبی را برای تأمین نیازها تعریف می‌کند که اگر انسان در آن مسیر حرکت نموده و نیازهای خود را تأمین کند - که ما اسم آن را نهاد خانواده می‌گذاریم - نه تنها نیازهای او تأمین می‌شود بلکه در نهایت آن فرد رشد کرده و ایمانش نیز ارتقا پیدا خواهد کرد.

**۲/۱/۱/۱. کنترل شح افراد در خانواده و در نتیجه رسیدن آنها به فلاح و رستگاری؛ عامل ارتقا ایمان افراد در صورت رفع نیازهای جنسی و عاطفی با مدل ازدواج**

همانطور که بنده در جلسات گذشته عرض کردم، توصیه قرآن این است که اختلافات بین زن و شوهر بوسیله کنترل شح مدیریت شود. چرا؟ خداوند در مورد اختلافات بین زن و شوهر بحث می‌کند و می‌فرماید: «وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِن بَعْلِهَا نُشُوزًا<sup>۱</sup> أَيْ رَاجِعَ بِهِ نَشُوزًا<sup>۲</sup> بَيْنَ زَنٍّ وَ شَوْهَرٍ بَحْثِ نَمُودَه وَ [در مقام حل] اختلاف عمیقی که بین زن و شوهر پیش آمده صحبت می‌کند. آیه در مقام علاج این بحث می‌فرماید: «أُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ» یعنی صلح را بپذیرید، به دلیل اینکه شح در انسان‌ها حاضر است. یا در آیه دیگری می‌فرماید: «وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>۳</sup> نتیجه کنترل شح، فلاح انسان خواهد شد؛ یعنی نتیجه آن ارتقای معنوی انسان خواهد شد. وقتی راجع به نهاد خانواده بحث می‌کند، می‌فرماید محور مدیریت نهاد خانواده کنترل شح است. زن و شوهرها باید مواظب بوده و این پدیده را بدانند که «أُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ»؛ شح در انفس و انسان‌ها حاضر است. حالا که

۱. وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِن بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِن تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا / آیه ۱۲۸ سوره نساء

و اگر زنی از ناسازگاری شوهرش یا روی گردانی‌اش [از حقوق همسراری] بترسد، بر آن دو گناهی نیست که با یکدیگر به طور شایسته و پسندیده آشتی کنند، [گرچه به چشم پوشی بخشی از حقوقشان باشد] و [در حقیقت] صلح و آشتی بهتر است و بخل، نزد نفوس [آدمیان] حاضر است [به این خاطر هر یک از دو زوج در عفو و گذشت و سازش و ادای حقوق بخل می‌ورزند]. و اگر [شما شوهران] نیکی کنید و از سرکشی و ناسازگاری نسبت به زنان [بهریزید از ثواب و پاداش حق بهره‌مند می‌شوید]؛ یقیناً خدا همواره به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.

۲. ناسازگاری، نافرمانی و تمکین نکردن

۳. وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِن قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَتُؤْتُونَ بِهِمْ خَصَاصَةً وَمَنْ يُوَقِّ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ / آیه ۹ سوره حشر

و [برای] کسانی [از انصار است] که پیش از مهاجران در سرای هجرت و ایمان [یعنی مدینه] جای گرفتند، [و] کسانی را که به سوی آنان هجرت کرده‌اند دوست دارند و در سینه‌های خود نیاز و چشم داشتی به آنچه به مهاجران داده شده است نمی‌یابند، و آنان را بر خود ترجیح می‌دهند، گرچه خودشان را نیاز شدیدی [به مال و متاع] باشد و کسانی را که از بخل و حرصشان بازداشته‌اند، اینان همان رستگارانند.



این ویژگی در همه‌ی انسان‌ها اعم از زن و مرد حاضر است پس «الْصُّلْحُ خَيْرٌ»<sup>۴</sup> پس ببینید آیه راجع به نهاد خانواده و چگونگی مدیریت مشکلات درون نهاد خانواده صحبت می‌کند؛ اما در نهایت فلاح و رستگاری هم ایجاد می‌شود.

این موضوع تنها مربوط به نهاد خانواده نیست، می‌توانیم مدل تأمین همه نیازهایی که یک انسان و یک خانواده دارند را طوری تعریف کنیم که در نهایت ارتقا ایمان نیز ایجاد کند. راجع به همه‌ی ابعاد نیازها این مسأله مطرح است؛ مثلاً نیاز شغلی هم یک نوع نیاز است، پس باید تأمین نیاز شغلی را در طریق ارتقا هدایت بدانیم.

**۲/۲. اثرگذاری بیشتر مکانیزم‌های غیر بیانی و هدایت افراد و شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی ذیل نظامات اجتماعی؛ دلیل اثرگذاری مدل تأمین نیاز بر هدایت انسان‌ها**

ما بحث کردیم که غرض اصلی، هدایت جامعه است منتهی هدایت امری نظری نیست؛ بلکه همانطور که ما بحث کردیم مکانیزم‌های غیر نظری هدایت سهم بسیار بالایی در ارتقا هدایت دارند و بخش قابل توجهی از مکانیزم‌های هدایت، مدل تأمین نیازهاست. این نکته‌ای بود که بنده در جلسه گذشته خدمت شما عرض کردم. بنابراین وقتی نسبت به نیاز بحث می‌کنیم این آیه قرآن را مورد استناد قرار می‌دهیم که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ الْفَقْرَاءُ إِلَى اللَّهِ»<sup>۵</sup> آیه راجع به فقر و نیاز جامعه صحبت نموده و بلافاصله بیان می‌کند که «اتَّقُوا اللَّهَ الْفَقْرَاءُ إِلَى اللَّهِ»؛ این فقر شما الی الله است و باید مسیر تنظیم آن شما را به خدا برساند. فکر نکنید که اگر مسیر رفع فقر و رفع نیاز خود را الی الله تنظیم نکردید، فقر شما برطرف خواهد شد. بنده مخلص کلام را این می‌دانم که وقتی ما به نیاز به عنوان یک متغیر اصلی نگاه می‌کنیم، رفع نیازها را با برخی از مدل‌ها نمی‌پذیریم. ببینید؛ دعا بر سر این نیست که مدیریت شهری با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌خواهد نیازها را کم یا زیاد کند، خیر؛ اتفاقاً می‌خواهیم همه نیازهای بشر را تأمین کنیم، اما بر سر چگونگی تأمین آن حرف داریم؛ اگر شما چگونگی تأمین نیازها را الهی و با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت تعریف کنید در واقع هم نیازها را تأمین کرده‌اید و هم ایمان و یقین افراد را ارتقا بخشیده‌اید. اما اگر نیازها را با مدل‌های سکولار تأمین نمایید در واقع به اسم تأمین نیاز انسانیت انسان‌ها را به چالش کشیده‌اید. در اینصورت انسان‌ها دیگر احساس خوبی به زندگی کردن هم ندارند و ظاهراً درآمد دارند - البته اگر درآمد داشته باشند - اما حال خوب و سکینه ندارند و به قول رکیک امروزی رضایت‌مندی آنها خیلی پایین است؛ درست است که شغل مهم است اما در توسعه بحث می‌گویند شغل تنها کفایت نمی‌کند و باید رضایت‌مندی از شغل نیز ایجاد شود.<sup>۷</sup> چرا این اتفاقات می‌افتد؟ با اینکه جریان

۴. این فقره، قبل از فرقه «أَحْضَرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ» است.

*انتقال از متن*

۵. يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ الْفَقْرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْعَنِيُّ الْحَمِيدُ / آیه ۱۵ سوره فاطر

ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدائید؛ تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هرگونه حمد و ستایش است!

۶. در جلسه گذشته نکاتی را هم در مورد آیات سوره فاطر به محضر شما مورد قضاوت قرار دادم که در آن قسمت به جایگاه ملائکه در دنیای رزق رسیدیم و یک بحث‌هایی را اشاره کردم.

*انتقال از متن*

۷. رضایت شغلی Job satisfaction

به طور اساسی رضایت شغلی عبارت است از حد احساسات و نگرش‌های مثبت که افراد نسبت به شغل خود دارند. وقتی یک شخص بیان می‌دارد که دارای رضایت شغلی بالایی است. این بدان مفهوم است که او واقعاً شغلش را دوست دارد، به آن عشق می‌ورزد احساس خوبی درباره کارش دارد و برای شغلش ارزش زیادی قائل است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که کارکنان با رضایت شغلی بالاتر از نظر فیزیکی بدنی و توان ذهنی در وضعیت خوبی به سر می‌برند یا رضایت شغلی، مجموعه‌ای از احساسات و باورهایی است که افراد در مورد مشاغل کنونی خود دارند.

جورج.م. جنیفر و جونز. ر. گرس؛ درک و هدایت رفتار سازمانی، ۱۹۹۹، ص ۷۴

توسعه‌گرا در روزهای مختلفی از ایام سال مراسمات مختلفی را برای رضایت شغلی برگزار می‌کند؛ اما شخص واقعاً در محیط کار خود بهم ریخته است. با این وجود جریان توسعه‌گرا به یکباره به کمک رسانه مراسمی را برگزار نموده و سعی می‌کند او را قهرمان جلوه دهد تا بوسیله این تبلیغات مقداری ارتقا رضایت‌مندی در او اتفاق بیفتد. پس مدل تأمین نیازها می‌تواند به شکلی باشد که حتی آرامش و سکینه انسان‌ها را به چالش بکشد، این موضوع از منظر فکر اسلامی خیلی مهم است.

**۲/۲/۱. تغییر سبک زندگی افراد در صورت اجیرشدن و استخدام شدن آنها برای تأمین نیاز شغلی؛ نمونه‌ای از تأثیرگذاری نظامات اجتماعی بر زندگی افراد**

فکر اسلامی بیان می‌کند: بیش از اینکه مباحث نظری و تبلیغی - به معنای انتقال اطلاعات - در مسلمان بودن و مؤمن بودن یک نفر تأثیر داشته باشد، سبک زندگی او در این امر تأثیر دارد و سبک زندگی را نیز نظامات اجتماعی تعریف می‌کنند نه خود فرد؛ روال‌هایی که برای فرد تعریف می‌شوند سبک زندگی او را تغییر می‌دهند. به عنوان مثال سازمانی اطلاعیه استخدامی زده و می‌گوید می‌خواهم ده‌هزار نفر را استخدام کنم؛ اما در شرایط استخدام به فرد می‌گوید به تو دو میلیون حقوق می‌دهم و این فرد نیز به خاطر دو میلیون حقوق استخدام می‌شود و متعهد می‌گردد که از هشت صبح تا چهار بعد از ظهر کار کند. همین که یک نفر پذیرفت از هشت صبح تا چهار بعد از ظهر کار کند، یعنی تمام زندگی روزانه‌ی خود را تحت الشعاع آن کار قرار داده است، ارتباط او با همسر و فرزندان تحت الشعاع قرار می‌گیرد و در یک کلام سبک زندگی او به محوریت نظمی که در حوزه شغلی برای او ایجاد شده تغییر می‌کند.<sup>۸</sup>

**۲/۳. لزوم بازتعریف هرم نیازهای خانوار و مدل تأمین این نیازها در مسیر ارتقا توحید**

اگر شما نیاز و نحوه تأمین خانوار را مسیر ارتقا توحید دانستید؛ حتماً هرم نیازهای خانواده بازتعریف می‌شود، یعنی انسان باید در مسیر توحید سیرورت پیدا کرده و حرکت کند؛ در اینصورت این انسان تأمین نیازهای خود را به عنوان شاهراه‌های حرکت قرار می‌دهد و به جای اینکه ازدواج سفید<sup>۹</sup> انجام دهد - که اسم ازدواج هم در اینجا تحقیر شده است - ازدواج دائم اسلامی می‌کند. چرا؟ به دلیل اینکه فقط مسأله‌ی تأمین نیاز نیست؛ شما می‌توانید با مدل اسلامی تأمین نیاز کنید، هم سکینه دارید و هم می‌توانید نسلی داشته باشید که بعداً به او افتخار کنید؛ می‌دانید که انسان‌ها به این شکل هستند که اولادشان مایع چشم‌روشنی آنهاست، خدای متعال آدم‌ها را به این شکل خلق کرده است.<sup>۱۰</sup> هیچ چیزی در فرح انسان مانند اولاد صالح تأثیر ندارد و هیچ لذتی در دنیا به این شکل نیست. لذا در تعابیر روایی ما از اولاد خوب به باقیات و صالحات تعبیر کرده‌اند.<sup>۱۱</sup> آدم از

۸. لذا بنده همیشه به دوستان خود توصیه می‌کنم که - در حال حاضر که نظامات اجتماعی نظامات مدرن است، در آینده باید آن را تغییر دهیم - اگر می‌توانید برای تأمین معاش خود خلاف موج شنا کنید؛ یعنی به این توصیه اسلام که اجیر شدن کراهت دارد عمل کنید. (کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۹۰) مکروه است که انسان برای تأمین معیشت خود اجیر کسی یا اجیر سازمانی شود. نکته‌ی همین است که وقتی شما اجیر شدید طبق قرارداد اجرت باید عمل کنید و قرارداد اجرت ممکن است سبک زندگی شما را تغییر دهد و همین که اجازه دهید سبک زندگی تغییر کند به تدریج نگرش‌ها و تفکرات شما تغییر پیدا می‌کند. بنابراین وقتی راجع به هرم نیازهای خانوار بحث می‌کنیم این نکته باید به عنوان پایه مدنظر شما باشد.

*انتقال از متن*

۹. منظور از «ازدواج سفید» زندگی مشترک زن و مرد بدون ازدواج رسمی است. یعنی به گونه‌ای که زن و مرد بدون اینکه خطبه عقد یا صیغه بینشان جاری شود برای زندگی زیر یک سقف می‌روند.

۱۰. وَاللّٰهُ جَعَلَ لِكُلِّمِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا وَّجَعَلَ لِكُلِّمِّنْ اَزْوَاجِكُمْ بَيْنَ وَاَحَدِكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ اَقْبَالَ بَاطِلٍ يُّؤْمِنُونَ وَيَنْعَمَتِ اللّٰهُ هُمْ تَكْفُرُونَ / آیه ۷۲ سوره نحل و خدا برای شما همسرانی از جنس خودتان قرار داد و از همسرانتان، فرزندان و نوادگانی پدید آورد و از نعمت‌های پاکیزه و دلپذیر به شما روزی داد، ابا این همه لطف و رحمت! آیا به باطل ایمان می‌آورند و نعمت‌های خدا را ناسپاسی می‌کنند؟!

۱۱. روی این بابویه عن الصادق علیه السلام: ستة تلحق المؤمن بعد وفاته: ولديستغفرله، ومصحف يخلفه، وغرس يفرسه، وصدقته ماء يجره، وقليب يحفره، وسنة يؤخذ بها من بعده.



این دنیا می‌رود اما عمل صالح او در این دنیا به دلیل اولاد صالح از بین نمی‌رود؛ اولاد صالح بعد از مرگ هم انسان را خوشحال می‌کند. در روایتی امام معصوم سه چیز را باقیات و صالحات معرفی می‌کند؛ سه چیز بعد از مرگ فرح ایجاد می‌کند.<sup>۱۲</sup> جالب است که در یکی از فقرات این روایت بیان می‌کند یکی از این سه چیز درختی است که کاشته می‌شود و دیگران از آن استفاده می‌کنند. حدود دو دهه این روایت ذهن بنده را درگیر کرده بود که چرا امام درخت را در کنار ورق و علمی که یک عالم به جای می‌گذارد - تعبیر روایت یک ورق است؛ یعنی یک نفر یک ورقه‌ی علم مفید به جای می‌گذارد و فردی آن را خوانده و نگاهش تغییر می‌کند - گذاشته‌اند؟ این روایت شریف درخت، ورقه‌ی علم و اولاد صالح را به عنوان باقیات صالحات معرفی می‌کند. اولاد صالح برای ما قابل درک بود. ورق علمی نیز قابل درک است؛ مثلاً الآن در ماه رمضان تلویزیون کیلپ‌های چند دقیقه‌ای را از برخی علمای محترمی که از میان ما رفته‌اند پخش می‌کند. این علما در دنیا نیستند اما حرفی که از آنها نقل می‌شود، باقیات و صالحات است. مثلاً امام خمینی عظیم‌الشان جمعه‌ی آخر ماه رمضان را یادگار جهانی خود قرار دادند.<sup>۱۳</sup> خب این موارد قابل درک است. اولاد صالح هم که باقیات و صالحات

امام صادق علیه السلام فرمودند: شش چیز است که بعد از وفات مؤمن به او ملحق می‌شود: ۱. فرزندی که برای او طلب استغفار می‌کند ۲. قرآنی که بعد از او بماند ۳. درختی که آن را کاشته باشد ۴. صدقه جاریه ۵. چاهی که حفر کرده است ۶. سنتی نیکی که مردم از آن استفاده کنند.

مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار الإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ج ۸۵، ص ۳۰۸

۱۲. در این جلسه می‌خواهم درباره تفریح صحبت کنم. می‌خواهم بگویم مفهوم تفریح را از مفهوم پارک و شهرسازی و غیره بیرون بیاورید، مفهوم تفریحی که اسلام تعریف می‌کند تا زندگی اخروی هم ادامه دارد. حالا معنا و ساختار آن را عرض خواهم کرد.

انتقال از متن

۱۳. پیام امام خمینی به مسلمانان جهان به مناسبت انتخاب آخرین جمعه ماه رمضان به عنوان روز قدس

بسم الله الرحمن الرحيم

من در طی سالیان دراز، خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم که اکنون این روزها به حملات وحشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است و بویژه در جنوب لبنان به قصد نابودی مبارزان فلسطینی پیاپی خانه و کاشانه ایشان را بمباران می‌کند. من از عموم مسلمانان جهان و دولت‌های اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن به هم بیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می‌تواند تعیین کننده‌ی سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد به عنوان روز قدس انتخاب و طی مراسمی همبستگی بین‌المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند. از خداوند متعال پیروزی مسلمانان را بر اهل کفر خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۶۷

خب از امام علیه السلام یک جمله به جا مانده و امام یک ساختار عبادتی طراحی کردند؛ حدود سی سال است که از دنیا رفته‌اند این عبادت بزرگ ایشان منتقل می‌شود. یکی از یادگارهای بزرگ امام روز قدس است. البته بنده تعجب می‌کنم که برخی حاضر هستند به یک نفر یادگار امام بگویند اما حاضر نیستند یادگارهایی که امام در گسترش اسلام به جای گذاشته را بحث کنند. البته بنده همیشه عرض کرده‌ام که احترام خانواده‌ی نسبی امام واجب است؛ چون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «اكرموا اولادی» اولاد مرا اکرام کنید، «الصالحین لله والپالحون لی» (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۷۶) ما باید به این روایت عمل نموده و صالحین اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به خاطر خداوند و طالحین از سادات را هم به خاطر خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم احترام کنیم. ما به خاطر خود امام، طالحین از اولاد ایشان را احترام می‌کنیم و در این کار هم هیچ شکی نداریم. نباید به اولاد امام خمینی عظیم‌الشان ملکوتی - که آیه خدا در دوره غیبت و در بین فقها بودند - بی احترامی کنیم، اتفاقاً معنای حرف بنده احترام به فرزندان امام علیه السلام است. اما [چرا یادگارهای دیگر امام] را بحث نمی‌کنیم. به عنوان مثال روز جهانی قدس یکی از یادگارهای بزرگ امام خمینی علیه السلام است، اینکه امام راجع به استکبار ستیزی و نفی سبیل نظام‌سازی و بحث کردند نیز یادگار امام است. حال سؤال این است که چرا مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی علیه السلام از این یادگارهای امام علیه السلام مواظبت نمی‌کند؟ به نظر بنده مثلاً وقتی مرحوم آیت الله نمر علیه السلام به شهادت رسید، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی علیه السلام باید اعلام می‌کرد که یادگارهای امام علیه السلام در حال به چالش کشیده شدن هستند. وقتی با آن حالت مظلومانه حسینیه حضرت علامه زکریا را تخریب کردند، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی علیه السلام باید اعتراض می‌کرد که چه اتفاقی در سیاست خارجی افتاده است که یادگارهای امام علیه السلام در حال به چالش کشیده شدن هستند! این مسأله مهمی است. نکته بحث بنده راجع به باقیات و صالحات صحبت بود و می‌خواستم بگویم که این موارد جز باقیات و صالحات امام علیه السلام هستند.

انتقال از متن



است و قابل درک می‌باشد. اخیراً با پدیده‌ی محیط زیستی که به وجود آمده است معلوم می‌شود که سیر آن توصیه‌ی پیامبر ﷺ هم به چه دلیل بود. در حال حاضر همه دستگاه‌های ما می‌خواهند تلاش کنند تا مسأله محیط زیست را حل کنند و هرچه هم تلاش می‌کنند با یک سازمان حل نمی‌شود. حفظ محیط زیست باید در درون سبک زندگی تعریف شود و لذا در آن روایت شریف کاشت درخت را در کنار علم و کنار اولاد صالح به عنوان باقیات و صالحات معرفی می‌کند. اگر ما آمدیم نگاه انسان‌ها را به شکلی تعریف کردیم که نگاه آنها به حفظ محیط زیست باقیات و صالحات بود در اینصورت همه به این مسأله ورود پیدا می‌کنند و مسأله حل می‌شود. البته اینطور نیست که این موضوع فقط در ایران حل نشده باشد - دوستان مستندات آن را منتشر خواهند کرد - بلکه هشتاد درصد محیط زیست کشور آمریکا تخریب شده است.<sup>۱۴</sup> نمی‌توانی آدم‌ها را به شکلی تربیت کرد که همه‌ی آنها ضد محیط زیست عمل کنند و بعد همه تخریب‌هایی که انجام می‌دهند را به یک دستگاه داد که مدیریت کند، امکان این کار به لحاظ عقلی وجود ندارد. لذا در روایت شریف مسأله‌ی حفظ محیط زیست را به معنای حفظ محیط طبیعت می‌داند و مظهر حفظ طبیعت نیز حفظ درخت است. این موارد دارای بحث‌های فنی‌ای است و بنده در حوزه کشاورزی اشاره‌ای کردم.<sup>۱۵</sup>

### ۳. ایجاد نکردن عقده‌های روحی و روانی برای افراد از طریق عدم سخت‌گیری در هفت‌سال اول زندگی، بهبود روابط انسانی فرد در هفت‌سال دوم زندگی؛ تعریف تفریح در راستای ارتقا توحید انسان‌ها

#### ۳/۱. تفریح؛ رأس هرم نیازهای خانوار به دلیل ایجاد شوق و انگیزه‌ی حرکت در افراد توسط تفریح

بنابراین مدل تأمین نیازها از طریق سبک زندگی موضوع بحث ما می‌باشد. در حقیقت هرم‌های چهارگانه، طریق ارتقا توحید هستند که مثال فرح آن را بیان کرده و وارد باب باقیات و صالحات شدیم، فرح و خوشحالی نباید حداقلی معنا شود. به نظر ما صدر هرم نیازهای خانوار نیازهای تفریحی است. چرا؟ به دلیل اینکه اگر قرار است انسان‌ها برای تأمین همه نیازهای خود حرکت کنند، به انگیزه و سکینه نیاز دارند. اگر شما هرم نیازهای تفریحی را اصل قرار ندهید، انگیزه‌ی انسان‌ها برای تحرک در جامعه به چالش کشیده خواهد شد و در این حالت درست است که سر کار می‌آید اما بهره‌وری او بسیار پایین خواهد بود و انسان‌های آن مجموعه با یکدیگر به خوبی تبادل ندارند. چرا تبادل ندارند؟ زیرا سر حال نبوده و دچار مشکلات جدی هستند. در اینصورت مجبور خواهید بود این مشکل را با تئوری‌های بهره‌وری حل کنید و از مهم‌ترین تئوری‌های بهره‌وری این است که کارفرما کارگرا را جمع می‌کند و مثلاً به آنها می‌گوید: اگر ما ۱۰ درصد سود به دست بیاوریم ۲ درصد آن را بین شما تقسیم می‌کنم؛ یعنی این کارفرما برای ایجاد بهره‌وری، کارگران خود را تحریک مادی می‌کند. اما ظرفیت تحریک مادی پایین است و تا همان حدی که تحریک می‌کنید

14. According to the World Resources Institute, more than 80 percent of the Earth's natural forests already have been destroyed.

مطابق با آمار مؤسسه منابع جهانی بیش از ۸۰ درصد از جنگل‌های طبیعی روی زمین در حال حاضر نابود شده است.

وسایت نشنال جئوگرافیک <http://www.nationalgeographic.com/eve/deforestation/effect.html>

۱۵. حضرت ﷺ بر روی درخت تأکید کردند؛ چون درخت - به قول رکیک - حافظ مجموعه‌ی اکوسیستم زیر و کنار خود است؛ یعنی به لحاظ علمی اگر بررسی کنید چتر حمایتی گیاهان درخت است. درخت می‌تواند خدمات دهد تا به اصطلاح محیط زیست اطراف آن بهتر باشد. اگر درختان از بین بروند بیابان‌زایی شروع خواهد شد. لذا حضرت از روی حکمت فرمود [درخت کاشته شود و] نفرمود گل بکارید. ایشان به سراغ مسأله‌ی اصلی حفظ محیط زیست که درخت است رفته‌اند. باب درخت هم در روایات بحث شده و فرموده‌اند درخت مثمر بکارید. (مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۶۰) درخت مثمر در محیط زیست بحثی است که بعدها در اسلام پایه تشبیه می‌باشد. مثلاً بیان می‌کنند که منافق، مانند درخت بدون ثمر است. (آیات ۲۴ تا ۲۷ سوره ابراهیم) یعنی پایه تفاهم است. این موارد را بعداً بحث خواهیم کرد.

انتقال از متن



در افراد تحرک ایجاد می‌شود و اگر قصد داشته باشید سطح بالاتری از تحرک را در محیط کار ایجاد کنید باید ایجاد تحرک بیشتری انجام دهید و گاهی اوقات نیز سود سرمایه‌دار با سود کارگران تعارض می‌کند و لذا تحرک مادی نیز متوقف می‌شود. بنابراین اگر ما نیازهای تفریحی را در سطح نیازهای خانوار جدی نگرشیم، همه بخش‌های جامعه به دلیل به چالش کشیده شدن انسان به چالش کشیده خواهند شد. نیازهای تفریحی باید انگیزه را در انسان‌ها ارتقا دهند. پس تفریح از نظر اسلام یعنی عاملی که انگیزه را در انسان ارتقا می‌دهد و شوق هم پایه حرکت در همه بخش‌هاست. حالا باید ببینیم که بر اساس این تعریف، تفریح را در یک محله چگونه تعریف می‌کنیم؟ باید تفریح را از معنای حداقلی خود خارج کنیم؛ شهرداری خیال می‌کند اگر یک پارک بسازد کار تمام است؛ اما نباید تفریح را حداقلی تعریف کنیم، تفریح باید حداکثری باشد؛ اصلاً تفریح به معنای عامل ایجاد شوق و انگیزه است.<sup>۱۶</sup>

حالا چه کاری انجام دهیم تا انسان‌ها فرح پیدا کرده و سرحال باشند؟ اولین توصیه‌ی اسلام این است که به فرزند اجازه دهید تا در هفت‌سال اول بازی کند؛ نباید بازی کردن فرزندان را در هفت‌سال اول متوقف کرد. اولین متغیر تفریح، رفتار پدر و مادر با فرزندان در هفت‌سال اول است نه وسایل بازی؛ تفاوتی ندارد وسایل بازی وجود داشته باشد یا نباشد، بلکه نکته مهم این است که پدر و مادر به هیچ بهانه‌ای فرزند خود را از بازی کردن منع نکنند. در این زمینه دو روایت «الْوَالِدُ لِلْوَالِدِ سَبْعَ سِنِينَ»<sup>۱۷</sup> و «الْوَالِدُ لِلْعَبِّ سَبْعَ سِنِينَ» وجود دارد و باید این دو را با یکدیگر جمع کنید؛ روایتی که می‌فرماید سَبْعَ سِنِينَ با روایتی که می‌فرماید يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ را - البته در روایت آمده است که «الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ»<sup>۱۸</sup>؛ تکیه‌ی بیشتر بر روی فرزندان ذکور و پسران است - جمع کنید. اگر آقایی فرزندان را در هفت‌سال اول به رسمیت شناختید، دیگر دچار عقده‌های کوری که تا آخر حیات با او همراه است نمی‌گردد. می‌دانید که به لحاظ روان‌شناسی چه چیزی عامل عقده می‌شود؟ میل شدید منع شده، موجب عقده می‌گردد. انسان‌ها میل دارند و این میل در حدی است که قرآن می‌فرماید: شَحَّ دَارُنْدُ؛ شَحَّ به معنای میل تمام‌نشدنی است، یعنی به همه چیز میل دارند. حالا انسانی تازه متولد شده و از طرفی میل شدیدی برای ارتباط با تمام محیط اطراف خود دارد و این میل شدید جزء فطرت اوست. از طرف دیگر یکی از چیزهایی که میل را کنترل می‌کند عقل و تشخیص درونی است که در هفت‌سال اول، عقل و قوه‌ی تمییز در او وجود ندارد. لذا میل شدیدی وجود دارد بدون اینکه قوه‌ی کنترل درونی وجود داشته باشد. از این رو وقتی پدر و مادر با بازی بچه‌ی خود مقابله می‌کنند، به دلیل اینکه در فرزند قدرت تجزیه و تحلیل وجود ندارد، فکر می‌کند در مقابل او مقاومت صورت گرفته است. اگر این امر دائمی شود در درون فرزند حالتی به وجود می‌آید که

**۳/۲. عدم ممانعت از بازی کردن کودک در هفت سال اول زندگی برای جلوگیری از عقده‌های کور در کودکان؛ اولین کار برای ایجاد فرح مطلوب در افراد**

۱۶. فعلاً این تعریف را به خاطر بسپارید تا بعداً عرض کنم که چرا پیامبر ﷺ فرمود: «سِيَاحَةُ أُمَّتِي الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (وسائل الشيعه، ج ۱۵، ص ۱۷) چون جهاد فی سبیل الله شوق را در همه زیاد می‌کند، فعلاً سطوح بالا را بحث نمی‌کنیم.

انتقال از متن

۱۷. وَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «الْوَالِدُ لِلْوَالِدِ سَبْعَ سِنِينَ وَالْوَالِدُ لِلْعَبِّ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ رَضِيَتَ خَلَاقَةَ لِإِخْدَى وَعَشْرِينَ وَالْأَقَابِرُ عَلَى جَنْبِهِ فَقَدْ أَعْدَرْتَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى» پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: فرزند هفت‌سال سرور و آقا است و هفت‌سال فرمان‌بردار است و هفت سال وزیر است.

مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار الإحياء التراث العربي: ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۹۵

۱۸. محمد بن یعقوب، عن أحمد بن محمد العاصمي، عن علي بن الحسن، عن علي بن أسباط، عن عمه يعقوب بن سالم، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: الغلام يلعب سبع سنين ويتعلم الكتاب سبع سنين ويتعلم الحلال والحرام سبع سنين.

امام صادق عليه السلام می‌فرماید: فرزند هفت سال بازی کند، هفت‌سال کتاب بخواند و هفت سال حلال و حرام یاد بگیرد.

حرّاملي، محمد بن حسن؛ وسائل الشيعه، قم، انتشارات الاحياء التراث، ج ۲۱، ص ۴۷۵

احساس می‌کند همواره در بیرون چیزی با او مقابله می‌کند؛ چون از طرفی نمی‌تواند امر و نهی‌های را تحلیل کند و از طرفی میل به ارتباط شدید دارد و لذا کنترل‌ها برای او منع محسوب می‌شوند و اگر کنترل‌ها تدوام پیدا کنند به منع شدید تبدیل شده و کودک از همان دوران کودکی به چالش درونی کشیده می‌شود. لذا ملاحظه کرده‌اید که وقتی برخی از بچه‌ها را از محیط خانه بیرون می‌برید کأن انفجار تحرک در آنها اتفاق افتاده است؛ چون پدر و مادر او را منع کرده‌اند و حالا محیطی یافته و به سرعت شروع به دویدن می‌کند و برخورد هایش کاملاً انفجاری است، این نتیجه رفتار پدر و مادر محترم این کودکان است. بنده دارم راجع به فرح و تفریح صحبت می‌کنم و به نظر من اولین بحثی که در مورد تفریح مطرح می‌شود این است که پدر و مادر اجازه ندهند بازی فرزندان در هفت‌سال اول به چالش کشیده شود.

**۳/۲/۱. منع کردن کودکان از بازی در مهد کودک‌ها به بهانه مواظبت از آنها؛ یکی از عوامل ضد فرح در شهرهای مدرن**

اما در شهر مدرن پدر و مادر حضور ندارند و خانمی که متصدی مهد کودک می‌باشد فقط به این استدلال که ممکن است آسیبی به امانت مردم برسد کودک را به صورت شدید کنترل می‌کند. لذا هرچقدر هم دیوار مهد کودک را زیبا نموده و رنگ‌آمیزی کنند - برخی از روانشناسان توصیه‌های حداقلی را به این افراد داده‌اند - بازهم مهد کودک محیط خوبی نیست. در روایتی از پیامبر ﷺ آمده است: بازی کردن با خاک برای کودکان مانند بهار برای بزرگسالان است.<sup>۲۰</sup> انسان‌ها در بهار چه حالتی پیدا می‌کنند؟ نسبت کودک با خاک بازی، اینگونه است.<sup>۲۱</sup> حالا مادرانی که اشتغال را انتخاب می‌کنند در واقع فرزند خود را به چالش می‌کشند؛ چون فقط مادر حواسش به این جزئیات است - تازه اگر نظام آموزشی این جزئیات را به او بگوید - و حاضر است راجع به این جزئیات سرمایه‌گذاری کند.

**۳/۲/۲. کوچک نشدن نسل بعدی ما انسان‌هایی خواهند بود که به لحاظ توانمندی‌های جسمی، روحی، فکری، عقلی و خلاقیت در سطح بسیار بالایی قرار دارند؛ چون انگیزه‌های بزرگی در آنها شکل گرفته است. برادران گرامی! داستان عصر ما، داستان عجیبی است؛ برخی از اوقات پدر و مادرها به گونه‌ای رفتار می‌کنند که استخر رفتن برای فرزند آنها تبدیل به آرزو می‌شود، چون برای او زمان صرف نمی‌کنند. تصور کنید که این نوع رفتار پدر و مادرها، فرزندان را چقدر کوچک می‌کند. در مقابل فرزندان را تصور**

لذا ان شاء الله وقتی خانواده‌ها احیاء شدند و خانواده به معنای اسلامی خود واقعاً جدی گرفته شد، نسل بعدی ما انسان‌هایی خواهند بود که به لحاظ توانمندی‌های جسمی، روحی، فکری، عقلی و خلاقیت در سطح بسیار بالایی قرار دارند؛ چون انگیزه‌های بزرگی در آنها شکل گرفته است. برادران گرامی! داستان عصر ما، داستان عجیبی است؛ برخی از اوقات پدر و مادرها به گونه‌ای رفتار می‌کنند که استخر رفتن برای فرزند آنها تبدیل به آرزو می‌شود، چون برای او زمان صرف نمی‌کنند. تصور کنید که این نوع رفتار پدر و مادرها، فرزندان را چقدر کوچک می‌کند. در مقابل فرزندان را تصور

۲۰. قال رسول الله ﷺ: إِنَّ التُّرَابَ رَبِيعُ الصَّبِيَانِ

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: خاک، بهار (تفریحگاه) کودکان است.

کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۵۸

۲۱. البته الآن آقایان می‌گویند: خاک بازی خلاف بهداشت است. ما باید بعداً برای این مسائل پایان‌نامه نوشته و مشخص کنیم که چه چیزی در خاک وجود دارد که چنین اثری [بر روی فرزند] می‌گذارد؟ اینها سرفصل‌های تحقیقاتی بعدی است. ولی به هر حال قسمت اول بحث بنده قابل تفاهم است. در روایت هست که وقتی حدیثی از ما را برای شما خواندند - به نظر امام باقر علیه السلام فرمودند، الآن مقداری تردید دارم - و معنای آن را نفهمیدید بگویید ما متوجه معنای این حدیث نمی‌شویم و نگویید این چه حدیثی است؛ چون اگر حدیث ما را انکار کنید شرک شما را فراگرفته است. (مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار الإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۱۸۹، ح ۲۱) برخی از احادیث لب می‌خواهند و انسان باید خیلی پخته باشد تا آنها را بفهمد، چون حکیم مطلق این حرف‌ها را زده است. حکیم مطلق دو ویژگی دارد؛ ۱. دقیقاً فطرت و نوع خلقت انسان را می‌شناسد ۲. دقیقاً توحید یعنی نقطه افق انسان را نیز می‌شناسد و در بین فطرت و توحید [و برای رسیدن به توحید] توصیه کرده است و اگر این توصیه‌ها نادیده گرفته شوند، حرکت انسان به چالش کشیده خواهد شد.

انتقال از متن





کنید که مثلاً در دوره کودکی خود بازی‌های متنوعی داشته‌اند، احتمالاً رشد آنها متفاوت خواهد بود.<sup>[۲۲]</sup>

کلاً نوع تفریحی که در اسلام وجود دارد تفریحی است که روابط انسانی در آن اصل است. اگر روابط انسانی به چالش کشیده شود، تفریح و سکینه انسان‌ها به چالش کشیده خواهد شد. لذا در هفت‌سال دوم توصیه شده است که فرزندان را آموزش دهید. چرا؟ چون وقتی انسان‌ها آموزش‌های مربوط به طول دوره زندگی خود را یاد نگرفتند، بعداً روابط زندگی آنها به چالش کشیده خواهد شد و زندگی برای آنها تلخ می‌گردد. بنده اخیراً که وارد محیط‌های توسعه‌یافته شده‌ام - اینها تجربیات خود بنده است و واقعاً برایم عجیب می‌باشد - گزاره‌ای که جامعه‌شناس غربی گفته مبنی بر اینکه انسان گرگ انسان است را کمی درک می‌کنم.<sup>۲۳</sup> در محیط‌هایی که پیشرفت اسلامی در آنها وجود دارد و محلات

**۳/۳. بهبود روابط انسانی افراد در هفت سال دوم و در نتیجه به چالش کشیدن انسان‌ها توسط فرد و ایجاد خوشحال و فرح در افراد از این طریق؛ فعالیت دوم مورد نیاز برای ایجاد فرح مطلوب در افراد**

۲۲. من هنوز هم وقتی سکنس‌های دوران کودکی خود را به یاد می‌آورم برایم آرامش‌بخش است؛ ما در محیطی زندگی می‌کردیم که رودخانه‌ی قابل توجهی در اطرافمان قرار داشت و بین رودخانه و منزل ما نیز جنگل کوچکی بود. این محیط تقریباً محیط اصلی بازی ما و هم‌سن‌وسالان ما بود؛ یعنی ما باید از این جنگل با تمام هیجانان و اتفاقات ریز و درشتش عبور می‌کردیم. احتمالاً من الآن دارم برای بچه‌های شهر رمان تعریف می‌کنم و آنها فکر می‌کنند که یک رمان بسیار جذاب را می‌خوانند در حالی که اینها داستان زندگی ما در شهرستان بود. پدر و مادر ما نیز پدر و مادری بودند که بر روی تربیت فرزندشان حساس بودند ولی ما را از بازی منع نمی‌کردند. در کنار رودخانه و جنگل نیز تپه‌ای با هیجانان خاص قرار داشت. من ۳ یا ۴ سال خاطره جدی از این محیط دارم؛ ما در رودخانه شنا می‌کردیم و ریفی داشتیم که می‌خواست ماهی‌گیری در رودخانه را به ما یاد دهد، ما می‌خواستیم از رودخانه ماهی زنده بگیریم. می‌دانید که اگر ماهی را محکم بگیرید پولک‌های او دست شما را پاره می‌کند، چون آب، محیط حرکت و زمین بازی ماهی است. وقتی شما بلد نباشید ماهی بگیرید دست شما مجروح می‌شود و ماهی نیز از دست شما فرار می‌کند. ما کلی آموزش می‌دیدیم تا بدانیم که وقتی به آب می‌رویم باید با ماهی بازی کرده و مدتی با او همراهی کنیم تا احساس نکند که قفلی جدی به حرکت او زده شده است و عکس‌العمل شدید نشان دهد. مثلاً شما باید ۳۰ ثانیه با ماهی حرکت می‌نمودید و سپس آن را از آب به بیرون پرت می‌کردید. حالا شما این نمونه را با بازی‌های امروزی مقایسه کنید. حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای ع فرمودند: خوب است بازی‌های قبلی - چه بازی‌هایی که برای پسران است و چه بازی‌هایی که برای دختران است - را احیا کنیم. شما این بازی را با بازی امروزی که بچه‌ها در گیم‌نت‌ها بازی می‌کنند مقایسه کنید، انصافاً نظام مقایسه کرده و ببینید چه کسی فرح بیشتری می‌برد؟ خود مسئله‌ی شنا تمام بدن انسان را درگیر می‌کند. واقعاً ما حتی از غذا خوردن در دوره کودکی لذت می‌بردیم و غذای ما نیز از غذاهای فعلی نبود که هزار نوع اسانس و سس بزنند تا آن را لذیذ کنند، در منطقه‌ی ما غذای اصلی آبگوشت و آش بود ولی به دلیل تحرک‌های جدی‌ای که داشتیم غذا نیز برای ما لذت‌بخش بود. اصلاً معنای فرح، معنایی متحولی و غیر از معنای فعلی بود. الآن بازی اصلی چیست؟ همین بازی‌ای که کارکرد امنیتی نیز پیدا کرده است و بازی‌ای برای فتح تهران می‌باشد. بنده الآن نام آن را یادم رفته است. بلک فیلد؟

آقای محمد قائمی: Battlefield 3

حجت‌الاسلام کشوری: Battlefield 3 که حالا آن را ممنوع کرده‌اند. فرد این بازی را انجام می‌دهد و در دوران کودکی به او یاد می‌دهند که تهران در حال سقوط است. این فرد بعداً چگونه جلوی دشمن می‌ایستد؟ ممکن است شما بگویید [تفریحی که بنده عرض می‌کنم] در شهرهای بزرگ غیر ممکن و یا بسیار سخت است که به نظر بنده: "نشدن" ندارد و می‌توان همین بازی‌ها را به صورت حداقلی احیا نموده و فرح ایجاد کرد ولی مشکل این است که پدر و مادرها وقت ندارند. می‌توان این کار را در جمعه‌ها انجام داد و آن را به صورت حداقلی شروع کرد. بنده از توضیح رمان زندگی خود خارج شده و باقی نکات جذاب آن را در جلسات بعد بیان می‌کنم. نکته‌ای که بنده عرض می‌کنم این است که اولین نکته‌ای که در فرح و ایجاد انگیزش در انسان مطرح است، مسئله بازی کردن در هفت‌سال اول زندگی است، این مسئله مهمی می‌باشد که باید به آن توجه کنیم.

*انتقال از متن*

۲۳. به اعتقاد هابز انسان به طور طبیعی موجودی خودخواه و خودپرست است. اعمال انسان از امیالی سرچشمه می‌گیرند که نیازمند کامیابی هستند. همه اعمال انسان بر اساس میل به غذا، مسکن، شهرت، ثروت و شهوت قابل تبیین هستند. هنگامی که انسان‌ها با یکدیگر زندگی می‌کنند ارضاء امیال آنها با هم تزامن پیدا می‌کند و بنابراین جنگ پیش می‌آید. زندگی میدان نبرد میان انسان‌هاست و کسی پیروز می‌شود که قوی‌تر باشد. اما انسان قوی نیز سرانجام در این نزاع شکست خواهد خورد. بنابراین زندگی انسان در حالت طبیعی، تنها، گوشه‌گیر، فقیر، پست، زشت، کوتاه و نفرت‌انگیز است. انسان گرگ انسان است و طبیعت او برای زندگی اجتماعی مناسب نیست. او نظریه مدنی بالطبع بودن انسان را نادرست می‌داند و معتقد است که انسان از روی اجبار به زندگی اجتماعی تن در می‌دهد.

در دیدگاه هابز انسان ابتدا به صورت طبیعی و در شرایط طبیعی قبل از تشکیل دولت و جامعه زندگی می‌نمود. وضعیت انسان در این حالت را «انسان فطری» می‌نامد که در وضع طبیعی به سر می‌برد و از طریق وسائل اولیه در جنگل و کوه بدون دستکاری در طبیعت معیشت خود را تنظیم می‌نمود. لکن این انسان فطری به انسان اجتماعی تبدیل شد، بدین صورت که با تغییر دادن و دستکاری نمودن طبیعت از وضع طبیعی به وضع اجتماعی درآمد و به زندگی ادامه داد. در این حالت آموزش و پرورش و حکومت شکل گرفت و انسان در شرایط بهتری زندگی نمود. تا این مرحله بحث از استدلال



در آنها احیا شده است ما با انسان‌ها چالش زیادی نداشتیم و به همین دلیل این گزاره برای من گزاره غیر قابل درکی نبود ولی حالا که مدتی است به بهانه مبارزه با توسعه در شهرهای توسعه یافته در حال رفت و آمد هستیم، واقعاً احساس می‌کنم که انسان مدرن، گرگ انسان است؛ یعنی دائم می‌خواهد منافع طرف مقابل خود را به چالش بکشد. آن بنده‌ی خدا هم که این گزاره را گفته و رفته - حالا نمی‌دانم عاقبت بخیر شده است یا نه - مرادش انسان‌هایی هستند که دائماً منافع انسان‌های دیگر را به چالش می‌کشند. حال اگر ما فقط روابط انسانی را مدیریت کنیم، خود انسان‌ها انسان‌های دیگر را به چالش نمی‌کشند. لذا در تعریف مسلمان - نه مؤمن - گفته شده است که دیگران از زبان و دست او در امان باشند؛ اول اسلام این است که با زبان و دست خود دیگری را به چالش نکشیده و زور نگوید.<sup>۲۴</sup> لذا هفت‌سال دوم، یکی از پایه‌های فرح است.

### ۳/۳/۱. انتقال مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام به فرزند؛ وظیفه اصلی پدر و مادر در هفت‌سال دوم زندگی

بنده می‌خواهم این موضوع را تبیین کنم که چرا تربیت بر روی همه چیز اثر می‌گذارد. الان اثر تربیت را بر روی تفریح بحث می‌کنیم؛ پدر باید در هفت‌سال دوم زمان صرف کرده و قواعد اسلام در مدیریت روابط انسانی را به فرزندان خود انتقال دهد. حالا اینکه چگونه باید انتقال بدهد را بعداً بحث می‌کنم، فقط به یک نکته اکتفا می‌کنم؛ اولین چیزی که پدر باید در فرزندان خود جا بیندازد این است که مرجعیت علمی قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام را در فرزند خود اثبات کند.<sup>۲۵</sup> چون انسان‌ها در طول زندگی خود با چالش‌هایی روبرو می‌شوند که نیاز به راه حل دارد و اگر مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام و قرآن در ذهن آنها جا افتاده باشد، موجب می‌گردد که فرزند در موقع مواجهه با چالش به سراغ گزاره‌های علمی [اهل بیت علیهم‌السلام] آمده و از آنها راه حل پیدا کند. می‌دانید که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان ما علیهم‌السلام فرمودند: پدر وظیفه دارد که به فرزند خود قرآن بیاموزد.<sup>۲۶</sup> در روایات دو چیز وظیفه پدر شمرده شده است و پدر باید این دو چیز را محقق کن؛ یکی انتقال ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام به فرزند است.<sup>۲۷</sup> یعنی به فرزند خود بگوید که امام فرزند امیرالمؤمنین علیه‌السلام است. وقتی این مسأله را

برخوردار است لکن از این مرحله به بعد نظریات وی حالت فرضی به خود می‌گیرد؛ زیرا هابز می‌گوید انسان فطری دارای مجموعه صفاتی است که وی را شرور، زیاده‌طلب، پلید، دروغگو و درنده می‌نماید. جمله معروف هابز «انسان گرگ انسان است» گویای همین ادعای اوست.

خشایب اردستانی، احمد؛ سیر تاریخی اندیشه‌های سیاسی در غرب، تهران: آوای نو، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۳۷ و ۳۸

۲۴. قال علی علیه‌السلام قالوا لمسلم من سلم المسلمون من لسانه ويديه إلا بالحق

امیرمؤمنان علیه‌السلام فرمودند: مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دست او در آسایش باشند مگر زمانی که حق باشد.

نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷

۲۵. قال أبو جعفر علیه‌السلام ع لسانه بن كهيل والحكم بن عتيبة شرفاً وعزاً فلا تجدان علماً صحيحاً إلا شئنا حتى ح من عندنا أهل البيت

امام صادق علیه‌السلام به سلمه بن كهيل و حکم بن عتیبه فرمودند: اگر به شرق و غرب عالم بروید علم صحیحی نمی‌یابید مگر اینکه از نزد ما اهل بیت خارج شده باشد.

کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۹۹، ح ۳

۲۶. قال علی علیه‌السلام: إن اللوالد علی الوالد حقاً وإن اللوالد علی الوالد حقاً فحق الوالد علی الوالد أن يطيعه في كل شيء إلا في معصية الله سبحانه وحق الوالد علی الوالد أن يحسن اسمه ويحسن آدبه ويعلمه القرآن

فرزند را بر پدر حقی و پدر را بر فرزند حقی است، حق پدر بر فرزند آنست که پدر را در هر چیز مگر در نافرمانی از خداوند سبحان اطاعت و پیروی نماید، و حق فرزند بر پدر آنست که نام فرزند را نیکو قرار دهد (بنام یکی از معصومین علیهم‌السلام) یا یکی از فرزندان و خاندان آنها نام نهد) و او را با ادب و آراسته بار آورد، و قرآن را به او بیاموزد.

ابن ابی الحدید، عبد الحمید؛ شرح نهج البلاغه، قم، انتشارات آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴، ق: ۱۹، ص ۳۶۵

۲۷. ... معاشرة الناس، إني أدعها إمامة ووراثة في عقبی إلى يوم القيامة، وقد بلغت ما أمرت بتبليغها من حجة على كل حاضر وغائب وعلى كل أحد ممن شهد أولي بشهد، ولد أو ولي يولد، فليبلغ الحاضر الغائب والوالد الولد إلى يوم القيامة...

جا انداخت، انسانی که علم خطاناپذیر دارد امام او می‌شود؛ توجه کنید که انسان‌ها بدون امام و الگو نخواهند بود و همه‌ی انسان‌ها الگو و امامی پیدا می‌کنند، پس بهتر است ما سرمایه‌گذاری کنیم تا فردی را امام فرزند خود قرار دهیم که علم خطاناپذیر دارد و سعی کنیم مرجعیت علمی او را جا بیندازیم.<sup>۲۸</sup>

اگر این کارها را انجام داده و قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام را در هفت‌سال دوم به عنوان مرجع فرزند خود قرار دهید، در واقع روابط انسانی او با انسان‌های دیگر را بازتعریف کرده‌اید. بنابراین آموزش‌های هفت‌سال دوم در فرح انسان‌ها تأثیر دارد. عمده‌ی آموزش‌هایی که قرآن و روایات دارند، آموزش‌های روابط انسان‌ها با همدیگر است. مثلاً در روایات آمده است که اگر کسی فقیر فقیری را برطرف کرد، این کار به اندازه چندده سال عبادتِ جدی برای او محسوب می‌شود؛<sup>۲۹</sup> یعنی ارتباط انسان‌ها با خدا از طریق ارتباط انسان‌ها با انسان‌ها، یک مسأله جدی است. شما این گزاره را شنیده‌اید که خداوند در روز قیامت حق‌الناس را نمی‌بخشد مگر اینکه صاحب حق از آن بگذرد.<sup>۳۰</sup> روابط انسان‌ها با یکدیگر، طریق تقرب است. روابط انسان‌ها با پدر و مادر، همسر، برادران و فامیل‌ها، حکام و ... جزء احکام جدی اسلام است ولی این مسائل یک‌شبه حل نمی‌شوند. به همین دلیل باید در هفت‌سال

**۳/۳/۲. بهبود روابط انسانی افراد بر مبنای گفتار اهل بیت علیهم‌السلام و در نتیجه به چالش کشیده نشدن انسان‌ها؛ نتیجه جا انداختن مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام**

... هان مردمان! اینک جانشینی خود را به عنوان امامت و وراثت به امانت به وی می‌گذارم در نسل خود تا برپایی روز رستاخیز. حال مأموریت تبلیغی خود را انجام می‌دهم تا برهان بر هر شاهد و غایب و بر آنان که زاده شده یا نشده‌اند و بر تمامی مردمان باشد. پس بایسته است این سخن را حاضران به غایبان و پدران به فرزندان تا برپایی رستاخیز برسانند ...

مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ج ۳۷، ص ۲۱۱

۲۸. لذا یکی از فقره‌های حدیث غدیر - که بنده مکرر آن را خوانده‌ایم - این است که پدران تا روز قیامت [ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام] را [به فرزندان خود بگویند؛ چون این امر، هم در پذیرش مسأله موضوعیت دارد و هم اگر پدری این کار را انجام دهد فرزند او در آینده بدون امام باقی نخواهد ماند. البته ممکن است برخی بگویند: روحانیت باید این مسأله را جا بیندازد اما روحانیت نسبت به فرزند شما رفیق کمتری دارد و هرچقدر هم انسان مهربانی باشد نمی‌تواند مهربانی خود را بین ۵۰۰ نوجوانی که به مسجد او می‌آیند تقسیم کند. بنابراین حتماً تأثیر حرفی که حاج آقای محل می‌گوید کمتر از حرفی است که پدر می‌گوید؛ چون پدر رفیق بیشتری به فرزند دارد ولی حاج آقای محل نسبت به فرزند رفیق کمتری دارد، پس پدر باید ورود پیدا کند. بنده وقتی در خانه خود با اولاد بحث می‌کنم این داستان‌ها را با جزئیاتش برای او تعریف می‌کنم. بالاخره یکی از کارها این است که پدر و مادر داستان تعریف کنند ولی شما به جای اینکه داستان کدو قلقله‌زن و اینجور چیزها را تعریف کنید داستان مهمانی عشیره‌الاقربین را به صورت جذاب و با جزئیات تعریف کنید. می‌دانید که نحوه‌ی پذیرایی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از مهمانان و فامیل‌ها جزء جزئیات این داستان است. جزئیات و داستان‌هایی که اتفاق افتاده را تعریف کنید. بنده توصیه می‌کنم داستان نویسان ما این موضوع را داستان کرده و در ده‌ی کودک و نوجوان منتشر کنند و پدران اینها را خوانده و با جزئیات تعریف کنند، داستان بسیار جذابی است.

انتقال از متن

۲۹. **بُنُّ إِتْرَاهِيرَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ أَيْمَنَ عَنِ ابْنِ بَنِي تَعْلَبَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام يَقُولُ مَنْ طَافَ بِالْبَيْتِ أَسْبُوعًا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ سِتَّةَ آلَافٍ حَسَنَةً وَمِثْلَهُ سِتَّةَ آلَافٍ سَيِّئَةً وَرَفَعَهُ لِسِتَّةِ آلَافٍ دَرَجَةً قَالَ وَزَادَ فِيهِ إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ وَقَضَى لَهُ سِتَّةَ آلَافٍ حَسَنَةً وَالْآفِ حَاجَةٌ قَالَ ثُمَّ قَالَ وَقَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ طَوَافِ وَ طَوَافٍ حَتَّى عَدَّ عَشْرًا.**

از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که فرمودند: هرکس خانه خدا را طواف کند، خداوند عزوجل شش هزار حسنه برای او می‌نویسد و شش هزار گناه از او می‌آمرزد و شش هزار درجه به وی عطا می‌فرماید و شش هزار حاجت از او برآورده می‌سازد. سپس فرمودند: «گره‌گشایی از کار یک مؤمن، ده برابر این طواف فضیلت دارد!»

کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۱۹۴

۳۰. **الإمام علی علیه‌السلام: أَلَا وَإِنَّ الظُّلْمَ ثَلَاثَةٌ: فَظُّلْمٌ لَا يُعْفَرُ، وَظُّلْمٌ لَا يُتْرَكُ، وَظُّلْمٌ مَغْفُورٌ لَا يُطْلَبُ، فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُعْفَرُ فَالظُّلْمُ بِاللَّهِ... وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يُعْفَرُ فَظُّلْمُ الْعَبْدِ نَفْسَهُ عِنْدَ بَعْضِ الْهَنَاتِ، وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُتْرَكُ فَظُّلْمُ الْعِبَادِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا.**

امام علی علیه‌السلام فرمودند: بدانید که ظلم بر سه گونه است: ظلمی که هرگز بخشیده نمی‌شود، ظلمی که بازخواست می‌شود و ظلمی که بخشوده می‌شود و بازخواست نمی‌گردد. اما ظلمی که هرگز بخشیده نمی‌شود، شرک ورزیدن به خداست ... اما ظلمی که بخشوده می‌شود ستمی است که بنده با ارتکاب بعضی گناهان کوچک به خود روا می‌دارد و اما ظلمی که بازخواست خواهد شد ستم بندگان به یکدیگر است.

نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶

دوم مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام را جا بیندازید تا وقتی گفته می‌شود "قال الصادق علیه السلام" فرزند شما توجه ویژه‌ای کرده و با خود بگوید: این سخن، حکمت است و من نباید آن را از دست داده و به چالش کشیده شوم. حالت طبیعی چنین انسان‌هایی اینگونه است.

در مشهد حاج آقایی برای من تعریف می‌کرد و می‌گفت: برخی از خانواده‌های مشهدی فرزندان خود را به گونه‌ای تربیت کرده‌اند که وقتی پای منبر حاج آقایی می‌نشینند - بچه هفت، هشت یا ده‌ساله - پس از منبر به حاج آقا می‌گویند: چرا حدیث کم خواندید! اصلاً عشق این بچه‌ها این است که وقتی پای منبر می‌روند حدیث اهل بیت علیهم السلام را بشنوند. این کار، کار پدر و مادر این فرزندان است و با این کار فرزند خود را بیمه کرده‌اند. اگر به معارف قرآن شریف و اهل بیت علیهم السلام توجه کنید، متوجه می‌شوید که ریشه‌ی فرح و خوشی در روابط انسان‌ها با یکدیگر نهفته است.

آخر این چه توصیه‌هایی است که روانشناسان می‌کنند و در دنیا مطرح است؟! انسان‌ها به دلیل اینکه ملاحظه‌ی یکدیگر را نمی‌کنند گرگ یکدیگر می‌شوند و بدترین تأثیرات روحی را بر همدیگر می‌گذارند و وقتی بدترین تأثیر را داشتند حالا می‌گویند: این فرد را پارک یا شهر بازی ببریم و حال او را خوب کنیم، این توصیه‌های مدرن است. لذا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: اگر کسی به شما سلام نکرد با او صحبت نکنید تا اینکه سلام کند،<sup>۳۱</sup> این مسأله بسیار حساس می‌باشد. پس از سلام نیز جواب سلام واجب است؛ دلیل این تأکید این است که می‌خواهد ابتدای برخوردها را با سلامت مدیریت کند. وقتی در ابتدای بحث به طرف مقابل سلام می‌کنید یعنی من با تو دعوا ندارم، سلام خدا بر تو باد، سلامت بر تو باد ای رفیق من، ای شفیق من. ولی حالا رسم شده است که می‌گویند: روزبخیر! زیرا متوجه حکمت‌های اسلام نیستند. البته تقصیر ما طلبه‌ها نیز می‌باشد. می‌فرماید: عَلَیْكُمْ بِإِفْشَاءِ السَّلَامِ.<sup>۳۲</sup> روحانیون معمولاً این مسأله را رعایت می‌کنند و وقتی وارد جمعی می‌شوند بلند می‌گویند: سلام علیکم و رحمه الله و برکاته. وقتی اینگونه سلام می‌کنند حال شما در برخورد اول خوب می‌شود. لذا فرمود: وقتی به شما سلام کردند شما عبارتی بر روی آن اضافه کنید. غرض این است که بگویم روابط انسانی، منشأ فرح است.

یکی از دلایل اینکه بیان شده "مدارا نیمی از عقل است"<sup>۳۳</sup> همین امر می‌باشد؛ نباید در برخورد اول با کسی که خطا کرده او را اذیت کنید. می‌دانید که خطا کرده است اما مدارا کنید و اجازه دهید تا خطای خود را جبران کند؛ چون اگر مدارا نکردید و به سمت نزاع حرکت نمودید انگیزه‌ی طرف مقابل را به صورت کامل از بین می‌رود و وقتی انگیزه از بین رفت، دیگر حرکت نکرده و فرح او به

۳۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: مَنْ بَدَأَ بِالْكَلامِ قَبْلَ السَّلَامِ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّلَامَةِ وَقَالَ: إِيَّاهُ وَالسَّلَامَةَ قَبْلَ الْكَلامِ فَهَرَفَهُ بَدَأَ بِالْكَلامِ قَبْلَ السَّلَامَةِ فَلَا يُجِيبُوهُ.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر کس قبل از سلام، شروع به سخن کرد، پاسخ او را ندهید.

کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تهران، انتشارات دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۴۴، ح ۲

۳۲. علی بن محمد القاسانی، عمن حدیثه، عن عبد الله بن القاسم الجعفری عن أبي عبد الله، عن أبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: خيركم من أطعم الطعام وأثقى السلام، وصلی والناس نيام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: بهترین شما کسی است که اطعام غذا بکند، سلام را افشاء کرده و بلند بگوید و نماز بخواند زمانی که مردم خواب هستند.

مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار الإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۳۶۰

۳۳. عن الصادق، عن أبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله أعقل الناس أشدهم مداراة للناس

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: عاقل‌ترین افراد کسی است که با مردم بیشتر مدارا می‌کند.

مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار الإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۵۳

هم می‌خورد. حالا من نمی‌خواهم آثار فرح تمام توصیه‌های اسلام را بگویم، فقط یک جمله عرض می‌کنم: شهر اسلامی باید بتواند تفریح مردم را فربه تعریف کند و تفریح نیز از بهینه‌ی روابط انسانی به دست می‌آید. بنابراین روابط انسانی اصل در تعریف [تفریح] است.

برخی از ورزش‌ها مانند اسب‌دوانی نیز جزء تفریح به حساب می‌آیند؛ پیامبر ﷺ شخصاً در مسابقات اسب‌دوانی شرکت می‌کردند.<sup>۳۵</sup> شنا و تیراندازی نیز جزو ورزش‌هایی هستند که تفریح هستند.<sup>۳۶</sup> البته امروزه فقط حرفی از این سه ورزش وجود دارد.

**۳/۴. اسب‌دوانی، تیراندازی و شنا؛ سه ورزش ایجادکننده فرح در انسان**

این سه ورزش چه مزیتی دارند؟ در خود این ورزش‌ها رقابت جدی وجود دارد و اسلام حتی منع شرط‌بندی را نیز از تیراندازی و اسب‌دوانی برداشته است، یعنی انگیزه‌های مالی را نیز مشارکت داده است؛ چون این ورزش‌ها توان بدنی و جسمی انسان را زیاد می‌کنند. اسلام حرص انسان را ضرب در این ورزش‌ها کرده تا انسان‌های جامعه را قوی کند. این دو ورزش جزء مستثنای قمار هستند؛<sup>۳۸</sup> اصل قمار تحریک حرص می‌کند و اسلام این تحریک حرص را در تفریح ضرب کرده است، یعنی اگرچه برخی از انسان‌ها با انگیزه دنیایی سراغ این ورزش‌ها می‌آیند ولی آنها را بیاورید تا فرح جامعه را تأمین کنید. این حکم اسلام ذوابعد است. این نوع از تفریح که اسلام تعریف کرده - خصوصاً مسأله شنا و اسب‌دوانی - جسم انسان‌ها را به شدت قوی می‌کند. بنده ورزش شنا - که امروزه بیشتر رواج دارد - را عرض می‌کنم؛ این ورزش تمام بدن انسان از ظاهر تا باطن را درگیر می‌کند و

**۳۵.** البته پیغمبر ﷺ غیر از اینکه اسبی برای جنگ و کارهای دیگر داشتند، قاطری نیز داشتند که با آن در مسابقات شرکت می‌کردند. این داستان‌ها رمان‌های جالبی هستند. اگر کسی توانایی داشته باشد این صحنه‌ها را تصویرسازی کند از آنها انیمیشن‌های جالبی درست می‌شود. مثلاً فردی مجموعه‌ی مسابقات اسب‌دوانی که پیامبر ﷺ در آنها شرکت کردند و داستان‌های عجیبی که در این مسابقات رخ داده را به انیمیشن تبدیل کند. به عنوان مثال وقتی در یک مسابقه شخصی از پیامبر ﷺ جلو می‌زند و مسابقه را برنده می‌شود می‌توان رفتار پیامبر ﷺ در مقابل این فرد را صحنه‌سازی کرد یا جایزه‌هایی که پیامبر ﷺ برای این مسابقات تهیه می‌کردند را به تصویر کشید.

*انتقال از متن*

وعن علی بن ابراهیم، عن أبيه، عن محمد بن يحيى، عن طلحة بن زيد، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أغار المشركون على سرح المدينة فنأدى فيهما مناد: يا سوء صباحا، فسمعهم رسول الله صلى الله عليه وآله في الجبل فركب فرسه في طلب العدو، وكان أول أصحابه لحقه أبو قتادة على فرس له، وكان تحت رسول الله صلى الله عليه وآله سرح دفناه ليف ليس فيه أثر ولا بطر فطلب العدو فلم يلقوا أحداً وتابعت الخيل فقال أبو قتادة يا رسول الله إن العدو قد انصرف، فإن رأيت أن نستبق فقال: نعم فاستبقوا فخرج رسول الله صلى الله عليه وآله سابقاً عليهم، ثم أقبل عليهم فقال: أنا ابن العواتك من قريش أنهلوا الجواد البحر يعني فرسه.

امام صادق عليه السلام فرمودند: در عصر رسالت، مشرکین به پشت مدینه هجوم آوردند، شخصی در مدینه صیحه کشید و تقاضای کمک کرد. رسول الله صلى الله عليه وآله صدای وی را شنیدند و سوار اسب شده، به دنبال دشمن تاختند و از اصحاب، اولین کسی که به پیامبر صلى الله عليه وآله رسید، ابوقتاده بود، که سوار اسب خود شده بود، رسول الله صلى الله عليه وآله اسبی داشت که زینش از لیف خرما بود نه زین کامل و مجهز، پس به جستجوی دشمن پرداختند، کسی را ندیدند و اسب‌ها بدنبال یکدیگر، ردیف شدند، در این لحظه ابوقتاده گفت: یا رسول الله دشمن منصرف شده و برگشته، اگر صلاح بدانی مسابقه دهیم، پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: اشکالی ندارد و مسابقه اسب‌دوانی گذاشتند و رسول الله صلى الله عليه وآله بر آنان سبقت گرفت و سپس بسوی آنها بازگشت و فرمود: من فرزند عواتک از قریش هستم و اسب من، اسب نجیب و هوشیاری است.

*شیخ حرّعاملی؛ وسائل الشیعة، تهران، انتشارات اسلامیة، ج ۱۳، ص ۳۴۶، ح ۲*

**۳۶.** عن رسول الله صلى الله عليه وآله: أَحَبُّ اللّٰهُوَ إِلَى اللّٰهِ تَعَالَى إِجْرَاءُ الْخَيْلِ وَالرَّيِّ.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: دوست داشتنی‌ترین تفریح نزد خداوند متعال، اسب سواری و تیراندازی است.

*پاینده، ابوالقاسم؛ نهج الفصاحة، نشر دنیای دانش، ص ۱۶۹، ح ۱۳*

**۳۸.** فان رسول الله صلى الله عليه وآله قد أجرى الخيل وسابق وكان يقول: إن الملائكة يحضرون الرهان في الخف والحافر والريش، وما سوى ذلك قمار حرام از امام صادق عليه السلام نقل شده است که همانا پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله تیراندازی می‌کردند و مسابقه می‌دادند و می‌فرمودند: همانا ملائکه هنگام شرط‌بندی در شتردوانی، اسب‌دوانی و تیراندازی حاضر می‌شوند و غیر از این سه مسابقه، قمار و حرام است.

*شیخ حرّعاملی؛ وسائل الشیعة، تهران، انتشارات اسلامیة، ج ۱۸، ص ۳۰۵*



به اندازه حرف‌زدن هم نباید انسان مقابل خود را به چالش کشید<sup>۴۲</sup>. پیامبر ﷺ به غذای کسی نگاه نمی‌کردند.<sup>۴۳</sup> الله اکبر! عجب انسان با مراعاتی بوده است. «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»<sup>۴۴</sup> یعنی همین. وقتی انسان نگاه به غذای کسی می‌کند شخص به حیا می‌افتد و با خود می‌گوید من مقداری از غذای خود را به او بدهم. انسان‌ها باید موقع غذاخوردن راحت باشند و اگر به غذاخوردن کسی نگاه کنید حالت طبیعی خود را از دست داده و خجالت می‌کشد. پیغمبر ﷺ در همین حد نیز طرف مقابل خود را به چالش نمی‌کشیدند. کجا می‌شود الگویی بهتر از این پیدا کرد؟ وقتی شما طرف مقابل خود را به هیچ وجه من الوجوه به چالش نکشیدید، شخص از آمدن نزد شما خوشحال شده و آرامش و آسایش پیدا می‌کند.

بنده عرض خود را جمع‌بندی کنم؛ بنابراین در هرم نیازهای خانوار اولین نیازی که باید برطرف شود، هرم نیازهای تفریحی است ولی تفریح را نباید حداقلی تعریف کنیم، اسلام به دنبال این است که انسان‌ها عمیق و جدی خوشحال شوند نه روبنایی و سطحی؛ مثلاً لبخند تلخی روی لب‌های شخص دیده می‌شود ولی حس می‌کنید که در درون شخص غوغایی وجود دارد. اگر با او صحبت کنید، متوجه می‌شوید که در روابط انسانی به هم ریخته است. برخی قصد دارند ادخال سرور<sup>۴۵</sup> را به گفتن جُک معنی کنند و متأسفانه به دلیل اینکه این مباحث در جامعه مطرح نمی‌شود این اتفاقات رخ می‌دهد. افراد می‌گویند: حضرت ﷺ فرمودند: ادخال سرور فی قلوب المؤمنین بسیار ثواب دارد. بنده هم می‌دانم خیلی ثواب دارد ولی مطایبه<sup>۴۶</sup> در انتهای صف عواملی که جزء ادخال سرور محسوب می‌شوند قرار دارد که البته اصل در مطایبات نیز کلمات حکمیانه است. در روایت داریم

**۳/۳/۲/۲. کمک به فقرا و رسیدگی به نیازمندان؛ از دیگر موارد بهبود روابط انسانی و ایجاد فرح برای کمک‌کننده و کمک شونده در اثر این بهبود رابطه انسانی**

۴۲. محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن القاسم بن یحیی، عن جده الحسن بن راشد، عن محمد بن مسافر، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام: اذكروا الله عز وجل على الطعام ولا تلغوا فإنه نعمة من نعم الله ورزق من رزقه يجب عليكم فيه شكره وذكره وحده.  
امام علی ﷺ فرمودند: هنگام غذا خدا را یاد کنید و سخن بیهوده نگویید؛ چرا که غذا نعمتی از نعمت‌های خدا و رزقی از رزق‌های اوست و واجب است بر شما که شکر، ذکر و حمد خدا را بکنید.

کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸ ه. ق، ج ۶، ص ۲۹۶، ح ۲۳

۴۳. یا علی: اتتنا عشرة حصصه یسبغی للرجل المسلم أن يتعلمها على المائدة: أربع منها قريضة، وأربع منها سنة، وأربع منها أدب. فأما القريضة فالمعرفة بما تأكل، والتسمية والشكر والرضا. وأما السنة فالجوس على الرجل اليسرى، والأكل بثلاث أصابع، وأن يأكل مما يليه، ومض الأصابع. وأما الأدب فقصير القمة، والمضغ الشديد، وقلة النظر في وجوه الناس، وغسل اليدين.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در وصیتش به امیرالمؤمنین علی ﷺ فرمود: یا علی، دوازده خصلت است که سزاوار است هر مسلمان در رابطه با سفره غذا بداند؛ چهار خصلت آن واجب، چهار خصلت مستحب و چهار خصلت دیگر ادب سفره است. واجبات سفره آن است که چیزی را که می‌خورد بشناسد (حلال است یا حرام)، شروع کردن با بسم الله الرحمن الرحیم؛ شکرگذاری کردن و راضی بودن. مستحبات آن است که بر ران چپ بنشیند؛ با سه انگشت غذا بخورد، از مقابل خود بخورد؛ و انگشتان خود را بلیسد. ادب سفره لقمه کوچک برداشتن و خوب جویدن غذا و کم نگاه کردن به چهره دیگران و شستن دو دست پس از غذا است.

شیخ حرّعاملی؛ وسائل الشیعة، تهران، انتشارات اسلامی، ج ۱۶، ص ۵۳۹ و ۵۴۰

۴۴. وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ / آیه ۴ سوره القلم

و یقیناً تو بر بلندای سجایای اخلاقی عظیمی قرار داری.

۴۵. عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ يُكْتَبُ أَبُو مُحَمَّدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ: تَبَسُّمُ الرَّجُلِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ حَسَنَةٌ وَصِرْفُ الْقَدَى عَنْهُ حَسَنَةٌ وَمَا عِبَادُ اللَّهِ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ إِدْخَالِ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ.

امام باقر ﷺ فرمودند: تبسم شخص بر چهره برادرش نیکی است و زدودن غمی از او هم نیکی است. خداوند به چیزی که نزدش محبوب‌تر از شادمان ساختن مسلمان باشد پرستیده نشده است.

کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تهران، انتشارات دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۲، ص ۱۸۸

۴۶. شوخی و مزاح کردن، خوش طبعی کردن

ادخال سرور این است که اگر شخصی فقیر است شما فقر او را از بین ببرید.<sup>۴۷</sup> مثلاً شخص فقیری قصد دارد برای دختر خود جهیزیه تهیه کند و شما به او کمک می‌کنید آن هم با روشی که اسلام گفته؛ یعنی حتی اجازه نمی‌دهید شما را بشناسد تا عزت او به چالش کشیده نشود. با این کار آن شخص چقدر خوشحال شده و در او فرح ایجاد می‌شود؟ به تنقیح مناط<sup>۴۸</sup> استنباط شده‌ی بنده توجه کنید: ۱. تفریح، رأس هرم نیازهای خانوار است؛ زیرا تفریح، شوق و انگیزه ایجاد می‌کند. ۲. عامل تفریح بهینه روابط انسانی است؛ یعنی اگر شما بتوانید به شخصی یاد دهید که روابط انسانی خود را مدیریت کند، او جزء خوشحال‌ترین انسان‌ها می‌شود؛ زیرا طرف مقابل خود را به چالش نمی‌کشد. اگر شخصی را به چالش کشیدید، او نیز بعدها شما را به چالش خواهد کشید. ۳. ملاک اصلی در بهینه روابط انسانی، سن تربیت است. هفت سال نخست به فرزند خود سخت نگیرید و بگذارید راحت باشد تا در او عقده ایجاد نشود. در هفت سال دوم به او ادب آموخته و آداب زندگی را بگویید تا روابط انسانی را به چالش نکشد. البته بحث تفریح در هفت سال سوم و خانواده نیز موجود می‌باشد و مسائل مختلفی وجود دارد، قصد بنده این بود که تنها فتح باب کنم.

حالا شما در محله‌ها جست‌وجو کنید و ببینید که آیا ملاکی که بنده عرض کردم وجود دارد یا خیر؟ محله نیازهای مادی - نیازهای چهارگانه - را در محل زندگی تأمین می‌کند و وقتی پدر و مادر برای فرزند خود زمان گذاشتند نیاز تفریح آنها بهینه و به صورت بنیادین تأمین می‌گردد.

ان شاء الله فردا بحث می‌کنم که شغل را چگونه مدیریت کنیم تا مسیر ارتقا توحید باشد، تحصیل را چگونه مدیریت کنیم تا مسیری برای رشد انسان‌ها باشد و در نهایت نیازهای روزمره را چگونه تأمین کنیم تا مسیر ارتقاء توحید و اسلام باشد. منتهی چرا بنده از تفریح شروع کردم؟ چون اگر تفریح نباشد نمی‌توانید در انسان‌ها بعث ایجاد کنید، باید بتوانید تفریح را به طرف مقابل انتقال دهید تا حرکت کند. اگر رفق را مبنا قرار ندادیم، ارتباطات اجتماعی به چالش کشیده می‌شود و در انسان‌ها تحرک ایجاد نمی‌گردد. البته امروزه مسئولین چند پارک و شهرسازی نیز تهیه کردند و این موارد هم در حال حاضر مصادیق تفریح می‌باشند. بعدها باید این مطالب را نظام مقایسه<sup>۴۹</sup> کنیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم المصطفی محمد ﷺ

۴۷. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ أَحَبَّ الْأَعْمَالَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِذْ خَالَ السُّرُورَ عَلَى الْمُؤْمِنِ إِشْبَاعُ جَوْعَتِهِ أَوْ تَتْفِيسُ كُرْبَتِهِ أَوْ فَصَاءُ دَيْتِهِ.

امام صادق عليه السلام فرمودند: از محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند ادخال سرور در قلوب مؤمنین است که با سه کار به دست می‌آید: رفع گرسنگی او، غم‌زدایی از چهره مؤمن و ادای بدهی او.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، انتشارات دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۱۹۲

۴۸. «تنقیح مناط» در اصطلاح فقها یکی از شیوه‌های استنباط حکم است که در آن با اجتهاد و نظر، علت حکم از اوصاف غیردخیل که در نص آمده، تمییز داده می‌شود تا بتوان حکم را به تمام مواردی که علت در آنها وجود دارد، تعمیم داد.

۴۹. نظام مقایسه فرآیندی پردازشی است که رسالت اصلی آن حفظ موازنه به نفع دستگاه ایمان می‌باشد و چون مهمترین عرصه حفظ موازنه، در حوزه فکر است، پس نظام مقایسه ابزار جلوگیری از تأثیرگذاری فکری دستگاه کفر و نفاق می‌باشد. البته اصطلاح نظام مقایسه دارای مناسک و مراحل و دارای درجات و مراتبی است.

رک: فصل دوم از سلسله جلسات تنظیم برنامه نظام مقایسه برای پیشنهاد به برنامه ششم کشور



## پرسش و پاسخ

### ۱. ایجاد کارآمدی توسط مدیریت شهری در یک یا چند محله؛ عامل جذب افراد غیر مؤمن به سمت مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی و تعمیم این نوع از مدیریت شهری

آقای علیرضا علیزاده: بسم الله الرحمن الرحيم. حاج آقا! در اینکه شیوه فراهم کردن نیازها در ایمان و افزایش قرب الهی مؤثر است اصلاً شکی نیست؛ مثلاً الآن که شیوهی تأمین نیازها، کاملاً غیر اسلامی است موجب ضعف ایمان و قرب الهی شده است. اما در مورد کسانی که اصلاً اعتقادی به توحید نداشته و اعتقادات الهی ندارند چه می‌فرمایید؟ ممکن است شیوهی تأمین نیازهای آنها به تبع جامعه اسلامی شود ولی هیچ اعتقاد و هیچ عقیده‌ای راجع به اصول الهی ندارند.

حجت‌الاسلام کشوری: ببینید! فرض سؤال شما بر این است که ما می‌خواهیم با آدم‌ها صحبت کنیم در حالی که در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ارتباط ما با انسان‌ها نیست بلکه می‌خواهیم نظامات اجتماعی را بازتعریف کنیم منتهمی بر اساس فکر اسلامی؛ یعنی شما دارید شهر می‌سازید و مدیریت می‌کنید و با انسان‌ها صحبت نمی‌کنید، بنابراین این چالش به وجود نمی‌آید.

حالا شما بر اساس فکر اسلامی و با کمک طایفه‌ای از مؤمنین مدل تفریحی‌ای را در محله می‌سازید و کارآمدی‌های بیشتر این تفریح در انسان‌ها، افراد غیر مؤمن را نیز به فکر فرو می‌برد. بنده یک مثال بزنم؛ در یکی از کشورهای اطراف ما تحقیقی در زمینه پزشکی انجام شد که در آن بحث سکنه را بررسی کردند.<sup>۵۰</sup> این تحقیق که بنده عرض می‌کنم زیر مجموعه‌ی مفهوم سلامت معنوی است که اخیراً دنیایی پزشکی به آن توجه کرده است.<sup>۵۱</sup> دنیا خودش به این نتیجه رسیده است که سلامت از پایگاه فیزیولوژی<sup>۵۲</sup> تأمین نمی‌شود و به همین دلیل مفهومی به نام سلامت معنوی را مطرح کرده است و تحقیقی که بنده عرض می‌کنم زیرمجموعه سلامت معنوی است. در این تحقیق وقتی بیماران را برای درمان به بیمارستان آوردند برای مسیحی‌ها - کسانی که متدین محسوب می‌شوند، کسانی که هر هفت‌سال یک‌بار، یا هر ماه یک‌مرتبه یا در هفته یک‌روز به کلیسا می‌روند - و مسلمان‌ها - کسانی که نماز و روزه می‌گیرند یا نمی‌گیرند - شناسنامه‌ای درست کردند. نتیجه این بود که بیش از ۵۰ درصد افراد اهل عبادت به سکنه مبتلا نشده بودند. ما باید چنین آثاری را برای مردم او غیر معتقدین به اصول الهی [بحث کنیم. در میان مسیحی‌ها و مسلمان‌ها، مسیحی‌ها بیشتر مبتلا شده بودند و در مسلمانان کسانی که نماز و روزه می‌گرفتند نسبت به کسانی که نماز و روزه نمی‌گرفتند کمتر مبتلا شده بودند. ممکن است شما تحقیق کرده و در تحلیل خود بگویید: عامل اصلی سکنه، فشارهای عصبی است و کم‌ترین اثر ارتباط با خدا، آرامش روحی است و به همین دلیل سکنه کمتر می‌شود؛ اما به نظر بنده این مطلب در مدیریت محله‌ای حس شده و به قول شما به شهود تبدیل می‌شود و نیازی به این کارهای تحقیقاتی وجود ندارد. پس بنابراین تفاهم با کسانی که ایمان نمی‌آوردند از پایگاه کارآمدی اتفاق می‌افتد و حداقل قضیه است که با آنها جدال احسن می‌کنیم و می‌گوییم: این کارآمدی ایجاد شده است، شما با چه چیزی مخالفت می‌کنید؟! حتی اگر بخواهد مخالفت کند نمی‌تواند. درست مانند همین حالا که مخالفان جمهوری اسلامی می‌خواهند بگویند حکومت

۵۰. برای مطالعه این تحقیق به آدرس زیر مراجعه کنید: [http://www.rrh.org.au/publishedarticles/article\\_print\\_505.pdf](http://www.rrh.org.au/publishedarticles/article_print_505.pdf)

۵۲. سازمان بهداشتی در تقسیم‌بندی بیماری‌ها در ICD-10 بعد روحی را اضافه کرده است. به عبارت دیگر همانگونه که ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی به هم ارتباط دارند و در هم تأثیر می‌گذارند، ابعاد روحی انسان و سلامت معنوی او با سایر ابعاد سلامت در ارتباط و تأثیرگذار است که بر ارتقای سلامت بهتر به آن توجه شود. [۱] همچنین بعضی دانشمندان اظهار کرده‌اند که پیشرفت‌های عمده در قرن کنونی از طریق تکنولوژی عاید نمی‌شود بلکه منوط به شناخت عمیق انسان و جنبه‌های روحی اوست. اگر کانون توجه علمی در قرن بیستم میلادی به محیط خارج بوده است در قرن بیست و یکم توجه علمی به درون انسان معطوف خواهد بود. به عبارت دیگر وارد زمانی می‌شویم که اکتشافات مهم نه در محیطی خواهد بود که ما را احاطه کرده است بلکه در دنیای درون ما خواهد بود. [۲]

[۱]. سازمان بهداشت جهانی (۲۰۰۵). طبقه‌بندی بین‌المللی آمار بیماری‌ها و مشکلات مربوط به سلامت ICD-10 ویرایش نهایی، ژنو، سوئیس به آدرس: [http://www.who.int/classifications/icd/ICD10Volume2\\_en\\_2010.pdf](http://www.who.int/classifications/icd/ICD10Volume2_en_2010.pdf)

[۲]. کریس، کاتلین، شیوه‌های مراقبت‌های بهداشتی مکمل؛ جنبه‌های معنوی سلامت، ص ۲۱۲-۲۱۴

۵۳. اندام‌شناسی

دینی ناکارآمد است و حکومت سکولار خوب و به‌به است؛ ولی مدل امنیت جمهوری اسلامی که امنیت درون ایران را در وسط یک جهنم تنظیم و تأمین کرده دهان همه را می‌بندد، ما امن‌ترین کشور دنیا هستیم و امنیت ما نیز از طریق روابط انسانی می‌باشد، اصل در مدل بسیج روابط انسانی است. این یک کارآمدی است و با این کارآمدی می‌توانیم با آنها تفاهم کنیم.<sup>۵۴</sup> این بحث را ذیل نکته‌ی قبل گفتیم؛ ما باید از پایگاه کارآمدی وارد تفاهم شویم؛ چون مدل امنیتی ما کارآمدی ایجاد کرده است. آیا در آمریکا این مقدار امنیت وجود دارد؟ البته می‌دانید که یکی از گزارش‌های سازمان ملل طبقه‌بندی امنیت در دنیا است. اولاً باید توجه کنید که برخی از شاخص‌های آنها برای امنیت، نامنی هستند و واقعاً امنیت ایجاد می‌کنند، امنیت را ظاهری بحث کرده و ذوابعاد بحث نمی‌کنند. ثانیاً باید توجه کنیم که ایران در وسط جهنمی قرار دارد که اسرائیل، آمریکا و وهابیت برای او ایجاد کرده‌اند و با این حال امنیت دارد. به نظر شما اگر مکانیزم‌های امنیتی کشور سوئیس - ظاهراً طبق رتبه‌بندی جهانی سومین کشوری است که در آن اسلحه در اختیار مردم می‌باشد<sup>۵۵</sup> - در کشوری مانند ایران با وضعیت فعلی کارآمد است؟ باید بر روی این حرف‌ها بحث کنیم. یکی از معجزات جدی امام خمینی علیه السلام مدل امنیتی ایشان می‌باشد. در جنگ تمام دنیا روبروی ما بودند ولی نتوانستند بر ما غلبه کنند. ما با این مطالب وارد جدال احسن می‌شویم. وقتی مدیریت محله‌ای را محقق کردیم کارآمدی‌های آن را نیز بحث می‌کنیم.<sup>۵۶</sup>

## ۲. غیر متمرکز بودن حکومت و عدم نیاز به بسیاری از شغل‌ها؛ راهکار فراهم کردن نیازهای شغلی در محله

یکی از حاضرین (۱): در بحث اجیرشدن سؤال این است که اگر همه بخواهند این کراهت را نداشته باشند و اجیر نشوند تشکیلات حکومتی چگونه اداره می‌گردند؟

۵۴. البته من همین‌جا هشدار می‌دهم. این کارگروه مالی‌ای که با ایران وارد تفاهم شده تا اصطلاحاً جلوی پول‌شویی را بگیرد موجب تحقق پیش‌بینی ما مبنی بر اینکه برجام منتهی به جنگ می‌شود را محقق کند. قرار بود بعد از انجام تعهدات ما در برجام تعهداتی که آنها داده‌اند انجام شود ولی آمریکا بدقولی کرده و شرط جدید گذاشته است؛ شرط جدید او کنترل مالی ایران است. بهانه آنها این است که می‌خواهند فساد، پول‌شویی و کمک به تروریسم را کنترل کنند. قرار شده است که تراکنش‌های مالی بانک مرکزی ما قرار گیرد تا به نظر این کارگروه اقدامات مالی منجر به فساد، پول‌شویی و تروریسم اتفاق نیفتد. اولاً تمام تراکنش‌های مالی در اختیار آنها قرار می‌گیرد و خود این مسئله مشکل امنیتی ایجاد می‌کند، اطلاعات مالی ملت ایران در اختیار آنها قرار می‌گیرد. ثانیاً تعریف آنها از تروریسم حماس، حزب‌الله و تمام جریان مقاومت را شامل می‌شود. اگر ما کمک‌های مالی به جریان مقاومت را متوقف کنیم در واقع جمهوری اسلامی سپر بین‌المللی خود را از دست می‌دهد. برخی ساده‌اندیشان فکر نکنند کمک ما به حزب الله لبنان، سوریه، حشدالشعبیه، کمکی است که در آن ضرر می‌کنیم. اگر ما این کمک‌ها را نکنیم جبهه مقاومت شکل نگرفته و قوام خود را از دست می‌دهد و ما مجبور می‌شویم در کرمانشاه، همدان، خرمشهر با داعش روبرو شویم. آقایان برای اینکه روابط مالی تسهیل شود می‌خواهند وارد این کارگروه مالی شده و تراکنش‌ها را در اختیار آنها قرار دهند. معنای روشن این حرف آن است که تراکنش‌ها و کمک‌های ما به حزب‌الله و جریان مقاومت باید تحت کنترل قرار گیرند. ظاهراً این دوره نظارت یک‌سال است و دوباره در پایان این دوره آمریکا می‌گوید: شما به جریان مقاومت کمک مالی نکنید در غیر اینصورت ما تحریم‌ها را بر نمی‌داریم. ما هم اگر کمک مالی نکنیم به نام برداشتن تحریم‌ها باید امنیت کشور را از دست بدهیم. بهتر نیست همین حالا شرط آمریکا را نپذیریم؟ برجام امنیت مردم ایران را به چالش می‌کشد و باید بر روی آن بحث جدی کنیم. ما از چند وقت پیش این بحث را مطرح کردیم که نتایج برجام جنگ خواهد بود ولی دوستانی نمی‌خواستند این مطلب را بپذیرند. بنده این مطلب را به یکی از اعضای شورای امنیت ملی نیز عرض کردم. باید فکر اساسی‌ای برای این موضوع کرد. حالا من نمی‌دانم قرار است چه علاجی برای توافق جدید دولت جمهوری اسلامی با این کارگروه مالی کنترل پول‌شویی قرار است انجام شود بنده نمی‌دانم ولی یک چیز مسلم است؛ کارگروه کنترل پول‌شویی تعریف خود از تروریسم را تغییر نداده و تعریف او جریان مقاومت در منطقه را نیز شامل می‌شود. پس حتماً ما با اینها چالش خواهیم داشت.

*انتقال از متن*

۵۵. به گزارش خبرگزاری صدا و سیما به نقل از ای بی سی نیوز، هر سال به ازای هر یک میلیون آمریکایی حدود ۳۰ نفر با سلاح گرم به قتل می‌رسند. سوئیس در رده بعد از آمریکا در رتبه دوم این فهرست قرار دارد. در سوئیس از هر یک میلیون نفر هفت هفت ممیز نفر با سلاح گرم به قتل می‌رسند.

*خبرگزاری صدا و سیما، کد خبر: ۹۳۳۹۰*

۵۶. آقای علیزاده: حاج آقا! توصیه‌ای درباره اجیرشدن برای شغل فرمودید. می‌توانید آن را بیشتر شرح دهید.

حجت‌الاسلام کشوری: اگر اجازه دهید وارد این بحث خواهیم شد ولی معنای آن معلوم است؛ انسان باید مستقلاً تأمین معیشت کند و اینطور بهتر است. البته اجیرشدن حرام نیست و کراهت دارد.

*انتقال از متن*

**حجت‌الاسلام کشوری:** بعداً بحث خواهیم کرد که حکومت باید چگونه باشد. بنده عرض کردم که در اسلام حرمتی وجود ندارد، خواستم یک حکم را یادآوری کنم. بالآخره سرتی در این حکم وجود دارد و اصلاً اسلام دین حکومت است. ولی چه سرتی در این مطلب وجود دارد که می‌گوید: اجیر نشوید؟ دلیل این است که اجیرشدن مهم‌ترین عامل برای تغییر سبک زندگی فرد است، فرد در نظام اجتماعی اجیر شده و شکل این نظام اجتماعی را پیدا می‌کند.

حالا با توجه به این حکم باید سیستم‌های حکومتی را چه کار کنیم؟ جمع این دو مطلب آن است که سیستم حکومتی اسلام غیر متمرکز است<sup>۵۷</sup> و هر چقدر سطح تمرکز پایین بیاید، سطح اجیرشدن نیز کاهش پیدا می‌کند. بعداً تصویر این بحث را شرح خواهیم داد، فعلاً به همین معنای مختصر اکتفا بفرمایید. به دلیل اینکه ما الان کشور را متمرکز اداره می‌کنیم باید این مقدار انسان اجیر کنیم. به عنوان مثال به نظر ما در مدل مطلوب، آموزش‌های اولیه بر عهده پدر و مادر است ولی پدر و مادری که وقت داشته باشند و اجیر نباشند. پس در واقع پدر و مادر اجیر جایی نمی‌شوند و کار تربیتی را خودشان بر روی فرزندان‌شان به صورت بهتر انجام می‌دهند و دیگر حکومت مجبور می‌شود کمتر معلم اجیر کند. قضایا مانند این مثالی که عرض کردم حل می‌شوند؛ یعنی هم اجیر نشدیم و هم کارهای حکومتی را حل کردیم، یکی از کارهای حکومت در حال حاضر آموزش و پرورش است و چون حداقل سطح اول آموزش و پرورش از عهده پدر و مادر خارج شده بار آن بر دوش حکومت افتاده است و حالا شما می‌گویید نمی‌توانیم در حکومت اجیر نکنیم. من می‌گویم: وقتی نگرش‌ها تغییر کردند به تدریج سیستم‌های حکومتی حداقلی می‌شوند.

یکی از حاضرین(۱): در بحث سیستم‌های اطلاعاتی، نظامی و .. چکار کنیم؟

**حجت‌الاسلام کشوری:** بنده مثال زدم تا نشان دهم که باب این مطلب باز است. این مطلب را در باب دفاع و امنیت خواهیم شکافت. نهایتاً شما می‌گویید در ۱۰ یا ۲۰ سال آینده ما نمی‌توانیم دفاع غیر متمرکز نداشته باشیم، من هم می‌گویم: این حکم را فعلاً در آنجا جاری نمی‌کنیم، ما مشکلی نداریم. ولی اصل بحث، بحث مهمی بوده و جزء میوه‌های بحث می‌باشد که باید آن را شرح دهیم.<sup>۵۸</sup> در خدمت‌تان هستیم.

**۵۷.** حیث دیگر مشارکت این است که هرچه مشارکت در اداره‌ی جامعه اسلامی تمرکز کمتری داشته باشد، متناسب‌تر است. اداره‌ی جامعه را به دو گونه می‌توان فرض کرد؛ می‌توانید در همه بخش‌ها نهادهای اداره‌ی جامعه را متمرکز یا غیر متمرکز فرض کنید. مثلاً در بخش فرهنگ جامعه، می‌توانید بگویید: زیرساخت بحث فرهنگ، رسانه است. مانند همین کاری که ما الان می‌کنیم و از یک تربیون برای شنوندگان فهرست کلان بحثی را ارائه می‌دهیم. استفاده از رسانه‌ها در حد گسترده یک مدل کار فرهنگی است. مدل دیگری وجود دارد که می‌گوید: کلام اسلامی برای تبیین‌شدن باید به تناسب طرف مقابل مطرح شود. درست است که ما در این برنامه‌ی رادیویی فهرست کلانی را ارائه می‌دهیم، اما نقاط ابهام‌برانگیز در ذهن مخاطب باقی می‌ماند؛ زیرا امکان آپس‌خوایی به سؤالات تمام افراد وجود ندارد. اگر حلقه‌های گفتگویی را در مساجد فعال کردیم و پایه‌ی کار فرهنگی در اسلام را با احیای مساجد مقرون دانستیم، هر مسجدی برنامه‌ی خاص خود را خواهد داشت؛ یعنی به صورت غیر متمرکز برنامه‌ریزی کرده‌ایم. گاهی برخی از استعدادها به فراموشی سپرده می‌شوند؛ خوب است بدانیم که در ایران، ۷۰ هزار مسجد داریم. هیچ حزب سیاسی و حکومتی در دنیا به این مقدار نهاد مردمی نداشته است. بنابراین در مسأله‌ای مانند فرهنگ، هم می‌توان از یک مدل متمرکز استفاده کرد - مثل رسانه - که در غرب کامل‌ترین شکل موجود آن وجود دارد و هم می‌توان گفت: مدل فرهنگی اسلام غیر متمرکز است و مثلاً بر پایه‌ی عمران و احیای مساجد است؛ یعنی هر مسجد محور یک محله بوده و امام جماعت، هیئت امناء و پایگاه بسیج دارد و اینها برای مردم برنامه‌ریزی فرهنگی می‌کنند. این برنامه‌ریزی فرهنگی از یک برنامه‌ریزی متمرکز بسیار دقیق‌تر خواهد بود. بنابراین تفاوت دیگری که میان اداره‌ی جامعه از نظر اسلام و مدل‌های موجود اداره‌ی جامعه وجود دارد، این است که اداره‌ی جامعه از نظر اسلام، غیر متمرکز است. زیرا هدف از اداره‌ی جامعه، «رشد» است و به هر میزان که غیر متمرکزتر بوده، افراد بیشتری را درگیر خود کرده و «رشد» بیشتری رخ خواهد داد. این مثال در حوزه‌ی فرهنگ بود، در عرصه‌های دیگر مانند سیاست و اقتصاد نیز به همین گونه می‌باشد.

*جلسه شانزدهم از سلسله جلسات تبیین اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی در رادیو معارف ۱۳۹۳/۰۵/۲۷*

**۵۸.** جسارتاً این سؤال، سؤالی فنی نیست. درست مانند سؤال‌های است که دوستان روز اول می‌پرسیدند مبنی بر اینکه الان شهرداری مشهد یا تهران، محله‌محور است و محله‌محوری حرف جدیدی نمی‌باشد. اما الان وقتی روز هفتم بحث را طی می‌کنیم پیداست که مدیریت محله‌ای کاملاً معنای جدید و نویی است و می‌توان به وسیله آن کارهایی را انجام داد. بحث شما را نیز باید به بعداً موکول کنیم. این سؤال، سؤال خوبی نیست، بنده نیز در خلال مباحث خود اشاره‌ای به این مطلب کردم که جزء میوه‌های بحث است و بعداً باید آن را حل کنیم. اینجا جایی است که باید تحمل ابهام داشته باشید تا

### ۳. تبیین همراه با نظام مقایسه و نشان دادن خرابی‌ها کشورهای توسعه‌یافته‌ی غربی؛ عامل جذب افراد به سمت مباحث مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی و جلوگیری از ارائه گزارش‌های غلط نسبت به مباحث مدیریت شهری

یکی از حاضرین (۲): استنباط من از مباحث شما این بود که ما یک سطح زندگی اسلامی را تبیین کرده و نسخه‌ای را تدوین می‌کنیم، کما اینکه هدف از الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت همین است. اما مشکل این است که چگونه باید آن را به جمعیت ۱۲ میلیونی شهر تهران تعمیم بدهیم؟ همانطور که می‌دانید الان سبک‌های زندگی مختلفی وجود دارد و این سبک‌ها خواه‌ناخواه با امواج مدرنیته تلاقی پیدا کرده‌اند و به خاطر همین ناخودآگاه بر روی زندگی انسان تأثیر می‌گذارد. حالا اگر ما بخواهیم الگوی ثابتی را تعریف کنیم مسلماً بسیاری از افراد این الگو را پس زده و نمی‌خواهند مطابق با این الگو رفتار کنند و اگر ما بخواهیم این سبک زندگی را تحمیل کنیم چه‌بسا موجب ناهنجاری‌های اجتماعی شود. درست مانند همان مثالی که زدید مبنی بر اینکه اگر بخواهید جلوی فرزند را بگیرید ممکن است واکنش‌های تنیدی انجام داده و به سمت کاری که از آن منع شده برود، انسان - چه انسانی که شش یا هفت سال دارد و چه انسانی که بیست و شش سال دارد - به طور کلی همینگونه است. اگر ما بخواهیم بگوییم به دنبال یک سبک زندگی هستیم و این سبک، سبک متعالی است و سبک‌های دیگر اشکال دارد - برداشت من از حرف‌های شما یک برداشت کاملاً ضدمدرن بود - تکلیف طبع سرکش انسانی که با امواج مدرنیته برخورد کرده و به راحتی یک سبک و قالب را نمی‌پذیرد و می‌خواهد فردیت خود را داشته باشد چیست؟ واقعاً باید با این مطلب چه کار کنیم؟ این یکی از سؤالات من بود. مورد دیگر خارج از بحث ...

**حجت‌الاسلام کشوری:** حالا اجازه دهید بنده این مطلب را شرح دهم. این سؤال شما، سؤال خوبی است ولی این سؤال را باید از مدرنیته پرسید، مدرنیته است که دارد تحمیل می‌کند، ما که در مبنای الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به دنبال تحمیل نیستیم. به عنوان مثال ما در این دوره‌ی بحثی گفته‌ایم: مدیریت شهری باید سبب نیازهای خانوار را در محله تأمین کند. یکی از این نیازها، سبب نیازهای معیشتی است و چون ما الان نیازهای معیشتی را در محله تأمین نکرده‌ایم خود آدم‌ها و مغازه‌دارهایی که معیشت‌های روزانه را تأمین می‌کنند به استفاده از پیک روی آورده‌اند؛ یعنی هم خریدار و هم فروشنده این را پذیرفته‌اند که هزینه‌ای اضافه بردارند تا پیک محصولات مورد نیاز آنها را به منزل آنها بیاورد. الان این شما هستید که به انسان‌ها تحمیل کرده و زندگی را برای آنها سخت کرده‌اید و آنها هزینه می‌کنند تا راحت‌تر باشند، ما که می‌گوییم سبب نیازهای خانوار در محله تأمین شود. مطمئناً از این حرف ما استقبال می‌کنند، این یک مثال بود که بنده عرض کردم. بنابه چیزی که دوستان می‌گویند استفاده از پیک در شهر تهران گسترش قابل توجهی پیدا کرده و مغازه‌ها به صورت تلفنی سفارش گرفته و محصولات را با پیک به درب منزل می‌فرستند. مدرنیته این کار را انجام داده و زندگی را سخت کرده و آنها نیز مجبور شده‌اند راه حلی ثانوی برای این نیاز خود تعریف کنند تا آسان‌تر زندگی کنند.

مدرنیته دوران تربیت را به چالش می‌کشد و یک عمر روابط انسانی به افراد تحمیل می‌شود و وقتی انسان یک‌عمر با ادب نبود با تمام افراد چالش خواهد داشت. اینها را مدرنیته باید جواب بدهد نه فکر اسلامی؛ اسلام قَدَّيْبَيْنَ الرَّشْدَيْنِ الْعَيِّ<sup>۵۹</sup> می‌کند؛ ما رشد و غی را نشان می‌دهیم و مسأله به قدری جذاب است که انسان‌های سالم خودشان این مسیر را انتخاب می‌کنند. شما محله‌ای که در آن روابط انسانی، تعرف، خانواده و ... اصل است را تصور کنید و با محله‌هایی که الان به خوابگاه زن و شوهر

حل شود. در خدمت‌تان هستم. آنچه که ما امروز بحث کردیم و خوب است سؤالات بر روی آن متمرکز شود تعمیق معنای تفریح است. من جامعه را دچار یک دور باطل می‌بینم؛ چرا که هم در هفت‌سال اول شخصیت به چالش کشیده می‌شود و هم در هفت‌سال دوم ادب انتقال پیدا نمی‌کند و لذا جامعه‌ای که هفت‌سال اول و دوم آن به چالش کشیده شده روابط انسانی بسیار از هم‌گسسته و چالش‌آمیزی دارد و همین مطلب موجب اعصاب‌خردی و عدم آرامش می‌باشد. این یک معنای قابل درک است که واقعاً ما را ترغیب می‌کند به اینکه مسأله تربیت را ابرمسأله کشور دانسته و به سمت آن برویم. ما در این نشست‌ها نسبت بین تربیت و مدیریت شهری را بحث می‌کنیم.

انتقال از متن

۵۹. لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدَّيْبَيْنَ الرَّشْدَيْنِ الْعَيِّ هُنَّ يَكْفُرْنَ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لِأَنَّفْصَارَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ / آیه ۲۶۵ سوره مبارکه بقره در قبول دین اِکْرَاهِی نیست؛ ( زیرا ) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است. بنابراین کسی که به طاغوت اِبت و شیطان و هر موجود طغیانگر کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است که گسستن برای آن نیست و خداوند شنوا و داناست.

تبدیل شده است مقایسه کنید؛ آقایان! مطلبی که عرض می‌کنم گزارش پرونده‌های طلاق است. در حال حاضر زن و شوهر ما هر دو خسته هستند و تبدیل به جنازه می‌شوند و در اثر شغل‌هایی که برای آنها تعریف کرده‌اید روابط انسانی آنها نیز به چالش کشیده شده است. لذا ازدواج صورت می‌گیرد ولی حتی نیازهای جنسی و عاطفی - که اولین سطح نیازهای تأمین‌شونده در یک خانواده‌ی خوب هستند - نیز تأمین نمی‌شوند. من این سؤال را نه فقط برای شما بلکه در جاهای دیگر نیز مطرح کرده‌ام و برای من بسیار تعجب‌برانگیز است؛ اولین نیازی که انسان‌ها احساس می‌کنند نیازهایی عاطفی و جنسی است ولی شما کاری کرده‌اید که زن و شوهرها در همین مسأله نیز به چالش کشیده شده‌اند. این مسأله نیز مانند حقوق بشر آمریکایی شده است که خودش بمب اتم انداخته و می‌گوید: من نگرانم شما بمب اتم استفاده کرده و مردم منطقه را به چالش بکشید. مدرنیته پشت سرهم تحمیل می‌کند و خانواده را به چالش می‌کشد. این خیلی سخت است که خانواده‌ی انسان‌ها به چالش کشیده شود؛ چون تقریباً شخصیت انسان‌ها یک‌دور نابود می‌شود و اگر خدای متعال عنایت کند دوباره احیا می‌گردد. در موارد بسیاری طلاق منجر به این می‌شود که مرد به اعتیاد کشیده شود.

شما با این نحوه‌ی تأمین نیاز تحمیل می‌کنید؛ توسعه می‌گوید: من شغل را تأمین می‌کنم و بشر به رفاه می‌رسد. ولی برای تأمین شغل از طرف مقابل خود دوشیفت وقت گرفته و همه‌چیز او را به چالش می‌کشد. اسلام که دین آزادی و اختیار و انتخاب می‌باشد. این اصل داستان است و بنده برای این مطلب سه مثال - شغل، خانواده و همین پیک‌های موتوری که الان شغل شده‌اند - زدم که اینها همه تحمیل‌های شماست.

حالا از اینها بگذریم، نکته دیگر بحث این است که ما در مقام بیان فقط تبیین می‌کنیم ولی این تبیین را در حالت نظام مقایسه انجام می‌دهیم. اجازه دهید ما یک‌سال راجع به مدیریت شهری بحث کنیم [تا برای شما مشخص گردد]. در ابتدای بحث برنامه ششم نیز جمعیت‌های زیادی به ما می‌گفتند این بحث غیر کاربردی است و مربوط به نظام بروکراتیک<sup>۶۱</sup> بوده و غیر جذاب است. ولی روزبه‌روز بر تعداد افرادی که این بحث را جذاب و کاربردی می‌دانند افزوده می‌شود. وقتی راجع به ابعاد مدیریت شهری بحث کنیم جمعیت‌های زیادی توجه می‌کنند. ما هیچ دلیلی برای [تحمیل] نمی‌بینیم و فقط پیشنهادهای خودمان را مطرح می‌کنیم. اگر واقعاً تفریح فعلی کارآمدتر از تفریح به محوریت روابط انسانی است دانشمندان و نخبگان بگویند و بحث کنند ولی اگر تفریح با مدل بهینه‌ی روابط انسانی عمیق‌تر بوده و ادخال سرور بیشتری دارد شما باید به سمت تغییر مدل‌های موجود بروید. بنابراین حتی ما در مقام بیان نیز کسی را به چالش نمی‌کشیم. شما یک شهر مدرن درست کرده‌اید که هزار معضل دارد، آلودگی هوا و سفرهای درون‌شهری دارد، خانواده‌ی هسته‌ای ایجاد کرده، در فرزندان در سنین کوچک عقده درست کرده است. مدرنیته باید این مشکلات را جواب بدهد و ما نیز اتفاقاً راجع به این غلّ و زنجیرها صحبت می‌کنیم. اگر فرعون مدرنیته اجازه دهد موسای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌خواهد مردم را از این وضعیت نجات دهد. در حال حاضر زندگی بدی وجود دارد. چرا شما مسأله را برعکس می‌کنید؟؟ ماهواره‌ها و تبلیغات مدرن زندگی بدی را برای انسان‌ها درست کرده‌اند. آقا! ۱۱ میلیون انسان مجرّد وجود دارد، چه کسی با جرأت می‌گوید این ۱۱ میلیون زندگی خوبی دارند؟ شما برای انسان‌ها چالش درست کرده‌اید و انسان‌ها غمگین و درون‌گرا هستند و هرچقدر کشورها توسعه‌یافته‌تر می‌شوند وضعیت بدتری پیدا می‌کنند. کشورهای اسکاندیناوی از این حیث از تمام کشورها بدتر هستند. سرتیم تیم تحقیقی‌ای که ما با آنها در کشورهای اسکاندیناوی همکاری کرده‌ایم از دوستان ما در کرمانشاه است. ایشان به بنده می‌گفت: با توجه به مطالب بسیاری که در کتاب‌ها گفته شده است به ذهنم آمد که من باید کشورهایی که بر مبنای لیبرال‌دموکراسی - آخرین نسخه دموکراسی - هستند را بیشتر مطالعه کنم. من چند گزینه داشتم و یکی از کشورهای اسکاندیناوی را انتخاب کرده و در آنجا مستقر شدم تا تجربّ کرده و ببینم بحث‌های موجود در کتاب‌ها چقدر با واقعیت ارتباط دارد. ایشان به عنوان نمونه می‌گفت - البته این مسأله عمومیت دارد - ما همسایه‌ای داشتیم که یک پیرمرد محترم مسیحی بود. ایشان از این

۶۱. بوروکراسی (حکومت ادارات یا دیوان‌سالاری)، به سلسله مراتبی از اقتدار و مسئولیت اطلاق می‌شود که یک سازمان رسمی، برای هماهنگ ساختن فعالیت‌هایش و رسیدن به اهداف تعیین‌شده‌اش، از آن استفاده می‌کند.

کوئن، بروس؛ درآمدی به جامعه‌شناسی، محسن ثلاثی، تهران، توتیا، ۱۳۷۵، ص ۲۸۳

همسایه خود برای من دو سکانس تعریف کردند. بنده هر دوی اینها را برای شما می‌گویم ولی به نظرم این مطلب در کشورهای اسکاندیناوی عمومیت دارد.

این دوست ما از رفقای حاج طالبی<sup>۶۲</sup> بوده و آدم متدینی می‌باشد. ایشان می‌گفت: من با این پیرمرد محترم خوش‌اخلاق وارد بحث شده و گفتم: چرا شما کلیسا نمی‌روید؟ او پاسخ داد بنده نمی‌دانم برای چه باید به کلیسا بروم. در آنجا حرف‌هایی بیان می‌گردد و ما بلند می‌شویم ولی من نمی‌دانم چرا باید بلند شوم، چرا باید دست‌های خود را بالا ببرم، نمی‌دانم چرا باید این کلمات را بگویم. چرا من باید به کلیسا بروم؟ این فرد در آخر عمر ولی هیچ درکی از دین خود ندارد.<sup>۶۳</sup> سکانس اولی که می‌خواستیم بگویم درک این فرد راجع به دین خود بود. درست مانند این است که مسلمانی نماز بخواند و به او بگویند: چرا نماز می‌خوانی؟ پاسخ بدهد نمی‌دانم چرا باید تکبیر بگویم.<sup>۶۴</sup> پس وضعیت دین در کشورهای اسکاندیناوی موضوعی است که بنده در سکانس اول می‌خواستیم آن را تشریح کنم. چه حالت روانی بدی برای این فرد ایجاد می‌شود؟! این فرد واقعاً به هم ریخته می‌شود و لذا فلاسفه غرب می‌گویند: دنیا خیلی وحشتناک است، اصلاً عبارات اولیه‌ی آنها این است که دنیا وحشتناک است.<sup>۶۵</sup> راست هم می‌گویند؛ دنیای بدون خدا وحشتناک است، دنیای بدون تکیه‌گاه وحشتناک است؛ چون ما که عمق نیازهای خود را متوجه می‌شویم. کلسایی که سکولاریسم را پذیرفته مقصّر اصلی این نوع حرف‌زدن این فیلسوف است؛ او یک عمر راجع به دنیا بحث کرده و در مشاهدات خود دیده است که در جنگل‌ها مینا بر زور است و به قول خودشان در

۶۲. سردار محمد طالبی از فرماندهان دوران دفاع مقدس

۶۳. حالا برخی‌ها مصاحبه کرده و می‌گویند: یکی از دین‌دارترین کشورهای دنیا، کشور آمریکا است. بنده بر روی موضوع دین‌داری در آمریکا تحقیق کرده‌ام و برای شما خواهم گفت که به چه چیزی دین‌داری می‌گویند، به رمالی، عرفان‌های نوظهور و این جور چیزها دین‌داری می‌گویند.

*انتقال از متن*

۶۴. در فلسفه تکبیرگفتن باید بدانید که این لفظ، لفظ قابل معنایی می‌باشد. آقایان گفته‌اند: الله اکبر یعنی الله اکبر من آن یوصف؛ خداوند بزرگتر از آن است که وصف شود. وقتی یک کلمه بسیار معنادار ورودی نماز است یعنی شما با کسی صحبت می‌کنید که خیالتان راحت است که از تصورات و خواسته‌های شما که می‌خواهید تأمین شود بسیار بزرگتر است. ورودی نماز اینگونه است و شما با فردی صحبت نمی‌کنید که محدود است. نماز با چنین معنایی شروع می‌شود، حالا بنده نمی‌خواهم وارد نماز شوم. به شما گفته‌اند که در شروع الله اکبر دست‌ها پایین است و در انتهای الله اکبر دست‌ها محازی گوش قرار می‌گیرند. در سر این کار گفته‌اند: همزمان با اینکه شما می‌گویید الله اکبر من ان یوصف تمام چیزهایی که یوصف می‌شوند را پشت سر گذاشته و به آنها توجه نمی‌کنید. تکبیر نماز به این معناست؛ شما با زبان خود چیزی گفته و با زبان بدن خود می‌گویید هر چیزی که یوصف است باید کنار رود و دلیلی ندارد من به آن توجه کنم، این ورودی نماز است. الله اکبر یک چنین معنای عمیقی دارد؛ هم در آن برائت از امور محدود و هم توجه به نامحدود وجود دارد؛ نامحدود نیز لا یوصف است و شما نباید خود را برای تعریف و فهم آن اذیت کنید. قرآن می‌گوید: اگر بخواهید راجع به خدا وارد بحث شوید خسته می‌گردید، نمی‌توانید نعمت‌های او را بشمارید. (آیه ۱۸ سوره مبارکه نحل) تصرف خدا در عالم که یک تصرف نامحدود است و قابل احصا نمی‌باشد. خود خداوند نیز لا یوصف است. لذا از جمله‌ی کارهای خدا این است که دائم الخلق می‌باشد. من این مطلب را مقداری بحث کنم؛ دائم الخلق بودن به خصوص در دریاها مشهود است؛ یا من فی البحر عجائبه. (دعای جوشن کبیر) خود دانشمندان مادی اعتراف دارند که ما بیش از ۲۰ درصد مخلوقات عالم را شناسایی نکرده‌ایم و نمی‌دانیم ۸۰ درصد دیگر اصلاً چه چیزی هستند. وقتی گونه‌ی جدیدی کشف می‌کنند می‌گویند ما این گونه و نوع را کشف کرده‌ایم در حالی که بسیاری از این گونه‌ها تازه خلق شده‌اند و آنها این گونه‌ها را کشف کرده‌اند؛ به تقاضای پیامبر ﷺ دائماً خلق در عالم اتفاق می‌افتد. حضرت ابراهیم علیه السلام تقاضا کرد خلق را در عالم نشان بدهند؛ تقاضای ایشان این بود که به نشان من دهید چگونه مرده زنده می‌شود. استدلال حضرت ابراهیم علیه السلام در آیه برای این تقاضا، لیطمئن قلبی است؛ (آیه ۲۶۰ سوره مبارکه بقره) من می‌خواهم یقینم زیادتر شود و لیطمئن قلبی برای من ایجاد گردد؛ تجرب مسأله‌ی بسیار مهمی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم برای گسترش توحید در عالم دائماً تقاضای خلق می‌کند، بنده این را بعداً بحث خواهم کرد. بعضی اوقات در همین عصر مدرن برای بشر توهمات ایجاد می‌شود مبنی بر اینکه تصرفات جدیدی کرده است. ولی چون اخبار این مطلب در ملکوت حاضر است پیامبر صلی الله علیه و آله برای زدودن این توهم خلق جدید درست کرده و تأمل را زیاد می‌کند. یعنی با یک گونه جدید - که در عصر ارتباطات تصاویر آن پخش می‌شود و مستندی راجع به آن ساخته می‌شود - بشر به عجز رسیده و معتقد می‌شود که شناخت جهان امکان ندارد. من داشتم داستان آن پیرمرد را تعریف می‌کردم. او درکی از دین خود نداشت. تازه مطلبی که در مورد نماز گفتم، درک فرد حقیری مانند من از تکبیر نماز است. در نماز چه چیزهایی وجود دارد؟؟؟؟ راجع به نماز بحث بود و حضرت آقای انصاری فرمودند: کسانی که در بهشت لذت می‌برند به میزان لذت ما از نماز لذت نمی‌برند، قیر آقای انصاری در قم است. ماها اینها را نمی‌فهمیم و بنده به اندازه‌ی فهم کوچک خود حرف می‌زنم. باید این معنا را بشکافیم که چرا در نماز سوره‌ی حمد وجود دارد. خود سوره‌ی حمد معنای‌ای دارد و باید آن را بحث کنیم، چرایی وجود آن در نماز نیز معنای‌ای دارد.

*انتقال از متن*

۶۵. این مطلب در پاورقی شماره ۲۳ ذیل مسأله انسان گرگ انسان است ذکر گردید.

اکوسیستم کسی که در بالای اکوسیستم قرار دارد موجود پایینی را در خود هضم می‌کند و این خیلی وحشتناک است که یک نفر می‌خواهد غذا بخورد و دیگری را در خود محو می‌کند. چه دنیای وحشتناکی است؟! اینها را باید چگونه جواب دهیم؟ چرا خداوند متعال دنیا را در تعارض خلق کرده است؟ برای اینکه شما متوجه شوید یک امر بالادستی غیر نیازمند لازم است. انسان اگر زندگی عادی خود را بکند می‌بیند که در میان انسان‌ها و حیوانات تراحم و تعارض وجود دارد و منشأ این تراحم و تعارض محدودیت انسان‌هاست. انسان محدود است و در عوض اینکه **أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ** را درک کند مالِ مرد را می‌دزد و در طبیعت تصرف می‌کند، این سکانس اول بود.

دوست ما در تعریف سکانس دوم گفت: ما یک یا دو سال با این پیرمرد همسایه بودیم و ایشان حالشان خراب شد و به بیمارستان انتقالشان دادند. ایشان گفت: اولاً من رفتم و درب خانه را شکستم. این دوست ما از شهر کرمانشاه با روابط انسانی به آن کشور رفته و انتظار داشته هر روز غروب پیرمرد را ببیند که باغچه خود را آبیاری می‌کند ولی حالا می‌بیند که نیست. ایشان می‌گوید: من در این هنگام زنگ زدم و پیگیری کردم و اتفاقی نیفتاد. به بچه‌های ایشان خبر دادم و فرزندان او نیامدند. پلیس را صدا زدیم و او را به بیمارستان بردیم. بعد از چند هفته فرزندان او آمدند و امضا دادند که پدر ما را بکشید تا راحت شویم، برای این آمده بودند. فرزندان این پیرمرد برای رسیدگی نزد او نیامدند و طبق قانون، در آنجا وقتی انسان به این نتیجه برسد که نمی‌تواند زندگی کند مرگ اختیاری امکان دارد.<sup>۶۶</sup> دوست ما می‌گفت: این پیرمرد داشت از دنیا می‌رفت و تحیر او وصف‌ناشدنی بود. وقتی فرزندان خود و اوضاع را دید خودش نیز رضایت داد و امضا کردند و ایشان از دنیا رفت. شما می‌گویید من داستان‌های وحشتناک تعریف می‌کنم ولی این داستان‌های وحشتناک در کشورهای اسکاندیناوی رخ داده است؛ انسان‌های منظمی که در آنها روابط انسانی در اوج سردی قرار داد. یکی از علائم اینکه روابط انسانی در آنجا سرد است رونق داشتن خرید و فروش حیوانات است.<sup>۶۷</sup> ظاهراً چهارمین تجارت پرسود دنیاست،<sup>۶۸</sup> مسأله اینگونه است.

من این مطالب را در جواب سؤال شما عرض کردم. تهران توسعه‌یافته‌تر از اسکاندیناوی نیست ولی به هر حال به سمت توسعه حرکت کرده است. مدرنیته بشر را به این شکل به چالش کشیده است. در اینصورت آیا بشر مقاومت می‌کند که از این فضا خارج شود؟! به نظر بنده مقاومت نمی‌کند. منتهی چرا شما تصور می‌کنید مقاومت می‌کند؟ شاید یکی از دلایل این باشد که دوستان ما کلی و نظری صحبت کرده و هنگام ورود به بحث قدرت شکافتن بحث را در ذهن مخاطب خود ندارند. البته ما نیز نمی‌خواهیم با عموم مردم نظری بحث کنیم، ما با نخبگان بحث کرده و چند محله‌ی نمونه می‌سازیم و خود افراد نگاه کرده و ببینند و اگر خوب بود به شهرداری محله رفته و تقاضای تغییر مدیریت شهری را بدهند. بنابراین مقاومتی به وجود نخواهد آمد. مردم لبنان، مردمی بودند که سال‌ها امنیت نداشتند و مدل امنیتی جمهوری اسلامی در آنجا حزب‌الله را ایجاد کرد. آیا واقعاً ما مردم لبنان را مجبور کرده‌ایم که طرفدارمان باشند با اینکه گزینه‌های دیگری نیز وجود دارد. می‌دانید که لبنان به

۶۶. قانون مرگ ترحمی (اوتانازی) از سال ۱۹۴۱ در سوئیس وضع شد تا اختیار مرگ بیماران ناامید را به خودشان بدهد. این قانون، خودکشی بیماران لاعلاج را مجاز می‌داند و فقط محدودیت‌هایی بر چگونگی، زمان و دلیل خودکشی اعمال می‌کند. البته مشابه این قانون، با کمی تفاوت، مدتی قبل در بلژیک، هلند و ایالات اروگان و واشنگتن آمریکا هم به تصویب رسید که بر اساس آن، فرد بیمار می‌تواند تحت شرایط خاصی با استخدام یک پزشک به زندگی خود پایان دهد.

خبرگزاری مهر، کد خبر: ۱۶۹۳۲۸۰

۶۷. پرتعدادترین حیوانات خانگی در کشورهای غربی سگ‌ها و گربه‌ها هستند. مثلاً در سوئد با ۹ میلیون نفر، دارای بیش از ۹۵۰ هزار قلاده سگ شناسنامه دار است که بیش از ۸۰ درصد این سگ‌ها دارای بیمه درمانی هستند؛ یا در آمریکا که جمعیت آن بیشتر از سیصد میلیون نفر می‌باشد، حدود ۶۳ درصد خانواده‌ها دارای حیوان خانگی هستند و بیش از نیمی از خانواده‌ها بیش از یک حیوان دارند. اخیراً نیز خبرهایی از ازدواج با حیوانات در این جوامع به گوش می‌رسد.

خبرگزاری مشرق، کد خبر: ۳۷۶۰۵۱

۶۸. طبق آمار دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم تجارت قاچاق حیوانات بعد از فروش اسلحه، جعل و تقلب، قاچاق انسان و نفت در رتبه پنجم درآمد حاصل از جرائم بین‌المللی قرار دارد.

رجوع شود به آدرس وبسایت رسمی دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم:

[https://www.unodc.org/documents/data-and-analysis/Studies/Illicit\\_financial\\_flows\\_2011\\_web.pdf#page=38](https://www.unodc.org/documents/data-and-analysis/Studies/Illicit_financial_flows_2011_web.pdf#page=38)

لحاظ طبیعی حیات خلوت وهابیت و فرانسه است. این دو گروه بسیار نفوذ دارند ولی با این وجود حرف ایران در آنجا عملی می‌شود با اینکه دو گروه دیگر نیز پایگاه مردمی دارند. چرا این اتفاق می‌افتد؟ چون مدل امنیتی ما لبنان را نجات داده است. شما تاریخ دعوای لبنان را بخوانید. امام خمینی عظیم‌الشأن در ایران راه حلی را پیاده کرده‌اند و چون علمای آنها - که در قم درس می‌خواندند - دیدند راه حل ما کارآمد است آن را در لبنان پیاده کردند و ما نیز به آنها کمک کردیم. حالا اگر بخواهیم محاسبه مادی هم داشته باشیم سود طرفینی محقق شده است. خانم مسئول در حوزه امنیتی - دفاعی آمریکا گفته است: ما وقتی می‌خواهیم با ایران درگیر شویم نگران اصلی ما از ناحیه حزب الله است؛ اگر جنگ را با ایران شروع کنیم اسرائیل از دست رفته است.<sup>۶۹</sup> آیا این بد است که ما به برکت فقها - من این را به تئوریسین‌های امنیتی خودمان می‌گوییم - و یک فقیه، مرز امنیتی ایران را به حدود ۲۰۰۰ کیلومتر آن طرف‌تر برده‌ایم. به چه چیزی اعتراض می‌کنید؟ اگر دست شما بود که الان ایران تجزیه شده بود. اگر همکاری کنید قسمت‌های جدا شده از ایران نیز درخواست الحاق به ایران را می‌دهند. پس لطفاً اجازه دهید ما نظام اقتصادی را با نگاه اسلامی بازتعریف کنیم. وقتی بعداً مدل الگوهای تولید خانوادگی را بحث کردم مسأله بسیار واضح‌تر خواهد شد. این پاسخ حضرتعالی بود. در خدمت دوستان هستیم.<sup>۷۱</sup>

۶۹. رئیس سابق موساد: مشکل اصلی اسرائیل در جنگ با ایران موشک‌های حزب‌الله و حماس است.

خبرگزاری فارس، کد خبر: ۱۳۱۸۰۵۲۳۰۰۱۲۱۸ / ۱۳۹۱

۷۱. یکی از حاضرین (۳): حاج آقا! اگر اشتباه نکنم در دعای روز چهارشنبه از خداوند می‌خواهیم که و اجعل نشاطی فی طاعتک. اگر امکان دارد این فراز را تبیین کرده و مشخص کنید که این عبادت آیا عبادت اجتماعی است یا فردی؟  
**حجت‌الاسلام کشوری:** ما در مباحث الگو یک خط قرمز داریم و آن این است که مباحث را به صورت سرپایی توضیح نمی‌دهیم ولی اجمالاً باید گفت جزء مهم‌ترین عبادات، مسأله تربیت فرزند است. پس نشاط آن نیز معلوم است که چگونه است. یعنی عبادت، یک نوع عبادت خاص نمی‌باشد. باید بعداً این بحث را بیشتر بشکافیم. وقتی شما فرزند خود را خوب تربیت می‌کنید ثمره‌ی آن اولاد صالح می‌باشد و هیچ چیز مانند اولاد صالح به شما نشاط نمی‌دهد. حرف کلی زیاد گفته شده ولی اجازه دهید زمان آن فرا برسد و مسأله را بشکافیم. در خدمت شما هستیم. شما نیز آخرین سؤال را بپرسید.  
**آقای صمد صمدی:** بسم الله الرحمن الرحیم. سؤال من ناظر به این قسمت از بحث شما است که اگر وقت خانواده زیاد شد و خانواده فرجه گردید اثر می‌گذارد. سؤال من این است که وقتی خانواده فرجه شد ...

**حجت‌الاسلام کشوری:** از حیث عواطف و روابط؛ قید ما یک تعریف دارد و آن فرجه‌شدن از حیث روابط و عواطف است.

**آقای صمد صمدی:** سؤال من این است که آیا فضای حاکم بر نهاد خانواده در صورت فرجه‌شدن خانواده بهبود پیدا می‌کند؟ این، یک سؤال است. سؤال دیگر من این است که مرکزگرایی داخلی جریان توسعه‌گرا سود اقتصادی هم دارد یا نه؟

**حجت‌الاسلام کشوری:** مطلب برعکس چیزی است که شما می‌فرمایید. اگر فضای حاکم بر نهاد خانواده بهبود پیدا کند نهاد خانواده نیز از حیث روابط و عواطف فرجه می‌شود. راجع به بحث دوم باید بگویم: ما در تولید خانوادگی شاخصی را در عوض GDP بحث کرده‌ایم و بعداً این را توضیح خواهم داد. اجازه دهید کمی عقب‌تر بروم. شاخص‌های هویت اسلامی دو نوع هستند؛ یک نوع از شاخص‌ها، شاخص‌های عام اسلامی هستند که بنده آنها را بحث کرده‌ام و شامل شاخص رفق، رشد و توازن می‌باشد. نوع دوم شاخص‌ها، شاخص‌های بخشی مانند شاخص‌های بخش معاملات و معیشت است. ما در این بخش در عوض شاخص GDP که مهم‌ترین شاخص اقتصادی است شاخص دیگری را بحث کرده‌ایم. استدلال ما در اینجا برای اینکه GDP شاخص خوبی برای افزایش ثروت نیست همین امر می‌باشد؛ ما هزینه‌های مادی فروپاشی اجتماعی را از ارزش افزوده و سود اقتصادی کسر کرده‌ایم و در این نمونه‌ی آماری - که قابل تکرار در موضوعات مختلف است - نشان داده‌ایم که ما در حال حاضر در مجموع از حیث شاخص اقتصادی نیز ضرر می‌کنیم؛ یعنی وقتی در مجموع هزینه‌های اجتماعی مانند ناامنی، طلاق و بیماری روانی مردم محاسبه می‌کنیم می‌بینیم که مثلاً پول صرف شده برای این امور ۱۵۰ دلار است در حالی که تمام ارزش GDP کشور به عنوان مثال ۱۲۰ دلار است. شما سؤال می‌کنید که پس چرا سرپا هستیم؟ پاسخ می‌دهیم اولاً سرپا نیستیم و هر روز اوضاع در حال بدتر شدن است، دوماً هزینه‌های اضافی از محل نفت تأمین می‌شود. می‌دانید که عمده‌ی GDP ایران نفت است و اگر شما اقتصاد ایران را غیر نفتی کنید به شما خواهیم گفت که اصلاً GDP شما نسبت به هزینه‌هایتان مثبت نخواهد شد. این مسائل را باید بحث کنیم. پس روح بحث این است که حتی اگر شما بگویید ارزش افزوده ایجاد می‌شود باید بدانید با از دست دادن خانواده فروپاشی اجتماعی ایجاد می‌گردد و شما در مجموع ارزش افزوده نیز نخواهید داشت. البته در مجموع اینطور است نه اینکه مثلاً چندمیلیارد به حساب فلان سرمایه‌دار افزوده نمی‌شود. چندمیلیارد افزوده می‌شود و دولت دچار کسر بودجه می‌شود و در نتیجه مالیات‌ها را زیاد می‌کند و شما فکر می‌کنید کشور سرپا است. در کشوری مانند ایران که نفت خوبی دارد کشور از محل نفت سرپا می‌ماند. بنابراین شاخص مطلوب برای ارزیابی اقتصادی شاخص سود اجتماعی است نه اقتصادی. اگر بتوانیم به معادله‌ای برای محاسبه سود اجتماعی برسیم اقتصاد ما نیز بهتر خواهد شد. حرف اصلی این معادله این است که شما حق ندارید به بهانه ایجاد ارزش افزوده [خانواده را تخریب کنید].

انتقال از متن



یکی از حاضرین (۳): ما از ابتدای انقلاب تبیین اعتقادی آنچنانی‌ای نداشتیم، یعنی از ابتدای انقلاب برای تک‌تک انسان‌ها در مورد نظام مفاهیم خود صحبت نکرده و توحید و سایر مفاهیم را به آنها توضیح نداده‌ایم. اصلاً به نظر من الآن وضعیت علم کلام نیز کمی آشفته است؛ یعنی هنوز ما نتوانسته‌ایم به نقشه‌ی دقیقی برسیم تا بتوانیم به وسیله آن معارف دینی را برای مردم توضیح داده و اثبات کنیم. ممکن است مردم در حال حاضر به دین احترام بگذارند ولی شاید این احترام ظاهری باشد، یعنی عمیق نیست. باید مشارکت عقلانی صورت گیرد و از مردم بخواهیم که پای کار آمده و فکر کنند. چون زمان ما زمان فساد است و وقتی زمانه، زمان فساد می‌باشد اگر بتوانیم دین را به مردم بفهمانیم فکر نمی‌کنم چیزی بتواند آن را از بین ببرد. کما اینکه احادیث امام رضا علیه السلام در زمان خودشان - که زمان فساد بوده - احادیث عقل‌گرایی بوده است. با توجه به همه‌ی این مسائل ما باید تبیین اعتقادی داشته باشیم و پروه‌های داشته باشیم و مردم را در آن قرار دهیم و بگوییم که در مورد زندگی خود و جزء جزء آن فکر نموده و مسائل را مطرح کنند. با توجه به اینکه در حال حاضر افراد در مقابل دستگاه‌های فرستنده مانند تلویزیون قرار دارند و اطلاعات را از آنها دریافت می‌کنند به نظر بهتر است ما باید با اینها تعامل دوسویه داشته باشیم و از آنها استفاده کنیم. الآن مگر این همه کار انجام نداده‌ایم ولی با این وجود وقتی با افراد صحبت می‌کنید می‌گویند دین چیست؟ رسماً اهانت می‌کنند.

**حجت‌الاسلام کشوری:** شما دو بحث دارید و بنده از بحث دوم شما شروع می‌کنم. اینکه مردم را در حل مشکلاتشان مشارکت بدهیم حرف پیامبران علیهم السلام و نظام‌سازی اجتماعی است و مدیریت محله‌ای این معنا را محقق می‌کند. ولی وقتی شوراهای شهر و شهرداری به تنهایی کار کردند خودشان ضد مشارکت هستند؛ اگر مدیریت محله‌ای اتفاق بیفتد معنایی که شما می‌گویید تحقق می‌یابد. یعنی مردم را مشارکت داده و جمع‌بندی می‌کنیم که چگونه محیط زندگی خود را اداره کنیم تا از این بحران‌های زیست‌محیطی و خانوادگی‌ای که مدرنیته ایجاد کرده خارج شویم. پس حرف شما حرف درستی است و مصداق آن مدیریت محله‌ای است که ما آن را بحث کرده‌ایم.

بحث دوم این است که در مقام تبیین برای جلوگیری از بدگویی‌ها و گزارش‌های غلط نسبت به کار باید از نظام مقایسه استفاده کنیم. ابتدا حرف خود آنها را مطرح کرده و نقد می‌کنیم. ما در جلسات اول همین کار را انجام دادیم و راجع به مدیریت شهری فعلی مقداری بحث کردیم، البته اگر بحث نکنیم خود شهر وجود دارد و برهم‌ریختگی آن حس می‌شود. مثلاً شما وقتی محله هروی در منطقه ۱۲ را بررسی می‌کنید می‌بینید که یک چالش بزرگ وجود دارد<sup>۲۲</sup> و شهر نمی‌تواند آن را حل کند. حالا اگر ما راه حلی را برای منطقه هروی ارائه دادیم کسی نمی‌تواند با ما مخالفت نظری کند، خود دوستان نیز راه حل ارائه نداده‌اند. بنابراین باید نظام مقایسه ایجاد کنیم. عرض کردم که در حال حاضر مخالفین نمی‌توانند راجع به مدل امنیتی جمهوری اسلامی بدگویی کنند. با اینکه تمام ماهواره‌ها، روزنامه‌ها و دستگاه‌های آنها فعالیت می‌کنند و بسیار مخالف هستند و با بسیج نیز بسیار مخالفت شده است اما الآن عامه مردم از امنیت داخل نظام راضی هستند و اگر دشمنان حرف نظری بزنند نیز تفاوتی نمی‌کند. نظام مقایسه به همین معناست؛ یعنی بحث شما قابلیت مقایسه با طرف مقابل را دارد. نظام مقایسه بحثی است که از فضای نظری شروع شده و به فضای کاربرد می‌رسد؛ نظام مقایسه یعنی هنگام مقایسه از سطح نظری تا کاربرد حالت مقایسه ایجاد کنید تا طرف مقابل بتواند انتخاب کند. به نظر بنده اتفاقاً بحث ما در مدیریت شهری بسیار راحت‌تر و اثرگذارتر است؛ چون آنها تمام بحث‌های خود را مدیریت شهری زده‌اند. همانطور که ما می‌گوییم در کشور آمریکا ۵۰ میلیون نفر کوپن غذا می‌گیرند پس در آنجا عدالت وجود ندارد؛ در بحث مدیریت شهری نیز شهر توکیو را بحث خواهیم کرد. بنده

۲۲. مراد محله هرندی - یکی از محلات منطقه ۱۲ - است و مشکل اصلی آن تعداد زیاد معتادان در این محله است و کلمه هروی به اشتباه گفته شد. مدیرعامل سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های شهرداری تهران از آغاز دور دوم جمع‌آوری معتادان منطقه هرندی در هفته جاری خبر داد. به گزارش خبرگزاری مهر، فرزند هوشیار با بیان این که درواقع هرندی یک کلونی آسیب است، اظهار کرد: در این محله در حال حاضر آرام‌سازی صورت گرفته است. وی با اعلام این که در بازدیدهای شبانه متوجه این امر شدیم که هنوز بیش از ۲ الی ۳ هزار معتاد در محله هرندی وجود دارند، افزود: در حال حاضر در پلاک‌های قرمز ورود پیدا کردیم و مداخلات اجتماعی را شروع کرده‌ایم.

خبرگزاری مهر، کد خبر: ۳۶۱۴۶۸۸

روابط شهری توکیو را مطالعه کرده‌ام و آنها را بحث خواهیم کرد. واقعاً در آنجا زندگی، زندگی خوبی است؟ اتاق‌های الکترونیکی نیم‌متری زندگی خوبی است؟ تخت‌خواب‌های تاشو که از دیوار بیرون می‌آیند، دست‌شویی از دیوار بیرون می‌آید، آشپزخانه در همان نیم متر است! و برای اینکه بشر دچار به‌هم‌ریختگی نشود او را از طریق فضای مجازی به همه‌جا وصل می‌کنند.<sup>۷۳</sup> کلبه‌های الکترونیک تافلر<sup>۷۴</sup> را بحث خواهیم کرد. ما در مدیریت شهری بسیار ملموس‌تر می‌توانیم صحبت کنیم. ان شاء الله بعداً وارد بحث خواهیم شد.

و صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا اَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ ﷺ

۷۳. به پیوست شماره ۱ مراجعه کنید.

۷۴. الوین لویس تافلر (زاده ۱۹۲۸-درگذشته ۲۰۱۶)، نویسنده و آینده‌پژوه آمریکایی بود.

### پیوست شماره ۱

طراحی این منازل کوچک به این شرح است که در فضایی به مساحت حدود ۱۰ مترمربع و در چندطبقه ساخته می‌شوند، آجرها به قدری باریک هستند که تنها فضای بخش‌های مختلف منزل را از هم جدا می‌کنند و جعبه‌های فلزی متعددی وجود دارند که به نحوی در هم ادغام شده‌اند تا با چیده شدن در فضایی کوچک و به شکلی پیچیده ولی در عین حال کم‌جا و کارآمد، فضای لازم برای قراردادن وسایل را مهیا کنند.

ساخت مکانی برای نگهداشتن وسایل اضافی مانند کم‌دیواری یا انباری یکی از مشکلات بزرگ طراحان بوده است البته وقتی که مجبور به کار در فضاهای کوچک باشند، اما در طراحی این منازل ژاپنی با ایجاد طبقات مختلف در کل ساختمان (چند طبقه ساختن آن) هم به معماری منزل کمک می‌شود هم فضای اضافی برای نگهداری وسایل ایجاد می‌شود.



## فهرست تفصیلی مطالب

۱. مدیریت محله محور (تأمین نیازهای خانوار در محله)؛ تعریف مطلوب مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی بر مبنای فلسفه مدیریت شهری ..... ۱
- ۱/۱. لزوم دستیابی به فلسفه مدیریت شهری به منظور دستیابی به تعریف مطلوب مدیریت شهری ..... ۱
- ۱/۲. ارتقا امر تربیت؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۲
- ۱/۲/۱. اثرگذاری مدیریت شهری به عنوان یک عامل بیرونی بر نهاد خانواده به عنوان نهاد اصلی تربیت؛ ارتباط بین مدیریت شهری و امر تربیت ..... ۲
- ۱/۳. مدیریت شهر به محوریت محلات (محله به معنای محل تأمین نیازهای خانوار)؛ تعریف مطلوب مدیریت شهری مبتنی بر فلسفه ارائه شده ..... ۲
۲. مدل تأمین نیاز؛ شاهره هدایت یا ضلالت انسان‌ها و لزوم بازتعریف هرم نیازهای خانوار و مدل تأمین این نیازهای در جهت ارتقای توحید ..... ۲
- ۲/۱. مدل تأمین نیازهای خانوار؛ شاه کلید ارتقا ایمان افراد و مؤمن‌ترکردن آنها ..... ۲
- ۲/۱/۱. رفع نیازهای عاطفی و جنسی انسان‌ها از طریق نهاد خانواده؛ نمونه‌ای از اثرگذاری مدل تأمین نیازها در ارتقا ایمان افراد ..... ۳
- ۲/۱/۱/۱. کنترل شحّ افراد در خانواده و در نتیجه رسیدن آنها به فلاح و رستگاری؛ عامل ارتقا ایمان افراد در صورت رفع نیازهای جنسی و عاطفی با مدل ازدواج ..... ۳
- ۲/۲. اثرگذاری بیشتر مکانیزم‌های غیر بیانی و هدایت افراد و شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی ذیل نظامات اجتماعی؛ دلیل اثرگذاری مدل تأمین نیاز بر هدایت انسان‌ها ..... ۴
- ۲/۲/۱. تغییر سبک زندگی افراد در صورت اجیرشدن و استخدام‌شدن آنها برای تأمین نیاز شغلی؛ نمونه‌ای از تأثیرگذاری نظامات اجتماعی بر زندگی افراد ..... ۵
- ۲/۳. لزوم بازتعریف هرم نیازهای خانوار و مدل تأمین این نیازها در مسیر ارتقا توحید ..... ۵
۳. ایجاد نکردن عقده‌های روحی و روانی برای افراد از طریق عدم سخت‌گیری در هفت‌سال اول زندگی، بهبود روابط انسانی فرد در هفت‌سال دوم زندگی؛ تعریف تفریح در راستای ارتقا توحید انسان‌ها ..... ۷
- ۳/۱. تفریح؛ رأس هرم نیازهای خانوار به دلیل ایجاد شوق و انگیزه‌ی حرکت در افراد توسط تفریح ..... ۷
- ۳/۲. عدم ممانعت از بازی‌کردن کودک در هفت‌سال اول زندگی برای جلوگیری از عقده‌های کور در کودکان؛ اولین کار برای ایجاد فرح مطلوب در افراد ..... ۸
- ۳/۲/۱. منع‌کردن کودکان از بازی در مهد کودک‌ها به بهانه مواظبت از آنها؛ یکی از عوامل ضدّ فرح در شهرهای مدرن ..... ۹
- ۳/۲/۲. کوچک‌نشدن افق زندگی افراد؛ نتیجه عدم جلوگیری از بازی‌کردن کودکان در هفت‌سال اول زندگی ..... ۹
- ۳/۳. بهبود روابط انسانی افراد در هفت‌سال دوم و در نتیجه به چالش‌نکشیدن انسان‌ها توسط فرد و ایجاد خوشحال و فرح در افراد از این طریق؛ فعالیت دوم مورد نیاز برای ایجاد فرح مطلوب در افراد ..... ۱۰
- ۳/۳/۱. انتقال مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام به فرزند؛ وظیفه اصلی پدر و مادر در هفت‌سال دوم زندگی ..... ۱۱
- ۳/۳/۲. بهبود روابط انسانی افراد بر مبنای گفتار اهل بیت علیهم‌السلام و در نتیجه به چالش‌کشیده‌نشدن انسان‌ها؛ نتیجه جا انداختن مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام ..... ۱۲
- ۳/۴. اسب‌دوانی، تیراندازی و شنا؛ سه ورزش ایجادکننده فرح در انسان ..... ۱۴

۳/۵. ازدواج؛ مهم‌ترین و بهترین عامل فرح و تفریح و عدم خوشحال‌شدن افراد مجرد به معنای واقعی در صورت رفتن به پارک و شهربازی..... ۱۵

۳/۳/۲/۱. نگاه‌نکردن پیامبر ﷺ در سفره غذا به افراد و صحبت‌نکردن با کسی برای جلوگیری از به چالش کشیده‌شدن طرف مقابل؛ یکی از موارد بهبود روابط انسانی..... ۱۵

۳/۳/۲/۲. کمک به فقرا و رسیدگی به نیازمندان؛ از دیگر موارد بهبود روابط انسانی و ایجاد فرح برای کمک‌کننده و کمک‌شونده در اثر این بهبود رابطه انسانی..... ۱۶

پرسش و پاسخ ..... ۱۸

۱. ایجاد کارآمدی توسط مدیریت شهری در یک یا چند محله؛ عامل جذب افراد غیر مؤمن به سمت مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی و تعمیم این نوع از مدیریت شهری..... ۱۸

۲. غیر متمرکز بودن حکومت و عدم نیاز به بسیاری از شغل‌ها؛ راهکار فراهم کردن نیازهای شغلی در محله..... ۱۹

۳. تبیین همراه با نظام مقایسه و نشان‌دادن خرابی‌ها کشورهای توسعه‌یافته‌ی غربی؛ عامل جذب افراد به سمت مباحث مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی و جلوگیری از ارائه گزارش‌های غلط نسبت به مباحث مدیریت شهری..... ۲۱

پیوست شماره ۱..... ۲۸



---

## جلسه هشتم

---

راه‌اندازی الگوهای تولید خانوادگی به محوریت صله رحم؛ مدل مطلوب  
تأمین نیازهای شغلی و رفع تعارض منافع کارگر و کارفرما در این مدل



۱۳ تیرماه ۱۳۹۵

نشست تبیین مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

**عنوان جلسه هشتم و تدوین گران:** راه‌اندازی الگوهای تولید خانوادگی به محوریت صلح رحم؛ مدل مطلوب تأمین نیازهای شغلی و رفع تعارض منافع کارگر و کارفرما در این مدل / ابوالفضل آریان‌پور - سجاد حسن‌زاده  
ارائه‌دهنده‌ی جلسه: حجت‌الاسلام و المسلمین علی کشوری

تاریخ جلسه: ۱۳۹۵/۰۴/۱۳ مکان جلسه: تهران - مدرسه علمیه مروی

حاضرین در جلسه: جمعی از طلاب حوزه علمیه مروی و پژوهشگران اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

مشخصات اثر: ۲۷ صفحه رنگی (۲۱\*۲۹،۷ س.م) تاریخ انتشار: مرداد ماه ۱۳۹۵

**اجمالی از جلسه:** در جلسات گذشته بحث به این نقطه رسید که مدیریت شهری مطلوب باید هرم نیازهای خانوار را در محله تأمین کند تا اعضای خانواده بیشتر کنار یکدیگر باشند. اما سؤالی که پیش می‌آید این است که هرم نیازهای خانوار چیست و با چه مدلی باید این نیازها را تأمین کنیم؟ این بحثی است که در دو جلسه گذشته به آن پرداخته‌ایم. همانطور که بیان شد ما باید مدل تأمین نیازهای خانوار را به گونه‌ای انتخاب کنیم که موجب ارتقا توحید در افراد شود. بنابراین با توجه به این مسأله به بازتعریف هرم نیازهای خانوار پرداختیم. اولین نیاز و صدر هرم نیازهای خانوار، نیازهای تفریحی است. تفریح به این معناست که باید عوامل کسالت افراد را به صورت حداکثری برطرف کنیم تا آنها خوشحال باشند. برای این منظور باید دو دوره از زندگی افراد را جدی بگیریم. دوره‌ی اول هفت‌سال نخستین زندگی است؛ در این هفت‌سال نباید جلوی بازی کردن کودکان را بگیریم؛ چرا که موجب ایجاد عقده‌های روحی و روانی می‌شود. دوره‌ی دوم، هفت‌سال دوم زندگی است. وظیفه اصلی در این دوره، بهبود روابط انسانی افراد بر محوریت آیات و روایات است. اگر افراد روابط انسانی خوبی داشته باشند یکدیگر را به چالش نمی‌کشند و در نتیجه خوشحال خواهند بود.

دومین نیاز از هرم نیازهای چهارگانه خانوار، نیازهای شغلی است. پیش از تبیین مدل اشتغال مطلوب باید گفت که مدل اشتغال فعلی دو اشکال دارد و به همین دلیل باید آن را تغییر دهیم. اشکال اول محوریت تحریک مادی و حرص در سازماندهی افراد و تأمین اشتغال است. در مدل‌های اشتغال موجود به انحاء مختلف حرص انسان‌ها را تحریک می‌کنند؛ به عنوان مثال اضافه کاری، فیش‌های حقوقی و تئوری‌های بهره‌وری نمونه‌ای از این تحریک‌های مادی هستند. این مدل‌ها حرص را تحریک می‌کنند و باید توجه داشته باشیم که حرص، یکی از سه پایه کفر است. اشکال دوم مدل‌های فعلی تأمین شغل، تعارض منافع کارگر و کارفرماست که از اشکال اول متولد می‌شود. با توجه به اینکه محور در بنگاه‌های تولیدی فعلی تحریک مادی و تحریک حرص افراد است، کارفرماها و سرمایه‌داران تا یک حد و مرزی منافع کارگر خود را حفظ می‌کنند اما اگر حفظ منافع آنها موجب کم شدن سود اقتصادی کارفرما شود، منافع کارگران را به چالش می‌کشند. همچنین کارگران همواره با خود فکر می‌کنند که چرا من باید کار کنم و سود آن را دیگر ببرم. خلاصه در مدل‌های اشتغال فعلی اصطکاک اراده‌ها پیش می‌آید و وقتی اصطکاک اراده‌ها پیش آمد جامعه اسلامی توان خود را از دست می‌دهد.

راهکار حل این مشکلات استفاده از مدل‌های تولید خانوادگی است؛ در این مدل افراد کارگروه تولیدی اعضای یک فامیل هستند و با توجه به اینکه در فامیل رفق و محبت حاکم است، تعارض منافع پیش نمی‌آید و افراد به حق یکدیگر تجاوز نمی‌کنند، و حتی اگر تعارضی پیش بیاید از درون حل می‌شود نه با سندیکاهای کارگری.

راه‌اندازی الگوهای تولید خانوادگی به محوریت صلح رحم؛ مدل مطلوب تأمین

نیازهای شغلی و رفع تعارض منافع کارگر و کارفرما در این مدل

تدوین گران: ابوالفضل آریان‌پور - سجاد حسن‌زاده

تاریخ انتشار: مرداد ماه ۱۳۹۵

ویراست اول

## فهرست اجمالی مطالب

۱. لزوم بازتعریف هرم نیازهای خانوار به دلیل جهت‌دهی نیازهای افراد به زندگی آنها و ارتقا توحید یا شرک در افراد ..... ۱
۲. عدم ایجاد چالش روحی در افراد در هفت‌سال اول زندگی و جلوگیری از اصطکاک انسان‌ها با بهبود روابط انسانی در هفت‌سال دوم زندگی؛ تعریف حداکثری مفهوم تفریح..... ۳
۳. سازماندهی افراد بر مبنای تحریک حرص و تحریک مادی، ایجاد تعارض بین منافع کارگر و کارفرما؛ دو اشکال عمده مدل‌های فعلی تأمین هرم نیازهای شغلی..... ۸
۴. بنگاه‌های تولیدی خانوادگی؛ راه حل الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت برای حل مشکلات دوگانه‌ی مدل‌های اشتغال فعلی ..... ۱۵
۵. جلوگیری از اصطکاک بین اراده‌ها به عنوان یکی از احکام بنیادین اسلامی؛ ملاک اصلی بازتعریف هرم‌های چهارگانه نیازهای خانوارها..... ۱۸
- پرسش و پاسخ ..... ۲۱
۱. بازتعریف اصل نیاز به برخی از مشاغل مانند پلیس؛ راهکار مدیریت این نوع از مشاغل و مشکل تأمین نشدن این نوع از شغل‌ها در محله ..... ۲۱
۲. عدم کنترل اصطکاک اراده‌ها از پایگاه کنترل حرص؛ تفاوت بنگاه‌های تولید خانوادگی الگوی پیشرفت اسلامی و بنگاه‌های تولید خانوادگی موجود در غرب ..... ۲۲
۳. عدم امکان استفاده از روش‌هایی مانند دورکاری در مشاغل کشاورزی و صنعتی به منظور افزایش زمان در کنار هم بودن اعضای خانواده ..... ۲۲
۴. تمایل بیشتر مردم برای حضور در بنگاه‌های تولید خانوادگی و بی‌معنا شدن مسأله استعداد در یک شغل و عدم استعداد در شغل دیگر به دلیل افزایش زمان حضور در کنار خانواده ..... ۲۳
۵. تربیت؛ عامل اصلی فرح در اسلام به دلیل بهبود روابط انسانی در اثر تربیت درست..... ۲۴
۶. سود اجتماعی؛ منشأ حضور افراد در بنگاه‌های تولید خانوادگی..... ۲۴
- پیوست شماره ۱ ..... ۲۶



راه‌اندازی الگوهای تولید خانوادگی به محوریت صلح و رحم؛ مدل مطلوب تأمین نیازهای شغلی و رفیع تعارض منافع کارگر و کارفرما در این مدل

سازماندهی و راه‌اندازی اشتغال به محوریت تحرک مادی و تحرک حرص افراد به عنوان یکی از سه پایه کفر

ایجاد تعارض بین منافع کارگر و کارفرما و در نتیجه ایجاد نزاع در بین افراد جامعه اسلامی

تحرک افراد بر مبنای رفق و تکلیف

جلوگیری از پایداری شدن حقوق افراد

تأمین هم‌زمان حقوق کارگر و کارفرما

ارتقا عزت در بین همه اعضا فامیل

ارتقا صلح و رحم در بین همه اعضا فامیل

ارتقا فرح در بین تمام اعضا فامیل

تناسب مدل تولیدی خانوادگی با مدل مدیریت شهری محله‌محور

دلیل ضرورت بازتعریف: اثرگذاری بسیاری بالای مدل تأمین نیازهای شغلی در سبک زندگی مردم و هدایت آنها و سوق افراد به سمت غیر توحید در مدل‌های فعلی

ابعاد سوق افراد به سمت غیر توحید در مدل‌های فعلی تأمین شغل

لزوم بازتعریف مدل تأمین نیازهای شغلی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

بنگاه‌های تولید خانوادگی و محوریت رفق و محبت در راه‌اندازی بنگاه‌ها؛ مدل مطلوب تأمین نیازهای شغلی

فواید



### ۱. لزوم بازتعریف هرم نیازهای خانوار به دلیل جهت‌دهی نیازهای افراد به زندگی آنها و ارتقا توحید یا شرک در افراد

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین لا سیما بقیه الله فی الأرضین ارواحنا لتراب مقدمه الفداء و عجل الله تعالی فرجه الشریف.

**۱/۱. حفظ فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت (نهاد خانواده)؛ وظیفه مدیریت شهری**

بحث ما به تبیین هرم نیازهای خانوار رسید و گفتیم که تأمین هرم نیازهای خانوار یکی از سرفصل‌های مهم برای اداره شهر است. در سرفصل‌های قبلی عرض کردیم که وظیفه مدیریت شهری حفظ فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت است.

**۱/۲. نحوه تأمین نیازهای خانوار؛ مهم‌ترین عامل حفظ فضای حاکم بر نهاد متکفل تربیت توسط مدیریت شهری**

اگر وظیفه مدیریت شهری را - بنا بر استدلال‌هایی که در جلسه گذشته عرض کردم - حفظ فضای حاکم بر نهاد خانواده دانستیم، مهمترین عاملی که به این کار کمک می‌کند نحوه تأمین نیازهای خانوار است. مدیریت شهری می‌تواند نیازهای خانوار را به شکلی تأمین کند که خانواده برای تأمین نیازهای خود مجبور شود بیشترین وقت را صرف کند. در اینصورت مقدار وقتی که انسان‌ها صرف تأمین نیازها می‌کنند باعث می‌شود که روابط خانوادگی آنها به صورت هسته‌ای و حداقلی شود.

**۱/۳. تأمین هرم نیازهای خانوار در محله به منظور فراهم کردن زمان بیشتر برای اعضای خانواده برای در کنار هم بودن؛ مدل مطلوب مدیریت شهری**

بنابر مباحثی که در جلسه گذشته عرض کردیم مدیریت شهری باید هرم نیازهای خانوار را در محله تأمین کند تا این نیازها به سرعت و آسانی تأمین شود و افراد مابقی وقت خود را در نهاد خانواده بگذرانند؛ چون نهاد خانواده، نهاد متکفل تربیت و نهاد اصلی مدیریت‌کننده تربیت است. اگر نهاد خانواده برای تربیت وقت نگذارد، مسأله‌ی تربیت را نمی‌توان در جای دیگر پیگیری کرد. پس وقتی می‌گوییم افراد "وقت" داشته باشند و به خانه خود بروند، به دلیل اهمیت مسأله تربیت است.



همانطور که بیان شد همه مسائلی که در جامعه وجود دارند از چگونگی تربیت تأثیر می‌گیرند. به اصطلاح فنی «نقشه راه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، تربیت زیرساخت همه جهت‌سازهاست و بدون توجه به مسأله تربیت همه جهت‌سازها به چالش کشیده خواهند شد. بنابراین مدیریت شهری باید به مدیریت محله‌ای تبدیل شود. فرق مدیریت محله‌ای شهری با مدیریت متمرکز شهری در چیست؟ در این است که مدیریت محله‌ای شهری با مدل تأمین نیازهای خانوار - که در خود گنجانده است - وقت بیشتری را برای افراد به جهت در کنار هم بودن مهیا می‌کند.

وقتی بحث به این نقطه رسید، سرفصل جدیدی باز شد که در واقع زاینده و تولدیافته از سر فصل قبلی است. بحث سرفصل قبلی چه بود؟ بیان می‌کرد مدیریت محله‌ای باید هرم نیازهای خانوار را تأمین کند. حال به صورت طبیعی نخبه و مدیر ما سؤال می‌کند که هرم نیازهای خانوار چیست؟ پس ما باید بحث را به این نقطه هدایت کنیم تا درک روشنی از هرم نیازهای خانوار ارائه کنیم. بنده در دو جلسه گذشته بر روی نکته بسیار مهمی تأکید کردم که در واقع این نکته بسیار مهم مقدمه بازتعریف هرم نیازهای خانوار است. آن نکته بسیار مهم و فنی این است که مدل تنظیم نیازها در واقع یک مدل دو منظوره است؛ هم نیازها را تأمین می‌کند و هم به دلیل اینکه ماهیت نیاز به شکلی است که انسان بسیار به آن وابسته است، فکر انسان را نیز به خود مشغول می‌کند. مثلاً همه انسان‌ها در طول شبانه‌روز به نیازهای شغلی خود فکر می‌کنند، به نیازهای تفریحی، نیازهای تحصیلی و نیازهای روزمره خود نیز فکر می‌کنند.

**۱/۴. لزوم بازتعریف هرم نیازهای خانوار و مدل تأمین آنها به دلیل تفکر دائمی افراد به نیازها و موضوعات غیر قابل انکارشان و در نتیجه تغییر جهت و سبک زندگی آنها در اثر تفکر بر روی نیازها**

اساساً بنابر مباحثی که ما در مبانی نظری الگوی پیشرفت اسلامی مطرح کرده‌ایم، نیازها غیرقابل حذف از شخصیت انسان‌ها هستند و هر امری غیرقابل حذف از شخصیت بود باعث می‌شود که انسان به آن بحث فکر کنند؛ یعنی موضوعات غیرقابل حذف از شخصیت سرچشمه تفکر هستند. پس وقتی راجع به مدل تنظیم نیازها صحبت می‌کنیم در واقع فکر انسان‌ها را هم تحت تأثیر قرار می‌دهیم. یعنی اینطور نیست که فقط نیازهای روزمره تأمین می‌شوند، بلکه به دلیل اینکه نیازهای روزمره غیرقابل حذف از شخصیت هستند، وعاء فکر افراد را درگیر می‌کنند و اگر انسان بر روی موضوعی فکر کند؛ به صورت تدریجی مسیر زندگی او به طبع آن فکر تغییر خواهد کرد؛ در واقع مدل تنظیم نیازها جهت زندگی انسان‌ها را نیز مشخص می‌کند. به بیان دیگر مدل تنظیم نیازها به انسان‌ها کمک می‌کند تا سبک زندگی خود را تغییر دهند و کمک می‌کند که اعتقادات آنها نسبت به مسأله‌ای تضعیف یا تقویت شود. درست است که نیاز او تأمین می‌شود اما از پایگاه تأمین نیاز بر روی تفکر او نیز تأثیر گذاشته می‌شود. بنابراین از منظر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت یک بحث بسیار مهم وجود دارد مبنی بر اینکه مدل تنظیم نیازها باید به چه شکلی باشد.

اگر مدل تنظیم نیازها را غلط انتخاب کردیم، به دلیل اینکه مدل تنظیم نیازها بر روی حوزه فکر انسان‌ها تأثیر می‌گذارد، آرمان‌ها و غایات زندگی آنها تأثیر جدی قرار می‌گیرد. مثلاً در مدل تنظیم نیاز فعلی، انسان‌ها فکر می‌کنند که هدف زندگی همین خوراک و پوشاک و مسکن است. چرا؟ به دلیل اینکه مدرنیته به قدری این نیازها را پیچیده تأمین می‌کند که انسان‌ها وقت نمی‌کنند به مسأله دیگری فکر کنند. ممکن است شغل انتخاب کنند اما به دلیل اینکه عدالت در مدل تنظیم اقتصادی فعلی اصل وجود ندارد، حتی وقتی درآمد هم کسب می‌کند همچنان ذهن او مشغول است و به عنوان مثال به فیش‌های حقوقی فکرده و همیشه از خود سؤال می‌کند که چرا باید برخی در

**۱/۴/۱. محدود شدن فکر انسان‌ها به خوراک، پوشاک و مسکن در زمان فعلی به دلیل پیچیده بودن تأمین این نیازها در مدرنیته؛ نمونه‌ای از اثرگذاری مدل تأمین نیازها در سبک زندگی افراد**



جامعه ۵۶ میلیون حقوق بگیرند اما من باید یک میلیون حقوق بگیرم؟ اگر مدل تنظیم نیازها درست نباشد دائماً برای انسان‌ها مشغولیت درست می‌کند.

**۱/۴/۲. احساس خسارت انسان‌ها نسبت به آموزش‌های دوران تحصیل خودشان در مدرسه و احساس اتلاف وقت؛ نمونه‌ای دیگر از مشغول شدن ذهن انسان‌ها به وسیله مدل تأمین نیاز**

در بقیه نیازها هم به همین شکل است؛ مثلاً وقتی مدل تأمین نیازهای تحصیلی درست تنظیم نشود انسان‌ها آموزش‌های لازم را ندیده و آموزش‌های غیر ضروری را یاد خواهند گرفت و لذا بسیاری از دانش‌آموزان از خود سؤال می‌کنند آموزش‌هایی که ما در مدرسه خوانده‌ایم چه فایده‌ای برای ما داشته است؟ این مدل حتی نمی‌تواند با دانش‌آموز تفاهم کند که برای چه باید این درس‌ها را بخواند؟ لذا معمولاً اینطور است که انسان‌ها نسبت به دوران تحصیلی‌ای که داشته‌اند احساس خسارت کرده و فکر می‌کنند که زندگیشان به هدر رفته است؛ زیرا می‌توانستند مطالب مهمتری را یاد بگیرند و ذهن خود را مشغول چیزهای مهم‌تری کنند. خیلی مهم است که افراد چه دیدی نسبت به تنظیم نیازهای خود دارند.

**۱/۴/۳. لزوم تأمین نیازهای انسان‌ها در راستای ارتقاء توحید به دلیل آیه فَأَقْرِبْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً (روگردن به خدا در تمام ابعاد زندگی)**

با توجه به این مسأله که مدل تنظیم نیازها می‌تواند انسان را به توحید و خداپرستی برساند خداوند می‌فرماید: اعوذ بالله من الشیطان الرجیم «فَأَقْرِبْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً»<sup>۱</sup> خداوند فرمود: «فَأَقْرِبْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ» یعنی رو به خدا کنید. وقتی انسان وجه خود را به سمت خدا برد یعنی در همه بخش‌های زندگی به سمت او حرکت کرده است. این اقامه‌ی وجه و اینکه انسان رو به خدا کند شامل همه ابعاد زندگی او می‌شود و به این شکل نیست که مثلاً شما در محیط قلبی خود به خدا توجه داشته باشید اما بعد در مسائل اقتصادی به دین عمل نکرده و به سمت خدا اقامه‌ی وجه نکنید. در فرقه‌ی بعد آیه می‌فرماید: «فَطَرَتِ اللَّهُ النَّاسَ عَلَیْهَا»؛ خداوند متعال انسان‌ها را به این شکل خلق کرده است؛ یعنی وقتی راحت هستند که در همه ابعاد به خدا توجه کنند. اگر شما در یک بُعد توجه کردید و در یک بعد دیگر توجه نکردید، بُعدی که خداپرستی در آن اقامه نشده بُعد دیگر را به چالش خواهد کشید. لذا در ادبیات دینی گفته می‌شود که معمولاً انسان‌ها به شرک خفی دچار هستند. شرک خفی یعنی انسان قصد توحید دارد؛ اما نمی‌تواند همه ابعاد وجود خود را براساس توحید بازتعریف کند. به نظر ما ریشه‌ی اصلی تحقق شرک خفی مدل معاش و زندگی افراد است؛ انسان‌ها مجبور می‌شوند در مدل زندگی دیگران را ربّ خود بدانند و به همین دلیل این حالات در انسان ایجاد می‌شود.

## **۲. عدم ایجاد چالش روحی در افراد در هفت‌سال اول زندگی و جلوگیری از اصطکاک انسان‌ها با بهبود روابط انسانی در هفت‌سال دوم زندگی؛ تعریف حداکثری مفهوم تفریح**

**۲/۱. نیازهای تفریح؛ رأس هرم نیازهای خانوار**

حالا بنده با توجه به این معنا اولین بخش از نیازهای انسان را بازتعریف کردم و بنابراین از طریق تأمین نیازها و از طریق آن که می‌خواهید فقر خود را برطرف کنید، الی الله حرکت می‌کنید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا الْفَقْرَاءَ إِلَى اللَّهِ»<sup>۲</sup> به سوی خدا حرکت می‌کنید. در جلسه گذشته عرض کردم اولین جایی

۱. فَأَقْرِبْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتِ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَدِيمُ وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ / آیه ۳۰ سوره روم

پس [با توجه به بی‌پایه بودن شرک] حق‌گرایانه و بدون انحراف با همه وجود به سوی این دین [توحیدی] روی آور، [پای بند و استوار بر] سرشت خدا که مردم را بر آن سرشته است باش برای آفرینش خدا هیچگونه تغییر و تبدیلی نیست؛ این است دین درست و استوار؛ ولی بیشتر مردم معرفت و دانش [به این حقیقت اصیل] ندارند.

۲. يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا الْفَقْرَاءَ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ / آیه ۱۵ سوره فاطر



که باید بازتعریف گردد تا فقر انسان "الی الله" تعریف شود و با مدل تأمین نیاز خود به سمت خدا حرکت کند، نیازهای تفریحی است.

نکته مهمی که دیروز عرض کردم این است که اگر فرح یا خوشحالی یا با انگیزه و سرحال بودن - همه این موارد کلمات مترادف و نزدیک به هم هستند - در انسانی به وجود نیامد، تحرک انسان در جامعه به همراه کسالت خواهد بود؛ وقتی در کسی حالت فرح نباشد بر همه زندگی او کسالت حاکم می‌شود. لذا فرمود: «ایاک والکسل فإنه یضرب بالدين والدنيا»<sup>۳</sup>؛ اگر انسان دچار کسالت شده و فرح نداشته باشد دین و دنیای او ضربه می‌خورد. بنابراین وقتی راجع به هرم نیازهای خانوار صحبت می‌کنیم، در صدر این هرم حتماً نیازهای تفریحی مطرح می‌شود.

### ۲/۲. تفریح یعنی از بین بردن حداکثری عوامل کسالت انسان‌ها

تفریح یعنی عاملی که کسالت انسان را از بین می‌برد. این معنایی که بنده عرض کردم یک بحث جدی است؛ اگر شما قدرت بر طرف کردن کسالت را در جامعه نداشته باشید حتی - به اصطلاح رکبیک - بهره‌وری محیط‌های شغلی هم پایین خواهد آمد. مسأله رفع کسالت که از طریق تفریح و ایجاد فرح انجام می‌گیرد، صدر نیازهای خانوار است. در یک خانواده‌ی خوب تفریح اصل است. منتهی ما بیان کردیم که تفریح آن چیزی نیست که در حال حاضر درک می‌شود؛ یعنی به اصطلاح تفریح‌های موجود در بر طرف کردن مسأله کسالت اثر حداقلی دارند. لذا باید تفریح و نحوه‌ی تأمین آن را به شکلی تنظیم کنیم که کسالت انسان‌ها به شکل حداکثری برطرف شود.

### ۲/۲/۱. ازدواج و ارتباط با همسر؛ یکی از عوامل اصلی از بین بردن عوامل کسالت

بنده روز گذشته مثال زده و بیان کردم که مثلاً خانواده اصل در سکینه، آرامش و رفع کسالت است؛ ارتباط با همسر - ارتباط عاطفی، ارتباط جنسی و ارتباط اخلاقی - اصل در رفع کسالت و ایجاد سکینه است. اما در تمدن مدرنیته سن ازدواج را به ۳۰ سال می‌رسانند<sup>۴</sup> و مثلاً یک پارک آبی هم درست می‌کنند و می‌گویند شما به پارک یا شهرسازی بروید و تفریح کنید؛ یعنی به صورت بنیادین عامل رفع کسالت که خانواده است را به چالش می‌کشند و به صورت حداقلی یک پارک تعریف می‌کنند و می‌گویند: این مکان تفریحگاه محله است، این یعنی شما انسان را نشناخته‌اید؛ زیرا

ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدائید؛ تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هر گونه حمد و ستایش است!

۳. قال امام باقر علیه السلام: **الکسل یضرب بالدين والدنيا**.

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: تنبلی به دین و دنیا زیان می‌زند.

مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار الإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق. ج ۷۵، ص ۱۸۰

۴. میانگین سن ازدواج در ازدواج اول در چند کشور توسعه‌یافته به شرح ذیل است: این آمار مربوط به سال ۲۰۱۰ می‌باشد.

ایالات متحده: مردان ۲۹، زنان ۲۷

انگلستان: مردان ۳۲، زنان ۳۰

فرانسه: مردان ۳۱، زنان ۳۰

ایتالیا: مردان ۳۳، زنان ۳۰

اسپانیا: مردان ۳۳، زنان ۳۱

سوئد: مردان ۳۵، زنان ۳۳

سوئیس: مردان ۳۱، زنان ۲۹

فنلاند: مردان ۳۲، زنان ۳۰

آلمان: مردان ۳۳، زنان ۳۰

منبع: وبسایت کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای اروپا به آدرس:

[http://w3.unece.org/PXWeb2015/pxweb/en/STAT/STAT\\_30-GE\\_02-Families\\_households/052\\_en\\_GEFHAge1stMarige\\_r.px/table/tableViewLayout1/?rxid=e248c592-2c41-41b0-9962-3a4da2f420eb](http://w3.unece.org/PXWeb2015/pxweb/en/STAT/STAT_30-GE_02-Families_households/052_en_GEFHAge1stMarige_r.px/table/tableViewLayout1/?rxid=e248c592-2c41-41b0-9962-3a4da2f420eb)

وقتی همین انسان از پارک یا محیط دوستان بیرون رفت - البته اگر بتواند در محیط دوستان لبخند بزند، زیرا از درون به چالش کشیده شده است و حتی در محیط دوستان نیز انسان مطلوبی تلقی نمی‌شود - دوباره در خلوت هنوز غم درون سینه وجود دارد. پس نباید عوامل رفع کسالت را روبنایی تعریف کنیم. لذا مدیریت تفریح در اسلام یا مدیریت ایجاد فرح در انسان‌ها به این سمت می‌رود که تفریح و رفع کسالت را عمیق معنا کند.

### ۲/۳. جلوگیری از ایجاد عقده و چالش روحی در فرد از طریق عدم جلوگیری از بازی کردن او در هفت سال اول زندگی؛ اولین ابزار رفع عوامل کسالت در افراد

اولین دوره‌ای که در رفع کسالت انسان‌ها تأثیر گذاشته و فرح ایجاد می‌کند دوران شکل‌گیری شخصیت آنهاست. رفتار پدر و مادر در هفت سال اول تربیت فرزند می‌تواند تا آخر عمر کسالت را به صورت بنیادین از فرزندان دور کند. البته پدر و مادر می‌توانند طوری با فرزند خود در هفت سال اول رفتار کنند که او دائماً دچار عقده و چالش‌های روحی شود. وقتی انسانی دچار عقده روحی بود، عقده‌ی روحی او به راحتی بر طرف نخواهد شد و یک عمر با انسان خواهد بود. لذا انسان یک عمر به خاطر دوران کودکی و تأثیراتی که این دوران بر شخصیت او داشته است کسالت پیدا می‌کند. اهل بیت علیهم‌السلام حکیمانانه فرموده‌اند که «الْوَالِدُ سَبْعُ سِنِينَ»<sup>۵</sup>، «الْوَالِدُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ»<sup>۶</sup>. اگر پدر و مادر بازی فرزند خود را در هفت سال اول به رسمیت بشناسند این کار باعث می‌شود که شخصیت فرزند به صورت متعادل پایه‌گذاری شود. نباید فرزند را از بازی منع کرد؛ اگر بررسی کنید، تعداد قابل توجهی از انسان‌هایی که نخبه بوده یا به آرمان‌های بزرگ فکر می‌کرده‌اند در دوران کودکی یک دوره‌ی پر از هیجان و بدون مانع را سپری نموده‌اند.<sup>۷</sup>

### ۲/۴. رفع اصطکاک بین اراده‌های انسان‌ها از طریق بهبود روابط انسانی آنها در هفت سال دوم زندگی؛ دومین مهم‌ترین عامل رفع عوامل کسالت در انسان‌ها

در جلسه گذشته بیان شد مهمترین عاملی که در جامعه کسالت ایجاد می‌کند اصطکاک بین اراده‌ها است. وقتی اراده‌ها بر مبنای آداب و ادب با همدیگر برخورد نکردند ارتباط آنها با یکدیگر باعث ایذاء و اذیت طرفین ارتباط می‌شود؛ اگر ادب نباشد، اراده‌ها همدیگر را به چالش خواهند کشید. برخی حتی نمی‌توانند دو کلمه حرف بزنند و وقتی دو کلمه سخن می‌گویند طرف مقابل آنها ناراحت و اذیت می‌شود و به چالش کشیده می‌شود. اسلام به ما فرموده است که در برخورد اول، اولین کلمه‌ای را که به کار می‌برید کلمه‌ی سلام باشد؛<sup>۸</sup> یعنی به طرف مقابل بگویید من سلامت شما را می‌خواهم، با شما در صلح هستم. بعد همچنین فرمودند که با حالت افشاء سلام بگویید<sup>۹</sup> و

۵. وَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: الْوَالِدُ سَبْعُ سِنِينَ وَعَبْدُ سَبْعِ سِنِينَ وَوَزِيرُ سَبْعِ سِنِينَ فَإِنْ رَضِيَتْ خَلَاتُهَا لِإِخْدَى وَعَشْرِينَ وَإِلَّا فَاصْرَبْ عَلَى جَنْبِهِ فَقَدْ أَعْذَرْتَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: فرزند هفت سال سرور و آقا است، هفت سال فرمان‌بردار است و هفت سال وزیر است.

مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار الإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق. ج ۱۰۱، ص ۹۵

۶. محمد بن یعقوب، عن أحمد بن محمد العاصمی، عن علی بن الحسن، عن علی بن أسباط، عن عمه یعقوب بن سالم، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: الغلام يلعب سبع سنين ويتعلم الكتاب سبع سنين ويتعلم الحلال والحرام سبع سنين.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: فرزند هفت سال بازی کند، هفت سال قرآن و هفت سال حلال و حرام یاد بگیرد.

حرّعاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة، قم، انتشارات الاحیاء التراث، ج ۲۱، ص ۴۷۵

۷. البته به دلیل اینکه اختیار در انسان اصل است موارد استثنایی هم وجود دارد اما به صورت طبیعی متغیر اصلی همین دوره شکل‌گیری شخصیت است.

انتقال از متن

۸. علی بن ابراهیم، عن أبيه، عن النوفلي، عن السكوني، عن أبي عبد الله علیه‌السلام قال: قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ابدؤا بالسلام قبل الكلام قبل السلام فلا تجيبوه.

امام صادق علیه‌السلام از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل فرمودند که: قبل از کلام سلام بگویید. پس هر کسی قبل از سلام صحبت کرد به او پاسخ ندهید.

کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تهران، انتشارات دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق. ج ۲، ص ۶۴۴، ح ۲

۹. عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ إِفْشَاءَ السَّلَامِ.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: خداوند سلام کردن به شکل آشکارا را دوست دارد.

کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تهران، انتشارات دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق. ج ۲، ص ۶۴۵



سرسنگین سلام نکنید، بلکه با افشاء و بلند بگویید: "سلام علیکم و رحمه الله و برکاته، بسیار خوشبختم که شما را ملاقات کردم، چون دیشب بنده نماز شب خواندم توفیق پیدا کردم امروز شما را دوباره زیارت کنم." به قول ریکام امروزی با این کار انرژی مثبت به طرف مقابل می‌دهید.<sup>۱۰</sup> پس اگر اصطکاک بین اراده‌ها را مدیریت نکردیم، انسان‌ها در ارتباطات خود به دنبال استثمار و ظلم به همدیگر خواهند بود و این، بزرگ‌ترین منشأ کسالت است. پس هفت‌سال دوم که هفت سال آداب و ادب می‌باشد زیرساخت تفریح در اسلام است. به دلیل اینکه وقتی شما فرزند خود را با آداب و ادب بار آورید [او افراد جامعه را به چالش نخواهد کشید].

بیان شد مهمترین ادبی که انسان باید در هفت سال دوم یاد بگیرد مرجعیت علمی قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام است؛ یعنی نباید ادب را حداقلی معنا کرد و گفت ادب یعنی این است که یک نفر فقط سلام کند، بلکه ادب در کلام و ادب در ظاهر ارتباطات بسیار مهم است؛ اما اصل قضیه این است که مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام در انسان‌ها جا بیفتد. پدر و مادر باید با امکاناتی که در اختیار دارند مرجعیت علمی قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام را در طول هفت‌سال دوم فرزند برای او جا بیندازند. مهمترین امکان پدر و مادر دو چیز است؛ رفیق پدر و مادر و وقت آنها. بعضی از مفاهیم را با یک‌بار گفتن نمی‌توان جا انداخت و نیاز به ذکر دارند و باید دائماً در بازه‌های مختلف و با غسل محبت بیان شوند. پدر و مادر دو ابزار بسیار قدرتمند در دست دارند که در اختیار هیچ‌کس دیگری نیست؛ یکی محبتی که به فرزند خود دارند و می‌توانند بوسیله این محبت تا باطن فرزند تصرف کنند و اعمال و آداب را به او انتقال دهند.

۲/۴/۱. مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام؛ مهم‌ترین آموزه هفت‌سال دوم زندگی برای بهبود روابط انسانی

فرض کنید پدر و مادری به فرزند خود یاد که داد «مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»<sup>۱۱</sup> با توجه به اینکه انسان‌ها دچار نیاز هستند، مدام فکر می‌کنند که ما با چه چیزی حساب پیدا کنیم و چه چیزی ما را احتساب می‌کند؟ این حالت درونی انسان‌هاست و به دنبال تکیه‌گاهی می‌گردند، حالت احتساب حالتی است که انسان‌ها به دنبال آن می‌باشند. احتساب به صورت ساده یعنی اینکه آدم بر روی کسی حساب می‌کند؛ آدم‌ها همیشه به دنبال یک نفر می‌باشند که بر روی او حساب کنند.<sup>۱۲</sup> مثلاً پدر به فرزند خود می‌گوید: فرزندم خداوند متعال فرموده حالت احتساب را با خود خدا حل کن؛ آن کسی که همیشه می‌توانی بر روی او حساب کنی یک نفر است. اگر پدر این موضوع را در فرزند خود جا انداخت - به دلیل اینکه یک روز از خانواده جدا می‌شود و خودش باید مشکلات را حل کند - توکل در او جا می‌افتد و بعدها برای حل نیازهای خود به سمت الی الله رفته و هرگز به جای دیگر نمی‌رود. قبلاً بیان شد از جمله عواملی که باعث می‌شود انسان «أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ»<sup>۱۳</sup> را درک کرده و به سمت خدا برود، همین درک از محیط‌های احتساب است. با اینکه ممکن است لفظ آن را تازه شنیده باشید اما این معنا در درون همه‌ی آدم‌ها وجود دارد؛ آدم‌ها در نهان خود محیط‌های

۲/۴/۲. انتقال مسأله توکل بر خدا و معرفی خداوند به کودک به عنوان بهترین احتساب و پشتیبان فرد؛ یکی از آداب هفت‌سال دوم زندگی و جلوگیری از عدم تعادل فرزندان با انتقال این گزاره به آنها

۱۰. البته تعاریفی [مانند انرژی مثبت] همه ناقص هستند.

انتقال از متن

۱۱. وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا / آیه ۳ سوره طلاق و او را از جایی که گمان نمی‌برد روزی می‌دهد و کسی که بر خدا توکل کند، خدا برایش کافی است، [او] خدا فرمان و خواسته‌اش را ابه هر کس که بخواهد [می‌رساند؛ یقیناً برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.

انتقال از متن

۱۲. البته احتساب را به صورت عرفی معنا کردم و گرنه حَسَبَ به باب رفته و معنای دقیقی پیدا کرده است.

۱۳. يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ / آیه ۱۵ سوره فاطر  
ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدائید؛ تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هرگونه حمد و ستایش است!



احتسابی برای خود تعریف می‌کنند و این کار منشأ نگرانی‌های جدی خواهد شد؛ زیرا بر روی کسی حساب می‌کنند که واقعاً نمی‌شود بر روی او حساب کرد. حال شما این تعلیم حیاتی احتساب را در نظر بگیرید؛ در اینصورت وقتی آیات خمس را خواندیم، خواهیم فهمید که احتساب اصل است.<sup>۱۴</sup> اصلاً در بسیاری از عبادات احتساب اصل است؛ اما به دلیل اینکه احتساب درک نمی‌شود آن احکام هم درک نمی‌گردد. حالا فرض کنید پدری این موضوع را در فرزند خود جا می‌اندازد که پسر بر روی کسی حساب کن که ارزش حساب کردن داشته باشد؛ آیه شریف می‌فرماید: «مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»؛ این خیلی معنای بزرگی است که انسان بفهمد چه کسی او را حساب کرده و کفایت می‌کند و باید بر روی چه کسی حساب کند.

حالا فرض کنید در فرزند این معنا در دوره دوم زندگی جا افتاد، در اینصورت چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ اتفاقی که می‌افتد این است که این فرزند در مقام مشکلات بهم نمی‌ریزد. می‌دانید منشأ اصلی اصطکاکات، عدم تعادل طرفین است. بنده تقسیم علوم و طبقه‌بندی علوم را به روانشناسی، جامعه‌شناسی و این طبقه‌بندی‌های فعلی را قبول ندارم و قبلاً دلیل این امر را عرض کرده‌ام؛ لکن ما در مورد تحرک روان انسان‌ها معنایی داریم که این آیه زیرساخت تحلیل معانی روانشناسی است. قرآن آیات مربوط به احتساب و حسب را بحث کرده است، خداوند متعال با باطن و نهان آدم‌ها و مخلوقات صحبت می‌کند. آدم‌ها در درون خود بحران دارند، زیرا فقیر هستند. فقیر به همین شکل است و مدام در درون خود فکر می‌کند که فقر من به چه شکلی برطرف خواهد شد؟ اگر شما مفهوم احتساب و مفهوم اینکه باید بر روی چه کسی حساب کنید را در فرزند خود جابیندازید، دیگر شخصیت او به دلیل این اعتماد و احتسابی که وجود دارد، نامتعادل نخواهد شد. قرآن می‌فرماید فَهُوَ حَسْبُهُ؛ اگر انسان به این شکل نباشند بقیه را به چالش خواهد کشید.

شما در برخوردهای روزانه دیده‌اید که مهمترین مشکل انسان‌ها این است که با یک فرد نامتعادل روبرو هستند. او غیر فنی ورود می‌کند و غیر فنی خارج می‌شود. این مسأله خصوصاً در مسئولیت‌های جبهه توحید بسیار آزار دهنده است. شخص به این دلیل اینکه آرام نیست و سکینه ندارد نمی‌تواند ایستادگی کند و لذا در جنگ و جهاد کار خیلی سخت‌تر می‌شود. به همین دلیل قرآن می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۱۵</sup> اولین چیزی که خداوند متعال به مؤمنین می‌دهد سکینه است. مؤمن در درون خود استقامت دارد و به همین دلیل است که می‌تواند در بیرون ایستادگی کند؛ اما انسانی که در درون به چالش کشیده شده است منشأ اصطکاک می‌شود و اصطکاک نیز منشأ کسالت خواهد بود. وقتی راجع به تفریح صحبت می‌کنیم، نباید تفریح را در این خلاصه کنیم که لطیفه‌ای گفته شود یا مثلاً با لبخندی مسأله را مدیریت کنید، خیر؛ تفکر اسلامی

۱۴. وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ حُصَّةً وَلِلرَّسُولِ وَالَّذِي أَقْرَبُنَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَالْمَسَاكِينِ وَالْبَنِي السَّبِيلِ إِنَّ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ آتَتْ الْجَمْعَانَ وَاللَّهِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ / آیه ۴۱ سوره انفال

و بدانید هر چیزی را که از راه جهاد یا کسب یا هر طریق مشروعی<sup>۱۶</sup> به عنوان غنیمت و فایده به دست آوردید [کم باشد یا زیاد] یک پنجم آن برای خدا و رسول خدا ﷺ و خویشان پیامبر و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است، اگر به خدا و آنچه بر بنده‌اش روز جدا کننده حق از باطل، روز رویارویی دو گروه مؤمن و کافر در جنگ بدر<sup>۱۷</sup> نازل کردیم، ایمان آورده‌اید پس آن را به عنوان حقی واجب به خدا و رسول و دیگر نامبردگان بپردازید؛ و خدا بر هر کاری تواناست.

۱۵. هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَرُدَّوْا إِيمَانَهُمْ إِيمَانَهُمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا / آیه ۴ سوره فتح

اوست که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد، تا ایمانی بر ایمانشان بیفزاید و سپاهیان آسمان و زمین فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست و خدا همواره دانا و حکیم است.





بیان می‌کند که مدیریت اصطکاک بین اراده‌ها در جامعه ریشه‌ی فرح افراد جامعه است. این حرف فنی‌ای است که بنده عرض می‌کنم. ببینید ما راجع به تأمین تفریح صحبت می‌کنیم و تفریح در صدر نیازهای اصلی خانوار قرار دارد؛ اما ما تفریح را دو قسمت کرده‌ایم؛ یک قسمت از تفریح به برطرف کردن عوامل ایجادکننده‌ی کسالت باز می‌گردد. مدیریت تفریح باید قدرت این را داشته باشد که عوامل ایجاد کسالت را از بین ببرد. از مهمترین عوامل ایجاد کسالت، رفتار انسان و اصطکاک در روابط انسانی است و این موضوع هم بوسیله تمرکز بر روی هفت‌سال دوم اتفاق می‌افتد.<sup>۱۶</sup>

**۲/۴/۳. اثرگذاری بسیاری از احکام دینی در ایجاد فرح به دلیل بهبود روابط انسانی توسط این احکام**

به نظر بنده بسیار یا همه احکام در رفع کسالت و فرح اثر دارند. به این دلیل که روابط انسانی را بهینه می‌کنند. مسلمان کسی است که مسلمان یا فرد دیگری را به چالش نمی‌کشد. وقتی انسان‌ها همدیگر را اذیت نکنند زندگی بسیار خوبی خواهند داشت. اما این کار با توصیه بدست نمی‌آید بلکه با سرمایه‌گذاری بر روی دوران تربیت بدست خواهد آمد. خصوصاً اگر در هفت‌سال دوم توانستید ادب را در فرزند خود جا بیندازید، این فرزند هم مایه مسرت برای خود، هم برای پدر و مادر، هم برای محیط اطراف و هم برای همسر خود خواهد بود. شما مشاهده کرده‌اید که گاهی مردم می‌گویند فلانی را نمی‌شود با یک من عسل خورد. این موضوع خیلی تلخ است. شما باید بدانید دلیل این موضوع چیست. بنابراین مدل تنظیم نیازها خیلی مهم است. در این جلسه ما ارتباط بین فرح و بحث تربیت را بحث نموده و مدل جدیدی را برای تفریح پیشنهاد داده و معنای دیگری را مطرح کردیم. البته معانی سطحی موجود را هم کسی نفی نمی‌کند. حالا اگر جلسه‌ای تشکیل شد بنده راجع به مطایبه - که جزئی از حکمت محسوب می‌شود - صحبت خواهیم کرد. اینکه اثر حکمت در فرح چیست را عرض خواهیم کرد، خود مطایبه چیست را بعدها بحث خواهیم کرد. این مسأله اول بود. تا این قسمت بحث‌های جلسه قبل از بازخوانی کردیم.

### **۳. سازماندهی افراد بر مبنای تحریک حرص و تحریک مادی، ایجاد تعارض بین منافع کارگر و کارفرما؛ دو اشکال عمده مدل‌های فعلی تأمین هرم نیازهای شغلی**

بحث جدید ما این است که شغل چیست؟ دومین نیازی که در هرم نیازهای خانوار مطرح است مسأله نیازهای شغلی می‌باشد. اولاً چرا انسان‌ها به شغل احتیاج دارند؟ به دلیل اینکه مسأله معاش آنها مطرح است. وظیفه اشتغال در شرایط فعلی تأمین معاش است. این معنایی می‌باشد که در حال

**۴/۱. محوریت حرص (یکی از پایه‌های کفر) و تحریک مادی در مدل‌های اشتغال فعلی؛ اشکال اول مدل فعلی تأمین هرم نیازهای شغلی**

۱۶. البته در حال حاضر بنا ندارم این معنا را شرح دهم اما شما می‌دانید که ما در نقشه راه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت این دأب را داریم که آثار اجتماعی معارف الهی را بحث کنیم. در اصل کلمه احکام از کلمه حکمت گرفته شده و کلمه حکمت از کلمه محکم گرفته شده است. وقتی بیان می‌کنید که شخصی حرف حکیمانه‌ای زده است یعنی حرفی است که نمی‌شود در آن چالش ایجاد کرد. وقتی می‌گویید چیزی حکم است، یا حکم خداوند متعال این است یعنی یک حرف بسیار فنی زده شده که نمی‌توان در آن چالش ایجاد کرد. وقتی ما راجع به احکام بحث می‌کنیم، آن وجه فنی بودن و اثرگذاری آنها را در امور اجتماعی بحث می‌کنیم، در حقیقت موضوع الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت اداره جامعه است.

مناسک و احکام خدا و پیامبر ﷺ دارای سه میوه است، هدایت فرد دارای سه میوه است؛ اولین اثر هدایت فرد این است که فرد سعادت اخروی را بدست می‌آورد که خیلی مسأله مهمی است، انسان از عاقبت خود ایمن می‌شود. از مواردی که به انسان آرامش و سکینه می‌دهد این است که انسان عاقبت خوبی را در پیش‌روی خود ببیند. نگرانی‌های از آینده انسان‌ها را به چالش می‌کشاند و لذا هدایت، انسان را مدیریت می‌کند و انسان را راجع به آینده توجیه می‌کند که در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد. دومین میوه هدایت برای فرد غیر از سعادت اخروی، آرامش است که دلیل آن را عرض کردم؛ علت اینکه فرد آرامش پیدا می‌کند آن است که هدایت تأمین‌کننده‌ی عاقبت می‌باشد و عاقبت مهمترین عامل ایجاد سکینه است. این موارد باید را قبلاً عرض کرده‌ام. فقهای عظام شیعه این موارد را در گذشته بسیار مورد بحث قرار داده‌اند. آن چیزی که در نقشه راه جدید می‌باشد این است که ما اثر هدایت و احکام را در اداره جامعه بحث کرده‌ایم. حالا بنده در این جلسات به اندازه حسن‌الإستماع آثار تربیت در تفریح که یک مسأله اجتماعی است را می‌شکافم. اگر ان‌شاءالله خداوند متعال توفیق دهد تا دوره‌های تفصیلی تری تشکیل شود و خداوند متعال به ما سعه صدر بدهد تا برای دین او وقت داشته باشیم - چون تمدن مدرنیته وقت ما را اشتغال کرده است - بعدها می‌توان بحث‌ها را عمیق‌تر مطرح کرد.

*انتقال از متن*

حاضر از شغل درک می‌شود. حال ما می‌خواهیم بر مبنای اصل خودمان بحث کنیم. اصل بنیادین ما در مسأله مدیریتِ هرم نیازهای خانوار و بازتعریف آنها این بود که ما باید بر روی مدلِ تأمین نیاز حساس باشیم.<sup>۱۷</sup>

اگر مدل تأمین نیازها مسأله‌ی مهمی می‌باشد حالا سؤال این است که شغل را چگونه تأمین کنیم تا هم معیشت افراد تنظیم شود و هم آثاری مانند ضررهایی که الآن عرض کردم بر شخصیت انسان‌ها ایجاد نکرده؟ بنده در این جلسه دو اشکال مهم را به مدل‌های اشتغال موجود وارد می‌کنم و

۱۷. البته منظورم از ما مدیران شهر یا مدیران جمهوری اسلامی می‌باشد و ممکن است این حکم برای عامه‌ی مردم نباشد. مثلاً وقتی نوجوانی باید به دلایل مختلف شغلی را انتخاب کرده یا برای تفریح کاری را انجام دهد دیگر خیلی نمی‌شود از او انتظار داشت که این معانی دقیق را متوجه شود. این مباحث مثلاً متعلق به صحن شورای شهر تهران است. حالا اگر در صحن شورای شهر نمی‌شود باید این موضوع را در کمیسیون‌ها بررسی کنند. باید بر روی مدل تأمین نیازهای انسان حساس باشند. در غیر اینصورت شهر را اداره می‌کنند، اما به دلیل اینکه شهر مدرن به مدل تأمین نیازها توجهی نمی‌کند مسائل اجتماعی به معضل اصلی آنها تبدیل می‌شود. به عنوان مثال در خود شهر تهران حدود ۴۰ درصد طلاق وجود دارد و برخی از آمارها می‌گویند که بالای ۴۰ درصد است. در استان تهران آمار طلاق ۳۸ درصد می‌باشد و این نتیجه‌ی همان مدیریت شهری‌ای است که آن اشتباهات را انجام داده است. مسئول این اشتباهات شهردارها و کسانی هستند که در شورای شهر نشسته و مصوبه داده‌اند. البته در تعاریف موجود، دولت‌ها نیز تصرفات شهری زیادی دارند. همه کسانی که در مدیریت شهری مؤثر هستند در معضلات اجتماعی حال حاضر مقصر می‌باشند. برای من جالب است آقای که به مدت چندین دوره نماینده مجلس بوده، ریاست مجلس را هم داشته اخیراً سخنرانی کرده و گفته است: ما با ۱۵ میلیون حاشیه‌نشین و مسائلی از این دست نمی‌توانیم ادعا کنیم که الگوی خوبی برای دنیا هستیم. او حالت اپوزوسیون گرفته است؛ کسی نیست به او بگوید برادر! زمانی که از قوانین مجلس دفاع کرده و آنها را بریده‌ی از نهاد خانواده تصویب می‌کردید و بر مبنای تئوری‌های توسعه غربی می‌گفتید: بحث‌هایی که در توسعه غربی وجود دارد مصداق عقل در قرآن است، زمانی که داشتید این حرف‌ها را می‌بافتید این ۱۵ میلیون حاشیه‌نشین را ایجاد نمودید. همان موقع خانواده را به سمت فروپاشی می‌بردید و خود شما مقصر هستید! حالا حالت اپوزوسیون گرفته‌اید! توسعه‌گراها در جمهوری اسلامی یک راهبرد دارند و آن عبارت است از: "فرافکنی و اینکه من نبودم و باید دنبال کسی بگردید که این کار را کرده است." تئوری‌های توسعه را در جمهوری اسلامی به قانون تبدیل کرده و به عنوان تدبیر معرفی نموده‌اند، اما وقتی می‌بینند این تئوری‌ها ناکارآمد هستند به دنبال مقصر می‌گردند.

بنده عرض کرده‌ام که تحلیل مسأله‌ی برجام دو حیث دارد؛ حیث اول تحلیل برجام این است که برجام، یک مذاکره‌ی سیاسی طولانی مدت منجر به یک سند می‌باشد که پر از جزئیات است. مثلاً در حال حاضر کارگروه کنترل مالی به حساب‌های مردم ایران دسترسی پیدا کرده است، برجام چنین آفاتی دارد که باید آنها را بحث کنیم؛ همچنین می‌توانیم بحث کنیم که چه محدودیتی برای سانتریفیوژهای ما ایجاد کرده است؟ چه نوع بتنی در قلب رآکتور اراک ریخته شد؟ جالب است که بتن ریخته‌اند و آن را به عنوان دست‌آورد معرفی می‌کنند! لذا من از جنبش عدالت دانشجویی تشکر می‌کنم که ماله‌ی طلایی را به جناب آقای دکتر عراقچی اهدا کردند. خیلی چیز عجیبی است که در یکی از مظاهر استقلال کشور بتن ریخته شده و با این وجود دیشب جناب آقای رئیس جمهور می‌گوید: همه ما باید از فضای پسابرجام استفاده کنیم! آقا جان! فضای پسابرجام، فضای ما نمی‌توانیم است. چرا شما این مسأله‌ی ساده را متوجه نمی‌شوید؟ وقتی شما با مظهر استقلال و مظهر ما می‌توانیم یک کشور اینطور برخورد می‌کنید این پیام را به جامعه می‌دهید که حرکت و نوآوری نکنید، چون بعدها ما در یک برجامی در آن نوآوری هم سیمان می‌ریزیم. بنده فضای پسابرجام را از حیث جامعه‌شناسی بررسی می‌کنم. انصافاً در فضای پسابرجام فرار نخبه‌های ما به محیط خارج از کشور بیشتر شده است یا کمتر؟ نخبه‌های ما احساس می‌کنند که اگر جایی متمرکز شده و وقت صرف کرده و آب سنگین تولید کنند، ممکن است یک دولت بی‌توجه آن را در یک معامله برد - برد! به دشمن تحویل دهد. مطلبی که بنده عرض کردم استدلال حرف دشیب آیت الله امام خامنه‌ای علیه السلام است که فرمودند: «کسانی که در مسأله پیشرفت کشور به غرب تمایل دارند مشکل عقلی پیدا کرده‌اند.» (بیانات در دیدار با جمعی از دانشجویان ۱۳۹۵/۰۴/۱۲) برادر عزیز! شما در فضای پسابرجام "ما نمی‌توانیم" را تزریق می‌کنید. ملت از چه چیز این مسأله استفاده کند؟! اولین اثر عزت این است که تحرک اجتماعی ایجاد می‌کند؛ وقتی کسی عزیز بود می‌توانید به او بگویید حرکت‌های بزرگ اجتماعی را مدیریت کند. عرض بنده این است که برجام در یکی از حیث‌های خود، چنین حیثی دارد؛ یعنی حیثی است که مواردی در آن اتفاق افتاده که عزت ملت ایران را - یعنی عامل تحرک ملت ایران برای ساختن اقتصاد و غیر اقتصاد - به چالش کشیده است. حس "ما می‌توانیم" می‌توانست اقتصاد را مدیریت کند، اما دوستان می‌خواهند با سرمایه‌گذاری خارجی اقتصاد را مدیریت کنند. این مسأله یک حیث برجام است.

حیث دیگر برجام این است که برجام بر اساس نظریه سیاست خارجی توسعه‌گرا است؛ یعنی یک تفکر توسعه‌ای در پشت سر آن وجود دارد و این سند بر اساس یک نظریه بخشی مبتنی بر توسعه نوشته شده است. حالا برجام که به این چالش رسیده، نشانگر این است که مفاهیم توسعه دارای چالش هستند، این، مسأله‌ی مهمی است و شما باید به آن دقت کنید. بحث اصلی را فراموش نکنید؛ ما داریم در مورد مدل تأمین نیازها صحبت می‌کنیم. مدل تأمین نیازها می‌تواند بر روی فکر و حالت انسان‌ها پیامدهایی داشته باشد. به عنوان مثال ما مشکلی داشتیم و می‌خواستیم این مشکل را در برجام با یک مدل توسعه‌گرا حل کنیم. اثر این کار چه بوده است؟ حس ما نمی‌توانیم در جامعه گسترش پیدا کرده است.

انتقال از متن



ان‌شاءالله در دوران تضارب<sup>۱۸</sup> بحث را عمیق‌تر می‌کنم. اشکال اول این است که مدل‌های اشتغال موجود در ابعاد مختلف بر پایه تحریک حرص هستند.

**۳/۱/۱. دادن اضافه کاری، تعیین فیش‌های حقوقی و استفاده از تئوری‌های بهره‌وری؛ چند نمونه‌ای از تحریک‌های مادی در مدل‌های اشتغال فعلی**

الآن یک نفر در سیستم و سازمانی که بر اساس مدیریت سیستمی مدرنیتنه و مفاهیم توسعه تعریف شده است استخدام می‌شود. مدیران این سازمان - که مثلاً یک نفر را استخدام کرده‌اند - چگونه در این فرد استخدام‌شده تحریک ایجاد می‌کنند تا حرکت نماید؟ او را تحریک مادی می‌کنند. در سازمان‌ها سه یا چهار نوع تحریک مادی وجود دارد؛ اولین نوع این تحریک‌ها آن است که برای وادار کردن او به فعالیت، اضافه‌کار تعریف می‌کنند. اضافه‌کار به چه معناست؟ یعنی به او می‌گویند: این کار را انجام بده تا من پول بیشتری به تو پرداخت کنم.

گام دیگر این است که طبقه‌بندی حقوق و درآمد را تعریف می‌کنند.<sup>۱۹</sup> در یک نوع سیستم چهار نوع شغل وجود دارد؛ ۱. شخص سرمایه‌دار و سهام‌داران ۲. مدیر عامل ۳. کارگر فنی یا تکنیسین ۴. کارگر ساده، این طبقه‌بندی موجود در سیستم‌هاست. این چهار گروه چگونه در کنار یکدیگر کار می‌کنند و روابط آنها چگونه تنظیم می‌گردد؟ روابط این چهار گروه را بر مبنای فیش حقوقی تنظیم می‌کنند؛ در غیر اینصورت مدیر عامل این مقدار زمان صرف نمی‌کند که سازمان را اداره کند. اساساً وقتی کسی می‌خواهد مدیر عامل شود او را با فیش ۵۹ میلیونی تحریک کرده و به او می‌گویند: اگر شما مدیر عامل بانک رفاه کارگران شدید - گفتند چندتا دروغ پشت سر هم بگو، گفت: "بانک رفاه" "کارگران" - ۲۳۶ میلیون حقوق می‌گیرد.<sup>۲۰</sup> این مسأله باعث می‌شود که شخص اوج بردارد و حرکت کرده و برنامه‌ریزی کند تا به آن منصب برسد؛ یعنی فیش حقوقی و سطح درآمد عامل تحریک او است. اساساً وقتی استخدام شده و بین دو گزاره قرار می‌گیرد، می‌گوید: درآمد این کار بیشتر است و من به سراغ آن می‌روم؛ یعنی در سازمان‌های موجود ارتباط با انسان‌ها بر محور تحریک مادی است؛ حرص او را تحریک می‌کنند که حرکت کند.<sup>۲۱</sup> در حقیقت مسأله‌ی سطح درآمدها عامل تحریک و تحرک است و اساساً سازمان را اینگونه تعریف می‌کنند که؛ سازمان نیازهای فرد و فرد نیازهای سازمان را تأمین می‌کند. فیلم ارتباط بین مورچه‌ها و شته‌ها را دیده‌اید؟ سازمان همین است؛ یک نوع شته وجود دارد که غذا در اختیار مورچه‌ها قرار می‌دهد و مورچه‌ها نیز از شته‌ها محافظت می‌کنند. در حال حاضر کاملاً حیوانی حیوانی [برای افراد شغل تأمین می‌کنند].

۱۸. رجوع شود به متن جلسه اول از همین دوره، بخش مراحل کارشناسی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت.

۱۹. غرض این است که مسأله‌ی فیش‌های حقوقی را بشکافیم و ثابت کنیم که این موضوع از نظام سرمایه‌داری قابل حذف نیست، مگر اینکه ما نظام سرمایه‌داری را تغییر دهیم.

انتقال از متن

۲۰. علی صدقی مدیر عامل فعلی بانک رفاه است که از یکسال پیش بر جایگاه مدیر عاملی این بانک تکیه کرد. وی که از مدیران کهنه کار نظام بانکی بوده و در پرونده کاری او می‌توان به سابقه مدیر عاملی بانک ملی هم اشاره داشت، این روزها به واسطه برخی اسناد موجود در زمینه دریافت حقوق‌های چند صد میلیونی تحت فشار قرار دارد. گزارش‌های دریافتی نشان می‌دهد که در اسفندماه سال گذشته علی صدقی به عنوان مدیر عامل و برخی اعضای هیأت مدیره این بانک هر کدام بالغ بر دویست میلیون تومان با عناوین مختلف و مبالغ قابل توجه در سایر ماه‌ها دریافتی داشته‌اند. اسناد زیر نشان می‌دهد که مدیر عامل بانک رفاه در طول نزدیک به ۲۰ روز پایان سال ۹۴ بالغ بر ۲۳۰ میلیون تومان دریافتی تحت عناوین مختلف داشته است.

خبرگزاری تسنیم، کد خبر: ۱۰۹۹۴۶۱

۲۱. البته وقتی می‌خواهند انگیزه‌ی تحصیل ایجاد کنند نیز همینطور است و الآن این مسأله جا افتاده است؛ پدر و مادرها به فرزند خود می‌گویند: درس بخوان تا فردا مثل من نشوی! فرزند به پدر می‌گوید: پدر مگر شما چه اشکالی دارید، شما که خیلی انسان مهربانی هستید؟ پاسخ می‌دهد اگر من درس می‌خواندم جای آقای فلانی بودم و ۵۰ میلیون حقوق می‌گرفتم. اصلاً این امر در جامعه فرهنگ شده است و انگیزه‌ی تحصیل نیز از تحریک مادی اتفاق می‌افتد.

انتقال از متن



وقتی سطح اول نیازهای انسان را مبنای تحریک قرار دادید، این نوع مدل تأمین ایجاد شغل یک نوع تأثیر و یک نوع حالت در جامعه ایجاد می‌کند ولی اگر سطحی دیگر مانند رفق و تکلیف را تحریک کردید تأثیرات دیگری ایجاد می‌گردد.

بنده تئوری‌های بهره‌وری را خوانده‌ام، در آنجا می‌گویند: بهره‌وری باید انسانی تأمین شود. من سؤال می‌کنم یعنی چه؟ می‌گویند: آقای مدیر عامل! اعضای کارخانه‌ی خود را جمع کرده و به آنها بگویند: اگر ما هشت درصد سود پیدا کردیم من دو درصد آن را در میان شما تقسیم می‌کنم. با این کار او را تحریک می‌کند تا حرکت کرده و کار بیشتری انجام دهد. همچنین برای تأمین سرمایه‌ی بنگاه‌های تولید نیز حرص مردم را تحریک کرده و می‌گویند: سرمایه‌های خود را بیاورید و سود ببرید، یعنی در تجمیع سرمایه نیز حرص را تحریک می‌کنند.

اخیراً بنده دیده‌ام که برخی اشکال کرده و می‌گویند: در ژاپن که سود منفی است<sup>۲۲</sup> چگونه تحریک حرص اتفاق می‌افتد؟ به خیال خودشان به بحث ما اشکال کرده‌اند؛ اما در پاسخ باید گفت در ژاپن اصل تحریک حرص موجود است لکن شکل آن تغییر یافته است. بالآخره راه‌اندازی بنگاه‌های تولیدی نیازمند تجمیع سرمایه‌های خرد است. در آن کشور بانک‌ها تجمیع سرمایه کرده و آن را در اختیار بنگاه‌های تولید قرار می‌دهند ولی سود و ضرر بردن به بورس و سهامی که کارخانه‌ها دارند به بورس منتقل شده است و وقتی شما به بورس وارد می‌شوید تحریک حرص اصل می‌شود.<sup>۲۳</sup> به اصطلاح بازارهای پولی و مالی یک یا دو عدد نیستند. اتفاقاً از نظر جریان توسعه‌گرا بهتر است که کارکردهای بانک، کارکردهای پشتیبانی و حمایتی باشد نه کارکردهای تصدّی‌گری که خود او به قضیه وارد شود. اصل تحریک حرص از بین نمی‌رود. در ژاپن سرمایه را تجمیع کرده و در اختیار تولید قرار می‌دهند و در بورس یا بازار مالی دیگری تحریک حرص می‌کنند. پس در مسأله‌ی تجمیع سرمایه نیز تحریک حرص رخ می‌دهد. سطوحی از تحریک حرص در نحوه‌ی استخدام و اشتغال امروز وجود دارد؛ وقتی می‌خواهند استخدام کنند تحریک مالی می‌کنند، وقتی می‌خواهند پول بنگاه‌ها را تأمین کنند به تحریک مالی رو می‌آورند، وقتی می‌خواهند بهره‌وری را ارتقا دهند تحریک مالی را اصل قرار می‌دهند.

وقتی دائماً تحریک مالی و مادی می‌کنند حرص انسان‌ها فربه می‌شود. وقتی حرص فربه شد چه اتفاقی می‌افتد؟ حرص پایه کفر است، یکی از عواملی که کفر را گسترش می‌دهد حرص است؛ پس مدیریت شغلی در کشور به گونه‌ای است که حرص انسان‌ها تحریک می‌شود. پس سؤال اول بنده با این مثال‌هایی که زدم شکل گرفت؛ آیا ما می‌توانیم به بهانه تأمین شغل و نیازهای شغلی حرص انسان‌ها را تحریک کنیم؟ این سؤال اول ما از مدل‌های موجود است.

۲۲. بانک مرکزی ژاپن برای وادار کردن بانک‌ها به اعطای وام در شرایطی که اقتصاد این کشور با ضعف مواجه است، استراتژی نرخ بهره منفی را در دستور کار قرار داد. به گزارش خبرگزاری تسنیم به نقل از بلومبرگ، هاروهیکو کورودا، رئیس بانک مرکزی ژاپن روز جمعه بار دیگر سرمایه‌گذاران را غافلگیر کرد و برای وادار کردن بانک‌ها به اعطای وام در شرایطی که اقتصاد این کشور با ضعف مواجه است، استراتژی نرخ بهره منفی را در دستور کار قرار داد.

<http://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/11/09/984635>

۲۳. بورس اوراق بهادار توکیو یا تی. اس. ای، (TSE) دومین بازار بورس بزرگ دنیا از نظر مالی به شمار می‌آید. در حال حاضر، ۲۲۷۱ شرکت داخلی و ۳۱ شرکت خارجی با ارزش سرمایه‌گذاری کل بیش از ۴ میلیارد دلار (بیش از ۴۰۰ برابر بورس تهران) در فهرست شرکت‌های بورس اوراق بهادار توکیو قرار دارد.

### ۳/۱/۲. محوریت منطق اجتماعی در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و محوریت تربیت در منطق اجتماعی؛ دلیل عدم پذیرش تحریک افراد به محوریت حرص و تحریک مادی

زمانی یکی از دوستان خوب ما در دانشگاه علامه پیش ما آمد تا بنده بحث الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را ناظر به حوزه اقتصاد در آن دانشگاه بیان کنم. بنده به ایشان گفتم: اقتصاد یک درون و یک بیرون دارد. در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت حساسیت ما هم بر روی مسائل درونی است و هم مسائل بیرونی؛ یعنی اولاً باید بینیم اقتصاد یک جامعه چه بلایی بر سر افراد خود می‌آورد، این یک دغدغه است. دغدغه‌ی دیگر ما این است که اقتصاد بر روی مسائل دیگر مانند سیاست خارجه، نفی سبیل، خانواده و ... چه تأثیری می‌گذارد. به ایشان گفتم: ولی پایه‌های دغدغه‌های درونی و بیرونی الگوی پیشرفت راجع به اقتصاد یک مسأله است و آن هم اینکه ما آثار تربیتی اقتصاد را بررسی می‌کنیم. این گزاره‌ی ما بسیار برای ایشان سخت و عجیب آمد و گفت: من پیش شما آمده‌ام که راجع به اقتصاد صحبت می‌کنم اما شما می‌گویید بیا آثار تربیتی اقتصاد را بحث کنیم! بنده برای ایشان مثال زدم و گفتم: الآن سیاست خارجی و روابط بین‌الملل یک موضوع غیر اقتصادی است ولی تجزیه و تحلیل‌های اقتصاد موجود تأکید می‌کند که روابط بین‌الملل بر روی اقتصاد تأثیر دارد. بنابراین چه بُعدی دارد که ما تأثیر تربیت بر اقتصاد یا اقتصاد بر تربیت را موضوع بحث قرار دهیم؟ اشکالی ندارد؛ اگر می‌توان نسبت یک مسأله‌ی خارج از اقتصاد مانند روابط بین‌الملل را با اقتصاد سنجید چرا نتوان نسبت مسأله دیگری را سنجید؟ چرا شما می‌خواهید ما را به دانشگاه علامه برده و اجازه‌ی نوآوری و طرح مسأله جدید ندهید؟! بنده به ایشان گفتم: ما آثار تربیت بر اقتصاد را بررسی می‌کنیم و پس از آن می‌گوییم که یک تصمیم اقتصادی، تصمیم درستی بوده است یا نه؟

شما در مباحث اقتصادی شنیده‌اید که وقتی وزارت‌خانه‌ای تصمیم می‌گیرد می‌گوید: این تصمیم منطق اقتصادی دارد.<sup>۲۴</sup> منطق اقتصادی دارد یعنی چه؟ یعنی سود و زیان و ارزش افزوده در آن در نظر گرفته شده است. حالا ما می‌گوییم: اقتصاد باید منطق اجتماعی داشته باشد. به نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت دقت کنید. چرا باید منطق اجتماعی داشته باشد؟ چون به نظر ما اگر شما مسائل اجتماعی را در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی به عنوان خط قرمز قرار ندهید بعدها مجبور می‌شوید حتی بخش زیادی از سودهایی که در مدل اقتصادی خود به دست آورده‌اید را هزینه کنید تا عوارض اجتماعی مدیریت شود.<sup>۲۵</sup> لذا اتفاقاً دغدغه ما که می‌گوییم: محور حرکت باید از منطق

۲۴. به عنوان مثال:

دکتر مسعود نیلی: براساس منطق اقتصادی، باید کاری کنیم تا نگاه‌ها قدرت رقابت داشته باشند.

دکتر مسعود نیلی در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری ۱۴/۱۰/۱۳۹۳ به نقل از خبرگزاری ایرنا، کد خبر: ۱۴۵۱۱۸۲/۱۴۳۰۵۹۹

### ۲۵. آمار نگهداری زندانی‌ها

هفته گذشته، حبیب کاشانی خزانهدار شورای شهر تهران در جلسه شورا هزینه زندگی در شهرهای بزرگ را با زندان مقایسه کرد. او گفت که قوه قضایی در زندان رجایی شهر ماهی یک میلیون و ۹۵۰ هزار تومان خرج هر زندانی می‌کند در حالی که الآن کارگران ۷۱۲ هزار تومان حقوق می‌گیرند. این عضو شورای شهر در راستای همین بحث مطرح شده، به خبرنگار خبرآنلاین گفت: در بازدیدی که از زندان رجایی شهر کرج داشتیم، مسئولان این زندان اعلام کردند هر زندانی روزی ۶۷ هزار تومان خرج روی دست سازمان زندان‌ها می‌گذارد. یعنی مخارج هر زندانی ماهانه یک میلیون و ۹۵۰ هزار تومان می‌شود که به مراتب از میزان دریافتی حداقل کارگران و کارمندان بالاتر است. در همین رابطه دو سال پیش علی ولی‌نیا مدیر کل زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان کرمان به مهر گفته بود که هزینه نگهداری روزانه هر زندانی قریب به پنجاه هزار تومان است. صدای اقتصاد هم چندی پیش در گزارشی متوسط هزینه نگهداری هر فرد زندانی در طول یک سال را ۱۸ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان برآورد کرده بود و گفته بود که این عدد در مورد یک فرد در خانواده عادی به طور متوسط سالی ۸ میلیون تومان است.

خبرگزاری خبرآنلاین - کد خبر: ۵۰۴۳۹۵ - تاریخ مخابره: ۱۳۹۴/۰۳/۰۸

به گزارش خبرنگار قضایی خبرگزاری تسنیم، براساس آخرین آمار جمع‌آوری شده در تاریخ ۵ فروردین امسال، تعداد کل زندانیان کشور، ۲۱۰ هزار و ۶۷۲ نفر است.

خبرگزاری تسنیم - کد خبر: ۳۳۷۹۸۸ - تاریخ مخابره: ۱۳۹۳/۰۱/۲۵



اقتصادی به منطق اجتماعی تغییر پیدا کند، مسأله سود مادی و ارزش افزوده است. چون اگر شما ارزش افزوده‌ی یک جامعه را محاسبه کرده و هزینه‌های اجتماعی را از آن کسر کنید در کوتاه‌مدت سود مختصری به دست می‌آید اما در میان‌مدت دچار حوادثی مانند بحران‌ها و شورش‌های حاشیه‌ی شهر پاریس،<sup>۲۶</sup> شورش‌های دانشجویان لندن<sup>۲۷</sup> و قیام وال استریت<sup>۲۸</sup> می‌شوید و اصلاً تمام نظام اجتماعی شما - که اقتصاد نیز جزئی از آن است - به چالش کشیده می‌شود. محور منطق اجتماعی نیز مسأله تربیت است.

با توجه به اخبار بالا به طور تقریبی می‌توان گفت که هزینه نگهداری یک زندانی در هر روز ۵۰ هزار تومان است. از طرف دیگر تعداد زندانیان نیز ۲۱۰ هزار و ۶۷۲ نفر است. به این ترتیب می‌توان گفت: هزینه نگهداری زندانیان کشور در هر روز رقمی بالغ بر ۱۰ میلیارد تومان است؛ یعنی ماهانه ۳۰۰ میلیارد تومان بابت زندانیان کشور هزینه می‌شود که این رقم در طول یک سال به ۳۸۰۰ میلیارد تومان است.

#### آمار مبارزه با مواد مخدر:

وی با اشاره به اینکه مواد مخدر یکی از عوامل مرگ‌ومیر در ایران می‌باشد، ابراز کرد: ایران سالانه ۱۰ هزار میلیارد تومان در بحث مبارزه با مواد مخدر هزینه می‌کند و متأسفانه قاچاقچیان مواد مخدر از شهروندان ۱۰ ساله تا ۹۰ ساله، همچنین افراد بی‌سواد تا تحصیل کرده، می‌باشند.

سردار حسین چناریان، دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان کرمان در نشست خبری به نقل از خبرگزاری ایسنا، کد خبر: ۹۵۰۲۱۷۱۴۳۳۵ - تاریخ مخابره: ۱۳۹۵/۰۲/۲۴

#### هزینه‌های طلاق برای خانواده و جامعه:

مدیرکل امور جوانان استان تهران با بیان اینکه طلاق، عامل اصلی بروز آسیب‌های جدی در جامعه است، گفت: هر طلاق حدود ۷۰ میلیون تومان هزینه برای جامعه و خانواده به همراه دارد.

خبرگزاری تابناک - کد خبر: ۱۴۶۳۷۴ - تاریخ مخابره: ۱۳۸۹/۱۱/۱۷

طبق آمار ثبت احوال در سال ۱۳۹۴، ۱۶۳ هزار و ۷۶۵ مورد طلاق اتفاق افتاده است.

وبسایت ثبت احوال کشور - آمار طلاق سال ۱۳۹۴

طبق دو آمار فوق هزینه طلاق در سال ۱۳۹۴ برای خانواده‌ها و جامعه چیزی حدود ۱۱۴۶۳ میلیارد تومان است. هزینه تقویت‌نکردن نهاد خانواده فقط در این سه حوزه در سال مبلغی بالغ بر ۲۵۲۵۵ میلیارد تومان می‌باشد و این آمار تنها بخشی از هزینه‌های تقویت‌نکردن نهاد خانواده است. از آمار راه‌اندازی مهدکودک‌ها، گسترش رشته‌های روان‌شناسی، اختلالات روحی افراد جامعه، افزایش اصطکاک میان افراد جامعه و ... بگذریم.

۲۶. موج تازه اعتراضات ضد ریاضتی در شهرهای مختلف فرانسه، به درگیری و زد و خورد شدید بین پلیس و ده‌ها هزار معترض تبدیل شد. تصاویر منتشر شده انقلاب دانشجویی ۱۹۶۸ پاریس را تداعی می‌کند. در تظاهرات روز پنج‌شنبه که با اعتصاب در بخش حمل و نقل نیز همراه بود بیش از ۱۰۰ معترض از سوی پلیس بازداشت شدند و پلیس برای مقابله با معترضان به هلی‌کوپتر نیز متوسل شد. معترضان ده‌ها خودرو را به آتش کشیدند و شیشه‌های فروشگاه، بانک‌ها و ... را خرد کردند.

رویترز به نقل از «برنارد کازنو»، وزیر کشور فرانسه درباره این درگیری‌ها گزارش داد، در جریان این تظاهرات ۲۴ تن از افسران پلیس و نیروهای امنیتی نیز زخمی شدند. این اعتراضات، سراسر فرانسه اعم از شهر «رن» در شمال تا «مارسی» در سواحل دریای مدیترانه را فرا گرفت. بدترین درگیری‌ها مربوط تظاهرات شهر پاریس بود که در آن هشت افسر پلیس مجروح شدند و به گفته وزیر کشور فرانسه حال یکی از آنها «وخیم» است. مسئولان فرانسوی با اشاره به این ناآرامی‌ها از احتمال لغو ۲۰ درصد از پروازها در فرودگاه اورلی در پاریس و تأخیر در پروازهای فرودگاه شارل دوگل خبر داده‌اند.

وبسایت روزنامه کیهان، کد خبر: ۷۳۶۱۵، تاریخ مخابره: ۱۳۹۵/۰۲/۱۰

۲۷. در ادامه بحران اجتماعی و ناآرامی‌های خشونت‌بار در کشورهای اروپایی، لندن صحنه درگیری خونبار ۴۰ هزار دانشجویان با نیروهای امنیتی شد. دیروز و پریروز دانشجویان بی‌دفاعی که نسبت به افزایش سه برابری شهریه خود معترض بودند، به خیابان‌های لندن ریختند تا در یک تظاهرات آرام، ادعاهای مقامات خود درباره دموکراسی را محک زنند، اما دولت انگلیس در اقدام وحشیانه و کم‌سابقه‌ای، خون دانشجویان را در کف خیابان‌های سرد پایتخت این کشور جاری کرد.

روزنامه کیهان، شماره ۱۹۸۱۲، شنبه ۲۰ آذر ۱۳۸۹

۲۸. جنبش وال استریت را اشغال کنید در وبسایت خود و در بخش معرفی آورده است: ما ۹۹ درصدی هستیم که از خانه‌های خود بیرون رانده شده‌ایم. ما از خدمات درمانی مطلوب محروم بوده‌ایم. ما از آلودگی محیط زیست رنج می‌بریم. ما ساعات طولانی را برای مقدار اندکی دستمزد و بدون بهره‌مندی از حقوق قانونی خود سخت کار می‌کنیم، البته اگر بتوانیم کاری پیدا کنیم. در حالیکه یک درصد دیگر از همه چیز برخوردار است، ما از هیچ چیز برخوردار نیستیم. ما ۹۹ درصد جامعه هستیم.

خبرگزاری فارس کد خبر: ۱۳۹۲۰۶۲۶۰۰۴

**۳/۱/۳. تحریک افراد بر مبنای صلح رحم؛ پیشنهاد نقشه راه برای سازماندهی افراد در بنگاه‌های تولیدی**

غرضم این است که بگویم: نقدی که بنده الآن به مدل اشتغال موجود وارد می‌کنم از پایگاه منطق اجتماعی حاکم بر اقتصاد است؛ یعنی بنده این نکته را خدمت شما مطرح می‌کنم که مدل ایجاد شغل باید منطق اجتماعی داشته باشد و از جمله عوامل منطق اجتماعی مدل تحریک افراد است؛ مدل تحریک نباید بر مبنای منطق اقتصادی باشد. لذا تحریک مدل‌های تولید ما بر مبنای صلح رحم است و به نظر بنده صلح رحم با این شرحی که عرض می‌کنم عامل انگیزش اقتصادی است.

**۳/۲. ایجاد تعارض بنیادین بین منافع کارگر و کارفرما و اصطکاک بین اراده‌ها؛ اشکال دوم مدل‌های فعلی تأمین هرم نیازهای شغلی**

در مدل‌های تولید موجود اشکال دیگری غیر از اینکه انسان‌ها را با تحریک حرص سازماندهی می‌کنند وجود دارد. آن اشکال دیگر این است که - البته این اشکال، زاینده‌ی اشکال اول است - چون تحریک حرص مبنای سازماندهی است، این حرص‌های فربه و تقویت شده ایجاد اصطکاک می‌کنند؛ یعنی حرص و منافع سرمایه‌دار با منافع طبقات دیگری که در تولید کار می‌کنند اصطکاک پیدا می‌کند. لذا یکی از مسائلی که علم اقتصاد تا به حال جوابی برای آن پیدا نکرده این است که چالش بین کارفرما و کارگر را چگونه حل کنیم؟ درست است که برای افراد شغل ایجاد می‌شود اما به دلیل اینکه مدیریت ایجاد شغل بر مبنای تحریک حرص است، در محیط شغلی یک پیش‌فرض ایجاد می‌شود. این پیش‌فرض چیست؟ در تمام بنگاه‌های تولیدی اصطکاک بین منافع وجود دارد؛ زیرا سازماندهی اقتصادی غرب بر مبنای تحریک ایجاد شده در نهایت به اصطکاک بین اراده‌ها منتهی شده است.

**۳/۲/۱. ایجاد کسالت برای افراد و از بین رفتن رفاه افراد؛ نتیجه اصطکاک اراده‌ها**

سؤال بنده این است که اگر اصطکاک بین اراده‌ها ایجاد شود در افراد چه اثری دارد؟ اثر اصلی آن ایجاد کسالت و چالش‌های روحی است که فرد دائماً با آنها درگیر است؛ یعنی با اینکه فلسفه ایجاد شغل تأمین یکی از نیازهای بشر بود تا رفاه پیدا کند ولی توسعه‌گرایان ایجاد شغل را به گونه‌ای تنظیم کرده‌اند که در محیط شغلی اصطکاک اصل شود. وقتی به مدل‌های اقتصادی موجود توجه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که اصطکاک در محیط شغلی، یک پدیده‌ی جهانی است.

**۳/۲/۲. ناتوانی سندیکاهای کارگری در حل تعارض منافع کارگر و کارفرما**

حالا البته خواستند این مسأله را در فرانسه مدیریت کنند و به همین دلیل به سندیکاهای کارگری<sup>۲۹</sup> حق تظاهرات دادند. اما سندیکاهای کارگری چه زمانی تظاهرات می‌کنند؟ زمانی که کارفرمایان و سرمایه‌داران حتی حقوق حیاتی کارگران را به چالش می‌کشند. بیشترین پیشرفتی که کرده‌اند این است که مثلاً اعلام می‌کنند ما حمل و نقل فرانسه را دو روز تعطیل می‌کنیم تا سرمایه‌دار تحت فشار قرار گیرد و حقوق ما را تأمین کند.<sup>۳۰</sup> این مدل، آخرین مدل سندیکاهاست. چرا این اصطکاک وجود دارد و نمی‌توانند آن را مدیریت کنند؟ به دلیل اینکه مدل ایجاد اشتغال آنها بر مبنای تحریک حرص است و تحریک حرص نیز تضاد منافع ایجاد می‌کند؛ وقتی شما در مدل اشتغال و مدل سازماندهی بنگاه‌های تولیدی خود تضاد بین منافع را ایجاد می‌کنید این عوارض به وجود می‌آید. درست است که با سندیکاها کارگرها ابزار دفاع پیدا می‌کنند ولی مسأله حل نمی‌شود

۲۹. سندیکا یا اتحادیه صنفی به معنای سازمان صنفی کارگران و دیگر زحمت‌کشان است. سندیکاها در جریان مبارزه کارگران برای دفاع از منافع خود و بهبود شرایط اقتصادی خود پدید آمدند.

۳۰. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از آسوشیتدپرس، آمد و شد مردم فرانسه تنها در پاریس بلکه در سراسر این کشور به موجب اعتصاب کارکنان خطوط ریلی مختل شده است. در همین رابطه شرکت ملی راه آهن فرانسه اعلام کرد که اعتصاب کارکنان موجب لغو برنامه‌های حرکت نیمی از قطارهای تندرو در سراسر فرانسه شده است. همچنین علاوه بر قطارهای تندرو، یک سوم از قطارهای برون شهری نیز در فرانسه به دلیل اعتصاب از دسترس خارج شده‌اند که این تعداد در پاریس شامل نیمی از قطارهای برون شهری می‌شود. فرانسه مدتی است که به دلیل قانون جدید کار با اعتراضات و اعتصاب‌های سراسری مواجه شده است.

خبرگزاری مهر، کد خبر: ۳۶۰۸۷۲۵

و لذا پدیده‌ی تعدیل نیرو، یک پدیده جهانی است و هر وقت یک بحران اقتصادی رخ می‌دهد برای ۴۰، ۵۰، ۱۰ یا ۵ هزار نفر - بستگی به وسعت بنگاه تولیدی دارد - تعدیل نیرو اتفاق می‌افتد.

#### ۴. بنگاه‌های تولیدی خانوادگی؛ راه حل الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت برای حل مشکلات دوگانه‌ی مدل‌های

##### اشتغال فعلی

عرض فنی بنده این است که - این توصیه را به خانه‌ی کارگر ایران می‌کنم - برای حل تعارض بین کارگر و کارفرما و تأمین منافع این دو قشر مؤثر، بهتر است به جای اینکه به سمت مدل‌های غربی و تقویت سندیکاها [برویم از مدل تولید خانوادگی استفاده کنیم].<sup>۳۱</sup> چون سندیکاها در ایران دو اثر دارند؛ هم به دست دشمن بهانه می‌دهند و هم واقعاً مسأله را حل نمی‌کنند. الآن در ایران اعتراض آزاد است و در روز جهانی کارگر راهپیمایی می‌کنند<sup>۳۱</sup> ولی چه تأثیری دارد؟ کارفرما که با تظاهرات از منفعت خود عقب نمی‌کشد. باید چالش بین کارگر و کارفرما را حل کرد. راه حل بنیادین الگوی تولید خانوادگی است.

۴/۱. انتخاب اعضای بنگاه‌های تولید از اعضای یک فامیل و محوریت رفق و محبت و روابط خانوادگی در بنگاه‌های تولیدی؛ عامل رفع تضاد منافع کارگر و کارفرما

در الگوی تولید خانوادگی چندین اتفاق می‌افتد و چندین فرق با الگوهای تولید موجود دارد. اولین تفاوت این است که حتی الامکان اعضای فعال در یک پروژه‌ی تولید، اعضای یک فامیل می‌باشند. اگر افراد بنگاه تولیدی اعضای یک فامیل بودند چون در بین اعضای یک فامیل رفق وجود دارد و به اصطلاح ساده ارتباط خونی برقرار است، محیط خانوادگی مشترک دارند و در یک فامیل محبت اصل است و این مسأله رفق و محبت در حد قابل توجهی پایداری کردن حقوق اعضای یک شرکت را مدیریت می‌کند؛ یعنی بنگاه خانوادگی‌ای که ما در مورد آن صحبت می‌کنیم چون اعضای خانواده نسبت به هم رفق و محبت دارند این رفق و محبت، عامل درونی کنترل تضاد منافع می‌شود؛ البته نه اینکه تضاد منافع حذف می‌شود بلکه در عوض مدیریت بیرونی و سندیکاها، مدیریت درونی پیدا می‌کند.

۴/۱/۱. ایجاد محیط معیشتی بین اعضای یک فامیل؛ اعلی مرتبه‌ی صلح رحم

لذا بنده عرض کردم که راه حل فهم مسأله اشتغال، فهم مسأله صلح رحم است. بعداً بحث خواهیم کرد که صلح رحم ارتباط حداقلی افراد یک فامیل نیست. اعلی مرتبه‌ی وصل شدن رحم به یکدیگر این است که اعضای فامیل محیط معیشتی مشترک داشته باشند. چون در روایت آمده است که رحم‌ها به یکدیگر وصل باشند.<sup>۳۲</sup> بنده هیچ‌وقت متوجه نشدم که چرا برخی وصل شدن اعضای خانواده را به یک ساعت مهمانی رفتن معنا می‌کنند! البته قبول می‌کنم که این مسأله را نقطه‌ی آغاز صلح رحم بدانیم اما همانطور که از ظهور کلمه مشخص است صلح رحم به معنای "نوعی از وصل شدن" است و این نوعی از وصل شدن می‌تواند حداقل و حداکثر داشته باشد. حداکثر وصل شدن فامیل‌ها این است که محیط معیشتی مشترک داشته باشند.

۳۱. بنده در یکی از سال‌ها در راهپیمایی روز کارگر حضور داشتم؛ کارگران نسبت به قراردادهای خود اعتراض دارند و تظاهرات نیز می‌کنند.

انتقال از متن

۳۲. وعنه، عن القاسم بن یحیی، عن جده الحسن بن راشد، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام صلوا أرحمكم ولو بالسلي، يقول الله تبارك وتعالى: "واتقوا الله الذي تساءلون به والأرحم إن الله كان عليكم رقيباً."

امام صادق علیه السلام از امام علی علیه السلام نقل می‌کند که: صلح رحم کنید حتی اگر با سلام دادن باشد. خداوند متعال می‌فرماید: و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می‌کنید پروا نمایشید؛ و زنه از خویشاوندان مَبْرید که خدا همواره بر شما نگهبان است.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، انتشارات دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص: ۱۵۵، ح ۲۲



پس ما به سمت تشکیل بنگاه‌هایی می‌رویم که در آن بنگاه‌ها، اعضای خانواده، اعضای اصلی بنگاه باشند. این بنگاه‌های تولیدی با مدیریت محله‌ای نیز سازگارتر هستند. پس ما دو بحث را مطرح کردیم؛ یکی این بود که از سعادت‌های مرد این است که شغل او در کنار خانهاش باشد؛ چرا؟ چون خانواده برای او اصل است. مدل‌های تولید خانوادگی هم با مدیریت محله‌ای متناسب است و هم یک چالش مهم دنیای مدرن را مدیریت کرده است. می‌دانید که از نظر اسلام حق کارگر و کارفرما در یک‌زمان باید رعایت شود. این بحثی است که در دوران بعد از انقلاب مطرح شده است ولی یا کسی شرح نداده است که چگونه می‌توان حق کارگر و کارفرما را هم‌زمان تأمین کرد و یا شرح‌هایی که داده‌اند دقیق نیست. مدل اصلی نحوه تأمین هم‌زمان حقوق کارگر و کارفرما، مدل تولید خانوادگی است؛ لذا وقتی خانواده اصل شد سود و ضرر بنگاه، سود و ضرر خود آن فرد خواهد بود، چون در خانواده‌ها مسأله‌ی پیوستگی وجود دارد. لذا مسأله بهره‌وری هم مدیریت می‌شود. وقتی معیشت خانواده اصل شد، صاحبان بنگاه مسأله درآمدها را طوری تنظیم می‌کنند که زندگی همه اعضای خانواده بچرخد و قوانین آن بنگاه، قوانین خانواده است. به عنوان مثال شما یک عضو خانواده را استخدام کرده‌اید و می‌دانید که یک سال دیگر باید ازدواج کند، در اینصورت رفیق و محبت باعث می‌شود که در این یک سال مانده به ازدواج، او را تأمین مالی بیشتری کنید.

**۴/۲. سازگاری بیشتر بنگاه‌های تولید خانوادگی با مدیریت محله‌ای؛ از مزیت‌های این نوع مدل تولید برای مدیریت شهری**

شما می‌گویید تحریک و انگیزه این کار برای همه چگونه ایجاد می‌شود؟ پاسخ می‌دهیم انگیزه کارگری که به آنجا می‌رود این است که به او هیچ‌گاه ظلم نمی‌شود. ببینید انگیزه‌ها از تحریک مالی تغییر پیدا کرد. این شیوه راحت‌تر می‌باشد و آنس بیشتر دارد. انگیزه آن کارفرما از کجا می‌آید؟ او هم بزرگ فامیل می‌شود. در گذشته زیاد بر روی اطلاعیه‌ها می‌نوشتند "بزرگ خاندان فلان فامیل" از دنیا رفت. این بزرگ خاندان در گذشته کارکردی داشته است. البته الان بزرگ خاندان فانتزی است. این مدل واقعاً انگیزه‌ی تحرک ایجاد می‌کند. بنده این موضوع را از حیث اجتماعی بررسی می‌کنم؛ این مسأله مایه‌ی آبرومندی است که یک نفر بتواند مشکل فامیل خود را حل کند. در خود فامیل هم احترام او ارتقا پیدا می‌کند. ببینید! تحریک اجتماعی جای تحریک اقتصادی را خواهد گرفت. حالا اگر آمدید سود اخروی را هم اصل قرار دادید، در اینصورت تحریک و تحرک اصل خواهد شد. لذا واقعاً این چالش‌ها مدیریت می‌شوند.<sup>۳۳</sup>

**۴/۳. ظلم نشدن به کارگران و ارتقا منزلت اجتماعی کارفرما در فامیل؛ دلیل مشارکت این دو قشر در بنگاه‌های تولید خانوادگی**

ما می‌خواهیم واحدهای خانوادگی درست کنیم؛ چون اصلاً مبنای نظام‌سازی اجتماعی بحث بر روی خانواده است. به هر حال این راه‌حلی که ما می‌دهیم تعارض منافع کارگر و کارفرما را بوسیله عامل رفیق حل می‌کند. اگر این موضوع را نپذیرید، باید بپذیرید که سندیکاهای مسأله را از بیرون مدیریت کنند، اما باید بدانید با این روش مدیریت صورت نمی‌گیرد؛ چون وقتی کارد به استخوان برسد، معمولاً دولت‌ها طرف سرمایه‌دارها را می‌گیرند. در این دو سه روز که اخبار را پیگیری

**۳/۲/۲/۱. طرفداری دولت‌ها از سرمایه‌دارها و ایجاد سندیکاهای کارگری به منابه سویاپ اطمینان و برای جلوگیری از شورش اجتماعی؛ عامل ناتوانی سندیکاهای کارگری در رفع تعارض منافع کارگر و کارفرما**

**۳۳.** منتهی عرض کردم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت یک مقدار جرأت و شجاعت، هم برای طرح و برای هم عملیاتی کردن لازم دارد. بنده وقتی برای اولین بار این الگوهای تولید خانوادگی را - که به نظرم این الگو تفسیر مسأله صلح رحم در اسلام است - مطرح کردم، برخی از محققین به بنده گفتند نوعی از الگوهای تولید خانوادگی در اروپا هم وجود دارد. البته تحقیقی که آن برادر محقق گزارش آن را به ما داده بود می‌گفت که بنگاه‌های تولیدات خانوایی در اروپا خصوصاً در ایتالیا با قوانین بازدارنده تبدیل به بنگاه‌های فرعی شده‌اند. یعنی مدل اصلی تولید نیست و مدل‌های اصلی تولید همین مدل‌های سرمایه‌داری است که راکفلرها و بیل گیبس‌ها و فرعون‌ها و قارون‌های عصر ما به دلیل اینکه فقط می‌خواهند سود بیشتری ببرند بر آن حاکم هستند. غرض این است که بگوییم این پدیده قابل مطالعه است. گرچه آن معنایی که ما از رحم در مفهوم صلح رحم بحث می‌کنیم در آن بنگاه‌ها نیست.

*انتقال از متن*

می‌کردم، اولاند<sup>۳۴</sup> به دلیل مسابقات فوتبال و برخی دلایل دیگر اجازه تظاهرات به سندیکاهای فرانسوی نمی‌داد.<sup>۳۵</sup> دولت، وزارت کشور و مدیریت سیاسی این مدل وقتی تعارض خیلی حاد می‌شود طرف سرمایه‌دارها را می‌گیرند. زیرا سرمایه‌دارها حزب‌ها را لجستیک می‌کنند، حزب در غرب به معنای خانه‌ی سرمایه‌دارها است. لذا مسأله سندیکاهای را به لحاظ کاربردی جدی نگیرید. سرمایه‌دارها در غرب بعد از بحران‌هایی که به وجود آمد<sup>۳۶</sup> نرمش قهرمانانه کرده و سندیکاهای کارگری را تشکیل دادند تا چالش و فروپاشی اجتماعی ایجاد نشود. داستان سندیکاهای کارگری، داستان کوپن غذا در آمریکا است. اگر به مردم بیشتر از حد معمول فشار وارد کنند شورش اجتماعی ایجاد شده و امنیت به چالش کشیده می‌شود. به نظر بنده سندیکاهای کارگری سوپاپ اطمینان هستند. سندیکا تدبیری است برای وقتی که انفجار و ظلم به حد اعلا می‌رسد و برای اینکه جلوی انفجار در سیستم را بگیرند این سوپاپ اطمینان را رها می‌کنند و این فشار با یک تظاهرات دو روز اعتصاب تخلیه می‌شود. نباید فکر کنید با این کار مسأله مدیریت شده است!

**۴/۴. کنترل اصطکاک  
بین اراده‌ها؛ عامل  
اصلی معرفی بنگاه‌های  
تولید خانوادگی به  
عنوان مدل مطلوب**

بنابراین سؤال دوم ما این است که در مدل‌های اشتغال موجود، چگونه تعارض بین کارگر و کارفرما را حل کنیم؟ ما پیشنهاد خود را مبنی بر مدل تولید خانوادگی داده‌ایم. بنده به همین دو مثال کفایت می‌کنم و بحث را جمع‌بندی می‌کنم. قرار شد نیازهای خانوار را تنظیم کنیم و بحث ما در این بود که هرم نیازهای خانوار چیست. در همین رابطه نیازهای تفریحی را بحث کردیم و گفتیم مهم‌ترین عامل تفریح که در مدل مدیریت تفریحی باید اصل قرار گیرد، کنترل اصطکاک بین اراده‌ها است. مهم‌ترین عاملی که در مدل ارائه شغل در محله‌ها باید اصل قرار گیرد، همان معنایی است که در مدل تفریحی مطرح بود. یعنی نباید شغل را طوری تنظیم کرد که اصطکاک بین اراده‌ها اصل قرار گیرد؛ چون اگر اصطکاک بین اراده‌ها اصل قرار گیرد، رفاه به چالش می‌افتد. بنابراین مناط ما در بازتعریف مدیریت تفریح و شغلی، اصطکاک بین اراده‌ها می‌باشد. اگر اصطکاک بین اراده‌ها اصل قرار گیرد، شغل منجر به رفاه نمی‌شود، شغل شاید برای برخی طبقات منجر به درآمد شود ولی منجر به رفاه نمی‌شود. پس باید مدل شغلی جدیدی را ایجاد کنیم. بنده با جریان توسعه‌گرا در این قضیه که می‌گویند الگوهای توسعه باید رفاه ایجاد کند، تصادفاً موافق هستم، اما رفاه بدون مسأله مدیریت اصطکاک بین اراده‌ها، فقط ادعای رفاه است. رفاه با فرض اصطکاک بین اراده‌ها، شکل نمی‌گیرد. لذا اگر شما می‌گویید تفریح مؤثر در رفاه است، پس مدیریت تفریح باید اصطکاک بین اراده‌ها را مدنظر قرار دهد. اگر می‌گویید شغل عامل رفاه و تأمین معیشت است پس مدل ایجاد شغل نباید منجر به اصطکاک بین اراده‌ها شود.

۳۴. رئیس جمهوری وقت فرانسه

۳۵. مقامات پلیس فرانسه برگزاری تظاهرات سندیکاهای را که قرار بود در پاریس، پایتخت این کشور برگزار شود، ممنوع کرده‌اند. بر پایه گزارش‌ها، قرار بود این تظاهرات روز پنجشنبه (۳ تیر) در اعتراض به اصلاح قانون کار در فرانسه برگزار شود. پلیس فرانسه چهارشنبه اعلام کرد با توجه به خشونت کشیده شدن تظاهرات‌های قبلی، «هیچ راهی» جز ممنوع کردن این تظاهرات باقی نمانده است. در حالی که فرانسه اکنون میزبان بازی‌های یورو ۲۰۱۶ است، فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهور این کشور چندی پیش تهدید کرده بود برگزاری چنین تظاهرات‌هایی را که وجهه پاریس را خدشه‌دار می‌کند، ممنوع خواهد کرد.

پرس تی وی. <http://www.presstv.ir/Detail/2016/06/22/471587/French-authorities-ban-union-demo>

۳۶. همانطور که می‌دانید این سندیکاهای در ابتدا نبودند [بلکه اثر بحران‌های سرمایه‌داری هستند]. بحران‌هایی که دوره‌های اول سرمایه‌داری بوجود آمد، بعدها منجر به ظهور کمونیست شد و عکس‌العمل‌های شدیدی ایجاد کرد. برخی محققین نوشته‌اند که جنگ‌های جهانی نیز اثر نظام سرمایه‌داری است.

انتقال از متن

## ۵. جلوگیری از اصطکاک بین اراده‌ها به عنوان یکی از احکام بنیادین اسلامی؛ ملاک اصلی بازتعریف هرم‌های چهارگانه نیازهای خانوارها

بنابراین ملاک الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در همین دو جلسه بحث شد. فردا راجع به تحصیل نیز همین ملاک را تبیین خواهیم کرد. انتقال اطلاعات و آموزش باید طوری باشد که کمک کند افراد مدارای بیشتری داشته باشند. یعنی ملاک تحصیل، هم مدیریت اصطکاک بین اراده‌ها است. در مورد نیازهای روزمره نیز همین امر حاکم است. بعدها عرض خواهم کرد نیازهای روزمره چگونه اصطکاک بین اراده‌ها را ایجاد می‌کند؛ در این زمینه به مسأله مترقی زهد و قناعت می‌رسیم و آن را بحث می‌کنیم. پس ملاک ما در این دو جلسه واضح شد. در بازتعریف هرم نیازهای خانوار، یک متغیر اصلی دیده شد؛ آن هم این است که نباید مدل تنظیم نیازهای خانوار منجر به اصطکاک شود. اگر منجر به اصطکاک بین اراده‌ها شد، رفاه انسان و خانواده‌ها به صورت بنیادین به چالش کشیده می‌شود.

در این نقطه است که توصیه‌های اسلام نیز مبنا پیدا می‌کند. بنده این مبانی را از آیه‌ای که می‌فرماید «لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»<sup>۳۷</sup> به دست آورده‌ام. این توصیه قرآن است که در جامعه نزاع خط قرمز می‌باشد. نزاع در جامعه چندین اثر دارد؛ اولین اثر این است که می‌فرماید: فَتَفْشَلُوا؛ نزاع همبستگی جامعه را از بین می‌برد. جامعه‌ای را تصور کنید که تمام افراد جامعه در حالت اصطکاک با یکدیگر قرار دارند، این جامعه فُشَل می‌شود. در این جامعه افراد «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»<sup>۳۸</sup> نیستند یعنی با هم برادر نیستند. در ادامه آیه می‌فرماید وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ؛ دومین اثر نزاع در جامعه این است که آبرو و اِبهت شما از بین می‌رود. فتنه سال ۸۸ که اثر توسعه غربی بود، داشت آبرو و اِبهت ملت ایران را از بین می‌برد و قصد داشت ملت ایران را طوری تعریف کند که گویی تمام افراد با هم دعوا دارند. بنابراین مسأله‌ی اصطکاک اراده‌ها جزء احکام بنیادین اسلام است.

۵/۱. فشل شدن و ناتوانی جامعه، از بین رفتن آبرو و اِبهت جامعه اسلامی؛ دو ثمره اصطکاک بین اراده‌ها

بنده به یک شرحی در این جلسه نشان دادم که مدیریت تفریح حدافلی و مدیریت شغلی فعلی هر دو منجر به اصطکاک اراده‌ها می‌شوند. ببینید؛ بحث ما فنی و حیاتی است. مدرنیته برای افراد چالش ایجاد می‌کند؛ زیرا فردی که فقط خودش و منافعش برای او مهم هستند را اصل قرار می‌دهد و در نهایت هم این منافع با هم تعارض ایجاد می‌کنند و در این حال قانون به عامل رتق و فتق تراحم بین منافع و اراده‌ها تبدیل می‌شود. این چه حرف بدوی‌ای می‌باشد که اصل در جامعه را بر مبنای اصطکاک اراده‌ها قرار می‌دهد؟! لیبرالیسم به همین معناست. لیبرالیسم یعنی آزادی خود انسان‌ها - آزادی به معنای اینکه هر خواسته‌ای داشتند اعمال کنند - اصل است.<sup>۳۹</sup> اگر بنیان جامعه را اینگونه

۵/۲. دموکراسی و مدرنیته؛ عامل اصلی ایجاد اصطکاک بین اراده‌ها به دلیل به رسمیت شناختن آزادی انسان‌ها در اعمال اراده از طرفی و رفع تراحم حاصل از آزادی اعمال اراده با وضع قانون از طرف دیگر

۳۷. وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ / آیه ۴۶ سوره انفال

و از خدا و پیامبرش فرمان برید و با یکدیگر نزاع و اختلاف مکنید که سست و بد دل می‌شوید و قدرت و شوکتان از میان می‌رود؛ و شکیبایی ورزید؛ زیرا خدا با شکیبایان است.

۳۸. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ / آیه ۱۰ سوره حجرات

جز این نیست که همه مؤمنان با هم برادرند؛ بنابراین [در همه نزاع‌ها و اختلافات] میان برادرانتان صلح و آشتی برقرار کنید، و از خدا پروا نمایید که مورد رحمت قرار گیرید.

۳۹. کلمه آزادی به معنای غربی را باید درست معنا کرد؛ حتماً برای کلمه آزادی باید قیدی قرار داد. من توصیه می‌کنم اگر قصد داشتید معنای آزادی در غرب را بیان کنید این قید را بگذارید تا به درستی معنا شود؛ وقتی غرب راجع به آزادی صحبت می‌کند، مراد او از این آزادی، آزادی اعمال اراده

قرار دادیم، چه اتفاقی می‌افتد؟ فردی قصد دارد خواسته‌های خود را اعمال کند اما خواسته‌های او نه‌ایندی ندارد. شخص دوم هم همین قصد را دارد اما خواسته‌های او نیز نهایت و پایان ندارد. نفر سوم و چهارم نیز همینطور. این حق برای تمام افراد جامعه به رسمیت شناخته شده است و بنابراین تراحم بین اراده‌ها و خواسته‌ها به صورت بنیادین در جامعه تئوریزه می‌شود. لذا لیبرالیسم باعث می‌شود که انسان گرگ انسان شود. زیرا تضاد منافع ایجاد می‌کند. حالا برای حل این معضل گفته‌اند تراحم بین اراده‌ها را با قانون حل می‌کنیم. به نظر شما بهتر نیست که به سراغ نحوه مدیریت برویم و تراحم بین اراده‌ها را از بنیان حل کنیم؟ زیرا قانون، روبنایی است و با این شیوه‌ی لیبرالی در نهایت مجبور می‌شوید جریمه قرار دهید تا قانون شما اجرا شود.

گفته‌اند مسأله عدم تعادل روحی و بیماری استرس جزء سه یا چهار بیماری دنیای مدرن است.<sup>۴۰</sup> همانطور که می‌دانید مهم‌ترین عامل مرگ و میر در دنیای موجود، عامل قلب و عروق است و به دلیل اینکه پزشکی موجود قدرت تحلیل اثر بین حالات روحی و اعصاب را بر قلب و عروق ندارد گفته‌اند بیماری‌های استرس و روحی و روانی در رده چهارم هستند. اما اگر ارتباط بین بیماری‌های روحی و روانی بر قلب و عروق را ببینند WHO<sup>۴۱</sup> در طبقه‌بندی بیماری‌های خود تجدید نظر کرده و می‌گوید بیماری اصلی بشر امروز، بیماری استرس است. ما این بحث را در کارگروه پژوهشی خود مطرح کرده‌ایم. بنده با دوستان طبیب خود در نقد گزارش WHO در طبقه‌بندی بیماری‌های جهانی استدلال کرده و گفتم شما حتی بر اساس مدل‌های تحقیقی خودتان می‌توانید به این جمع‌بندی برسید که اثر بیماری‌های روحی و روانی است که قلب و عروق را اصل در مرگ و میر قرار داده است. عامل اصلی مرگ و میر در دنیا دو یا سه چیز است. اول قلب و عروق و دوم تصادفات است.<sup>۴۲</sup> در تصادفات نیز عامل انسانی اصل است؛ مثلاً شخص با همسر خود در خودرو دعوا کرده او این دعوا منجر به تصادف شده است. بازگشت این مرگ نیز به عوامل روحی و روانی است. بنابراین عوامل روحی و روانی عامل اصلی است.<sup>۴۳</sup>

مبتنی بر خواست و شُخ فرد است. یعنی آزادی تأمین خواسته‌ها و اعمال اراده‌هاست. بنابراین قید تأمین خواسته‌ها را در تعریف آزادی غربی در نظر بگیرید.

انتقال از متن

40. As many as 450 million people suffer from a mental or behavioural disorder

حدود ۴۵۰ میلیون نفر از افراد جهان از یک اختلال روانی یا رفتاری رنج می‌برند.

وبسایت سازمان بهداشت جهانی [http://www.who.int/mental\\_health/media/investing\\_mnh.pdf](http://www.who.int/mental_health/media/investing_mnh.pdf)

۴۱. سازمان بهداشت جهانی (WHO) یکی از آژانس‌های تخصصی سازمان ملل متحد است که نقش یک مرجعیت سازمان‌دهنده را بر بهداشت جامعه جهانی ایفا می‌کند. این آژانس در ۹ آوریل سال ۱۹۴۸ در ژنو تأسیس شد و حکم سرپرستی و منابعش را از سازمان بهداشت سابق، که خود آژانسی در جامعه ملل بود برگرفت.

۴۲. به پیوست شماره ۱ مراجعه کنید.

۴۳. در این زمینه جلسه‌ای خواهیم گذاشت و مقدمات آن در دانشگاه علوم پزشکی تهران در حال انجام است. موضوع آن جلسه را نقد گزارش WHO قرار داده‌ام تا بگویم که این گزارش در تحلیل بیماری‌ها چه مشکلی دارد. مشکل اصلی بشر حتی در بیماری‌های جسمی نیز به عامل تعادل روحی و بیماری‌های روانی بازمی‌گردد. سؤال فنی این است که چه چیزی بیماری‌های روحی و روانی را در بشر ایجاد کرده است؟ قانون امنجر به این بیماری‌ها شده است. زیرا از طرفی نفسانیت فرد را فربه می‌کند و میل فرد شدید می‌شود و از طرفی ایجاد تراحم امیال را با قانون حل می‌کند. یعنی با یک عامل بیرونی با میل انفجار یافته‌ی فرد مقابله می‌کنید و این منجر به عدم تعادل او می‌شود. چرا این قدر غیر عاقلانه رفتار می‌کنید؟ به راه و رسم پیامبران علیهم‌السلام بازگردید. وقتی پیامبران علیهم‌السلام می‌گویند تزکیه اصل است یعنی میل را از درون کنترل کنید. اگر میل از درون کنترل شود، به چید کنترل می‌گردد ولی اگر از بیرون کنترل شود، سرکوب خواهد شد. برادران این حرف‌هایی که بنده عرض می‌کنم حرف‌های جدی‌ای است.

انتقال از متن



بنده می‌گویم دموکراسی، عامل ایجاد بیماری‌های روحی و روانی است. زیرا خروجی اصلی مدل‌های قانون‌گذاری مبتنی بر دموکراسی مسأله قانون است و تعریف قانون در نظام مدنی، کنترل تزامم میان اراده‌ها است. اگر اراده‌ها را دائماً از بیرون کنترل کنید، یعنی امپال را سرکوب نموده‌اید. این پارادوکس عجیبی است که دموکراسی به آن مبتلا شده است؛ از طرفی شعار آزادی و از طرفی شعار قانون می‌دهد. ماهیت قانون ضد آزادی است. اگر میل ایجاد شد، باید بروز کند و شما با قانون بروز آن را محدود می‌کنید. بنابراین مدرنیته به این نتیجه رسیده است که نمی‌شود بروز همه‌جانبه میل را پذیرفت و باید کنترل شود. اگر قبول دارید میل باید کنترل شود پس چرا با قانون آن را کنترل می‌کنید؟ به سراغ مفاهیم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بیایید و آن را با هدایت کنترل کنید. بنده با طرح این بحث به فلسفه‌ی قانون‌گذاری اشاره کردم. قصد دارم بگویم معنایی که ما در نقشه راه عرض کردیم - که اگر اصطکاک بین اراده‌ها ایجاد شود جامعه دچار چالش می‌شود - در تمام ابعاد مدرنیته جاری است؛ در مدل قانون‌گذاری، تولید و تفریح آن جاری است.<sup>۴۴</sup>

چون جلسه، جلسه‌ی حسن‌الاستماع است بحث را تمام می‌کنم. بحث ادامه‌دار و فنی است و ان‌شاء‌الله باید بحث را به جلو ببریم. به جمله‌ی آخر بنده توجه کنید! مدل اشتغال نباید به اصطکاک اراده‌ها ختم شود. اگر به اصطکاک اراده‌ها ختم شد، این ضد رفاه و هدف تعریف شده برای مدیریت شهری - که فلسفه آن ارتقاء تربیت می‌باشد - است.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی‌القاسم محمد ﷺ

۴۴. بنده سواد خاصی ندارم و این را از سر صدق عرض می‌کنم ولی خیلی فکر کرده‌ام. من وقتی در دوران نوجوانی کتاب آقای مطهری را مطالعه می‌کردم، در آن کتاب این داستان نقل شده بود: دانشمند جامعه‌شناس رده‌ی بالایی از یکی از کشورهای غربی به ایران سفر کرد. او را برای تفریح به کرج بردند. کرج ۵۰ سال پیش که حالت روستا داشت. دنبال بلدی می‌گشتند که منطقه را بشناسد تا این دانشمند را بگرداند. کشاورز بی‌سوادی را به عنوان بلد راه با او همراه کردند. این دانشمند فارسی هم بلد بود. دانشمند و کشاورز دو سه روز در منطقه با هم بودند. دانشمند متوجه شد که این کشاورز بی‌سواد عجب حرف‌هایی می‌زند! از او پرسید شما که بی‌سواید این حرف‌ها را از کجا آموختید؟ کشاورز گفت ما به دلیل اینکه درس نمی‌خوانیم "فکر می‌کنیم". من نیز درس نخواندم؛ اما روی این آیه خیلی فکر کردم. خیلی فکر کردم که چرا قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَنَزَّ عَوَاقِفَشَلُوا»؟ دقیقاً این فشل بودن کجاست؟ به نظر من مدل تولید فعلی مصداق اتم نزع است. این‌ها حرف‌های فنی است که پیامبران ﷺ زده‌اند. به برادران طلبه خود عرض می‌کنم که علیکم‌البدراية لا بالرواية. (مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار الإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۲۰۶) پشت سرهم روایت خواندن هیچ فضلی ندارد. زیرا مردم فکر می‌کنند این‌ها کلمات عادی است. اما اگر وقت گذاشتید و ۱۱ روز بحث کردید و اصطکاک بین اراده‌ها را توضیح دادید، ایمان جامعه قوی می‌شود. ان‌شاء‌الله دوره حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) که بیاید، در روایت آمده است که تفسیر سوره قل هو الله را ۷۰ شتر حمل می‌کنند و تازه معلوم هم نیست این نهایت تفسیر آن سوره باشد. (مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار الإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ج ۸۹، ص ۱۰۳) این مطلب به دلیل این است که انسان‌ها فکر می‌کنند. مشکل توسعه غربی این است که اجازه فکر کردن به انسان‌ها نمی‌دهد. انسان‌ها زود تصمیم می‌گیرند که کارهای خود را زود جلو ببرند.

انتقال از متن



## پرسش و پاسخ

### ۱. بازتعریف اصل نیاز به برخی از مشاغل مانند پلیس؛ راهکار مدیریت این نوع از مشاغل و مشکل تأمین نشدن این نوع از شغل‌ها در محله

آقای ستاری: در یکی از فامیل‌های ما چنین موضوعی اتفاق افتاد و شغل به شکل خانوادگی صورت گرفت. اما بعد یک مشکلی به وجود آمد و به هم خورد؛ یعنی مدرنیته تأثیری در آن خانواده گذاشته بود که آنها نتوانستند خود را مدیریت کنند. من حس کردم آن مشکل به دلیل اینکه شغل را به تأمین معاش نسبت داده‌اند ایجاد شده است. به نظر من در جامعه اسلامی شغل فقط به تأمین معاش نسبت داده نمی‌شود؛ بلکه مانند واجب کفایی فرد باید دقت کند به شغلی که مناسب اوست برسد. اگر این اتفاق بیفتد قطعاً بعضی از مشاغل مورد علاقه مانند پلیس و آتش‌نشانی و این موارد را در آن مدیریت محله‌ای نمی‌توانیم بگنجانیم. برای این موارد چه راه حلی می‌توان اندیشید؟

حجت‌الاسلام کشوری: ببینید بحث اصلی این است که بالاخره حل تعارض بین کارگر و کارفرما سؤالی است که به آن جواب داده نشده است و ما می‌خواهیم این سؤال را بوسیله تولید خانوادگی حل کنیم، یعنی جواب ما این است. حال در نمونه‌هایی که بحث می‌شود می‌توانیم این نمونه‌ها را با نمونه‌های سرمایه‌داری مقایسه کنیم. این کار سطح کنترل را ارتقا خواهد داد. در غیر اینصورت همانطور که حضرتعالی اشاره کردید اگر مسأله حرص بنیاد شد، حتی از رفق هم عبور خواهند کرد. لذا دو بحث وجود دارد؛ رفق مسأله حرص را کنترل می‌کند. شما اگر به عبارت اولی بنده توجه نموده و بین این دو جمع می‌کردید متوجه می‌شدید که اتفاقی که گفتید رخ نمی‌دهد.

نکته بعدی این است که ما شناسنامه‌ی مشاغل درست خواهیم کرد؛ در حال حاضر دقیق نمی‌دانم اما ظاهراً وزارت کار مشخص می‌کند که چند هزار شغل وجود دارد. ممکن است نظریه تولید خانوادگی در ابتدا برای ۵۰۰ نوع از مشاغل قابل اجرا باشد و برای ۵۰۰ نوع دیگر از این مشاغل قابل اجرا نباشد، ما از جایی شروع می‌کنیم که قابل اجراست. این اصل جواب ماست. راجع به مثالی که زدید باید بگویم در حال حاضر پلیس مجبور است نا امنی‌های ایجاد شده‌ی ناشی از عدم تعرف را کنترل کند، لذا می‌دانید که پلیس جمهوری اسلامی و در کل پدیده پلیس در دنیا بسیار پیچیده شده است، پلیس کسی نیست که دست‌بند می‌زند و از این قبیل کارها را انجام می‌دهد بلکه بر مفهوم امنیت و پلیس، تئوری حاکم است. بنده در گفت‌وگوهای اعضای ارشد ایران شنیده‌ام که مقابله با جرم در کشور ما مبتنی با نظریه پیشگیری محیطی است.<sup>۴۵</sup> حالا فرض کنید اگر ارتباط الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت با دستگاه امنیتی برقرار شود به آنها خواهیم گفت که مقابله با جرم و ارتقا امنیت بر پایه ارتقا تعرف است. در واقع ما با این کار در مقابل نظریه پیشگیری محیطی یک نظریه را مطرح می‌کنیم. اگر ما در حوزه امنیت به این نظریه برسیم تعرف را به عنوان زیرساخت امنیت تعریف خواهیم کرد و در آینده تکنیک‌های پلیس هم بازتعریف خواهد شد و پلیس ما دیگر اینقدر نخواهد بود. با توجه به اینکه در حال حاضر نظریه‌های پیشگیری محیطی را مطرح می‌کنند وضعیت به این شکل است. اگر خواستید نظریه‌ی امنیتی ما را دنبال کنید باید بحث‌هایی که ما در آنها دفاع را تعریف می‌کنیم را بررسی کنید. در حال حاضر ما در مسأله‌ی مدیریت شهری ۱۰ الی ۱۵ مسأله را مطرح کرده‌ایم و در ادامه هم احتمالاً ۱۰ مسأله و سؤال دیگر را مطرح خواهیم کرد تا ۲۵ سؤال مطرح شود. در مسأله دفاع و امنیت هم حدود ۳۰ سؤال وجود دارد که وقتی آنها را جواب بدهیم به عنوان تعریف مکتب امنیتی ما قرار خواهد گرفت. پس مسأله پلیس هم به این شکل مدیریت خواهد شد. ما در مدل خودمان ابتدا به سراغ پلیس نرفته و از او نمی‌خواهیم که از درون، جزء مدل شغلی مطلوب ما باشد، خیر؛ زیرا برخی از مشاغل موجود نمی‌توانند جزء مدل مطلوب ایجاد شغل و تأمین معیشت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

۴۵. نظریه پیشگیری محیطی: نظریه پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی بر پایه یک تفکر ساده استوار است. وقوع جرائم گوناگون در جوامع مختلف تا حد زیادی از فرصت‌های موجود در محیط اطراف ناشی می‌شود. بنابراین می‌توان با ایجاد تغییراتی در آن، ترتیبی اتخاذ نمود تا از میزان وقوع جرائم کاسته شود.

مقاله نظریه پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی نوشته رونالد کلارک

باشند. باید بعدها اصل نیاز به برخی از مشاغل را ذیل نظریه‌ای بازتعریف کنیم تا در آینده مدیریت آنها هم بازتعریف شود. این هم راه حل مشکلی است که شما می‌فرمایید.

## ۲. عدم کنترل اصطکاک اراده‌ها از پایگاه کنترل حرص؛ تفاوت بنگاه‌های تولید خانوادگی الگوی پیشرفت اسلامی و بنگاه‌های تولید خانوادگی موجود در غرب

آقای افاضل: سلام علیکم. حاج آقا! در بحث تولید خانوادگی باید بگوییم که این طرح در آلمان اجرا شده است و اگر شما به این کشور نگاه کنید می‌بینید که مشاغل تقریباً خانوادگی هستند و مثلاً سه یا چهار نسل یک شغل یا صنعت را ادامه داده‌اند و به نسل‌های فعلی رسیده است؛ یعنی در ۲۰ سال گذشته تقریباً تمام کمپانی‌ها و کارخانه‌های بزرگ خانوادگی شده‌اند.

مسئله دیگر که شما در بحث تفریح و شغل به آن پرداختید این است که ما بتوانیم وقت اعضای خانواده را زیاد کنیم تا تربیت محقق شود و اصطکاکات کم شود. ما می‌توانیم از مدل‌های فعلی مانند مشاغل دور کار - یعنی طرف مقابل در خانه خود نشسته و با توجه به تکنولوژی‌ای که در حال حاضر وجود دارد - استفاده کنیم.

حجت‌الاسلام کشوری: ببینید همانطور که عرض کردم، در مباحث ما مناط این است که اصطکاک ایجاد نشود. به دلیل اینکه در مدل‌های خانوادگی اروپا این ملاک حفظ نشده است - یعنی درست است که ساختار بنگاه خانوادگی می‌باشد اما به دلیل اینکه از پایگاه حرص اصطکاک اراده‌ها ایجاد شده است - همین نکته‌ی مثبتی که شما می‌فرمایید به چالش کشیده شده است. پس بعدها که مطالعه کردیم و خواستیم تفاوت مدل‌های تولید خانوادگی خودمان و مدل‌های تولید خانوادگی‌ای که قبلاً در اروپا بوده است را بحث کنیم این نکته را بیان می‌کنیم که در تمام مدل‌های خانوادگی ما رفق به عنوان عامل کنترل کننده اصطکاک اراده‌ها مطرح می‌گردد؛ اما اصطکاک اراده‌ها فقط از پایگاه رفق کنترل نمی‌شود، بلکه از پایگاه کنترل حرص هم کنترل می‌شود. لذا چون غربی‌ها مفاهیمی مانند صلح رحم ندارند ملاکی در اختیار ندارند و لذا صورت بنگاه تولیدی، خانوادگی است و از حیث خانواده و رفق، کنترل اراده‌ها اتفاق افتاده است؛ اما از حیث تحریک حرص این کنترل بر روی اصطکاک اراده‌ها اتفاق نیفتاده و این موضوع بر آن مزیت اول اثر گذاشته و لذا بنگاه‌ها از بین رفته است، این حرف فنی‌ای است که باید به آن توجه کنیم.

## ۳. عدم امکان استفاده از روش‌هایی مانند دورکاری در مشاغل کشاورزی و صنعتی به منظور افزایش زمان در کنار هم بودن اعضای خانواده

نکته دوم هم همانطور که عرض شد برخی از مشاغل را می‌توان همین الان در قالب خانواده بازتعریف کنیم. در اینصورت شما ببینید چه چیزی محقق می‌شود!! خانواده‌های فعلی فقط در تفریحات حداقلی در کنار همدیگر هستند، اما در آینده خانواده‌هایی که ما تعریف می‌کنیم در تفریحات پیش هم می‌باشند و اگر بخواهند می‌توانند در اشتغال هم پیش همدیگر باشند. سطح ارتباط در این حد است و خانواده‌ها با هم زندگی می‌کنند. وقتی بنگاه‌های تولیدی‌ای که ما بر روی آن دست می‌گذاریم با مدل‌های موجود مقایسه شوند آنقدر دارای جذبه است که افراد خانواده این مدل‌ها را قبول کرده و در درون آنها کار کنند. البته اگر نخواستند هم اجباری وجود ندارد؛ اما به نظر بنده اگر این پیشنهاد راه بیفتد [بسیار مورد استقبال قرار می‌گیرد] چون در حال حاضر بسیاری از خانواده‌ها دوست دارند با یکدیگر باشند. لذا در روزهای آینده عرض خواهم کرد که از بین سه بخش مؤثر بر تولید ناخالص ملی یعنی بخش خدمات، تولید و کشاورزی، بخش خدمات و کشاورزی کاملاً با حرف ما متناسب خواهند بود و تنها بخش تولید می‌ماند که این بخش را نیز با مقدماتی می‌توان حل کرد. مثلاً در همین برنامه ششم اگر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به مفاهیم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت توجه می‌کرد، ما به این سمت می‌رفتیم که تعارض بین حقوق کارگر و کارفرما را در بخش خدمات و کشاورزی حل کنیم، یعنی مدیریت بحث را پیگیری می‌کردیم. البته بنده به مسئول خانه کارگر ایران هم عرض کرده‌ام که آنها هم می‌توانند این کار را دنبال کنند اما در حال حاضر اصل بر این است که گفت‌وگوی این کار راه بیفتد. بله درست است که در حال حاضر بسیاری از مواردی که شما بیان می‌کنید - خصوصاً در بخش خدمات - به درد می‌خورند؛ بالاخره دورکاری در بخش کشاورزی و تولید معنا ندارد اما در بخش

خدمات می‌توان از آن استفاده کرد. البته عرض کردم که مباحث شما و بحث‌های سایر دوستان برای موقعی است که می‌خواهیم شناسنامه مشاغل را بنویسیم. با توجه به اینکه بحث مدیریت شهری در دوره اول طرح خود قرار دارد و می‌خواهیم هم راجع به مدارس، هم راجع به تفریح و هم راجع به اشتغال مرحله حسن‌الاستماع اتفاق بیفتد دوستان بحث را با بدترین مصادیقی که در تحصیل و غیره وجود دارد مقایسه می‌کنند. اگر بحث جلوتر برود و بر روی آن فکر شود خواهید دید که موارد قابل تطبیق در وضعیت فعلی نیز پیدا خواهد شد.<sup>۴۶</sup>

#### ۴. تمایل بیشتر مردم برای حضور در بنگاه‌های تولید خانوادگی و بی‌معنا شدن مسأله استعداد در یک شغل و عدم استعداد در شغل دیگر به دلیل افزایش زمان حضور در کنار خانواده

آقای امین عزیزی: در مسأله بنگاه‌های خانوادگی باید توجه کنیم که گاهی استعدادهای افراد متفاوت هستند، با این مسأله چکار کنیم؟ ثانیاً در قدیم گاهی در کارگاهی صاحب آن کارگاه برای شاگردان خود زمینه ازدواج را مهیا می‌کرده است، پس در مواردی غیر از مدل خانوادگی هم می‌توان این کارها را انجام داد.

حجت‌الاسلام کشوری: خیر، در هر شهری ممکن است دو مورد از چیزی که شما فرمایش می‌کنید وجود داشته باشد، اگر رابطه بین کارگر و کارفرما انسانی بود پس چرا سندیکا ایجاد شده است؟! اگر موارد استثنایی وجود دارد به دلیل این است که با حاج آقای محل ارتباط خوبی داشته‌اند و ربطی به بنگاه تولیدی نداشته است. در مسأله استعداد هم که حضرتعالی مطرح کردید سؤال من این است که خب این استعدادها نابرابر شده‌اند و یا چرا رابطه پدر و پسر بد شده و نمی‌توانند با یکدیگر کار کنند؟ منشأ این موارد همان عدم توجه به نهاد خانواده است. همه بحث ما این است که اگر خانواده احیا شود، استعدادها رشد خواهند کرد و فردی که استعداد او ارتقا پیدا کرده تولید خانوادگی را به عنوان بهترین گزینه می‌بیند. فرض کنید آن فرد به دلیل اینکه پدر و مادر برای او وقت گذاشته‌اند دوره‌ی تربیت خوبی را سپری کرده است، در اینصورت همان فرد با خود فکر می‌کند که در آینده ازدواج خواهد کرد و نیاز به شغل دارد. حالا آیا او شغل خود را به محیط خانوادگی می‌برد تا بیشتر نزد همسر و فرزند خود باشد یا شغل خود را به بیرون می‌برد و از خانواده خود دور می‌شود. آیا مثلاً به عسلیوه می‌رود تا کار کند؟ خود شخص به این نتیجه خواهد رسید. از جمله کارکردهای تربیت این است که سود اجتماعی را در افراد اصل قرار می‌دهد و نه سود اقتصادی را. وقتی یک نفر سود اجتماعی را فهمید و توانست آن را تطبیق کند چرا باید بنگاه خانوادگی را رها کرده و به بیرون برود؟ اینکه بیان می‌کنید استعداد او متفاوت باشد یعنی چه؟ وقتی شخصی خیلی استعداد پیدا می‌کند به سمت تربیت نسل آینده می‌رود. فرض‌هایی که شما می‌فرمایید، فرض‌های مخدوشی است. آیا اینکه استعداد شخصی بالاست به این معناست که مدارای زیادی دارد؟ خب اگر مدارای بالایی داشته باشد بالای سر خانواده و فامیل خود خواهد ایستاد و «أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»<sup>۴۷</sup> را راه خواهد انداخت. به چه دلیل باید بیرون برود؟ جسارتاً بنده متوجه نمی‌شوم. لذا نکته اول شما افسانه بود؛ حالا رمانی یا فیلمی به اینصورت بوده است؛ اما اکثر کارفرماها که چهار هزار و پنج هزار از نیروهای خود را تعدیل می‌کنند. پس رکودی که در حال حاضر داریم به چه دلیل است؟!

آقای عزیزی: حاج آقا در گذشته که بوده است ...

۴۶. آقای عزیزی: در بحث تولید خانوادگی بنده دو نقد دارم ...

حجت‌الاسلام کشوری: حالا شما نقد نکنید، ما قبلاً بیان کرده‌ایم که در مرحله حسن‌الاستماع نقد کار خوبی نیست، سؤال خود را بپرسید. زیرا هنوز بحث نشده است و نقد در این مقام معنا ندارد. اگر ادعا دارید که همه بحث را متوجه شده‌اید، بیان کنید. این نکات، نکات فنی‌ای است، زود به سمت نقد نروید. سؤال خود را بپرسید.

انتقال از متن

۴۷. وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ وَاحْفَظْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ / آیه ۲۱۴ و ۲۱۵ سوره مبارکه شعراء  
خویشاوندان نزدیکت را انداز کن و بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بگستران.



**حجت‌الاسلام کشوری:** در گذشته بوده که بوده، در حال حاضر وجود ندارد. پس بحثِ حضرت‌عالی غیر واقعی شد؛ چون زمین بازی الآن است نه گذشته.

**آقای عزیزی:** در آن زمان کارگاه‌ها کوچک بودند ولی اگر بزرگ باشند چنین اتفاقاتی نمی‌افتد ...

**حجت‌الاسلام کشوری:** بحث ما کوچک یا بزرگ بودن بنگاه نیست، خط قرمز ما اصطکاک اراده است. این مهم است که روابط افراد در بنگاه‌ها به صورت انسانی تعریف شود. حالا بعداً وارد تکنیک‌های مدیریت درون بنگاه‌های تولیدی خواهیم شد. فرض کنید یک بنگاه تولیدی را به ما داده‌اند و می‌خواهند ما آن را مدیریت کنیم، حال به چه صورتی باید آن را مدیریت نمود؟ موضوع اصطکاک اراده در اینجا نیز به کار می‌آید. بنده پیشنهاد می‌کنم که بحث‌ها را زود تطبیق نکنید، شما در حال حاضر وارد نظام مقایسه با حال حاضر، گذشته و آینده شده‌اید و این موارد ضد تفکر است. شما در مرحله حسن‌الاستماع هستید. بنده چند بار تأکید کردم که خط قرمز در مدل تأمین نیازها جلوگیری از اصطکاک اراده‌هاست. شما باید ببینید که آیا اصطکاک اراده بر مثال‌های بنده و مثال‌های شما تطبیق دارد یا خیر؟

#### ۵. تربیت؛ عامل اصلی فرح در اسلام به دلیل بهبود روابط انسانی در اثر تربیت درست

**آقای دادمربی:** با توجه به اینکه فرمایش کردید اصطکاک اراده اصل است و مدل شغلی نباید به ایجاد اصطکاک ختم شود آیا در مدل تفریح هم به همین شکل است؟

**حجت‌الاسلام کشوری:** در اول جلسه مفصل توضیح دادم که وقتی دوره تربیت انسان‌ها درست برگزار نمی‌شود در نتیجه به دلیل اینکه است که افراد ادب ارتباط را بلد نیستند، به دلیل اینکه احتساب ندارند و به دلیل اینکه به لحاظ روحی و روانی نامتعادل هستند دائماً برای محیط انسانی اطراف خود چالش ایجاد می‌کنند. پس بنابراین تأکید اسلام بر تربیت، تأکید اسلام بر فرح و خوشحالی است. منتهی اسلام عمیق بحث کرده است و گفته است: فرح و خوشحالی که بوسیله لطیفه و مطایبه و غیره بدست می‌آید حداقلی است؛ فرح حداکثری به این شکل است که انسان‌ها به شکلی رفتار کنند که طرف مقابل آنها به چالش کشیده نشود.

#### ۶. سود اجتماعی؛ منشأ حضور افراد در بنگاه‌های تولید خانوادگی

**آقای دانیال محمودی:** نقل به مضمون یکی از فرمایشات حضرت آقا این بود که در مدل‌های غربی اصل بنا بر تراحم است؛ اما در مدل اسلامی اصل بنا بر همکاری است. شما این همکاری را حول رفق معنا کردید و گفتید: این همکاری در خانواده و حول رفق شکل می‌گیرد و بنگاه تولیدی مزایایی که می‌گوییم را به ما می‌دهد و معایب مدل‌های غربی از بین می‌برد. پس باید رفق وجود داشته باشد. حرف بنده این است که آیا اینطور نیست که رفق در خانواده، پیش‌نیاز تولید خانواده می‌باشد؟ چون بنده می‌ترسم اگر در خانواده رفق نباشد قضیه برعکس شود و همه آن مزایا به معایب تبدیل شود، یعنی به دلیل اینکه در خانواده رفق وجود ندارد، منفعت‌طلبی در بین آنها بوده و در کل اوضاع بدتر خواهد شد. فکر نمی‌کنید که اول باید رفق را درست کرد و بعد به این موارد پرداخت؟

**حجت‌الاسلام کشوری:** در مورد بحث اول شما که می‌فرمایید باید کارها را بر مبنای همکاری مدیریت کرد باید بگویم که همکاری به انگیزه نیاز دارد. بنده جواب شما را در جلسه دادم و گفتیم که انگیزه سود اجتماعی است. این موضوع باعث می‌شود که یک همکاری در محیط خانوادگی شکل بگیرد. همین درک که افراد از فروپاشی خانواده حس می‌کنند، انگیزه همکاری می‌باشد. اینکه پدری می‌گوید فرزندم می‌خواهد طلاق بگیرد، انگیزه او خواهد شد، سود اجتماعی به همین معناست. انگیزه از این طریق پیدا می‌شود که فرد با تصدی بنگاه‌های تولید خانوادگی آبروی فامیل را حفظ نموده و مشکلات آنها را حل می‌کند. پس انگیزه همکاری در مدل‌های تولید خانوادگی سود اجتماعی است.





CVDs are the number 1 cause of death globally: more people die annually from CVDs than from any other cause. An estimated 17.5 million people died from CVDs in 2012, representing 31% of all global deaths.

بیمارهای قلبی و عروقی علت شماره یک مرگ و میر در جهان هستند. بیشتر مردم در اثر بیماری‌های قلبی و عروقی می‌میرند تا نسبت به عوامل دیگر؛ برآوردها نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۲، ۱۷/۵ میلیون نفر در اثر بیماری‌های قلبی و عروقی فوت کرده‌اند، یعنی ۳۱٪ از تمام مرگ و میرهای جهان [در این سال].

وبسایت سازمان بهداشت جهانی <http://www.who.int/mediacentre/factsheets/fs317/en>

سوانح و ضربات، دومین عامل مرگ و میر در جهان است. ۷/۶ میلیون نفر از افراد جهان در سال ۲۰۱۲ بر اثر سانحه فوت شده‌اند.

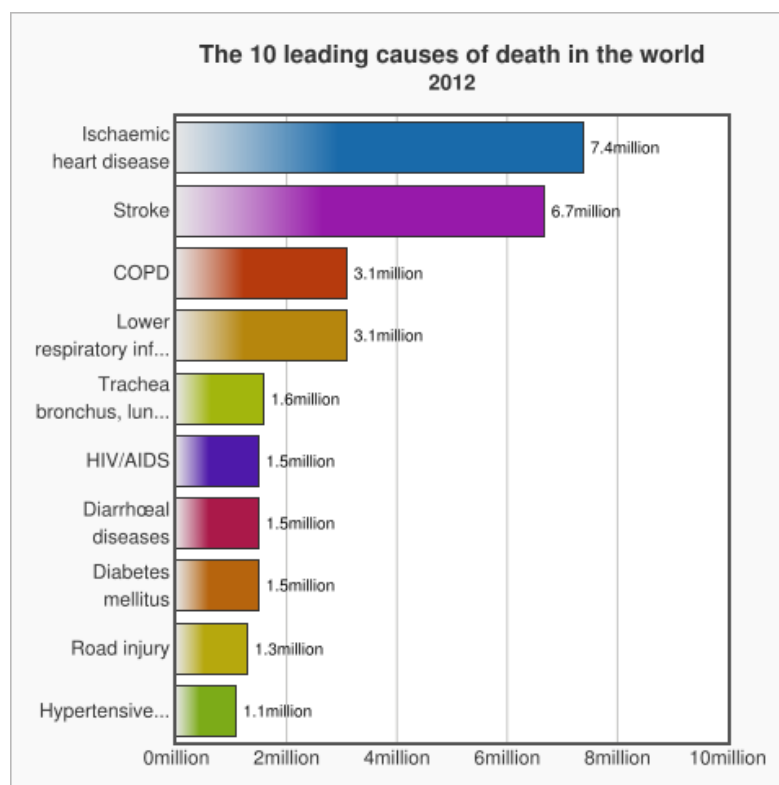
وبسایت سازمان بهداشت جهانی <http://www.who.int/mediacentre/factsheets/fs310/en>

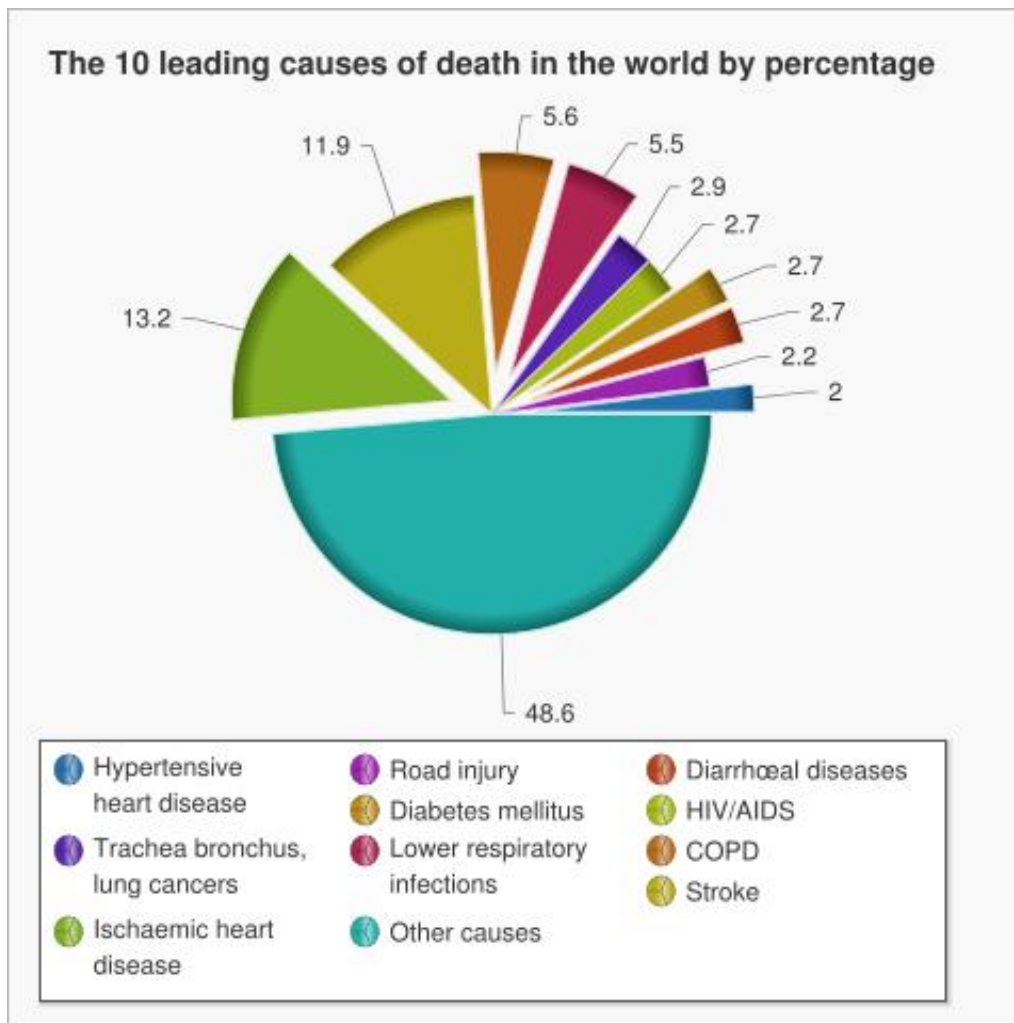
تذکر: باید دقت کرد که گزارش اول با این نمودار تضادی ندارد؛ چرا که گزارش اول بیماری‌های قلب و عروق را - که مجموعه‌ای از بیماری‌هاست - به عنوان عامل اصلی معرفی نموده است؛ یعنی گزارش اول چند مورد از بیماری‌های جدول ذیل را تحت یک عنوان آورده است؛ اما جدول یکی از انواع بیماری‌های قلبی یعنی بیماری‌های ایسکمیک قلب را به عنوان عامل اول - البته قطعاً با درصد کمتر - معرفی کرده است.

مواردی از جدول که ذیل Cvds گنجانده شده‌اند عبارتند از:

1. Ischaemic Heart Disease
2. Copd
3. Lower Respiratory Infections
4. Diabettes Mellitus
5. Hypertension.

در صورت جمع درصدهای و اعداد این بیماری به همان آمار و ارقام گزارش اول می‌رسیم.





## فهرست تفصیلی مطالب

۱. لزوم بازتعریف هرم نیازهای خانوار به دلیل جهت‌دهی نیازهای افراد به زندگی آنها و ارتقا توحید یا شرک در افراد..... ۱
- ۱/۱. حفظ فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت (نهاد خانواده)؛ وظیفه مدیریت شهری ..... ۱
- ۱/۲. نحوه تأمین نیازهای خانوار؛ مهم‌ترین عامل حفظ فضای حاکم بر نهاد متکفل تربیت توسط مدیریت شهری ..... ۱
- ۱/۳. تأمین هرم نیازهای خانوار در محله به منظور فراهم‌کردن زمان بیشتر برای اعضای خانواده برای در کنار هم بودن؛ مدل مطلوب مدیریت شهری ..... ۱
- ۱/۴. لزوم بازتعریف هرم نیازهای خانوار و مدل تأمین آنها به دلیل تفکر دائمی افراد به نیازها و موضوعات غیر قابل انکارشان و در نتیجه تغییر جهت و سبک زندگی آنها در اثر تفکر بر روی نیازها ..... ۲
- ۱/۴/۱. محدود شدن فکر انسان‌ها به خوراک، پوشاک و مسکن در زمان فعلی به دلیل پیچیده‌بودن تأمین این نیازها در مدرنیته؛ نمونه‌ای از اثرگذاری مدل تأمین نیازها در سبک زندگی افراد ..... ۲
- ۱/۴/۲. احساس خسارت انسان‌ها نسبت به آموزش‌های دوران تحصیل خودشان در مدرسه و احساس اتلاف وقت؛ نمونه‌ای دیگر از مشغول‌شدن ذهن انسان‌ها به وسیله مدل تأمین نیاز ..... ۳
- ۱/۴/۳. لزوم تأمین نیازهای انسان‌ها در راستای ارتقاء توحید به دلیل آیه فَأَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً (روکردن به خدا در تمام ابعاد زندگی) ..... ۳
۲. عدم ایجاد چالش روحی در افراد در هفت‌سال اول زندگی و جلوگیری از اصطکاک انسان‌ها با بهبود روابط انسانی در هفت‌سال دوم زندگی؛ تعریف حداکثری مفهوم تفریح ..... ۳
- ۲/۱. نیازهای تفریح؛ رأس هرم نیازهای خانوار ..... ۳
- ۲/۲. تفریح یعنی از بین بردن حداکثری عوامل کسالت انسان‌ها ..... ۴
- ۲/۲/۱. ازدواج و ارتباط با همسر؛ یکی از عوامل اصلی از بین بردن عوامل کسالت ..... ۴
- ۲/۳. جلوگیری از ایجاد عقده و چالش روحی در فرد از طریق عدم جلوگیری از بازی‌کردن او در هفت‌سال اول زندگی؛ اولین ابزار رفع عوامل کسالت در افراد ..... ۵
- ۲/۴. رفع اصطکاک بین اراده‌های انسان‌ها از طریق بهبود روابط انسانی آنها در هفت‌سال دوم زندگی؛ دومین و مهم‌ترین عامل رفع عوامل کسالت در انسان‌ها ..... ۵
- ۲/۴/۱. مرجعیت علمی اهل بیت (علیهم‌السلام)؛ مهم‌ترین آموزه هفت‌سال دوم زندگی برای بهبود روابط انسانی ..... ۶
- ۲/۴/۲. انتقال مسأله توکل بر خدا و معرفی خداوند به کودک به عنوان بهترین احتساب و پشتیبان فرد؛ یکی از آداب هفت‌سال دوم زندگی و جلوگیری از عدم تعادل فرزندان با انتقال این گزاره به آنها ..... ۶
- ۲/۴/۳. اثرگذاری بسیاری از احکام دینی در ایجاد فرح به دلیل بهبود روابط انسانی توسط این احکام ..... ۸
۳. سازماندهی افراد بر مبنای تحریک حرص و تحریک مادی، ایجاد تعارض بین منافع کارگر و کارفرما؛ دو اشکال عمده مدل‌های فعلی تأمین هرم نیازهای شغلی ..... ۸
- ۳/۱. محوریت حرص (یکی از پایه‌های کفر) و تحریک مادی در مدل‌های اشتغال فعلی؛ اشکال اول مدل فعلی تأمین هرم نیازهای شغلی ..... ۸

۳/۱/۱. دادن اضافه کاری، تعیین فیش‌های حقوقی و استفاده از تئوری‌های بهره‌وری؛ چند نمونه‌ای از تحریک‌های مادی در مدل‌های اشتغال  
فعلی ..... ۱۰

۳/۱/۲. محوریت منطق اجتماعی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و محوریت تربیت در منطق اجتماعی؛ دلیل عدم پذیرش تحریک افراد  
به محوریت حرص و تحریک مادی..... ۱۲

۳/۱/۳. تحریک افراد بر مبنای صله رحم؛ پیشنهاد نقشه راه برای سازماندهی افراد در بنگاه‌های تولیدی..... ۱۴

۳/۲. ایجاد تعارض بنیادین بین منافع کارگر و کارفرما و اصطکاک بین اراده‌ها؛ اشکال دوم مدل‌های فعلی تأمین هرم  
نیازهای شغلی..... ۱۴

۳/۲/۱. ایجاد کسالت برای افراد و از بین رفتن رفاه افراد؛ نتیجه اصطکاک اراده‌ها ..... ۱۴

۳/۲/۲. ناتوانی سندیکاهای کارگری در حل تعارض منافع کارگر و کارفرما..... ۱۴

۴. بنگاه‌های تولیدی خانوادگی؛ راه حل الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت برای حل مشکلات دوگانه‌ی مدل‌های اشتغال فعلی  
..... ۱۵

۴/۱. انتخاب اعضای بنگاه‌های تولید از اعضای یک فامیل و محوریت رفق و محبت و روابط خانوادگی در بنگاه‌های  
تولیدی؛ عامل رفع تضاد منافع کارگر و کارفرما..... ۱۵

۴/۱/۱. ایجاد محیط معیشتی بین اعضای یک فامیل؛ اعلی مرتبه‌ی صله رحم..... ۱۵

۴/۲. سازگاری بیشتر بنگاه‌های تولید خانوادگی با مدیریت محله‌ای؛ از مزیت‌های این نوع مدل تولید برای مدیریت شهری  
..... ۱۶

۴/۳. ظلم‌نشدن به کارگران و ارتقا منزلت اجتماعی کارفرما در فامیل؛ دلیل مشارکت این دو قشر- در بنگاه‌های تولید  
خانوادگی ..... ۱۶

۳/۲/۲/۱. طرفداری دولت‌ها از سرمایه‌دارها و ایجاد سندیکاهای کارگری به مثابه سوپاپ اطمینان و برای جلوگیری از شورش اجتماعی؛ عامل  
ناتوانی سندیکاهای کارگری در رفع تعارض منافع کارگر و کارفرما..... ۱۶

۴/۴. کنترل اصطکاک بین اراده‌ها؛ عامل اصلی معرفی بنگاه‌های تولید خانوادگی به عنوان مدل مطلوب ..... ۱۷

۵. جلوگیری از اصطکاک بین اراده‌ها به عنوان یکی از احکام بنیادین اسلامی؛ ملاک اصلی بازتعریف هرم‌های چهارگانه  
نیازهای خانوارها..... ۱۸

۵/۱. فشل‌شدن و ناتوانی جامعه، از بین رفتن آبرو و اُبْهت جامعه اسلامی؛ دو ثمره اصطکاک بین اراده‌ها..... ۱۸

۵/۲. دموکراسی و مدرنیته؛ عامل اصلی ایجاد اصطکاک بین اراده‌ها به دلیل به رسمیت‌شناختن آزادی انسان‌ها در اعمال  
اراده از طرفی و رفع تزاحمات حاصل از آزادی اعمال اراده با وضع قانون از طرف دیگر..... ۱۸

پرسش و پاسخ ..... ۲۱

۱. بازتعریف اصل نیاز به برخی از مشاغل مانند پلیس؛ راهکار مدیریت این نوع از مشاغل و مشکل تأمین‌نشدن این نوع از  
شغل‌ها در محله ..... ۲۱

۲. عدم کنترل اصطکاک اراده‌ها از پایگاه کنترل حرص؛ تفاوت بنگاه‌های تولید خانوادگی الگوی پیشرفت اسلامی و بنگاه‌های  
تولید خانوادگی موجود در غرب ..... ۲۲

۳. عدم امکان استفاده از روش‌هایی مانند دورکاری در مشاغل کشاورزی و صنعتی به منظور افزایش زمان در کنار هم بودن اعضای خانواده.....	۲۲
۴. تمایل بیشتر مردم برای حضور در بنگاه‌های تولید خانوادگی و بی‌معنا شدن مسأله استعداد در یک شغل و عدم استعداد در شغل دیگر به دلیل افزایش زمان حضور در کنار خانواده.....	۲۳
۵. تربیت؛ عامل اصلی فرح در اسلام به دلیل بهبود روابط انسانی در اثر تربیت درست.....	۲۴
۶. سود اجتماعی؛ منشأ حضور افراد در بنگاه‌های تولید خانوادگی.....	۲۴
پیوست شماره ۱.....	۲۶



---

## جلسه نهم

---

رفع اصطکاک اراده‌ها از طریق آموزش ایثار به دانش‌آموزان؛ مدل  
مطلوب تأمین نیازهای تحصیلی



۱۴ تیرماه ۱۳۹۵

نشست تبیین مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی



**عنوان جلسه نهم و تدوین گران:** رفع اصطکاک اراده‌ها از طریق آموزش ایثار به دانش‌آموزان؛ مدل مطلوب تأمین نیازهای تحصیلی / ابوالفضل آریان‌پور - سجاد حسن‌زاده

**ارائه‌دهنده‌ی جلسه:** حجت‌الاسلام و المسلمین علی کشوری

**تاریخ جلسه:** ۱۳۹۵/۰۴/۱۴ **مکان جلسه:** تهران - مدرسه علمیه مروی

**حاضرین در جلسه:** جمعی از طلاب حوزه علمیه مروی و پژوهشگران اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

**مشخصات اثر:** ۱۳ صفحه رنگی (۲۱\*۲۹,۷ س.م) **تاریخ انتشار:** مرداد ماه ۱۳۹۵

**اجمالی از جلسه:** در جلسات گذشته بیان شد که مدیریت شهری مطلوب باید هرم نیازهای خانوار را در محله تأمین کند تا اعضای خانواده بیشتر در کنار یکدیگر باشند. اما بحث اصلی این است که آیا می‌توان برای تأمین نیازهای خانوار از هر مدلی استفاده کرد؟؟ پاسخ منفی است؛ زیرا مدل تأمین نیاز انسان‌ها تأثیر مستقیم و بسیار بالا بر میزان خداپرستی آنها دارد.

در چرایی این ارتباط می‌توان گفت: بنابر معارف دینی برای فهم خداپرستی یک ملت یا یک فرد نباید به نماز و روزه‌ی او نگاه کنیم، بلکه ملاک اصلی خداپرستی میزان هدایت افراد است و به همین دلیل ما هر روز در نماز از خداوند می‌خواهیم که ما را به راه راست هدایت کند. اما راه فریه کردن هدایت چیست؟ چگونه افراد جامعه را هدایت کنیم؟ راه هدایت افراد تفکر است، فکر شاهراه اصلی هدایت انسان‌ها و خداپرست شدنشان می‌باشد. یکی از چیزهایی که بیشترین تأثیر را در حوزه فکر انسان‌ها دارد و به فکر و سبک زندگی انسان‌ها جهت می‌دهد مدل تأمین نیازهای آنها می‌باشد. به عنوان مثال وقتی در مورد عدالت به صورت نظری صحبت می‌کنیم ممکن است مخاطبین ما حرف‌مان را تأیید کرده و بگویند که حتماً باید دنبال عدالت باشیم؛ اما وقتی مسأله فیش‌های حقوقی نجومی اتفاق می‌افتد همین مخاطبین به این مسأله فکر می‌کنند و از تحقق عدالت ناامید و مأیوس می‌شوند. بنابراین مدل تأمین نیازهای انسان‌ها شاهراه هدایت آنها می‌باشد. حالا بحث بر سر این است که مدل تأمین نیازهای تحصیلی باید چه کاری انجام دهد؟ ما در جلسه گذشته یک ملاک اصلی را برای مدل تأمین نیازهای چهارگانه خانواده مشخص کردیم؛ مدل تأمین نیازها باید بتواند اصطکاک بین اراده‌ها را کم کند. بنابراین تعریف مدل تأمین نیازهای تحصیلی نیز باید قادر به رفع اصطکاک بین اراده‌ها باشد. اما سؤال این است که از چه طریقی؟ مدل تأمین نیازهای تحصیلی باید آموزش مکارم اخلاق را در دستور کار قرار داده و روابط انسانی افراد را بهبود ببخشد تا افراد در برخوردهای خودشان به دلیل دائم‌الارتباط بودن یکدیگر را به چالش نکنند. اوج مکارم اخلاق نیز ایثار است؛ مدل تأمین نیازهای تحصیلی باید بتواند در طول دوران آموزش مسأله ایثار را در افراد جا بیندازد و سود اجتماعی را جایگزین سود اقتصادی بکند.

اگر مسأله ایثار در دانش‌آموزان نهادینه شود هم اصطکاک اراده‌ها رخ نمی‌دهد، هم سود اجتماعی ایجاد می‌شود، هم سود اخروی ایجاد می‌گردد و هم سود اقتصادی حاصل می‌شود. بنابراین مدل مطلوب تأمین نیازهای تحصیلی باید اصطکاک اراده‌ها را از طریق نهادینه کردن ایثار در دانش‌آموزان مدیریت کند.

**رفع اصطکاک اراده‌ها از طریق آموزش ایثار به دانش‌آموزان؛ مدل مطلوب تأمین**

**نیازهای تحصیلی**

**تدوین گران:** ابوالفضل آریان‌پور - سجاد حسن‌زاده

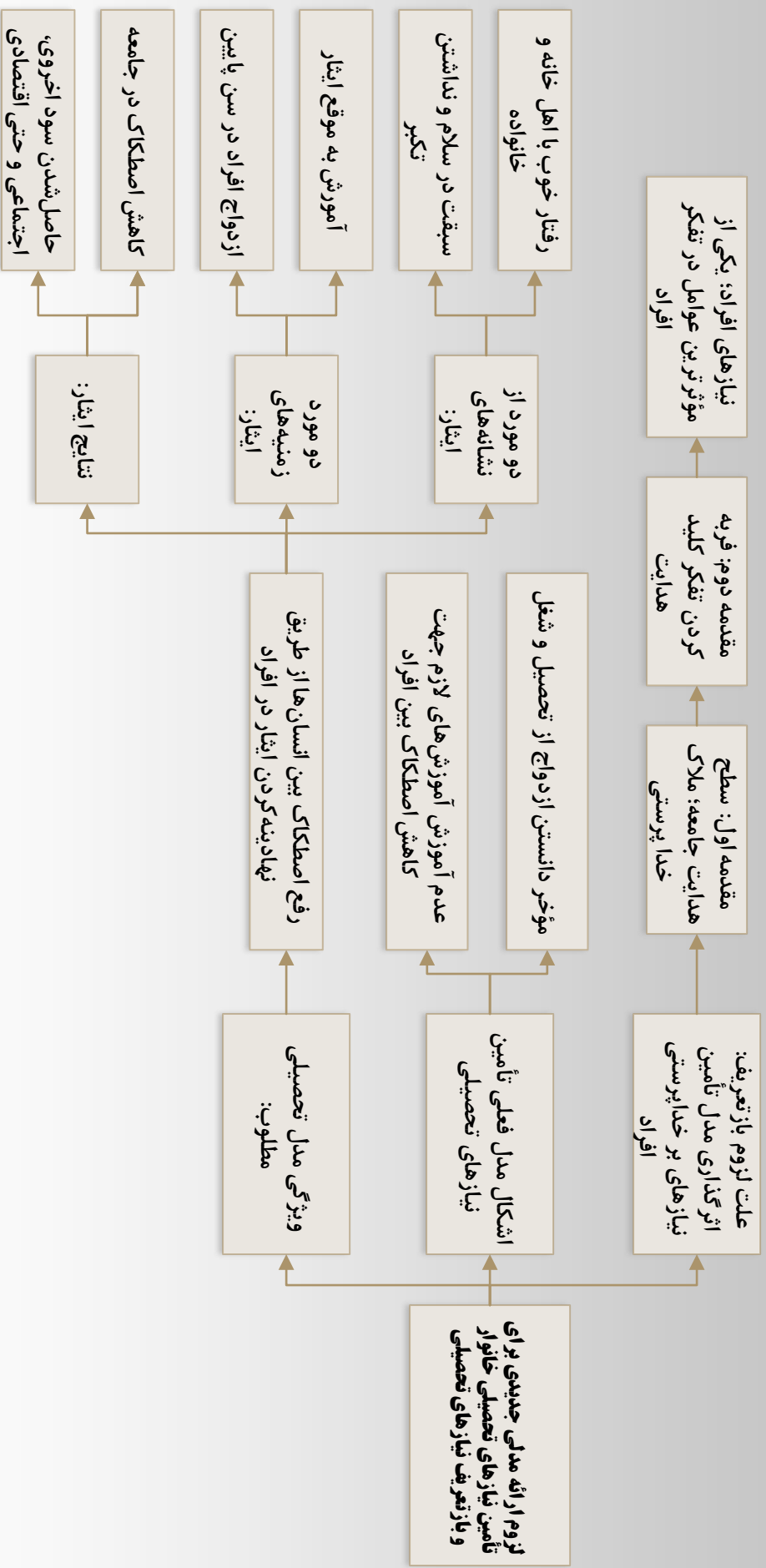
**تاریخ انتشار:** مرداد ماه ۱۳۹۵

**ویراست اول**

## فهرست اجمالی مطالب

۱. مدل تأمین نیازها؛ شاهره هدایت انسان‌ها به دلیل تفکر دائمی افراد به نیازهای خودشان و تأثیر مستقیم و بسیار بالای تفکر بر هدایت افراد..... ۱
۲. رفع اصطکاک بین اراده‌ها از طریق انتقال مفهوم ایثار به دانش‌آموزان؛ تصویر مطلوب مدل تأمین نیازهای تحصیلی..... ۵

رفع اصطکاک اراده‌ها از طریق آموزش ایتار به دانش‌آموزان؛ مدل مطلوب تأمین نیازهای تحصیلی





**۱. مدل تأمین نیازها؛ شاهراه هدایت انسان‌ها به دلیل تفکر دائمی افراد به نیازهای خودشان و تأثیر مستقیم و بسیار بالای تفکر بر هدایت افراد**

**۱/۱. مدیریت محله‌محور و تأمین نیازهای خانوار در محل زندگی آنها؛ تصویر مطلوب مدیریت شهری**

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین لا سیما بقیه الله فی الأرضین ارواحنا لتراب مقدمه الفداء و عجل الله تعالی فرجه الشریف.

بحث ما به تعریف هرم نیازهای خانوار رسید و عرض کردم که «مدیریت شهری با نگاه الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت»، مدیریتی غیر متمرکز و محله‌محور است و وظیفه اصلی این مدیریت غیر متمرکز و محله‌محور آن است که هرم نیازهای خانوار را در محل زندگی آنها تأمین کند. بنابراین به صورت طبیعی باید گفت و گو کنیم که خانواده چه نیازهایی دارد.

**۱/۲. عدم امکان فراهم کردن نیازهای انسان‌ها و لزوم انتخابی روشی مناسب به دلیل محوریت مدل تأمین نیازها در خداپرستی افراد**

عرض کردیم برای اینکه بتوانیم نیازهای خانواده را تعریف کنیم باید توجه داشته باشیم که مدل تأمین نیازهای خانواده فقط نیازهای خانواده را تأمین نمی‌کند؛ بلکه مدل خداپرستی هم محسوب می‌شود. به چه دلیل الگوی تأمین نیازهای خانواده الگوی خداپرستی هم محسوب می‌شود؟ به دلیل اینکه عبادت برای انسان در تمام ابعاد وجودی قابل فرض است و همه‌ی نیازهای انسان مسیری برای عبادت محسوب می‌شوند. فقط بخشی از عبادت از طریق زبان و ذکر و دعا است؛ ولی وقتی شما در حال کار اقتصادی هستید و نیازهای معیشتی خود را مدیریت می‌کنید نیز در مسیر خداپرستی قرار دارید. سایر نیازهایی که انسان دارد نیز همینطور هستند.

بنده همیشه برای اینکه اثبات کنم مدل تنظیم و تأمین نیازها، مدل خداپرستی است به مسأله مهم خانواده اشاره می‌کنم. در مسأله خانواده نیازهای انسان - خصوصاً نیازهای عاطفی - برطرف می‌شود؛ اما برای این امر چارچوبی قرار داده شده تا از طریق تأمین نیازهای عاطفی، توحید و تربیت هم ارتقا پیدا کند. پس الگویی که اسلام راجع به خانواده مطرح کرده هم تأمین نیازهای انسان را تکفل می‌کند و هم از طریق چگونگی تأمین نیازها به امورات عالی دیگر می‌پردازد. بنابراین چگونگی تأمین نیازها، شاهراه خداپرستی هم محسوب می‌شود.



**۱/۲/۱. هدایت؛ ملاک**

**اصلی خداپرستی در یک جامعه**

ما همیشه بحث کرده‌ایم و گفته‌ایم مهمترین چیزی که باید به آن توجه شده تا خداپرستی در جامعه گسترش یابد، سطح هدایت جامعه است؛ یعنی خداپرستی در یک جامعه تنها به میزان نماز و روزه‌ی آن جامعه و انجام مناسک بستگی ندارد؛ بلکه سطح خداپرستی به میزان هدایت افراد آن جامعه وابسته است. اگر قید هدایت را برای افراد جامعه را در نظر نگیرید ممکن است با افرادی روبرو شوید که حتی نماز خوانده و بعضی از این مناسک را نیز انجام می‌دهند - ما در صدر اول اسلام چنین انسان‌هایی را داشتیم و در زمان ما نیز جمعیت‌هایی هستند که داعش یکی از آنها محسوب می‌شود - اما به دلیل اینکه ضالّ و گمراه هستند نمی‌توانیم بگوییم آنها خداپرستی می‌کنند. سطح هدایت افراد، سطح خداپرستی را معلوم می‌کند. لذا شما در سوره حمد هر روز از خداوند متعال تقاضای هدایت به صراط مستقیم را می‌کنید، این اصل است.

**۱/۲/۲. فریه‌گردن**

**تفکر افراد؛ راهکار فریه‌گردن هدایت**

حالا هدایت به چه شکلی فریه می‌شود؟ همیشه عرض کردیم که طریق فریه کردن هدایت، فریه‌کردن تفکر است؛ اگر تفکر در یک جامعه فریه شد، سطح هدایت آن جامعه نیز از طریق فریه‌شدن تفکر ارتقا پیدا می‌کند. در روایات فرموده‌اند: «تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً»<sup>۱</sup> یا «سِتِينَ سَنَةً»؛ عبادت سبعین و ستین - یعنی عبادت هفتادساله و شصتساله - در مقابل یک ساعت تفکر ارزش کمتری دارد و تفکر افضل است. چرا؟ به دلیل اینکه تفکر، شاهرگ و کلید هدایت است. اگر جامعه‌ی اسلامی فکر نکند هدایت در او فریه نخواهد شد و حتی وقتی مناسک دینی را انجام می‌دهد آن مناسک اثر خاص خود را نمی‌بخشند.

**۱/۲/۳. مدل تأمین**

**نیازها؛ مؤثرین عامل در شکل‌گیری افکار انسان‌ها به دلیل شکل‌گیری سبک زندگی افراد ذیل نظامات اجتماعی**

حالا تفکر به چه شکلی ایجاد می‌شود؟ حتماً نباید بگوییم که طریق فریه‌کردن تفکر، طریق نظری و بیانی محض است، این یک مغالطه‌ی یونانی است که در جامعه‌ی ما جا افتاده است و به محض اینکه کلمه تفکر استفاده می‌شود انسان احساس می‌کند که تفکر دارای یک مکانیزم نظری می‌باشد و فوراً نیز بحث را به این سمت می‌برند که یک قضیه‌ی اولیه‌ی غیرقابل‌خداشه را پیدا کنند تا بگویند: این قضیه، پایگاه یقین در مقام ارتسام<sup>۲</sup> است و پس از آن نیز دعوای نظری خیلی ارتقا پیدا می‌کند.<sup>۳</sup> اگر وعاء فکر را مدیریت کنیم این وعاء همه‌چیز را در حد شصت یا هفتادسال تحت تأثیر

۱. پژوهشگر به این روایت با سلسله سند دست نیافته است اما علامه مجلسی در کتاب شریف بحارالانوار روایت را بدون بیان سلسله سند ذکر کرده است.

فی‌الحديث تفکر ساعة خیر من عبادة ستین سنة

در حدیث آمده است که یک ساعت تفکر برتر از ۶۰ سال عبادت است.

مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، انتشارات مؤسسه الوفاء، ج ۶۹، ص ۲۹۳

۲. مقام ارتسام یعنی ذهن

۳. تازه الان جمعیت‌هایی مسأله‌ی چالش صدق در در اولیات را مطرح می‌کنند؛ می‌دانید که در حال حاضر این بحث جزء بحث‌های روز مکاتب فلسفی است؛ اول اولیات، اصل تناقض است و اگر اصل تناقض در مقام ارتسام را نپذیرید، صدق سایر قضایا را نمی‌توانید اثبات کنید، منطق صوری این را می‌گوید. حُب در حال حاضر جریانی در حوزه علمیه قم وجود دارد که صدق اولیات را با چالش مواجه کرده است. چالش آنها هم عبارت از این است که امّ القضا یا در مقام ارتسام، اصل تغایر می‌باشد و شروع فهم، از "این نه آنی است" و نه از "این، همانی". در حالی که اصل تناقض، وابسته‌ی به این است که شما شروع تفاهم را از "این، همانی" بدانید. آنها می‌گویند: اگر اینطور است اصل تناقض در اینکه پایه‌ای برای صدق خود و سایر قضایا باشد به چالش کشیده می‌شود. بنده حتی خودم هم نفهمیدم چه گفتم و تازه اگر کسی این معانی را متوجه شود تنها به لایه‌ای از تفکر دست یافته است؛ ولی آیا باقی مردم هم تفکر می‌کنند یا نه؟ سؤال بنده این است که آیا حوزه‌های علمیه باید فکر کردن را مدیریت کنند یا نه؟ اگر بقیه مردم هم فکر می‌کنند با این ادبیات نمی‌توان فکر آنها را جهت داد و اصلاً علاقه‌ای نسبت به این مباحث وجود ندارد. بنده یک مرضی از سابق دارم که درمان هم نمی‌شود؛ آن هم این است که همیشه دوست دارم بر روی قضایا فکر کنم؛ به عنوان مثال "پایه‌ی قضایا به چه چیزی بر می‌گردد؟، شکل اول که منتج است شروط انتاج آن چیست؟" و ... من به این موارد فکر می‌کنم؛ اما مردم که این مرض‌ها را ندارند و با این وجود در حال فکر کردن هستند. حالا آیا باید فکر کردن مردم را مدیریت کنیم یا خیر؟ این سؤال بنده از برادران فاضل طلبه‌ی خودم می‌باشد.



قرار می‌دهد. مضمون این روایت آن است که اگر یک ساعت تفکر در فردی مدیریت شود شصت یا هفتادسال اثر دارد. ما نمی‌توانیم از مدیریت حوزه فکر بگذریم. حالا فکر را به چه شکلی باید مدیریت کنیم؟ روش این کار باید بحث شود. نکته‌ای که ما در این دوره مطرح کرده‌ایم این است که مدل تأمین نیازهای خانواده، بیشترین تأثیر را در وعاءِ فکر افراد دارد، یعنی از پایگاه زندگی تأثیرات فکری جدی‌ای در مردم اتفاق می‌افتد. اینکه مردم به چه شکلی زندگی می‌کنند، سرچشمه‌ی این است که به چه شکلی فکر می‌کنند، یعنی محیط زندگی و نظامات اجتماعی مردم به فکر آنها جهت می‌دهد.

۱/۲/۳/۱. مشغول شدن  
فکر انسان‌ها به مسأله  
فیش‌های حقوقی و  
مأیوس شدن آنها از تحقق  
مسأله عدالت؛ نمونه‌ای از  
اثرگذاری نظامات  
اجتماعی بر وعاء فکر  
انسان‌ها

روز گذشته عرض کردم که مثلاً شما به صورت نظری بیان می‌کنید که در جامعه‌ی اسلامی باید عدالت برقرار شود و این بحث سطحی از درگیری را در ذهن مردم ایجاد می‌کند و اگر پای منبر شما بنشینند به این نتیجه می‌رسند که بسیار خُب؛ عدالت، چیز خوبی است و ما باید به آن بپردازیم؛ اما وقتی حادثه‌ی تلخی مانند فیش‌های حقوقی رخ می‌دهد مردم می‌گویند: ببینید! ما تمام روز زحمت می‌کشیم و درآمد ما یک میلیون الی دو میلیون تومان است اما فلان آقا پشت میز خود می‌نشیند و ۵۹ میلیون حقوق می‌گیرد و نکته‌ی جالب این است که جزء لیست امید هم می‌باشد و مردم می‌گویند: ما به آنها رأی دادیم تا امید ایجاد شود، ما به امیدی رأی دادیم. در این هنگام «فَرَجُوا إِلَيَّ أَنْفُسِهِمْ»<sup>۴</sup> ایجاد می‌شود و مردم به خود رجوع کرده و می‌گویند: خدایا چه اتفاقی افتاده است؟! قرار بود امید ایجاد شود! ببینید فکرها مشغول می‌شوند. حالا کسی که به این موضوع فکر می‌کند دیگر با خود نمی‌گوید: "امید چیست؟" و "ناامیدی چیست؟" دو قضیه هستند و لایجتماعان و لایرتفعان، پس قضیه، صادق است.<sup>۵</sup> مردم به این شکل فکر نمی‌کنند تا شما بگویید: اگر من مسأله‌ی اصل تناقض را حل کنم می‌توانم وعاء فکر مردم را مدیریت کنم.<sup>۶</sup>

۱/۲/۳/۲. شکل گیری نگاه  
اقتصادی در افراد و عدم  
درک مفهوم سود اجتماعی  
توسط آنها به دلیل  
آموزش‌های غلط نظام  
آموزشی؛ نمونه‌ای دیگر از  
اثرگذاری نظامات اجتماعی  
در سبک زندگی افراد

بنده همیشه عرض کردم مهمترین چیزی که فکر انسان‌ها را مشغول خود می‌کند مدل زندگی کردنی است که حکومت‌ها به مردم پیشنهاد می‌دهند. به عنوان مثال نظام آموزشی سرفصل‌های آموزشی‌ای را برای دانش‌آموزان تدریس می‌کند؛ ریاضی ۱، ریاضی ۲، ریاضی ۳، فیزیک ۱، فیزیک ۲، فیزیک ۳، زیست ۱، زیست ۲، زیست ۳ و به همین شکل. در نتیجه‌ی این آموزش‌ها انسان‌ها ساینیتیک (Science) فکر خواهند کرد و تفکر آنها تفکر ریاضی خواهد بود و اجتماعی فکر نمی‌کنند. در کشورهای توسعه‌یافته - که غیر از کشورهای پیشرفته است، ما همیشه عرض کرده‌ایم که

انتقال از متن

۴. اشاره به آیه: فَرَجُوا إِلَيَّ أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمُ الظَّالِمُونَ / آیه ۶۴ سوره انبیاء

پس آنان ابا تفکر و تأمل] به خود آمدند و گفتند: شما خودتان ابا پرستیدن این موجودات بی‌اثر و بی‌اختیار] ستمکارید [انه ابراهیم].

۵. این جمله از اصطلاحات منطق صوری است؛ در منطق صوری اصلی به نام تناقض وجود دارد که به معنای جمع‌نشدن و رفع‌نشدن دو جمله می‌باشد. به عنوان مثال دو جمله "هر انسانی عالم است" و "هیچ انسانی عالم نیست" را در نظر بگیرید. این دو جمله هیچگاه جمع نمی‌شوند؛ یعنی امکان ندارد که هر دوی آنها صادق باشند. همچنین این دو جمله رفع نمی‌شوند؛ یعنی امکان ندارد هر دوی این قضایا کاذب باشند.

برای اطلاع بیشتر از این بحث رجوع شود به: مظفر، محمدرضا؛ المنطق، قم، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، صص ۱۹۵-۱۹۷  
۶. البته همانطور که عرض کردم خود این موضوع که امّ القضایای اصل ارتسام را اصل تناقض بدانیم فیه بحث؛ حتی بر فرض اینکه شما جواب این اشکالات را بدهید یا منطق صوری جواب این اشکالات را بدهد، مشکل حل نمی‌شود. من زمانی که هدایت‌نیافته بودم مجموعه مناظره‌هایی را در مدرسه‌ی علمیه "خان" قم برگزار نمودم و هفت‌هفته با یکی از اساتید فلسفه مناظره کردم. موضوع بحث هم این بود که امّ القضایای مقام ارتسام، اصل تناقض است یا اصل تغایر. حالا ما این بحث را انجام داده و گفت‌وگو می‌کنیم و مسأله حل می‌شود؛ اما فکر مردم از پایگاه فیش‌های حقوقی مشغول است و شما هم در حال بحث در مورد چالش صدق اولیات منطق صوری هستید. در اینصورت جامعه با شما ارتباط برقرار نمی‌کند.

انتقال از متن



توسعه‌یافتگی را پیشرفت نمی‌دانیم؛ بلکه نوعی جاهلیت و پس‌رفتِ مدرن است - در سر کلاس‌های درس مفاهیم اقتصادی را یاد می‌دهند. به عنوان مثال برای دوره ابتدایی مفهوم سود و معامله‌کردن را آموزش می‌دهند. در کشورهای توسعه‌یافته مفاهیم ریاضی، جزء آموزش‌های اولیه نیست؛ بلکه مفاهیم اجتماعی جزء مفاهیم اولیه هستند. آنها نیز به این شکل که ما با مدل‌های منسوخ درس می‌دهیم درس نمی‌دهند.

حال نظام آموزشی ما به جای اینکه سود اقتصادی را تدریس کند باید انواع مفهوم سود را بحث کرده و در نهایت به تبیین سود اخروی یا سود اجتماعی برسد. به دانش‌آموزان بگوید: «مثلاً شما هزار تومان پول دارید و می‌توانید این هزار تومان را برای خودتان خرج کنید و در اینصورت حتماً بهره‌ی مادی بیشتری خواهید برد؛ مثلاً می‌توانید دو عدد بستنی بخرید.<sup>۷</sup> اما از طرف دیگر می‌توانید این هزار تومان را برای خود و دوستان خرج کنید. درست است که در حالت دوم شما یک بستنی می‌خورید و دوست شما نیز یک بستنی می‌خورد؛ اما به دلیل اینکه شما به دوستان کمک کرده‌اید بین شما و دوست خود محبت و الفت برقرار می‌شود و اگر شما در آینده به مشکلی برخورد کنید دوست شما خود را بدهکار شما می‌داند و او هم جبران می‌کند.» این نیز یک نوع سود است که شما می‌توانید آن را در نظام آموزشی جا بیندازید. سپس به دانش‌آموز بگویید: این، اثر دنیایی کار شماست؛ یک‌بار از خودتان گذشتید و ایثار کردید و در نتیجه در این دنیا دوست پیدا کردید - اثر رفق، پیدا کردن برادر است - و خدای متعال هم به دلیل اینکه شما خود را شبیه او کردید - ایثار و گذشتِ خداوند در او اصل است؛ بسم الله الرحمن الرحیم، خداوند متعال خود را با رحمانیت و رحمت خود را معرفی می‌کند - برای شما اجری را در نظر خواهد گرفت و شما را از دایره رحمانیت وارد دایره رحیمیت می‌کند. خداوند به همه‌ی انسان‌ها رحمت عام می‌کند؛ اما به کسی که شبیه خدا باشد رحمت خاص دارد. این مطالب را می‌توان در مدرسه گفت. با توجه به اینکه بنده سابقه کار با نوجوانان را زیاد دارم، می‌دانم که خیلی راحت می‌توان با آنها صحبت کرد و بعد از مدتی می‌بینید نوجوانی که با آموزش نظام آموزش و پرورش شما تربیت شده درک دیگری از عالم پیدا خواهد کرد. در اینصورت ما مشکلات اجتماعی پیدا نمی‌کنیم؛ زیرا مشکلات اجتماعی به دلیل عدم توجه انسان‌ها به یکدیگر هستند، مشکلات اجتماعی میوه‌ی لیبرالیسم و میوه‌ی فردگرایی افراطی است؛ وقتی انسان‌ها خودشان برای خودشان اصل شدند، اثر اجتماعی این امر آن است که به دیگران توجه نمی‌کنند و وقتی توجه به دیگران تضعیف شد معضلات اجتماعی ایجاد می‌گردد.

خلاصه بحث بنده بر سر این است که انسان‌ها چطور فکر می‌کنند. بنده عرض می‌کنم که نظامات اجتماعی به فکر کردن انسان‌ها جهت می‌دهند. برای مثال الآن من توضیح دادم که نظام آموزشی چگونه جهت می‌دهد. بنابراین چرا ما می‌گوییم الگوی تأمین نیاز، الگوی خداپرستی است؟ دلیل دوم این حرف آن است که الگوی تأمین نیازها بیشترین تأثیر را در حوزه‌ی فکر انسان‌ها دارد و ما قبلاً در مبانی نظری اثبات کرده‌ایم که فکر انسان‌ها، کلید هدایت است؛ هرچیزی بیشترین تأثیر را بر فکر انسان‌ها داشته باشد بیشترین تأثیر را بر هدایت یا ضلالت انسان‌ها دارد. حالا خود شما قضاوت کنید که آیا مسائل نظری و گفت‌وگوها بیشترین تأثیر را بر فکر انسان‌ها دارند یا مدل زندگی کردن آنها؟ اگر اینها را از همدیگر جدا دانسته و بگوییم دو مسأله هستند، نمی‌توانیم بگوییم که باید با استدلال‌های نظری بر تفکر آدم‌ها تأثیر بگذاریم، چون این طریق کاملی نیست. اگر سبک زندگی

۱/۲/۳/۴. روایت

النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهَ

مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ؛ شاهدی

بر اثرگذاری بیشتر

نظامات اجتماعی در

جهت‌دهی فکر و سبک

زندگی افراد

۷. با زبان خود دانش‌آموزان حرف بزنید.

انسان‌ها را در نظامات اجتماعی بازتعریف کنید در واقع تفکرات انسان‌ها را جهت داده‌اید. لذا در روایت فرمود - حضرت بسیار حکیمانه فرموده است - «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ»<sup>۸</sup>. چرا أمراء بر مردم بیش از پدرانشان تأثیر می‌گذارند؟ ظاهر قضیه این است که پدر و مادر انسان از انعقاد نطفه تا پایان دوره تربیت بیشترین تأثیر را دارند و این خیلی تأثیر عظیمی است - پدر و مادر بر فرزند خود تأثیر عجیبی دارند و فرزند بیشترین تأثیر را از آنها می‌گیرد - اما روایت علوی شریف می‌فرماید: النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ. چرا؟ به دلیل اینکه أمراء نظامات اجتماعی را بازتعریف می‌کنند و نظم اجتماعی به دست أمراء است و اگر نظم اجتماعی تغییر کند حتی پدر و مادر هم تحت تأثیر آن نظم اجتماعی قرار می‌گیرند. بنابراین تأثیر أمراء بر افراد جامعه بیشتر است. این روایت، از روایات حکومتی ماست اما ما بر روی آنها تأمل نمی‌کنیم و در نتیجه دچار مشکلات و معضلات اجتماعی می‌شویم. بنابراین به این نکته حیاتی - که بنده اصرار دارم و در ابتدای جلسات برای بار سوم تکرار می‌کنم - توجه کنید که مدیریت شهری باید به مدل تأمین نیازها توجه کند. اگر به مدل تأمین نیازها توجه نکرد و گفت: با هر مدلی که می‌شود نیازهای خانوار را تأمین کنیم، بعدها تفکرات آنها جامعه را به چالش خواهد کشید.

## ۲. رفع اصطکاک بین اراده‌ها از طریق انتقال مفهوم اینار به دانش آموزان؛ تصویر مطلوب مدل تأمین نیازهای تحصیلی

۲/۱. مهم‌تر جلوه دادن تحصیل و شغل از امر ازدواج و از بین رفتن فرح افراد به دلیل تأخیر در تشکیل خانواده؛ یکی از ایرادات مدل فعلی تأمین نیازهای تحصیلی

الآن ما در زمینه مدل تأمین نیازها مشکل داریم. به عنوان مثال مدل تحصیلی - که در این جلسه موضوع بحث ماست - آموزش را به شکلی مدیریت می‌کند که افراد ازدواج را مؤخر از شغل و تحصیل برای خودشان تعریف کرده‌اند. ببینید چه اثر سوئی گذاشته است! بنده در بحث‌هایی که در مورد مدیریت تفریح بیان کردم عرض نمودم که اولاً فرح و رفع کسالت، نقطه‌ی آغاز حرکت همه پیامبران علیهم‌السلام است؛ زیرا وقتی می‌گویید: پیامبری مبعوث شد و بعث ایجاد کرد، یعنی در آدم‌ها حرکت ایجاد کرد و حرکت آدم‌ها فرع رفع کسالت و فرح است. آدمی که کسل هست در او حرکت اتفاق نمی‌افتد. «إِيَّاكَ وَالْكَسَلَ فَإِنَّهُ يُصِرُّ بِالْدِّينِ وَالْدُّنْيَا»<sup>۹</sup> وقتی شما می‌بینید پیامبری قومی را حرکت می‌دهد پیداست که در مردم شوق و بعث و فرح ایجاد کرده است. مدیریت تفریح در اسلام، مدیریت برخورد روبرویی با کسالت نیست. در اسلام مدیریت تفریح، حالت سوپاپ اطمینان ندارد تا شما بگویید فردی در حال انفجار است و باید به او بگوییم بخند تا نمیری! نهایت تحلیل‌های روانشناسی بیان می‌دارد که اگر بخندید حال شما خوب می‌شود؛ آنها نظامات اجتماعی جامعه را به حالت کسالت شدید برده‌اند و حالا به او می‌گویند بخند تا مقداری تخیله شوی! مدیریت تفریح در اسلام

۸. وقال عليه السلام: الناس بأمرائهم أشبه منهم بأبائهم

شبهت مردم به امراء و حاکمان خودشان از شباهتشان نسبت به پدرانشان بیشتر است.

این شعبه الحراتی؛ تحف العقول، ج دوم، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۷، ص ۲۰۸

۹. قال باقر علیه‌السلام: الكسلُ يُصِرُّ بِالْدِّينِ وَالْدُّنْيَا.

اما باقر علیه‌السلام فرمودند: تنبلی به دین و دنیا زیان می‌زند.

مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار الإحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق. ج ۷۵، ص ۱۸۰

سَهْلُ بْنُ زَيْدٍ عَنِ ابْنِ حُبُوبٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى علیه‌السلام قَالَ قَالَ أَبِي علیه‌السلام لِبَعْضِ وَلَدِهِ إِذَاكَ وَالْكَسَلَ وَالصَّبْرَ فَإِنَّهُمَا يَمْتَعَانِكَ مِنْ حَطِّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

امام کاظم علیه‌السلام می‌فرماید: پدرم به برخی از فرزندان خود می‌فرمود: از تنبلی و بی‌حوصلگی بپرهیز؛ زیرا که این دو خصلت، تو را از بهره دنیا و آخرت باز می‌دارند.

کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تهران، انتشارات دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق. ج ۵، ص ۸۵





به دنبال تخلیه‌ی کسالت‌های ناشی از نظامات اجتماعی نیست؛ بلکه مدیریت تفریح در اسلام به این سمت حرکت می‌کند که ریشه ایجاد کسالت در جامعه را بخشکاند و بعد مابقی کسالت‌هایی که ایجاد می‌شود را با مدل‌های روبنائی تفریح مدیریت کند.

خُب از جمله عواملی که ریشه کسالت را می‌خشکاند مسأله‌ی خانواده است؛ اولین تأثیری که یک خانواده‌ی خوب، یک مرد و زن خوب بر روی همسر خود دارد این است که در او فرح ایجاد کرده و کسالت را از او می‌زداید.<sup>۱۰</sup> بنابراین وقتی راجع به مدیریت تفریح بحث می‌کنیم، مدیریت تفریح باید قدرت رفع کسالت در آحاد جامعه را داشته باشد و ریشه کسالت را بخشکاند. اما آیا مدل آموزشی ما این چیزها را آموزش می‌دهد؟ خیر. اینکه بنده مکرر عرض می‌کنم ما نباید دچار اخباری‌گری شویم یکی از مصادیق آن همین مورد است. آقایان بر روی منبر بسیار صحبت کرده و می‌گویند: ازدواج، نصف دین است ولی جمع بین روایات نمی‌کنند تا مشخص شود که چرا ازدواج نصف دین است. لذا یک گزاره‌ی فانتزی در ذهن افراد درست شده است؛ گزاره‌های فانتزی، گزاره‌های قشنگی هستند ولی کاربردی نمی‌باشند. یکی از علت‌های اصلی این مطلب که ازدواج نصف دین می‌باشد آن است که ازدواج، رافع کسالت در افراد است و وقتی کسالت به صورت بنیادین در انسان‌ها برطرف شود، دائم‌الشوق و دائم‌الحرکت می‌شوند. لذا پیامبر اکرم ﷺ در مدینه‌ی منوره خود رفت‌وآمد داشتند و از جوانانی که ایشان را در راه مسجد یا بخش‌های مختلفی که پیامبر ﷺ مدیریت می‌کردند می‌دیدند می‌پرسیدند: شما شغل دارید یا نه؟ ازدواج کرده‌اید یا نه؟ وقتی حضرت ﷺ می‌شنید کسی شغل ندارد و یا ازدواج نکرده است می‌فرمودند: سَقَطَ مِنْ غَيْبِي.<sup>۱۱</sup> طبق این روایت چرا یک جوان از چشم پیامبر خود می‌افتد؟ چون حال حرکت ندارد و پیامبران ﷺ نیز «بُعِثْتُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ»<sup>۱۲</sup> بودند؛ پیامبران ﷺ ایجاد بعث و حرکت می‌کردند. در واقع پیامبر ﷺ در این حدیث شریف به این جوان می‌فهماند که تو اگر ازدواج نکنی و شغل نداشته باشی قعود در تو اصل می‌شود و نمی‌توانی حرکت و

۱۰. پیامبران ﷺ مکانیزم‌های رفع کسالت را مفصل بحث کرده‌اند. در روایت فرمود: **إِيَّاكَ وَالْكَسَلَ**؛ زمانی که [در حوزه علمیه] به ما درس می‌دادند می‌گفتند: **إِيَّاكَ وَ الْكَسَلَ** مانند ای تاک و الأسد است؛ یعنی شما فکر کنید با رفیق تان در جنگلی حرکت می‌کنید و رفیق شما دو متر جلوتر یا عقب‌تر از شماست و به یک‌باره سر خود را برگردانده و می‌بیند که شیری در حال حمله به شماست. وقتی رفیق شما می‌خواهد شما را نجات دهد چه حالتی از خود نشان می‌دهد؟ در زبان عرب می‌گویند: لفظ ای تاک و الأسد را به کار می‌برد. در زبان فارسی داد بلندی زده و می‌گوید: محمد مواظب باش! حالا بنده نمی‌توانم در مقام سخنرانی آن حالت را اعمال کنم که با چه لحن جدی و صوت بالایی می‌گوید. ای تاک، هشدار جدی‌ای است. حالا امام ﷺ در روایت می‌فرماید: **إِيَّاكَ وَ الْكَسَلَ**؛ کسالت را از خودتان بزدابید، چون انسانی که دچار حالت کسالت باشد به معیت امام ﷺ نمی‌رسد. علت اصلی نرسیدن به کربلا، کسالت است؛ فَإِنَّهُ يُضِرُّ بِالْدِّينِ وَ الدُّنْيَا؛ یعنی کسالت، هم دنیا و هم دین شما را خراب می‌کند.

انتقال از متن

۱۱. پژوهشگر در این باب به روایت زیر دست نیافته است:

رَوَى ابْنُ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا نَظَرَ إِلَى الرَّجُلِ فَأَعْجَبَهُ فَقَالَ هَلْ لَهُ حِرْفَةٌ فَإِنْ قَالَ لَا قَالَ سَقَطَ مِنْ غَيْبِي قِيلَ وَ كَيْفَ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا لَمْ يَكُنْ حِرْفَةً يُعِيشُ يَدِينَهُ.

هر گاه پیامبر اکرم ﷺ به مردی نگاه می‌کرد و از او خوشش می‌آمد می‌پرسید: کاری دارد؟ اگر می‌گفتند: نه، می‌فرمود: از چشمم افتاد. پرسیدند: ای پیامبر خدا چرا چنین است؟ فرمود: برای اینکه مؤمن اگر حرفه‌ای نداشته باشد با دینش زندگی می‌کند (و به نام دین، بار دوش این و آن می‌شود)

مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار الإحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰، ص ۹

۱۲. ما، الأمالی للشیخ الطوسی جماعه عن أبي المفضل عن أحمد بن عبد الرحيم عن إسماعيل بن محمد العلوي عن أبيه عن جده إسحاق بن جعفر عن أخيه موسى بن جعفر قال سمعت أبا جعفر بن محمد ﷺ يقول أحسن من الصدق قائله وخبر من الخبر قاعله ثم قال حدثني أبي محمد بن علي عن أبيه عن الحسن بن علي عن أبيه الحسين بن علي عن أبيه علي ﷺ قال سمعت النبي ﷺ يقول بعثت بمكارم الأخلاق ومحاسنها وعنه ﷺ يقول استنمأ المعروف أفضل من ابتداء.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: من برای خلقیات کریمه و صفات پسندیده مبعوث شده‌ام. به پایان رساندن و کامل کردن کارهای نیک بهتر از شروع آن است.

مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار، بیروت، دار الإحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۶، ص ۴۰۵

قیام کنی؛ هیچ چیز برای جهاد مانند یک همسر خوب نیست؛ انسان‌هایی که می‌خواهند حرکت کنند نیازمند آرامش هستند و خانواده، محل آرامش می‌باشد. ولی آیا در حال حاضر نظامات اجتماعی شما این معانی را به جوانان شما منتقل می‌کند؟ خیر؛ لذا ما هر روز درون‌گراتر می‌شویم و انسان‌ها به دلیل مدل‌های آموزشی مدرن جامعه‌ی ما، به میزانی غیر اجتماعی و غیر اخلاقی می‌شوند که حتی رغبت نمی‌کنند نزد یکدیگر رفته و درد دل کنند. می‌دانید که درد دل و گوش دادن به شکایت یک نفر، جزء عبادت‌های بزرگ و خوب است. البته از طرف دیگر به کسی که حال خیلی بدی دارد توصیه کرده‌اند که پیش هر کسی درد دل نکند و حرف خود را پیش هر کسی نزنند.<sup>۱۳</sup> در زمان قدیم پدر بزرگ، مادر بزرگ یا برادر بزرگی بود و مثلاً وقتی پسری می‌خواست به خواستگاری دختری برود و خانواده‌ی پسر چالش ایجاد می‌کردند با مادر بزرگی که در خانه محوریت داشت یا با پدر بزرگ خود که بزرگ خاندان بود صحبت می‌کرد و می‌گفت: پدر بزرگ! من چنین مشکلی دارم؛ بررسی کرده‌ام و دیده‌ام که این دختر، دختر عقیفی است و احساس می‌کنم کُفّ من است ولی پدر و مادر اجازه نمی‌دهند، شما بیایید کاری بکنید. اما در حال حاضر در فضای مجازی یک سایت همسریابی درست کرده‌اند. همانطور که می‌دانید یکی از علت‌های اینکه ما حدود ۴۰ درصد طلاق داریم این است که نحوه گزینش همسر، نحوه‌ی فنی‌ای نیست و انتخاب همسر از پدر و مادر به خود جوان بی‌تجربه - که مسأله را نمی‌داند و پدر و مادر او محل درد دل و اطمینان او نیستند - منتقل شده است و نتیجه‌ی این مسأله، ۴۰ درصد طلاق می‌باشد. اگر مدل تحصیلی ما این معانی اجتماعی حیاتی را به نسل جوان انتقال نداد، جامعه دچار این مشکلات می‌شود.

**۲/۲. رفع و مدیریت اصطکاک بین اراده‌ها؛ وظیفه اصلی مدل تأمین نیازهای تحصیلی**

بنابراین اگر مدل تحصیل مهم است این سؤال پیش می‌آید که ما در مدل تحصیلی باید به چه چیزهایی بپردازیم؟ در جلسه‌ی گذشته گفتیم که مدل تأمین نیازها مهم است و به همین دلیل یک مدل تفریح جدید و مدل اشتغال جدید نیاز داریم، اینها را بحث کرده‌ایم. عرض کردم که خط قرمز مدل اشتغال جدید آن است که قدرت مدیریت تعارض منافع کارگر و کارفرما را داشته باشد. خط قرمز مدیریت تفریح این است که عوامل ایجاد کسالت را مرتفع کند، مدیریت تفریح در یک جامعه باید این کار را انجام دهد. مدیریت تفریحی که منجر به رفع کسالت می‌شود باید چه چیزی را محور کار خود قرار دهد؟ رفع اصطکاک بین انسان‌ها را؛ چون عامل اصلی ایجاد کسالت، اصطکاک بین انسان‌هاست. مدل شغلی نیز باید اصطکاک بین انسان‌ها را کاهش داده و - به اصطلاح - تعارض بین کارگر و کارفرما را مدیریت کند. حالا و در این جلسه می‌گوییم: مدل تحصیل نیز باید چنین قدرتی را باشد و اصطکاک بین اراده‌ها را مدیریت کند، باید بتواند به نسل جوان آموزش دهد که شما دائم‌الارتباط هستید و اصل اساسی در این ارتباط آن است که برای اراده‌های روبروی خودتان چالش ایجاد نکنید. آموزش‌هایی که می‌تواند این کار را انجام دهند باید در دستور کار قرار گیرند.

**۲/۲/۱. افزایش توان حرکت جامعه به سمت پیشرفت؛ ثمره رفع اصطکاک بین اراده‌ها**

اگر نظام آموزشی ما توانست نحوه‌ی مدیریت اراده‌ها با یکدیگر را آموزش دهد در جامعه‌ای که اینگونه آموزش‌ها وجود دارد اصطکاک اراده‌ها پایین می‌آید. وقتی اصطکاک اراده‌ها کاهش پیدا کرد چه اتفاقی می‌افتد؟ دیگر لازم نیست جامعه توان خود را صرف رفع اصطکاک‌ها بکند و با توان بیشتری به سمت پیشرفت حرکت می‌کند. این معانی چقدر متفاوت با معنای‌ای است که دنیای

۱۳. حتی ما در مناجات خمس عشر مناجاتی به نام مناجات شاکین داریم. امیرالمؤمنین علیه السلام با چاه صحبت می‌کردند، بنده بعداً عرض خواهیم که با چاه صحبت کردن، چه معانی تکوینی‌ای دارد. باز هم نباید این گزاره‌ها را به صورت فانتزی ببینیم. به هر حال عرض بنده این است که شکایت کردن و اینکه انسان حرف خود را زده و تخلیه شود، هم آثار جسمانی و هم آثار روحی دارد ولی الآن انسان‌ها به دلیل اینکه خودشان دچار مشکل هستند نمی‌توانند سنگ صبور هم باشند.



مدرنیته دارد! لذا در روایات ما خط قرمزی وجود دارد مبنی بر اینکه؛ مراقب باشید که تفریح، به هزل و هرزگی منتهی نشود،<sup>۱۴</sup> باید تفریح را درست معنا کرد.

حالا دقیقاً سرفصل‌های این مدل آموزشی چیست؟ ببینید! محور بحث تبیین گردید، محور بحث در دنیای آموزش و پرورش تحول‌یافته این است که روابط انسانی و روابط اجتماعی را محور آموزش قرار دهد. ان‌شاءالله وقتی تحول بنیادین در آموزش و پرورش را بحث کردیم، به دوستان بگویید که مقاله نوشته و سخنرانی کنند و بگویند که آموزش و پرورش مطلوب، آموزش و پرورشی است که بتواند روابط انسانی را مدیریت کند.

**۲/۳. آموزش روابط انسانی و اجتماعی و آموزش مکارم اخلاق؛ وظیفه نظام آموزشی برای رفع اصطکاک**

حالا آموزش و پرورشی که چنین قدرتی دارد باید چه سرفصل‌های درسی‌ای را در دستور کار خود قرار دهد؟ این موضوع باید بحث شود؛ اما بنده برای اینکه در این جلسه اجمالی گفته باشم مقداری تبیین می‌کنم. حضرت علیه السلام فرمود: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ». اجازه دهید بنده قدری در این روایت تفکر و تأمل انجام دهیم؛ حضرت علیه السلام فرمود من، مبعوث شدم، اینی بعثت. ببینید! اینی در این جا خیلی مهم است؛ حضرت علیه السلام می‌فرماید: من و فقط من، نه حتی پیامبران گذشته - اینی بعثت<sup>۱۵</sup> - مبعوث شدم تا مکارم اخلاق و کرامت‌های اخلاقی را تمام کنم. پیامبران گذشته نیز برای اخلاق مبعوث شدند اما نه برای اتمام مکارم اخلاق، این امر، رسالت اختصاصی پیامبر اسلام است و تمام کردن مکارم اخلاق بر عهده ایشان است و کسی هم غیر از ایشان چنین قدرتی را ندارد.

حالا مکارم اخلاق چیست؟ دعای بیستم صحیفه سجادیه مکارم اخلاق را توضیح داده است.<sup>۱۶</sup> در این دعا سیر دست‌یابی به مکارم الأخلاق بحث شده است و بعداً آن را تبیین خواهیم کرد، اما در مجموع باید گفت: اوج مکارم اخلاق، ایثار است. این مطلب مورد بحث است که اخلاق از کجا شروع می‌شود و به کجا ختم می‌شود، نقطه‌ی اوج و پایان اخلاق، موضوع ایثار است. اگر در کسی ایثار - با تمام ویژگی‌هایی که در درون ایثار است - وجود داشت در حال شبیه‌شدن به پیامبران علیهم السلام است.

**۲/۴. ایثار؛ اوج مکارم اخلاق و لزوم تلاش نظام آموزشی برای جا انداختن مسأله ایثار و سود اجتماعی در افراد**

حالا اصلی‌ترین محکی که نشان می‌دهد در یک نفر ایثار شکل گرفته یا نه چیست؟<sup>۱۷</sup> با چه چیزی خود را محک بزنییم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ»؛ اگر واقعاً می‌خواهید بفهمید

**۲/۴/۱. رفتار درست و صحیح با خانواده؛ یکی از نشانه‌های ایثار**

۱۴. وبالاسناد عن صالح بن عقبه، عن عبدالله بن محمد الجعفی قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إن الله يحب المداعب في الجماعة بلارفت.

امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند شوخی‌کننده در جماعت را دوست دارد تا زمانی که گناهی در آن نباشد.

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة، قم، انتشارات مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۲، ص: ۱۱۳، ح ۵

۱۵. در برخی از نسخ این روایت همراه با "إنما" آمده است که افاده حصر می‌کند.

۱۶. اصلاً نام دعا، دعای مکارم الاخلاق است. زمانی که ما طلبه بودیم حضرت حاج آقای فطرس - حفظه الله - که الآن در بروجرد هستند هفته‌ای یک مرتبه دعای مکارم الأخلاق را درس می‌دادند. حداقل آن زمان در حوزه‌های علمیه در هفته یک‌بار راجع به این امر بحث می‌کردند.

انتقال از متن

۱۷. بالآخره ما نباید فریب غوغای نفس خود را بخوریم؛ نفس، هر روز صبح با انسان‌ها صحبت کرده و برای آنها زیارت‌نامه می‌خواند. مثلاً به او می‌گوید: السلام علیک ای کسی که بهتر از تو در فامیل و شهر و ایران نیست. البته این امر به غلظت نفس بستگی دارد؛ برخی فکر می‌کنند از همه بالاتر هستند. نفس صبح زود برای انسان زیارت‌نامه‌ی جدی و همراه با جزئیات می‌خواند. در گذشته ما یک رفیقی داشتیم که متأسفانه در حال حاضر مسؤل شده است. بعد از یکی جلسات الگوی پیشرفت از تهران به سمت بروجرد حرکت می‌کردیم. در یکی از خیابان‌های تهران نزاعی صورت گرفت. بالآخره شما می‌دانید که اگر جایی نزاع صورت گرفت از وظایف مسلمان‌ها این است که نزاع را ختم کنند. خُب این رفیق ما به این وظیفه عمل کرد و از ماشین پیاده شد و این نزاع را ختم بخیر کرد. پس از این اتفاق ایشان به مدت چهار یا پنج ساعت که ما در راه بودیم فعل خود را مدح می‌کرد؛ مثلاً می‌گفتند: اگر این نزاع را ختم نمی‌کردم ممکن بود قتلی اتفاق بیفتد، اگر آن قتل اتفاق می‌افتاد زنی بیوه و فرزندان یتیم می‌شدند و وقتی فرزندان یتیم شدند منشأ معضلات اجتماعی می‌شوند و ... دوست طلبه‌ی ما به ایشان گفت: خدا رحم کرد که شما فقط دعوی‌ای را ختم بخیر کردید! این، خاصیت نفس است، او برای انسان‌ها زیارت‌نامه می‌خواند. ما نباید فریب نفس را بخوریم [و فکر کنیم که ایثار داریم].



به مرحله ایثار رسیده‌اید، ببینید که در خانواده به چه شکلی هستید. وقتی یک نفر به خانه می‌رود رفتار او با زن و بچه‌اش نشان می‌دهد که به مرز ایثار رسیده است یا نه. بعد حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي». «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي». من بهترین شما برای خانواده‌ی خود هستم.<sup>۱۸</sup> در روایت مفهوم ایثار را به عنوان بهترین و اوج [مکارم الأخلاق] معرفی کرده‌اند.

لذا فرمودند: در سنین پایین ازدواج کنید؛ زیرا شخصیت انسان در سنین پایین هنوز شکل نگرفته است. نقل است که انسان وقتی به سن چهل سال می‌رسد، شیطان به شانه‌ی او زده و به او می‌گوید: بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي، تو دیگر قابل هدایت نیستی.<sup>۱۹</sup> وقتی انسان به مرز چهل سالگی رسید خیلی سخت است که تغییر کند؛ اما در سنین نوجوانی و جوانی قابل تغییر است.<sup>۲۰</sup> فرمودند: تا وقتی سن شما پایین است ازدواج کنید؛ چون در سنین پایین قابلیت بیشتری برای این مسأله وجود دارد که انسان خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ شود.

**۲/۴/۲. بی‌توجهی  
نظام آموزشی فعلی به  
مسأله ایثار و ایجاد  
حالت منیت و انحطاط  
اخلاقی در انسان‌ها**

حالا آیا نظام آموزش ما به این شکل بحث می‌کند؟ او به دانش‌آموزان در درس ریاضی و فیزیک و زیست نمره بیست می‌دهد و در فرزند شما توهم نخبگی ایجاد می‌گردد و پدر و مادر نیز تمام خدمات را به او می‌دهند. بنده خواهش می‌کنم بر روی این مسأله دقت کنید. منشأ اصلی پرونده‌های طلاق، مسائل فرهنگی - به این معنا که آدم‌ها نمی‌فهمند گذشت چیست و احساس می‌کنند که اگر گذشت کنند خرد خواهند شد - می‌باشد. همه‌ی ما به همین شکل هستیم و بنده راجع به خودم که در این سیستم آموزشی بزرگ شده‌ام صحبت می‌کنم؛ این سیستم آموزشی به ما یاد نداد که سود و ضرر چیست، مسائل اصلی چیست، مسائل فرعی چیست. پدر و مادر نیز به این بهانه که فرزند ما کنکور دارد حتی لیوان آب را نیز برای او می‌برند و اجازه نمی‌دهند هیچ کاری انجام دهد و حتی مهمانی‌ها را تعطیل می‌کنند. در اینصورت فرزند واقعاً فکر می‌کند که الان میخ و محور عالم خلقت شده است و همه خدمات حول او شکل می‌گیرد. وقتی این شخص و فرزند که تمام خدمات به او داده شده است ازدواج کرد، با همسر خود بسیار چالش پیدا خواهد کرد و اصلاً مسئولیت نمی‌پذیرد؛ زیرا پدر و مادر و نظام آموزشی و همه افراد به اسم اینکه می‌خواهد در کنکور قبول شود اخلاق او را به سمت انحطاط می‌برند.

انتقال از متن

۱۸. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْعَلَاءِ وَ مِثْلَهُ قَالَ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: بهترین شما، بهترینتان نسبت به خانواده است و من بهترین فرد نسبت به خانواده خود هستم.

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة، قم، انتشارات مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق. ج ۲۰، ص: ۱۷۱

۱۹. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا بَلَغَ الرَّجُلُ أَرْبَعِينَ سَنَةً وَلَمْ يَغْلِبْ خَيْرُهُ شَرَّهُ قَبْلَ الشَّيْطَانِ بَيْنَ عَيْنَيْهِ، وَقَالَ: هَذَا وَجْهٌ لَا يَفْلَحُ

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: زمانی که فرد به ۴۰ سالگی رسید و خیرش بر شرش غلبه نکرد، شیطان میان دو چشم او را بوسیده و می‌گوید: این صورتی است که رستگار نمی‌شود.

طبرسی، فضل بن حسن؛ مشکاف‌الانوار، قم، انتشارات دارالحدیث، ج ۱، ص ۲۹۵

۲۰. قَالَ عَلِيُّ ؑ: وَإِنَّمَا قَلْبُ الْبَدَنِيِّ كَالْأَرْضِ الْحَالِيَةٍ مَا أَلْتِي فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ.

امام علی ؑ فرمودند: قلب کودک مانند زمین خالی است. هر چیزی که در آن کاشته شود قبول می‌کند.

نهج البلاغه، نامه ۳۱ به امام مجتبی ؑ



۲/۴/۳. سبقت در سلام کردن به انسان‌ها؛ یکی از نشانه‌های ایثار و از عوامل بازدارنده‌ی رشد منیت در افراد

لذا اسلام فرمود: اگر یک نفر به نفر دیگر اول سلام کند، شصت‌ونه ثواب به کسی می‌دهند که اول سلام کرده است.<sup>۲۱</sup> یعنی اسلام در این حد هم حاضر نیست که انسان‌های تحت تعالیم او منیت را در خود فربه نمایند. اسلام می‌فرماید: وقتی یک نفر به یک نفر دیگر می‌رسد اول باید سلام کند؛ یعنی اظهار کوچکی نموده و بگوید من اصلاً نسبت به تو مشکلی ندارم، من به شما اظهار ارادت می‌کنم، این، معنای سلام است. این موارد باید مانند قضیه‌ی عشریه‌ی القربین<sup>۲۲</sup> در رده‌ی کودک و نوجوان داستان شده و در آموزش و پرورش ما تدریس شود. هیچ‌کس در عالم نتوانست بر پیامبر ﷺ در سلام کردن سبقت بگیرد!<sup>۲۳</sup> عده‌ای نشستند طراحی کردند و گفتند ما برنامه‌ریزی می‌کنیم تا بر پیامبر ﷺ در سلام کردن سبقت بگیریم. پشت ستونی مخفی شدند و جبرئیل نازل شد و فرمود یا رسول الله! پشت آن ستون یک نفر می‌خواهد به شما سلام کند، پیامبر ﷺ هم به او فرمود: سلام بر تو ای کسی که در پشت ستون هستی.<sup>۲۴</sup> این داستان‌ها را برای ما نقل کرده‌اند و این موارد برای جامعه ما حیاتی است. خُب کسی که ابتدا سلام کرده و آن را افشا می‌دهد [درجه‌ای از ایثار را دارد]. چون افشاء و عدم افشای سلام جزء علامت‌های ایثار و عدم ایثار است. وقتی می‌گویید: سلام علیکم و رحمه الله و برکاته، در طرف مقابل حال و هوایی ایجاد می‌کنید و با این کار طرف مقابل با شما انس خواهد گرفت. حالا بنده بحث را به صورت مصداقی مطرح کردم. ببینید! ایثار، تبدیل به مناسک می‌شود و نهاد خانواده و سلام از این مناسک هستند، مسائل مختلفی وجود دارد که راجع به آن بحث شده است و به وسیله این موارد می‌توانید تشخیص دهید که دچار غوغا و اغوای نفس شده‌اید یا اینکه واقعاً در حال حرکت در طرق انبیاء ﷺ هستید.

۲/۴/۴. نبود مسأله ایثار در جامعه و شهر تهران به دلیل وقوع ۳۸ درصد طلاق در این شهر

حال آیا جامعه‌ی ما و شهر تهران در حال حرکت در طریق پیامبران ﷺ است؟ ۳۸ درصد طلاق یعنی چه؟ یعنی فقدان ایثار و فقدان ایثار یعنی دوری از راه انبیاء ﷺ. چه کسی مقصر است؟ نظام آموزشی. چه کسی باید پیش خدا جواب دهد؟ طلبه‌هایی که قیام نمی‌کنند تا این نظام آموزشی را تغییر دهند. مدرنیته و توسعه در حال به چالش کشیدن کشور ماست و گناه ما نیز پذیرفتن توسعه می‌باشد. ما یک گناه بزرگ داریم؛ آن هم اینکه به سراغ آیات و روایات اهل بیت ﷺ نیامده‌ایم تا الگوی اداره جامعه را براساس ادبیات وحی تنظیم کنیم و برای همین هم حالا این معضلات ایجاد شده است.

۲/۴/۵. ایجاد سود اخروی، اجتماعی و حنی اقتصادی در صورت توجه به عنصر ایثار و رفع اصطکاک بین انسان‌ها

پس نظام آموزشی باید ایثار یا سود همه‌جانبه را انتقال دهد؛ ایثار یعنی سود اقتصادی، ایثار منشأ سود اجتماعی است، ایثار منشأ سود اخروی می‌باشد، ایثار، مهمترین مسأله‌ای است که مخلوق را شبیه خالق خود می‌کند و وقتی یک نفر شبیه خدا شد، خداوند به او چک سفید می‌دهد.<sup>۲۵</sup> ایثار

۲۱. الإمام علیؑ: السلام سبعون حسنة، تسعة وستون للمبتدي وواحدة للراي.

امام علیؑ: سلام، هفتاد ثواب دارد که شصت و نه تای آن برای سلام‌کننده است و یکی برای جواب‌دهنده.

مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۳، ص ۱۱

۲۲. اولین دعوت رسمی پیامبر ﷺ از خانواده و نزدیکان خود به اسلام و معرفی امیرمؤمنان به عنوان جانشین خود در این مراسم.

۲۳. عن أنس بن مالك قال: إن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم مر على صبيان فسلم عليهم وهو مغذ.

انس بن مالک می‌گوید: همانا پیامبر ﷺ وقتی بر کودکان می‌گذشت بر آنها سلام می‌کرد در حالی که در سلام پیشی می‌گرفت.

محدث نوری، حسین؛ مستدرک الوسائل، قم، انتشارات مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ج ۸، ص: ۲۸۴، ح ۱

۲۴. پژوهشگر به سند این مطلب دست نیافته است.

۲۵. در این باب آیات و روایات زیادی آمده است که برای نمونه در زیر به دو آیه اشاره شده است:

الَّذِينَ آمَنُوا وَآجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْظَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ / آیه ۲۰ سوره توبه

آنها که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد نمودند، مقامشان نزد خدا برتر است و آنها پیروز و رستگارانند.



همه چیز هست اما نظام آموزشی این ایثار را آموزش نمی‌دهد. بنده در مقام احتجاج با جریان توسعه‌گرا گفته‌ام: پول جمع شده از طرف حساب‌های قرض الحسنه در یک سال بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان است.<sup>۲۶</sup> اگر می‌خواهید بفهمید که عدد ۱۰۰ هزار میلیارد تومان چقدر است به این نکته توجه کنید که تمام مسکن مهر ساخته شده برای رفع محرومیت، حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان هزینه داشت.<sup>۲۷</sup> اما فقط و فقط از طریق حساب‌های قرض الحسنه ۱۰۰ هزار میلیارد تومان جمع سرمایه شده است. ایثار چنین قدرتی دارد؛ ایثار منشأ سود اقتصادی و پول ارزان قیمت است، پولی که صاحبان آنها از شما سودی نمی‌خواهند.<sup>۲۸</sup> ایثار، مسأله‌ی بسیار مهمی است. ایثار منجر به وقف می‌شود و وقف یعنی حبس مال برای مسلمانان، حبس مال! برخی از شهرهای ما تماماً وقف هستند، یعنی تمام نیازهای شهر از محل ایثار تأمین می‌گردد.<sup>۲۹</sup> ولی با این وجود دانشگاه‌های ما اقتصاد آدم اسمیتی،<sup>۳۰</sup> تئوری‌های نئوکینزی<sup>۳۱</sup> و منکیو<sup>۳۲</sup> را درس می‌دهند. آدم اسمیت و کینز می‌گویند: اگر حرص را تحریک نکنید، اقتصاد رشد نمی‌کند.<sup>۳۳</sup> در دانشگاه‌های ما این گزاره‌های خلاف راه انبیاء علیهم‌السلام را تدریس می‌کنند، نظام آموزشی ما ابعاد ایثار را بحث نمی‌کند.

الذین هاجروا فی سبیل الله ثم قتلوا او ما توالوا لیرزقنهم الله رزقا حسنا وان الله لهو خیر الرازقین / آیه ۵۸ سوره حج

و آنان که در راه خدا از وطن هجرت گزیده و در این راه کشته شده یا مرگشان فرا می‌رسد. البته خدا رزق و روزی نیکویی نصیبشان می‌گرداند، که همانا خداوند بهترین روزی دهندگان است.

۲۶. غلامرضا مصباحی مقدم درباره محل پرداخت وام ۱۰ میلیونی ازدواج گفته است: طبق آمار بانک مرکزی، ۱۰۲ هزار میلیارد تومان منابع قرض الحسنه موجود است که ۳۶ هزار میلیارد تومان آن پس‌انداز و ۶۲ هزار میلیارد تومان آن نیز جاری است.

*خبرگزاری تسنیم، کد خبر: ۱۰۶۴۷۳۱*

۲۷. در حقیقت طبق مصوبه شورای پول اعتبار در دولت قبل میزان سقف تسهیلات جمعی مسکن مهر ۵۰ هزار میلیارد تومان بوده است که ۴۵ هزار میلیارد تومان آن از محل منابع بانک مرکزی و ۵ هزار میلیارد تومان از محل بازگشت اقساط مسکن مهرهای تحویل شده بوده است و همچنین در دولت فعلی با تصویب شورای پول و اعتبار سقف تسهیلات جمعی مسکن مهر ۵ هزار میلیارد تومان دیگر از محل بازگشت اقساط افزایش یافت و به ۵۵ هزار میلیارد تومان رسید و بانک مرکزی با استمحال ۱۰ ساله بازگشت منابع بانک مرکزی عملاً مسیر و بستر لازم برای تخصیص منابع مالی به مسکن مهر برداشته شده است.

*دکتر آخوندی وزیر راه و شهرسازی دولت یازدهم در جمع نمایندگان کمیسیون عمران به نقل از خبرگزاری مشرق، کد خبر: ۵۷۷۰۲۹*

۲۸. حالا بگذریم از اینکه بانک‌ها همین پول ارزان قیمت حاصل از منشأ ایثار را برای ایجاد توسعه غربی به نحو دلآلی منحرف می‌کنند. اگر به بانک‌ها گفته شود این پول را برای وام ازدواج خرج کنید بهانه می‌تراشند که این کار را نکنند.

*انتقال از متن*

۲۹. رئیس اداره اوقاف و امور خیریه پاکدشت: بیش از دو سوم پاکدشت جزو اراضی موقوفه است.

*خبرگزاری فارس، کد خبر: ۱۳۹۲۱۰۰۸۰۰۰۲۰۱*

رئیس اداره اوقاف ناحیه ۲ قم، گفت: حداقل دو سوم از شهر قم وقف است که حالا یا متصرفی و در اختیار اداره اوقاف و یا غیر متصرفی و در اختیار واقفان است.

*خبرگزاری ایلنا، کد خبر: ۳۳۰۴۷۵*

رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه بیان داشت: در حال حاضر یک چهارم مراکز درمانی در سطح کشور از موقوفات هستند که این مساله نشانگر ارزشمندی و مفید فایده بودن موقوفات در خدمت رسانی به مردم است.

محمدی گفت: در برخی از نقاط کشور حتی میزان مراکز درمانی موقوفه از مراکز دولتی هم بیشتر است که قطعاً این مراکز سهم مهمی در خدمت رسانی در این مناطق دارند.

*یابگاه اطلاع‌رسانی اوقاف و امور خیریه <http://www.oghaf.ir/news/view-239075.aspx>*

۳۰. آدم اسمیت فیلسوف اسکاتلندی در دوران روشنگری اسکاتلند است که از او به عنوان پیش‌گام در اقتصاد سیاسی و «پدر علم اقتصاد مدرن» یاد می‌شود.

۳۱. جان مینارد کینز یکی از اقتصاددانان برجسته قرن بیستم محسوب می‌شود.

۳۲. گریگوری منکیو استاد دانشگاه هاروارد و فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های آم‌آی‌تی و پرینستون است.

۳۳. جان مینارد کینز در سال ۱۹۳۰ و در بحبوحه‌ی بحران جهان‌گیر اقتصادی، وعده‌ی روزی را می‌دهد که همگان ثروت‌مند شده‌اند و اضافه می‌کند که در آن زمان «بار دیگر هدف‌ها را برتر از وسایل می‌شماریم و خوب‌ها را بر مفیدها ترجیح می‌دهیم... اما آگاه باشید! زمان این آرمان‌ها هنوز فرا

اگر ایثار در جامعه اصل قرار گیرد چه اتفاقی می‌افتد؟ اصطکاک بین اراده‌ها مدیریت می‌گردد. ما دوباره به ملاک اصلی‌ای که قرآن به ما آموزش داده است رسیدیم. قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَنَازَعُوا

۳۴

فَتَشْتَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ». با ایثار نزاع از بین رفته و مدارا اصل می‌شود. نظام آموزشی ما باید بتواند مسأله سود را بر پایه ایثار تحلیل کند. هر نوع سودی که برای تفکر توسعه متصور است - مانند سود اقتصادی، صنعتی، اجتماعی - باید به محوریت مسأله‌ی ایثار بازتعریف شود و در اینصورت آیه‌ی «وَلَوْ

۳۵

أَنَّ أَهْلَ الْفَرَى آمَنُوا وَتَقَوُا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» اتفاق می‌افتد؛ اگر به راه انبیاء ﷺ ایمان بیاورید زندگی مادی شما نیز درست‌تر می‌شود. بنابراین مدل نیازهای تحصیلی را نیز توضیح دادیم. حالا شما تصور کنید که در الگوی رفع نیازهای تحصیلی، محور نظام آموزشی ما بازتعریف مسأله سود بر پایه اوج مکارم اخلاق که ایثار است باشد. در اینصورت و با انجام این کار نسل دیگری تربیت می‌شوند که اولین ویژگی آنها این است که با یکدیگر اصکاک اراده ندارند.

بنده ان شاء الله فردا به محوریت این اصل که الگوهای تأمین نیازها باید بازتعریف شود به مسأله‌ی بسیار مهم الگوی تأمین نیازهای روزمره می‌رسم. تا به حال سه قسمت اول هرم تأمین نیازها را بازتعریف کردم؛ در قسمت اول، مدیریت تفریح معنای جدیدی پیدا کرد؛ هدف مدیریت تفریح چه چیزی شد؟ خشک کردن ریشه‌های کسالت. در قسمت دوم، مدیریت اشتغال را بازتعریف نمودیم؛ هدف مدیریت اشتغال چه بود؟ رفع تزاخم منافع کارگر و کارفرما. امروز مدیریت نیازهای تحصیلی را بازتعریف نمودم. اگر محور مدل آموزشی ما بازتعریف مفهوم سود در انسان‌ها باشد - یعنی سود را برای انسان‌ها بازتعریف کنیم - امدل آموزشی ما شکل اسلامی به خود می‌گیرد. در روایت داریم «الدنیاسوق، ریح فیها قوم و خیر الآخرون»؛<sup>۳۶</sup> یعنی دنیا بازاری است که برخی در آن سود می‌برند و

برخی دیگر ضرر می‌کنند. قرآن می‌فرماید: «وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ»<sup>۳۷</sup> سوره‌ی عصر راجع به مفهوم سود و ضرر بحث می‌کند. حالا نظام آموزشی باید بتواند مفهوم سود را محور آموزش قرار

نرسیده است. زیرا دست کم برای یک‌صد سال دیگر باید برای خود و هر کس دیگر تظاهر کنیم که بدی، نیکی است و نیکی، بدی؛ زیرا بدی، مفید است و نیکی، مفید نیست. حرص، ربا و احتیاط باید هم‌چنان برای یک مدت کوتاه دیگر، خدایان ما باشند. زیرا فقط آنها می‌توانند ما را از گذرگاه تاریک نیاز اقتصادی به روشنایی روز، رهنما شوند. «کینز در ادامه تصریح می‌کند: «هنوز زمان آن نرسیده است که به پاره‌ای اصول بسیار متقن مذهب و فضایل اخلاقی، یعنی «حرص، رذیلت است»، «رباخواری، معصیت است» و «حب مال، نفرت‌انگیز است»؛ بازگردیم»

مقاله جان مینارد کینز در سال ۱۹۳۰ با عنوان "امکانات اقتصادی برای نوه‌های ما"، ص ۶ و ۷

۳۴. وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَشْتَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَإِضْرِبُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ / آیه ۴۶ سوره انفال

و از خدا و پیامبرش فرمان برید، و با یکدیگر نزاع و اختلاف مکنید، که سست و بد دل می‌شوید، و قدرت و شوکتتان از میان می‌رود؛ و شکیبایی ورزید؛ زیرا خدا با شکیبایان است.

۳۵. وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْفَرَى آمَنُوا وَتَقَوُا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا فِي كُفْرٍ / آیه ۹۶ سوره اعراف

و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، یقیناً [درهای] برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم، ولی [آیات] الهی و پیامبران را [تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالی که همواره مرتکب می‌شدند] به عذابی سخت [گرفتیم.

۳۶. قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الْقَائِلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الدُّنْيَا سُوقٌ رِيحٌ فِيهَا قَوْمٌ وَخَيْرٌ آخِرُونَ.

امام هادی علیه السلام فرمودند: دنیا بازاری است که عده‌ای در آن سود می‌برند و عده‌ای دیگر زیان می‌کنند.

مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۵، ص: ۳۶۶

۳۷. وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ / آیه ض ۱ و ۲ سوره والعصر

سوگند به عصر (زمان). بی‌تردید انسان در زبان کاری بزرگی است.

دهد. البته باید ساختار آن را مشخص کنیم. بنده عرض کردم که اصل آموزش‌ها، آموزش‌های مرتبط با نهاد خانواده است؛ زیرا در خانواده سود اقتصادی و معنای نازل آن ملاک نیست. بنابراین بازتعریف مفهوم سود را به عنوان محور مدل آموزش معرفی کردیم.

حال فردا به فضل الهی به فضل الهی راجع به این مطلب بحث خواهیم کرد که محور مدل تأمین نیازهای روزمره و ساختار آن باید چگونه باشد. با اتمام بحث فردا قسمت بازتعریف هرم نیازهای خانوار را در حد حسن‌الاستماع پایان می‌دهیم. روز آخر - که ما محضر شما هستیم - به سمت پیشنهادهای اجرایی می‌رویم؛ یعنی مشخص خواهیم کرد که بر اساس سطوح مباحثی که در مدیریت شهری مطرح کردیم باید در شوراهای شهر و شهرداری‌ها چه اتفاقی رخ دهد. وقتی این بحث تمام شد، ان‌شاءالله حدود یک‌سال سرفصل مدیریت شهری را دنبال نموده و سعی می‌کنیم در اواخر سال، دوره تفصیلی‌تری برای آن برگزار کنیم. در بین این دو دوره نیز ان‌شاءالله گفت‌وگوهایی را با رسانه‌ها خواهیم داشت. بنده ان‌شاءالله عمده‌ی زمان بین دوره‌ی اول و دوره‌ی دوم را در گفت‌وگوهای رسانه‌ای و مناظرات به نقد مسائلی از مدیریت شهری - که امروزه جامعه ما را به چالش می‌کشند - اختصاص خواهیم داد. حتماً راجع به شبکه‌ی جاده‌ها، ترافیک و سفرهای درون‌شهری صحبت خواهیم کرد. در این دوره بیشتر قصد داشتم معنای مطلوب مدیریت شهری را بحث کنم. بنابراین اگر عمری بود و مشکلی پیش نیامد و ما بر اثر برجام شرایطمان به جنگ منتهی نشد - که خواهد شد - در فاصله‌ی بین دو دوره بیشتر مباحثمان را صرف به چالش کشیدن مدیریت شهری TOD و مثال‌های آن خواهیم کرد.

وصلی‌الله علی سیدنا و نبینا ابی‌القاسم محمد ﷺ



## فهرست تفصیلی مطالب

۱. مدل تأمین نیازها؛ شاهراه هدایت انسان‌ها به دلیل تفکر دائمی افراد به نیازهای خودشان و تأثیر مستقیم و بسیار بالای تفکر بر هدایت افراد..... ۱
- ۱/۱. مدیریت محله‌محور و تأمین نیازهای خانوار در محل زندگی آنها؛ تصویر مطلوب مدیریت شهری..... ۱
- ۱/۲. عدم امکان فراهم کردن نیازهای انسان‌ها و لزوم انتخابی روشی مناسب به دلیل محوریت مدل تأمین نیازها در خداپرستی افراد..... ۱
- ۱/۲/۱. هدایت؛ ملاک اصلی خداپرستی در یک جامعه..... ۲
- ۱/۲/۲. فربه کردن تفکر افراد؛ راهکار فربه کردن هدایت..... ۲
- ۱/۲/۳. مدل تأمین نیازها؛ مؤثرین عامل در شکل‌گیری افکار انسان‌ها به دلیل شکل‌گیری سبک زندگی افراد ذیل نظامات اجتماعی..... ۲
- ۱/۲/۳/۱. مشغول شدن فکر انسان‌ها به مسأله فیش‌های حقوقی و مایوس شدن آنها از تحقق مسأله عدالت؛ نمونه‌ای از اثرگذاری نظامات اجتماعی بر وعاء فکر انسان‌ها..... ۳
- ۱/۲/۳/۲. شکل‌گیری نگاه اقتصادی در افراد و عدم درک مفهوم سود اجتماعی توسط آنها به دلیل آموزش‌های غلط نظام آموزشی؛ نمونه‌ای دیگر از اثرگذاری نظامات اجتماعی در سبک زندگی افراد..... ۳
- ۱/۲/۳/۳. روایت النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ؛ شهادی بر اثرگذاری بیشتر نظامات اجتماعی در جهت‌دهی فکر و سبک زندگی افراد..... ۴
۲. رفع اصطکاک بین اراده‌ها از طریق انتقال مفهوم ایثار به دانش‌آموزان؛ تصویر مطلوب مدل تأمین نیازهای تحصیلی..... ۵
- ۲/۱. مهم‌تر جلوه‌دادن تحصیل و شغل از امر ازدواج و از بین رفتن فرح افراد به دلیل تأخیر در تشکیل خانواده؛ یکی از ایرادات مدل فعلی تأمین نیازهای تحصیلی..... ۵
- ۲/۲. رفع و مدیریت اصطکاک بین اراده‌ها؛ وظیفه اصلی مدل تأمین نیازهای تحصیلی..... ۷
- ۲/۲/۱. افزایش توان حرکت جامعه به سمت پیشرفت؛ ثمره رفع اصطکاک بین اراده‌ها..... ۷
- ۲/۳. آموزش روابط انسانی و اجتماعی و آموزش مکارم اخلاق؛ وظیفه نظام آموزشی برای رفع اصطکاک..... ۸
- ۲/۴. ایثار؛ اوج مکارم اخلاق و لزوم تلاش نظام آموزشی برای جا انداختن مسأله ایثار و سود اجتماعی در افراد..... ۸
- ۲/۴/۱. رفتار درست و صحیح با خانواده؛ یکی از نشانه‌های ایثار..... ۸
- ۲/۴/۲. بی‌توجهی نظام آموزشی فعلی به مسأله ایثار و ایجاد حالت منیت و انحطاط اخلاقی در انسان‌ها..... ۹
- ۲/۴/۳. سبقت در سلام کردن به انسان‌ها؛ یکی از نشانه‌های ایثار و از عوامل بازدارنده‌ی رشد منیت در افراد..... ۱۰
- ۲/۴/۴. نبود مسأله ایثار در جامعه و شهر تهران به دلیل وقوع ۳۸ درصد طلاق در این شهر..... ۱۰
- ۲/۴/۵. ایجاد سود اخروی، اجتماعی و حتی اقتصادی در صورت توجه به عنصر ایثار و رفع اصطکاک بین انسان‌ها..... ۱۰
- ۲/۵. مدیریت اصطکاک بین اراده‌ها؛ ثمره توجه به مسأله ایثار..... ۱۲



---

## جلسه دهم

---

جلوگیری از استثمار و اصطکاک اراده‌ها از طریق تأمین نیازهای  
روزمره به محوریت زهد؛ مدل مطلوب تأمین نیازهای روزمره



۱۵ تیرماه ۱۳۹۵

نشست تبیین مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

**عنوان جلسه دهم و تدوین گران:** جلوگیری از استثمار و اصطکاک اراده‌ها از طریق تأمین نیازهای روزمره به محوریت

زهد؛ مدل مطلوب تأمین نیازهای روزمره/ ابوالفضل آریان پور - سجاد حسن‌زاده

**ارائه‌دهنده‌ی جلسه:** حجت‌الاسلام و المسلمین علی کشوری

**تاریخ جلسه:** ۱۳۹۵/۰۴/۱۵

**مکان جلسه:** تهران - مدرسه علمیه مروی

**حاضرین در جلسه:** جمعی از طلاب حوزه علمیه مروی و پژوهشگران اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

**مشخصات اثر:** ۳۴ صفحه رنگی (۲۱\*۲۹،۷ س.م)

**تاریخ انتشار:** مرداد ماه ۱۳۹۵

**اجمالی از جلسه:** در جلسات گذشته بحث به این نطقه رسید که باید هرم نیازهای خانوار را بازتعریف کنیم؛ محور این بازتعریف نیز رفع اصطکاک میان اراده‌هاست؛ مدل تأمین نیازهای باید به گونه‌ای هرم نیازهای خانوار را تأمین کند که اصطکاک میان اراده‌ها افراد رفع شود.

در این جلسه قصد داریم مدل تأمین هرم نیازهای روزمره را بازتعریف کنیم. پیش از پرداختن به این موضوع باید نکته‌ای را به عنوان مقدمه متذکر شد؛ از منظر اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی اداره جامعه هدایت‌بنیان است و تنها با هدایت افراد می‌توان به اداره جامعه پرداخت نه با وضع قانون؛ خداوند متعال می‌فرماید: **لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقَومُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ**؛ یعنی ما پیامبران را فرستادیم تا مردم اقامه قسط کنند. همانطور که از ظاهر آیه مشخص است اقامه قسط بر عهده مردم می‌باشد. اما مردم چه زمانی به اقامه قسط می‌پردازند؟ زمانی که هدایت‌یافته باشند و نسبت به این امر توجه شده باشند؛ به همین دلیل است که خدای متعال انبیاء را برای اقامه قسط فرستاد؛ چون هیچ‌کسی جز انبیاء یا تابعین ایشان قادر به هدایت مردم نمی‌باشد. حالا سؤال اصلی این است که مردم چگونه هدایت می‌شوند؟ راهکار و شاهراه هدایت مردم تفکر است؛ اگر انسان‌ها به موضوعی فکر کنند به تدریج جهت زندگی آنها در مسیر آن موضوع تغییر می‌کند.

حالا مبتنی بر این مقدمه به نقد مدل فعلی تأمین نیازهای می‌پردازیم. با توجه به اینکه انسان‌ها دائم‌المصرف هستند اگر مصرف افراد افزایش یافته و رشد کند، فکر انسان‌ها مشغول تأمین نیازهای خودشان و تأمین اقلام مصرفی خود می‌شود و در نتیجه وقتی فکر آنها مشغول تأمین نیازهای مصرفی خود به صورت تزییدی شد، افراد فرصتی برای فکر کردن نخواهند داشت و در نتیجه هدایت آنها نیز با مشکل مواجه می‌شود. بنابراین مصرف انسان‌ها نباید از حد زهد خارج شود؛ چرا که موجب عدم تفکر افراد و متکبر نشدن آنها می‌شود.

حالا مدل فعلی تأمین نیازهای تحصیلی چه اشکالی دارد؟ اشکال این مدل در آن است که افراد را مصرفی می‌کند. این امر چگونه اتفاق می‌افتد؟ در اقتصاد اصلی به نام اصل رقابت وجود دارد؛ توسعه‌گرایان معتقدند که اقتصاد زمانی سامان می‌یابد که شرکت‌های تولیدی با هم رقابت کنند. وقتی رقابت رخ داد چه اتفاقی می‌افتد؟ تکثر تولیدکننده پیش می‌آید. نتیجه تکثر تولیدکننده چیست؟ تکثر تبلیغات. نتیجه تکثر تبلیغات چیست؟ مصرفی شدن انسان‌ها. نتیجه مصرفی شدن انسان‌ها چیست؟ مشغول شدن وعاء فکر افراد به مصرف. بنابراین مدل تأمین نیازهای روزمره باید نیازهای روزمره افراد را به محوریت زهد تأمین کند. تأمین نیازهای روزمره به محوریت زهد چه تأثیری در رفع اصطکاک اراده‌ها دارد؟ موجب می‌شود که افراد به دلیل مصرف زیاد خود و محدود بودن امکانات دنیا به استثمار همدیگر نپردازند.

**جلوگیری از استثمار و اصطکاک اراده‌ها از طریق تأمین نیازهای روزمره به**

**محوریت زهد؛ مدل مطلوب تأمین نیازهای روزمره**

**تدوین گران: ابوالفضل آریان پور - سجاد حسن‌زاده**

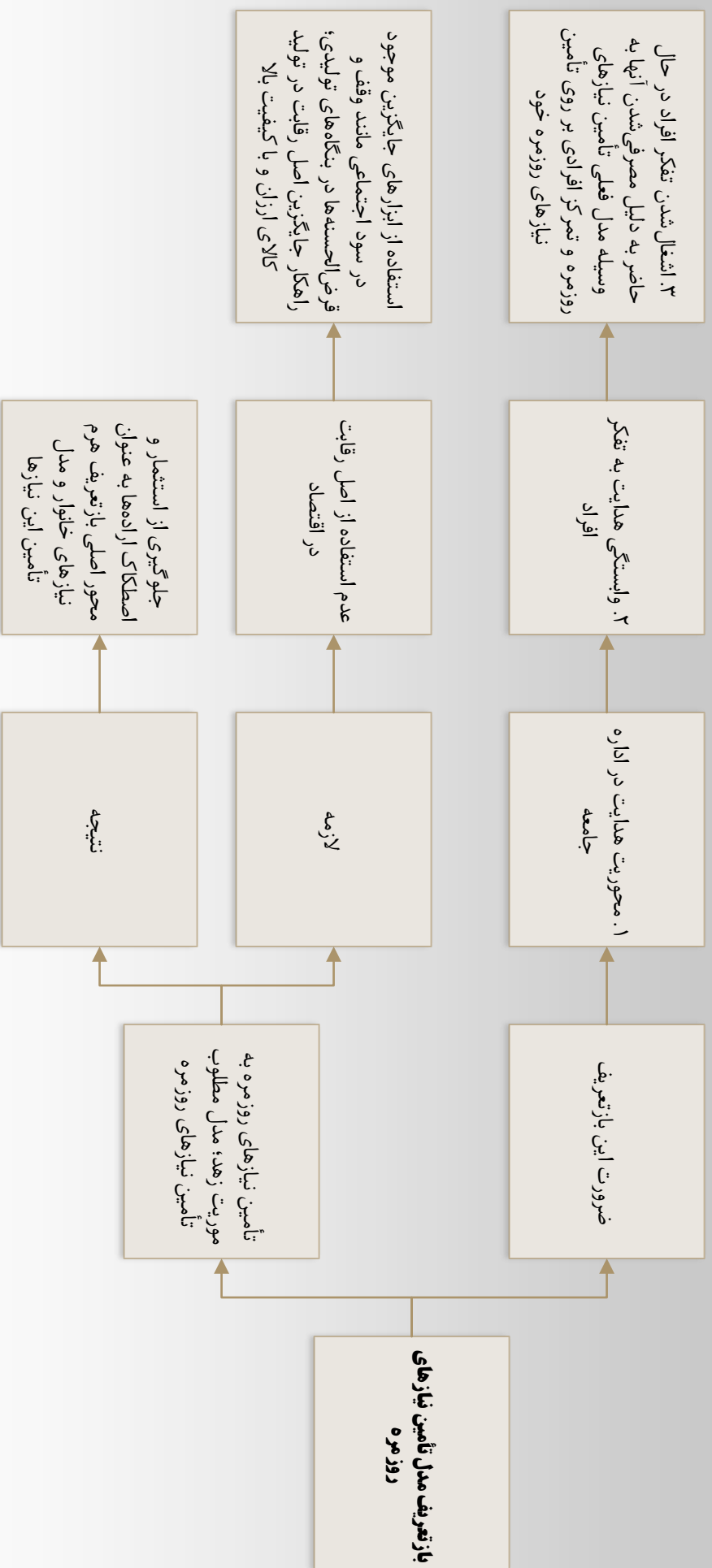
**تاریخ انتشار: مرداد ماه ۱۳۹۵**

**ویراست اول**

## فهرست اجمالی مطالب

۱. ضرورت بازتعریف مدل تأمین نیازهای انسان‌ها به منظور رفع اصطکاک اراده‌ها و در نتیجه تسریع روند پیشرفت کشور. ۱
۲. هدایت‌بنیان‌بودن اداره‌ی جامعه در اسلام؛ مقدمه بازتعریف مدل تأمین نیازهای روزمره ..... ۳
۳. ضرورت بازتعریف مدل تأمین نیازهای روزمره به محوریت زهد به دلیل مشغول‌شدنِ فکر افراد به مصرف در مدل فعلی تأمین نیازهای روزمره و در نتیجه عدم امکان هدایت انسان‌ها در اثر مشغول‌شدن فکر آنها ..... ۷
۴. جلوگیری از استثمار افراد از طریق پرورش زهد در آنها؛ جایگاه مدل تأمین نیازهای روزمره در رفع اصطکاک اراده‌ها به عنوان محور اصلی بازتعریف هرم نیازهای خانوار ..... ۱۷
- پرسش و پاسخ ..... ۲۰
۱. تدریجی‌بودن نظام‌سازی اجتماعی و عدم امکان نظام‌سازی همه‌جانبه در زمان امام خمینی و در مرحله نظام اسلامی؛ دلیل پذیرش موضوع قانون توسط حضرت امام علیه السلام ..... ۲۰
۲. تسلط امام علیه السلام بر روی نظام‌سازی اجتماعی و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و لزوم تعمیم نظریه نظام‌سازی اجتماعی در حال حاضر به تمام حوزه‌ها به دلیل فراهم‌بودن شرایط انجام این کار ..... ۲۲
- پیوست شماره ۱ ..... ۲۵

## جلوگیری از استثمار و اصطکاک اراده‌ها از طریق تأمین نیازهای روزمره به محوریت زهد؛ مدل مطلوب تأمین نیازهای روزمره





### ۱. ضرورت بازتعریف مدل تأمین نیازهای انسان‌ها به منظور رفع اصطکاک اراده‌ها و در نتیجه تسریع روند پیشرفت کشور

**۱/۱. ضرورت بازتعریف هرم نیازهای خانوار به دلیل ارائه تعریفی جدیدی برای مدیریت شهری (مدیریت شهر به محوریت محلات)**

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین لا سیما بقیه الله فی الأرضین ارواحنا لتراب مقدمه الفداء و عجل الله تعالی فرجه الشریف.

بحث درباره بازتعریف هرم نیازهای خانوار بود. در جلسات گذشته عرض کردیم اگر بنا بر این باشد که مدیریت شهری در محل زندگی خانوار نیازهای خانواده را تأمین کند، برای این کار باید برای صدر تا ذیل هرم نیازهای خانوار طبقه‌بندی جدیدی ارائه داده و خود مفهوم نیاز را نیز بازتعریف کنیم.

**۱/۱/۱. تفریح؛ صدر هرم نیازهای خانوار به دلیل ضرر دیدن دین و دنیای افراد در صورت کسل‌بودنشان**

لذا در جلسات گذشته عرض کردیم برخلاف تصوره‌های موجود، سطح اول نیازهای خانواده نیازهای تفریحی است و مدیریت شهری باید بتواند مدیریت تفریح را به بهترین وجه انجام دهد. اما متذکر شدم که هدف اصلی مدیریت تفریح از بین بردن کسالت است؛ مدیریت تفریح در یک شهر و در یک محله باید بتواند با ریشه‌های کسالت مقابله کند. زیرا اگر در فرد، خانواده و یا جامعه‌ای کسالت نهادینه شود، نتیجه این نوع کسالت افزایش اصطکاک بین افراد جامعه و عدم تحرک جدی در سایر بخش‌هاست. بله؛ اگر مدیریت تفریح را حداقلی تعریف نموده و تفریح را در معنای موجود خلاصه کنیم، شاید تفریح در رأس هرم نیازهای خانوار جایی نداشته باشد؛ اما با توجه به روایاتی که حضرت امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: «ایاک والکسل فإنه یضر بالدين والدنيا»<sup>۱</sup> اگر کسالت نهادینه شود، یُضِرُّ بِالْدينِ وَ

۱. قال امام باقر علیه السلام: الكسلُ یُضِرُّ بِالْدينِ وَالدُّنیا.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: تنبلی به دین و دنیا زیان می‌زند.

مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار الإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق. ج ۷۵، ص ۱۸۰



اللّٰهُمَّ دین و هم دنیا به چالش کشیده می‌شود. پس اگر معنای تفریح را تعمیق نموده و بیان کردیم که مدیریت تفریح باید در محله قدرت رفع کسالت را داشته باشد، قطعاً جایگاه تفریح از یک نیاز فرعی به صدر هرم نیازهای خانوار ارتقا پیدا می‌کند. به هر حال ما در طبقه‌بندی به این نتیجه رسیدیم که هم باید وزن نیازهای خانوار را بازتعریف کنیم و هم اینکه درباره خود ماهیت نیازهای خانوار بحث کنیم.

امروز سطح آخر نیازهای خانوار یا نیازهای روزمره را محل بحث قرار داده و نشان خواهیم داد که اگر نیازهای روزمره خانوار بازتعریف نشوند، در جامعه اصطکاک میان اراده‌ها ایجاد خواهد شد. عرض کردم قرآن شریف به عدم نزاع - به عنوان یک وصف کلی که در همه بخش‌ها جریان دارد - توصیه می‌کند. ما در جلسات گذشته عرض کردیم که اگر هر چهار سطح نیازهای خانوار بازتعریف نشده و معنای جدیدی پیدا نکنند، در جامعه اصطکاک بین اراده‌ها ایجاد شده و نزاع گسترش می‌یابد و واضح است که اگر نزاع در جامعه گسترش پیدا کند، آن جامعه دیگر وقت پیشرفت و برهم‌افزایی نخواهد داشت و اصل وقت آن جامعه به مدیریت این نزاع‌ها و اختلافات اختصاص پیدا خواهد کرد؛ زیرا برهم‌افزایی به چالش کشیده شده است و پیشرفت هم بدون برهم‌افزایی امکان ندارد.

لذا اینکه شما می‌بینید در کشورهای توسعه‌یافته پیشرفتی وجود ندارد، به همین دلیل است؛ چون در این کشورها در بخش‌های مختلف دائماً نزاع صورت می‌گیرد و سعی می‌کنند سطح نزاع گسترش پیدا کرده را با ابزارهای جبری مانند قانون کنترل کرده و یک نظم حداقلی را برای جامعه ایجاد کنند. اساساً در تمدن مدرنیته یک گزاره‌ی غیرقابل تحلیل وجود دارد و آن عبارت از نظم اختیاری است؛ در تحلیل‌های خود نمی‌توانند بین نظم که امر اجتماعی است و مسأله اختیار انسان‌ها جمع کنند و مجبور می‌شوند نظم را به محوریت قانون بحث کنند.

ما در مباحث گذشته عرض کرده‌ایم که قانون به معنای مدرن خود ابزار جدید دیکتاتوری است؛ یعنی بوسیله قانون با درون انسان‌ها نمی‌توان ارتباط گرفت و قانون در معنای مدرن خود به معنای تحکّم است. در دوران سابق پادشاهی حکم می‌کرده است؛ اما در حال حاضر نمایندگان مردم حکم می‌کنند. بعد هم اگر شما اعتراض کنید که این قانون نمی‌تواند با درون انسان‌ها ارتباط بگیرد، پاسخ می‌دهند که نمایندگان خود مردم این کار را انجام داده‌اند. اینجا یک مغالطه‌ی عینی اتفاق افتاده است؛ آیا اگر فردی یک نفر را وکیل خود کرد، آن وکیل می‌تواند اختیار موکل را به چالش بکشد؟! اتفاقاً وکیل اوست و باید در حوزه‌ی اختیار او عمل کند. لذا انتخابات به معنای مدرن مفهوم وکیل و وکالت موجود در اسلام را هم نادیده گرفته است. به مجرد اینکه یک نفر وکیل می‌شود، تلقی مدرن از وکالت این است که وکیل تا این حدّ قدرت دارد که زندگی موکل را بازتعریف کند. در حالی که وقتی احکام وکیل در اسلام را می‌خوانیم، می‌بینیم که وکیل باید در چارچوب اختیارات موکل خود حرکت کند؛ اما در انتخابات موجود برعکس این امر اتفاق می‌افتد. ظاهر امر این است که شما به کسی وکالت می‌دهید، اما در باطن باید در چهارچوب قوانینی که وکیل پیشنهاد می‌کند زندگی کنید. در دنیای مدرن یک معنای عجیبی از وکیل که در واقع ضد اختیار بوده تعریف شده است. لذا حرف اصلی و فنی ما این است که نمی‌توانیم با ابزار قانون با باطن انسان‌ها، با دل‌های انسان‌ها، با ذهن انسان‌ها ارتباط بگیریم.

اگر واقعاً مفاهیم مدرنیته انسان‌ها را می‌شناختند و انسان‌شناسی درستی داشتند، به این نکته توجه می‌کردند که طرف مقابل آنها دل و ذهن دارد و به دنبال مکانیزمی می‌گشتند تا بتوانند با دل

**۱/۲. وابسته بودن رفع اصطکاک بین انسان به بازتعریف هرم نیازهای خانوار؛ دلیل ضرورت بازتعریف هرم نیازهای خانوار**

**۱/۲/۱. لزوم برقراری ارتباط با ذهن و دل انسان‌ها به منظور رفع اصطکاکات میان آنها و حاصل شدن این ارتباط در صورت توجه به نیازهای افراد؛ دلیل انتخاب نیاز به عنوان محور رفع اصطکاکات جامعه**



و ذهن انسان‌ها ارتباط بگیرند. بوسیله قانون نمی‌توان با دل و ذهن انسان‌ها ارتباط گرفت. وقتی ابزاری نتوانست با دل و ذهن انسان‌ها ارتباط بگیرد، نتوانست در اعماق وجود آنها نفوذ کند، آن ابزار حتماً نمی‌تواند نظم ایجاد کند. نظم اجتماعی موقعی پایدار خواهد بود که پایه‌های آن به دل و ذهن انسان‌ها برگردد. در اینصورت انسان‌ها در اعماق وجود خود این نظم را می‌پذیرند.<sup>۲</sup>

لهذا ما در این دوره به دنبال پایه‌هایی می‌گردیم که این پایه‌ها بتوانند با درون و باطن انسان‌ها ارتباط بگیرند. عرض کردیم که مدل تأمین نیازها ابزار ارتباط با انسان‌هاست. انسان‌ها نیاز دارند و خود آنها بدون اینکه کسی به آنها بگوید، به دنبال تأمین نیاز حرکت می‌کنند. پس اگر شما فقط بتوانید نحوه تأمین نیازهای انسان را مدیریت کنید، می‌توانید با آنها ارتباط عمیق بگیرید. در اینصورت معنای قانون هم کاملاً تغییر یافت و معنا داده و متحول خواهد شد. قانون نباید محور نظم اجتماعی باشد؛ بلکه محور نظم اجتماعی باید مکانیزم‌هایی باشند که حوزه‌ی فکر انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. فکر اسلامی این را بیان می‌کند که اگر می‌خواهید نظم ایجاد کنید باید بر روی تغییرات فکری در انسان‌ها متمرکز شوید و مهمترین ابزار برای ایجاد تغییرات فکری در جامعه نحوه تأمین نیاز انسان‌هاست.

## ۲. هدایت بنیان‌بودن اداره‌ی جامعه در اسلام؛ مقدمه بازتعریف مدل تأمین نیازهای روزمره

۲/۱. دائم‌المصرف بودن،  
دائم‌الارتباط بودن و  
دائم‌التصمیم بودن انسان‌ها  
و وابسته بودن کنترل این و  
جهت‌دهی به این سه  
ویژگی به هدایت انسان‌ها؛  
یکی از دلایل عقلی  
هدایت بنیان‌بودن اداره  
جامعه

ما بر اساس این نکته هرم نیازهای خانوار را بازتعریف کردیم. سه سطح آن قبلاً بیان شد، امروز می‌خواهم نحوه تأمین نیازهای معیشتی را عرض کنیم؛ تأمین نیازهای معیشتی باید به چه شکلی باشند که به نزاع، اختلاف و اصطکاک ختم نشود؟ مقدمتاً برای فهم و تبیین چگونگی نیازها باید عرض کنم که - این بحث‌ها را بنده در مبانی نظری به شکل تفصیلی بیان کرده‌ام و در این قسمت می‌خواهم از آنها استفاده کنم - انسان‌ها دارای سه ویژگی هستند.

**ویژگی اول این است که انسان‌ها دائم‌الارتباط هستند؛ یعنی وقتی انسانی شبانه‌روز خود را بررسی نماید، صدها نوع ارتباط در زندگی خود پیدا خواهد کرد، از ارتباط با اعضای خانواده گرفته تا ارتباط با محیط کار و ارتباط‌های مجازی و غیره. انسان‌ها دائم‌الارتباط هستند و این موضوع جزء مسائلی است که اصلاً نمی‌توان آن را انکار کرد. انسان‌ها از یک سلامی که به دوست خود می‌دهند ارتباط برقرار می‌کنند تا ارتباط عاطفی، ارتباط‌های مالی و تحصیلی و آموزشی و غیره. پس انسان‌ها دارای ارتباط هستند.**

**وصف دوم این است که انسان‌ها دائم‌التصمیم هستند؛ یعنی وقتی انسان را بررسی می‌کنید خواهید فهمید که انسان‌ها دائم‌التصمیم هستند. از همین ساعات اولیه روز تا به حال ما تصمیمات ریز و درشت زیادی را گرفته‌ایم. انسان‌ها تصمیم هم می‌گیرند.**

**وصف سوم هم این است که انسان‌ها دائم‌المصرف هستند. از مصرف هوا که تنفس می‌کنند، تا گرفتن فیش‌های حقوقی ۵۹ میلیونی و ۲۳۰ میلیونی انسان‌ها مصرف می‌کنند. منتهی برخی مصرف بالایی داشته و پرمصرف هستند و موجب آلودگی محیط ارزش‌ها می‌شوند و برخی کم‌مصرف هستند. پس انسان‌ها مصرف هم می‌کنند.**

۲. البته برخی از متفکرین غربی اعتراف کرده‌اند که دموکراسی به معنای راه حل مشکلات نیست و با دموکراسی نمی‌توان مشکلات را حل کرد. آنها راست گفته‌اند و تصادفاً گزاره‌ی آنها گزاره درستی است؛ نمی‌توان با مدل‌های موجود قانون‌گذاری مسأله را مدیریت کرده و نظم پایدار ایجاد نمود.

انتقال از متن





همه استدلال‌های عقلی‌ای که در حوزه مباحث نظری برای اثبات هدایت‌بنیان بودن جامعه آورده‌ایم بر پایه این سه وصف می‌باشد. می‌دانید که در «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» یک گزاره محوری وجود دارد که می‌گوید: اداره جامعه هدایت‌بنیان است و هیچ چیز نباید در اداره جامعه جای هدایت را بگیرد.

یکی از اشکالاتی که ما به بحث قانون - به معنای مدرن و محور جامعه مدنی - داریم این است که قانون فعلی محور اداره جامعه است در حالی که نمی‌توان با قانون دائم‌التصمیم بودن انسان‌ها را به یک سمت خاص هدایت کرد. انسان‌ها ممکن است در روز هزاران تصمیم بگیرند، به همین دلیل عملاً امکان ندارد هزار قانون وضع شود. تصمیم در حوزه‌ی شخصی در فؤاد انسان‌ها گرفته می‌شود. قرآن شریف می‌فرماید: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئَلًا»<sup>۳</sup>؛ فؤاد جایی در دل است. فؤاد محل انعقاد نیت است و نیت هم منشأ تصمیم می‌باشد. قرآن می‌فرماید: «كُلُّ يَعْْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ»<sup>۴</sup> از امام صادق علیه السلام پرسیدند شاکله چیست که همه مردم براساس آن عمل می‌کنند؟ حضرت صادق علیه السلام - که علم اول و آخر در دستان ایشان است - فرمودند: شاکله‌ی انسان‌ها نیت آنهاست.<sup>۵</sup> پس «كُلُّ يَعْْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» یعنی کل بعمل علی نیته. ولی قانون نمی‌تواند نیت‌ها را مدیریت کند. لذا در این مدل اگر شما بخواهید به هر تصمیمی جهت بدهید باید مدام قانون بگذارید. اصلاً امکان ندارد انسان دائم‌التصمیم را با ابزار قانون به جهت خاصی هدایت کرد. به هر حال ما در مبانی نظری این موضوع را بحث کرده‌ایم. اینها بخشی از استدلال‌هایی که ما برای هدایت‌بنیان بودن جامعه آورده‌ایم، این استدلال‌ها عقلی می‌باشند. استدلال‌های عقلی ما دارای سه پایه هستند؛ ما دائم‌التصمیم، دائم‌المصرف و دائم‌الارتباط بودن انسان‌ها را تحلیل نموده و بعد یک سؤال را مطرح می‌کنیم؛ آیا می‌توانید نظام مصرف، ارتباط و تصمیم را با قانون هماهنگ کنید؟ ابزار هماهنگ‌سازی این اوصاف چیزی جز هدایت نخواهد بود؛ یعنی اگر در درون افراد تحول اتفاق بیفتد یکی از ثمرات این امر اصلاح نیست خواهد بود. یکی از مواردی که مؤمن همیشه از خداوند متعال تقاضا می‌کند، تغییر در شاکله‌ی اوست. ابزار تغییر در شاکله و نیت، قانون نیست، ابزار آن مثلاً شفاعت امام است و زیارت جزء مناسکی است که شفاعت امام را در انسان محقق می‌کند. دقت بفرمایید؛ زیارت یکی از این مناسک است. به هر حال این موارد استدلال‌های عقلی ما هستند.

۳. وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئَلًا / آیه ۳۶ سوره الإسراء

و از چیزی که به آن علم نداری [بلکه برگرفته از شنیده‌ها، ساده‌نگری‌ها، خیالات و اوهام است] پیروی مکن؛ زیرا گوش و چشم و دل [که ابزار علم و شناخت واقعی‌اند] مورد بازخواست‌اند.

۴. كُلُّ يَعْْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرُّكَ أَعْلَمُ مِنْهُ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا / آیه ۸۴ سوره الإسراء

بگو: هر کس بر پایه خلق و خوی و عادت‌های اکتسابی خود عمل می‌کند، پس پروردگارتان به کسی که راه‌یافته‌تر است، دانای‌تر می‌باشد.

۵. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْمُتَّقِرِيِّ، عَنِ سُقْبَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» قَالَ عليه السلام: لَيْسَ يَعْني أَكْثَرُكُمْ عَمَلًا، وَلَكِنْ أَصْوَبُكُمْ عَمَلًا، وَإِنَّمَا الْإِصَابَةُ حَسْبِيَّةُ اللَّهِ وَالتَّيْبَةُ الصَّادِقَةُ وَالْحَسَنَةُ قُلَّ قَالَ: «الْإِيقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ حَتَّى يَخْلُصَ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ، وَالْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَالتَّيْبَةُ أَفْضَلُ مِنَ الْعَمَلِ، أَلَا وَإِنَّ التَّيْبَةَ هِيَ الْعَمَلُ»، ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ عَزَّ وَجَلَّ: «كُلُّ يَعْْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» يَعْني عَلَى نَيْتِهِ

امام صادق علیه السلام در تفسیر این قول خداوند متعال که لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا فرمودند: احسن العمل در آیه به معنای عمل زیاد نیست، بلکه عمل صحیح و درست، احسن العمل است و لازمه درستی و صحت عمل، خشیت الهی و نیت صادق است. سپس فرمود: باقی بودن بر اخلاص در عمل، سخت‌تر از خود عمل است و عمل خالص، عملی است که ما نخواسته باشیم به جز خدای تعالی، احدی ما را بر آن تمجید و ستایش کند و نیت، برتر از عمل است. بدان و آگاه باش که نیت همان عمل است. سپس آیه «كُلُّ يَعْْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» را تلاوت نمود و فرمود: یعنی بر نیتش.

کلینی، محمد بن یعقوب؛ کافی، قم، انتشارات دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق. ج ۳، ص ۴۶

**۲/۲. محول کردن اقامه قسط به عنوان یکی از ابعاد اداره جامعه به مردم و مشارکت مردم در تحقق قسط در صورت هدایت آنها؛ یکی از دلایل نقلی هدایت بنیان بودن اداره جامعه**

ما در کنار این استدلال‌ها ظهورگیری قابل توجهی هم از آیات و روایات داریم، آیات و روایات ما می‌گویند جامعه را بدون هدایت نمی‌توان اداره و بررسی کرد، دقت کنید که جامعه را بدون هدایت نمی‌توان بررسی کرد. البته می‌دانم که ما از آیات و روایات به این مطلب می‌رسیم که انسان باید هدایت یافته باشد و در نماز هم از خدا می‌خواهیم که ما از ضالین قرار ندهد؛ ولی بحث بنده این است که ظهور تعداد قابل توجهی از آیات و روایت این است که مسائل اجتماعی را بدون هدایت نمی‌توان حل کرد. مثلاً در آیه شریف می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ»<sup>۶</sup> سپس در ادامه آیه می‌فرماید «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ». شاهد بحث بنده این است که قرآن می‌فرماید: ما پیامبران را فرستادیم - «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا» پیامبران ارسال می‌شوند - «بِالْبَيِّنَاتِ»؛ آنها با بینات می‌آیند. «وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ» با کتاب می‌آیند، «وَالْمِيزَانَ» با میزان می‌آیند.<sup>۷</sup> پیامبران بوسیله بینات و کتاب و میزان می‌آیند. بعد می‌فرماید: «لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ» برای اینکه مردم را وادار کنند که با قسط رفتار کنند. ببینید! مسأله قسط یک مسأله اجتماعی است، قرآن می‌فرماید مردم باید اقامه قسط کنند. به اصطلاح طلبگی؛ "ناس"، فاعلِ یقوم است. «لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ» خود مردم باید قیام به قسط کنند، اقامه قسط کار خود مردم بوده و کار حکومت نیست. جریان‌هایی که به دنبال عدالت‌خواهی هستند باید توجه کنند که وقتی گفته می‌شود «لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ» شما نباید فکر کنید که وظیفه حکومت اقامه‌ی قسط به صورت بریده‌ی از مردم است. اگر مردم نخواهند قسط را پیاده کنند، هیچ حکومتی نخواهد توانست این کار را انجام دهد. فاعلِ انجام‌دادن قسط و عدالت - که البته قسط و عدالت با هم معنأ متفاوت ولی مرتبط هستند - مردم می‌باشند. حال چه اتفاقی می‌افتد که مردم قیام به قسط می‌کنند؟ یعنی چرا خود مردم به این نتیجه می‌رسند که اقامه قسط کنند؟ پیداست در آنها یک تحول درونی اتفاق افتاده و دانسته‌اند قسط مهمترین موضوع است.<sup>۸</sup> شما فکر کنید پیامبران علیهم‌السلام چه قدرتی دارند که می‌توانند با آدم‌ها تفاهم کنند تا همه‌ی وقت خود را برای اقامه قسط بگذارند. پیداست طرف مقابل دارای نفس تحول یافته‌ای است که می‌تواند این مقدار وقت بگذارد.

در حال حاضر ما در فضای جمهوری اسلامی این موضوع را درک می‌کنیم؛ زیرا جبهه‌هایی در فضای درگیری حق و باطل وجود دارد و آدم‌هایی پای این درگیری‌های ثابت و استوار می‌ایستند که در درون آنها تحولی اتفاق افتاده باشد. یعنی در درون آنها تحولی اتفاق افتاده که این کار را بیشتر از کارهای شخصی به سود خود و جامعه می‌دانند، حال این امر به شکل وجدانی است. ما در جمهوری

۶. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ / آیه ۲۵ سوره حدید

همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو ای تشخیص حق از باطل<sup>۱</sup> نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند و آهن را که در آن برای مردم قوت و نیرویی سخت و سودهایی است، فرود آوریم و تا خدا مشخص بدارد چه کسانی او و پیامبرانش را در غیاب پیامبران یاری می‌دهند؛ یقیناً خدا نیرومند و توانای شکست‌ناپذیر است.

۷. البته بعداً باید همه این موارد را بحث کنیم.

انتقال از متن

۸. می‌دانید که عمل به قسط غیر از اقامه قسط است؛ اقامه قسط یک وجه اجتماعی و فراگیر دارد. مثلاً به شما می‌گویند که نماز بخوان. خُب وقتی می‌گویند نماز بخوان، می‌توانید نماز را در یک زمانی بخوانید؛ اما وقتی بیان می‌شود که نماز را اقامه کن، یعنی نماز را در جامعه گسترش بده. در اینصورت باید تمام زندگی انسان صرف این موضوع شود که اقامه نماز کند.

انتقال از متن



اسلامی فرار از جبهه زیاد داریم، یعنی تکالیف بر روی زمین مانده زیاد است اما آدم‌هایی که این تکالیف را به دوش بکشند بسیار کم هستند. لذا یک مؤمن عادی قبل از ظهور معمولاً اگر بخواهد بایستد باید ده‌ها برابر بار تحمل کند؛ زیرا همه برادران او در حال انجام کارهای شخصی خود هستند. وقتی اقامه به این معنا می‌باشد، پیداست خداوند به شخصی که در جبهه حق ایستاده نعمت هدایت را اعطا کرده است. ببینید! این یکی از آن آیاتی است که ما به آن استناد می‌کنیم و می‌گوییم اداره جامعه بر مبنای هدایت است. یا باید شما بگویید اقامه‌ی قسط و وظیفه حکومت آن هم مستقیماً و بدون همکاری مردم است.

دیشب آقای خامنه‌ای علیه السلام در جمع دانشجویان فرمود که راه همین مطالبه‌گری شماست.<sup>۹</sup> حاکم در مردم بعث و انگیزش ایجاد می‌کند اما خود مردم باید کار را انجام دهند. خداوند متعال به پیامبر خود فرمود: «حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ»<sup>۱۰</sup> وقتی به مؤمنین رسیدی انگیزه آنها را زیاد کن و آنها را تحریک کن تا با کفار قتال کنند. حاکم مردم را سازماندهی می‌کند. پس ببینید «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» یعنی مردم این کار را انجام می‌دهند. حال حاکم با چه قدرتی این کار را انجام می‌دهد؟ وقتی هدایت را فربه می‌کند، وقتی بتواند اقناعی صحبت کند و با جامعه‌ی خود تفاهم کند. ببینید یکی از مصادیق اداره جامعه اقامه قسط است. قسط بدون حضور مردم تأمین نمی‌شود و اگر بخواهیم حضور مردم تأمین شود باید هدایت را فربه کنیم. مردم باید باور کنند که این راه، راه رفتنی و شدنی است، این می‌شود هدایت. بنابراین هدایت مسأله خیلی مسأله مهمی است.<sup>۱۱</sup>

۹. من همیشه گفته‌ام که این سلسله‌مراتب عمل، از بالا تا پایین یک سلسله‌مراتب انسانی است؛ همه‌ی انسان‌ها مغز دارند، دل دارند، اراده دارند، عزم دارند؛ در این سلسله‌مراتب پنج شش واسطه‌ای، اگر یکی‌شان نخواهد انجام بدهد کار انجام نمی‌گیرد. مثل یک سیم برق نیست که اگر چنانچه شما اینجا دکمه را زدی، صد چراغ روشن بشود؛ نه، این سیم‌های وسط همه‌شان دارای اراده‌اند، دارای عزمند؛ انسان‌ها هستند. باید نظارت بشود، باید کنترل بشود، باید دنبال‌گیری بشود، باید رصد بشود، باید مطالبه‌ی دائمی بشود و شماها می‌توانید در این زمینه نقش ایفا کنید. این مسأله‌ی اقتصاد مقاومتی است، مسئله‌ی عدالت همین‌جور است، پیشرفت ایرانی اسلامی همین‌جور است.

*بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام در دیدار با جمعی از دانشجویان ۱۳۹۵/۰۴/۱۲*

۱۰. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ كُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ كُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا أَيُّهَا قَوْمِي لَا يَفْقَهُونَ / آیه ۶۵ سوره مبارکه انفال

ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ برانگیز که اگر از شما بیست نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می‌شوند و اگر از شما صد نفر [صابر] باشند بر هزار نفر از کافران چیره می‌شوند زیرا آنان گروهی هستند فهم فقیهانه ندارند.

۱۱. بنده در این روزها وقتی مقاله یکی از اساتید نظام‌سازی اجتماعی را مطالعه نمودم خیلی ابراز تأسف کردم. ایشان بیان کرده بود که امام راحل عظیم‌الشان ما اعتقاد داشتند که اسلام در اداره جامعه کارآمد است؛ اما نرم افزارهای اداره جامعه را به صورت کامل تولید نکرده بودند. سؤال ما از ایشان این است که اگر امام درکی از نرم افزارهای اداره جامعه نداشتند و شما می‌خواهید به اصطلاح با انقلاب فرهنگی مبتنی بر فلسفه‌ی خود این موضوع را حل کنید پس چطور مردم را به میدان آوردند؟! اساس اداره جامعه مشارکت دادن مردم است. بنده هیچ فقیه‌ی را از اول دوران غیبت تا همین الان سراغ ندارم که به اندازه امام خمینی عظیم‌الشان قدرت ایجاد بعث داشته باشد. ایشان مردم را به میدان می‌آوردند، آن هم به میدان‌های مختلف و و نه به نحوه‌ی دموکراسی که به میدان بیایند و فقط یک رأی بدهند و بروند، مردم در سطوح مختلف به میدان می‌آمدند. جمعیت‌هایی تا پای اهدای بهترین دارایی خود یعنی جان به میدان می‌آمدند. این کار حتماً مکانیزم داشته است. امام خمینی عظیم‌الشان مسلط‌ترین آدم‌ها به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بودند. آنگاه شما می‌گویید ایشان نرم افزارهای اجتماعی اداره جامعه را در اختیار نداشتند و ما می‌خواهیم آنها را تولید کنیم؟! این چه حرف گزافی است که شما می‌گویید؟!

بنده از شما اساساً سؤال دیگری می‌پرسم؛ اگر ما هنوز انقلاب فرهنگی نکرده‌ایم و نرم افزارهای اداره جامعه را تولید نکرده‌ایم، پس چرا ما هنوز استحالته نشده‌ایم و هرچه دشمن سطح درگیری خود با هویت جمهوری اسلامی را بیشتر می‌کند ما هم قوی‌تر می‌شویم؟ اگر در زمان امام خمینی عظیم‌الشان ما فقط در ایران حضور داشتیم، در حال حاضر قدرت ما واقعاً مشهود است. خانم کیلینتون می‌گفت: هر کجای دنیا که دست می‌گذاریم ایران در آنجا حضور دارد، ما چه کنیم؟ عجب، یعنی ما بدون نرم افزار و مدل اداره جامعه یک درگیری جهانی را شروع کرده‌ایم. هذا من العجائب! گاهی اوقات



به هر حال حرف ما این است که از این آیه قرآن استفاده می‌شود که مردم باید به میدان بیایند، «لَيَقْوَرَنَّ النَّاسُ بِالْفِسْطِ». اما پیداست وقتی حکومت قدرت هدایت نداشته باشد این به میدان آمدن‌ها امکان ندارد. البته در حال حاضر به میدان آمدن‌ها به مسائل عادی تبدیل شده است و مثلاً هوا ۴۲ درجه گرم است؛ اما به یکباره جمعیت میلیونی به راهپیمایی می‌آیند و تازه چه مقدار هم معارف در آن خوابیده است؛ یک آقای پیرمردی روز قدس در مسیر راهپیمایی تهران به بنده رسید و گفت: حاج آقا امروز خیلی گرم است، من گرمای قیامت را چکار کنم! این ملت هم کار اجتماعی می‌کنند و هم کار تربیتی بر روی آنها اتفاق می‌افتد. خُب در این فرد هدایت اتفاق افتاده که حاضر است در آن سن، در آن اوج گرما و با زبان روزه حاضر شود و بعد هم منتی نگذارد و بگوید: با این راهپیمایی دوباره نسبت به قیامت متذکر شدم. اینها استدلال‌های ماست. البته استدلال‌های دیگری نیز داریم. حالا عرض بنده است که؛ پایه‌ی استدلال‌های عقلی‌ای که با آنها هدایت‌بنیان‌بودن اداره جامعه را اثبات می‌کنیم سه وصف است؛ دائم‌الارتباط، دائم‌المصرف و دائم‌تصمیم‌بودن انسان.

### ۳. ضرورت بازتعریف مدل تأمین نیازهای روزمره به محوریت زهد به دلیل مشغول شدن فکر افراد به مصرف در مدل فعلی تأمین نیازهای روزمره و در نتیجه عدم امکان هدایت انسان‌ها در اثر مشغول شدن فکر آنها

حالا اگر بخواهید مصرف انسان‌ها را مدیریت کنید چه اتفاقی باید بیفتد و باید به چه شکلی آن را مدیریت کنیم؟ اگر مصرف انسان‌ها را مدیریت نکنید چه اتفاقی خواهد افتاد؟ هر دوی این موارد را بررسی می‌کنیم تا به مدلی جدیدی از مصرف برسیم. ببینید! فقط به عنوان پیش‌فرض بحث باید توجه کنید که انسان‌ها دائم‌المصرف هستند. بنابراین وقتی بنده راجع به مدیریت نیازهای روزمره صحبت می‌کنم راجع به یک موضوع ساده صحبت نمی‌کنم. نمی‌توان نیازهای روزمره را اندازه گرفت و حتی کم‌مصرف‌ترین آدم‌ها در حال حاضر بسیار مصرف می‌کنند. حالا آنهایی که فیش ۲۳۶

۳/۱. اشغال و عاء فکر  
انسان و در نتیجه  
کم شدن احتمال هدایت  
فرد؛ نمره افزایش سطح  
مصرف انسان‌ها و  
مصرفی شدن ابناء بشر

نخبگان ما برای اینکه حرف خود را جلو ببرند - که حالا این حرف برای جامعه مفید است و بنده منکر آن نمی‌شوم - فقط خود را می‌بینند و حاضر نیستند تحلیل کنند که چه اتفاقی افتاده است! این از مصیبت‌هاست.

این معنایی که آقایان مطرح می‌گویند امام معتقد به اداره جامعه بر نگاه دینی بود؛ اما نرم افزارهای اداره جامعه بر مبنای دینی را تولید نکرده بود خیلی عجیب است! پس چطور امام علیه السلام مردم را بکار گرفته و چطور مشارکت ایجاد کردند؟! چطور ما در حال حاضر تبدیل به یک قدرت جهانی شده‌ایم؟ اگر ما دارای یک راه و رسم جدید نیستیم - که عرض کردم در این راه رسم جدید به تفاهم با مردم منطقه رسیده‌ایم - چرا دارند علیه ما جنگ احزاب راه می‌اندازند؟ معنای جنگ احزاب این است که همه جمع شده‌اند تا قضیه را یک سره کنند. یعنی همه احساس خطر کرده‌اند. عجب، راه جدیدی نیست اما همه هم علیه ما بلند شده‌اند! در لرستان یک مثالی معروف است، وقتی با یک مرد بزرگ لر خیلی مخالفت می‌شود - حالا این داستان ساده را بنده از روی مطایبه عرض می‌کنم تا آقایان فلاسفه این حرف‌ها را بفهمند و نروند به آن شکل صحبت کنند - وقتی تعداد مخالفین او زیاد می‌شود با آن درایتی که در لرستان وجود دارد یک اُبر گزاره را بکار می‌برد و می‌گوید: مرد بزرگ موافق و مخالف دارد. در لرستان هم این معنا قابل فهم است. آن کسی که با او مخالفت زیادی شده به جای اینکه کم بیاورد، می‌گوید وقتی با من مخالفت می‌شود یعنی من بزرگ هستم. برادر عزیز! یک جبهه جهانی مقابل انقلاب اسلامی شکل گرفته است و در این جبهه جهانی آدم‌ها تا سطح دادن جان حضور دارند، آنگاه شما می‌فرمایید نرم‌افزار این کار هنوز تولید نشده است! و می‌گویید: من می‌خواهم با انقلاب فرهنگی مبتنی بر فلسفه خود نرم‌افزار آن را تولید کنم. این حرف خیلی عجیبی است. بله؛ اگر یک حرف دیگری می‌زدید قابل قبول بود. مثلاً می‌گفتید: نرم‌افزاری که امام از آن در مقابل این سازماندهی جهانی علیه جبهه کفر استفاده کردند، آموزشی نشده و به سرفصل‌های درسی تبدیل نشده تا آنها را در حوزه و دانشگاه تدریس کنیم. خیلی فرق است میان اینکه بگوییم درکی وجود دارد و ما می‌خواهیم آن را قابل تدریس و آموزشی بکنیم و اینکه بگوییم درک انقلاب فرهنگی بعدها به وجود می‌آید و بحثی تولید می‌شود. این موارد با هم خیلی متفاوت هستند و ما باید دقت کنیم. شما در معنای اول بیان می‌کنید که الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و تحول در علوم انسانی، تئوریزه شدن رفتار آیه خدا امام خمینی عظیم‌الشان در اداره جامعه است، این یک معناست. یک معنای دیگر این است که شما انا رجل بگویید و بخواهید این مباحث را مبتنی بر انقلاب فرهنگی خود تدوین کنید. اگر اینطور است باید سؤالاتی که بنده مطرح کرده‌ام را بحث کنید. این موضوع را به مناسبت عرض کردم، بنده واقعاً از دیروز دنبال فرصتی می‌گشتم تا یک نکته‌ای به آن آقایان بگویم.

انتقال از متن



میلیونی می‌گیرند و پرمصرف هستند که چیز عجیبی می‌باشند.<sup>۱۲</sup> حال این موضوع را به چه شکلی مدیریت کنیم؟ حرف اصلی الگوی اسلامی - ایرنی پیشرفت این است که چون مصرف امری روزمره است، اگر حجم آن بالا برود و سطحش زیاد شود، تمام وعاءِ فکر انسان را مشغول می‌کند.

بنده مثالی می‌زنم تا واضح شود؛ ببینید فرض بفرمایید که فردی در روز شش وعده غذا مصرف کند.<sup>۱۳</sup> وقتی انسان می‌خواهد شش بار یعنی دو برابر وعده‌های عرفی مصرف کند، این کار بر روی وعاءِ فکر او از دو جهت یا شاید هم از سه جهت تأثیر می‌گذارد.

نکته اول این است که نسبت مستقیمی بین اینکه فعال بودن فکر انسان (به لحاظ فیزیولوژی) و فعال بودن معده وجود دارد؛ به صورت ساده وقتی معده انسان پر است نمی‌تواند خوب فکر کند. از لحاظ بدنی فکر کردن با کم غذا بودن نسبتی دارد. البته آقایان در حال حاضر تحلیل می‌کنند که وقتی معده پر از غذا می‌شود به مغز پیام‌هایی صادر می‌گردد مبنی بر اینکه غذا وارد بدن شده است و به صورت خودکار دستور گردش خون به مغز صادر می‌شود و مغز خون را از سایر نقاط بدن کمتر کرده و به سمت معده می‌برد تا مسأله‌ی هضم اتفاق بیفتد. حالا بنده با تحلیل‌های آقایان کاری ندارم اما بالآخره روایات ما می‌فرمایند که «علم در گرسنگی است».<sup>۱۴</sup> شما باید این موضوع را بدانید که انسان‌های پرمصرف بعدها عالم نمی‌شوند؛ زیرا واقعاً نمی‌توانند فکر کنند. بنابراین پرمصرفی چنین تأثیری دارد. پس پرمصرفی به سطح فکر آدم‌ها ضربه خواهد زد.

**۳/۱/۱. وجود نسبت معکوس بین میزان غذای افراد و میزان تفکر و عالم‌شدن آنها؛ دلیل اول اشغال فکر در صورت افزایش سطح مصرف**

نکته دوم این است که بعد از مصرف انسان نمی‌تواند و یا نمی‌خواهد دائماً مصرف تکراری داشته باشد، وقتی مصرف زیاد شد بعد از آن تنوع‌خواهی هم ایجاد می‌شود. تنوع جزء لوازم مصرف زیاد است. آدم از موارد تکراری خسته می‌شود، در حقیقت انسان از تکرار بدون تغییر خسته می‌گردد. لذا به ما گفته‌اند ذکر داشته باشید؛ ذکر به معنای تکرار همراه با تغییر است.<sup>۱۵</sup> یعنی وقتی شما مسأله‌ای را تذکر می‌دهید هربار یک زاویه از آن را بحث کنید. این مطلب در معنای ذکر وجود دارد که نباید همان بحث را به همان شکل و همان فرم مطرح کنید. چرا نباید تکرار بدون تغییر داشت؟

**۳/۱/۲. تنوع طلب شدن انسان‌ها و لزوم تفکر انسان برای ایجاد تنوع در محصولات مصرف خود؛ وجه دوم اشغال فکر در صورت مصرف زیاد**

۱۲. ۲۳۶ میلیون برابر است با حقوق ۲۳۶ نفر. البته این حقوق فقط از یک اداره است. گفته شده بود یکی از وزرای محترم هزار میلیارد ثروت دارد. این موارد پرمصرف بوده و نظام ارزشی را بسیار آلوده می‌کنند. یا مثلاً بیان شد که در چنددهه شرکت حضور دارد. نمی‌خواهم اسم کسی را بیاورم، به ما گفته بودند یک خیابانی در تهران وجود دارد که متعلق به فلان آقاست که جز سران اشراف در جریان توسعه‌گراست. محاسبه‌ی مصرف آدم‌های پرمصرف خیلی پیچیده است. اما حالا اصل مصرف حتی در آدم‌های کم‌مصرف نیز خیلی زیاد است.

*انتقال از متن*

۱۳. متأسفانه برخی از پزشکان به این کار توصیه می‌کنند.

*انتقال از متن*

۱۴. أوحى الله تعالى إلى داود عليه السلام يراود إني وضعت خمسة في خمسة، والناس يطلبونها في خمسة غيرها فلا يجدونها؛ وضعت العار في الجوع والجهد وهر يطلبونه في الشبع والراحة فلا يجدونه، وضعت العز في طاعة وهر يطلبونه في خدمة السلطان فلا يجدونه، وضعت الغنى في القناعة وهر يطلبونه في كثرة المال فلا يجدونه، وضعت رضاي في سخط النفس وهر يطلبونه في رضا النفس فلا يجدونه، وضعت الراحة في الجنة وهر يطلبونها في الدنيا فلا يجدونها.

خدای تعالی وحی نمود بر حضرت داود علیه السلام که: ای داود! من پنج چیز را در پنج چیز قرار داده‌ام، ولی مردم آنها را در پنج چیز دیگر می‌جویند و نمی‌یابند. علم حقیقی را در گرسنگی و تلاش و کوشش قرار داده‌ام، ولی مردم آن را در سیری و راحتی می‌جویند و نمی‌یابند. عزت را در اطاعت از خودم نهاده‌ام ولی مردم آن را در خدمت به سلاطین طلب می‌کنند و نمی‌یابند. بی‌نیازی را در قناعت قرار داده‌ام، ولی مردم آن را در مال زیاد می‌جویند و نمی‌یابند. رضایت خودم را در نارضایتی نفس نهاده‌ام، ولی مردم آن را در رضایت نفس طلب می‌کنند و نمی‌یابند. راحتی و آسایش را در بهشت قرار داده‌ام، اما مردم آن را در دنیا می‌جویند و نمی‌یابند.

مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار الإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۵، ص ۴۵۳، ح ۲۱

۱۵. فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى / آیه ۹ سوره اعلی پس [مردم را] تذکر ده، اگر تذکر سودمند افتد.

چون فطرت انسان از تکرار گریزان است و به شما می‌گوید: چقدر این بحث را تکرار می‌کنید. افراد در مقام بیان به شما می‌گویند: این برنامه تکراری است و کانال تلویزیون را عوض کن. راجع به غذا و مصرف‌های روزانه نیز به همین شکل است؛ به مادر خود می‌گوید: مامان! چقدر شما برای ما آبگوشت درست می‌کنید! حتماً اگر مصرف زیاد شود تنوع نیز افزایش می‌یابد.

وقتی تنوع افزایش یافت سه یا چهار اثر حاصل می‌گردد که یکی از آنها مشغول کردن ذهن است؛ یعنی فرد با خود فکر می‌کند که حالا من چه چیز جدیدی را اضافه کنم تا این تنوع ایجاد شود. ببینید! اگر شما مصرف را زیاد کردید فکر از حیث دوم نیز به چالش کشیده می‌شود، به عبارت بهتر فکر به دنبال گزینه‌ها و گزاره‌هایی می‌باشد که تنوع را لجستیک کنند. چون انسان هر کاری را که در هر بخشی انجام می‌دهد باید آن کار را در وعاء فکر خود پردازش کند. حالا فکر کنید فردی می‌خواهد شش وعده‌ی غذایی بخورد، در اینصورت زمان زیادی را باید به این فکر کند که ترکیب این شش وعده چگونه باشد، یعنی فکر او مشغول می‌گردد.

### ۳/۱/۳. لزوم افزایش درآمد فرد در صورت افزایش مصرف او و مشغول شدن فکر فرد به اشتغال زیاد؛ وجه سوم اشتغال فکر در صورت مصرف زیاد

مرتب‌ه سومی که فکر مشغول می‌شود این است که وقتی مصرف انسان زیاد شد هزینه‌های او نیز افزایش می‌یابد و در نتیجه باید درآمد او نیز زیاد شود. لذا مصرف زیاد "سطح اشتغال برای تأمین معیشت" را زیاد می‌کند و وقتی انسان بیشتر زمان خود را صرف نیازهای شغلی نمود سایر نیازهای او دچار چالش می‌شوند. وقتی بیشترین زمان را صرف شغل می‌کند، بیشترین فکر او نیز معطوف به محیط شغلی می‌شود؛ یعنی ما با پدیده‌ای به نام انسان‌های اداری روبرو هستیم. انسان‌های اداری، انسان‌های هستند که بسیار سعی می‌کنند تا آداب و رفتار محیط کار خود را یاد بگیرند، چون بیشتر در محیط کار مشغول می‌باشند ولی همین افراد در خانواده ابرعکس هستند. واقعاً این مطلب، پدیده‌ی عجیبی است که انسان حاضر در اداره و انسان حاضر در خانواده دو شخصیت دارد؛ علت این امر آن است که در اداره بیشتر درگیر است. در حالی که ما در مدیریت محله‌محور می‌گوییم انسان باید بیشتر در خانواده باشد تا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ<sup>۱۶</sup> اتفاق بیفتد. بنده با این مثال‌ها می‌خواهم این مطلب را عرض کنم که شما نباید بگویید ما فقط مصرف می‌کنیم؛ عرض من این است که اگر شما دائم‌المصرفی خود را مدیریت نکنید وقتی سطح آن از سطح مشخصی بالا رفت تمام وعاء وجود شما اشغال می‌شود و وعاء اصلی‌ای که اشغال می‌گردد، وعاء فکر است.<sup>۱۷</sup>

۱۶. 'مَدُنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ يَأْتَانَهُ عَنِ الْعَلَاءِ مِثْلَهُ قَالَ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: بهترین شما، بهترینتان نسبت به خانواده است و من بهترین شما نسبت به خانواده خود هستم.

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، انتشارات مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۰، ص ۱۷۱

۱۷. وقتی انسان مصرفی و لذت‌جو بود برای او نوعی اعتیاد ایجاد می‌شود و به لحاظ بدنی نیز خود را به ماده‌ی غذایی‌ای که به آن علاقه دارد وابسته می‌کند تا جایی که بسیاری از دعوای خانواده‌ها بر سر این است که خانم، غذای خوب درست نکرده است و این مطلب، شدت وابستگی فرد به آن غذا را نشان می‌دهد. لذا روایت فرموده است - این روایت، روایت بسیار فنی حکیمانه‌ی در اوج لب است - مرد خوب شهوت غذایی خود را با اهل خانواده تنظیم می‌کند. (مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار الإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵۹، ص ۲۹۱) این مطلب معنای بسیار عمیقی دارد؛ اینکه در خانه چه چیزی پخته شود، جزء مواردی است که مرد باید ایثار کرده و بگوید: هرچه خانم خانه و بچه‌ها می‌گویند. این معنای بسیار مترقی‌ای می‌باشد. بنده حاضر دو یا سه ساعت بر روی این روایت بحث کرده و توضیح دهم که این مطلب چه آثار روانشناسی و مدیریتی برای مرد دارد. حالا شما مردی را تصور کنید که وابستگی بسیاری به مصرف نوع خاصی از غذا دارد؛ این فرد در خانواده منشأ چالش خواهد شد. غرض این است که بگوییم: اگر مصرف مدیریت نشود وعاء فکر درگیر می‌شود. کلمه وعاء را به این دلیل استفاده می‌کنم که عبارت روایت گسترش پیدا کند. روایت فرمود: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَتْ خَيْرَهَا وَأَوْعَاهَا» (مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار الإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۵، ص ۷۶)؛ قلب‌ها ظرف هستند و بهترین آنها جادارترین آنها می‌باشند.



بنابراین وعاءِ فکر و ظرفِ فکر انسان‌ها به وسیله مصرف اشغال می‌شود و سایر وعاء‌های دیگر او نیز مشغول می‌گردند. حالا شما انسانی را در نظر بگیرید که فقط مصرف روزانه‌ی خود را مدیریت نمی‌کند، در اینصورت همه چیز او تحت تأثیر قرار می‌گیرد، چون مصرف، وعاءِ فکر را هم از حیث فیزیولوژیک و هم از این حیث که باید تصمیم گرفته و بررسی کند تا مصرف متنوع را مدیریت نماید درگیر می‌نماید، همچنین فکر از این حیث که می‌خواهد درآمد خود را افزایش دهد تا بتواند هزینه‌های خود را مدیریت کند نیز درگیر می‌شود، مصرف چیز مهمی است.

بنابراین اگر ما بخواهیم مصرف را مدیریت کنیم از یک سو می‌توانیم مصرف را بر اساس تنوع و از سوی دیگر می‌توانیم مصرف را بر مبنای زهد مدیریت کنیم، این دو نوع مصرف، متصور است. به نظر بنده این حکم عجیبی است که راجع به متقین و مؤمنین گفته‌اند: جزء صفات اولیه‌ی آنها، زهد است؛<sup>۱۸</sup> زاهد یعنی کسی که از دنیا دل می‌کند. ولی چون این مسأله تحلیل نمی‌شود جامعه مفهوم زهد را به صورت عمیق درک نمی‌کند. مفهوم زهد با فکر و علم ارتباط دارد؛ یعنی وقتی ائمه ما به ارتقاء زهد توصیه می‌کنند در واقع می‌خواهند انسان‌ها را فکورتر و عالم‌تر کنند، این مسأله بسیار مهم است. اولین نتیجه‌ی شکم‌بارگی و تنوع در مصرف، ضربه خوردن سلامت بدن انسان نیست، بلکه فکر انسان ضربه می‌خورد و انسان‌ها نمی‌توانند عمیق فکر کنند. مسأله مدیریت مصرف به محوریت زهد با ارتقا تفکر و هدایت جامعه ارتباط دارد.

بنده این مسأله را در زوایای مختلف شرح داده و اصرار دارم برخی از کلمات را همیشه تکرار کنم؛ من خواهش می‌کنم طلبه‌های فاضل ما وقتی وارد بحث روایات می‌شوند، در روایات درایه ایجاد کنند تا عمق آن کلام حکیمانه مشخص شود. وقتی ما مسأله زهد را بدون تحلیل بحث کردیم جامعه زاهد نمی‌شود. البته بعداً مستقلاً راجع به مفهوم زهد بحث‌های عمیق‌تری را عرض خواهیم کرد. پس مصرف باید بر مبنای زهد باشد تا فکر به چالش کشیده نشود.<sup>۱۹</sup>

**۳/۲. لزوم مدیریت مصرف انسان‌ها به محوریت زهد برای جلوگیری از اشغال وعاء فکر انسان‌ها**

۱۸. قال علی علیه السلام: أزهّد أصل الدّین

امام علی علیه السلام فرمودند: زهد، اصل دین است.

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد؛ غرر الحکم و درر الکلم، قم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۲۵، ح ۵۴۲

۱۹. نکته مهم این است که این مطلب قابل تفاهم هم می‌باشد و شما در عوض اینکه به صورت کلی بگویید زاهد باشید - در حال حاضر "زاهد باشید" یک گزاره اخلاقی فانتزی شده است - ابتدا به انسان‌ها می‌گویید که اگر فکر نکنید، دنیا و آخرت شما به چالش کشیده می‌شود، چون فکر شاهراه هدایت است. در ادامه عوامل به چالش کشیده شدن فکر را برای افراد بحث می‌کنید. به عنوان مثال ان شاء الله اگر ما آموزش و پرورش را در اختیار گرفتیم بنده بنا دارم سه کتاب با عنوان‌های فکر ۱، ۲ و ۳ بنویسم، الآن محتوای آن نیز وجود دارد. باید توضیح دهیم که فکر چیست؟ ما هو الفکر؟ ما مسأله زهد را در فکر ۳ بحث خواهیم کرد. در فکر ۱ جایگاه وعاءِ فکر در انسان را بحث می‌کنیم. در فکر ۲ ارتباط فکر با سایر مسائل اجتماعی را مورد بحث قرار می‌دهیم و محور بحث در فکر ۳ ارتباط فکر با سبک زندگی است. اگر مدل تحصیلی اینگونه باشد انسان‌ها بلند می‌شوند و وقتی مدل تأمین نیازهای تحصیلی آنها مدیریت شود به معنای واقعی کلمه پرواز می‌کنند. حالا اگر ما شهید شدیم شما این بحث را پیگیری کنید، جزء مباحث اصلی می‌باشد.

دوستانی هم که الآن در فضای الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت هستند می‌دانند اولین حوزه‌ای که یک کارشناس الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در دوره تربیت کارشناس می‌گذراند طریقه‌ی فکر کردن است. اگر اینگونه بحث کنید زهد مسأله‌ی بسیار عقلانی‌ای می‌شود. زهد، در فکر ۳ یعنی در مسأله "تأثیر سبک زندگی در فربه کردن فکر" مطرح می‌شود. در فکر ۲ تأثیر وعاء فکر بر اداره جامعه را بحث می‌کنیم. در فکر ۱ تأثیر فکر را بر روی مسأله هدایت و فهم دین توسط انسان‌ها بحث می‌کنیم.

من این اتفاق را تقصیر خودمان می‌دانم که در حال حاضر جریان منحنی در جامعه ما ایجاد شده و می‌خواهد جامعه را به سمت توسعه و پسرقت سوق دهد و شعار او برای این کار نیز عقل‌گرایی است، اینها تقصیر ماست؛ ما این بحث‌ها را مطرح نمی‌کنیم و آنها با شعار عقل و تدبیر وارد صحنه می‌شوند. در همان مناظره‌ی آخری که بنده داشتیم، فکر می‌کردم که به آنها چه جوابی بدهم. بنده دیدم در فضای مناظره نه مکتبی وجود دارد و نه زمان کافی‌ای. با خود گفتم: خدایا تو شاهدی که اگر ما مثلاً در بحث الگو ۱۰ هزار صفحه بحث مکتوب گفته باشیم ۵ هزار صفحه‌ی آن به مسأله عقل و



**۳/۳. لزوم تغییر مدل فعلی تأمین نیازهای روزمره به دلیل وجود اصلی به نام رقابت در این اقتصاد و مصرفی شدن مردم در اثر این اصل ضد هویت دینی**

حالا آیا مدل مصرف موجود این مسأله را تأمین می کند تا ما سطح نیازهای خانوار را بر این مبنا تنظیم کنیم؟ ببینید! در اقتصاد، اصلی به عنوان **اصل رقابت**<sup>۲۰</sup> وجود دارد و به نظر من اصل رقابت جزء بدترین اصولی است که حوزه فکر را به چالش می کشد. من در این جلسه راجع به اصل رقابت صحبت کرده و توضیح می دهم که ما چه مشکلی با این اصل داریم و چه ارتباطی با مصرف دارد ولی راجع به شورای رقابت<sup>۲۱</sup> - همین شورایی که الآن وجود دارد و خبرنگارهای اقتصادی اخبار آن را پوشش می دهند و بالاخره حکومتی پیدا کرده است - در آینده صحبت خواهیم کرد. یکی از نهادهای بسیار مضر به هویت اسلامی همین شورای رقابت است، این مسأله را بعداً بحث خواهیم کرد. ولی حالا اجازه دهید راجع به اصل رقابت - که آقایان می گویند اگر رقابت در اقتصاد نباشد، اقتصاد شکل نمی گیرد<sup>۲۲</sup> - صحبت کنیم تا معنای مدل جدید مصرف در ذهن شما مقداری تصویر شود.

**۳/۳/۱. کم شدن قیمت کالاها و افزایش کیفیت آنها؛ دلیل جریان توسعه گرا برای استفاده از اصل رقابت**

اصلاً رقابت چیست و چه مزایایی برای آن وجود دارد؟ من این مطلب را با مثال توضیح می دهم. بنده در مجمع تشخیص خدمت یکی از وزرای اقتصادی سابق<sup>۲۳</sup> رسیدم و با ایشان جلسه ای داشتم. من مثال ایشان را برای شما عرض می کنم که بسیار ساده است. ایشان می گفتند: حاج آقا! شما می دانید رقابت چیست؟ چون من داشتم اشکال می کردم می گفتم: نه، شما بگویید. گفت: رقابت یعنی ما یک اپراتور تلفن همراه در ایران داشتیم که سیم کارت آن حدود یک میلیون تومان بود ولی ما در عرض دو سال چند اپراتور دیگر راه اندازی کردیم و سیم کارت پنج هزار تومان شد. یکی از اتفاقاتی که در دوره آقای احمدی نژاد رخ داد این بود که ارتباطات ارزان شدند و در حال حاضر همه مردم

مراتب تعقل پرداخته است. این بحثها که اصلاً پایه الگوست ولی چه اتفاقی می افتد که مثلاً آنها بر روی این مسأله ایستاده و می خواهند کتابهای منکیو (Mankiw) و کینز (Keynes) را مصداق عقل معرفی کنند؟ این اتفاق به خاطر این است که ما تفکر ساعاً افضل من عبادة سبعین سنه (مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار، انتشارات مؤسسه الوفاء، ج ۶۹، ص ۲۹۳) را جدی نگرفته و مجموعه ای روایات باب فکر، عقل و علم، تدبّر، تعقل و تجرب و همین روایاتی که بنده در جلسه بحث می کنم را مورد بحث قرار نمی دهیم و شهر که خلوت می شود - ببخشید من به زبان خودمان می گویم - قورباغه هفت تیر می کشد، وقتی ما بحث نمی کنیم آنها مدعی فکر می شوند. مسأله تحول در فکر مسأله جدی ای است و ما باید برنامه ای را برای آن طراحی کنیم. پس بین زهد و مسأله فربه کردن فکر - به شرحی که بنده عرض کردم - ارتباط وجود دارد. بنابراین استاندارد زهد، استاندارد مصرف است.

*انتقال از متن*

**۲۰.** رقابت در اقتصاد به معنی سبقت و هم چشمی آمده و حالتی را گویند که در بازار، شمار نامحدودی بازرگانان نتوانند کالا به اندازه ای عرضه یا تقاضا کنند که در قیمت بازار مؤثر افتد. این حالت، عموماً به حالت رقابت محض یا خالص (Competition pure) یاد می شود و دارای مشخصات زیر است: «شمار فروشندگان بسیار است؛ کالا و خدمات مشابه یکدیگر فروخته می شود و فروشندگان اضافی، برای ورود به بازار، آزاد هستند.»

*فرهنگ، منوچهر، فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۱، جلد ۱، ص ۳۷۱*

**۲۱.** این شورا بر اساس موضوع ماده (۵۳) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تشکیل شده است. سه نماینده مجلس از بین اعضای کمیسیون های اقتصادی، برنامه و بودجه و محاسبات و صنایع و معادن و دو نفر از قضات عالی کشور، دو صاحب نظر اقتصادی برجسته، یک حقوقدان برجسته و آشنا به حقوق اقتصادی، دو صاحب نظر در تجارت، یک صاحب نظر در صنعت، یک صاحب نظر در خدمات زیربنایی، یک متخصص امور مالی، یک نفر به انتخاب اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و یک نفر به انتخاب اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعضای شورا را تشکیل می دهند.

شورای رقابت با هدف تسهیل کنندگی فعالیت بخش خصوصی و به طور کلی تر عرصه اقتصادی و نوعی عامل برای کاهش ریسک در این بخش شکل گرفت تا بخش خصوصی با ورود به بازار نگران انحصارات و رقبای انحصارگر خود نباشد.

*گفت و گوی خیرگزاری تابناک با دکتر جمشید پژویان رئیس سابق شورای رقابت، کد خبر: ۹۵۴۹۸*

**۲۲.** معاون اول رئیس جمهوری عصر سه شنبه در جلسه شورای فرهنگ عمومی با تأکید بر اینکه نیازمند فرهنگ سازی در مصرف تولیدات داخلی هستیم، گفت: البته تأکید بر ضرورت مصرف کالاهای داخلی نباید موجب شود که تولیدکنندگان داخلی خود را از تلاش برای ارتقای کیفیت محصولات بی نیاز بدانند؛ بلکه حتماً باید اقتصاد رقابتی در کشور حاکم باشد و تولیدکنندگان بدانند که اگر کالای با کیفیت تولید نکنند بازار را از دست خواهند داد.

*دکتر جهانگیری (معاون اول رئیس جمهور دولت یازدهم) در جلسه شورای فرهنگ عمومی به نقل از وسایط روزنامه دنیای اقتصاد، کد خبر: ۱۰۵۶۶۷۷*

**۲۳.** داوود دانش جعفری (زاده ۱۳۳۳ در تهران)، سیاستمدار و وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت محمود احمدی نژاد از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ بود.



چند نوع سیم کارت دارند؛ سیم کارت شبکه تلگرام، سیم کارت ارتباط با همسر، سیم کارت سر کار گذاشتن، سیم کارت ارتباط با محیط کار و ... خلاصه تمام انسان‌ها دو یا سه گوشی دارند و با آنها کار می‌کنند. ایشان به صورت تمثیلی به من می‌گفتند: رقابت یعنی همین.

بنابر تحلیل توسعه‌گراها اگر رقابت نداشته باشیم دو اتفاق رخ می‌دهد: ۱. کاهش کیفیت کالاها؛ چون فرد بازار را در اختیار خود می‌بیند و لذا به این مسأله که حق با مشتری است خیلی متعهد نمی‌شود؛ چون با خود می‌گوید: اینها مجبور هستند از من کالا مصرف بخرند پس من با هر کیفیتی عرضه کنم اشکالی ندارد. الآن دعوایی که راجع به واردات خودرو و خودروسازهای داخلی وجود دارد مربوط به همین مسأله است؛ موافقین طرح می‌گویند: خودروسازهای داخلی رقیب ندارند و لذا کیفیت آنها ارتقا پیدا نمی‌کند و به همین دلیل ما باید تعرفه‌های ورود خودرو را کاهش دهیم تا برای مدتی بنز وارد ایران شود و پراید و ماشین‌هایی که در ایران ساخته می‌شوند کیفیت خود را بالا ببرند. البته بعداً عرض خواهیم کرد که اشکال این حرف واقعاً غیر فنی چیست. بنابراین یکی از استدلال‌های رقابت به کیفیت کالا باز می‌گردد. ۲. استدلال دیگر اصل رقابت به کاهش قیمت‌ها مرتبط است؛ می‌گویند: در رقابت کاهش قیمت‌ها اتفاق می‌افتد و تولیدکنندگان برای اینکه بتوانند در بازار رقابت بازار بیشتری را به دست بیاورند کالاها را به قیمت ارزان‌تری می‌دهند. مثلاً ما در اقتصاد با پدیده‌ی دامپینگ (Dumping)<sup>۲۵</sup> مواجه هستیم؛ یعنی شرکتی در منطقه‌ای - که عمدتاً در کشوری دیگر می‌باشد - حاضر شده و کالایی را با قیمت بسیار ارزان وارد می‌کند و تمام تولیدکنندگان آنجا توان تولید خود را از دست می‌دهند. الآن کشور چین در ایران دامپینگ می‌کند و دائم‌الدامپینگ است؛ کافی است آنها با چند نفر از تجار ایران تصمیم بگیرند تا پارچه وارد کنند و شما به یک‌باره می‌بینید که صنایع پارچه‌ای ما توان رقابت ندارند و سقوط می‌کنند. به هر حال این نیز استدلالی است که مطرح می‌کنند.

حالا سؤال بنده این است که آیا مسأله‌ی رقابت و اصل رقابت همین چیزی است که دوستان می‌گویند یا اینکه رقابت، عوارض دیگری هم دارد که باید بررسی کنیم؟ فعلاً می‌خواهم عوارض دیگر رقابت را بحث کنم؛ از جمله عوارض دیگر رقابت - که دوستان توسعه‌گرا به آن توجه نمی‌کنند - این است که وقتی خواستید اصل رقابت را بنیان اقتصاد یک جامعه قرار دهید - شما می‌شنوید که

**۳/۳/۲. تکنسین**  
**تولیدکنندگان و در نتیجه**  
**افزایش تبلیغات و در نتیجه**  
**مصرفی شدن انسان‌ها؛**  
**دلیل افزایش سطح مصرف**  
**در اصل رقابت**

۲۴. نیلی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: ساختار فعالیت بنگاه‌های اقتصادی در کشور از قدیم غیررقابتی بوده است و بنگاه‌های بزرگ انحصاری در بازار عملاً مانع از حضور سایر بنگاه‌ها شده‌اند. وی افزود: اگر بنگاه‌های اقتصادی ما از جهت در اختیار داشتن بازار و نداشتن رقیب آسوده خاطر باشند انگیزه‌ای برای ارتقای سطح محصولات خود پیدا نمی‌کنند. نیلی به کاهش قیمت نفت هم اشاره کرد و گفت: با توجه به کاهش قیمت نفت و کمتر شدن منابع عمومی و تحت تأثیر قرار گرفتن سرمایه در بازار بهره‌وری بالاتر از سرمایه‌های موجود اهمیت پیدا کرده است. وی به درست اجرا نشدن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ نیز پرداخت و تصریح کرد: در اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ و واگذاری‌ها از بخش دولتی به بخش خصوصی دچار نقص هستیم به گونه‌ای که بخش خصوصی مد نظر قرار گرفته شده در اصل ۴۴ هیچگاه در عمل واقعی نبوده است. مشاور اقتصادی رئیس جمهور در ادامه گفت: به دنبال نابسامانی‌های ارزی که در سال ۹۰ و ۹۱ به شکل شدیدی اتفاق افتاد، حجم زیادی واردات خارج از نظام رسمی کشور شکل گرفت و قاعدتاً ما باید به سمتی حرکت کنیم که نظام صادرات و وارداتمان شفاف و درست شوند. وی افزود: این مقوله به بحث انحصار و رقابت نیز مربوط می‌شود؛ زیرا وقتی بنگاه‌های انحصاری داخل نمی‌توانند قیمت محصولات خود را پایین بیاورند، محصول مشابه خارجی با قیمت پایین‌تر وارد می‌شود و برای اینکه محصول خارجی، بازار را تصاحب نکند ما مجبور به تعیین تعرفه‌های بالا هستیم و این امر باعث می‌شود هزینه واردات قاچاق کاهش یابد و به تبع آن بخش‌هایی از اقتصاد از کنترل دولت خارج شوند. برای کاهش تعرفه‌ها که یک ضرورت است باید قدرت رقابت‌پذیری بنگاه‌ها را افزایش دهیم.

دکتر مسعود نیلی (مشاور رئیس جمهور دولت یازدهم) در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری ۱۴/۱۰/۱۳۹۳

۲۵. دامپینگ عبارت است از صادرات یک کالا با قیمت کمتر از هزینه‌های تمام شده یا به عبارتی دیگر فروش کالا در خارج به قیمتی کمتر از قیمت داخلی.

همشهری آنلاین <http://hamshahrionline.ir/details/75343>

دائماً می‌گویند: الآن اقتصاد، رقابتی نیست<sup>۲۶</sup> - یکی از عوارض این مسأله تکثیر تولیدکننده و تنوع محصولات است؛ یعنی ۱۰ تولیدکننده در بازار حضور پیدا کرده و با یکدیگر رقابت می‌کنند. در نتیجه چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ ممکن است در یک کالا بیست نوع مدل روی میز مردم قرار گیرد. وقتی تنوع محصول قابل ارائه زیاد شد و ارزان تر نیز بود، تحریک به مصرف هم بیشتر می‌شود. دقت می‌فرمایید؟! چون تبلیغات بر روی این مسأله تمرکز می‌کند که همه‌ی شرکت‌ها محصول خود را معرفی کنند. به عنوان مثال شما صبح از خواب بلند می‌شوید - در عصر ما وقایع جالبی رخ می‌دهد - و تبلیغات مختلفی را راجع به کالاهای بی‌خاصیت مانند پفک نمکی، شکلات، شکلات صبحانه و ... می‌بینید. تنوع در محصول کثرت تبلیغات را زیاد می‌کند و معنای تنوع در محصول و کثرت تبلیغات این است که جامعه را به سمت مصرف سوق می‌دهند و جامعه، مصرفی می‌شود. بنابراین رقابت از جمله‌ی عوامل مصرفی کردن جامعه است و ما استدلال کرده‌ایم که وقتی سطح مصرف ارتقا پیدا کند فکر به چالش کشیده می‌شود. اینکه عرض کردم رقابت جزء اصول خطرناک است به این دلیل می‌باشد که رقابت در فرایند تحقق خود مصرف را ارتقا می‌دهد و هر چیزی که مصرف را از حد استاندارد خود خارج کند به وعاء فکر ضربه می‌زند. رقابت یکی از بدعت‌های بزرگ است و «فَلْيَعْلَمَنَّ أَنْ يُظْهِرَ عِلْمَهُ»<sup>۲۷</sup>؛ ما باید نظام مقایسه‌ی جدی تشکیل دهیم و بگوییم: شما دو فایده برای رقابت ذکر می‌کنید و این مطلب اشکالی ندارد ولی اجازه دهید ما هم یک ضرر آن را بیان کنیم.

**۳/۳/۳. استفاده از مکانیزم‌های حاصل از سود اجتماعی؛ راهکار ارائه کالای ارزان قیمت و با کیفیت**

البته ممکن است آنها به ما اشکال کرده و بگویند: اگر ما رقابت نداشته باشیم مسأله‌ی کیفیت کالا و کاهش قیمت‌ها را چگونه مدیریت کنیم؟ ما به دوستان توسعه‌گرا عرض می‌کنیم شما عقل خود را باخته‌اید. وقتی حاضر نیستید کار فکری کنید و مدام تئوری‌های تجربه‌شده‌ی غربی را مطرح می‌کنید به همین دلیل راه حل جدیدی نیز پیدا نمی‌کنید. ما در بحث‌های الگو گفته‌ایم که مبنای تحریک در حوزه اقتصاد، سود اجتماعی است نه سود اقتصادی و سود اجتماعی، هم کیفیت ایجاد می‌کند و اتفاقاً سود اجتماعی قیمت‌ها را نیز ارزان تر می‌کند.<sup>۲۸</sup>

اجازه دهید مثالی بزنم؛ چون جریان توسعه‌گرا سود اقتصادی را محور اقتصاد قرار می‌دهد معتقد است که حتماً باید سود اقتصادی را با اصل رقابت پیگیری کنیم؛ زیرا سود اقتصادی به معنای سود

۲۶. نبلی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: ساختار فعالیت بنگاه‌های اقتصادی در کشور از قدیم غیررقابتی بوده است و بنگاه‌های بزرگ انحصاری در بازار عملاً مانع از حضور سایر بنگاه‌ها شده‌اند.

دکتر مسعود نبلی در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری ۱۴/۱۰/۱۳۹۳

۲۷. وَفِي عُمُونَ الْأَخْبَارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الصَّقَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُوهَرَ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ الْقَضَلِ عَنِ ثَوْبَانَ بْنِ إِدْرِيسَ بْنِ حَدِيثٍ قَالَ رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُمْ قَالُوا إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَعَلَى الْعَالِمِ أَنْ يُظْهِرَ عِلْمَهُ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ سَلِبَ نُورَ الْإِيمَانِ.

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام روایت شده است که: هرگاه بدعت‌ها سر بردارند، عالم باید علم و دانش خود را آشکار سازد و اگر چنین نکند، نور ایمان از او سلب می‌شود.

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، انتشارات مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۶، ص ۲۷۱

۲۸. بنده یکی از شهرهای جنوبی ایران را به عنوان نمونه بررسی کردم. یکی از موارد این تحقیق آن است که فردی که با ما ارتباط دارد با جمعی از مهمانان خود به رستورانی در شهرهای جنوبی ایران رفته بود و با مهمان خود سه یا چهار نوع غذا خورده بودند و وقتی پای میز حساب و کتاب رفتند فروشنده به آنها گفت: حساب شما یازده هزار تومان می‌شود. آنها گفتند چی؟! فروشنده گفت: بخدا اینها را خورده‌اید و پول آن یازده هزار تومان شده است! البته این قیمت برای دو سال پیش می‌باشد ولی دو سال پیش نیز رقم عجیبی بوده است؛ دو یا سه نفر چند نوع غذا خورده‌اند و حساب آنها یازده هزار تومان شده است! سؤال کرده بودند که چرا اینجا قیمت اینطور است؟؟؟ در پاسخ به آنها گفته بودند: اگر ما سود خود را بیش از این بکنیم، به دلیل اینکه مردم اینجا فقیر هستند دیگر از ما خرید نمی‌کنند. بنابراین می‌توان عوامل دیگری را نیز تصویر کرد و قیمت‌ها را کاهش داد. البته بنده الآن فقط مثال زدم و در دوره‌های تحلیلی معنا سود اجتماعی را خواهم شکافت.

انتقال از متن

آقای سرمایه‌دار است و فقط یک چیز می‌تواند به آقای سرمایه‌دار خط بدهد تا کیفیت کالای خود را بالا برده و قیمت آنها را کاهش بدهد و این اهرم، همان مسأله رقابت است؛ سرمایه‌دار باید بفهمد که رقیب دیگری دارد و اگر غفلت کند رقیب او در یک سال آینده شرکت او را می‌بلعد. فقط این مسأله می‌تواند سرمایه‌دار را قانع کند تا کیفیت کالای خود را بالا برده و قیمت را کاهش دهد و این همان سود اقتصادی است. اما اگر بگوییم: محور اقتصاد اسلامی، سود اجتماعی است مکانیزم‌های دیگری نیز پیدا می‌شود.

بنده مثال دیگری بزنم؛ وقتی ما با مدل قرض الحسنه جمع سرمایه می‌کنیم اتفاقاً به طرف مقابل می‌گوییم که سود گرفتن حرام است. اصلاً خط قرض الحسنه این است که سود نگیرید. ما با طرف مقابل برعکس صحبت کرده‌ایم. خواهش می‌کنم آقایان توسعه‌گرا توجه و تأمل کنند، ما از آنها التماس تفکر داریم. دقیقاً این حکم شریف به مردم می‌گوید شما حق ندارید در حل مشکلات مؤمنین سود بگیرید، این کار حرام است. این حکم شریف دقیقاً به مردم می‌گوید شما حق ندارید برای حل مشکلات مؤمنین سود بگیرید، این کار حرام است. این کار جزء حرام‌های بزرگ است. قرآن می‌فرماید این کار جنگ با خدا و مسأله خطرناکی است.<sup>۲۹</sup> کسی که ربا می‌گیرد مستقیماً با خدا وارد جنگ می‌شود. یکی از اسرار این قضیه که برای ما قابل فهم است این می‌باشد که ربا باعث محوریت سود اقتصادی در تعادل اجتماعی می‌شود. نباید ارتباطات را بر مبنای ربا تنظیم کرد. حکم منع ربا جلوی تعدیل اجتماع حول اقتصاد را می‌گیرد. در جامعه‌ای که تعدیل اجتماع حول اقتصاد اتفاق می‌افتد به این معناست که در آن جامعه پرستش پول رخ می‌دهد. سود گرفتن در قرض الحسنه منع شده است؛ با اینکه ما قرض الحسنه را ابزار خوبی برای حل مسأله نمی‌دانیم - مطلبی که می‌خواهیم عرض کنم بر روی سایت بانک مرکزی وجود دارد - اما همین الآن بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان جمع سرمایه از طریق قرض الحسنه صورت گرفته است.<sup>۳۰</sup> اگر می‌خواهید بدانید ۱۰۰ هزار میلیارد چه مقدار پول است، توجه کنید که هزینه‌ی کل مسکن مهر ۵۰ هزار میلیارد است؛ یعنی هرساله دو برابر هزینه مسکن مهر توسط قرض الحسنه جمع می‌شود. نکته این است که این پول بر پایه سود اقتصادی و تحریک حرص جمع نمی‌شود؛ بلکه بر پایه سود اجتماعی است. خداوند متعال می‌فرماید مشکل هم‌نوع خود را حل کن، من نیز به تو کمک می‌کنم.<sup>۳۱</sup> اگر

۳/۳/۳/۱. استفاده از  
**قرض الحسنه‌های  
 جمع شدن توسط  
 بانک‌ها (۱۰۰ هزار  
 میلیارد تومان) در تولید  
 و در نتیجه تولید ارزان  
 قیمت؛ یکی از  
 مکانیزم‌های جایگزین  
 اصل رقابت**

۲۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ / آیه ۲۷۸ سوره بقره

ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید، و اگر مؤمن [واقعی] هستید آنچه را از ربا [بر عهده مردم] باقی‌مانده رها کنید.

قَانَ لِيَتَمَعَلُوا فَأَذْأَلُوا لِيَحْرَبَ مِنْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتِغُوا فَلَكَ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَطْمَئِنُّونَ وَلَا تَطْمَئِنُّونَ / آیه ۲۸۹ سوره بقره

و اگر چنین نکردید او به رباخواری اصرار ورزیدید! به جنگی بزرگ از سوی خدا و رسولش ابر ضد خود! یقین کنید؛ و اگر توبه کردید، اصل سرمایه‌های شما برای خود شماست [و سودهای گرفته شده را به مردم بازگردانید] که در اینصورت نه ستم می‌کنید و نه مورد ستم قرار می‌گیرید.

۳۰. ۱۲ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به حسن روحانی رئیس جمهور نامه‌ی ارسال کرد که در این نامه خواستار رفع موانع ازدواج جوانان شدند. نمایندگان در این نامه متذکر شده‌اند که طبق آمار بانک مرکزی، بانک‌ها حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان منابع در دو قالب سپرده‌ی قرض الحسنه جاری و سپرده قرض الحسنه پس‌انداز از مردم با نرخ صفر جذب کرده‌اند. از این مقدار بانک‌ها تنها ۳۰ هزار میلیارد تومان سپرده‌های قرض الحسنه پس‌انداز را به صورت قرض الحسنه وام می‌دهند که سهم تسهیلات ازدواج از آن تنها ۶ هزار میلیارد تومان است. در مقابل بانک‌ها از ۷۰ هزار میلیارد تومان سپرده قرض الحسنه جاری مردم که با نرخ صفر جذب شده است هیچ مقدار را به مصارف قرض الحسنه اختصاص نداده و به سبب انحصاری که دارند تمامی این منابع را با نرخ‌های بالا وام می‌دهند.

<http://www.icana.ir/Fa/News/280862> خبرگزاری مجلس شورای اسلامی

۳۱. قرب الإسناد: بهذا الإسناد عن النبي صلى الله عليه وآله قال: من قضى لمؤمن من حاجة قضى الله له حوائج كثيرة أدناها الجنة

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: هر کسی یک حاجت از مؤمنی را برطرف کند خداوند حاجت‌های زیادی را از او برطرف می‌کند که کوچک‌ترین آنها بهشت است.

مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار الإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق. ج ۷۱، ص ۲۸۵، ح ۷

معنای سود از سود اقتصادی به سود اجتماعی تحول پیدا کرد، ما می‌توانیم غیر از اصل رقابت ابزارهای دیگری برای ارتقاء کیفیت و کاهش هزینه پیدا کنیم. به عنوان مثال اگر قرض‌الحسنه‌ها را ضرب در تولید محلات کنیم، یعنی اگر بانک‌ها صداقت به خرج داده و سرمایه‌ها را به تولیدکننده‌های خرد بدهند، پول ارزان‌قیمتی در اختیار تولیدکننده‌های خرد قرار خواهد گرفت و در نتیجه دیگر لازم نیست تولیدکننده‌ی خرد سود بدهد، لذا کالای او ارزان‌تر می‌شود. بنده به صورت تمثیلی مسأله را مطرح می‌کنم تا جریان توسعه‌گرا متوجه این امر شود، در آینده به صورت مفهومی هم خواهیم گفت.<sup>۳۲</sup> ما می‌توانیم با بازتعریف و تغییر مفهوم سود، مکانیزم‌های جایگزین برای ارتقاء کیفیت و کاهش قیمت پیدا کنیم. البته بنده عرض کردم که محور مدخل تحصیل ما بر مبنای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، بازتعریف مفهوم سود است؛ یعنی باید در نظام آموزشی به دانش‌آموز آموزش داده شود که سود و ضرر چیست. امامان ما همین کار را می‌کردند. بنده ممنون اساتید خود در حوزه هستم، زیرا جزء اولین روایاتی که به ما آموزش دادند، روایت «الدنیاسوق» بود. ما هم خیلی خوب به آن فکر کردیم و در نتیجه دید ما به [مسأله‌ی سود تغییر کرد]. در روایت داریم که «الدنیا سوقٌ ریح فیها قوم و خسر آخرون»؛ یعنی دنیا بازاری است. امام قصد دارد هدایت کند لذا می‌فرماید: دنیا بازاری است که عده‌ای در آن سود و عده‌ای ضرر می‌کنند. این روایت راجع به مسأله سود و ضرر بحث می‌کند. در قرآن می‌فرماید: «انَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ»؛<sup>۳۳</sup> یعنی خداوند با مؤمنین خرید و فروش می‌کند. جان آنها را گرفته و در قبال جان به آنها بهشت عطا می‌کند. در این آیه خداوند راجع به خرید و فروش بحث می‌کند. نظام آموزشی ما باید بتواند مفهوم جدیدی از سود را جا بیندازد.<sup>۳۴</sup> به هر حال به نظر من این مسأله قابل تفاهم است. اگر معنای سود

۳۲. در ابتدای هدایت باید مثال به کار ببریم، زیرا کمی سخت است انسان از تفکرات و دنیای خود بیرون بیاید.

انتقال از متن

۳۳. إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِمْ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ الَّتِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ / آیه ۱۱۱ سوره توبه

یقیناً خدا از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را به بهای آنکه بهشت برای آنان باشد خریده؛ همان کسانی که در راه خدا پیکار می‌کنند، پس [دشمن را] می‌کشند و [خود در راه خدا] کشته می‌شوند [خدا آنان را] بر عهد خود در تورات و انجیل و قرآن [وعده بهشت داده است] و عده‌ای حق و چه کسی به عهد و پیمان‌ش از خدا وفادارتر است؟ پس ای مؤمنان! به این داد و ستدی که انجام داده‌اید، خوشحال و شاد باشید و این است کامیابی بزرگ.

۳۴. در دوره‌های دیگر عرض کرده‌ام که جزء خطوط قرمز حضرت ابراهیم علیه السلام این بود که ایشان هیچگاه تنها غذا نمی‌خوردند. یک زمانی حضرت ابراهیم علیه السلام بدون مهمان مانده بودند، غذا نخوردند تا خداوند مهمانی را برای ایشان فرستاد. بعد با هم بر سر سفره نشستند و غذا خوردند. (اصول دین، شهید محراب آیت الله دستغیب، صفحه ۳۱) ان شاء الله اگر التخلیل را گرفتیم دو کار در آنجا انجام می‌دهیم. می‌گویید سفره حضرت ابراهیم علیه السلام بعد از چند هزار سال همچنان بر سر قبر ایشان برپاست. همچنان این اطعام و سنت حسنه‌ی حضرت وجود دارد.

راجع به امام حسین علیه السلام صحبت کنیم. حضرت ابراهیمی که بخشنده بود و سفره ایشان همچنان برپاست، وقتی از آن امتحان پیروزمندانه خارج شدند داوند به ایشان فرمود «وَقَدَيْتَاهُ بِذِيحِ عَظِيمٍ». (آیه ۱۰۷ سوره مبارکه صافات) خداوند فرمود تکمیل این امتحان در کربلا اتفاق می‌افتد. بعد از این امتحان خداوند فهم کربلا را به حضرت ابراهیم علیه السلام هدیه دادند. با توجه به این آیه‌ی قرآن و روایاتی که در ذیل آن مطرح شده، امام حسین علیه السلام در کربلا معنای اتم امتحانی که حضرت ابراهیم علیه السلام راجع به حضرت اسماعیل علیه السلام انجام داده بودند را انجام دادند. لذا بزرگ‌ترین سفره‌دار عالم امام حسین علیه السلام است. در تمام عالم سفره‌ی امام حسین علیه السلام برپاست. روح کاری که امام حسین علیه السلام انجام دادند، همان روح کاری است که حضرت ابراهیم علیه السلام کردند. البته لازم به ذکر است که حضرت ابراهیم علیه السلام نیز به کمک امام حسین علیه السلام این کار را انجام دادند. انبیاء علیهم السلام زمانی مقرب می‌شوند که خود را به اهل بیت علیهم السلام نزدیک کنند. (مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار الإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۶، ص ۳۶۶) این مسأله روایاتی دارد که در باب معرفه‌الامام عرض خواهیم کرد. پذیرش حق امام برای همه حتی پیامبران طریق شفاعت است. این جزء مفاد قطعی روایات ما است.

حرف بنده این بود که وقتی سود را بازتعریف کردیم، متوجه می‌شویم ظاهر کار این است که حضرت ابراهیم علیه السلام سفره‌ای پهن کردند و غذای خود را نصف نمودند؛ اما باطن این کار آن است که حضرت ابراهیم علیه السلام چند هزار سال است از دنیا رفتند ولی تبدیل به فعل خیری شده‌اند. این هم نوعی سود است. چه دلیلی دارد که ما این مسأله را تفاهم نکنیم؟ در اسلام این حرف‌ها به شدت قوی است. به انسانی می‌گویید که شما بالاخره خواهی مرد! او هم

را تغییر دهیم، دیگر به اصل علیل رقابت احتیاج نداریم. وقتی انسان احساس کند که می‌تواند مشکلات دیگران را حل کند وارد عمل می‌شود. لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «رحم الله امرء عمل عملاً فأقنه»<sup>۳۵</sup>؛ در روایت می‌فرماید این کار، رحمت خدا را به دنبال دارد. یعنی انسان از پایگاه سود دیگری هم می‌تواند وارد عمل شود.

من مثال دیگری برای جریان توسعه‌گرا بزنم تا شاید خداوند متعال با این مثال‌ها کمی تأمل در آنها ایجاد کند. اگر «فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ»<sup>۳۶</sup> در آنها اتفاق بیفتد کفایت می‌کند. مسأله دیگری که نشان می‌دهد از زمان آدم اسمیت<sup>۳۷</sup> به این طرف دروغ گفته‌اند، تفکرات ناکارآمدی مطرح شده و کینز و منکیو حرف‌های غلط زده‌اند مسأله‌ی مترقی وقف است. همانطور که عرض کردم، وقف حبس مال للمسلمین و مؤمنین است. وقف بحث نظری و احکامی دارد که من وارد بحث نمی‌شوم. من از جریان توسعه‌گرا چند سؤال دارم؛ چرا نیمی از شهر اصفهان وقف است؟<sup>۳۸</sup> چرا چهارششم از شهر کرمانشاه وقف است؟<sup>۳۹</sup> یعنی از هر شش دنگ، چهار دنگ این شهر وقف است. چرا ما در ایران ۱۸ شهر وقفی داریم؟ مگر شما نمی‌گویید که نمی‌توان بدون سود اقتصادی و لوازم آن - که از جمله‌ی لوازم آن مسأله رقابت است - مسأله اقتصاد و معیشت مردم را مدیریت کرد؟ مگر شما چنین ادعایی

**۳/۳/۳/۲. استفاده از موقوفات برای راه اندازی بنگاه‌های تولید و تولید کالای ارزان قیمت؛ یکی دیگر از مکانیزم‌های جایگزین اصل رقابت**

قبول می‌کند، [بعد به او می‌گویید:] می‌خواهی بعد از مرگ سود ببری؟ این امر قابل تفاهم‌تر از این است که شما با بیست یا سی درصد سود به شکل ربوی ابا مردم سخن بگویید. در قرآن داریم رباخواران در روز قیامت هنگام برانگیخته شدن، حالت دیوانگی دارند و می‌گویند ما عجب ضرر بزرگی کرده‌ایم! ما چه چیزی را سود می‌پنداشتیم اما [اصل سود چه بود]. این افراد در مقابل خود خسران بزرگی می‌بینند. مفهوم سود باید در نظام آموزشی بازتعریف شود. در قرآن آمده که «وَالْعَصْرِ»؛ یعنی قسم به عصر «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ»؛ یعنی تمام انسان‌ها در زیان هستند. باید این معانی را بحث کنیم. «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» همه در زیان هستند مگر اهل ایمان که عمل صالح انجام می‌دهند. «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»؛ یعنی کار افراد با ایمان توصیه به حق و صبر است. این آیه راجع به مفهوم سود و زیان بحث می‌کند. راجع به چیستی سود بحث‌های مفصلی وجود دارد که در آینده بحث خواهیم کرد، من الآن وارد آن معنا نمی‌شوم.

*انتقال از متن*

**۳۵. رحم الله امرء عمل عملاً صالحاً فأقنه**

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: خدا رحمتی کند فردی را که عمل صالحی انجام دهد و آن را محکم و استوار کند.

**۳۶. فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا لَوْلَا إِتْرُكْنَا لِلظَّالِمُونَ / آیه ۶۴ سوره مبارکه انبیاء**

پس به خود آمده و اینه یکدیگر گفتند در حقیقت شما ستمکارید.

**۳۷. آدم اسمیت (۵ ژوئن ۱۷۲۳ - ۱۷ ژوئیه ۱۷۹۰)** فیلسوف اسکاتلندی است که از او به عنوان پیش‌گام در اقتصاد سیاسی و «پدر علم اقتصاد مدرن» یاد می‌شود.

**۳۸.** گزارش سازمان اوقاف و امور خیریه اصفهان نشان می‌دهد که موقوفات این استان و به ویژه شهر اصفهان از اهمیت خاصی برخوردار است، به طوری که شهر اصفهان دارای ۱۴۰۲ موقوفه و ۴۹۴۹ رقبه و استان اصفهان دارای ۵۳۸۳ موقوفه و ۱۸۱۷۸ رقبه می‌باشد.

*اطلاعات آماری سازمان اوقاف و امور خیریه اصفهان، مهر ۱۳۷۳*

در عصر صفویه، اصفهان ۱۶۲ باب مسجد، ۴۸ باب مدرسه، ۱۸۰۲ باب کاروان‌سرا و ۲۷۳ باب گرمابه که احتمالاً همه وقف بوده، داشته است.

*سفرنامه شاردن؛ ترجمه محمد عباسی، تهران، ۱۳۴۵ هـ.ش، ج ۸، ص ۱۲۱*

در عصر صفویه، علاوه بر موقوفاتی که از سابق باقی مانده بود، وقف، رشد چشم‌گیری یافت، و خصوصاً از سلطنت شاه‌عباس به بعد، جهش خاصی برای توسعه موقوفات صورت گرفت. اغلب اعیان و مالکان به وقف اموال خود پرداختند و در رأس همه آنان شاه‌عباس قرار داشت که سرمشقی امرا و بزرگان بود و در سال ۱۰۱۶ هـ.ق کل املاک خاصه خود، از رساتیق و خانات و قیصریه و چهاربازار و حمامات و غیره را به چهار رده تقسیم و بر چهارده معصوم وقف کرد. اسکندربیک منشی در این باره می‌نویسد: شاه‌عباس، املاک و رقبات زیادی، از جمله کاروان‌سراها و بازارها و حمام اطراف میدان و قیصریه را وقف این مسجد کرده است.

*اسکندربیک ترکمان؛ تاریخ عالم‌رای عباسی، تهران، ۱۳۳۵ هـ.ش، ص ۶۵*

**۳۹.** مدیر کل اوقاف و امور خیریه استان کرمانشاه (حجت‌الاسلام حسینی اراکی) گفت: ۸۰ درصد کرمانشاه وقف است و این مسئله نشان‌دهنده اهمیت سنت حسنه و ریشه‌دار وقف در استان کرمانشاه است.

*خبرگزاری تسنیم، <http://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/04/06/414484/80>*

را ندارید؟ خلاف این ادعا در مورد مسأله وقف اتفاق افتاده است؛ در وقف هیچگاه حرفی از سود اقتصادی زده نشده است. وقف تحریک اقتصاد نیست بلکه تحریک سود به معنای اجتماعی و الهی و اخروی است. اما امروزه دیده می‌شود که در اقتصاد سود اقتصادی [اصل است]. من از توسعه‌گرایان سؤال می‌کنم؛ هزینه این خدمات‌رسانی‌های گسترده حرم مطهر رضوی که مهم‌ترین مرکز اقتصادی رسیدگی‌کننده به امور مستضعفین در جهان است - یکی از مشکلات حرم رضوی این است که بلد نیست گزارش کار خود را بنویسند - و امروزه هم با مدیریت حضرت‌آقای رئیسی<sup>۴۰</sup> این خدمات‌رسانی تشدید شده است از کجا تأمین می‌شود؟<sup>۴۱</sup> در اخبار اعلام می‌کنند که مثلاً در فلان منطقه زلزله آمده و حرم رضوی بسته‌های حمایتی به آن منطقه ارسال کرده است یا در منطقه‌ای به بیمارستان نیاز بوده و حرم رضوی این کمک را انجام داده است. کمک‌های مختلفی بر پایه سود اقتصادی ارسال می‌شود.<sup>۴۲</sup> خب بنده عرض خود را جمع کنم. اگر سود اجتماعی محور تعادل اجتماعی قرار بگیرد - نه سود اقتصادی - مکانیزم‌های جایگزین مکانیزم رقابت پدیدار می‌شود.

#### ۴. جلوگیری از استثمار افراد از طریق پرورش زهد در آنها؛ جایگاه مدل تأمین نیازهای روزمره در رفع اصطکاک اراده‌ها به عنوان محور اصلی بازتعریف هرم نیازهای خانوار

بحث ما در این بود که باید مصرف مدیریت شود و به الگوی مصرف جدیدی برسیم؛ زیرا مصرف خارج از استاندارد، حکم مترقی زهد و وعاء فکر را به چالش می‌کشد و اگر وعاء فکر به چالش کشیده شود، هدایت به چالش کشیده می‌شود. یکی از عوامل مهم به چالش کشاننده‌ی مصرف عاقلانه، اصل علیل رقابت است که در یک سیر، جامعه را مصرفی کرده و جامعه‌ی غیر متفکر و غیرعاقل بار می‌آورد. این خلاصه بحث ما بود.

قرار بود ما مدل تأمین نیازهای روزمره را با پایه رفع اصطکاک بحث کنیم. من مقدمه‌ی این بحث را توضیح دادم. حالا اگر جامعه مصرفی شود چه اتفاقی می‌افتد؟ اتفاقی که می‌افتد این است که چون سطح کشش و مصرف انسان‌ها بیشتر از سطح امکانات می‌شود، انسان‌ها به دلیل مدیریت مصرف به سمت استثمار یکدیگر رفته و در نتیجه تعارض بین اراده‌ها زیاد خواهد شد. لذا جامعه‌ی

۴۰. حجت‌الاسلام و المسلمین سید ابراهیم رئیسی متولی فعلی آستان قدس رضوی

۴۱. برای به دست آوردن درک اجمالی نسبت به این مطلب به پیوست شماره ۱ مراجعه شود.

۴۲. امروزه حرم رضوی جمعیت‌های زیادی را که هزینه‌ای برای آمدن به زیارت ندارند با هزینه خود، به زیارت می‌برد. حرم رضوی کارهای زیادی را انجام می‌دهد که موارد این کارها را باید بگویند. حرفی که می‌خواهم بگویم مقدار دقیق آن در خاطر من نیست اما در یک بازه زمانی گزارش داده بودند که هزینه کمک‌های حرم رضوی در یک بازه زمانی کوتاه مثلاً یک هفته چندده میلیارد است. تمام این هزینه‌ها از پایگاه وقف تأمین می‌شود. چرا شما اینقدر علیل و بیمار هستید، چرا شما اینقدر مشکل دارید؟ شما ما را با عقل و عقلائیّت خود کشتید، شما فقط یک تحریک اقتصادی و یک تحریک حرص دارید. بنده الان برای شما سه مثال زدم! شما چه جوابی به این موارد می‌دهید؟ مگر این مثال‌ها مزیت‌های اقتصادی و سود نیستند؟ پس چرا در برابر آن ساکت می‌شوید و راجع به آن گفت‌وگو نمی‌کنید؟ شما می‌گویید ما اهل تدبیریم. عجب! ان‌شاءالله بنده تا جان در بدن دارم [با تفکر توسعه مبارزه خواهیم کرد]. به صورت تمثیلی یا عقلی یا بر مبنای روایت و آیات از این جریان فقط سؤال می‌پرسم. اگر در زمینه توسعه استاد هستید پس جواب دهید و قرض‌الحسنه و وقف را در ایران تحلیل کنید، این موارد بر پایه تحریک اقتصادی نیستند. چرا می‌گویید فضائل اجتماعی، رذائل فردی؟ چرا کتاب کینز - که در این کتاب گفته شده بدون تحریک حرص اقتصاد جلو نمی‌رود - را در ایران برای دانشجویان ما تدریس می‌کنید؟! ما تحریک اینار کردیم و اقتصاد جلو رفته است. دوستان حزب‌اللهی در دانشکده‌های اقتصاد مناظره بگذارند و ما از توسعه‌گرایان سؤال بپرسیم و آقایان جواب دهند. در مناظره پنجم ما با توسعه‌گرایان یکی از آن آقایان به بنده گفت: به ما توصیه کردند با حاج آقا [یعنی بنده] مناظره نکنیم. این افراد با هم صحبت می‌کنند و می‌گویند در پنج مناظره از ما سؤال شده و ما جواب ندادیم پس شرکت نکنیم. این افراد باید سؤالات ما را جواب دهند. من این مطالب را به این دلیل عرض می‌کنم که اصل رقابت [در اقتصاد] خیلی خطرناک است. حالا ان‌شاءالله بنده وقتی مدل تولید خانوادگی در نمونه‌سازی سوم را مطرح کردم، شورای رقابت را به چالش جدی خواهم کشید.

مصرفی جامعه‌ای است که در آن انسان‌ها به حق خود قانع نیستند و به دلیل اینکه به مصرف زیاد کشش دارند، دائماً به سمت زیاد مصرف کردن می‌روند. ولی چون امکانات در اختیار هر فرد محدود است سعی می‌کنند امکانات دیگران را استثمار کنند.

حالا توسعه‌گرایان مقررات را شدید کرده‌اند و به این انسان‌های مصرفی فن بدل زده‌اند. اول آنها را مصرفی کرده‌اند و به دلیل اینکه کشش زیاد شده سطحی از استثمار اتفاق افتاده است. برای حل این مشکل به این افراد وام داده‌اند. چون مصرف شخص زیاد است و امکانات و درآمد او محدود می‌باشد در دنیای مدرن به آنها وام می‌دهند. بنده در خصوص انگلیس که آن را بررسی کرده‌ایم<sup>۴۳</sup> عرض می‌کنم که بسیاری از انسان‌ها ۱۵ تا ۲۰ سال زیر بار قسط وام‌هایی که گرفته‌اند هستند. در ایران هم این اتفاق در حال رخ دادن است. چه اتفاقی رخ داده است؟ ابتدا انسان‌ها مصرفی می‌شوند و در ادامه اسیر نظام پولی و مالی می‌شوند. به نظر شما این قضیه با برده‌داری تفاوت دارد؟ بنده با آقای محترمی در جایی همسفر بودیم و من او را ترغیب کردم تا از حق دفاع کند. او به من گفت حاج آقا قیافه‌ی من غلط‌انداز است، من کارمند بانک هستم و تا ۲۰ سال آینده قسط دارم. اگر به این جبهه‌ای که شما می‌گویید بیایم چه کسی قسط‌های من را پرداخت می‌کند؟ وقتی مصرف فرجه شود انسان اسیر و برده‌ی نظام بانکی می‌شود. البته ظاهر قضیه این است که می‌خواهند مشکل را حل کنند. آقا! این بسیار چیزی عجیبی است! برده‌داری مدرن اتفاق افتاده و نظام بانک‌ها همان برده‌داران سابق هستند و انسان‌ها را تا بیست سال بدهکار می‌کنند. این امر خیلی چیز عجیبی است. این چه رفاهی و چه سودی است؟ پول را بانک‌ها می‌دهند و مردم مصرف می‌کنند و چون افراد مصرفی هستند این پول دوباره به بانک باز می‌گردد؛ سیکلی تعریف کرده‌اند که پول دوباره به سرمایه‌دار باز می‌گردد. نظام مدرن نظام بسیار عجیبی است و برده‌داری در آن اتفاق می‌افتد. انسان‌هایی که در نظام مدرن کار می‌کنند نیز کاری از دستشان بر نمی‌آید؛ چون اصطکاک اراده‌ی بنیادین وجود دارد. شما با کسانی که گرفتار بانک‌ها هستند صحبت کنید. بانک‌ها مظهر اذیت و آزار مردم هستند، برید این مسأله را از خود مردم بپرسید. بانک‌ها منشأ اصلی ایجاد کسالت و نزاع در جامعه هستند. قوه‌ی قضائیه می‌گوید بیش از ۷۰ درصد دعاوی ما، دعاوی چک و مسائل اقتصادی

۴۳. به گزارش خبرنگار گروه اقتصاد بین‌الملل خبرگزاری فارس به نقل از روزنامه ایندپندنت انگلیس، مجموع بدهی شخصی مردم انگلیس به ۱ تریلیون و ۴۳۰ میلیارد پوند رسیده و در حال حاضر هر خانوار انگلیسی به طور میانگین ۵۴ هزار پوند (هر پوند ۳۹۹۳ تومان) بدهکار است که این میزان دو برابر نرخ دهه گذشته است.

با وجود ثبت نرخ پایین بهره بانکی، مقامات این کشور بیم آن دارند، عدم باز پرداخت وام‌ها و اعتبارات هزاران نفر را در معرض خطر از دست دادن منازل مسکونیشان قرار دهد.

بر اساس تحقیقی که به تازگی منتشر شده است، انگلستان اکنون با بمب ساعتی هزینه‌های زندگی مواجه شده است که هر آن امکان دارد، منفجر شود، هزینه‌های بالای زندگی سبب شده است، مردم بیشتری در ورطه‌ی بدهی فلج‌کننده‌ای که قادر به پرداخت آنها نیستند، گرفتار شوند. اندیشکده مرکز عدالت اجتماعی در تحقیق خود می‌گوید سالانه بیش از ۵۰۰۰ نفر به خاطر عدم پرداخت وام مسکن یا اجاره بهای خود بی‌خانمان می‌شوند.

بر اساس اطلاعات این تحقیق، با وجود بازگشت رشد اقتصادی، بدهی‌های شخصی شهروندان انگلیسی در مجموع به ۱ تریلیون و ۴۳۰ میلیارد پوند - نزدیک به بالاترین نرخ بدهی دوران خود - رسیده و به طور میانگین بدهی ۵۴ هزار پوندی را به هر خانوار تحمیل کرده است، که این میزان دو برابر سطح دهه گذشته است.

اگر چه بیشتر این بدهی به علت وام مسکن است، این گزارش هشدار می‌دهد، افراد فقیر به عنوان بیشترین گروه در معرض خطر باز پرداخت بدهی، سخت‌ترین ضربه را متحمل و سه برابر بیش از دیگران صدمه دیده‌اند و طی ۲۰ سال گذشته نزدیک به ۱۶۰ میلیارد پوند زبان مالی کرده‌اند.

با توجه به تحقیق اندیشکده‌ی مرکز عدالت اجتماعی، بدهی خانوارهای انگلیسی معادل ۹۴ درصد بازدهی اقتصادی انگلستان در سال گذشته است و در میان کشورهای اروپایی تنها ایرلند نسبت بدهی شخصی به تولید ناخالص داخلی بیشتری در قیاس با انگلستان در میان کشورهای اروپایی دارد.

خبرگزاری فارس، کد خبر: ۱۳۹۲۰۸۳۰۰۰۰۲۰۲

است.<sup>۴۴</sup> دوستان طرحی را به مجلس برده و قصد دارند فقط تغییراتی جزئی در مدل بانکداری فعلی انجام دهند؛ اما من می‌گویم باید به فکر مدل تشکیل سرمایه‌ی جدید باشیم. با رنگ کاری و تغییرات جزئی کار بانک‌ها به سامان نخواهد رسید. من هم قبول دارم که بانک، ما بانک و ما ادراک بانک البته در ضلالت و اذیت کردن انسان‌ها. بانک منشأ اصلی تحریک حرص و اصطکاک اراده‌ها است. ان‌شاءالله یکی از بحث‌هایی که بنده در آینده مطرح خواهم کرد این است که ۱۰ تا ۱۵ جلسه راجع به بانک صحبت می‌کنم؛ بانک چیست؟ دوستان چه پیشنهادهایی دارند؟ عیب پیشنهاد دوستان برای اصلاح بانک چیست؟ در آینده باید بانک را چکار کرد. ولی در مجموع اصل بحث بنده به غرض این بود که نشان بدهم چگونه تحول در الگوی مصرف، باعث ایجاد نزاع در جامعه و به چالش کشیدن حوزه فکر می‌شود. فکر می‌کنم این معنا در حد حسن‌الاستماع تبیین شد. ان‌شاءالله فردا که جلسه آخر است، با توجه به تعاریفی که انجام دادم [به تعریف کارهای اجرایی خواهم پرداخت].

در این دوره چند مطلب را بیان کردم. اولین مطلب راجع به فلسفه مدیریت شهری بود، بیان شد که فلسفه‌ی مدیریت شهری ارتقا امر تربیت است. نکته دومی که در این دوره بیان شد این بود که تعریف مدیریت شهری چیست. تعریف مدیریت شهری غیر از فلسفه مدیریت شهری است؛ البته تعریف مدیریت شهری بر پایه فلسفه مدیریت شهری می‌باشد. عرض کردم مدیریت شهری مدیریت غیر متمرکز محله‌محور است. شهر اسلامی نظامی از محلات می‌باشد که در همه محلات نیازهای خانوار تأمین می‌شود. این هم سطح دوم مباحث بود که عرض شد. در سطح سوم مباحث و به نظر بنده مهمترین مباحث این دوره، هرم نیازهای خانوار را بازتعریف کردیم. بازتعریف هرم نیازهای خانوار منجر به تقویت وعاء فکر و افزایش هدایت در جامعه خواهد شد.

در حاشیه و لابه‌لای جلسات هم بنده نقدی به مدیریت شهری موجود وارد کردم؛ اشاراتی به مدل TOD و برخی از کارکردهای آن داشتیم. بنابراین در این دوره این چهار بحث مطرح شد و فردا در آخرین سطح از مباحث این دوره به این سؤال پاسخ خواهم داد که براساس تعریف موجود چه کارهایی را می‌توان همین الآن آغاز کرد و در دستور کار قرار داد؛ تغییر مدیریت شهری با وضعیت فعلی نیاز به یک پروسه‌ی بیست‌ساله و دو دهه‌ای دارد؛ اما فردا بحث خواهیم کرد که الآن باید چه کار کنیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی‌القاسم محمد ﷺ

۴۴. رئیس پلیس تهران بزرگ با اشاره به روند روبه رشد جرائم حوزه سایبری و فضای مجازی گفت: ۷۰ درصد پرونده‌های تشکیل شده در پلیس فتا مربوط به جرائم اقتصادی و ۳۰ درصد نیز موضوعات و مسایل اخلاقی است.

سردار حسین ساجدی‌نیا به نقل از خبرگزاری ایرنا، کد خبر: ۸۱۹۷۷۴۰۵ (۱۹۴۲۱۶/۵)

پژوهشگر به سندی قوی‌تر از این دست نیافته است.





## پرسش و پاسخ

### ۱. تدریجی بودن نظام‌سازی اجتماعی و عدم امکان نظام‌سازی همه‌جانبه در زمان امام خمینی علیه السلام و در مرحله نظام اسلامی؛ دلیل پذیرش موضوع قانون توسط حضرت امام علیه السلام

یکی از حاضرین (۱): شما بحث‌هایی در مورد قانون و حق انتخابات و رأی مردم بیان فرمودید. با این وجود چرا حضرت امام به قانون و خصوصاً قانون اساسی حساسیت داشته و بر روی فربه‌شدن آن تأکید داشتند؟

حجت‌الاسلام کشوری: قبلاً عرض کردیم که قانون دارای دو تعریف است؛ تعریف اول قانون به معنای اعتبار عقلا و قانون به معنای محور جامعه مدنی است که ما این قانون را نقد کردیم. ولی کلمات امام علیه السلام قانون به عنوان جزئی از جامعه مدنی بحث نمی‌شود، همه حرف امام علیه السلام تشکیل حکومت اسلامی و نظام‌سازی جدید بود. پس مشخص است که مراد ایشان از قانون، قانون به معنای جامعه مدنی نیست. قانون یکی از بحث‌هایی است که مانند توسعه و پیشرفت در آن یکسان‌انگاری اتفاق افتاده است؛ یکی از هشدارهایی که ما همیشه داده‌ایم این است که بین تعاریف مدرن با تعاریف اسلامی دچار یکسان‌انگاری نشویم. از طرف دیگر باید دقت کنید که امام در برخی از جملات خوشان فرموده‌اند: «اسلام دین قانون است، شریعتش قانون است، کتاب خدا منشأ قانون است.»<sup>۴۵</sup> بنابراین امام علیه السلام مراد از قانون را بعداً در جملات دیگری معلوم می‌کنند. ببینید! امام علیه السلام یک معنای جدیدی از قانون را مطرح می‌کنند. مثلاً ایشان از کلمه قانون برای توصیف احکام استفاده می‌کنند، حالا یا احکام حکومتی و یا احکام فردی. یکی از معانی دیگر قانون [غیر از معنای امام علیه السلام] - قانون به معنای اعتبار عقلاست که در نگاه‌های اصولی مطرح شده است. یک قانون هم به معنای قانون غربی داریم که به معنای عامل مدیریت آزادی است؛ یعنی چون انسان‌ها آزاد هستند غربی‌ها تراحم اراده‌ها و انسان‌ها را با قانون مدیریت می‌کنند. ما حداقل سه معنا برای قانون بحث کرده‌ایم. پس کلمه قانون نباید شما را به اشتباه بیندازد، این موضوع دقیقاً مانند توسعه و پیشرفت است. برخی بیان می‌کنند که ما به دنبال پیشرفت هستیم و کلمه آن را به کار می‌برند؛ اما ماهیتاً همان بحث‌ها توسعه غربی را مطرح می‌کنند.

یکی از حاضرین (۱): حاج آقا به عنوان مثال بخشی از همین قانونی که در زمان حضرت امام تدوین و به رأی گذاشته شد از مبانی حقوقی غربی گرفته شده بود و حضرت امام نیز این قانون را تأیید می‌کردند.

حجت‌الاسلام کشوری: شما در دوره اول مباحث الگو بوده‌اید، ما به این موارد جواب فنی‌ای داده‌ایم. ببینید؛ امام راحل عظیم‌الشان داشتند نظام‌سازی را شروع می‌کردند و این موضوع را به صورت بخشی آغاز نمودند؛ چون در ابتدای کار بودند. ایشان نظام‌سازی را همه‌جانبه جلو نبردند و هیچ عاقلی فکر خود را در شروع کار در همه‌جا جلو نمی‌برد، همیشه در شروع کار از یک حوزه آغاز نموده و آن را به حوزه‌های دیگر تکثیر خواهیم کرد. پاسخ سؤال شما این است که امام در جاهایی که نظام‌سازی اجتماعی را شروع نکردند فقط قید عدم مخالفت با شرع را برای آن قسمت امضا کردند ولی در یک جاهایی هم نظم

۴۵. اسلام دین قانون است، قانون، پیغمبر هم خلاف نمی‌توانست بکند، نمی‌کردند، البته نمی‌توانستند بکنند. خدا به پیغمبر می‌گوید که اگر یک حرف خلاف بزنی رگ و تپنت قطع می‌کنم. حکم قانون است، غیر از قانون الهی کسی حکومت ندارد، برای هیچ کس حکومت نیست، نه فقیه و نه غیر فقیه، همه تحت قانون عمل می‌کنند، مجری قانون هستند همه، هم فقیه و هم غیر فقیه همه مجری قانونند. فقیه ناظر بر این است که اینها اجرای قانون بکنند، خلاف نکنند، نه اینکه می‌خواهد خودش یک حکومتی بکند، می‌خواهد نگذارد این حکومت‌هایی که اگر چند روز بر آنها بگذرد برمی‌گردند به طاغوتی و دیکتاتوری، می‌خواهد نگذارد بشود، زحمت برای اسلام کشیده شود.

صحیفه امام خمینی، ج ۱۰، ص ۲۵۳

حکومت اسلامی، حکومت قانون الهی بر مردم است. فرق اساسی حکومت اسلامی با حکومت مشروطه سلطنتی و جمهوری در همین است؛ در اینکه نمایندگان مردم یا شاه، در اینگونه رژیم‌ها به قانونگذاری می‌پردازند، در صورتی که قدرت مقننه و اختیار تشریح در اسلام به خداوند متعال اختصاص یافته است. شارع مقدس اسلام، یگانه قدرت مقننه است (بجز او) هیچ کس حق قانونگذاری ندارد.

خمینی علیه السلام، سیدروح‌الله؛ ولایت فقیه، ص ۴۴

اجتماعی جدید ایجاد نمودند، ایشان نظام‌سازی اسلامی را در هشت نقطه شروع کردند.<sup>۴۶</sup> لذا اگر شما بحث جهت حرکت انقلاب اسلامی را حسن‌الاستماع فرموده بودید، جواب سؤال خود را گرفته بودید. جواب این است که در زمان حیات امام در مرحله نظام‌سازی اسلامی و یا مرحله نظام اسلامی<sup>۴۷</sup> قرار داشته‌ایم؛ اما در دوره فعلی در مرحله نظام‌سازی همه‌جانبه هستیم. لذا اگر شما منویات امام خامنه‌ای<sup>ع</sup> در شهر کرمانشاه را مطالعه کنید، ایشان می‌فرمایند در آینده احتمال تغییر قانون اساسی وجود دارد؛<sup>۴۸</sup> یعنی آن بخش‌های قانون اساسی که از مفاهیم مدرن متأثر است، در آینده تغییر پیدا خواهد کرد. بالاخره حرکت اجتماعی و نظام‌سازی امری تدریجی است؛ در آغاز انقلاب نظام‌سازی بخشی بوده اما در حال حاضر در مرحله نظام‌سازی همه‌جانبه قرار داریم. تازه آن قسمت‌هایی که امام<sup>ع</sup> امضا کردند نیز به قید عدم مخالفت با شرع امضا شد؛ یعنی به این شکل هم نبود که آنها را به حال خود رها کنند. مثلاً در زمینه بانک‌داری ما در حال حاضر و در زمان امام خامنه‌ای<sup>ع</sup>

۴۶. بر اساس جمع‌بندی‌های کارگروه پژوهشی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی؛ تفکر انقلاب اسلامی در مرحله نظام اسلامی (مرحله دوم انقلاب اسلامی) در هشت محور اصلی: ۱. رهبری جامعه و ساختار سیاسی (تخصیص تفکیک قوا به نظریه مترقی ولایت فقیه) ۲. قانون‌گذاری (تشکیل شورای نگهبان بر اساس نظریه احراز عدم مخالفت قطعی قوانین با شرع محکم) ۳. فقرزدایی و رسیدگی به امور مستضعفین (تشکیل نهادهای جهادی مانند جهاد سازندگی، کمیته امداد، ستاد اجرائی فرمان امام، بنیاد مستضعفین و ...) ۴. فرهنگی، دفاعی (نظریه الهی بسیج) ۵. اطلاعاتی، امنیتی (وزارت اطلاعات) ۶. اقتصادی (تشکیل قرض‌الحسنه‌ها در اشکال مختلف) ۷. تربیتی (امور تربیتی و ...) ۸. زیارتی (بازتعریف اماکن زیارتی؛ به عنوان مراکز فرهنگی و آموزشی) نظامات اجتماعی جدیدی را به صورت اجمالی تعریف نموده است.

بایگه اطلاع‌رسانی نقشه راه <http://nro-di.blog.ir/1395/03/10-2>

۴۷. مرحله دوم مرحله نظام اسلامی می‌باشد؛ در این مرحله «نظام‌سازی اسلامی» به دلیل وجود اختیارات در دست فقهای شیعه به نحو اجمالی - و با توجه به ظرفیت جامعه از جمله ظرفیت فکری، آمادگی مردمی، مجموعه شرایط بین‌المللی و داخلی موجود در آن روز - در بخش‌هایی تبیین و محقق گشت؛ یعنی برای آغاز حرکت به سمت پیشرفت، چهارچوب اصلی «نظام‌سازی اسلامی» در کشور پیاده شد. اوایل انقلاب سیستم دفاعی و امنیتی کشور بر اساس نظام‌سازی اسلامی در حوزه‌ی امنیتی و دفاعی توسط امام راحل<sup>ع</sup> پایه‌گذاری شد. «نظام‌سازی اسلامی» در حوزه‌ی دفاعی امنیتی دارای دو رکن اصلی می‌باشد: ۱. مشارکت مردمی ۲. ایمان و انگیزه‌های دینی بالا که در واقع تبلور این امر در بسیج و سپاه قابل مشاهده می‌باشد. در واقع مدل امنیتی کشور - که توسط امام راحل<sup>ع</sup> در اوایل انقلاب پایه‌گذاری گردید و ۸ سال جنگ تحمیلی نیز با همان مدل اداره شد - بر مبنای تئوری‌های دافوس و تئوری‌های فرماندهی ستاد غربی نمی‌باشد.

جلسه دوازدهم از سلسله جلسات تبیین اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی در رادیو معارف ۱۳۹۳/۰۵/۲۲

۴۸. وقتی انسان اهداف و آرمان‌های نظام اسلامی را نگاه می‌کند - یعنی جامعه اسلامی با این خصوصیات - می‌بیند اینها هیچ‌وقت کهنه نمی‌شود. انسان همیشه دنبال این آرمان‌هاست. هرچه هم که حرکت بکند، جا برای حرکت بیشتر وجود دارد. مثلاً یکی از آرمان‌های شما پیشرفت است. پیشرفت نهایت ندارد، آخر ندارد. (فوق کلّ ذی علم علیم)؛ هرچه شما دانش داشته باشید، بالاتر از آن، دانشی متصور است. یعنی عرصه، یک عرصه‌ی تمام‌شدنی نیست. پس اینها کهنه نمی‌شود؛ لیکن در راه رسیدن به اینها، آن حلقه قبلی، گفتیم دولت اسلامی است. دولت اسلامی، یعنی سازوکارها و نهادسازی‌های لازم برای ایجاد آن جامعه‌ی اسلامی؛ اینها چرا، ممکن است کهنه شود. ممکن است اقتضات در دنیا جوری بشود که این سازوکار، این هندسه‌ی نظام، کامل نباشد، مطلوب نباشد، لازم باشد عوض شود؛ هیچ اشکال ندارد. نظام اسلامی این ظرفیت را دارد. اگر نظامی دنبال آن آرمان‌هاست، آن آرمان‌ها کهنه‌بشو نیست؛ اما سازوکارها، چینش این نهادهایی که می‌خواهد ما را به آن آرمان‌ها برساند، قابل نو شدن است. البته نو شدن به معنای این است که اقتضات بیرونی و واقعیت‌ها گاهی یک چیزی را اقتضاء می‌کند، یک روز چیز دیگری را اقتضاء می‌کند؛ یک نمونه‌ی عملی عینی‌اش همین سیاست‌های اصل ۴۴ در باب اقتصاد است. یک روز تقسیم منابع اقتصادی در کشور به آن شکلی بود که در صدر اصل ۴۴ قانون اساسی آمده است. اسم آوردند؛ این نهادها، این بنیادها متعلق به بخش عمومی است، اینها متعلق به بخش خصوصی است - احصاء کردند، مشخص کردند - لیکن در ذیل همین اصل آمده است که این تا هنگامی است که به شکوفائی اقتصاد کشور کمک کند. معنایش چیست؟ معنایش این است که اگر شرایط جوری شد که این تنظیم و این ترتیب به شکوفائی و پیشرفت اقتصاد کمک نمی‌کند، می‌تواند تغییر پیدا کند؛ و تغییر پیدا کرد. این، همان جابه‌جا کردن خطوط هندسی نظام است.

فرض بفرمائید ما یک روزی در قانون اساسی نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور داشتیم، با یک شکل خاصی؛ بعد تجربه به ما نشان داد که این درست نیست. امام دستور دادند گروهی از خبرگان ملت، از دانشگاهیان، از روحانیون، از مجلس شورای اسلامی، از برجستگان و نخبگان بنشینند و آنچه‌ای که بر طبق نیاز است، آن را تغییر بدهند. همین کار را هم کردند. یا در زمینه‌ی قضا همین‌جور. در آینده هم اینها قابل تغییر است. امروز نظام ما نظام ریاستی است؛ یعنی مردم با رأی مستقیم خودشان رئیس‌جمهور را انتخاب می‌کنند؛ تا الان هم شیوه‌ی بسیار خوب و تجربه‌شده‌ای است. اگر یک روزی در آینده‌های دور یا نزدیک - که احتمالاً در آینده‌های نزدیک، چنین چیزی پیش نمی‌آید - احساس بشود که به جای نظام ریاستی مثلاً نظام پارلمانی مطلوب است - مثل اینکه در بعضی از کشورهای دنیا معمول است - هیچ اشکالی ندارد؛ نظام جمهوری اسلامی می‌تواند این خط هندسی را به این خط دیگر هندسی تبدیل کند؛ تفاوتی نمی‌کند. و از این قبیل.

بیانات امام خامنه‌ای<sup>ع</sup> در دیدار با دانشجویان شهر کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۴

می‌خواهیم نظام‌سازی در حوزه اقتصاد را شروع کنیم و می‌خواهیم ذیل شعار اقتصاد مقاومتی و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌خواهیم کارهایی را انجام دهیم تا نظام‌سازی اتفاق بیفتد؛ ولی همان موقع و در دهه ۶۰ قانونی را با عنوان قانون بانکداری اسلامی<sup>۴۹</sup> تصویب کردند تا بالاخره یک عامل کنترل ابتدایی برای آن بانک وجود داشته باشد و نتواند با همان مبنای خود عمل کند. لذا برخی اشکال می‌کنند که چرا قانون بانکداری اسلامی نتوانست بانک‌ها را اصلاح کند؟ به دلیل اینکه اصلاً قرار نبود بانک‌ها را اصلاح کند، قانون بانکداری اسلامی یک بندهایی را مطرح می‌کند تا نظام مالی فعلی را کم‌ضررتر برای هدایت جامعه کند. لذا در خود آن قانون هم آمده که این قانون تنها برای یک دوره‌ای است. ان‌شاءالله در فرصت مناسب باید نظام آن بازتعریف شود. ولی در مسأله رهبری جامعه وقتی نخست وزیر وقت - بختیار - به امام علیه‌السلام پیشنهاد داد که در انتخابات شرکت کند،<sup>۵۰</sup> امام فرمودند: اسلام خودش حکومت دارد و قبول نکردند. امام به دلیل اینکه می‌خواستند کار را در برخی نقاط شروع کنند نظام‌سازی غربی را در این نقاط نپذیرفتند؛ اما در یک سری از حوزه‌ها با قید عدم مخالفت با شرع امضا می‌کردند. اینکه چرا برخی از امور را پذیرفتیم و برخی دیگر را نپذیرفتیم جزء بسته‌ی اول مباحث الگوست.

## ۲. تسلط امام علیه‌السلام بر روی نظام‌سازی اجتماعی و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و لزوم تعمیم نظریه نظام‌سازی اجتماعی در حال حاضر به تمام حوزه‌ها به دلیل فراهم‌بودن شرایط انجام این کار

یکی از حاضرین (۲): حاج آقا! شما وقتی از فردی که مقاله‌ای در موضوع انقلاب فرهنگی نوشته بود گلایه و شکایت کردید فرمودید که الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت توسط امام تدوین شده است اما حالا می‌گویید می‌خواهیم نظام‌سازی اجتماعی همه‌جانبه بکنیم ...

حجت‌الاسلام کشوری: دلیل این موضوع را چه چیزی بیان کردم؟ چرا گفتیم: امام از الگوی اسلامی اداره جامعه فهم آن هم به نحو تام داشتند؟ بنده یک دلیل مطرح کردم؛ چون در حال حاضر جمهوری اسلامی استحاله نشده است. اگر راه حل جایگزین وجود نداشت ما هم باید مثل جمهوری اسلامی پاکستان استحاله می‌شدیم ولی در حال حاضر ما واقعاً یک مدل غربی محسوب نمی‌شویم. از نحوه‌ی تقابلی که با ما وجود دارد مشخص می‌شود که یک فکر جدیدی وجود دارد و این معنا و فکر جدید از یک نقطه به جامعه انتقال پیدا کرده است که کار به پیش رفته است. ببینید! دلیل حرف بنده مهم است؛ اینکه مثلاً شما بیان می‌کنید انقلاب از یک منطقه‌ای به یک منطقه بزرگ‌تری تکثیر شده است، به دلیل این است که یک فکر خاصی وجود داشته است. بنده خواستم دلیل این امر را تذکر دهم.

یکی از حاضرین (۲): پس الگویی که می‌گویید تدوین شده در حلقه‌های اول تمدن‌سازی بوده است نه در تمام حلقه‌ها و در سطح کلان و تام. این حلقه‌های اول است که به سایر مناطق صادر شده است. چون خود شما فرمودید که نظام‌سازی در مسأله اقتصاد چیزی است که الان مطرح شده و در حال تولید ...

حجت‌الاسلام کشوری: خیر؛ ببینید نظام‌سازی اسلامی یک مفهوم پایه دارد - که ما گفته‌ایم: این پایه، هدایت جامعه است - و یک تکثیر به حوزه‌های مختلف. همینکه شما بیان می‌کنید ما در برخی از بخش‌های جامعه نظام‌سازی کرده‌ایم مشخص می‌شود پایه‌ی آن را داشته‌ایم که بعد آن را تکثیر نموده‌ایم، پس تولید شده بوده است. حال برای اینکه این پایه به بقیه‌ی نقاط جامعه هم تکثیر پیدا کند باید آن را بازخوانی کرده و بعد به نظریه متناسب با آن بخش تبدیل کنیم. دقت کنید که از نگاه بنده علت اینکه ما هنوز نتوانسته‌ایم نظام‌سازی همه‌جانبه را جلو ببریم این نیست که فکر نظام‌سازی اجتماعی در انقلاب وجود نداشته است، بلکه علت این است که فکر نظام‌سازی اسلامی امری تدریجی و مشکل است؛ یعنی دو دلیل وجود دارد. اگر

۴۹. قانون بانکداری بدون ربا در سال ۶۲ به تصویب نمایندگان مجلس رسید.

وبسایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/90388>

۵۰. خبرگزاری فرانسه: بختیار در مصاحبه با لوماتن گفت: بعضی اوقات صبر بهترین تاکتیک است و اگر آیت‌الله خمینی بخواهد در شهر مقدس قم دولت پیشنهادی خود را به وجود آورد، به او اجازه خواهد داد تا دولتی شبیه به واتیکان تأسیس کند.

وبسایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی <http://www.irdc.ir/fa/calendar/92/default.aspx>

فرض بگیریم که همه مردم حاضر باشند سختی نظام‌سازی را تحمل کنند - که در حال حاضر به این شکل نیست - بازهم نظام‌سازی امری تدریجی است و لذا به صورت طبیعی ۵ الی ۶ دهه به طول خواهد انجامید. چون ما می‌خواهیم یک تمدن بسازیم پس نظام‌سازی امری تدریجی است. بنابراین علت عدم نظام‌سازی همه‌جانبه این نیست که ما مفهوم را در اختیار نداریم؛ بلکه علت این است که نظام‌سازی امری تدریجی است. یک دلیل دیگر نیز کار را به چالش کشیده و آن هم کسالت نیروهای انقلابی و حزب الهی است، آنها حاضر نیستند قیام کنند، حاضر نیستند وقت جدی بگذارند. این دو مسأله باعث شده که کار جلو نرود نه فقدان تئوری. اگر فقدان تئوری علت بود باید در همان بخش‌هایی که جلو رفتیم هم شکست می‌خوردیم. بالأخره نظام‌سازی دارای پایه‌های مفهومی‌ای است که ما در حال حاضر آن را تئوریزه و تشریح کرده‌ایم. امام خمینی عظیم الشان بالاترین قدرت هدایت را در جامعه داشته‌اند. ایشان در طول هشت سال در یک جنگ جهانی با مدل مردمی ایستادند و در نهایت پیروز هم شدند. می‌دانید که جنگ ما مردمی اداره شد و بر مبنای دافوس<sup>۵۱</sup> نبود. بنده در این حوزه مطالعه دقیقی انجام داده‌ام، حتی تدارک و حتی تکنولوژی جنگ مردمی بود. در بحث تدارک از دل روستاها و شهرها پل زده و خط ارتباطی به جبهه‌ها تعریف می‌کردند. این موارد در نقطه‌ای از دنیا اتفاق نیفتاده تا شما بگویید: انقلابیون کتاب‌هایی را خوانده و این کارها را انجام داده‌اند. در مدل‌های فعلی دفاع مدل‌های لجستیک و پشتیبانی جنگ تعریف دارد؛ اما ما پشتیبانی مردمی انجام داده‌ایم. چه چیزی باعث شد که آن جوان‌ها در جنگ بیایند و این مدل را برای پشتیبانی جنگ طراحی کنند؟ غیر از آن هدایتی است که اتفاق افتاده است؟ امام<sup>علیه السلام</sup> یک انگیزه و نگاهی در آنها ایجاد کردند که آن راه را رفتند. سرلشکرهای امام<sup>علیه السلام</sup> عمدتاً زیر سی سال سن داشتند، آنها که دوره دافوس ندیده بودند. چرا یک سپاه دافوس ندیده به این شکل مقابل همه دافوس‌دیده‌های دنیا مقاومت می‌کند و در نهایت هم پیروز می‌شود؟ مدل آن، مدل خاصی بوده است و این مدل خاص دارای قواعدی می‌باشد. امام<sup>علیه السلام</sup> بر روی یک قواعدی با مردم، سپاه، بسیج و کارگزاران حکومت حرف می‌زدند و در حال حاضر حضرت آقا می‌فرمایند که نباید اجازه فراموشی اصول مکتب امام را بدهید. چون با این اصول هدایت ایجاد می‌شود. حالا اگر شما آن معادله‌ی هدایت را از تفکر انقلاب جمع‌بندی کنید، می‌توانید این موضوع را به سایر حوزه‌ها تأمین دهید. ما در یک جاهایی نظام‌سازی کرده‌ایم؛ مانند مدل جنگ، مدل محرومیت‌زدایی - که چیز عجیبی بوده است - یا مدل خودکفایی. بنده بعدها وقتی مدل تخصیص صنعت را بحث کردم مشخص می‌شود که مدل خودکفایی ما مدل جالبی است، یعنی پروژه‌های تحقیقاتی‌ای که ما برای به دست آوردن تکنولوژی تعریف کردیم، هیچگونه تناسبی با TRL‌های امروزی ندارند؛ بلکه روند دیگری طی می‌شده که کارآمدی هم داشته است، اصلاً بنای استقلال تکنولوژی ما در جنگ گذاشته شده است. چه کسی ادعا می‌کند که برای دستیابی به آن تکنولوژی‌ها و عمیق‌تر کردن شان TRL نوشته شده است؟<sup>۵۲</sup> این وقایع اتفاق افتاده است. مردمانی که در زمان شاه ۴۰ هزار مستشار آمریکایی<sup>۵۳</sup> امورات آنها را انجام می‌دادند، تنها و تنها در طول ۸ سال استقلال تکنولوژی کشور را پایه‌گذاری کرده‌اند. مدت زمان این امر چیز عجیبی است. این موارد جزء افتخارات جمهوری اسلامی است، اما آن بنده خدا مصاحبه کرده و می‌گوید: مدلی در دست نبود و حال ما می‌خواهیم با انقلاب فرهنگی مدلی را درست کنیم. بله اگر بیان می‌کرد ما انقلاب فرهنگی را تعمیم مدل بکارگیری و رفع عیوب مدل بکارگیری انقلاب می‌دانیم، قابل قبول بود؛ زیرا نظام‌سازی امری تدریجی است و بنده در این مواد بحثی ندارم؛ اما بنده هیچگاه زیر بار این موضوع نفرتم [که مدل نداشته‌ایم]. چون انقلاب در حال حاضر در دهه چهارم استقامت خود قرار دارد. دو شب پیش حضرت آقا فرمودند

۵۱. دانشگاه فرماندهی و ستاد که به اختصار دافوس خوانده می‌شود، در ایران، به ارائه دوره‌های تخصصی آموزش علمی و نظامی می‌پردازد که برای اخذ درجه‌های بالاتر از سرهنگی و فوق لیسانس باید توسط نیروهای نظامی گذارنده شود.

۵۲. همین حالا - بنده خبر دارم که عرض می‌کنم - بین برخی از نهادهای حکومت بر سر مدل‌های مدیریت تکنولوژی نزاع وجود دارد.

انتقال از متن

۵۳. جریان ورود، تشدید و تثبیت سلطه مستشاران آمریکا در ایران و نهایتاً خروج آن‌ها از کشور از جمله نمونه‌های برجسته وابستگی و عدم استقلال ایران در دوران پهلوی است. مسأله‌ای که با ورود انگشت شمار آنها از جمله مورگان شوستر در دوره قاجار آغاز می‌شود، با استخدام چند صد نفر در دوره پهلوی اول ادامه می‌یابد و در نهایت در اوایل سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۸)، با ورود ۵۰/۰۰۰ به اوج خود در تاریخ کشورمان می‌رسد. در این راستا نیز دامنه قدرت و اختیارات مستشاران آمریکا به خصوص مستشاران نظامی آنها به حدی است که تعیین عالی‌ترین مقامات ارتش ایران نیز توسط آنها انجام می‌شود





## پیوست شماره ۱

### شرکت‌ها و مؤسسات تابعه آستان قدس رضوی عبارتند از:

#### هلدینگ داروسازی

● شرکت داروسازی ثامن

#### هلدینگ مالی

● موسسه اعتباری رضوی

● شرکت کارگزاری رضوی

#### هلدینگ کشاورزی

● شرکت کشاورزی رضوی

● شرکت کشاورزی و موقوفات چناران

● شرکت کشت و صنعت اسفراین

● شرکت کشت و صنعت انابد

● شرکت کشت و صنعت سرخس

● موسسه باغات آستان قدس رضوی

● موسسه کشت و صنعت مزرعه نمونه

● موسسه موقوفات و کشاورزی جنوب خراسان

● موسسه موقوفات و کشاورزی سمنان

#### هلدینگ عمران و ساختمان

● شرکت ساختمانی بتن و ماشین قدس رضوی

● شرکت مسکن و عمران قدس رضوی

● شرکت مهندسان مشاور و شهرسازی آستان قدس رضوی



● شرکت مهندسی آب و خاک قدس رضوی

● شرکت کارخانجات بنای سبک قدس رضوی

هلدینگ صنایع قند

● شرکت قند آبکوه

● شرکت قند تربت حیدریه

● شرکت قند چناران

هلدینگ خودروسازی

● شرکت شهاب خودرو

● شرکت شهاب یار

● شرکت کمباین سازی ایران

هلدینگ صنایع غذایی

● شرکت آرد قدس رضوی

● شرکت خمیرمایه رضوی

● شرکت فرآورده های غذایی رضوی

● شرکت فرآورده های لبنی رضوی

● شرکت نان قدس رضوی

هلدینگ نساجی

● شرکت تهیه و تولید فرش آستان قدس رضوی

● شرکت نخریسی و نساجی خسروی خراسان



## هلدینگ دامپروری

- موسسه دامپروری صنعتی قدس رضوی

## سایر

- شرکت فناوری اطلاعات و ارتباطات رضوی
- شرکت کارخانجات صنایع چوب آستان قدس رضوی
- شرکت معادن قدس رضوی
- موسسه منطقه ویژه اقتصادی سرخس
- شرکت توسعه نفت و گاز رضوی

منبع: پورتال سازمان اقتصادی رضوی <http://www.reorazavi.org>

فعالیت‌های آستان قدس رضوی در راستای حفظ احیای موقوفات و ایفای تعهدات بر اساس نیت واقفان و نیازهای جامعه به ویژه زائران گرامی بارگاه ملکوتی حضرت امام رضا علیه السلام و با تأکید بر امور فرهنگی به عنوان اصلی‌ترین وظیفه انجام می‌گیرد که گوشه‌هایی از آن به طور خلاصه ارائه می‌گردد:

## بازسازی و توسعه اماکن متبرکه

با عنایت به ضرورت گسترش فضاهای عبادی و زیارتی اقدامات مهمی توسط سازمان عمران و توسعه حریم حرم حضرت رضا (علیه السلام) انجام گرفته است که چندین برابر تمامی فعالیت‌هایی است که در طول ۱۲۰۰ سال در این آستان مقدس انجام شده است.

مجموعه اماکن موجود حرم مطهر امام هشتم علیه السلام که در زمان پیروزی انقلاب اسلامی شامل سه صحن، چند رواق، دو بست و به میزان ۱۲۰,۰۰۰ متر مربع بوده است. هم اکنون به ۶۰۰,۰۰۰ متر مربع افزایش یافته و با تکمیل برخی اماکن در حال ساخت به ۹۰۰,۰۰۰ متر مربع خواهد رسید.

فهرست مهم این اقدامات عبارتند از تعویض ضریح قدیمی و نصب ضریح جدید با بهره‌گیری از ارزشمندترین و زیباترین اصول هنری و معماری اسلامی.

## توسعه روضه منوره از سه طرف





احداث رواق‌های: دارالولایه، دارالهدایه، دارالرحمه، دارالحکمه، دارالاجابه، دارالحجه، دارالکرامه و رواق جدید بالا سر مبارک بیش از ۲۰,۰۰۰ متر مربع رواق بزرگ امام خمینی با ۲۱,۰۰۰ متر مربع هم‌اکنون در دست احداث است.

احداث صحن‌های جدید: جمهوری اسلامی، جامع رضوی با ۸۱,۰۰۰ متر مربع.

صحن‌های در حال تکمیل یا آماده بهره‌برداری شامل:

صحن هدایت، صحن غدیر، صحن کوثر مجموعاً ۶۹۵۰۰ متر مربع.

### احداث فضاهای فرهنگی و علمی:

دانشگاه علوم اسلامی رضوی ساختمان شماره ۱ و ۲ (۳۲,۸۰۰ متر مربع) - مدرسه نواب (۱۸۰۰ متر مربع)، ساختمان اداری حوزه علمیه خراسان (۷۰۰۰ متر مربع) - کتابخانه مسجد گوهرشاد (۱۲۰۰ متر مربع) - بنیاد پژوهش‌های اسلامی (۲۴۰۰۰ متر مربع) - زائرسرا (۱۱۰۰۰ متر مربع).

### احداث فضاهای خدماتی و رفاهی شامل:

مجموعه پارکینگ‌های حرم مطهر (۱۱۳,۰۰۰ متر مربع) - زیرگذر وسایل نقلیه (۴۵,۰۰۰ متر مربع) - دارالشفاء (۱۸,۰۰۰ متر مربع) - موتورخانه و تأسیسات (۷۶۸۰ متر مربع) دوربرگردان (۲۸۰۰۰ متر مربع) سرویس‌های بهداشتی شرقی و غربی (۴۳۰۰۰ متر مربع).

### حفظ و احیای موقوفات و نذورات

آستان قدس رضوی در تمامی طول تاریخ ۱۲۰۰ ساله خود همواره بر موقوفات و نذورات استوار و متکی بوده و این سنت‌های حسنه همچون دובال پر قدرت. این دستگاه ملکوتی را در اوج آسمان معنویت حفظ کرده است. تلاش آستان قدس رضوی و مدیریت آن پس از پیروزی انقلاب اسلامی در جهت حفظ، احیای موقوفات و صرف درآمد آنها بر اساس نیت واقفان با دقت نظر خاص، رعایت حقوق شرعی و پرهیز از اسراف در این مختصر قابل بیان نیست. همچنین بیشترین موقوفات آستان قدس رضوی از لحاظ تعداد رقبات مربوط به سوخت و روشنایی حرم مطهر و از نظر درآمد به ترتیب امور دارالشفاء، و بیمارستان‌ها، روشنایی، روضه خوانی، زوار، کمک به ایتم، کتابخانه، مهمانسرا، امور فرهنگی و تعمیرات حرم مطهر را شامل می‌شود که با عنایت حضرت رضا علیه السلام و دستورات مؤکد تولیت عظمای آستان قدس رضوی صددرصد به نیت واقفان عمل می‌شود. رقبات وقفی از زمان شهادت حضرتش تا کنون حدود ۱۸۰۰ مورد بوده است که ۱۱۴ رقبه متعلق به سال‌های بعد از انقلاب اسلامی است.

### نذورات

سالانه حدود ۵/۰۰۰/۰۰۰ نفر از اقشار مختلف ملت مسلمان ایران و جهان نذورات نقدی و جنسی خود را به دفاتر ۱۶ گانه نذورات مبادی ورودی و داخل حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام تحویل می‌دهند و رسید دریافت می‌کنند. شیفتگان و دلباختگان حرم رضوی نذر خویش را از طریق واریز به داخل ضریح مطهر پشت پنجره‌ها، صندوق‌های مستقر در حوزه امکان

متبرکه، تحویل به دفاتر نذورات، واریز به حساب‌های نذورات نزد بانک‌ها و نیز ارسال از طریق پست در سراسر کشور و خارج از کشور ادا می‌کنند. آستان قدس رضوی نیز با اهتمام ویژه نسبت به نیت نذرکنندگان در همان زمینه به مصرف می‌رساند.

### بهره مندی زائران از برنامه های

فرهنگی، اجتماعی، تبلیغی

برنامه‌های فرهنگی و مذهبی حرم مطهر در حوزه معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی در چند بخش کلی ارائه می‌شود.

الف. نیایش: شامل برگزاری شکوهمند نمازهای جماعت، مراسم دعا و برنامه زیارت مخصوص امام رضا علیه السلام، زیارت جامعه کبیره و زیارت آل یاسین.

ب. محافل قرآنی: جلسات ترتیل، محافل انس با قرآن در جوار عترت، گلوایه های نور، جلسات تفسیر روزانه.

ج. مراسم سخنرانی و جلسات پرسش و پاسخ: شامل سخنرانی‌های روزانه، بیان احکام، ویژه برنامه بر کرانه نور، سلسله برنامه‌های دین، نشاط، زندگی و نسیم معرفت.

د. کارگاه‌های آموزشی: ترجمه مفاهیم و تفسیر قرآن کریم، آموزش صحیح قرائت و اذکار نماز، روخوانی و روان‌خوانی قرآن، کارگاه آموزشی شبی با قرآن و انس با نهج البلاغه.

ه. برنامه‌های فرهنگی: رایانه سرای قرآن و عترت، ارایه خدمات سمعی و بصری قرآن و عترت، نمایشگاه منشورات قرآنی، معرق کاری قرآنی، کارگاه قصه‌گویی، داستان‌نویسی قرآنی و خوشنویسی قرآنی، برگزاری سلسله نشست‌های فرهنگی با عنوان (تا چشمه رضوان) ویژه جوانان با حضور اساتید حوزه و دانشگاه، سرویس‌دهی به اردوهای فرهنگی دانشجویی و دانش‌آموزان که در سال ۱۳۸۲ به حدود ۲۷۸/۲۱۲ نفر از افراد شرکت کننده در این اردوها سرویس داده شد و مجموعاً ۵۷۴۶۳۹ (در قالب ویژه برنامه فیض حضور) بسته متبرک و محصولات فرهنگی اهداء شده است.

و. مشاوره و پاسخگویی: در سال ۸۲ علاوه بر مشاوره دینی و اخلاقی به بیش از ۳۰۷۰۰۰ نفر مراجعه‌کننده به دفاتر پاسخگویی شده است.

ز. مسابقات: مسابقات قرآنی با بیش از ۲۱۱,۰۴۹ نفر شرکت کننده در سال ۸۲، مسابقه کتاب‌خوانی با ۷۰۰۰ نفر عضو ثابت و تعداد زیادی مسابقه متنوع در طول سال.

ح. اطلاع‌رسانی و راهنمایی زائرین: راهنمایی زائرین در مبادی ورودی (در سال ۸۲ به بیش از ۳۰۰,۰۰۰ نفر خدمات ارائه شد)

ط. برنامه‌های ویژه زائرین غیر ایرانی: آموزش تلاوت قرآنی، نمایش فیلم، سخنرانی و بیان احکام به زبان‌های عربی، انگلیسی و اردو، اهدای قرآن، مفاتیح و کتاب‌های مفید بیش از ۴۲۱۰۰۰ جلد در سال ۸۲ و برگزاری ۴۹۰ جلسه گفتگوی اینترنتی با زائرین خارج از کشور.

### مؤسسات فرهنگی و اجتماعی



در حوزه فعالیت‌های فرهنگی در زمان پیروزی انقلاب اسلامی تنها کتابخانه مرکزی با کمتر از ۵۰,۰۰۰ جلد کتاب یک موزه و اداره امور فرهنگی وجود داشته است. در حال حاضر بر اساس اولویت و اهمیت برنامه‌های فرهنگی و تبلیغی با اهتمام تولید عظمای آستان قدس رضوی چندین مؤسسه فرهنگی - اجتماعی تأسیس شده و در هر کدام مجموعه‌ای از فعالیت‌های گسترده فرهنگی و تخصصی در جریان است. فهرست اهم این مؤسسات و مراکز عبارتند از:

۱. ایجاد شورای عالی فرهنگی به منظور سیاست‌گذاری، هماهنگ‌سازی و تقویت پشتوانه فکری و نرم‌افزاری برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی آستان قدس رضوی.

۲. ایجاد معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی در راستای تقویت کیفی و گسترش کمی خدمات فرهنگی و معنوی به زائرین محترم امام هشتم علیه السلام.

۳. احداث کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی با ۲۸۰۰۰ متر مربع زیربنا و ایجاد بیش از ۴۰ کتابخانه وابسته با بیش از ۲ میلیون جلد کتاب. نزدیک به ۵ هزار جلد کتاب خطی و قرآن‌های نفیس و بیش از ۱۰۰۰۲۰۰ جلد کتاب چاپی به ۴۲ زبان زنده دنیا بیانگر غنای این کتابخانه است.

۴. موزه مرکزی و ۱۰ موزه وابسته شامل موزه قرآن و نفایس، هدایای مقام معظم رهبری، گنجینه فرش، موزه تاریخ مشهد، موزه سکه و طلا، تمبر و اسکناس، ظروف چینی، سلاح، ساعت و ابزار آلات نجومی، صدف و هنر و نقاشی.

۵. کتابخانه و موزه ملی ملک تهران با ۱۰ هزار متر مربع زیربنا و بیش از ۱۹۰۰۰ عنوان کتاب و رساله نفیس و بیش از ۴۲۰۰۰ جلد کتاب چاپی سنگی و سربی در علوم مختلف.

۶. بنیاد پژوهش‌های اسلامی در ساختمانی به وسعت ۲۴۰۰۰ متر مربع با بیش از یکصد و پنجاه محقق و پژوهشگر در قالب ۱۴ گروه فعالیت می‌کنند. از جمله افتخارات آن انتشار بیش از پنج میلیون نسخه کتاب با ۹۴۴ عنوان که ۳۳ اثر از انتشارات بنیاد بعنوان کتاب سال و کتاب برگزیده در جشنواره‌های مختلف معرفی شده است.

۷. شرکت به نشر: این شرکت تاکنون با انتشار بیش از ۱۲۰۰ عنوان کتاب و معرفی بعنوان ناشر برتر آثار کودک و نوجوان، در سال ۸۲ کارنامه موفق از خود ارائه داده است.

۸. مؤسسه چاپ و انتشارات: این مؤسسه تاکنون موفق به چاپ بیش از ۵۰۰۰ عنوان کتاب در تیراژ بیش از ۲۳ میلیون نسخه نموده است. این مؤسسه در سال ۱۳۸۰ موفق به دریافت گواهینامه ستاره طلایی کیفیت چاپ شده است.

۱۰. دانشگاه علوم اسلامی رضوی: این دانشگاه با ۴۵۰ نفر دانشجو در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکترا در قالب ۱۲ رشته تحصیلی و گروه‌های مختلف پژوهشی فعالیت می‌کند. واحد شماره ۲ دانشگاه علوم اسلامی رضوی در سال ۸۳ با ۱۰۸۰۰ متر مربع بنا احداث شده است.

۱۰. بنیاد فرهنگی رضوی: حدود ۵۴۰۰ دانش‌آموز در ۱۲ واحد آموزشی مدارس امام رضا (ع) مشغول به تحصیل هستند که از این تعداد ۵ واحد در نقاط محروم شهر مشهد صددرصد رایگان می‌باشد. از جمله افتخارات این مؤسسه کسب رتبه‌های ممتاز توسط دانش‌آموزان آن در آزمون‌های سراسری و مسابقات علمی است.

۱۱. مؤسسه آفرینش‌های هنری و رسانه‌های صوتی و تصویری: این مؤسسه با تشکیل محافل و جلسات پرسش و پاسخ پیرامون جوانان و خدمات مشاوره‌ای به این قشر فعالیت می‌کند.

از جمله اقدامات مهم این مؤسسه تشکیل انجمن‌های ادبی رضوی و برگزاری نمایشگاه‌های مختلف آثار هنری است.

۱۲. مؤسسه خدمات مشاوره‌ای جوانان و پژوهش‌های اجتماعی: این مؤسسه با تشکیل محافل و جلسات پرسش و پاسخ پیرامون جوانان و خدمات مشاوره‌ای به این قشر فعالیت می‌کند. از مهمترین اقدامات آن اجرای طرح‌های آموزشی مردان علوی و زنان فاطمی، دختران آفتاب و ... می‌باشد.

۱۳. تربیت بدنی: این مجتمع با وسعت حدود ۱۶ هکتار و دارا بودن مجهزترین و زیباترین اماکن ورزشی در سطح کشور توانسته است با ایجاد امنیت مطلوب جهت خانواده‌ها نسبت به جذب آحاد مردم به ورزش موفقیت‌های ارزشمندی کسب نماید. اماکن ورزشی این مجتمع عظیم شامل: مجموعه‌های آبی آقایان و بانوان، باستانی، زمین چمن فوتبال، سالن‌های چندمنظوره فوتبال، رزمی، پیست‌های دوچرخه‌سواری و دو میدانی، استادیوم ۳۰,۰۰۰ نفری و ... می‌باشد.

۱۴. مؤسسه فرهنگی قدس: این مؤسسه با انتشار روزنامه قدس بصورت سراسری و چاپ همزمان در تهران و دارا بودن ۱۵۰ نمایندگی در سطح کشور اقدام به اطلاع‌رسانی صادقانه و سریع به اقشار مختلف جامعه می‌نماید. دومین نشریه این مؤسسه ماهنامه بین‌المللی زائر است.

۱۵. مرکز آموزش ضمن خدمت این مرکز تاکنون توانسته است با آموزش ضمن خدمت کارکنان آستان قدس رضوی طی دوره‌های توجیهی - کوتاه مدت و بلند مدت - در جهت تربیت نیروی انسانی، افزایش توان علمی و تأمین کادر تخصصی، نیازهای سازمان را برآورده سازد.

۱۶. مؤسسه آستانه حضرت حسین بن موسی کاظم(ع) و آرامگاه شهید مدرس: احداث سالن‌های چندمنظوره، موزه، غرفات خانوادگی، کتابخانه و ... در قالب ده‌ها هزار متر مربع فضای عبادتی و زیارتی در شهرستان‌های طبس و کاشمر از جمله اقدامات مهم آستان قدس رضوی در جنوب خراسان است.

۱۷. دانشگاه امام رضا(ع): این دانشگاه هم‌اکنون با ۶۰۷ دانشجو در پنج رشته کارشناسی مشغول به فعالیت می‌باشد. با انتشار بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب در تیراژ ۶۰۰ هزار جلد از دیگر اقدامات این دانشگاه است. همچنین این دانشگاه با دستور کار قرار دادن رشته‌های پزشکی، در آینده اقدام به تأسیس بیمارستان رضوی نموده است.

۱۸. بیمارستان رضوی: بیمارستان ۳۲۰ تخت‌خوابی رضوی با ۴۴۷۵۰ متر مربع زیربنا در پنج طبقه شامل بخش‌های جراحی، کلینیک‌های تخصصی، آزمایشگاه، اتاق عمل، کتابخانه و ... احداث شده و در حال تجهیز می‌باشد.

### ارائه خدمات برتر به زائرین

بیش از ۱۰,۰۰۰ هزار نیروی مخلص بصورت شبانه‌روزی و در تمامی ایام سال در خدمت به زائرین گرامی حضرت رضا علیه السلام در رابطه با اداره حرم مطهر و ارائه انواع خدمات گسترده به زائرین عزیز تلاش می‌کند بخشی از آنها نیروهای افتخاری حرم مطهر در قالب خدمه، گروه ارشاد و بسیج خواهران و برادران و ... هستند.



اماکن متبرکه رضوی: شامل ۳ مدیریت، ۱۲ اداره، بخش‌ها و دفاتر متعدد فعالیت می‌کند:

#### ۱. مدیریت امور رفاه زائرین و خدمات

عناوین برخی از خدمات گسترده این مدیریت که با بیش از ۳۰۰ نفر پرسنل به زائرین گرامی حضرت رضاع(ع) ارائه می‌شود، عبارت است از:

**الف: اداره امور تسهیلات زائری: امداد به زائرین که بعنوان نمونه در شش ماهه اول سال جاری به تعداد ۱۶/۷۱۸ نفر از زائران نیازمند و در راه مانده کمک نموده است.**

- رسیدگی به امور گمشدگان در سطح حرم مطهر.

- آفت‌زدایی، سمپاشی، ضد عفونی و بررسی مسائل بهداشتی حرم مطهر.

- تحویل صندلی چرخ دار به زائرین سالمند و معلول.

- ثبت و نظارت و رسیدگی به امور شفایافتگان.

#### **ب: اداره امور خدمات زائرین:**

- توزیع دعوت‌نامه‌های مهمانسرا.

- خدمات دفن در حرم مطهر و خواجه ربیع.

#### **ج: اداره امور امانات و نگهداری اشیای گمشده**

- دریافت، تحویل و نگهداری امانات و رسیدگی به اشیای گمشده.

#### **د: اداره امور روشنایی:**

تأمین روشنایی روضه منوره و رواق‌ها و اماکن متبرکه حرم رضوی.

#### **هـ: بخش سرایداری:**

- نظافت عمومی اماکن متبرکه.

۲. مدیریت امور انتظامات و تشریفات

- حفظ نظم و امنیت در اماکن متبرکه.

۳. اداره‌ی مهمانسرا

این اداره در شش‌ماه اول سال جاری بیش از یک میلیون و ۳۷ هزار نفر زائر و خادم پذیرا شده است.



#### ۴. مدیریت امور خدمه:

که در چهار اداره امور خدام فراشان و حفاظ، دربانان و امور کفشداری در قالب زیر ارائه خدمت می‌کند.

- شستشوی روضه منوره، راهنمایی و ارشاد و ایجاد فضایی آرام جهت زائرین در رواق‌ها و ...

- آماده‌سازی مراسم خطبه و صغه، تعویض گل‌های ضریح مطهر و

- غبارروبی و تطهیر صحن‌ها، نظارت بر تردد زائرین در... صحن‌ها، انتقال افراد شفایافته به دفاتر ذریبط و ...

- دریافت و تحویل کفش‌های زائرین در مبادی ورودی رواق‌ها.

برخی فعالیت‌های خدماتی و عام المنفعه:

آستان قدس رضوی در کنار خدمات فرهنگی به زائرین، اقدام به انجام برخی خدمات عام المنفعه در سایر نقاط کشور نموده که از آن جمله است:

از آن جمله است تأسیس مؤسسه امداد به منظور کمک به اقشار محروم و نیازمند.

- احداث ۲۵۳ واحد مسکونی در جنوب خراسان.

- احداث ۱۴ واحد آموزشی و خوابگاه در جنوب خراسان.

- احداث حسینیه و مجتمع‌های رفاهی بین راهی در جنوب خراسان.

- احداث ۵۵ واحد مدرسه در مناطق زلزله زده جنوب خراسان.

- احداث شهر هویزه با ۲۰۰۰ واحد مسکونی.

- کمک‌های نقدی و غیر نقدی به جبهه‌های جنگ تحمیلی.

- کمک به سازمان‌های خیریه و توانبخشی.

- کمک به مراکز آموزشی و اهدای زمین در متراژ ۳ میلیون متر مربع.

- احداث شهرک‌های مسکونی (رضوی، معلولین، کنه بیست، بیلدر، ثامن و ...)

- توسعه بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان بیمارستان امام رضا علیه السلام.

- تجهیز بخش زنان بیمارستان امام رضا علیه السلام.

- احداث ساختمان بخش قلب بیمارستان امام رضا علیه السلام.

- توسعه واحدهای درمانی یزد و کرمان.



- احداث بیمارستان امام رضا علیه السلام در سیرجان.
- بیمارستان چناران.
- احداث و یا کمک به ۱۱۰ باب مسجد در خراسان و دیگر استان‌های کشور.
- بازسازی و توسعه مرقد شهید مدرس در کاشمر.
- بازسازی و توسعه مرقد امام زاده حسین بن موسی کاظم (ع) در طبس.

منبع: نشریه پاسدار اسلام، آذر سال ۱۳۸۴، شماره ۲۸۸

## فهرست تفصیلی مطالب

۱. ضرورت بازتعریف مدل تأمین نیازهای انسان‌ها به منظور رفع اصطکاک اراده‌ها و در نتیجه تسریع روند پیشرفت کشور. ۱
- ۱/۱. ضرورت بازتعریف هرم نیازهای خانوار به دلیل ارائه تعریفی جدیدی برای مدیریت شهری (مدیریت شهر به محوریت محلات) ..... ۱
- ۱/۱/۱. تفریح؛ صدر هرم نیازهای خانوار به دلیل ضرر دیدن دین و دنیای افراد در صورت کسل‌بودنشان ..... ۱
- ۱/۲. وابسته‌بودن رفع اصطکاک بین انسان به بازتعریف هرم نیازهای خانوار؛ دلیل ضرورت بازتعریف هرم نیازهای خانوار. ۲
- ۱/۲/۱. لزوم برقراری ارتباط با ذهن و دل انسان‌ها به منظور رفع اصطکاکات میان آنها و حاصل‌شدن این ارتباط در صورت توجه به نیازهای افراد؛ دلیل انتخاب نیاز به عنوان محور رفع اصطکاکات جامعه ..... ۲
۲. هدایت‌بنیان‌بودن اداره‌ی جامعه در اسلام؛ مقدمه بازتعریف مدل تأمین نیازهای روزمره ..... ۳
- ۲/۱. دائم‌المصرف‌بودن، دائم‌الارتباط‌بودن و دائم‌التصمیم‌بودن انسان‌ها و وابسته‌بودن کنترل این و جهت‌دهی به این سه ویژگی به هدایت انسان‌ها؛ یکی از دلائل عقلی هدایت‌بنیان‌بودن اداره جامعه ..... ۳
- ۲/۲. محول‌کردن اقامه قسط به عنوان یکی از ابعاد اداره جامعه به مردم و مشارکت مردم در تحقق قسط در صورت هدایت آنها؛ یکی از دلائل نقلی هدایت‌بنیان‌بودن اداره جامعه ..... ۵
۳. ضرورت بازتعریف مدل تأمین نیازهای روزمره به محوریت زهد به دلیل مشغول‌شدن فکر افراد به مصرف در مدل فعلی تأمین نیازهای روزمره و در نتیجه عدم امکان هدایت انسان‌ها در اثر مشغول‌شدن فکر آنها ..... ۷
- ۳/۱. اشغال و عا و فکر انسان و در نتیجه کم‌شدن احتمال هدایت فرد؛ ثمره افزایش سطح مصرف انسان‌ها و مصرفی‌شدن ابناء بشر ..... ۷
- ۳/۱/۱. وجود نسبت معکوس بین میزان غذای افراد و میزان تفکر و عالم‌شدن آنها؛ دلیل اول اشغال فکر در صورت افزایش سطح مصرف ..... ۸
- ۳/۱/۲. تنوع‌طلب‌شدن انسان‌ها و لزوم تفکر انسان برای ایجاد تنوع در محصولات مصرف خود؛ وجه دوم اشغال فکر در صورت مصرف زیاد ..... ۸
- ۳/۱/۳. لزوم افزایش درآمد فرد در صورت افزایش مصرف او و مشغول‌شدن فکر فرد به اشتغال زیاد؛ وجه سوم اشغال فکر در صورت مصرف زیاد ..... ۹
- ۳/۲. لزوم مدیریت مصرف انسان‌ها به محوریت زهد برای جلوگیری از اشغال و عا و فکر انسان‌ها ..... ۱۰
- ۳/۳. لزوم تغییر مدل فعلی تأمین نیازهای روزمره به دلیل وجود اصلی به نام رقابت در این اقتصاد و مصرفی‌شدن مردم در اثر این اصل ضد هویت دینی ..... ۱۱
- ۳/۳/۱. کم‌شدن قیمت کالاها و افزایش کیفیت آنها؛ دلیل جریان توسعه‌گرا برای استفاده از اصل رقابت ..... ۱۱
- ۳/۳/۲. تکثر تولیدکنندگان و در نتیجه افزایش تبلیغات و در نتیجه مصرفی‌شدن انسان‌ها؛ دلیل افزایش سطح مصرف در اصل رقابت ..... ۱۲
- ۳/۳/۳. استفاده از مکانیزم‌های حاصل از سود اجتماعی؛ راهکار ارائه کالای ارزان‌قیمت و با کیفیت ..... ۱۳
- ۳/۳/۳/۱. استفاده از قرض‌الحسنه‌های جمع‌شدن توسط بانک‌ها (۱۰۰ هزار میلیارد تومان) در تولید و در نتیجه تولید ارزان قیمت؛ یکی از مکانیزم‌های جایگزین اصل رقابت ..... ۱۴
- ۳/۳/۳/۲. استفاده از موقوفات برای راه‌اندازی بنگاه‌های تولید و تولید کالای ارزان قیمت؛ یکی دیگر از مکانیزم‌های جایگزین اصل رقابت ..... ۱۶
۴. جلوگیری از استثمار افراد از طریق پرورش زهد در آنها؛ جایگاه مدل تأمین نیازهای روزمره در رفع اصطکاک اراده‌ها به عنوان محور اصلی بازتعریف هرم نیازهای خانوار ..... ۱۷
- پرسش و پاسخ ..... ۲۰



۱. تدریجی بودن نظام‌سازی اجتماعی و عدم امکان نظام‌سازی همه‌جانبه در زمان امام خمینی علیه السلام و در مرحله نظام اسلامی؛  
دلیل پذیرش موضوع قانون توسط حضرت امام علیه السلام ..... ۲۰
۲. تسلط امام علیه السلام بر روی نظام‌سازی اجتماعی و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و لزوم تعمیم نظریه نظام‌سازی اجتماعی در  
حال حاضر به تمام حوزه‌ها به دلیل فراهم بودن شرایط انجام این کار ..... ۲۲
- پیوست شماره ۱ ..... ۲۵



---

## جلسه یازدهم

---

تبیین نگاه مطلوب مدیریت شهری، شناسایی معضلات تهدیدکنندهی محلات و تهیه شناسنامه نیازهای چهارگانه خانوار؛ سه دستور کار فعلی برای تغییر مدیریت شهری



۱۶ تیرماه ۱۳۹۵

نشست تبیین مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

**عنوان جلسه یازدهم و تدوین گران:** تبیین نگاه مطلوب مدیریت شهری، شناسایی معضلات تهدیدکننده‌ی محلات و تهیه شناسنامه نیازهای چهارگانه خانوار؛ سه دستور کار فعلی برای تغییر مدیریت شهری / ابوالفضل آریان‌پور - سجاد حسن‌زاده

**ارائه‌دهنده‌ی جلسه:** حجت‌الاسلام و المسلمین علی کشوری

**تاریخ جلسه:** ۱۳۹۵/۰۴/۱۶ **مکان جلسه:** تهران - مدرسه علمیه مروی

**حاضرین در جلسه:** جمعی از طلاب حوزه علمیه مروی و پژوهشگران اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

**مشخصات اثر:** ۲۰ صفحه رنگی (۲۱\*۲۹,۷ س.م) **تاریخ انتشار:** مرداد ماه ۱۳۹۵

**اجمالی از جلسه:** در جلسات گذشته به تبیین مفهوم مدیریت شهری پرداخته و دیدگاه مطلوب الگوی پیشرفت اسلامی از مدیریت شهری را تبیین نمودیم. ماحصل ۱۰ جلسه گذشته این بود که؛ ۱. فلسفه مدیریت شهری ارتقا امر تربیت است ۲. مدیریت شهری برای ارتقا امر تربیت باید تأمین نیازهای چهارگانه خانوار در محله را در دستور کار قرار دهد ۳. برای تأمین هرم نیازهای خانوار در محله باید به بازتعریف هرم نیازهای خانوار و مدل تأمین این نیازها بپردازیم.

در این جلسه که آخرین جلسه از این سلسله جلسات می‌باشد به تبیین اقدامات عملیاتی‌ای که در حال حاضر می‌توان انجام داد خواهیم پرداخت. برای پیگیری مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی باید به انجام سه کار همت بگماریم. کار اولین تبیین گسترده تعریف مطلوب مدیریت شهری در مجامع نخبگانی کشور و در میان مردم می‌باشد؛ چراکه در صورت جا نینداختن دیدگاه مطلوب قادر به پیگیری آن در عرصه عمل نخواهیم بود. دومین کاری که باید در حال حاضر انجام دهیم شناسایی معضلات تهدیدکننده‌ی محلات هستند؛ در حال حاضر در محله‌های تهران معضلات مختلفی وجود دارند که موجب هدم محله می‌شوند. به عنوان مثال در محله امامزاده یحیی با پدیده‌ای به نام مهاجرت روبرو هستیم. سومین کاری که باید صورت گیرد تهیه شناسنامه محلات به محوریت هرم نیازهای خانوار می‌باشد؛ باید مشخص کنیم که در حال حاضر کدام‌یک از نیازهای خانوار در چه سطحی در محله تأمین می‌شوند و چه نیازهای را می‌توان فراهم کرد.

در پایان جلسه نیز به دو موضوعی که در اوائل همین دوره بیان گردید پرداخته شده است. این دو موضوع دو اشکال مدیریت شهری فعلی می‌باشد. یکی از اشکالات خطرناک مدیریت شهری فعلی، نهادینه کردن سکولاریسم است؛ سکولاریسم یعنی درک افراد از دین حداقلی باشد. چه کسی می‌تواند درک حداکثری از دین را به افراد منتقل کند؟ نهاد خانواده. وقتی مدیریت شهری نیازهای خانوار را در خارج از محله تأمین می‌کند، پدر و مادر فرصتی برای انتقال درک عمیق از دین به فرزندان خود ندارند و در نتیجه سکولاریسم پایه‌گذاری می‌شود.

اشکال دوم مدیریت شهری فعلی به خطر انداختن امنیت ملی است؛ باید توجه داشت که امنیت کشور ایران، امنیتی مردمی بوده و به دست خود مردم تأمین می‌شود نه با مدل‌های دافوس و ... اما مردم چه زمانی به دفاع از کشور و انقلاب می‌پردازند؟ زمانی که نگرش‌های آنها با انقلاب همراه و هم‌سو باشد. چه کسی نگرش‌های هم‌سو را ایجاد می‌کند؟ پدر و مادر. اما با مدیریت شهری فعلی پدر و مادر فرصتی برای اصلاح نگرش فرزندان خود ندارند و در نتیجه به مرور امنیت ملی کشور به خطر می‌افتد.

تبیین نگاه مطلوب مدیریت شهری، شناسایی معضلات تهدیدکننده‌ی محلات و تهیه شناسنامه نیازهای چهارگانه خانوار؛ سه دستور کار فعلی برای تغییر مدیریت شهری

تدوین گران: ابوالفضل آریان‌پور - سجاد حسن‌زاده

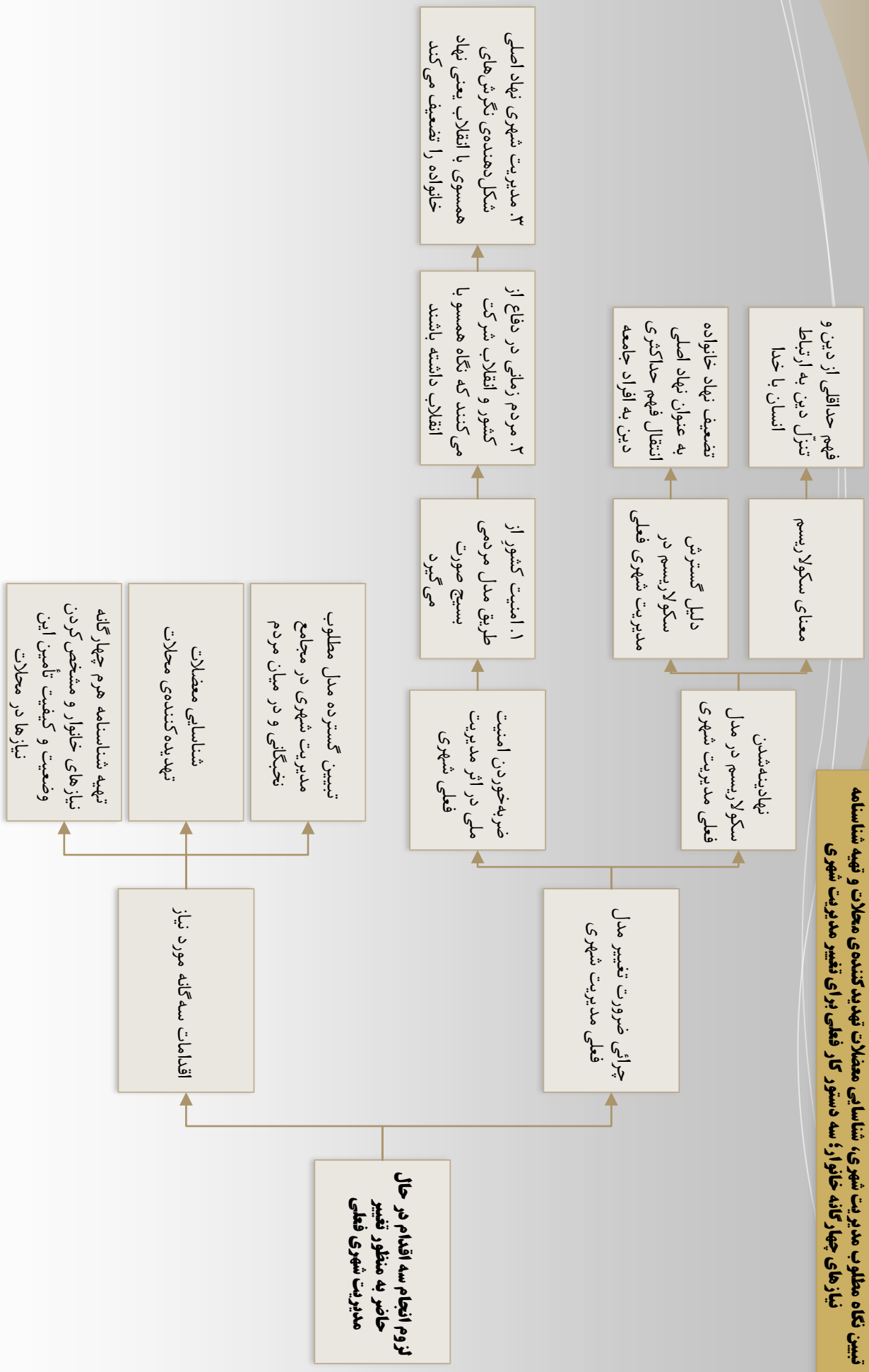
تاریخ انتشار: مرداد ماه ۱۳۹۵

ویراست اول

## فهرست اجمالی مطالب

۱. تبیین نگاه مطلوب مدیریت شهری، شناسایی معضلات تهدیدکننده‌ی محلات و تهیه شناسنامه نیازهای چهارگانه خانوار؛ سه دستور کار فعلی برای تغییر مدیریت شهری..... ۱
۲. مدیریت شهری فعلی؛ ریشه ایجاد سکولاریسم (درک حداقلی از دین) در جامعه به دلیل ضربه‌زدن این نوع از مدیریت به نهاد خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد تربیتی و انتقال‌دهنده‌ی معارف بلند دینی به افراد..... ۴
۳. به چالش‌کشیدن امنیت ملی؛ یکی دیگر از معایب مدیریت شهری فعلی..... ۹
- پرسش و پاسخ..... ۱۵
۱. اثرگذاری بیشتر رفتار پدر و مادر بر کودک نسبت به گفتار آنها..... ۱۵
۲. لزوم مواظبت بر چهار دوره (انعقاد نطفه تا تولد، تولد تا هفت‌سالگی، هفت‌سالگی تا چهارده‌سالگی و چهارده‌سالگی تا ۲۱ سالگی) به منظور تربیت صحیح فرزندان..... ۱۵
- پیوست شماره ۱..... ۱۸

تبیین نگاه مطلوب مدیریت شهری، شناسایی معضلات تهدید کنندهی محلات و تهیه شناسنامه نیازهای چهارگانه خانوار؛ سه دستور کار فعلی برای تغییر مدیریت شهری





**۱. تبیین نگاه مطلوب مدیریت شهری، شناسایی معضلات تهدیدکننده‌ی محلات و تهیه شناسنامه نیازهای چهارگانه خانوار؛ سه دستور کار فعلی برای تغییر مدیریت شهری**

**۱/۱. مدیریت شهری به محوریت محلات (محلّه به معنای محلّ تأمین هرم نیازهای خانوار)؛ تعریف مطلوب مدیریت شهری با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی**

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین لا سیما بقیه الله فی الأرضین ارواحنا لتراب مقدمه الفداء و عجل الله تعالی فرجه الشریف.

عید سعید فطر سال ۱۴۳۷ را خدمت شما تبریک و تهنیت عرض می‌کنم. ان شاء الله امروز آخرین جلسه از دوره اول تبیین «مفهوم مدیریت شهری از نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» خواهد بود. در جلسات گذشته چهار سر فصل اصلی را محضر دوستان عرض کردم. سر فصل اول از مباحث عبارت از این بود که فلسفه مدیریت شهری چیست. بیان شد که از منظر مفاهیم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، فلسفه مدیریت شهری ارتقا امر تربیت است. بعد از استدلال‌هایی که در سر فصل اول انجام شد و اثبات گردید که مدیریت شهری باید در خدمت ارتقا امر تربیت باشد، سر فصل دوم مباحث با عنوان تعریف مدیریت شهری در دستور کار قرار گرفت. بیان شد که مدیریت شهری از نظر مفاهیم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت عبارت از مدیریت محلّه‌محور است و محلّه عبارت از محلّ تأمین نیازهای خانوار است. بعد از طی این سر فصل، سر فصل سوم مباحث آغاز شد که در سر فصل سوم حول ضرورت بازتعریف هرم نیازهای خانوار هم از حیث جایگاه و هم از حیث مدلّ تأمین بحث کردیم. بیان شد که چون نیازهای انسان از شخصیت او قابل حذف نیست همیشه در وعاء فکر خود راجع به نیازهایی که دارد تفکر و تأمل می‌کند. بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که بیشترین فکری که انسان‌ها در طول دوران زندگی انجام می‌دهند، افکاری است که ناظر به تأمین



نیازها و چگونگی رفع آنهاست. پس ما می‌توانیم با وسیله قرار دادن مدل تأمین نیازها، در حوزه فکر انسان‌ها تأثیر بگذاریم. ما بر اساس این اصل ورود پیدا کرده و هر چهار نوع نیازی که باید در محله وجود داشته باشد را بازتعریف کردیم. محور بازتعریف ما هم آیه قرآن است که به ما امر فرموده: «لَا تَنَازَعُوا عَنَّا فَتُفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»<sup>۱</sup>. به هر حال تفریح، اشتغال، تحصیل و تأمین نیازهای معیشتی همگی باید به شکلی باشند که زمینه‌های نزاع و اصطکاک بین اراده‌ها را در جامعه از بین ببرند. این نکات را به صورت مفصل بررسی کردیم.

**۱/۲. لزوم انجام سه کار در حال حاضر برای بیکری تعریف مطلوب مدیریت شهری در عرصه اجرا**

یک نکته بسیار مهمی را در آغاز مباحث عرض کردم که آن هم یک سرصل جداگانه است. آن موضوع هم این است که ما مسأله مدیریت شهری را در حوزه **نمونه‌سازی‌ها** بحث می‌کنیم. راجع به خاصیت نمونه‌سازی همین موضوع کافی است که اگر مفاهیم مرتبط با یک نمونه‌سازی با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مورد بررسی نخبگان قرار گیرید، سطح درک آنها از مفهوم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ارتقا پیدا می‌کنند. اینکه جایگاه نمونه‌سازی چیست و چه خاصیت‌هایی برای امروز جامعه‌ی ما دارد سرفصلی بود که گذشت. امروز آخرین سر فصل بحثی را خدمت شما بحث می‌کنم. این سرفصل عبارت است از اینکه؛ با توجه به تعاریف ارائه چه کارهایی را می‌توان در حوزه مدیریت شهری در دستور کار قرار داد. به نظر بنده سه کار را بر اساس مفاهیم بحث شده می‌توان در دستور کار قرار داد.

**۱/۲/۱. تبیین گسترده معنای مطلوب مدیریت شهری؛ اولین فعالیت لازم برای بیکری تعریف مطلوب مدیریت شهری در عرصه اجرا**

کار اول این است که ما راجع به همین معنای مدیریت شهری گفتمان‌سازی انجام دهیم، آن را بسط داده و در شهر تبیین کنیم؛ چون اگر درک مشترک از مدیریت شهری پیدا نشود، نظریه‌ای که مطرح شد قابلیت اجرا پیدا نخواهد کرد. البته این بحث در همه‌ی مسائل جاری است و اگر کسی می‌خواهد یک پژوهش انجام شده را به سرانجام برساند، نباید مستقیماً به سمت عملیاتی‌کردن یا به اصطلاح نقشه راه به سمت پردازش برود، بلکه همیشه بین **دوران پژوهش و دوران پردازش و اجرا** دورانی موسوم به **دوران پرورش و تفاهم و گفتمان‌سازی** به عنوان واسطه وجود دارد. بنابراین طبق این قاعده‌ی کلی دستور کار اول ما برای ایجاد تغییر در مدیریت شهری مسأله گفتمان‌سازی جدی راجع به تعریف خاص خودمان از مدیریت شهری است. همانطور که در جلسات گذشته عرض شد، نخبگان و مدیران ما کمتر دغدغه بحث‌هایی که در این دوره مطرح کرده‌ایم را دارند.

البته اخیراً که به انتخابات‌های شورای شهر نزدیک می‌شویم عده‌ای مباحث خود را مطرح می‌کنند و می‌خواهند نامزد شورای شهر شوند. بنده وقتی برخی از حرف‌ها و سخنرانی‌های آنها را بررسی می‌کنم می‌بینم که مثلاً شعار آنها حل مشکل بودجه‌ی شهرداری است. البته شهرداری‌ها از حیث تأمین هزینه دچار مشکل هستند؛ اما اینکه یک عضو شورای شهر این موضوع را آرمان قرار دهد، به این معناست که شورای شهر تشکیل شده با چنین اعضای دچار روزمرگی خواهد شد. پس اصلاً فضای این مباحث در حال حاضر مطرح نیست؛ اما انتخابات شوراها فرصت خوبی است که ما بتوانیم گفتمان‌سازی با نوع نگاه مدیریت شهری را در جامعه بسط دهیم، این کار اولی است که باید در جامعه انجام دهیم.

۱. وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا عَنَّا فَتُفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ / آیه ۴۶ سوره انفال

و از خدا و پیامبرش فرمان برید، و با یکدیگر نزاع و اختلاف مکنید، که سست و بد دل می‌شوید، و قدرت و شوکتتان از میان می‌رود؛ و شکیبایی ورزید؛ زیرا خدا با شکیبایان است.

**۱/۲/۲. شناسایی****معضلات تهدیدکننده ی****محلات؛ دومین فعالیت****لازم برای پیگیری****تعریف مطلوب مدیریت****شهری در عرصه اجرا**

کار دوم این است که با استفاده از تعاریف ارائه شده نظام چالش‌های محلات فعلی را شناسایی کنیم، کار دوم هم باید در دستور کار قرار گیرد. فرض بفرمایید ما در منطقه دوازده محله‌ای موسوم به محله‌ی آبشار یا محله امامزاده یحیی یا محله خیابان ایران داریم. خب محلاتی که در منطقه دوازده هستند، براساس تعریف ما از مدیریت شهری چه معضلاتی دارند؟ تعریف موجود و تعریف ما چه می‌گفت؟ می‌گفت باید تفریح به معنای عمیق در محلات وجود داشته باشد. آیا در حال حاضر وجود دارد یا نه؟ اگر وجود ندارد پس انسان‌ها در آن محلات با کسالت روبرو هستند. بنابراین این محلات از حیث نبود یک تفریح عمیق و منطقی در حال به چالش کشیده شدن هستند، این موضوع باید بررسی شود. این کار باید با همکاری شورایی‌ها یا مساجد محوری محلات انجام شود. همچنین باید معضلاتی که مرتبط با نیازهای شغلی است مطرح شود. در برخی از مناطقی که ما بررسی کرده‌ایم هشتاد درصد افرادی که خانه‌ی آنها در این مناطق است برای کار از محله بیرون می‌روند، باید این موارد را شناسایی کرد. در مورد نیازهای تحصیلی مسأله به تدریج در حال حادث شدن است. الآن به دلیل اینکه قانون می‌گوید ثبت نام مدارس باید در محله‌ها و منطقه‌های خاصی اتفاق بیفتد، مردم به دلیل اینکه مدرسه‌ی منطقه آنها کیفیت لازم را ندارد اقداماتی را در دستور کار قرار می‌دهند تا فرزندان خود را در مدارس دیگر ثبت نام کنند. به عنوان مثال فیش آب منزلی که در نزدیکی آن مدرسه‌ی دلخواه وجود دارد را می‌برند تا آدرس خانه را به اسم صاحب آن فیش آب ثبت کرده و [با این حربه] فرزند خود را ثبت نام کنند، این اتفاقات در حال حاضر اتفاق می‌افتد. راجع به نیازهای روزمره هم به همین شکل است. بالآخره انسان‌ها در روز میوه مصرف می‌کنند، به پیاز و سیب‌زمینی و غیره هم نیاز دارند. برخی از محلاتی که دوستان بررسی کرده‌اند، محله هستند اما در آنها میوه فروشی وجود ندارد و یا میوه ارزان نیست. حالا شما بقیه نیازها را هم قیاس کنید. بنده چند مثال ساده می‌زنم. فرض بفرمایید در یک محله گاهی به فاصله چند کیلومتر میوه‌فروشی وجود ندارد، در اینصورت خانواده برای تأمین میوه که یک نیاز روزمره‌ی ساده است به چالش کشیده خواهند شد و مجبور هستند وقت زیادی را صرف کنند تا بتوانند این نیاز ساده را تأمین کنند. بنابراین ما باید محلات را به محوریت هرم نیازهای خانوار آسیب‌شناسی کرده و چالش‌های آنها را بدست بیاوریم. برخی از این محلات مشکلات خاصی دارند؛ مثلاً در برخی از محلات با پدیده‌ی مهاجرت روبرو هستیم. مثلاً در منطقه امامزاده یحیی - که یک محله با بافت قدیمی است و جزء محلات تاریخی تهران محسوب می‌شود - شهرداری به دلایل خاصی اجازه ساخت و ساز نمی‌دهد. چون شهرداری اجازه ساخت و ساز نمی‌دهد، ساخت و سازها در محله امامزاده یحیی محدود شده است و در نتیجه ارزش ملک در این منطقه افت پیدا کرده است. لذا معمولاً افرادی که از شهرستان‌ها برای کار به تهران می‌آیند، در محله‌ی امامزاده یحیی سکونت گزیده‌اند. پس یک تصمیم شهرداری باعث شده جمعیت زیادی از بیرون محله به درون محله تزیق شوند و این موضوع برای محله چالش درست کرده است. یا مثلاً چون منطقه‌ی ایران بافت مذهبی دارد، مسئولین زیادی در آنجا سکونت دارند و این سکونت مسئولین باعث شده است که تغییراتی در ماهیت آن محله ایجاد شود. پس باید معضلات خاص را نیز بررسی کنیم؛ بالآخره اگر قرار است ما محله را احیا کنیم، یکی از بحث‌ها این است که بدانیم نظام چالش‌هایی که این محلات با آنها روبرو است چه چیزی می‌باشند. این هم کار دومی است که باید انجام گیرد.

۲. رئیس ستاد ثبت نام وزارت آموزش و پرورش علی زرافشان در مصاحبه اختصاصی با خبرنگار خبرگزاری صدا و سیما بیان کرد: مدرسه‌ها امسال فقط دانش‌آموزان محدوده جغرافیایی تعیین شده برای آنها را ثبت نام می‌کنند و محدوده محل سکونت هر دانش‌آموز با ارائه سند، اجاره‌نامه یا فیش آب و برق مشخص خواهد شد.

خبرگزاری صدا و سیما <http://www.iribnews.ir/fa/news/1182797>





**۱/۲/۳. تهیه شناسنامه  
هرم نیازهای چهارگانه  
افراد؛ سومین فعالیت  
لازم برای پیگیری  
تعریف مطلوب مدیریت  
شهری در عرصه اجرا**

کار سومی که باید انجام دهیم این است که به محور نیازهای خانوار برای هر چهار نوع نیازی که در این سبد مطرح کرده‌ایم شناسنامه تهیه کنیم؛ یعنی پس از اینکه معضلات را شناسایی کرده و کنار گذاشتیم باید ببینیم محله چه مزیت‌هایی دارد. فرض بفرمایید در محله امامزاده‌ی یحیی چند نوع شغل وجود داشته یا می‌تواند وجود داشته باشد؟ باید بر روی این امور محاسبه انجام شود. بعد باید به استانداردهای خوبی هم برسیم؛ مثلاً باید قواعدی داشته باشیم تا بتوانیم این موارد را طبقه‌بندی کنیم. مثلاً در منطقه امامزاده یحیی در حال حاضر چند محل تفریحی وجود دارد؟ و اساساً این مناطق تفریحی مبتنی بر تفریح به معنای عمیق هستند یا به معنای تفریح سطحی؟ این موارد باید شناسنامه‌دار شوند. لذا محلات ما باید شناسنامه‌ی مشاغل داشته باشند؛ شناسنامه‌ی محلات تفریحی داشته باشند، شناسنامه محل‌های تحصیل و شناسنامه نیازهای روزمره داشته باشند. وقتی این موارد را تأمین کنید تازه دست شما برای برنامه‌ریزی باز خواهد شد. به دلیل اینکه بر اساس تعریف پایه خود محله‌ای که می‌خواهید در آن تغییر ایجاد کنید را شناسایی کرده‌اید. پس این سه موضوع اولویت دارد. کارهای دیگری هم باید انجام گیرد که آنها را برای بعد گذاشته‌ایم و در آینده توضیح خواهیم داد.

مثلاً به نظر من باید یک جریان جدی برای نقد تصمیمات ضد محله راه بیفتد؛ ما نباید بگذاریم مدیریت شهری از این به بعد تصمیماتی را بگیرد که محلات را به چالش می‌کشد. پس یک جریان مطالبه‌ای هم به محوریت این موضوع باید ایجاد شود. حالا کارهای دیگری نیز باید انجام شود؛ اما این چند موردی که بنده عرض کردم اولویت دارند. پس کار اول این است که ما نگاه خود برای مدیریت شهری را تبیین کنیم. کار دوم این است که نظامی از معضلات تهدیدکننده‌ی محلات را شناسایی کنیم. کار سوم این است که وضعیت نیازهای چهارگانه در محلات را شناسنامه‌دار کنیم. این کاری است که باید انجام گیرد.

**۲. مدیریت شهری فعلی؛ ریشه ایجاد سکولاریسم (درک حداقلی از دین) در جامعه به دلیل ضربه‌زدن این نوع از مدیریت به نهاد خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد تربیتی و انتقال‌دهنده‌ی معارف بلند دینی به افراد**

**۲/۱. سکولاریسم (درک  
حداقلی از دین)؛ ثمره  
مدیریت شهری فعلی**

دو نکته دیگر را بنده عرض کنم و بحث امروز را جمع‌بندی کنیم؛ بیان شد که مدیریت شهری ریشه سکولاریسم است. اجازه دهید این موضوع را شرح بیشتری بدهم. ببینید! سکولاریسم یعنی ما جایگاه دین را از حوزه دخالت اجتماعی به حوزه رابطه قلبی فرد با خدا تنزل دهیم، این معنای ساده سکولاریسم است. چه موقع انسان‌ها به این نقطه می‌رسند که دین فقط یک سری توصیه اخلاقی بوده و حداکثر رابطه زندگی فرد با خدا را تنظیم می‌کند؟ چه زمانی این حالت در فرد ایجاد می‌شود؟ این یک سؤال است. در واقع آنهایی که به دنبال سکولاریسم هستند چکار می‌کنند که یک جامعه سکولار می‌شود؟ جامعه سکولار می‌شود یعنی نگاه حداقلی به دین پیدا می‌کند.

ببینید! بنده مثال می‌زنم؛ مثلاً ما هر ساله به مقدار یک عدد خاصی زائر به مکه می‌فرستیم و آنها به حج رفته و زیارت می‌کنند،<sup>۳</sup> تعداد خاصی به حج می‌روند.<sup>۴</sup> درک این افراد از حج چیست؟ بالاخره آنها به حج رفته و حاجی خواهند شد؛ اما نگاه آنها به حج، حج ابراهیمی نیست، تعداد زیادی از این افراد به صورت سنتی به حج می‌روند. فرق بین حج ابراهیمی و سنتی چیست؟ در حج سنتی

**۲/۱/۱. عدم فهم حج  
ابراهیمی (حج به قصد برائت  
از مشرکین) و رفتن به حج  
برای زیارت و کسب ثواب حج؛  
نمونه‌ای از درک حداقلی دین**

۳. سکولاریسم نباید چیز عجیب و غریبی در ذهن شما باشد؛ زیرا در اطراف ما زیاد اتفاق می‌افتد.

انتقال از متن

۴. برای مثال به گفته سعید اوحدی رئیس سازمان حج و زیارت تعداد زائران ایرانی حج تمتع سال ۱۳۹۴ حدود ۶۱ هزار نفر بود.

خبرگزاری تسنیم، کد خبر: ۶۵۷۷۱۲

مناسک را به جا می‌آورند و غرض اصلی این است که عبادت خدا را انجام داده باشند و ان شاءالله خداوند متعال نیز این حج را ذخیره آخرت قرار دهد، این درک از حج است که ما از آن به حج سنتی تعبیر می‌کنیم. حال آیا وقتی اسلام یک نفر را که مستطیع<sup>۵</sup> شده به حج می‌فرستد مرادش از حج همین است؟ وقتی روایات را بررسی می‌کنیم می‌بینیم به این شکل نیست. باید در حج دو معنا رعایت شود تا اصطلاحاً حج ابراهیمی شده به اوج خود برسد؛ یکی برائت از مشرکین است که جزء ارکان حج است. اساساً کلمه‌ی حج را از اتمام حجت گرفته‌اند؛ وقتی بیان می‌کنند که فلانی به حج می‌رود یعنی می‌رود اتمام حجت کند. با چه کسی؟ با مشرکین. این معنای حج می‌باشد که دارای معنای عمیقی است. در حال حاضر به حج می‌روند؛ اما مثلاً به آنجا رفته و اقامت بازار آنها را به کشور می‌آورند. در ذهن حاجی‌های ما برائت از مشرکین جدی نیست و همین سکولاریسم است؛ یعنی شما درک خاصی از حج پیدا می‌کنید و حج بی‌خاصیت می‌شود. حاجی با آن همه عظمت به دلیل اینکه درک او از حج ناقص است، حجتی که انجام می‌دهد برای او بی‌خاصیت خواهد شد. حالا که البته یک نفر از مسئولین هم به آنجا رفته و امضا می‌دهد که مراسم برائت از مشرکین را در زیر چادر انجام خواهیم داد. یک آقای مسئولی بعد از قضیه حج سال ۱۳۶۶ به آنجا رفت و این تصمیم را گرفت. این دیگر جزء عجایب است که برخی از مسئولین ما خودشان معنای حج را نمی‌دانند.<sup>۶</sup> اخیراً هم یکی از شروط حج این بود که دیگر حتی زیر چادر هم برائت از مشرکین انجام نشود که حکومت و مراجع این امر را قبول نکردند. پس ببینید حج یک معنایی دارد؛ در روایت آمده است که «تمام الحجه لقاء الإمام»<sup>۷</sup> کسی که یک حج خوب را به جا می‌آورد «لقاء الإمام» می‌کند، یعنی در آخر به ملاقات امام می‌رسد. معروف است که در همه‌ی حج‌ها حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء حضور دارند.<sup>۸</sup> حج باید به معرفه‌الإمام ختم شود؛ اما ماها چنین درکی نداریم، درک ما از حج یک درک سنتی است.<sup>۹</sup>

۲/۱/۲. عدم فهم معنای عمیق زیارت امام (رفتن برای نصرت و امداد به امام) و زیارت معصوم به قصد کسب آرامش و سکینه و حل شدن مشکلات؛ نمونه‌ای دیگر از سکولاریسم و درک حداقلی از دین

مثلاً ما در حال حاضر به زیارت می‌رویم، اما زیارت چیست؟ ما هو زیارت؟ در حال حاضر اصل زیارت در جامعه ما جریان دارد اما تقریباً در ذهن همه این مطلب شکل گرفته که اگر شما به زیارت بروید اولاً حالت سکینه‌ای در شما ایجاد می‌شود و آرامش پیدا خواهید کرد، این یک خاصیت زیارت است که مردم آن را درک می‌کنند. وقتی مشکلی برای آنها به وجود می‌آید به همدیگر سفارش

۵. استطاعت به معنای قدرت بر انجام تکلیف و قدرت شرعی بر انجام مناسک حج می‌باشد.

۶. برای به دست آوردن درک اجمالی نسبت به این مطلب به پیوست شماره ۱ مراجعه شود.

۷. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ جَابِرِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ رضي الله عنه قَالَ: تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ.

امام باقر رضي الله عنه فرمودند:

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، انتشارات دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۴۹

۸. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُثَنَّى، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَكْرِ، عَنْ عَبْدِ بْنِ زُرَّارَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ رضي الله عنه قَوْلًا: «يَقْدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ، يَشْهَدُ» (المؤسس، فیراهم و لا یرونه)

زراره می‌گوید از امام صادق رضي الله عنه شنیدم که می‌فرمودند: امام خود را نمی‌بینند. وی در موسم (مراسم حج) حضور پیدا می‌کند. وی آنان را می‌بیند، ولی آنان وی را نمی‌بینند.

کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، قم، انتشارات دارالحدیث، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۱۵۰

۹. اخیراً یک طایفه‌ای هم پیدا شده‌اند که هرچند در اقلیت هستند اما اگر آنها را جدی بگیریم در آینده زیاد خواهند شد. نگاه آنها به حج یک حج توریستی است. مثلاً یک عده‌ای به آنتالیا رفته و در مقابل، یک عده هم به مکه می‌روند تا بازدیدی انجام دهند و برگردند. این افراد کم هستند اما وجود دارند؛ چون عربستان نقاط تاریخی نیز دارد. واقعاً وقتی بررسی می‌کنیم در می‌یابیم که عده‌ای به این نیت می‌روند. به هر حال می‌خواستیم سکولاریسم را معنا کنیم که یعنی چه؛ یعنی درک شما از دین حداقلی باشد.

انتقال از متن

می‌کنند که مثلاً به مشهد بروید تا سبک شوید، این یک درکی است که در بین مردم وجود دارد. یک معنای دیگری هم برای زیارت وجود دارد مبنی بر اینکه افراد برای حل مشکلات به زیارت می‌روند؛ یعنی امام را دارالشفاء دانسته و به آنجا می‌روند تا مشکلاتشان حل شود. هر دو معنا هم درست است؛ اما سؤال این است که آیا معنای زیارت این است؟ آیا ما باید زیارت را در همین حد خلاصه کنیم؟ وقتی عبارات آخر زیارت آل یاسین را می‌خوانید شروع به زیارت امام زمان ارواحنا له الفداء می‌کنید، بعد در آخر آن زیارت می‌گویید: «نُصِرَتِي مَعْدَةٌ لَكَرُّ وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكَرُّ»؛ هدف اصلی زیارت نصرت و امداد امام است. حالا آیا این معنا در حال حاضر وجود دارد؟ به نظر بنده وجود ندارد. یعنی مردم به این نیت به زیارت نمی‌روند که بگویند ما می‌رویم که به امام خود کمک کنیم، یعنی مودت به امام خیلی جدی نیست. البته معنایی که مردم در حال حاضر از زیارت می‌فهمند اشتباه نیست، بلکه کامل نمی‌باشد. باید درک از زیارت ارتقا پیدا کند؛ یک زیارت خوب تغییر شاکله را در انسان ایجاد می‌کند. در باب زیارت امام رضا علیه السلام فرموده‌اند کسانی که زیارت ابا الحسن علیه السلام می‌روند وقتی برمی‌گردند ملائکه به آنها می‌گویند: گناهان آینده شما هم بخشیده شده است.<sup>۱۱</sup> این نوع از زیارت دارای معنای بسیار عجیبی است. چطور زیارت رفته که آینده او هم تضمین می‌شود؟! پیداست معرفتی به مسأله زیارت دارد.

در سوره ذاریات خداوند در آیه‌ای می‌فرماید: «فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ»<sup>۱۱</sup> به مردم می‌گوید به سوی خدا فرار کنید. فرار کردن به سوی خدا یکی از توصیه‌های خداوند در قرآن است، انسان باید به سوی خدا فرار کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: فرار به سوی خدا به معنای حج رفتن است، حج به معنای فرار کردن به سوی خداست.<sup>۱۲</sup> پس حج معنای ای دارد؛ حج برای انسانی است که می‌فهمد شیطان و دنیا او را محاصره کرده‌اند و می‌خواهند او را عاقبت به شر کنند و به همین دلیل به دنبال راه مفر می‌گردد و خداوند متعال نیز حج را روبروی او قرار می‌دهد. در روایت آمده است که زیارت امام رضا علیه السلام برابر با هفتاد حج ثواب دارد،<sup>۱۳</sup> یعنی زیارت امام رضا علیه السلام برابر با هفتادبار فرار کردن به سمت

۱۰. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَوْزَاعِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ قَالَ حَدَّثَنَا عُمَرَانُ بْنُ مُوسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ فَضِيلٍ عَنْ غِرَانَ [عَزَّ وَرَأَى] الصَّبِيِّ قَالَ أَخْبَرَنِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ إِسْحَاقَ عَنِ النُّعْمَانِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام سَيُقْتَلُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي بِأَرْضِ خُرَّاسَانَ بِاسْمِهِ طَمَّاسُ اسْمُهُ اسْمِي وَ اسْمُ أَبِيهِ اسْمُ ابْنِ عُمَرَ بْنِ مُوسَى عليه السلام أَلَا فَمَنْ زَارَهُ فِي غُرْبَتِهِ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا تَأَخَّرَ وَ لَوْ كَانَ مِثْلَ عَدَدِ النُّجُومِ وَقَطَّرَ الْأَمْطَارُ وَ وَرَقِي الْأَشْجَارِ. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: به زودی در سرزمین خراسان مردی از فرزندان من با زهر کشته خواهد شد که همان من است و نام پدر او نیز همان نام موسی علیه السلام پسر عمران است، بدانید کسی که او را در غربتش زیارت کند خداوند تمام گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد، حتی اگر به عدد ستارگان و قطره‌های باران و برگ‌های درختان باشد.

این بابویه، محمد بن علی؛ *الأمالی (للمصدق)*، تهران، انتشارات کتابچی، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۱۹

۱۱. فَقرُّوا إِلَى اللَّهِ إِي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ / آیه ۵۰ سوره ذاریات

پس به سوی خدا بگریزید [که] بی‌تردید من از سوی او بیم‌دهنده‌ای روشن‌گرم.

۱۲. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: فَقرُّوا إِلَى اللَّهِ إِي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ. قَالَ حُجُوجًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

امام باقر علیه السلام فرمودند: فَقرُّوا إِلَى اللَّهِ إِي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ یعنی حج خدا را به جا بیاورید.

کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*، تهران، انتشارات دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۲۵۶

۱۳. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ التَّيْسَابُورِيِّ عَنِ إِبرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَعِيدِ الْمَكِّيِّ عَنِ يَحْيَى بْنِ سَلِيمَانَ الْمَازِنِيِّ عَنِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام قَالَ: مَنْ زَارَ قَبْرَ وُلْدِي عَلِيٍّ كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ كَسْبَعِينَ حَجَّةً مَبْرُورَةً قَالَ قُلْتُ سَبْعِينَ حَجَّةً قَالَ نَعَمْ وَسَبْعِينَ أَلْفَ حَجَّةٍ قَالَ قُلْتُ سَبْعِينَ أَلْفَ حَجَّةٍ قَالَ رَبِّ حَجَّةٍ لَا تَقْبَلُ مِنْ زَارَةِ وَبَاتٍ عِنْدَهُ لِئَلَّا كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ قَالَ نَعَمْ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَانَ عَلَى عَرْشِ الرَّحْمَنِ أَرْبَعَةٌ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَأَرْبَعَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ فَأَمَّا الْأَرْبَعَةُ الَّذِينَ هُمْ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ فَنُوحٌ وَ إِبرَاهِيمُ وَ مُوسَى وَ عِيسَى عليه السلام وَأَمَّا الْأَرْبَعَةُ مِنَ الْآخِرِينَ فَحَمْدُ وَعَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ تُوْبَمُدُّ الْمِضْمَا فَيَقْعُدُ مَعَنَا مَنْ زَارَ قُبُورَ الْأَنْبِيَاءِ عليه السلام إِلَّا أَنْ أَعْلَاهُمْ دَرَجَةٌ وَ أَقْرَبُهُمْ حَبُورَةً وَ زَارَ قَبْرَ وُلْدِي عَلِيٍّ عليه السلام.

خداست. در زیارات معنای ای خوابیده است که اگر به آنها توجه نکنیم آن عبادت را انجام می‌دهیم ولی عبادت کم‌خاصیت می‌شود.

۲/۱/۳. **عدم فهم معنای عمیق نماز (طلب هدایت به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام) و نماز خواندن در پشت سر خلفای جور؛ نمونه‌ای دیگر از درک حداقلی از دین**

این عدم درک از عبادات در صدر اول اسلام تا جایی پیش رفت که مثلاً برای مردم تفاوتی نمی‌کرد پشت سر خلفا نماز بخوانند یا پشت سر امام امیرالمؤمنین علیه السلام، یعنی تفاوت این دو را درک نمی‌کردند. چرا؟ چون درکی از نماز نداشتند. اگر بر روی نماز کار فکری می‌شد می‌فهمیدند که در نماز آیه‌ای وجود دارد که می‌فرماید «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»<sup>۱۴</sup>. ما همیشه این دعا را می‌کنیم ولی "ما هو الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ"؟ این صراط مستقیمی که ما همیشه راجع به آن صحبت می‌کنیم چیست؟ در روایت آمده است که صراط مستقیم امیرالمؤمنین علیه السلام است.<sup>۱۵</sup> اگر کسی اهل فهم معارف باشد در نماز به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام هدایت می‌شود؛ صراط مستقیمی که ما مکلف به پیمودن آن هستیم ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است.

۲/۱/۴. **امضای برجام و مطرح کردن مسأله برد - برد و دادن امتیاز به استکبار جهانی توسط دولت یازدهم؛ نمونه‌ای دیگر از سکولاریسم و درک حداقلی از دین**

من نمی‌خواهم بحث را بسط دهم، غرض این است که بگویم: سکولاریسم چیزی نیست که شما ذره‌بین گرفته و فکر کنید آن را در جای خاصی پیدا خواهید کرد. سکولاریسم تا درون حوزه‌های علمیه نیز آمده است و برخی از ما سکولاریسم هستیم، منتهی بعضی از افراد سکولار پنهان و برخی سکولار آشکار هستند. اینکه می‌بینید در دهه چهارم انقلاب اسلامی سندی به عنوان برجام امضا می‌شود که بر پایه صلح با کفار است به معنای سکولاریسم می‌باشد. جناب آقای رئیس‌جمهور می‌فرمایند: راه حل مسائل ما برد - برد است.<sup>۱۶</sup> اگر ایشان فقط ترجمه آیات سوره‌ی توبه یا کافرون را می‌خواندند [متوجه می‌شدند که اینطور نیست]. بنده آیات را می‌خوانم تا شما ببینید که معانی قرآن چیست، اصلاً این معانی با برد - برد جمع نمی‌شوند. «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

امام کاظم علیه السلام فرمودند: کسی که قبر فرزندان را زیارت کند برای او نزد خدا ثواب هفتاد حج مقبول می‌باشد. راوی می‌گوید: محضرش عرضه داشتم: ثواب هفتاد حج؟! حضرت فرمودند: بلی، بلکه ثواب هفتصد حج؟! عرض کردم: هفتصد حج؟! فرمودند: بلی، بلکه ثواب هفتاد هزار حج. عرض کردم: هفتاد هزار حج؟! فرمودند: بلی، از این گذشته بسا حج مقبول واقع نمی‌شود کسی که آن حضرت را زیارت کند و شب را نزد آن جناب بیتوته کند، مثل کسی که است که خدا را در عرش زیارت کرده. عرض کردم: مثل کسی که خدا را در عرش زیارت کرده؟! حضرت فرمودند: بلی، هنگامی که قیامت به پا شود چهارتن از اولین و چهارتن از آخرین روی عرش خدا هستند. اما چهارتن از اولین عبارتند از: حضرت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام و اما چهارتن از متأخرین عبارتند از: حضرت محمد و علی و حسن و حسین صلوات الله علیهم اجمعین. سپس مجلس کشیده شده و در آن توسعه داده می‌شود و کسانی که قبور ائمه را زیارت کرده‌اند با ما روی عرش می‌نشینند. توجه داشته باش کسی که قبر فرزندان علی علیه السلام را زیارت کرده باشد درجه‌اش از دیگران اعلی و عطیه اهدائی او بهتر از سایرین می‌باشد.

کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تهران، انتشارات دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۵۸۵

۱۴. إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ / آیه ۶ سوره مبارکه حمد

ما را به راه راست هدایت کن.

۱۵. عَنْ دَاوُدَ بْنِ قَوْدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ يَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ يَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام.

بحرانی، سیدهاشم؛ تفسیر روایی البرهان، ج ۱، ص ۱۱۶

۱۶. اشاره به سخنان دکتر حسن روحانی در رابطه به قضیه هسته‌ای؛

حجت‌الاسلام و المسلمین حسن روحانی رئیس‌جمهور در افتتاحیه نشست سران کنفرانس تعامل و اعتمادسازی آسیا (سیکا): جمهوری اسلامی ایران براساس دکتربین دفاعی و مبانی اخلاقی و دینی خود، با تسلیحات اتمی مخالف است ولی استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای را حق خود و همه کشورها می‌داند و براین باوراست که با رویکرد برد - برد و به دور از زیاده‌خواهی و تهدید می‌توان مذاکرات جاری در مورد برنامه هسته‌ای ایران را به توافق نهایی رساند.

باشگاه خبرنگاران جوان، کد خبر: ۴۸۴۶۵۷۹



الرَّحِيمِ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ»<sup>۱۷</sup>؛ ای پیامبر ما! به کافرون بگو: «لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ»؛ من چیزی را که شما می‌پرستید نمی‌پرستم. و «وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ»؛ شما نیز چیزی را که ما می‌پرستیم، نمی‌پرستید. این سوره نحوه‌ی حرف‌زدن با کفار را توضیح می‌دهد. در آخر آیه نیز می‌فرماید: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَرَبِّي دِينٌ»؛ یعنی وقتی انسان توان زیادی ندارد و در مراحل اول قرار دارد بگوید: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَرَبِّي دِينٌ»؛ دین شما برای خودتان، دین ما نیز برای خودمان. این سوره‌ی کافرون است که نحوه‌ی صحبت با کفار را نشان می‌دهد. ما "به رسمیت شناختن" نداریم و لزومی ندارد نظم جهانی را قبول کنیم؛ ما یک نظم داریم و آنها نیز یک نظم دارند. سکولاریسم به همین معنایی است [که آقای رئیس‌جمهور] گفته‌اند. جناب آقای روحانی حداقل باید می‌گفتند: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَرَبِّي دِينٌ»؛ ما نظمی بر اساس معارف خودمان داریم و شما نیز نظمی دارید، شما نظم خودتان را داشته باشید و ما نیز نظم خودمان را به پیش می‌بریم. می‌دانید که الآن مسأله برجام ۲ و ۳ مطرح است.<sup>۱۸</sup> یکی از این برجام‌ها، برجام اقتصادی است؛ برجام اقتصادی یعنی ما در نظم اقتصادی جهان مندرج شویم؛ یعنی اقتصاد جهانی نظمی دارد و ما باید بخشی از این نظم و تقسیم کار جهانی در حوزه اقتصاد باشیم. سکولاریسم به همین معناست و اتفاقاً یک طلبه که عضو مجلس خبرگان رهبری می‌باشد مبتلا به سکولاریسم شده است. ما باید این معنای را جدی بگیریم. آیه دیگر قرآن می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا أَلَمَةَ الْكُفْرِ كَافَةً»<sup>۱۹</sup>؛ خدای متعال به پیامبر خود می‌فرماید با ائمه‌ی کفر قتال کرده و با آنها وارد درگیری شو. ما نمی‌توانیم بگوییم عقل مدرن دقیق‌تر از عقل انبیاء علیهم‌السلام است، عقلانیت وحی حرف‌های فنی‌ای دارد.<sup>۲۰</sup> با توجه به اینکه ما تا روز ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه با کفار و منافقین درگیر هستیم باید آیات مربوط به کفر و نفاق را تدریس کنیم تا فرزندان ما آنها را حفظ کنند و بعداً با سیاست خارجی توسعه‌گرا<sup>۲۱</sup> و برجام، فریب و سرابی در جامعه درست نکرده و خسارت محض را مفید جلوه ندهند.<sup>۲۲</sup> اینها سکولاریسم است.

۱۷. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴿۱﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿۲﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿۳﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ﴿۴﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿۵﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَرَبِّي دِينٌ ﴿۶﴾ آیات ۱ تا ۶ سوره مبارکه کافرون

بگو: ای کافران! «۱» من آنچه را شما می‌پرستید نمی‌پرستم «۲» و شما هم پرستنده آنچه من می‌پرستم نیستید «۳» نه من پرستنده آنچه شما پرستیده‌اید هستم «۴» و نه شما پرستنده آنچه من می‌پرستم هستید «۵» دین شما برای خودتان، و دین من برای خودم «۶»

۱۸. حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی عصر چهارشنبه در جمع متخصصان و دانشمندان حوزه فناوری کشور گفت: همه باید با همدلی و وحدت، برای اجرای برجام ۲ به صحنه بیایند.

پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، کد خبر: ۹۱۷۶۲

۱۹. وَإِنْ تَكْفُرُوا أَتَيْنَاهُمْ مِنْ بَعْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَلَمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ / آیه ۱۲ سوره توبه و اگر پیمان‌هایشان را پس از تعهدشان شکستند و در دین شما زبان به طعنه و عیب‌جویی گشودند، در اینصورت با پیشوایان کفر بجنگید که آنان را انسبت به پیمان‌هایشان [هیچ تعهدی نیست، باشد که] از طعنه‌زدن و پیمان‌شکنی بازایستند.

۲۰. البته الحمدلله ما ختم قرآن می‌کنیم و حول این بحث‌ها گفت‌وگو می‌شود. من در مراسم ختم قرآن حرم حضرت معصومه علیها‌السلام دیدم روحانی محترمی که مدیریت می‌کند به مناسبت برجام آیتی را که رفتار مؤمنین با کفار را بیان می‌کند پشت سر هم قرائت می‌کرد، ولی این مسأله باید همگانی شود.

انتقال از متن

۲۱. الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا نام کتابی است که مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام منتشر نموده است. در این کتاب نه تنها به موضوع حیاتی الهام‌بخشی در جهان اسلام و مبارزه با کفر و استکبار در سیاست خارجی جمهوری اسلامی اشاره نشده است؛ بلکه برای تنظیم سیاست خارجی - به محوریت توسعه غربی- مفاهیمی جمع‌آوری شده است. در بخشی از این مفاهیم هدف اصلی سیاست خارجی کشور به محوریت توسعه اینگونه معرفی شده است:

حالا ما عرض کردیم که مدیریت شهری فعلی منجر به سکولاریسم می شود و سکولاریسم همین معنایی بود که عرض کردم. چطور مدیریت شهری منتهی به سکولاریسم می شود؟ پاسخ آن بسیار روشن است؛ تمام معارفی که بنده بخشی از آنها را به اجمال عرض کردم باید در نهاد خانواده (به افراد) انتقال پیدا کند و وقتی مدیریت شهری نهاد خانواده را به چالش می کشد هیچ نهاد دیگری نمی تواند این معارف را به جامعه منتقل کند و به همین دلیل جامعه دچار سکولاریسم می شود. پدر و مادرهای خوب ما درک حداقلی ای که از دین دارند را به فرزندان خود منتقل می کنند. مثلاً پدر وقتی خیلی همت کند فرزند خود را نمازخوان می کند ولی چه نمازی؟ همین نمازی که از درون آن ولایت و فهم ولایت بیرون نمی آید. چرا پدر و مادرهای ما اینگونه هستند؟ دلیل عمده این است که پدر و مادرهای ما اگر خیلی زرتنگ باشند تنها می توانند معیشت خانواده را تأمین کنند؛ باید دو شیفت به سختی کار کنند تا معیشت تأمین شود. پدر و مادرهای کمی وجود دارند که در این شرایط سخت زمان صرف کرده و با خود می گویند: اصلی ترین چیزی که بچه‌ی من را نجات می دهد فهم قرآن است و باید زمان صرف کرده و معارف قرآن را به او یاد دهم. البته حالا مصیبت دیگر این است که خود پدر و مادرها نیز بلد نیستند و بنابراین سکولاریسم ایجاد می شود؛ البته دین از بین نمی رود بلکه فانتزی می شود و دین فانتزی خاصیتی ندارد.<sup>۲۳</sup> اگر خانواده نبود همه چیز به چالش کشیده می شود. پس این یک بحث است و به این دلیل که خانواده نهاد متکفل تربیت است و امر تربیت قابل تفویض به نهاد دیگری نیست ما نمی توانیم بدون یک مدیریت شهری نهاد خانواده‌ی متکفل تربیت داشته باشیم. الان در وضعیت فعلی نهاد خانواده متکفل تربیت نیست و هسته‌ای می باشد، یعنی نهادی که اعضای آن کمترین ارتباط را با یکدیگر دارند.

### ۳. به چالش کشیدن امنیت ملی؛ یکی دیگر از معایب مدیریت شهری فعلی

ما بحث دیگری را مطرح کرده و گفته بودیم: مدیریت شهری فعلی امنیت ملی را به چالش می کشد؟ استدلال این مطلب چیست و مدیریت شهری فعلی چه ربطی به امنیت ملی دارد؟ ببینید! اساساً در جمهوری اسلامی تمام کارها مردمی انجام می شود و اصلاً مدل اسلام اینگونه است. چرا ما امن ترین کشور دنیا هستیم؟ به دلیل اینکه مدل امنیت ما مردمی است و نظریه مترقی بسیج امنیت

سومین کارکرد پراهمیت سیاست خارجی در تحقق اهداف توسعه‌ای یک کشور تصویرسازی از آن به عنوان فرصتی جمعی است. به گونه‌ای که اولاً رشد و توسعه‌ی آن تهدیدی برای سایرین تلقی نگردد و ثانیاً اکثریت آنها این روند را فرصتی برای خود تلقی کنند. طبیعی است مادامی که تصویر یک کشور در عرصه بین‌الملل به عنوان یک تهدید جلوه کند نه تنها این کشور نمی تواند از امکانات و فرصت‌های این عرصه بهره بگیرد، بلکه این امکانات در جهت مقابله و مانع‌تراشی در مسیر توسعه آن بسیج می گردد. بر این مبنا می توان گفت: طراحی و اجرای سیاست خارجی متناسب با هدف قانونی سند چشم‌انداز، نقش بسیار اساسی‌ای را جهت تحقق آن ایفا می کند. سیاست خارجی متناسب با این هدف را با توجه به موارد یاد شده می توان سیاست خارجی توسعه‌گرا نام نهاد.

کتاب الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا، ص ۱۱

۲۲. البته الحمدلله الآن واضح شده است که برداشته شدن تحریم‌ها افسانه بود و اساساً در رابطه با آمریکا هیچ تحریمی برداشته نمی شود و تحریم‌ها به تحریم‌های دیگری تبدیل می شوند، این قانونی است که در رفتار آمریکا وجود دارد.

انتقال از متن

۲۳. مثلاً شما معنای نماز را نمی فهمید و نماز هم می خوانید اما خانواده‌ی خود را به چالش می کشید. بنده عرض کردم در شهر تهران ۳۸ درصد طلاق وجود دارد ولی بسیاری از این افراد انسان‌های مؤمن هستند و نماز می خوانند. همین حالا که ما از نماز عید برمی گردیم بخشی از این جمعیت نمازگزار افرادی بودند که مؤمنین انقلابی می باشند و از ظاهر آنها فهمیده می شود که مؤمن هستند ولی جمعیت قابل توجهی نیز مردمی هستند که اگر شما آنها را در خیابان ببینید او اصلاً دین ندارد در حالی که آنها زیلو به دست و مهر به دست و دعا به دست به سمت نماز می رفتند. نماز می خوانند ولی کسی با خود فکر نمی کند که امروز، روز عید فطر است و عید فطر چه معنایی دارد؟ عید فطر، عید بازگشت به فطرت است. این چه معنایی دارد؟ این مسائل گفت‌وگو و بحث نمی شوند. ببینید!

انتقال از متن



را در این کشور تأمین می‌کند. به دلیل اینکه مردم در ایجاد امنیت مشارکت می‌کنند به هم ریختن امنیت این کشور بسیار سخت است. شما دیدید که دائماً نفوذهای امنیتی جدی‌ای در کشور اتفاق می‌افتد ولی نمی‌توانند مردم ما و کشور ایران را به چالش بکشند. بنده مکرر عرض کرده‌ام: شبی که داعش عملیات خود را در عراق شروع کرد هشت‌لشگر از دوازده‌لشگر موصل تسلیم شدند، با داعشی‌ها رایزنی کرده بودند و بعد تسلیم شدند؛ چون مدل امنیت آنها مدل دافوس بود نه مدل مردمی.<sup>۲۴</sup> داعشی‌ها تا ۳۰ یا ۴۰ کیلومتری بغداد نیز رسیده بودند و کار عراق در حال تمام شدن بود. پیش از این اتفاقات مسئولین جمهوری اسلامی به آقای نوری‌مالکی<sup>۲۵</sup> گفته بودند: در عراق بسیج تشکیل دهد. آقای نوری‌مالکی پاسخ دادند: ما با همین ارتش کشور را حفظ می‌کنیم و به بسیج نیازی نداریم. بعد از اینکه این اتفاق رخ داد آقای نوری‌مالکی بلافاصله سخنرانی کرده و گفتند: ما به بسیج نیاز داریم.<sup>۲۶</sup> آیت‌الله سیستانی (عج) نیز فتوا دادند<sup>۲۷</sup> و حشدالشعبیه تشکیل گردید و در حال حاضر حشدالشعبیه یا بسیج مردمی عراق قضیه را معکوس کرده است. یعنی دو سوم اراضی‌ای که از آنها گرفته بودند را به تدریج پس گرفته‌اند و داعش در منطقه محدودی از عراق باقی مانده است. این مردم هستند که این کار را انجام می‌دهند.

حُب حالا مردم باید در حوزه اقتصاد نیز مشارکت داده شوند. ان‌شاءالله وقتی اقتصاد مقاومتی به نتیجه برسد ما یک نظم مردمی به اقتصاد خواهیم داد و سرمایه‌دارها همه‌کاره نخواهند بود و فیش‌های ۲۳۹ میلیونی - که حق اولاد، حق تفریح و ... در آن وجود دارد - دیگر اتفاق نخواهد افتاد. این مسائل، عوارض نظام سرمایه‌داری هستند که باید برداشته شوند و اقتصاد باید نظم مردمی پیدا کند. نظم آموزش نیز باید مردمی‌تر شود، خلاصه همه‌جا باید به محوریت مردم باشد، به طور کلی پایه نظام‌سازی اجتماعی در نگاه اسلامی مردم هستند.

۲۴. استاندار نینوا، در ارتباط تلفنی با این شبکه درباره اینکه گروه‌های مسلح چگونه توانستند کنترل نینوا را در دست بگیرند، گفت: چند ساعت از اینکه افراد مسلح کنترل موصل را در دست بگیرند با فرماندهان ارشد ارتش عراق در منطقه دیدار کردم. به نظر می‌رسد که آنها کاملاً به توان خود اطمینان دارند اما ساعاتی بعد با شنیدن خبر فرار جمعی نیروهای ارتش عراق از مواضع خود در موصل، غافلگیر شدیم. عناصر داعش بامداد امروز به ساختمان استانداری نینوا در موصل یورش برده و آن را تصرف کردند. آنان همچنین علاوه بر فرودگاه موصل، ساختمان شبکه‌های "سما الموصل" و "نینوا الغد" را نیز تحت کنترل خود در آوردند و نیروهای خود را در بخش‌های شرقی و غربی این شهر مستقر کردند. عناصر داعش صدها محکوم را نیز از زندانهای شهر موصل فراری دادند. همچنین پایگاه خبری سومریه نیوز گزارش داد در اثر این درگیری داعش و نیروهای امنیتی هزاران تن از ساکنان شهر موصل به سمت استانهای اربیل و دهوک در اقلیم کردستان عراق گریختند. این پایگاه خبری از قول "خالد جاسم" یک شهروند ۳۵ ساله ساکن موصل نقل می‌کند که گفته: از شب گذشته هزاران تن از ساکنان شهر موصل از ترس حملات داعش از این شهر فرار کرده‌اند.

النجیفی، استاندار نینوا در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی الجزیره به نقل از جام‌جم آنلاین، کد خبر: ۱۵۲۶۱۲۸۵۱۴۴۴۸۲۰۱۶۲۵

۲۵. نخست‌وزیر وقت عراق

۲۶. به گزارش خبرگزاری اهل‌بیت (عج) - ابنا - معاون اول رئیس جمهور عراق با اشاره به محور مقاومت در عراق و تشکیل نیروهای بسیج مردمی (حشد الشعبی) اظهار داشت: رسانه‌هایی همچون العربیه و الجزیره لقب‌های ناروا به این نیروها می‌دهند، البته این طبیعی است که حشد الشعبی در نظر آنها وقیح باشد، چراکه آنان گروهی مجاهد و رزمندگانی مقاوم هستند که از عراق و عراقی دفاع می‌کنند. «نوری‌مالکی» با ابراز خرسندی از موفقیت‌های پی در پی نیروهای بسیج مردمی عراق تصریح کرد: ما این نیروها را در ابتدای ناآرامی‌ها تشکیل دادیم و در ساختار آن از بسیج ایران الگو گرفتیم. وی که با خبرنگار ابنا گفتگو می‌کرد افزود: اگر نیروهای بسیج مردمی نبودند، نیروهای عراقی نمی‌توانستند پیشروی‌های مطلوب را انجام دهند. متأسفانه نیروهای عراقی با وجود اینکه با هزینه‌های سنگین مسلح شده‌اند، ولی در موصل و انبار از هم پاشیده شدند.

گفت‌وگوی نوری‌مالکی با خبرنگاری ابنا، کد خبر: ۶۹۱۵۷۶

۲۷. آیت‌الله عظمی سید علی سیستانی مرجع عالیقدر تشیع اعلام کرد همه کسانی (عراقی‌هایی) که در راه دفاع از وطن کشته می‌شوند، از جمله شهدای درجه اول محسوب شده و نیازی به غسل دادن و کفن کردن ایشان نیست.

خبرآنلاین <http://www.khabaronline.ir/detail/361725>



۳/۴. هم‌سوی بودن  
نگرش‌های مردم با ولی  
جامعه و انقلاب اسلامی؛  
عامل حضور آنها در دفاع  
از کشور و به  
چالش کشیدن شدن این امر  
توسط مدیریت شهری  
فعلی به دلیل ضربه زدن به  
نهاد اصلی شکل دهنده  
نگرش افراد یعنی خانواده

حالا اگر شما مدیریت شهری را جدی نگرفتید خانواده دچار فروپاشی می‌شود و وقتی خانواده دچار فروپاشی شد نگرش‌های مردم دچار چالش می‌شود و بنابراین شما نمی‌توانید مردم را در مقابل خطرات سازماندهی کنید. اینکه ما می‌توانیم مردم را بر روی مسأله امنیت سازماندهی کنیم به دلیل آن است که مردم ما در اثر خانواده‌هایی که داشته‌اند هدایت یافته می‌باشند و این سطح از هدایت یافتگی، زیرساخت مشارکت است. ولی وقتی خانواده به چالش کشیده شد هدایت یافتگی هم با چالش مواجه می‌شود و وقتی هدایت یافتگی جامعه‌ای کم‌عمق شد، ماده اولیه‌ی ایجاد مشارکت وجود ندارد و شما باید مانند کشورهای غربی تحریک مادی کنید تا مشارکت ایجاد شود. اساساً اگر هدایت اتفاق بیفتد شما ماده اولیه‌ی ایجاد مشارکت در تمام بخش‌ها را در اختیار دارید و هدایت به عنوان ماده اولیه‌ی ایجاد مشارکت - در خانواده به وجود می‌آید. بنابراین اینکه ما عرض کردیم مدیریت شهری امنیت ملی را به چالش می‌کشد به این دلیل است که مدیریت شهری با یک نظامی نگرش‌ها را به چالش می‌کشد و در نتیجه فرکانس ولی با امت دو فرکانس می‌شود؛ وقتی خانواده‌های مردم به چالش کشیده شدند مردم به گونه‌ای خاص فکر خواهند کرد [اما به دلیل اینکه] ولی جامعه به شکل دیگری فکر می‌کند، این دو رکن نمی‌توانند برهم‌افزایی پیدا کنند و لذا امنیت ملی ما نیز به چالش کشیده می‌شود؛ چون امنیت ما در تمام بخش‌ها به فهم مردم وابسته است و فهم مردم نیز وابسته به نهاد خانواده است. با رسانه نمی‌توان فهم ایجاد کرد. ما در دنیای مدرن توهمی به نام توهم خودباسوادپنداری داریم؛ به عنوان مثال فردی در ۱۰۰ گروه تلگرام عضو است و اطلاعات به صورت قطره‌ای به او می‌رسد و فکر می‌کند خیلی باسواد است در حالی که سواد غیر از اطلاعات است؛ سواد به معنای تحلیل و شعور است. ما در برخی از پرونده‌های طلاق، دو خانواده را بررسی کردیم. در یکی از خانواده‌ها اتفاقاً عامل طلاق خانم تحصیل کرده‌ای بود. در خانواده‌ی دیگر خانمی بی‌سواد ولی باشعور اجازه نداده بود که امر به طلاق بینجامد. سواد و اطلاعات یک مسأله است و عقل و درک و شعور و تفکر نیز مسأله‌ی دیگری است. رسانه‌های موجود حداکثر سواد انسان‌ها را بالا برده و به آنها اطلاعات می‌دهند ولی الزاماً به این معنا نیست که انسان‌ها را فکورتر و عاقل‌تر می‌کنند. اتفاقاً اگر سطح اطلاعات انسان‌ها را زیاد کنید اصلاً فرصت فکر پیدا نمی‌کنند. چون شما هر دقیقه به آنها اطلاع می‌دهید که مثلاً فلان جا این اتفاق رخ داد، الآن قیمت میوه‌ای دچار تغییر شد، فلان جا دو نفر تصادف کردند، الآن تشییع جنازه فلان بازیگر سینماست، همواره خبرهای متعدد به او داده می‌شود ولی ذهن چه زمانی می‌خواهد آنها را پردازش نموده و بر روی آنها فکر کند؟!<sup>۲۸</sup> پس بنابراین فهم و فکر و به تعبیر قرآن شعور و عقلانیت در کجا به دست می‌آید؟ در محیط خانواده.

به عنوان مثال مادری وجود دارد که با شوهر و پدر فرزندان خود برخوردهای حکمیانه‌ای می‌کند. در اینصورت این مطلب دختر را به فکر می‌برد؛ چون او ۱۰ سال، ۲۰ سال این صحنه‌ها را مشاهده می‌کند. مثلاً می‌بیند پدر، با خستگی به خانه آمده است و مادر حرفه‌ای برخورد می‌کند و اگر شوهر اوقات تلخی نمود مادر آن را مدیریت می‌کند. برعکس این نیز امکان دارد؛ مثلاً پدری از سرکار به خانه می‌آید و همه می‌فهمند که او از سرکار آمده و خسته است. ولی پدر خیلی با شعور بوده و

۲۸. به نظر ما رسانه‌ها - به معنای موجود خود - ابزار به چالش کشیدن فکر هستند. انسان‌هایی که اطلاعات کمتری به آنها منتقل می‌شود بیشتر فرصت فکر کردن دارند. ما وقتی «نظریه‌ی رسانه‌های الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» را مطرح نمودیم این مطالب را بحث می‌کنیم و معادله‌ی اصلی این است که سرعت انتقال اطلاعات با میزان تفکر نسبت عکس دارد؛ هرچقدر شما سرعت انتقال اطلاعات را زیاد کنید تفکر کمتری اتفاق می‌افتد. لذا ما - که در عصر مدرن زیر چتر رسانه‌ها زندگی می‌کنیم - توهم داریم که انسان‌های فهمیده‌ای هستیم.





دارای لبّ است و با همان حال خستگی بعد از خوردن شام طرف‌ها را می‌شوید. این کار موجب می‌شود که مقام مادر در خانه ارتقا پیدا کند و وقتی مقام مادر بزرگ شد تربیت جدی می‌شود. شما یک مادرِ خوار و ذلیل و یک مادر عزیز را تصور کنید، در این دو حالت دو نوع تربیت اتفاق می‌افتد. اگر پدر به این چیزها توجه کند با خود می‌گوید: درست است که من خسته‌ام ولی یک‌ساعت دیگر نیز خسته خواهم ماند ولی با این کار مقام مادر را در خانه بالا می‌برم؛ چون دختر خانه تحت تأثیر مادر است و یک مادر خوار و ذلیل یک نوع تأثیر بر روی دختر دارد و یک مادر عزت‌مند نیز تأثیر دیگری بر او دارد. این صحنه‌ها باید دائماً در خانه تکرار شوند. اگر اینطور باشد حوزه‌ی فکر انسان‌ها درگیر می‌شود؛ چون انتقال اطلاعات در خانواده کم است.<sup>۲۹</sup>

پس عرض خود را جمع‌بندی کنم؛ عرض من این است که وقتی درک‌ها حداقلی شدند با درک حداقلی فقط مشارکت حداقلی می‌توان ایجاد کرد و با این درک‌های حداقلی می‌توان ۵ میلیون انسان را به جمکران برد و کارهای خرد انجام داد ولی با این درک‌های حداقلی نمی‌توان در مقابل دشمن مشارکت‌های عمیق ایجاد نمود. بنده این مثال را زیاد می‌زنم و خوب است دوباره آن را مطرح کنم. شما حال حاضر عراق را نگاه نکنید که شیعیان توجه جدی پیدا کرده‌اند. در زمان صدام، صدام ۳۰ یا ۴۰ سال این شیعیان را تحقیر نموده و برای آنها شرایط سختی ایجاد کرد. وقتی صدام به درک واصل شد آمریکایی‌ها بر آنجا مسلط شدند و در عراق هر نوع جنایتی را مرتکب شدند؛ مثلاً رقم بسیار بزرگی از پول مردم عراق گم شد. این اتفاق در زمان پل برمر<sup>۳۰</sup> حاکم نظامی عراق اتفاق افتاد و بعد نخبگان عراق به آمریکا اعتراض کردند که این پول چه شده است؟ آمریکایی‌ها هم گفتند

**۳/۲/۱. تصرف آمریکا بر کشور عراق با وجود عزیمت ۱۵ میلیون زائر در اربعین به این کشور و عدم مقابله این جمعیت با استکبار به دلیل حداقلی شدن درک افراد از امام حسین (ع)؛ نمونه‌ای از به خطر افتادن امنیت در صورت شکل‌گیری نگرش‌های غلط در افراد**

<sup>۲۹</sup> البته متأسفانه امروزه احترام به مادر و پدر را در یک‌روز خلاصه می‌کنند و احترام به مادرها و پدرها [خلاصه در] اهدای یک کادو است. بنده در روز مادر با یک راننده تاکسی صحبت می‌کردم. ایشان می‌گفت: اصلاً این چه روزی است که شما معین کرده‌اید؛ می‌دانید من چقدر خرج کرده‌ام و هنوز هم راضی نمی‌شوند؟ ایشان فحش می‌دادند و من در اینجا نمی‌توانم آن فحش‌ها را بیان کنم. فانتزی که نمی‌شود از مادر تعریف و تمجید کرد و روزی را برای او معین نمود. حالا اشکالی ندارد که شما یک روز را معین کنید ولی در این روز مباحث مرتبط با مادر را بیان کنید. روز پدر که اصلاً خنده‌دار است؛ وقتی روز پدر می‌شود یک کشتی جوراب وارده ایران کرده و مسأله را حل و فصل می‌کنند و اصلاً پدری هم وجود ندارد. اشکالی ندارد که شما روز مادر و پدر تعیین کنید ولی در این روزها نحوه تکریم پدر و مادر را توضیح دهید تا در طول سال اتفاق بیفتد. اتفاقاتی که در جامعه ما رقم می‌خورد اینچنین است. مطالبی که بیان می‌کنم نگرانی‌ها من است و شب و روز مرا اذیت می‌کند.

گاهی اوقات وقتی نیمه‌ی شعبان می‌شود چهار یا پنج میلیون انسان به جمکران می‌آیند و نام امام زمان (عج) به مدت یک‌روز زنده می‌شود ولی اگر هر یک از این چهار یا پنج میلیون نفر یک کار برای حضرت انجام دهند در سال ۵ میلیون کار برای حضرت انجام می‌شود. نباید شعاری و فانتزی برخورد کرد ولی متأسفانه مناسبت‌های ما دارند این کارکرد را پیدا می‌کنند. ما خودمان در شهرستان [بروجرد] هیأت و مسجد داشتیم. دوستانی که در جریان هستند می‌دانند که با ظرفیت همین هیئات و مساجد ۱۴ کار انجام داده و ۱۴ مشکل را در شهر حل نمودیم؛ چون در مسجد و هیأت شعاری و فانتزی صحبت نمی‌کردیم. حاج آقای را به منبر دعوت کردند و به ایشان گفتند شما سخنرانی کنید. ایشان گفتند: چشم. وقتی سر منبر رفت ابتدا احکام گفت: بسم الله الرحمن الرحیم. آب بر سه قسم است؛ آب جاری، آب کر و آب قلیل. لا یوم کیومک یا ابا عبدالله؛ تو آب ندادند. و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد (ص). منبر او با همین جملات تمام شد. شما باید تحلیل کرده و بحث کنید که معنای کربلا چیست. می‌دانید که باطن ظهور حضرت ولی عصر (عج) فهم کربلاست و با فهم کربلا می‌توان نظام‌سازی اجتماعی کرد؛ باید اینها را بحث کنیم.

همین اخیراً تولد امام حسن (عج) یکی از مساجد به ما پیشنهاد داد که برای آنها صحبت کنیم، شب قدر نیز همین بحث وجود داشت. بنده به آنها گفتم: اگر من بیایم بحث خود را مطرح می‌کنم. ما می‌خواهیم راجع به امام صحبت کنیم و امام محور نظام‌سازی است. چه اشکالی دارد ما پای این بحث‌ها را به مساجد باز کنیم؛ در روایت فرمود: «الْإِمَامَةُ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ» (ابن شعبه الحرّانی؛ تحف العقول، ج دوم، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۷، ص ۴۳۸) نظام‌سازی به محوریت امام شکل می‌گیرد. ما باید بحث‌ها را جدی‌تر کنیم و نمی‌شود حداقلی بحث کرده و انتظار داشته باشیم که مشکلات جامعه‌ی ما حل شود.

*انتقال از متن*

<sup>۳۰</sup> لوئیس پل برمر سوم دیپلماتی آمریکایی است. او بیش از هر چیز به دلیل ریاست برحکومت ائتلاف موقت عراق پس از حمله ایالات متحده به این کشور در سال ۲۰۰۳ مشهور است.

گم شد.<sup>۳۱</sup> این قضیه جزء خبرهای عجیب عمرم هست که در ذهن دارم، یعنی حتی خود را پاسخگو نمی‌دانستند. در قدم بعد حدود چهار هزار نخبه آنها را کشتند، یعنی به لحاظ فکری عراق را فلج کردند. در قدم بعدی زمانی که مقتدی صدر<sup>۳۲</sup> در حرم امیرالمومنین علیه السلام بست نشسته بود می‌خواستند به آنجا بروند و مثلاً روحانیت را نیز به چالش بکشند. حضرت آقای سیستانی در آن زمان برای درمان انگلیس تشریف داشتند، ایشان با دوازده پاترول از موصل وارد عراق شدند. آمریکا می‌خواست در حرم با مقتدی صدر برخورد کرده و او را به شهادت برساند. به همین دلیل آقای سیستانی درمان خود را متوقف کردند و زمینی به نجف رفتند؛<sup>۳۳</sup> در نتیجه آمریکا عقب‌نشینی کرد، آمریکایی‌ها می‌خواستند حوزه علیمه را به چالش بکشند. یکی از اتفاقاتی که در عراق افتاد این بود که زن‌ها توسط مردها بازرسی بدنی می‌شدند و ده‌ها اتفاق دیگر رخ داد که بعداً باید بحث کنیم. آمریکایی‌ها چه کردند. گفته‌اند حضور آمریکا در عراق باعث کشته‌شدن حدود یک میلیون نفر شد. به تمام این مصائب توجه کنید. نکته این است که در همان ایام، در روز اربعین ۱۰ الی ۱۵ میلیون نفر به زیارت اربعین می‌رفتند و غروب هم به خانه‌های خود بازمی‌گشتند. ما معرفتی بالاتر از معرفت عاشورا نداریم و محور عاشورا یک کلمه است؛ هیئات من‌الذلة. در آن ایام زیارت اربعین با این حجم انجام می‌شد ولی ذلت هم وجود داشت تا اینکه خدای متعال به تدریج کمک کرد، گفت‌وگو و بحث صورت گرفت و چند لشکر مردمی در عراق تشکیل شد. الحمدلله امروزه اوضاع کمی بهتر است. من قصد دارم این را عرض کنم که اگر شما معرفت را ارتقاء ندهید، حتی واقعه مهمی مانند عاشورا هم اثر اصلی خود را روی زندگی ما نخواهد گذاشت.<sup>۳۴</sup> بسیار خُب، عرایض ما به اتمام رسید. خیلی

۳۱. پارلمان عراق بر سر مفقود شدن ۱۷ میلیارد دلار پول حاصل از فروش نفت عراق پس از حمله سال ۲۰۰۳ آمریکا به این کشور به بررسی نشست و کمک سازمان ملل در این راستا را خواستار شد. به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، گفته می‌شود که این پول‌ها توسط آمریکا به عراق منتقل شده بود تا در امر بازسازی عراق پس از سرنگونی رژیم صدام، دیکتاتور سابق عراق صرف شود.

خبرگزاری ایسنا، کد خبر: ۹۰۰۳-۱۸۵۶۳

۳۲. سید مقتدی صدر شخصیت سیاسی و مذهبی اسلام‌گرای عراقی، یکی از رهبران شیعیان عراق و شناخته‌ترین بازمانده خاندان صدر است.

۳۳. این موضوع در کتاب ناگفته‌هایی از سفر درمانی آیت‌الله سیستانی و بحران نجف به تفصیل توضیح داده شده است.

۳۴. در شهر کاشان برخی از هیئات بودند که ما به صورت جدی با آن‌ها مقابله می‌کردیم. آن‌ها ما را خیلی اذیت کردند و ما هم آن‌ها را به صورت جدی به چالش کشیدیم. به عنوان مثال مداح جلسه می‌گفت: من فقط امام حسین علیه السلام را مدح می‌کنم و با امور سیاسی کاری ندارم. چه اتفاقی می‌افتد که مداح هیئتی به این نتیجه می‌رسد که مدح امام حسین علیه السلام غیر از دخالت در امور سیاسی است؟! حضرت امام حسین علیه السلام در یک حادثه سیاسی به شهادت رسیدند؛ یعنی یک اختلاف سیاسی به وجود آمده که ما حکومت یزید را بپذیریم یا نه؟ حضرت فرمودند که «مثلی لا یبایع مثله» (قاضی نورالله شوشتری؛ إحقاق الحق و إزهاق الباطل، ج ۳۳، ص ۶۷۴) حضرت فرمود مثل من با مثل تو بیعت نمی‌کند. حضرت نفرمود: من با تو بیعت نمی‌کنم بلکه فرمود مثل من با مثل تو بیعت نمی‌کند. این جمله یعنی در تاریخ هم هرکس مثل امام حسین علیه السلام است نباید با مثل یزید بیعت کند. این داستان کاملاً سیاسی است؛ البته مسأله کربلا لایه‌های تکوینی هم دارد ولی نمی‌توان وجهه سیاسی داستان کربلا را انکار کرد. درگیری امروز ما با حکومت آمریکا مانند درگیری امام حسین علیه السلام با یزید است. معاویه به یزید وصیت کرد که بعد از من با سه نفر کار نداشته باش! اما یزید به این نصیحت عمل نکرد. یکی از آن سه نفر توصیه شده امام حسین علیه السلام است. یزید انسانی بود که از دوراندیشی مادی معاویه برخوردار نبود و به همین دلیل در همان روزهای نخست به حکومت رسیدن خود، روی منبر گفت: لعبت هاشم بالملک فلا خبر جاء ولا وحی نزل. (سیدبن طاووس؛ اللهوف فی قتل الطفوف، ص ۱۰۵) یزید با این جمله ریشه دین را هدف قرار داد، اما معاویه اینگونه نبود؛ درست است که نماز جمعه را چهارشنبه می‌خواند (مسعودی، علی بن حسین؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۴۲)، ولی عبادت می‌کرد و می‌گفت من خلیفه رسول‌الله هستم. اما یزید گفت لعبت هاشم بالملک. یعنی بنی هاشم بازی کردند. لا خبر جاء؛ یعنی خبری نیامده. ولا وحی نزل؛ وحی هم نازل نشده است. در مقابل او امام حسین علیه السلام قرار داشت که یک انسان کارکنده‌ی سیاسی است و حکومت طرف مقابل خود را به خوبی می‌شناسد. امام حسین علیه السلام فرمودند دیگر جای تقیه نیست. یزید افرادی را برای بیعت گرفتن از امام فرستاد اما امام حسین علیه السلام فرمود من با چنین شخصی بیعت نمی‌کنم. قیام کربلا حدود صد و هفتاد روز به طول انجامیده است. یعنی از زمانی که حضرت از مدینه خارج شدند تا زمانی که وارد کربلا شدند حدود صد و هفتاد روز داستان وجود دارد. تمام این صد و هفتاد روز و روز عاشورا و بعد هم ماجراهای اهل بیت عصمت و طهارت تا به امروز، یک مبارزه سیاسی است. در تمام این ایام داستان‌های سیاسی اتفاق افتاده است. در فتنه سال ۸۸ می‌گفتند: انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است. یعنی همان حرف یزید را تکرار می‌کنند که می‌گفت فلا خبر جاء ولا وحی نزل. این افراد با این حرف ریشه قضیه را

تشکر می‌کنم که یازده روز ما را تحمل فرمودید. ان‌شاءالله این مسأله مدیریت شهری با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را یک سال الی یک سال و نیم بحث خواهیم کرد. طبق بررسی‌هایی که ما انجام داده‌ایم به نظرم می‌آید دور دوم آن را در مشهد انجام دهیم. به دلیل اینکه شهر مشهد هم از حیث مدیریت شهری با چالش روبرو است. پیشنهاد می‌کنم اخبار مربوط به نمونه‌سازی‌ها را از طریق فضای مجازی و رسانه‌ها پیگیری کنید. ان‌شاءالله در حوزه مروی هم در آینده برنامه‌هایی را بازتعریف خواهیم کرد.

وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هدف گرفته‌اند. بعد از ۱۴۰۰ سال حکومت به دست مؤمنین متدین رسیده است اما عده‌ای [به قصد غصب این حکومت وارد می‌شوند]. ولی در این زمان عده‌ای سکوت می‌کنند. داستان بر سر انتخابات و این حرف‌ها نیست؛ طرف می‌گوید من با اصل قضیه مشکل دارم. وقتی حادثه عاشورا اتفاق افتاد و خیام امام حسین ع هم به چالش کشیده شد، تازه معلوم گردید که اصلاً دعوا با شخص امام حسین ع است و دعوا بر سر نظام به معنای حکومت سیاسی نیست. داستان بر سر مقابله با ارزش‌های بنیادین نظام است، در روز عاشورا این اتفاق افتاد. من این مطلب را فراموش نخواهم کرد و تا آخر عمرم این را همه جا خواهم گفت: بنده در سال ۱۳۹۳ به شهر زنجان سفر کرده بودم. من برای جلسه الگوی پیشرفت به دانشگاه زنجان رفتم و آقای روحانی هم به عنوان سفر استانی وارد این شهر شد. در آن روزها زنجان در حال آماده‌سازی برای محرم و صفر بودند که آقای روحانی گفت درس عاشورا مذاکره است. من از آن روز تا به حال رجوع به نفس پیدا کرده‌ام! شروع کردند به تحریف ابرگزاره‌های حاکم بر جمهوری اسلامی. این مسأله بسیار چیز عجیبی است. هرچه انسان فکر می‌کند متوجه نمی‌شود که دلیل این حرف که درس عاشورا مذاکره است چیست؟ آقای روحانی این حرف را در زنجان مطرح می‌کنند؛ زنجان پایتخت شور حسینی کشور است. ببینید دعوا تا کجا پیشرفت کرده است. این افراد قصد داشتند انتخابات سال ۸۸ را با دروغ و فریب درست کنند و امروز هم مسأله را با تحریف جلو می‌برند. لذا باید برای دفاع از کلمه حق قیام کرد، باید در این زمینه گفت‌وگو صورت بگیرد، ما نمی‌خواهیم دعوا کنیم بلکه قصد داریم صحبت کنیم. وقتی دعوی حق و باطل راه افتاده است چرا عده‌ای سکوت می‌کنند؟ این مسأله خیلی مسأله خطرناکی است. ما در زیارت عاشورا می‌خوانیم که لعن‌الله امه رضیت بذالک. کسانی که به قتل امام حسین ع رضایت می‌دهند، مستوجب لعن هستند. ما در درگیری بین حق و باطل سکوت نداریم. به قول جمله‌ای که عوام می‌گویند، بی طرف بی شرف است. ما انسان بی طرف نداریم که مثلاً کسی بگوید من نه طرفدار حق و نه طرفدار باطل هستم. حالا چرا این اتفاقات در حال وقوع است؟ به دلیل اینکه نگاه دینی در حال فانتزی شدن است و این امور به دلیل این است که خانواده‌ها رو به فروپاشی هستند. لذا بنده اصلاً احساس نمی‌کنم که اصل دستگاه امام حسین ع دچار چالش شود. شاید در دوره‌ای مانند دوره رضاخان حتی اجازه عزاداری هم داده نشود - که البته این دوره‌ها دیگر تکرار نخواهد شد - ولی اصل قضیه این است که گزاره‌های فانتزی می‌شوند. ما عزاداری می‌کنیم ولی این را هم می‌گوییم که درس عاشورا مذاکره است. در همان سال که آقای روحانی این حرف را زدند بعد از سخنرانی در مسجد سلمان فارسی روضه حضرت علی اکبر ع هم خواندند. تلویزیون، هم این روضه و هم آن سخنرانی را پخش کرد. عاشورایی که درک منجر به آن، منجر به ظهور می‌شود دارای یک معناست و عاشورایی که برجام از آن بیرون می‌آید معنای دیگری دارد. این مباحث در جامعه ما اتفاق افتاده است. لذا این نکته که بنده عرض می‌کنم مدیریت شهری امنیت ملی را به چالش می‌کشد به این دلیل است که ریشه‌ی امنیت ملی ما هدایت و درک‌های مردم است و اگر خانواده به چالش کشیده شود، درک‌ها حداقلی می‌شوند. این مسائل بسیار مهم است.

مثال دیگری را عرض کنم؛ من در یکی از بیمارستان‌های بالای شهر تهران به عیادت یکی از دوستانمان رفته بودم. وقت نماز شد و من قصد کردم بروم تا نماز بخوانم. درب نمازخانه طوری بود که ورودی خواهان و برادران نزدیک هم بود. همین که می‌خواستم وارد شوم دیدم یک خانم آنچنانی هم آمد. در ابتدا متوجه نشدم که این خانم با چه هدفی به نمازخانه می‌رود. بنده عقب ایستادم تا ایشان برود و بعد خودم رفتم. خلاصه من نماز را خواندم و با کمال تعجب دیدم که صدای نمازخواندن ایشان [از قسمت بانوان] می‌آید. همان خانمی که با ظاهر آنچنانی آمده بود، داشت نماز می‌خواند. چه چیزی باعث می‌شود شخصی هم اخلاقیات خاصی داشته باشد که کاملاً جلب توجه می‌کند و هم نماز بخواند؟ دلیل این است که ما درک از نماز را حداقلی معنا می‌کنیم. دلیل این نماز هم آن است که احتمالاً این خانم پای منبر حاج‌آقایی بوده یا مثلاً کتابی را مطالعه کرده است.

بنده مورد دیگری را در مشاوه‌ها مشاهده کردم؛ یک خانم آنچنانی بود که دیدم راجع به آخرت سخن می‌گوید. مسأله‌ی او مسأله خلاف شریعتی بود که اتفاق افتاده بود. او از شوهر خود جدا شده بود و مشکلات جدی‌ای پیدا کرده بود؛ اما کتاب آقاجنی قوچانی را مطالعه کرده و راجع به مکاشفات برزخی ایشان اطلاعاتی داشت. احتمالاً آن خانم هم کتابی مطالعه کرده و نمازخوان شده است؛ اما اگر خانواده آنها از حیث عواطف و روابط فریه بود، درک‌ها به این شکل حداقلی نمی‌شد. درک حداقلی منشأ سکولاریسم است و خانواده فروپاشی شده منشأ درک حداقلی است. مدیریت شهری هم خانواده را دچار فروپاشی می‌کند. پس ببینید مدیریت شهری به این معنا امنیت ملی را به چالش کشیده است. البته اگر شما امنیت را به داشتن سلاح و این جور چیزها بدانید، این معنا خیلی جاری نیست؛ اما اگر ریشه امنیت را نگرش‌های مردم می‌دانید، حتماً این عرض بنده جریان پیدا می‌کند.

انتقال از متن

## پرسش و پاسخ

### ۱. اثرگذاری بیشتر رفتار پدر و مادر بر کودک نسبت به گفتار آنها

آقای امین عزیزی: سؤال بنده این است که اصلی‌ترین عامل نگرش‌سازی در خانواده، مجموعه رفتارهای پدر و مادر است و یا آموزش‌هایی که آنها دیده‌اند؟

حجت‌الاسلام کشوری: یک گزاره معروفی است که می‌گوید فرزندان آن چیزی نمی‌شوند که پدر و مادرهای آنها می‌خواهند، بلکه همانطوری که پدر و مادرهای آنها هستند خواهند شد. پیداست که رفتار پدر و مادرها در خانه اصل است. مثلاً وقتی مادری اهل دعا و عبادت است، خب دختر او هم به همان شکل خواهد شد. نمی‌خواهم بگویم که در خانواده آموزش نیست، اما اثر آموزش در تربیت فرزند خیلی حداقلی است، بیشتر رفتارها تأثیرگذار است.

### ۲. لزوم مواظبت بر چهار دوره (انعقاد نطفه تا تولد، تولد تا هفت‌سالگی، هفت‌سالگی تا چهارده‌سالگی و چهارده‌سالگی تا ۲۱ سالگی) به منظور تربیت صحیح فرزندان

آقای سیدمحمدرضا دادمربی: در اصلاح نگرش فرد، خانواده و محیط باید تأثیر بگذارند؟

حجت‌الاسلام کشوری: ما روایات باب تربیت را چهار دسته کرده‌ایم؛ باب اول، روایات آمیزش و انعقاد نطفه است، تربیت از این نقطه شروع می‌شود. خود روایات باب انعقاد نطفه و آمیزش چهار نوع می‌باشند که مهمترین آنها زمان‌های آمیزش است. این موضوعات شخصیت فرزند را شکل خواهند داد. مثلاً علت بسیاری از بیماری‌هایی که در حال حاضر وجود دارد و فرزندان دچار مشکلات جسمی می‌شوند عدم رعایت این موارد است. لذا تربیت به خلاف مشهور از گفتار و گفت‌وگو شروع نمی‌شود. مثلاً در روایت داریم که وقتی می‌خواهید همسر انتخاب کنید، بدانید می‌خواهید مادر فرزندان خود را انتخاب کنید.<sup>۳۵</sup> پس تربیت از انتخاب همسر شروع شده است. یا اینکه در روایت آمده است که وقتی به خواستگاری رفتید، برادرهای دختر را هم ببینید.<sup>۳۶</sup> این توصیه را در روایت به ما کرده‌اند. افرادی که دارای فرزند شده‌اند می‌دانند که دای و خاله بیشترین تأثیر تربیتی را بر روی فرزند دارند؛ یعنی حتی ممکن است مادر خیلی خوب باشد اما برادر و خواهر مادر مشکل داشته باشند. تا جایی که می‌شود باید همسر را از یک خانواده اصیل انتخاب کرد. به دلیل اینکه روابط عاطفی دای خیلی [تأثیرگذار است]. این موارد در روایات موجود است. مثلاً در روایت آمده که با گل مزبله ازدواج نکنید.<sup>۳۷</sup> گل مزبله یعنی دختری که خود او خوب است؛ اما خانواده خوبی ندارد. نه اینکه انجام این نوع ازدواج‌ها حرام است؛ اما کار سخت شده و بعدها باید چالش‌های آن را مدیریت کنید.

همانطور که عرض کردم، طبق فهم ما دوره شکل‌گیری شخصیت چهار دوره است، دوره اول دوره انعقاد نطفه و حمل است که در همین دوره چهار نوع روایت وجود دارد. دوره دوم هفت سال اول است، در هفت سال اول پنج نوع روایت وجود دارد. اینها

۳۵. ومن كلامه ﷺ سماه بعض الشيعة نثر الدرر: ... تجب للولد على والده ثلاث خصال: إختياره لوالديه وتحسين اسمه والمبالغة في تأديبه

امام صادق عليه السلام فرمودند: فرزند سه حق بر گردن پدر دارد: ۱. مادر خوبی برای او انتخاب کند ۲. نام او را نیکو بگذارد ۳. در ادب کردن او مبالغه کند.  
مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار الإحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۵، ص ۲۳۶

۳۶. وهذا الاسناد قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: اختاروا النطفة فان الخال أحد الضجيعين

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: برای نطفه‌هاتان بهترین جایگاه انتخاب کنید (در انتخاب همسر نیکو ببینید) که دای (آنچنان در خلق و خوی به فرزند شما ارتباط مستقیم دارد که گوئی) یکی از دو همخواب است.

مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار الإحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۰، ص ۲۳۶

۳۷. السناني، عن الأسدي، عن سهل، عن أحمد بن بشر الرقي عن يحيى بن المثنى، عن محمد بن أبي طلحة، عن الصادق، عن أبائه عليهم السلام أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال للناس: إياكم وخضراء الدمن، قيل: يا رسول الله وما خضراء الدمن؟ قال: المرأة الحسناء في منبئ السوء.

پیامبر اکرم به مردم گفتند: از بهره‌یزید از خضراء دمن، سؤال شد: خضراء دمن چیست؟ فرمود: زن زیبایی که در چمن زار و یا در گلستان بد، پرورش یافته باشد.

مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار الإحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۰، ص ۲۳۲

جمع‌بندی‌هایی است که ما انجام داده‌ایم و بعدها ممکن است دقیق‌تر هم بشود. دوره سوم، هفت سال دوم است که در آن دوره، شش نوع روایت وجود دارد، یعنی شش دسته توصیه وجود دارد. دوره چهارم هم هفت سال سوم است که این دوره نیز جز دوران شکل‌گیری شخصیت است، در این دوره هفت دسته روایت وجود دارد. هفت سال سوم، هفت سال خیلی سختی است. البته در روایت آمده که عمده‌ی تربیت در هفت سال دوم است؛<sup>۳۸</sup> یعنی هر اتفاقی برای فرزند افتاد دیگر همان خواهند ماند. در هفت سال دوم فرزند شکل می‌گیرد. بعد از دوران شکل‌گیری که فرزند از دست پدر و مادر خارج می‌شود تربیت تا چهل سال به طول خواهد انجامید؛ زیرا تا چهل سالگی دوره تربیت است و انسان می‌تواند بر روی خود کار کند. بعد از چهل سال دیگر خیلی سخت است که انسان خود را تغییر دهد.<sup>۳۹</sup>

در حال حاضر اصلاً فرض بحث این موضوعات نیست، نه در مسجد، نه در هیأت و نه در حوزه علمیه بحث نمی‌شود. این روایات در حال حاضر خاک می‌خورند و راجع به آنها کسی بحث نمی‌کند. چرا بحث نمی‌شود؟ به دلیل اینکه ریاضی ۱، فیزیک ۱ و زیست ۱ و کنکور و این چیزها وقت انسان‌ها را گرفته است. قبلاً بیان کرده‌ایم که در حال حاضر اشغال سن تربیت اتفاق افتاده است؛ نظامات مدرن سن تربیت را اشغال می‌کنند و وقتی سن تربیت اشغال شد دیگر نمی‌توان این مباحث را نیز مطرح کرد. حالا اگر یک وقتی پیش آمد بنده خودم هم علاقه‌مند هستم که این روایات را بخوانیم و فقط طبقه‌بندی کنیم، یک مقدار هم بحث سندی کنیم. مثلاً یکی از مواردی که خیلی بر روی فرزند مؤثر است، تغذیه فرزند در دوران حمل می‌باشد. این روایت را بنده زیاد خوانده‌ام که امام رضا علیه السلام می‌فرماید به مادر در دوران حمل کندر دهید.<sup>۴۰</sup> کندر، فرزند را زکی و باهوش می‌کند و به اصطلاح رکیک امروزی فرزند را پیش فعال می‌کند. فرزندی که دارای پیش‌فعالی است در هفت سال اول کاملاً با دنیای پیرامون خو گرفته و دچار عقده نخواهد شد. زیرا در روایت آمده که اگر بچه خیلی - به اصطلاح امروزی - بازی‌گوش بود، خوشحال باشید زیرا این بچه عاقبت بخیر خواهد شد.<sup>۴۱</sup> اما در حال حاضر بچه را پیش‌دکتر برده و می‌گویند: اینکه پیش‌فعال هست حتماً دارای مشکلی است. نده این حرف را از روی اطلاع بیان می‌کنم. مثلاً دکترها کندر را نفی می‌کنند به دلیل اینکه باعث پیش‌فعالی در فرزند می‌شود. در حالی که قضیه برعکس است. بنده به خانواده‌هایی که این کارها را انجام داده‌اند برخورده‌ام؛ با فرزند آنها در چهار یا پنج سالگی می‌توانید ارتباط جدی کلامی بگیرید و وارد گفت‌وگو شوید. درست است که عقل به او اعطا نشده اما خیلی هوش و قدرت پردازش بالایی دارد. این موارد کارهای جدی‌ای است که باید انجام شود؛ اما الآن به بچه‌ها قطره آهن می‌دهند. این قطره جسم فرزند را به هم خواهد ریخت. در آینده روایات بعد از تولد را نیز خواهیم گفت؛ حضرت فرمود شیر مادر بچه را کفایت می‌کند. ما این موضوع را نیز بررسی کرده‌ایم که وقتی آهن به غذای بچه اضافه می‌شود،

۳۸. عن الصادق علیه السلام قال: دع ابنك بلعب سبع سنين ويؤدب سبعا وأزمه نفسك سبع سنين، فإن فلاح وإلا فلا خير فيه.

امام صادق علیه السلام فرمودند: فرزند را هفت سال رها کند تا بازی کند، هفت سال او را ادب کن و هفت سال او را با خود همراه کن. پس اگر رستگار شد، که رستگار شد؛ اما اگر رستگار نشد خیری در او نیست.

مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار، بیروت، انتشارات دار الإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۹۵

۳۹. وقال صلى الله عليه وآله: إذا بلغ الرجل أربعين سنة ولو يغلب خيره شره قبل الشيطان بين عينيه، وقال: هذا وجه لا يفلح

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می‌فرمایند: زمانی که فرد به ۴۰ سالگی رسید و خیرش بر شرش غلبه نکرد، شیطان میان دو چشم او را بوسیده و می‌گوید: این صورتی است که رستگار نمی‌شود.

طبرسی، فضل بن حسن؛ مشکافا لآنوار، قم، انتشارات دارالحدیث، ج ۱، ص ۲۹۵

۴۰. قال الرضا علیه السلام أطعموا حبلاً لأكبر اللبن، فإن يك في بطنها غلامٌ خرج ذكي القلب عالمًا شجاعاً، وإن تك جاريةٌ حسنَ خلقها وحُلُقها، وعظمت عجزُها، وحظيت عند

زوجهها

امام رضا علیه السلام فرمودند: به زنان باردارتان، کندر بدهید. در اینصورت، اگر آنچه در شکم زن است، پسر باشد، بیدار دل، آگاه و دلیر می‌گردد، و اگر دختر باشد، روی و خوی وی نکو می‌شود و سرین او سترگ می‌گردد و نزد همسرش بهره می‌یابد.

طوسی، محمد بن الحسن؛ تهذیب الاحکام، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۴۴۰

۴۱. قال رسول الله صلی الله علیه وآله: عرامة الصبي في صغره زيادة في عقله في كبره.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند: سرکشی طفل در دوران کودکی مایه فزونی عقل او در بزرگی است.

پاینده، ابوالقاسم؛ نهج الفصاحه، ج ۱۹۴۰

ممکن است در کوتاه‌مدت در فیزیولوژی بدن تغذیه اتفاق بیفتد؛ اما در میان‌مدت بر روی کلیه‌ها رسوب اتفاق می‌افتد و فرزند دچار بیماری‌های ادرای و چالش‌های دیگری خواهد شد، این موارد همه قابل بحث است. مثلاً در روایات باب شکل‌گیری شخصیت بخشی مربوط به باب سفره است، سفره‌ای که مادر می‌چیند، این روایات در تربیت معنا می‌شود؛ وقتی مادر برای فرزندان خود غذا درست می‌کند، او به فرزندان خود غذا نمی‌دهد؛ بلکه غذا را در محبت خود ضرب کرده و به فرزند می‌دهد و اثر تربیتی جدی دارد حالا شما فکر کنید الان به فرزندان فست‌فود می‌دهند. در حال حاضر این موارد اصلاً بحث و گفت‌وگو نمی‌شود.

یکی از حاضرین (۱): آیا با این آثار تربیتی کارهای والدین اختیار انسان به چالش کشیده نشود؟

حجت‌الاسلام کشوری: خیر، در آخر کار اختیار اصل است. این موارد هیچکدام علت تام هدایت فرزند نیستند؛ این موارد باعث می‌شوند که پدر و مادر وظیفه خود را انجام دهند. اما در آخر هدایت به اختیار انسان‌ها برمی‌گردد و در آخر خود فرزند هست که تصمیم می‌گیرد؛ اما در اینصورت دیگر پدر و مادر تقصیری ندارند. این معنا باید در بحث جدی باشد. ممکن است که فرد در آخر یک اختیار منفی اعمال کند اما دیگر از ناحیه پدر و مادر محسوب نمی‌شود. مثلاً شما پسر حضرت نوح علیه السلام را هم دارید که در طرف مقابل حضرت نوح قرار گرفته است. این مورد اصلاً دارای ریشه تربیتی نیست.

و صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ



## پیوست شماره ۱

ششم ذیحجه سال ۱۴۰۷ زائران ایرانی مثل سال‌های قبل، خود را آماده برگزاری مراسم برائت از مشرکان کرده بودند. این مراسم هر سال در طول مراسم حج برگزار می‌شد.

عنوان برائت از مشرکان در آیات متعدد قرآن و در سوره‌هایی مثل نسا، انعام، یونس، حجر، قصص، روم، فصلت، توبه، بینه و احزاب آمده و این عمل ریشه در سنت ابراهیمی دارد. برابر با مفاد آیات سوره ممتحنه برای اولین بار حضرت ابراهیم بیزاری خود را از مشرکان و بت‌هایی که مورد پرستش قرار می‌دادند اعلام کرد.

در تاریخ اسلام هم زمانی که مکه از سوی مسلمانان فتح شد، برخی مشرکان پیمان عدم تعرضی را که میان آنان و رسول اکرم صلی الله علیه و آله بسته شد نقض کردند. پس از این واقعه بود که سوره برائت نازل شد و حضرت علی بن ابیطالب رضی الله عنه به دستور پیغمبر، این آیات را در مراسم حج سال نهم هجری برای حاضران خواندند.

این شیوه اعلام برائت از عملکرد مشرکانه در سیره ائمه معصومین هم استمرار پیدا کرد. سال ۵۸ هجری امام حسین رضی الله عنه در مراسم حج از طغیانگری معاویه گفت و از زائران خواست پیام او را به دیگران برسانند.

این عمل سال ۶۰ هم تکرار شد. زمانی که یزید بن معاویه بر جای پدر نشست، امام حسین رضی الله عنه با استفاده از موقعیت حج، جفاکاری این خلیفه به ناحق را برای حجاج تشریح کرد. امام سجاد رضی الله عنه هم در مواجهه با عبدالملک مروان خلیفه اموی در مراسم حج از مفاسد هیات حاکمه گفت. این سنت اسلامی در دوره‌های پرفراز و نشیب تاریخ تشیع با شدت و ضعف‌هایی تکرار شد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی رضی الله عنه به استناد این سیره علوی طی پیامی موقعیت خطیر جهان اسلام را متذکر شد و از حجاج بیت‌الله الحرام خواست در این همایش بزرگ مسائل و مشکلات جهان اسلام را بازگو کنند.

از آن پس بود که مراسم برائت از مشرکان از سوی زائران ایرانی همه ساله و پیش از شروع مراسم حج برگزار می‌شد. زائرانی از ایران و دیگر کشورها طی این سال‌ها ضمن برگزاری راهپیمایی آرام و سردادن شعارهایی علیه آمریکا و اسرائیل به عنوان مسببان اصلی تیره‌روزی‌های مسلمانان جهان از محل استقرار خود حرکت می‌کردند و آرام به محل معینی که از قبل تعیین شده بود می‌آمدند و بعد از سخنرانی مدعویین و قرائت بیانیه مراسم، بدون کوچک‌ترین تنش‌ی به محل استقرار خود برمی‌گشتند.

این روال تا سال ۶۶ ادامه داشت. در عین حال اختلافات سیاسی و مذهبی موجود میان ایران و عربستان برگزاری مراسم را با واکنش‌هایی مواجه کرده بود. انقلاب اسلامی با شعار برابری و مبارزه با استعمار و استبداد و مخالفت با سلطه آمریکا و نفوذ صهیونیسم در خاورمیانه به پیروزی رسیده بود. بسیاری از کشورهای حاشیه خلیج فارس با وجود اینکه در دوران پهلوی همواره از این رژیم به عنوان رقیبی سرسخت در منطقه یاد می‌کردند اما بعد از جایگزینی نظام جمهوری اسلامی ایران به جای نظام قبلی، بیش از گذشته احساس ترس و خطر می‌کردند. شعارهای انقلابی که از سوی رهبر انقلاب و کارگزاران نظام سر داده می‌شد، باعث ترس و دلهره زامداران عرب منطقه و شیوخ حاکم کشورهای حاشیه‌ای خلیج فارس شده بود. با گسترش فرهنگ و مبانی انقلاب اسلامی نسیم دگرگونی‌ها در منطقه وزیدن گرفت و برخی صداهای مخالف که خواهان تغییر بودند در برخی کشورهای عربی به گوش می‌رسید. این پدیده البته با واکنش‌های تند زامداران عرب همراه بود. از همان زمان که بحث اعلام برائت از مشرکان با استفاده از مراسم حج از سوی امام رضی الله عنه مطرح شد، سازهای مخالف نواخته شد و برخی علمای سلفی هم برای اینکه مراسم را به لحاظ دینی کم اعتبار کنند به بحث و بررسی درباره مبانی علمی و فقهی فتاوی امام رضی الله عنه پرداختند.

روحانیون حجاز از همان ابتدا اعلام کردند برگزاری مراسمی با عنوان برائت از مشرکان اگر هم ریشه در سنت و سیره پیامبر داشته باشد، عملی انفرادی است و نباید به صورت راهپیمایی و برگزاری تجمع باشد و مسلمانان نباید در ایام حج جدال کنند و ایجاد مزاحمت برای دیگر حاجیان بدعتی در دین است.

این روال با همه افت و خیرهایی که داشت هر سال، ششم ذیحجه برگزار می‌شد. گرچه تا آن موقع، زائران ایرانی از آزار و اذیت مأموران سعودی در امان نبودند و اخباری مبنی بر دستگیری و ایجاد مزاحمت برای زوار ایرانی به جرم سردادن شعارهای ضد آمریکایی و ضداسرائیلی در طول مراسم حج منتشر می‌شد، اما همه این اتفاقات ششم ذیحجه ۱۴۰۷ برابر با نهم مرداد ۱۳۶۶ رنگ و چهره‌ای تازه یافت. در این سال دولت عربستان سعودی تدارک تازه‌ای برای برخورد با زائران ایرانی در نظر گرفته بود. برخورد سعودی‌ها در ساعات مانده به برگزاری مراسم شکل جدید پیدا کرده بود و نشانه‌ها حاکی از این بود که مراسم برائت از مشرکان امسال با سال‌های گذشته فرق دارد. روز قبل از مراسم بهداری‌های مکه از پذیرش بیماران ایرانی خودداری کردند. در مسیر حرکت راهپیمایان هم از بام‌ها سنگ و آجر به سمت حجاج پرتاب می‌شد. آرایش پلیس عربستان سعودی به‌گونه‌ای بود که گویی آماده برخورد با برگزارکنندگان تجمعات اعتراضی است.

برنامه راهپیمایی ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه شروع شد. زائران ایرانی و خارجی با پلاکاردهایی که مضامین ضدآمریکایی و اسرائیلی داشت به سمت محل معین حرکت می‌کردند و آرام شعار می‌دادند. بعد از رسیدن راهپیمایان به محل مورد نظر، ابتدا پیام امام علیه السلام به کنگره حج خوانده شد و سپس سخنرانی نماینده امام شروع شد. ساعت ۱۸ و ۱۰ دقیقه که سخنرانی در حال اتمام بود زائران به آرامی برای مراجعه به محل استقرار خود به سوی سه راهی شعب ابوطالب در حال حرکت بودند. ۱۸ و ۴۰ دقیقه پایان مراسم اعلام و بی‌مقدمه حمله نیروهای پلیس به تجمع‌کنندگان شروع شد. پلیس سعودی باتون به دست حجاج را مورد حمله قرار داد. از ساختمان‌های اطراف هم سنگ و آجر به سمت حجاج پرتاب می‌شد. کمی بعد پلیس سعودی با گازهای سمی و خفه‌کننده و شلیک رگبار، زائران را مورد هدف قرار داد.

تلفات لحظه به لحظه افزایش پیدا می‌کرد و زائرانی که خود را به محل استقرارشان رسانده بودند هم وضع مناسبی نداشتند چون محل اقامت آنان از سوی نیروهای سعودی محاصره شده بود و این محاصره تا ساعت ۱۱ شب ادامه داشت.

پس از حادثه ذیحجه ۱۴۰۷ / مرداد ۱۳۶۶، با توجه به عظمت واقعه و میزان تلفات مردم عادی و بی‌دفاع و همچنین سوابق مراسم برائت از مشرکان که به آرامی برگزار شده بود، مرتکبان حادثه خود را مجبور به توضیح دیدند و حجاج را به اخلاگری و ایجاد آشوب متهم کردند. بعد از این حادثه و بالا بودن میزان تلفات زائران که عمدتاً از جانبازان و زنان بودند، دولت عربستان سعودی در واکنشی فرافکنانه حجاج ایران را متهم به اخلاگری و ایجاد آشوب کرد و در دفاع از اقدام خود مدعی شد نیروی پلیس این بار هم مثل دفعات قبل برای حفاظت از مراسم در محل معین مستقر شده بود و ایرانی‌ها بی‌مقدمه با سلاح سرد به سمت نیروهای پلیس یورش بردند و اقدام به ضرب و شتم آنان کردند. ادعای دیگر پلیس این بود که نیروها به هیچ‌وجه برای مقابله با این اقدام حجاج ایرانی از اسلحه استفاده نکردند. مدعیاتی از این نوع بلافاصله بعد از انتشار عکس‌ها و فیلم‌های آن از سوی ناظران بی‌طرف، بی‌اعتبار عنوان شد.

در بیانیه رسمی وزارت کشور سعودی در هشتم ذیحجه، آمار تلفات این حادثه ۴۰۲ کشته اعلام شد که ۲۷۵ نفر آنان ایرانی و نیمی از آنان زن بودند و ۶۴۹ زخمی. آمار اعلام شده البته از سوی ایران مورد تشکیک واقع شد و منابع ایرانی از کشته‌شدن ۳۲۵ نفر با تفکیک ۲۰۳ زن و ۱۲۲ مرد خبر دادند.

هاشمی‌رفسنجانی در خاطرات سال ۶۶ خود به موضوع جمعه خونین مکه اشاراتی دارد. او در روزنوشت بیست و پنجم مرداد نوشته است:

عصر آقای خلیلی، منشی کمیسیون دفاع آمد و در این باره (حادثه مکه) گزارش داد. او از مسئولان کاروان جانبازان و خانواده‌های شهدا در صف مقدم بود و نیم ساعت اول را در درگیری حضور داشته است... از پیش قرآینی وجود داشت که





عربستان درگیری به وجود خواهد آورد و درگیری با پرتاب سنگ از پارکینگ طرف دست چپ جمعیت آغاز شده و سپس حمله با چوب و سپس تیراندازی و استعمال گاز (اشک‌آور) و عده‌ای از شهدا در زیر دست و پا شهید شده‌اند و از طرف ایرانی‌ها، دفاع متفرقه‌ای انجام شده است. چون دستوری نبوده و هرکسی با تصمیم خود عمل می‌کرده و از چوب و سنگ و میله‌های آهنی استفاده شده است.

امام خمینی علیه السلام در واکنش به این حادثه خونین و برای نشان دادن مظلومیت ملت ایران، آل سعود را جهت تصدی امور کعبه و حج بی‌لیاقت دانست و در پیامی که دهم مرداد ۱۳۶۶ مصادف با هفتم ذیحجه ۱۴۰۷ هجری قمری خطاب به نماینده خود و سرپرست حجاج ایرانی صادر کرد، اعلام کرد: «آنها به دست خود اسباب افتضاح و رسوایی خود را فراهم کردند ... ما اگر می‌خواستیم به جهان اسلام ثابت کنیم که کعبه‌داران کنونی لیاقت میزبانی سربازان و مهمانان خدا را ندارند و جز تأمین آمریکا و اسرائیل و تقدیم منافع کشورشان به آنها کاری از دستشان بر نمی‌آید، به این خوبی نمی‌توانستیم بیان کنیم ... و به این اندازه که کارگزاران بی‌اراده حاکمیت سعودی در این قساوت و بی‌رحمی عمل کردند، موفق نمی‌شدیم.»

بعد از حادثه جمعه خونین مکه روابط سیاسی ایران و عربستان دستخوش تحولاتی شد. دو کشور قطع رابطه سیاسی کردند و حتی در مراسم حج زائران ایرانی هم وقفه افتاد. مراسم برائت از مشرکان پس از توقف در سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹ و علی‌رغم تنگناها و تحریم‌ها، از ۱۳۷۰ مجدداً در مکه انجام شد. سال ۱۳۷۰، ششم ذیحجه ۱۴۱۱، در مقابل بعثه آیت‌الله خامنه‌ای و سال ۱۳۷۱، ششم ذیحجه ۱۴۱۲ در اطراف بعثه آیت‌الله خامنه‌ای و از سال ۱۳۷۲ / ۱۴۱۳ به بعد و بعد از بحث و بررسی توافقات صورت گرفته از سوی دولت هاشمی در سال ۱۳۷۰ با دولت سعودی برای برگزاری مراسم برائت، در منی و عرفات برگزار شد.<sup>۴۲</sup>

## فهرست تفصیلی مطالب

۱. تبیین نگاه مطلوب مدیریت شهری، شناسایی معضلات تهدیدکننده‌ی محلات و تهیه شناسنامه نیازهای چهارگانه خانوار؛ سه دستور کار فعلی برای تغییر مدیریت شهری..... ۱
- ۱/۱. مدیریت شهری به محوریت محلات (محل به معنای محل تأمین هرم نیازهای خانوار)؛ تعریف مطلوب مدیریت شهری با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی..... ۱
- ۱/۲. لزوم انجام سه کار در حال حاضر برای پیگیری تعریف مطلوب مدیریت شهری در عرصه اجرا..... ۲
- ۱/۲/۱. تبیین گسترده معنای مطلوب مدیریت شهری؛ اولین فعالیت لازم برای پیگیری تعریف مطلوب مدیریت شهری در عرصه اجرا..... ۲
- ۱/۲/۲. شناسایی معضلات تهدیدکننده‌ی محلات؛ دومین فعالیت لازم برای پیگیری تعریف مطلوب مدیریت شهری در عرصه اجرا..... ۳
- ۱/۲/۳. تهیه شناسنامه هرم نیازهای چهارگانه افراد؛ سومین فعالیت لازم برای پیگیری تعریف مطلوب مدیریت شهری در عرصه اجرا..... ۴
۲. مدیریت شهری فعلی؛ ریشه ایجاد سکولاریسم (درک حداقلی از دین) در جامعه به دلیل ضربه‌زدن این نوع از مدیریت به نهاد خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد تربیتی و انتقال‌دهنده‌ی معارف بلند دینی به افراد..... ۴
- ۲/۱. سکولاریسم (درک حداقلی از دین)؛ ثمره مدیریت شهری فعلی..... ۴
- ۲/۱/۱. عدم فهم حج ابراهیمی (حج به قصد برائت از مشرکین) و رفتن به حج برای زیارت و کسب ثواب حج؛ نمونه‌ای از درک حداقلی دین..... ۴
- ۲/۱/۲. عدم فهم معنای عمیق زیارت امام (رفتن برای نصرت و امداد به امام) و زیارت معصوم به قصد کسب آرامش و سکینه و حل‌شدن مشکلات؛ نمونه‌ای دیگر از سکولاریسم و درک حداقلی از دین..... ۵
- ۲/۱/۳. عدم فهم معنای عمیق نماز (طلب هدایت به ولایت امیرالمؤمنین<sup>علیه السلام</sup>) و نماز خواندن در پشت سر خلفای جور؛ نمونه‌ای دیگر از درک حداقلی از دین..... ۷
- ۲/۱/۴. امضای برجام و مطرح‌کردن مسأله برد - برد و دادن امتیاز به استکبار جهانی توسط دولت یازدهم؛ نمونه‌ای دیگر از سکولاریسم و درک حداقلی از دین..... ۷
- ۲/۲. ضربه‌زدن به نهاد اصلی تربیت (نهاد انتقال‌دهنده‌ی مفاهیم عمیق دین و بازدارنده از سکولاریسم) توسط مدیریت شهری فعلی؛ دلیل نهادینه‌شدن سکولاریسم در مدیریت شهری فعلی..... ۹
۳. به چالش کشیدن امنیت ملی؛ یکی دیگر از معایب مدیریت شهری فعلی..... ۹
- ۳/۱. مردمی‌بودن امنیت کشور ایران و موفقیت مدل مردمی؛ ویژگی مدل امنیتی کشور ایران..... ۹
- ۳/۲. هم‌سو بودن نگرش‌های مردم با ولی جامعه و انقلاب اسلامی؛ عامل حضور آنها در دفاع از کشور و به چالش کشیدن شدن این امر توسط مدیریت شهری فعلی به دلیل ضربه‌زدن به نهاد اصلی شکل‌دهنده‌ی نگرش افراد یعنی خانواده..... ۱۱
- ۳/۲/۱. تصرف آمریکا بر کشور عراق با وجود عزیمت ۱۵ میلیون زائر در اربعین به این کشور و عدم مقابله این جمعیت با استکبار به دلیل حداقلی‌شدن درک افراد از امام حسین<sup>علیه السلام</sup>؛ نمونه‌ای از به خطر افتادن امنیت در صورت شکل‌گیری نگرش‌های غلط در افراد..... ۱۲
- پرسش و پاسخ..... ۱۵
۱. اثرگذاری بیشتر رفتار پدر و مادر بر کودک نسبت به گفتار آنها..... ۱۵
۲. لزوم مواظبت بر چهار دوره (انعقاد نطفه تا تولد، تولد تا هفت‌سالگی، هفت‌سالگی تا چهارده‌سالگی و چهارده‌سالگی تا ۲۱ سالگی) به منظور تربیت صحیح فرزندانش..... ۱۵
- پیوست شماره ۱..... ۱۸



## فهرست تفصیلی مطالب

جلسه اول: لزوم اجتناب از مدیریت تحقیقات غربی در فهم الگوی پیشرفت و تفکر بر روی مسأله الگو در پنج مرحله؛ لازمه اول ورود به مباحث مدیریت شهری ..... ۱

۱. ارائه تعریف جدید از مدیریت شهری، تعریف مفهوم محله و مشخص کردن نقاط شروع مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی؛ سرفصل‌های سه‌گانه نشست روزه تبیین مفهوم مدیریت شهری ..... ۵

۲. لزوم اجتناب از روش‌های مرسوم مدیریت تحقیقات در فهم مباحث الگوی پیشرفت اسلامی به دلیل نیازمندی الگو به فهم و تفکر عمیق و ناتوانی روش‌های فعلی مدیریت تحقیقات در متفکر کردن افراد ..... ۹

۳. تفکر در پنج مرحله بر روی موضوعات (حسن‌الإستماع، تضارب، کتابت، نظام مقایسه و حسن‌السؤال) در عوض استفاده از روش مدیریت تحقیقات؛ مقدمه اول فهم مباحث الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۱۲

جلسه دوم: فهم معنای نمونه‌سازی با نگاه الگوی پیشرفت و بررسی نمونه‌سازی‌های انجام شده بر اساس نگاه الگو؛ لازمه دوم فهم مباحث الگوی پیشرفت و مدیریت شهری ..... ۳۱

۱. لزوم نمونه‌سازی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی به منظور ارتقا ظرفیت تفاهم حول مفاهیم بنیادین الگوی پیشرفت اسلامی و ایجاد اشتیاق در نخبگان برای پیگیری مباحث بنیادین ..... ۳۵

۲. نوشتن برنامه‌ی بهبود برای موضوعات جهت‌ساز توسط نظام برنامه‌ریزی کشور؛ اولین نمونه‌سازی با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم) ..... ۳۹

۳. مدیریت شهر به محوریت محلات و تأمین نیازهای چهارگانه‌ی خانواده‌ها در محله؛ دومین نمونه‌سازی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۴۹

جلسه سوم: ارتقا امر تربیت؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۶۵

۱. استفاده از مدیریت تحقیقات مبتنی بر الگوی پیشرفت اسلامی، نمونه‌سازی با نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛ دو لازمه مورد نیاز برای ورود به بحث تبیین مفهوم مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۶۹

۲. ضرورت تبیین فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی و ترسیم فلسفه‌ای از مدیریت شهری برای مدیران شهرها؛ پیش‌نیاز تبیین مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۷۴

۳. ارتقا امر تربیت؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۷۵

جلسه چهارم: تأمین نیازهای خانوار در محله به عنوان یکی از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده (نهاد اصلی متکفل تربیت)؛ ارتباط بین مدیریت شهری و ارتقا امر تربیت ..... ۹۷

۱. ارتقا امر تربیت؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۱۰۱

۲. لزوم مدیریت عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده به عنوان نهاد اصلی متکفل امر تربیت؛ مقدمه‌ای برای تبیین ارتباط بین مدیریت شهری و امر تربیت ..... ۱۰۲

۳. تأمین نیازهای هرم نیازهای چهارگانه خانوار در محله به عنوان یکی از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده؛ ارتباط بین تربیت و مدیریت شهری ..... ۱۰۸

جلسه پنجم: مدیریت شهر به محوریت محلات (محل به معنای محل تأمین نیازهای خانوار)؛ تعریف مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۱۲۱

۱. ارتقا امر تربیت؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت به دلیل زیرساخت بودن موضوع تربیت برای همه موضوعات جهت‌ساز ..... ۱۲۵

۲. لزوم کنترل عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده به عنوان نهاد اصلی متکفل تربیت؛ مقدمه تبیین ارتباط مدیریت شهری و امر تربیت ..... ۱۲۶

۳. مدیریت شهری؛ مؤثرترین عامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده به دلیل تعیین مدل تأمین نیازهای توسط مدیریت شهری و اثرگذاری مستقیم مدل تأمین نیازها بر روی نهاد خانواده ..... ۱۳۳

۴. مدیریت شهر به محوریت محلات (محل به معنای محل تأمین هرم نیازهای خانوار)؛ تصویر مطلوب مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۱۳۶

جلسه ششم: نیاز و مدل تأمین آن؛ شاهراه هدایت انسان‌ها به سمت خدا و لزوم بازتعریف هرم نیازهای خانوار بر اساس این تعریف از نیاز ..... ۱۴۹

۱. مدیریت شهر به محوریت محلات برای تقویت نهاد خانواده به عنوان نهاد متکفل تربیت و توجه به امر تربیت و سود اجتماعی در عوض توجه به سود اقتصادی؛ فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۱۵۳

۲. افزایش تعارف و سود بردن از کارکردهای این مسأله؛ فایده مدیریت شهری محلّه‌محور برای خود مدیریت شهری ..... ۱۵۴

۳. مدل تأمین نیازها؛ شاهراه هدایت یا ضلالت افراد و لزوم بازتعریف هرم نیازهای به محوریت تأمین نیازهای چهارگانه انسان در راستای هدایت ..... ۱۵۷

۴. تأثیرگذاری مستقیم مدل تأمین نیازها بر هدایت یا ضلالت افراد به دلیل اثرگذاری این مدل بر زیرساخت خدایپرستی یعنی مسأله تربیت؛ دلیل تعریف محلّه به محل تأمین نیازهای خانوار ..... ۱۶۵

جلسه هفتم: رفع اصطکاک میان اراده‌ها و جلوگیری از ایجاد چالش در میان افراد از طریق بهبود روابط انسانی؛ مدل مطلوب تأمین نیازهای تفریحی ..... ۱۷۷

۱. مدیریت محلّه‌محور (تأمین نیازهای خانوار در محلّه)؛ تعریف مطلوب مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی بر مبنای فلسفه مدیریت شهری ..... ۱۸۱

۲. مدل تأمین نیاز؛ شاهراه هدایت یا ضلالت انسان‌ها و لزوم بازتعریف هرم نیازهای خانوار و مدل تأمین این نیازهای در جهت ارتقای توحید ..... ۱۸۲

۳. ایجاد نکردن عقده‌های روحی و روانی برای افراد از طریق عدم سخت‌گیری در هفت‌سال اول زندگی، بهبود روابط انسانی فرد در هفت‌سال دوم زندگی؛ تعریف تفریح در راستای ارتقا توحید انسان‌ها ..... ۱۸۷

جلسه هشتم: راه‌اندازی الگوهای تولید خانوادگی به محوریت صلّه رحم؛ مدل مطلوب تأمین نیازهای شغلی و رفع تعارض منافع کارگر و کارفرما در این مدل ..... ۲۱۱

۱. لزوم بازتعریف هرم نیازهای خانوار به دلیل جهت‌دهی نیازهای افراد به زندگی آنها و ارتقا توحید یا شرک در افراد ..... ۲۱۵

۲. عدم ایجاد چالش روحی در افراد در هفت سال اول زندگی و جلوگیری از اصطکاک انسان‌ها با بهبود روابط انسانی در هفت سال دوم زندگی؛ تعریف حداکثری مفهوم تفریح ..... ۲۱۷

۳. سازماندهی افراد بر مبنای تحریک حرص و تحریک مادی، ایجاد تعارض بین منافع کارگر و کارفرما؛ دو اشکال عمده مدل‌های فعلی تأمین هرم نیازهای شغلی ..... ۲۲

۴. بنگاه‌های تولیدی خانوادگی؛ راه حل الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت برای حل مشکلات دوگانه‌ی مدل‌های اشتغال فعلی ..... ۲۲۹

۵. جلوگیری از اصطکاک بین اراده‌ها به عنوان یکی از احکام بنیادین اسلامی؛ ملاک اصلی بازتعریف هرم‌های چهارگانه نیازهای خانوارها ..... ۲۳۲

### **جلسه نهم: رفع اصطکاک اراده‌ها از طریق آموزش ایثار به دانش‌آموزان؛ مدل مطلوب تأمین نیازهای تحصیلی ۲۴۵**

۱. مدل تأمین نیازها؛ شاهره هدایت انسان‌ها به دلیل تفکر دائمی افراد به نیازهای خودشان و تأثیر مستقیم و بسیار بالای تفکر بر هدایت افراد ..... ۲۴۹

۲. رفع اصطکاک بین اراده‌ها از طریق انتقال مفهوم ایثار به دانش‌آموزان؛ تصویر مطلوب مدل تأمین نیازهای تحصیلی ..... ۲۵۳

### **جلسه دهم: جلوگیری از استثمار و اصطکاک اراده‌ها از طریق تأمین نیازهای روزمره به محوریت زهد؛ مدل مطلوب تأمین نیازهای روزمره ..... ۲۶۳**

۱. ضرورت بازتعریف مدل تأمین نیازهای انسان‌ها به منظور رفع اصطکاک اراده‌ها و در نتیجه تسریع روند پیشرفت کشور ..... ۲۶۷

۲. هدایت‌بنیان‌بودن اداره‌ی جامعه در اسلام؛ مقدمه بازتعریف مدل تأمین نیازهای روزمره ..... ۲۶۹

۳. ضرورت بازتعریف مدل تأمین نیازهای روزمره به محوریت زهد به دلیل مشغول‌شدن فکر افراد به مصرف در مدل فعلی تأمین نیازهای روزمره و در نتیجه عدم امکان هدایت انسان‌ها در اثر مشغول‌شدن فکر آنها ..... ۲۷۳

۴. جلوگیری از استثمار افراد از طریق پرورش زهد در آنها؛ جایگاه مدل تأمین نیازهای روزمره در رفع اصطکاک اراده‌ها به عنوان محور اصلی بازتعریف هرم نیازهای خانوار ..... ۲۸۳

### **جلسه یازدهم: تبیین نگاه مطلوب مدیریت شهری، شناسایی معضلات تهدیدکننده‌ی محلات و تهیه شناسنامه نیازهای چهارگانه خانوار؛ سه دستور کار فعلی برای تغییر مدیریت شهری ..... ۳۰۳**

۱. تبیین نگاه مطلوب مدیریت شهری، شناسایی معضلات تهدیدکننده‌ی محلات و تهیه شناسنامه نیازهای چهارگانه خانوار؛ سه دستور کار فعلی برای تغییر مدیریت شهری ..... ۳۰۷

۲. مدیریت شهری فعلی؛ ریشه ایجاد سکولاریسم (درک حداقلی از دین) در جامعه به دلیل ضربه‌زدن این نوع از مدیریت به نهاد خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد تربیتی و انتقال‌دهنده‌ی معارف بلند دینی به افراد ..... ۳۱۰

۳. به چالش کشیدن امنیت ملی؛ یکی دیگر از معایب مدیریت شهری فعلی ..... ۳۱۵



بیت‌الله  
رام‌خانه  
مقام عظیم ولایت

در شهر اسلامی، عدالت در تقسیم  
خدمات شهری، تأمین آرامش روحی  
و امنیت معنوی، ظهور و اعتلای  
مظاهر اسلامی و انقلابی، عمران و  
آبادی و زیبایی، حفظ طبیعت و  
صفای طبیعی، همه با هم باید مورد  
توجه قرار گیرد

۸ اردیبهشت ۱۳۷۸ به مناسبت آغاز به کار شوراهای اسلامی